

استراتژی پیرامونی اسرائیل

محمد تقی تقی پور

موسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی


بسم الله الرحمن الرحیم

استراتژی پیرامونی اسرائیل: اسرار عملیات مشترک موساد، ساواک، سرویس های اطلاعاتی ترکیه و اتیوپی در خاورمیانه و آفریقا

نویسنده:

محمدتقی تقی پور

ناشر چاپی:

موسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

استراتژی پیرامونی اسرائیل: اسرار عملیات مشترک موساد، ساواک، سرویس های اطلاعاتی ترکیه و اتیوپی در خاورمیانه و آفریقا

مشخصات کتاب

سرشناسه : تقی پور، محمدتقی، ۱۳۳۹-

عنوان و نام پدیدآور : استراتژی پیرامونی اسرائیل: اسرار عملیات مشترک موساد، ساواک، سرویس های اطلاعاتی ترکیه و اتیوپی در خاورمیانه و آفریقا/ محمدتقی تقی پور.

مشخصات نشر : تهران: موسسه مطالعات و پژوهش های سیاسی، ۱۳۸۳.

مشخصات ظاهری : ۶۲۹ ص.:نقشه (یک نقشه رنگی تاشده).

شابک : ۵۰۰۰۰ریال(گالینگور)،۴۰۰۰۰(شومیز)

یادداشت : پشت جلد به انگلیسی: Mohammad Taghi Taghipour. Israel periphery strategy.

یادداشت : کتابنامه: ص. [۶۰۳] - ۶۰۹؛ همچنین به صورت زیرنویس

موضوع : سازمان اطلاعاتی.

موضوع : سازمان اطلاعاتی -- اسرائیل.

موضوع : موساد، Israel. Mosad.

موضوع : اسرائیل -- روابط خارجی.

شناسه افزوده : موسسه مطالعات و پژوهش های سیاسی

رده بندی کنگره : JF۱۵۲۵/س ۲ت ۷

رده بندی دیویی : ۳۲۷/۱۲

شماره کتابشناسی ملی : م ۸۳-۲۱۶۹

ص: ۱

اشاره

فهرست مندرجات

ص: ۴

ص: ۷

ص: ۸

مقدمه

کتاب حاضر، دستاورد کوششی مستمر در بازبینی و بازخوانی اسرار تکاپوی اطلاعاتی و جاسوسی اسرائیل در بسیاری از کشورهای حوزه مدیترانه، منطقه خاورمیانه و به بیانی درست تر و جامع تر، قاره آسیا و آفریقاست.

مباحث مختلف این کتاب، مستند به ده ها منبع یهودی - اسرائیلی و غربی است؛ به گونه ای که گزارش ها، اطلاعات و اعترافات سَرِجاسوسان صهیونیست و کهنه کاران عرصه های اطلاعاتی و سیاسی غرب با محتوای آن پیوند خورده است. مع الوصف، اعتبار، اتقان و ارزش

داده ها، متکی به اسناد و مدارک طبقه بندی شده سازمان اطلاعات و امنیت کشور در دوران

سلطنت پهلوی، با نام مخفف و مشهور ساواک است، که اساسا این اثر، حول محور آنها نگارش یافته است. اسنادی که با بیش از سی یا چهل سال قدمت، برای اولین بار از پَسِ پرده

تاریخ بیرون آمده اند تا درباره یکی از مسایل بسیار مهم منطقه خاورمیانه و بلکه جهان، با نسل امروز، بی پرده و صریح سخن بگویند.

قلمرو جغرافیایی این اثر، منحصر به تعدادی از کشورهای حاشیه یا پیرامون سرزمین فلسطین که امروز در تاریخ پردازی غربی و صهیونی، آن را اسرائیل می نامند، نیست؛ اما به نظر می رسد، عنوان استراتژی پیرامونی برای کتاب، به دلیل سابقه ذهنی و آشنایی کارشناسان، صاحبان نظر و بسیاری از مخاطبان با موضوع، قابلیت آن را دارد، اسرار عملیات پنهان و

فراپیرامونی صهیونیسم را نیز پوشش دهد.

عصر ما و نسل ما، آگاهی و آشنایی با اسرار ناگفته و پنهان تاریخ معاصر را، مرهون نهضتی به پرچمداری بزرگمردی از سلاله پاکان و صالحان روی زمین است. نهضتی که

پایگاه توطئه جهانی را در این سرزمین برچید و طومار سردمداران جهانی و محلی فتنه را درهم پیچید. به اعتراف برخی کهنه کاران عرصه سیاست، از پیامدهای این نهضت، سقوط کانون موفقیت آمیز سیاست حاشیه ای(۱) بود.

این کانون متشکل از چند سرویس جاسوسی و اطلاعاتی با همراهی و هدایت موساد، در خدمت دکترین حاشیه ای یا همان استراتژی پیرامونی اسرائیل بود. شاه ایران به دنبال انقلابی مردمی سرنگون شد، و این، بیش از هر چیز ضربه ای بود که بر پیکر آمریکا و سپس اسرائیل

وارد آمد.(۲) سقوط سلطنت و پیروزی انقلاب، برای جامعه اطلاعاتی صهیونیسم و غرب، بسیار غیرمنتظره، ناگوار و تکان دهنده بود. رئیس سیا در آن دوران، با اشاره به ناتوانی و عجز این سازمان مخوف جاسوسی و اطلاعاتی، در پیش بینی سقوط پایگاه غرب و صهیونیسم در ایران، اعتراف کرده است:

«روز ۱۱ نوامبر ۱۹۷۸ [۲۰ آبان ۱۳۵۷] پاکتی از کاخ سفید به اداره مرکزی سیا رسید که روی آن نوشته بود: فقط توسط رئیس سیا گشوده شود. و موقعی که پاکت را باز کردم، یک یادداشت کوتاه از پرزیدنت کارتر در آن دیدم که به خط خودش چنین نوشته بود:

به: سایروس، زبیک، استان

من از کیفیت کار سیستم اطلاعات سیاسی خودمان رضایت ندارم. مسائل دوباره بررسی شود و هر چه زودتر راجع به مقدورات و توانایی های ما در مهمترین منطقه جهان گزارش بدهید. پس

از مشورت بین خودتان نیز روش هایی پیدا کنید که بتوانید ضمن افزودن به توانایی خویش،

اطلاعات سیاسی و آگاهی های لازم را در اختیار من نیز قرار دهید.

جیمی کارتر»

رئیس جمهور گرچه علاوه بر من، در یادداشت خود وزیر خارجه و مشاور امنیت ملی را هم مخاطب قرار داده بود، ولی واقعیت امر این بود که پرزیدنت کارتر با ارسال چنین

یادداشتی می خواست تلویحا به من بفهماند که از گزارش ها و تحلیل های سیا درباره اوضاع

ایران به هیچ وجه رضایت ندارد.

یادداشت پرزیدنت کارتر در حکم ضربه ای سخت بود که بر ارکان سیا وارد می آمد. [این

۱- . یـان بلک و بنی موریس، جنگ های نهانی اسـرائیل، ترجمه جمشـید زنگنه، دفتر نشـر فرهنگ اسـلامی، چاپ اول ۱۳۷۲، ص ۴۰۳.

۲- . همان منبع.

در حالی بود که] حدود یک هفته قبل از آن، رئیس جمهور ضمن یک گفت و گوی خصوصی با من، کارهایم را مورد ستایش قرار داده و گفته بود که میل دارد ریاست سیا تا مدت های مدید همچنان در دست من [استانسفیلد ترنر] باشد.(۱)

ترنر نه فقط به اطلاعات و تحلیل مأموران و جاسوسان کهنه کار سیا بیش از اندازه اطمینان و تکیه داشت، بلکه پایه قدرت شاه و سلطنت پهلوی را متکی بر ارتش و ساواک ارزیابی کرده

بود که هر دو کاملاً مورد حمایت آمریکا و اسرائیل بودند.

آنچه سیا طی پاییز ۱۹۷۸ [۱۳۵۷] در ایران می دید فقط شاهی بود که علی رغم وجود گروه های مخالف، هنوز کنترل کامل او را بر ارتش نیرومند، قوای پلیس و سرویس مخفی اطلاعاتی (ساواک) نمی شد مورد تردید قرار داد.(۲)

این بود که سقوط نظام شاهنشاهی، طبق اعتراف آگاهان در غرب، سرویس های اطلاعاتی غرب و اسرائیل و فراتر از همه آنها، سرویس اطلاعاتی صهیونیسم جهانی را دچار شوک و پریشانی بی اندازه(۳) نمود.

ناتوانی و ضعف سرویس های اطلاعاتی و جاسوسی صهیونیسم و غرب، در درک و تشخیص پیروزی قریب الوقوع انقلاب اسلامی و سقوط سلطنت تا آن اندازه بود که حدود چند ماه قبل از این رویداد بزرگ تاریخی، ده ها فروند جنگنده اف ۱۴ به ایران تحویل داده

بودند. به نوشته آری بن منشه نویسنده یهودی در این باره: اسرائیل سریعا با فرمانده نیروی هوایی ایران وارد همکاری شده، او را در قاچاق ۴۸ فروند هواپیمای اف -۱۴ به پایگاهی در

شمال [صحرای] سینا یاری کرد. این هواپیماها بعدا به تایوان فروخته شد... دولت کارتر که از حوادث جاری در ایران بی اطلاعات بود این هواپیماها را در سپتامبر ۱۹۷۸ [بین شهریور و مهر ۱۳۵۷]به شاه ایران اهداء کرده بود.(۴)

۱- . استانسفیلد ترنر [رئیس سازمان سیا در زمان ریاست جمهوری کارتر] پنهان کاری و دمکراسی، ترجمه دکتر حسین ابوترابیان، انتشارات اطلاعات، چاپ چهارم، ۱۳۷۰، ص ۱۷۸.

۲- . همان، منبع، ص ۱۸۲.

۳- . یان بلک و بنی موریس، ص ۴۰۷.

۴- . آری بن منشه، راوی: انیس منصور، مترجم محمدحسین زوارکعبه، نشریه مصری الاهرام، ۱۶ ژوئن ۱۹۹۳، شماره ۳۸۹۰۸. یادآوری این نکته ضرور است که به فاصله خروج شاه از ایران در تاریخ ۲۶ دی ماه ۱۳۵۷ و بازگشت امام خمینی از پاریس به تهران، در تاریخ ۱۲ بهمن ۱۳۵۷، یعنی در خلال این مدت ۱۶ روزه، صهیونیست ها دست به این اقدام و عملیات زدند.

این اقدام اسرائیل، آن هم در آستانه پیروزی انقلاب، از عمق نفوذ و حضور صهیونیست ها در دستگاه حکومتی، اعم از کشوری و لشکری حکایت می کند.(۱)

بی تردید، مهمترین بخش حضور و نفوذ اسرائیلی ها در ایران عصر پهلوی، عملیات اطلاعاتی و جاسوسی موساد در این سرزمین بود که با همکاری و همپیمانی تشکیلاتی ساواک اجرا و انجام می شد.

به گواهی اسناد، مدارک و منابع موجود از آن دوران، پیمان همکاری اطلاعاتی و جاسوسی موساد و ساواک نه تنها دستاورد قابل قبولی برای ایران آن عصر نداشت،(۲) بلکه مغایر با منافع ملی کشور بود. از سوی دیگر، این همکاری سازمانی، برای طرف اسرائیلی،

کاملًا با معنی، هدفمند و استراتژیک بود. مع الوصف یک سلسله عوامل داخلی و نیز خارجی،

سیستم سلطنتی حاکم بر ایران را موظف و متعهد به این همکاری می نمود که نفوذ یهودی ها

و صهیونیست ها در ارکان حکومتی ایران و وابستگی دستگاه سلطنت به غرب، به ویژه ایالات متحده آمریکا، از آن جمله به حساب می آید.

از دیدگاه اسرائیلی ها، پیمان اطلاعاتی دوجانبه موساد و ساواک موسوم به طرح کریستال برای تأمین اهداف از پیش تعیین شده صهیونیستی در منطقه، کافی و قانع کننده نبود؛ لذا،

برای تکمیل و تحکیم حلقه ها و افزایش کمربند اطلاعاتی مورد نظر در منطقه، پیمان اطلاعاتی سه جانبه، متشکل از موساد، ساواک و سرویس اطلاعاتی ترکیه را نیز به آن اضافه

کردند.

بر اساس گزارش طبقه بندی شده سرویس های اطلاعاتی آمریکا، و در رأس آنها سیا، درباره اهداف و ماهیت پیمان اطلاعاتی سه جانبه؛ اسرائیل طی سال ها کوشید، حلقه محاصره

اعراب را از طریق ایجاد ارتباط با کشورهای غیرعرب مسلمان در خاورمیانه، بشکنند. در اواخر سال ۱۹۵۸ [۱۳۳۷] یک سازمان اطلاعاتی رسمی سه جانبه، شامل موساد، سرویس امنیت ملی ترکیه (TNSS) و سازمان اطلاعات و امنیت ایران (ساواک) تشکیل شد که آن را

۱- . برای کسب اطلاعات بیشتر درباره ابعاد، عوامل و زمینه های حضور و نفوذ یهودی ها و صهیونیست ها در ایران و گستره آن؛ مراجعه شود به: سازمان های یهودی و صهیونیستی در ایران، مؤسسه مطالعات و پژوهش های سیاسی، چاپ اول ۱۳۷۹.

۲- . درباره پیمان همکاری ساواک و موساد و نتایج آن برای طرفین، مراجعه شود به: عبدالرحمن احمدی، ساواک و دستگاه اطلاعاتی اسرائیل، مؤسسه مطالعات و پژوهش های سیاسی، چاپ اول ۱۳۸۱.

نیزه سه سر(۱) نامیدند.

بر اساس توافقات، این سازمان چیزی علاوه بر روابط دوجانبه [موساد] با هریک از این سرویس ها بود. تشکیلات نیزه سه سر علاوه بر تداوم مبادلات اطلاعاتی، جلساتی نیز هر نیم

سال، در سطح رؤسای سرویس ها داشت.

مبانی کلی اصل توافق با ترک ها، علاوه بر تصویب قانونی روابط اطلاعاتی بین اسرائیل و ترکیه، تأکید نموده که موساد، اطلاعاتی از فعالیت های عمال شوروی در ترکیه، و کسانی که علیه آن کشور در سراسر خاورمیانه عمل می کنند را در اختیار سرویس ترکیه قرار دهد. در

مقابل، ترک ها موافقت نمودند که هر گونه اطلاعاتی از مقاصد سیاسی کشورهای عربی را که

بر امنیت اسرائیل تأثیر دارد و نیز فعالیت ها و مشخصات عمال مصری علیه اسرائیل را در

اختیار اسرائیلی ها قرار دهند. همچنین اسرائیل تعلیمات تکنیکی و ضدجاسوسی سرویس اطلاعاتی ترکیه را به عهده گرفت. هدف اصلی روابط اسرائیل با ایران، ایجاد و توسعه سیاست های ضد عربی و موافق اسرائیل، در تصمیمات مقامات ایرانی بود. از اواخر ۱۹۵۰ به

بعد، در طی سال ها، موساد در عملیات مشترک با ساواک همکاری داشته است. موساد با همکاری ساواک کُردهای عراق را [علیه دولت مرکزی بغداد] حمایت کرده است. اسرائیل

مرتبا گزارش هایی درباره فعالیت های مصر و کشورهای عربی، تحولات و حوادث عراق و فعالیت های کمونیست ها که اثراتی بر ایران داشت، به ساواک منتقل کرده است.(۲)

از نظر صهیونیست ها، پیمان اطلاعاتی سه جانبه مزبور نیز تمامی اهداف اسرائیل را تأمین نمی کرد؛ لذا در کنار آنها، سازمان مشترک اطلاعاتی دیگری، متشکل از موساد، ساواک

و سرویس اطلاعاتی اتیوپی تشکیل دادند که نام رمز آن عقاب بود. هر یک از این پیمان ها،

دارای آئین نامه های داخلی و شرح وظایف جداگانه بودند، و حوزه های عملیاتی معین در جغرافیای پیرامون خود داشتند.

نکته اساسی قابل اشاره در این باره، پرسش پیرامون دستاورد پیمان های اطلاعاتی چند جانبه و عملکرد سرویس های اطلاعاتی مزبور از یک سو و انگیزه و اهداف طرف اسرائیلی، از سوی دیگر است. به بیان دیگر، موساد از طریق پیمان های اطلاعاتی مورد اشاره، چه هدفی

۱-. Trident

۲-. اسناد لانه جاسوسی، ج ۱۱، دانشجویان پیرو خط امام، صص ۶۱-۶۲.

را تعقیب می کرد؟

رهبران و تئوریسین های صهیونیست، از دهه های اول قرن نوزده تا پایان نیمه اول قرن بیستم (تا سال ۱۹۴۸م/ ۱۳۲۷ش) یعنی قبل از اعلام تأسیس اسرائیل در سرزمین فلسطین، استراتژی اسکان را راهبرد نهایی صهیونیسم و یهود قلمداد و در سایه آن حرکت می کردند.

اساس ادعاها و شعارهای صهیونیستی در آن دوران، این بود که هیچ کجای جهان برای یهود امن نیست و یهودی ها در همه نقاط دنیا تحت آزار و اذیت قرار دارند. بر مبنای این

فرضیه، اسکان یهودی ها در سرزمینی واحد و استقرار دولت یهودی در آن، تنها راه نجات یهود و حل مسأله آنتی سمیتیسم یا یهودآزاری و یهودستیزی در جهان بود. برای اثبات این

فرضیه، اقداماتی مشکوک و رمزآلود، در عرصه جهانی، حتی علیه یهود انجام گرفت. اما استراتژی اسکان تحقق نیافت؛ زیرا افکار عمومی همراهی چندانی نشان نداد و عامه یهود نیز

به دلیل موقعیت مطلوب و مناسب در بسیاری از نقاط جهان، از جمله اروپا و آمریکا، تمایل و رغبت کافی و لازم به سمت این استراتژی نداشت.(۱)

در آن برهه تاریخی، تاکتیک و شگرد استراتژیست های صهیونی بر این فرضیه استوار بود که با دمیدن بر تنور یهودستیزی، آن را روشن و شعله ور نگه دارند. جنگ جهانی دوم

وسیله بسیار مطلوب و مؤثری برای این مقصود بود. در این جنگ، زمینه و شرایط مورد نظر

فراهم شد. افسانه کشتار شش میلیون یهودی یا هولوکاست(۲)، به عنوان یک واقعیت در اذهان عموم جا داده شد. وجدان عمومی در جهان غرب بر آرامگاه بی جَسدِ منتسب به یهود مویه کرد و لزوم اسکان بازماندگان(!) در یک سرزمین را پذیرفت و با مسأله آنها همراهی و همدردی کرد. بسیاری از عوام یهود این افسانه را باور کردند و چاره را در گریز و رفتن به سرزمین موعود صهیونیسم دیدند.

به این ترتیب در ماه مه سال ۱۹۴۸م/ اردیبهشت ۱۳۲۷ش، استراتژی ایجاد و استقرار دولت یهود در فلسطین تحقق یافت و اسرائیل به بهای کشتار و آوارگی بیش از یک میلیون

۱- . درباره ماهیت و ماجرای پَس پرده آنتی سمیتیسم یا یهودآزاری، مراجعه شود به: علیرضا سلطانشاهی، واقعیت یهودستیزی، پژوهه صهیونیست کتاب دوم مرکز مطالعات فلسطین، چاپ اول ۱۳۸۱، صص ۱۳۱ تا ۲۲۹.

۲- . برای کسب اطلاعات بیشتر درباره افسانه قتل عام یهود یا هولوکاست در جنگ جهانی دوم، ماهیت و مسایل پشت پرده

آن، مراجعه شود به: روبر فوریسون، اتاق های گاز در جنگ جهانی دوم واقعیت یا افسانه؟ ترجمه دکتر ابوالفرید ضیاءالدینی، مؤسسه فرهنگی پژوهشی ضیاءاندیشه، چاپ اول ۱۳۸۱. نیز، زین العابدین صدیق (ابومحی الدین)، افسانه قتل عام یهود در جنگ جهانی دوم، نشر هلال، چاپ اول ۱۳۷۲.

فلسطینی و انهدام بیش از پانصد شهر و آبادی صاحبان و ساکنان آن، در سرزمین فلسطین، اعلام موجودیت کرد.

استراتژیست های صهیونی و پایه گذاران اسرائیل، فرضیه آنتی سمیتیسم را حربه ای کارا و مؤثر یافتند. آنها بلافاصله اعلام کردند که در محاصره دریای اعراب و مسلمانان قرار

گرفته اند و موجودیت آنها در معرض تهدید و خطر است.

تأمین امنیت جامعه یهودی در فلسطین، توجیه و پوشش مناسب برای شعار دفاع از امنیت بود. افسانه هولوکاست هنوز در اذهان زنده بود و آنها هر تجاوز و تهاجمی به سرزمین ها و کشورهای اطراف را به بهانه دفاع از امنیت خود و عدم وقوع هولوکاست دیگر،

مجاز می شمردند و حتی جامعه جهانی را نیز توجیه و با خود همراه می ساختند.

به گفته یک نویسنده جهان عرب: استراتژی اسرائیل در آغاز تنها یک سلسله آرزوهای نهفته در نفوس یهود بود که از حالات درونی و شرایط زندگی آنها [...]حکایت می کرد؛ اما به آرامی مبدل به یک عقیده شد و سپس صورت استراتژی و تاکتیک را به خود گرفت. سؤالی که در این راستا مطرح می شود این است که آیا استراتژی اسرائیل به همان صورتی که در کنفرانس بال(۱) بود، باقی مانده و یا آنکه به منظور انطباق با شرایط جدید، تغییر و تحولاتی در آن صورت پذیرفته است؟ در پاسخ باید گفت که استراتژی اسرائیل هیچگونه تغییر نپذیرفته

و کماکان در پی ایجاد دولت اسرائیل در سرزمین تاریخی مورد ادعای رهبران آن، از نیل تا

فرات و سپس سیادت کامل بر تمام جهان است. اهداف این استراتژی در توسعه طلبی، تسلط و سیطره، گسترش نفوذ و تحقق آمال اسرائیلی ها خلاصه می شود.(۲)

رهبران صهیونیست در مسیر پیشبرد این استراتژی، همواره چند اصل را مد نظر داشته و در دستور کار خود قرار داده اند:

۱- اصل غافلگیری ۲- اصل انتقال جنگ به داخل سرزمین دشمن ۳- اصل ابتکار عمل.

به نوشته دکتر غازی اسماعیل ربابعه استاد بخش علوم سیاسی دانشگاه اردن، اصل غافلگیری در بیشتر جنگ ها، سهم عمده ای در استراتژی اسرائیل داشته و در همه درگیری ها

۱- . اولین کنگره جهانی صهیونیسم در سال ۱۸۹۷م، در شهر بال سوئیس، به ریاست تئودور هرتصل برگزار شد. در این کنگره سازمان جهانی صهیونیسم پایه گذاری و اهداف و استراتژی صهیونیسم تبیین و تصویب گردید.

۲- . دکتر غازی اسماعیل ربابعه، استراتژی اسرائیل، ترجمه محمدرضا فاطمی، نشر سفیر، چاپ اول، ۱۳۶۸، صص ۲۱۶-۲۱۷.

از این اصل استفاده شده است. اسرائیل با شروع هر جنگ، آن را به داخل خاک دشمن منتقل کرده است. دلیل اصلی این اقدام، عدم وجود عمق کافی در سرزمین [فلسطین] اسرائیل است.

شعار اسرائیل در اصلِ ابتکار عمل این است که اولین ضربه را تو وارد کن تا کمترین خسارت متوجه تو شود.(۱)

بر اساس تئوری صهیونیستی، امنیت دولت و جامعه اسرائیلی در فلسطین، ایجاب می کند و اجازه می دهد که اسرائیلی ها به هر اقدام بازدارنده ولو در سرزمین دشمن، دست بزنند. این امنیت، داشتن هر گونه سلاح و تجهیزات جنگی را، حتی اگر غیرمتعارف باشد برای جامعه اسرائیلی مجاز می شمرد. از سوی دیگر، برعکس، به خاطر امنیت جامعه اسرائیلی، کشورهای پیرامونی به داشتن تجهیزات و امکانات پیشرفته که موجب افزایش قدرت آنها شود، مجاز نیستند.

این فرضیه، بر قوم گرایی، توسعه طلبی و برتری جویی، یعنی، عصاره تعالیم و آموزه های صهیونی استوار است که رهبران و سران اولیه اسرائیل از آن به عنوان، دکترین حاشیه ای، یا

استراتژی پیرامونی یاد کرده اند. یعنی مجاز بودن هر گونه دست اندازی نظامی، سیاسی و اطلاعاتی در داخل کشورها و سرزمین های همجوار فلسطین از سوی جامعه اسرائیلی، برای دفاع و حراست از موجودیت آن. صهیونیست ها به اقتضای منافع خود، قلمرو کشورهای پیرامونی را به گونه ای تعریف کرده اند که ممکن است، نه یک یا چند کشور، بلکه یک قاره را نیز دربر گیرد.

در سال ۱۹۵۶م/ ۱۳۳۵ش، اسرائیل با همکاری مشترک و رسمی فرانسه و انگلستان، تهاجم نظامی گسترده ای از زمین، دریا و هوا علیه مصر آغاز کرد. آنها ملی شدن کانال سوئز از سوی جمال عبدالناصر رئیس جمهور وقت آن کشور و تأمین امنیت و منافع اقتصادی اسرائیل را بهانه ای برای انهدام تأسیسات اقتصادی، نظامی و مراکز و مؤسسات استراتژیک

مصر اعلام کردند.

در سال ۱۹۶۷م/ ۱۳۴۶ش، بهانه های مشابه اسرائیل، موجب تهاجم نظامی علیه مصر و سوریه شد. رژیم صهیونیستی فرضیه دفاع از امنیت اسرائیل را، توجیه مناسبی برای اشغال

کرانه غربی رود اردن، نوار غزه، صحرای سینا و بلندی های جولان (متعلق به سوریه)،

۱- . همان منبع، ص ۲۱۷.

ارزیابی کرد و این شعار صهیونیستی در جامعه اسرائیل سر داده شد که برای دفاع از خود، جنگ را به خانه دشمن ببر و اولین ضربه را تو وارد کن.

اسرائیل با همین انگیزه و استراتژی، اما با شعار پوششی امنیت الجلیل، در سال ۱۹۸۲م/ ۱۳۶۱ش، تهاجم وحشیانه ای را به لبنان آغاز و تا دروازه های شهر بیروت پیشروی کرد. در

این تجاوز سفاکانه، هزاران لبنانی و فلسطینی به خاک و خون کشیده شدند که کشتار معروف

صبرا و شتیلا هنوز در اذهان جهانیان زنده است.

طبق اعتراف لنی برنر یهودی؛ در این مسأله تردیدی نیست که وقوع حادثه ترور شلومو آگروف(۱) سفیر اسرائیل در لندن (در روز سوم ژوئن ۱۹۸۲) صرفا دستاویزی برای اسرائیل بود تا به بهانه سرکوب اعضای ساف نقشه خود را در حمله به لبنان جامعه عمل بپوشاند. در

حالی که بعدا معلوم شد- بر خلاف اظهار نظر دولت بگین(۲)، ترور سفیر اسرائیل را اعضای ساف انجام نداده بودند [...].

دیوید شیپلر (خبرنگار نیویورک تایمز در اسرائیل) بعد از واقعه [تجاوز رژیم صهیونیستی به لبنان و] قتل عام بیروت طی مقاله ای نوشت:

«... اسرائیلی ها طرح اولیه حمله به لبنان را در بهار سال ۱۹۸۱ و با این انگیزه آماده کرده بودند که: با تقویت موضع گروه های دست راستی [مسیحیان مارونی و فالانژیست ها]طرفدار اسرائیل در لبنان، جلوی شکست قریب الوقوع آنها را بگیرند... ولی چون بعدا در ماه ژوئیه ۱۹۸۱

۱- . در این تاریخ Shlomo Agrov بر اثر انفجار بمب که در سفارت اسرائیل در لندن کار گذاشته شده بود، مجروح شد.

۲- . مناخیم بگین در سال ۱۹۱۳ در برست لیتوفسک لهستان که امروز در جمهوری روسیه سفید بیلوروسی قرار دارد، متولد شد. در سال ۱۹۲۹ به جنبش یهودی بیتار پیوست و در سال ۱۹۳۹ به سمت معاون عملیاتی این جنبش در لهستان انتخاب شد و در همان سال با یکی از دختران یهودی عضو بیتار به نام الیزا آرنولد ازدواج کرد. بگین در سال ۱۹۴۲ به فلسطین وارد شد و به سازمان تروریستی هاگانا پیوست. او در سال ۱۹۴۳ رهبری هاگانا و به قولی دیگر، در سال ۱۹۴۴ فرماندهی ایرگون را به عهده گرفت. وی در کشتار معروف دهکده دیریاسین در سال ۱۹۴۸ که با همکاری دو گروه تروریستی ایرگون و هاگانا انجام گرفت، فرمانده ایرگون بود، همان گونه که در زمان تهاجم نظامی اسرائیل به لبنان، در قتل عام اردوگاه فلسطینی صبرا و شتیلا در سال ۱۹۸۲ به عنوان نخست وزیر نقش اصلی را به عهده داشت. بگین طی سال های ۱۹۴۹ تا ۱۹۸۴ به عنوان نماینده در کِنِست پارلمان اسرائیل حضور داشت و در سال ۱۹۶۷ عضو دولت ائتلافی لوی اشکول بود. او در سال ۱۹۷۷ به عنوان نخست وزیر برگزیده شد و تا سال ۱۹۸۳ در این سمت باقی بود. در سال ۱۹۷۸ توافقنامه کمپ دیوید را که به وساطت جیمی

کارتر بین مصر و اسرائیل منعقد شده بود، امضا و در سال ۱۹۷۹ جایزه صلح نوبل را دریافت کرد. بگین در سال ۱۹۸۳ از سمت نخست وزیری استعفا داد و چندی بعد دچار بیماری روانی شد و در همان حال، در سال ۱۹۹۳ مُرد.

آمریکایی ها توانستند ساف را وادار به پذیرش آتش بس کنند، قاعدتا اسرائیلی ها نیز می بایست دیگر بهانه ای برای حمله به لبنان نداشته باشند و طرح خود را کنار بگذارند. لیکن ژنرال

شارون برای اجرای طرح پافشاری کرد، و به خصوص طی گفت وگوهای مکرر با دیپلمات های خارجی - بویژه آمریکایی ها- بر این نکته تأکید داشت که: لازم است اسرائیل حتما قبل از

انتخاب رئیس جمهور لبنان در ماه سپتامبر ۱۹۸۲، به لبنان حمله کند.(۱)

بنابراین، جنایت وحشتناکی را که رژیم صهیونیستی علیه مردم بی دفاع لبنان، به خصوص فلسطینی ها و در اردوگاه صبرا و شتیلاـ در سال ۱۹۸۲م/ ۱۳۶۱ش، مرتکب شد، صرفا در راستای استراتژی پیرامونی اسرائیل و با هدف استقرار حاکمیت یک دولت و سیستم دست نشانده اسرائیلی در سرزمین لبنان بود.»(۲)

به اعتراف شیمون شیفر کارشناس مشهور اسرائیلی و مفسر رادیو اسرائیل؛ سفر مخفیانه شارون به لبنان در روز ۱۲ ژانویه سال ۱۹۸۲ و ملاقات محرمانه او با خانواده جمیل (پیر و بشیر) و برخی دیگر از رهبران مارونی لبنان و زمینه سازی رژیم صهیونیستی برای لشکرکشی به آن سرزمین با هدف استقرار یک حاکمیت مارونی طرفدار و همپیمان اسرائیل در آن کشور، سرانجام در ماه ژوئن ۱۹۸۲ به ثمر نشست و ارتش اسرائیل با همکاری نیروهای فالانژیست لبنان تا دیوارهای بیروت در مرکز لبنان پیشروی کرد و جنایات وحشتناکی را در آن سرزمین مرتکب شد، که کشتار بی رحمانه هزاران فلسطینی بی گناه در اردوگاه صبرا و شتیلا تنها یک نمونه از آن است. اما نکته قابل توجه در این باره اهداف

اسرائیل بود که حتی برای جامعه داخلی صهیونیست ها در فلسطین اشغالی نیز کتمان می شد.

این عملیات که نام رمز اصلی آن اورانیوم بود به دستور مناخیم بگین نخست وزیر وقت

اسرائیل به امنیت الجلیل تغییر پیدا کرد.

سربازان ارتش اسرائیل در جریان محاصره بیروت غربی از شخص رافائل ایتان رئیس

ستاد مشترک ارتش، تفسیر دیگری از حقایق و ماجرای پشت پرده جنگ لبنان شنیدند. رافائل ایتان یکی از ابعاد واقعی جنگ امنیت الجلیل را برای سربازان خود فاش کرد و گفت ما برای

۱- . لنی برنر، مشت آهنین، ترجمه دکتر حسین ابوترابیان، مؤسسه انتشارات اطلاعات، چاپ سوم، ۱۳۷۴، صص ۲۸۵-۲۸۶.

۲- . در این باره همچنین مراجعه شود به: جرج بال، خطا و خیانت در لبنان، ترجمه دکتر حسین ابوترابیان، مؤسسه اطلاعات، چاپ اول ۱۳۶۵.

ارض اسرائیل نبرد می کنیم.(۱) یعنی ما در تعقیب استراتژی اسرائیل بزرگ هستیم.

اندیشه پردازان اسرائیلی، مجهز کردن اسرائیل به سلاح های اتمی را سیاستی مبتنی بر قدرت بازدارندگی و تأمین امنیت در چارچوب و مسیر استراتژی پیرامونی صهیونیسم در منطقه ارزیابی و تفسیر کرده اند.

تصمیم اسرائیل (یعنی تصمیم بن گوریون) دایر بر ساختن راکتور هسته ای در دیمونا در صحرای نقب و پذیرش کمک فرانسویان برای انجام این کار نقطه عطف مهمی در تاریخ برنامه های هسته ای اسرائیل بود. در پی تأسیس کمیسیون انرژی اتمی اسرائیل، در سال ۱۹۵۲

آمریکا به اسرائیل کمک کرده بود تا یک راکتور کوچک ۵۰۰۰ کیلوواتی در نحل سورِق در نزدیکی مدیترانه بسازد. پروژه سورق بخشی از برنامه اتم برای صلح دولت آیزنهاور بود.(۲)

یک سال پس از تأسیس اسرائیل مقدمات انجام برنامه های هسته ای فراهم شد [...]در سال ۱۹۴۹ در مؤسسه وایزمن در تل آویو، بخش تحقیقات ایزوتوپی دایر شد.

به یاری یهودیانی که در اروپا و آمریکا تحصیل کرده بودند و کمک های مالی یهودیان آن دو قاره، شالوده برنامه هسته ای اسرائیل ریخته شد [...] در سال ۱۹۴۹ بن گوریون(۳) [نخست وزیر] و وزارت دفاع اسرائیل از فرانسه تقاضای کمک کردند. فرانسه تقاضای اسرائیل را پذیرفت.(۴)

به نوشته آونرکهن یهودی؛ تنها راه حل مشکل امنیت اسرائیل برخورداری از یک نیروی

۱- . ن.ک: شیمون شیفر، توپ برفی، ترجمه محمود شمس، مؤسسه خدمات فرهنگی رسا، چاپ اول ۱۳۶۸.

۲- . استیون گرین، جانبداری روابط سرّی آمریکا و اسرائیل ترجمه سهیل روحانی، چاپ و نشر بنیاد، چاپ اول، ۱۳۶۸، ص ۱۷۸.

۳- . دیوید بن گوریون با نام اصلی دیوید گروئن، در سال ۱۸۸۶م، در شهر روسی پلانسک Plonskنزدیک ورشو، که اکنون بخشی از لهستان است متولد و در سال ۱۹۰۶ وارد فلسطین شد. بن گوریون یکی از بنیانگذاران «پوالای صهیون» Poalei Zion ، یعنی حزب سوسیال دمکرات یهود یا «کارگران صهیون» بود. نخستین برنامه این حزب، انعکاس صهیونیستی از مانیفست کمونیست بود. نامبرده یک ماتریالیست متعصب بود؛ اما صهیونیسم را به عنوان مذهب خود پذیرفته بود. او با تأسیس گردان ویژه یهود، در جنگ جهانی اول درکنار متفقین در این جنگ شرکت کرد. طی سال های ۱۹۲۰ تا ۱۹۳۵ دبیر کل هیستادروت اتحادیه کارگران یهود و نیز از مؤسسین شاخص حزب چپگرای ماپام بود. از سال ۱۹۳۵ تا ۱۹۴۸ رهبری و ریاست هیأت اجرایی آژانس یهود را به عهده داشت. بن گوریون پس از تأسیس اسرائیل، اولین نخست وزیر و وزیر دفاع این رژیم بود. در سال ۱۹۵۳ از تمام سمت های خود استعفا داد و در کیبوتص (مزرعه اشتراکی) «سده بوکر» در نقب اقامت

گزید. در سال ۱۹۵۵ مجددا به سمت وزیر دفاع و سپس نخست وزیر منصوب و اسرائیل را در جنگ سوئز در سال ۱۹۵۶ رهبری کرد. در سال ۱۹۶۳ مجددا استعفای خود را اعلام کرد و به کیبوتص مذکور بازگشت. دیوید بن گوریون در سال ۱۹۷۳ درگذشت.

۴- . همان منبع، صص ۱۷۵-۱۷۶.

بازدارنـده قوی بود. از اواسط دهه ۱۹۵۰، بن گوریون این هـدف خود را از دو طریق دنبـال کرد. اول، از طریق اتحاد با یک یا چند قدرت غربی، که رسـما تمامیت ارضـی اسـرائیل را تضـمین کنند؛ دوم، از راه تعیین یک گزینه هسـته ای - تسلیحاتی. بن گوریون در مورد اینکه اسـرائیل به سـلاح های کشتار جمعی نیاز دارد تردیدی نداشت. ... از آنجا که بقای اسرائیل در معرض خطر بود، او نمی توانست از توسعه این گونه قابلیت ها صرف نظر کند.

بن گوریون تأکید می کرد که اسـرائیل باید امنیت خود را بر اساس علم و تکنولوژی، تنها عرصه هایی که در آنها اسـرائیل می تواند به دشمنان عمدتا عرب خود، برتری قابل توجهی داشته باشد، بنا کند.

شرایط ژئوپولیتیکی اسرائیل، اساس بدبینی استراتژیکی بن گوریون را تشکیل می داد.(۱)

بعضی نویسندگان غربی معتقدند استراتژی پیرامونی اسرائیل بر ارکان نظامی، اطلاعاتی و دیپلماسی استوار بوده است:

بین سـال های ۱۹۵۶ تا ۱۹۶۶ اسـرائیل توانـایی های نظامی خود را به طور اساسـی افزایش داد و حتی دکترین میلیتاریزه کردن نیروهای مسلح خود را طبق پیشرفته ترین سلاح های موجود در جهان مورد بررسی قرار داد.(۲)

اسـرائیل همچنین ناچار شد تا سیسـتم دفاع منطقه ای خود را توسـعه دهد و در این رابطه متکی به کلنی هایی گردد که همگی مسلح بوده و حتی توانایی استراتژیک و نظامی آنان به

گونه ای باشد که قادر به تعرض و نفوذ در مناطق همجوار و عملیات ایذایی شوند. رسیدن به

اهداف فوق مستلزم هزینه های نظامی بسیار گزاف و اولویت دادن به بودجه نظامی بود. از

طرفی اسـرائیل ناچار بود در میان کشورهای کوچک و در حال توسعه که دارای حق رأی در سازمان ملل بودند، دوستانی پیدا کند تا با توجه به سیاست های نظامی گرانه خود در عرصه

بین المللی منزوی نشود. البته آشکار بود که اگر اسرائیل فقط بر استراتژی دفاعی خود تکیه

کند، در آن صورت خود را پیوسته آماج حملات اعراب قرار خواهد داد. اسرائیل می بایستی

۱- . آونر کوهن، اسـرائیل و سـلاح های هسـته ای، ترجمه رضا سـعیدمحمدی، دفتر مطالعات سیاسـی و بین المللی، چاپ اول، ۱۳۸۱، صص ۱۴ و ۱۵.

۲- . ریچی اون دیـل، ریشه هـای جنـگ هـای اعراب و اسـرائیل، ترجمه ارسـطو آذری، مؤسـسه انتشـارات امیرکبیر، چاپ اول ۱۳۷۶، ص ۲۹۶.

همیشه ابتکار عمل را در هر حالتی در دست داشته باشد.(۱)

ساموئل کـاتز یهودی افسر سـابق واحـد اطلاعـات نظـامی و از مأموران اطلاعاتی کهنه کار اسـرائیل، در کتاب جاسوسان خط آتش کـه در نوشـتن آن از پشتیبـانی اطلاعـاتی رژیـم صـهیونیستی نیز برخـوردار بـوده، مـاهیت اسـتراتژی پیرامـونی را چنین کالبدشکافی و ارزیابی

کرده است:

سال ها بود اسـرائیل برای رویارویی با یک جنگ تمام عیار با همه ملت های عرب - از مراکش در غرب تا عربستان سعودی و عراق در شـرق - آماده می شد. برای کسب توانایی جهت ایسـتادگی در این جنگ، اسرائیل استراتژی خاصی پدید آورده بود که می شـد آن را دفـاع از پیرامون نامیـد. بر اسـاس این استراتژی، اسـرائیل بـا دولت ها و ملت های غیرعرب و غیرمسـلمان در خاورمیانه اتحادهایی پدید می آورد.(۲)

شیمون پرز نخست وزیر اسبق و یکی از سران و رهبران اسرائیل در تفسیر و توجیه استراتژی رژیم صهیونیستی می نویسد:

«در طول نیم قرن، رهبران اسرائیل پیوسته در نگرانی از یک تهاجم قریب الوقوع به سر برده اند.»(۳)

پرز با این مقدمه چنین نتیجه می گیرد که، اسرائیل نیازمند عمق استراتژیک است.(۴)

آبـا اِبان، این شخصـیت سیاسـی و تئوریسـین قـدیمی صـهیونیست، علی رغم توجیهات سیاسـی و تبلیغاتی مبتنی بر تأمین امنیت اسرائیل، درباره انگیزه و هدف جنگ ۱۹۵۶ و تجاوز

به مصر، چنین اعتراف می کند:

«سرسختی و پایداری اسرائیل زیادتر از دیگران، بیشتر برای تأمین امنیت و آسایش خاطر از

جانب صحرای سینا و غزه و نیز به دست آوردن پلی برای دسترسی به دریای مشرق و آزادی کشتی رانی می بود.»(۵)

با این همه، راهبرد نهایی را آبا اِبان چنین تبیین می کند:

۱- . همان منبع، ص ۲۹۷.

۲- . ساموئل کاتز، جاسوسان خط آتش، ترجمه محسن اشرفی، مؤسسه اطلاعات، چاپ اول ۱۳۷۵، ص ۳۳۳.

۳- . شـیمون پرز، خاورمیانه جدیـد، مترجم عربی: محمود حلمی عبـدالحافظ، ترجمه فارسـی عـدنان قارونی، مرکز مطالعات و پژوهش های راهبردی آسیا، چاپ اول ۱۳۷۶، ص ۲۲.

۴- . همان منبع، ص ۲۲۹.

۵- . آبا اِبان، قوم من، ترجمه نعمت اله شکیب اصفهانی، چاپخانه بانک ملی، ۱۳۵۱، ص ۶۹۸.

«اسرائیل خود را قسمتی از دنیای مدیترانه ای با احساس روحیه یهودی های مغرب زمین می داند و در اصل اسرائیل همان اسرائیل قدیمی باقی خواهد ماند و لاغیر.

[...] در این حقیقت شک و تردید نیست که این منطقه به طور مطلق متعلق به قوم یهود می باشد.»(۱)

تئوری پردازان صهیونیست و بنیانگذاران اسرائیل، در تبیین مبانی تئوریک و نظری استراتژی رژیم صهیونیستی، همواره به تعالیم و آموزه های صهیونی بر گرفته از عهد عتیق

متوسل شده اند.(۲)

دیوید بن گوریون اولین نخست وزیر اسرائیل گفته بود:

وجود اسرائیل برای همه یهودیان جهان حیاتی است.(۳)

به نوشته اسرائیل شاهاک:

«توجیهات سیاست اسرائیل را عموما به اصول ایمان یهودی ارجاع می دهند. یا در مورد لاییک ها به حقوق تاریخی. در سال ۱۹۵۶، برای آغاز جنگ سوئز، بن گوریون این آدم بی خدا و سربلند از بی تفاوتی خویش نسبت به فرامین مذهب یهود، در روز سوم کشمکش [جنگ]در برابر کِنِست [پارلمان اسرائیل]اعلام کرد که دلیل راستین، هدف راستین این است که سلطنت داود و سلیمان در مرزهای توراتی آن از نو مستقر گردد. با این سخنان اعضای کِنِست، تقریبا

همگی، به صورت خودجوش به پا خاستند و سرود ملی اسرائیل را سر دادند.»(۴)

یک مقام بلندپایه اسرائیلی نیز اضافه کرده است: خداوند شش میلیون یهودی را در آمریکا ساکن ساخته است. ما حق داریم که از تأثیر و نفوذ آنها در آمریکا بهره بریم تا به بقا و رشد خود کمک کنیم.(۵) چرا که به گفته موشه شارت(۶) در کنگره جهانی یهود؛ اسرائیل ملک

۱- . همان منبع، ص ۲۹۳.

۲- . برای کسب اطلاعات بیشتر در این باره؛ ن. ک: گیدیون آران، بنیادگرایی صهیونیستی یهود، ترجمه احمد تدین، نشر هرمس، چاپ اول ۱۳۷۸.

۳- . الفرد. م. لیلیانتال، ارتباط صهیونیستی، مترجم سیدابوالقاسم حسینی ژرفا، مرکز نشر آثار پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ اول، پاییز ۱۳۷۹، ص ۴۲۴.

۴- . اسرائیل شاهاک، تاریخ یهود- مذهب یهود بار سنگین سه هزاره ترجمه دکتر مجید شریف، انتشارات چاپخش، چاپ اول ۱۳۷۶، صص ۴۴، ۴۵.

۵- . الفرد. م. لیلیانتال، ص ۴۶۵.

۶- . موشه شرتوک معروف به موشه شارت در سال ۱۸۹۴ در روسیه به دنیا آمد. سال ها در آژانس یهود به عنوان منشی و نیز رئیس اداره سیاسی و عضو کمیته اجرایی فعالیت کرد. او نماینده اعزامی آژانس یهود و بعدها دولت اسرائیل در سازمان ملل و فرستاده رژیم صهیونیستی در بعضی مأموریت های خارجی بود. شارت از سال ۱۹۴۸ تا ۱۹۵۶ سمت وزیر امور خارجه را دارا بود و در دوره های اول تا پنجم کِنِست پارلمان اسرائیل سمت نمایندگی داشت. در سال ۱۹۵۳ تا ۱۹۵۴ رئیس دولت موقت و در سال های ۱۹۵۴ تا ۱۹۵۵ نخست وزیر بود. موشه شارت در سال ۱۹۶۹ درگذشت.

مشترک همه ملت یهود است؛ یعنی سرزمین یهودیان همه جای دنیاست.

دکترین تئودور هرتصل بنیانگذار اولین کنگره صهیونیستی، برای استقرار دولت یهود در سرزمین فلسطین عبارت بود از ریشه کن سازی عرب ها و کوچاندنشان به هر شیوه ممکن.(۱)

اما موشه دایان پس از جنگ شش روزه سال ۱۹۶۷ (۱۳۴۶) از گسترش دکترین هرتصل، یعنی سیاست توسعه طلبانه اسرائیل پرده برداشت و گفت:

پدران ما به مرزهای شناخته شده در طرح تقسیم فلسطین دست یافتند. نسل ما نیز به مرزهای سال ۱۹۴۸ (۱۳۲۷) رسید و اکنون نسل جنگ شش روزه به سرزمین سوئز و اردن و بلندی های جولان [در سوریه] دست پیدا کرده است. این پایان راه نیست. پس از طرح های کنونی آتش بس، طرح های نوینی پیش روی ماست که تا آن سوی اردن و شاید تا لبنان و میانه

سوریه دامن گسترد.(۲)

پاره ای اشخاص و محافل اسرائیلی، توسعه دکترین هرتصل را بر اساس ایجاد نظم جغرافیایی سیاسی جدید پیرامون اسرائیل(۳) [سرزمین های حاشیه فلسطین]تفسیر کرده اند.

نشریه کیوونیم(۴)، ارگان سازمان جهانی صهیونیسم در سال ۱۹۸۰م/ ۱۳۵۹ش، در مقاله ای تحت عنوان استراتژی اسرائیل در دهه ۱۹۸۰ نوشت: [...] اهداف درازمدت اسرائیل باید تمام خاورمیانه را دربر گیرد. در جبهه غربی نیز تهاجم مجدد به صحرای سینا و تقسیم مصر به

مناطق چندگانه جغرافیایی، استراتژی اسرائیل در دهه ۱۹۸۰ است.(۵)

اما هنری فورد آمریکایی در سال ۱۹۲۱، از راز بزرگتری پرده برداشته بود:

فلسطین مرکز زمین خوانده شده است. قدرتی که بر فلسطین حاکم است بر دنیا حکم می راند. اگر چه حق حاکمیت بریتانیا ظاهرا شامل حال این کشور نمی شود، ولی تسلط بر

۱- . همان منبع، ص ۱۳۹.

۲- . همان منبع، ص ۱۳۱.

۳- . ن. ک: دیوید هرست، تفنگ و شاخه زیتون، مترجم رحیم قاسمیان، چاپ و نشر بنیاد، چاپ اول ۱۳۷۰، ص ۴۷۱.

۴- . Kivunim

۵- . همان منبع، ص ۴۷۱-۴۷۲. نیز، روژه گارودی، پرونده اسرائیل و صهیونیسم سیاسی، ترجمه دکتر نسرین حکمی، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ اول ۱۳۷۴.

آب های مجاور و بر مصر، ایران و هند، کلید قدرت بریتانیاست. [...]فلسطین کلید استراتژی نظامی و تجارت جهانی است. این سرزمین در نتیجه یک معامله جنگی به یهود واگذار شد.(۱)

آنچه قطعی است، امروز، استراتژی جنگی منطقه و بلکه جهان در فلسطین کلید می خورد. به گفته خانم کاندولیزا رایس مشاور امنیتی جرج بوش رئیس جمهور کنونی آمریکا: امنیت اسرائیل کلید امنیت جهان است.

آیا معنی این عبارت جز این است که پشتوانه قدرت نظامی، سیاسی و اقتصادی اسرائیل، سیطره جهانی یهود در دنیای کنونی است؟

آن گونه که هنری فورد نوشته است:

حکومت جهانی یهود در وضعی نیست که ارتش و نیروی دریایی دائمی داشته باشد، سایر کشورها اینها را برایش تأمین می کنند. برای نمونه ناوگان بریتانیا بود که اجازه نداد بر سر راه پیشرفت اقتصاد جهانی یهود، یا بخشی از آن که به دریا مربوط می شد، مانعی ایجاد شود.

در مقابل، حکومت جهانی یهود حاکمیت سیاسی و منطقه ای بی دردسر و توأم با آرامشی را برای بریتانیا تضمین نمود. سپس نیویورک جانشین لندن شد. جریان آهسته مهاجرت یهودیان در قرن نوزدهم، بعد از جنگ جهانی اول، به صورت سیلی عظیم شتاب پیدا کرد و ایالات متحده را به مقر قدرت و نفوذ یهود تبدیل نمود.

آمریکا با ناوگان، ارتش و اتباعش به عنوان فرمانروای جهان جایگزین بریتانیا شد. معنای این سخن صرفا آن است که یهودیت از امپراتوری بریتانیا به قاره آمریکا نقل مکان کرد.(۲)

پاریس نخستین مقر آن بود ولی اکنون از اهمیت این شهر کاسته شده است. پیش از سال ۱۹۱۴، لندن اولین و نیویورک دومین پایتخت آن بود. امروز نیویورک جای لندن را گرفته است.(۳)

در این واقعیت نمی توان تردید کرد که رویدادهای عمده منطقه خاورمیانه و بلکه جهان، در سده اخیر، نیز، تحولات و حوادث سال های اخیر در جهان اسلام، حول محور فلسطین بوده است و آنچه غاصبان این سرزمین، تحت پوشش عباراتی چون سیاست محیطی، دکترین

۱- . هنری فورد، یهود بین الملل، ترجمه علی آرش، مؤسسه فرهنگی پژوهشی ضیاءاندیشه، سال ۱۳۸۲، صص ۱۶۷-۱۶۸.

۲- . همان منبع، ص ۲۶۲.

۳- . همان منبع، ص ۲۶۲.

حاشیه ای، دیپلماسی پنهان، عملیات مخفی و یا استراتژی پیرامونی از آن یاد می کنند، بخشی از راهبرد جهانی آنهاست که دارای عقبه پشتیبان، به گستره مغرب زمین، یعنی از اروپا تا آمریکاست.

بنابراین، تلاش آمریکایی ها در خلال پنج دهه اخیر، به منظور ایجاد و استقرار اسرائیل بزرگ(۱) از این زاویه قابل ارزیابی و تحلیل است. به طوری که ریچارد نیکسون نوشته است:

«تعهد ما به بقا و امنیت اسرائیل ریشه دار است. ما متحدانی بر اساس نوشته ای رسمی نیستیم؛

بلکه چیزی قویتر ما را به هم پیوند داده است [...]. تعهد ما به اسرائیل از میراث جنگ جهانی دوم و منافع اخلاقی و ایدئولوژیکی ما [...]سرچشمه می گیرد. هیچ رئیس جمهور و یا کنگره آمریکا، هرگز اجازه نخواهد داد که کشور اسرائیل نابود شود... تعهد ما به اسرائیل موجب شده تا بهای گرانی [...]بپردازیم.»(۲)

ارتباط، عوامل پیوند و همکاری مستمر و سرّی سازمان جاسوسی آمریکا (سیا) و انگلستان (اینتلیجنس سرویس - ام.آی.پنج و ام.آی.شش) با سرویس اطلاعاتی اسرائیل (موساد)، طی چند دهه اخیر، در ایران، کشورهای اسلامی منطقه و در کل جهان نیز از این

دیدگاه قابل بازخوانی و بررسی است.

صرف نظر از ارتباط و همکاری سازمانی سرویس های اطلاعاتی آمریکا و انگلستان با اسرائیل، این واقعیت را نمی توان فراموش کرد که موساد تمام و همه آنچه که از آن به سرویس اطلاعاتی صهیونیست ها(۳) یاد می شود، نیست.

در واقع باید سرویس اطلاعاتی صهیونیست ها را شبکه ای نامریی دانست که بر فراز و در قلب مُعظم ترین سرویس های جاسوسی غرب (به ویژه آمریکا، انگلیس، فرانسه و آلمان) شبکه های خود را تنیده است و مستقل از این سرویس ها خط مشی صهیونیسم را دنبال می کند.(۴) بنابراین، نه فقط موساد را باید مولود این شبکه نامریی دانست بلکه ارتباط و

۱- . ن.ک: نعام چامسکی، مثلث سرنوشت ساز، ترجمه عزت اللّه شهیدا، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، چاپ اول ۱۳۶۹، ص ۵ و ۲۸.

۲- . ریچارد نیکسون، فرصت را از دست ندهید، ترجمه محمود حدادی، انتشارات اطلاعات، چاپ اول ۱۳۷۱، صص ۲۱۶ و ۲۱۵.

۳- . ظهور و سقوط سلطنت پهلوی، جلد دوم، جستارهایی از تاریخ معاصر ایران پیوست ویراستار، مؤسسه مطالعات و پژوهش های سیاسی، چاپ سوم، پاییز ۱۳۷۰، ص ۱۲۱.

۴- . همان منبع، ص ۱۲۱.

همکاری سرویس اطلاعاتی اسرائیل (موساد) را با سرویس های جاسوسی و اطلاعاتی آمریکا و انگلستان، از این زاویه، نگاه و بررسی کرد. بر این اساس، چندان بی ربط نیست که گفته شود، سازمان های اطلاعاتی دولت های قدرتمند غربی، برای اسرائیل، در مسیر تعقیب

استراتژی این رژیم در خاورمیانه تا آفریقا و بلکه در بسیاری از نقاط جهان، به مثابه چشم و گوش عمل کرده اند.(۱)

ص: ۲۸

۱- . پیتر رایت کارمند ارشد ضدجاسوسی سرویس اطلاعاتی سرّی بریتانیا ام آی ۵ با انتشار کتابی در سال ۱۹۸۷، به گوشه هایی از این روابط و نیز نقش لرد ویکتور روچیلد از سران یهود بین الملل در این باره اشاره کرده است. جهت کسب اطلاعات بیشتر مراجعه شود به: پیتر رایت، شناسایی و شکار جاسوس، ترجمه محسن اشرفی، مؤسسه انتشارات اطلاعات، چاپ هفتم ۱۳۷۲.

سرآغاز

از آنجا که اعلام تأسیس اسرائیل در سرزمین فلسطین، هیچ گونه مبنای حقوقی و مشروعیت جمعیتی، تاریخی و جغرافیایی نداشت، لذا سران و رهبران و بانیان آن، از همان

ابتدا، موجودیت این دولت را در تهدید تلقی می کردند. سران و رهبران اسرائیلی با این ادعا که از سوی کشورهای عربی و اسلامی همجوار، در معرض تهدید قرار دارند، بقا و امنیت خود را دست آویز و توجیهی برای هرگونه تجاوز، توسعه طلبی، سرکوب و تهدید دیگران قرار دادند. آن ها با این تبلیغات که اسرائیل یک جامعه جدید و کوچک در محاصره دریای

اعراب و مسلمانان است، هرگونه اقدام و رفتار را برای خود مجاز و مشروع قلمداد کردند.

اهرم هایی که اسرائیل از طریق نفوذ و حضور یهودی ها در ارکان قدرت در حوزه های اقتصادی و سیاسی غرب در دست داشت از یک سو و فضای مصنوعی، روانی و تبلیغاتی ساخته و پرداخته پس از جنگ جهانی دوم، از سوی دیگر، شرایط را برای همه گونه دست اندازی، تجاوز و اقدام اسرائیلی ها در سرزمین فلسطین و بلکه سرزمین های پیرامونی

آن مهیا ساخته بود. موضوع انزوا و عدم امنیت اسرائیل در میان کشورها و ملت های منطقه، از نظر صهیونیست ها، توجیه مناسبی برای بهره گیری از همه اهرم های موجود در عرصه جهانی و منطقه ای، با هدف ادعایی حفظ بقا و موجودیت اسرائیل بود. درحالی که در پَسِ

پرده این توجیهات و تبلیغات، استراتژی گسترش مرزها، توسعه سرزمینی و استقرار اسرائیل بزرگ تعقیب و دنبال می شد. با همه وابستگی هایی که اسرائیل به دنیای خارج، به خصوص قدرت مالی و نفوذ سیاسی یهودی ها در جهان داشت و حتی تأسیس و بقای خود را مدیون آن بود، مع الوصف، به شرایط و موقعیتی احساس نیاز می کرد که در مواقع منازعه و

یا در مسیر تعقیب استراتژی پنهان، متکی به خود باشد. این، سیاست و استراتژی اعلام شده از سوی دیوید بن گوریون، اولین نخست وزیر اسرائیل، مبنی بر ایجاد کشوری قوی و قدرتمند بود که قدرت و عظمتش رو به فزونی و قلمرواش رو به گسترش و متکی به خود باشد.

جایگاه حقوقی، جمعیتی و ماهیت اسرائیل، موجب آن بود که بسیاری از رهبران صهیونیسم بر این تئوری پافشاری کنند که اسرائیلی ها با جهانی از دشمنان غیریهودی مواجه اند. این تئوری، طی ۵۵ سال گذشته همواره شالوده سیاست تهاجمی، نظامی، دیپلماسی، اطلاعاتی و امنیتی رژیم صهیونیستی را تشکیل داده و پوشش مناسبی برای هرگونه موضع گیری و عملیات تهاجمی اسرائیلی بوده است. این استراتژی غیرقابل تغییر و

عجین با سرشت و ماهیت اسرائیل، همان است که بسیاری از رهبران اسرائیل، از بن گوریون، لوی اشکول(۱)، گلدا مایر(۲)، مناخیم بگین و آریل شارون، در مقاطع مختلف تاریخی و با عبارات

۱- . لوی اشکول در سال ۱۸۹۵ در اوکراین متولد شد. در سال ۱۹۱۴ به فلسطین رفت و در سال ۱۹۱۸ داوطلبانه به سپاه یهود در ارتش انگلستان پیوست. اشکول را از پایه گذاران سازمان هیستادروت اتحادیه کارگران یهود نامیده اند. در اواخر دهه ۱۹۳۰ تا اوایل دهه ۱۹۴۰ عضو رهبری گروه تروریستی هاگانا بود. او در اولین تقابل اعراب و اسرائیل در سال ۱۹۴۸ معاون بن گوریون در وزارت دفاع و مسؤول تدارکات جنگ و اداره هزینه های آن بود. در سال ۱۹۴۸ به عنوان عضو هیأت اجرایی آژانس یهود انتخاب شد و ریاست بخش شهرک های یهودی نشین در آن سازمان را تا سال ۱۹۶۳ به عهده داشت. وی را از شاخص ترین طراحان ایجاد شهرک های یهودی نشین در فلسطین اشغالی به شمار آورده اند. در اوایل دهه ۱۹۵۰ یکی از رهبران حزب ماپای بود و در سال ۱۹۵۱ به نمایندگی کِنِست انتخاب شد و تا سال ۱۹۶۹ این سمت را به عهده داشت. به علاوه در سال های ۱۹۵۱ و ۱۹۵۲ وزیر کشاورزی و توسعه و از سال ۱۹۵۲ تا ۱۹۶۳ وزیر دارایی بود. لوی اشکول طی سال های ۱۹۶۳ تا ۱۹۶۹ نخست وزیر اسرائیل و از سال ۱۹۶۳ تا ۱۹۶۷ به طور همزمان، سمت وزارت دفاع را نیز عهده دار بود. او در سال ۱۹۶۹ در پی یک حمله قلبی درگذشت. (شریده، اسماعیل عبداللهی و مهدی زیبایی، برآورد استراتژیک اسرائیل، مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین المللی ابرار معاصر، تهران، چاپ اول ۱۳۸۱. نیز؛ کاکبورن).

۲- . گلدامایر با نام اصلی گلدامایرسون در سال ۱۸۹۸ در کیف روسیه به دنیا آمد. پدرش نجار فقیری بود که در سال ۱۹۰۶ خانواده خود را به آمریکا برد. گلدامایر در سال ۱۹۱۵ به حزب پوالای صهیون، سوسیال دمکرات یهود یا کارگران صهیون پیوست. در سال ۱۹۲۱ به همراه همسرش موریس مه یر به فلسطین رفت و بعدها عضو فعال هیستادروت (اتحادیه کارگران یهود) و نیز حزب چپگرای ماپای شد. در سال ۱۹۳۶ رئیس اداره سیاسی هیستادروت و در سال ۱۹۴۶ برای مدتی رئیس دایره سیاسی آژانس یهود بود. پس از تأسیس اسرائیل به عنوان سفیر به شوروی رفت و در سال ۱۹۴۹ به نمایندگی کِنِست انتخاب شد. وی در این سال وزیر کار نیز بود. او تا سال ۱۹۷۴ سمت نمایندگی کِنِست را عهده دار بود. در سال ۱۹۵۶ به جای موشه شارت به سمت وزیر امور خارجه منصوب شد و تا سال ۱۹۶۶ به مدت ده سال این پست را در اختیار داشت. گلدامایر در سال ۱۹۶۶ از هیأت دولت استعفا داد و دبیر کل حزب کارگر شد. پس از استعفای لوی اشکول در سال ۱۹۶۹، او به سمت نخست

وزیری دست یافت. در جنگ چهارم اعراب و اسرائیل در سال ۱۹۷۳، به عنوان نخست وزیر این جنگ را رهبری کرد و در سال ۱۹۷۴، پیامدهای جنگ مزبور او را ناگزیر به استعفا کرد. گلدامایر در سال ۱۹۷۴ از ریاست حزب کارگر و نمایندگی پارلمان کنار رفت و در دسامبر ۱۹۷۸ در بیت المقدس درگذشت.

گوناگون بدان تصریح و تأکید کرده اند. رهبران اسرائیل هیچ گاه فراموش نکرده اند که مشکلات امنیتی رژیم صهیونیستی را، پوشش و بهانه ای در مسیر تعقیب استراتژی اصلی خود قرار دهند.(۱)

آریل شارون وزیر جنگ اسرائیل در دسامبر ۱۹۸۱م، در یک کنفرانس بین المللی، پیرامون مسایل امنیتی و اقتصادی اسرائیل که از سوی مرکز مطالعات استراتژیک دانشگاه تل آویو برگزار شده بود، به صراحت گفت:

مهمترین مشکلات امنیتی در دهه هشتاد- آن طور که من می بینم - به مخاطرات خارجی مربوط می شود که سلامت و حقوق حاکمیت اسرائیل را تهدید خواهد کرد. این مخاطرات دو منبع دارد:

۱- رویارویی عربی

۲- توسعه طلبی شوروی متکی بر رویارویی عربی که شوروی ابزار سیاسی و نظامی در اختیار آن می گذارد [...].

سوای محدوده سنتی سیاست رویارویی که اسرائیل را احاطه کرده، برای مقابله با این مخاطرات ضروری است که مصلحت امنیت استراتژیک اسرائیل در دو زمینه جغرافیایی دیگر که تأثیر امنیتی دارند، توسعه یابد. زمینه نخست در رابطه با کشورهای عربی خارجی است که قدرت نظامی فزاینده آن ها، بُعد خطرناکی به تهدید مستقیم موجود علیه اسرائیل، چه از

طریق ارسال نیروهای ویژه به منطقه رویارویی و چه حتی از طریق اجرای عملیات هوایی و دریایی مستقیما از سوی این کشورها علیه خطوط مواصلاتی هوایی و دریایی اسرائیل می دهد. زمینه دوم در رابطه با کشورهای خارجی است که موقعیت و گرایش سیاسی - استراتژیک آن ها ممکن است تأثیر خطرناکی روی امنیت ملی اسرائیل داشته باشد.(۲)

آریل شارون با این شگرد تبلیغاتی - سیاسی و توجیهات امنیتی، برای موجه و منطقی جلوه دادن استراتژی توسعه طلبانه اسرائیل چنین نتیجه گیری می کند:

۱- . ر.ک.: افرایم اینبار، خطوط برجسته تفکر استراتژیک نوین اسرائیل، مترجم میرسعید مهاجرانی، مندرج در: سیاست دفاعی، شماره ۲، بهار ۱۳۷۶، پژوهشکده علوم دفاعی دانشگاه امام حسین ع.

۲- . روزنامه اسرائیلی معاریو، ۱۸/۱۲/۱۹۸۱، مشکلات استراتژیک اسرائیل در دهه هشتاد؛ استراتژی صهیونیسم در منطقه عربی و کشورهای همجوار آن، مؤسسه الارض، ویژه مطالعات فلسطینی، انتشارات بین الملل اسلامی، سال ۱۳۶۳، ص ۳۰۱.

ضروری است مصلحت استراتژیک و امنیتی اسرائیل تا آن سوی کشورهای عربی موجود در خاورمیانه و در سواحل مدیترانه و دریای سرخ فراتر رفته و در دهه هشتاد، شامل کشورهایی از قبیل ترکیه و ایران و پاکستان و مناطق خلیج فارس و آفریقا، به ویژه کشورهای آفریقای شمالی و مرکزی شود.(۱)

آریل شارون، چندی بعد، نه تنها بر این استراتژی خطرناک صهیونیستی مهر تأیید و تأکید زد، بلکه اجرا و تعقیب آن را با اهداف سوق الجیشی و منافع امنیتی اسرائیل گره زد.

او در مصاحبه ای با اوریانا فالاچی خبرنگار معروف ایتالیایی با گستاخی تمام در صدد توجیه استراتژی توسعه طلبانه اسرائیل در این زمینه برآمد:

اوریانا فالاچی: ژنرال شارون! بعضی وقت ها من دچار شک می شوم. دچار این شک که انگیزه شما ناشی از یک جاه طلبی وسیع است و از حفظ امنیت و قدرت دفاعی اسرائیل فراتر می رود.

این را می گویم چون نطق شما در کنفرانس انجمن تحقیقات استراتژیک را که در دسامبر گذشته

(۱۹۸۱) در تل آویو برپا شد به خاطر دارم. نطقی که به توصیف حیطه منافع سوق الجیشی اسرائیل پرداختید. شما اعلام کردید که این منافع تنها شامل کشورهای عرب خاورمیانه و حوزه دریای مدیترانه و بحر احمر نمی شود و بلکه به سبب مسایل امنیتی، کشورهایی نظیر ترکیه،

ایران، پاکستان و مناطقی مثل خلیج فارس، آفریقا و همچنین شمال و مرکز آفریقا را دربر

می گیرد. این سخنان وحشتناک است.(۲)

علت و بهانه انتخاب این راه از سوی صهیونیسم عنوان می کند و گستاخانه چنین پاسخ می دهد:

شارون: بسیار خوب. می بینم که درس خود را به خوبی مرور کرده اید. الان جوابتان را می دهم. اسرائیل کشور بسیار خاصی است. علل این خاص بودن در مفهوم واژه های مورد تعقیب و آزاد

بودن خلاصه شده است. ما باید با مسائل کلی امنیت خود مقابله کنیم. این مسائل سه حیطه

هستند. نخست در حیطه تروریسم فلسطینیان. دوم مقابله با کشورهای عربی که اکنون ما را

تهدید می کنند. حیطه سوم مشمول توسعه طلبی شوروی است. مسأله این است که چگونه ما در

۱- . همان منبع، صص ۳۰۱-۳۰۲.

۲- . اوریانا فالاچی، در گفت وگو با آریل شارون، وزیر جنگ اسرائیل، نشریه آبزرور، ۱۹۸۲؛ مندرج در کتاب السلام مع المحتلین، واقعیه ام انتحار؟؛ محمدتقی تقی پور، ترجمه عبدالکریم محمود، معاونیه العلاقات الدولیه فی منظمه الاعلام الاسلامی، ۱۹۹۳م/۱۴۱۴ه، ص ۶۰.

این سه حیطه از حق موجودیت خود دفاع کنیم، بدون آنکه تبدیل به پروس خاورمیانه شویم؟(۱)

رهبران اسرائیلی، همواره تحت پوشش این قبیل توجیهات و تبلیغات، توسعه طلبی ها و استراتژی پنهان خود را در زمینه های مختلف، اشغال سرزمین های اسلامی و عربی، عملیات

خزنده جاسوسی و اطلاعاتی، به پیش برده و در عین حال خود را در حاشیه امن قرار داده اند.

تلاش و اشتیاق فراوان برای برقراری ارتباط سیاسی و اطلاعاتی با ایران دوره پهلوی و نیز

کشور ترکیه و بعضی دیگر دولت های پیرامونی، تا اتیوپی در شمال آفریقا، از ابتدای تأسیس

رژیم صهیونیستی در دستور برنامه های سران و رهبران اسرائیل و صهیونیسم قرار داشت. آنچه بن گوریون(۲) در ذهن داشت یک استراتژی پیرامونی بود و جوهره و اساس آن امر ساده ای به شمار می رفت؛ کشورهای عربی که اسرائیل را احاطه کرده بودند، به صورت دشمن باقی می ماندند؛ اما به هر حال در پیرامون جهان عرب، کشورهایی وجود داشتند که دعوای مستقیمی با اسرائیل نداشتند؛ دلایلی برای ترس از تحرکات کمونیستی برایشان وجود داشت، و از متحدین

ثابت قدم ایالات متحده به شمار می رفتند. متحدین بالقوه ای که بن گوریون در ذهن داشت ترک ها و ایرانیان بودند که از نظر موقعیت جغرافیایی برای محاصره و در تنگنا گذاشتن سوریه و عراق وضعیتی ایده آل داشتند. امپراتوری باستانی اتیوپی نیز که در آفریقا هم مرز کشورهای عرب بود، چنین حالتی داشت.(۳) ارتباط مورد نظر که به تدریج همکاری گسترده و عمیق اطلاعاتی اسرائیل با کشورهای مذکور را به دنبال داشت، در نهایت منجر به ایجاد ایستگاه اطلاعاتی و جاسوسی سرویس اطلاعاتی اسرائیل در داخل این کشورها گردید. به گونه ای که رژیم صهیونیستی با

استقرار ده ها پایگاه و صدها مأمور و جاسوس کارکشته و کارآزموده صهیونیست در ایران دوره

پهلوی، کشور ترکیه و تا برخی ممالک آفریقایی، مطامع خود را در کشورهای پیرامونی به دلخواه

تعقیب می کرد، بدون آنکه هیچ هزینه ای به لحاظ سیاسی از بابت آن ها متحمل شود.

۱- . همان منبع، ص ۶۱.

۲- . در بسیاری از منابع تاریخی و سیاسی، دیوید بن گوریون اولین نخست وزیر اسرائیل بانی و مبتکر استراتژی پیرامونی یا دکترین حاشیه ای قلمداد شده است؛ اما بر اساس مندرجات اسناد اسرائیلی و اذعان بعضی تاریخ نگاران یهودی و صهیونیست، رویون شیلوا Reuven Shiloah اولین رئیس موساد، طراح اصلی استراتژی Peripheralبود که آن را به بن گوریون ارایه داد. این شخص در بخش رؤسای موساد معرفی شده است. همان گونه که در همین کتاب نیز مشاهده می شود، این اسم در بعضی ترجمه های فارسی رویون و در برخی دیگر ریون نوشته شده است.

۳- . اندرو و لسلی کاکبورن، ارتباط خطرناک، ترجمه محسن اشرفی، انتشارات اطلاعات، چاپ اول ۱۳۷۱، ص ۱۵۹.

موساد و ساواک: پیدایش، ساختار، وظایف و اهداف

اشاره

ص: ۳۵

اهمیت و ضرورت

ارتباط و همکاری ساواک و موساد در مسیر پیشبرد استراتژی پیرامونی اسرائیل کاملاً اساسی و استراتژیک بود. به علاوه، در چارچوب پیمان اطلاعاتی سه جانبه ایران، اسرائیل و ترکیه موسوم به نیزه سه سر؛ یا اتیوپی، ایران و اسرائیل با رمز عقاب، در همه اینها، ساواک و موساد نقش و مأموریت کلیدی و محوری را به عهده داشتند. در مقایسه بین دو سرویس اطلاعاتی موساد و ساواک، با توجه به پیشینه همکاری، عملکرد و نیز اسناد و مدارک موجود،

بـه جرأت می تـوان گفـت سـرویس اطلاعـاتی صـهیونیست هـا، همـواره حرف اول را می زد. صـرف نظر از اینکـه، در قلمرو همکـاری هـای اطلاعاتی دوجانبه و یا سه جانبه، همیشه استراتژی اسرائیل موضوع و مسأله محوری، و حاصل این همکاری ها نیز به نفع صهیونیست ها بود.

بنابراین، نظر به اهمیت، جایگاه و موقعیت موساد و ساواک در همکاری های اطلاعاتی چندجانبه، ضروری است با هدف تنویر افکار خوانندگان، درباره ماهیت، اهداف، ساختار تشکیلاتی، پیدایش و پیشینه این دو سازمان مخوف اطلاعاتی و جاسوسی، اطلاعاتی، ولو در

حد اجمال ارایه شود. به علاوه این اطلاعات دستمایه ای است که زمینه های ذهنی مخاطب را

برای درک و تفسیر بهتر و آسانتر مباحث آتی هموار و او را در تبیین و تجزیه و تحلیل مسایل

مورد نظر یاری خواهد کرد.

پیدایش موساد

در ماه مه سال ۱۹۴۸م/ اردیبهشت ۱۳۲۷ش، سرانجام پس از یک و نیم قرن تلاش گسترده

و همه جانبه رهبران و کانون های یهودی و صهیونیستی، اعلامیه تأسیس دولت اسرائیل در سرزمین فلسطین صادر و آمال و وعده های پیشقراولان صهیونیسم تحقق پیدا کرد.

نویسندگان آمریکایی کتاب ارتباط خطرناک، با اشاره به نمای ساختمان بدون علامت، مخفی و سرّی موساد در خیابان خَدَردَفَنا(۱) در فلسطین، نقش جامعه اطلاعاتی یهودی ها را در پیدایش اسرائیل اساسی دانسته و معتقدند؛ موفقیت کامل اسرائیلی ها در پدید آوردن دولتی

یهودی در فلسطین، تا حد زیادی مدیون اطلاعاتی بوده که امروز آن را عملیات پنهان می خوانند.(۲) تلاش های اطلاعاتی همه جانبه یهودی ها و پشتیبانی سرّی و پنهانی آمریکا، دو عامل و عنصر کلیدی در این حرکت بودند که این هر دو مورد، وابسته به یهودیانی بود که

متعلق به خارج از اسرائیل بودند.(۳) در قلب این تکاپوی اطلاعاتی سازمانی سرّی قرار داشت که شای(۴) خوانده می شد.(۵)

پس از تأسیس دولت اسرائیل، چون اولویت ها و مأموریت های اطلاعاتی جامعه صهیونیستی عوض شد و تغییر کرد، دیوید بن گوریون اولین نخست وزیر اسرائیل، شای را منحل و به جای آن سه سازمان اطلاعاتی جداگانه ایجاد کرد. سرویس اطلاعات نظامی که اساسا برای مقابله با ارتش های عرب ایجاد شده بود و تحت کنترل وزارت دفاع قرار داشت.

سرویس اطلاعات خارجی که گاریل (گوریل)(۶) کهنه کار آن را ریاست و اداره می کرد، بخشی از وزارت خارجه بود. بخش امور یهودیان که تحت عنوان شین بت(۷) تجدید سازمان شده بود، توسط یک روس لاغراندام به نام ایسر هارل(۸) ریاست می شد و مسؤولیت اطلاعات و امنیت داخلی را به عهده داشت.(۹)

در سال ۱۹۵۱ و به دنبال یک سری درگیری های داخلی، تشکیلات اطلاعاتی اسرائیل دوباره دستخوش تحول شد. به جای بخش خارجی که قسمتی از وزارت امور خارجه به

۱- . Hadar Dafna

۲- . کاکبورن، ص ۵۸.

۳- . همان منبع، ص ۵۹.

۴- . Shai

۵- . همان منبع، ص ۵۸.

۶- . Guriel

۷- . Shin- Beth

۸- . Isser Harel

۹-. همان منبع، ص ۶۰.

حساب می آمد، آژانس جدیدی ایجاد شد که زیر نظر مستقیم نخست وزیر قرار می گرفت. این آژانس همان موساد بود که بعدا به صورت سازمانی افسانه ای درآمد. مسؤولیت آن را به عهده شیلوا(۱) گذاشتند.(۲)

ساموئل کاتز به عنوان یک کهنه کار اسرائیلی، که اثرش را با هماهنگی محافل رسمی و دولتی اسرائیل به رشته تحریر درآورده، می نویسد: آژانس یهود که در سال ۱۹۴۰ به خاطر

بخش های مخفیانه عملیاتی اش بیشتر به یک وزارت دفاع شبیه بود تا یک تشکیلات سیاسی دوران قبل از استقلال [زمان تأسیس اسرائیل در سال ۱۹۴۸م/ ۱۳۲۷ش]، همراه با حمایت کامل فرماندهی عالی [گروه شبه نظامی و تروریستی] هاگانا سرویس اطلاعاتی ملی را تشکیل داد تا نیازهای وضعیت جدید را برآورده سازد. این سرویس جدید اطلاعات ملی، نام مشهور

شای را روی خود گذاشت.

بسیاری از محققین صلاحیت دار اسرائیلی خلق این سازمان را به عنوان بسته شدن نطفه واقعی واحد اطلاعات نظامی در نظر می گیرند. این در حالی است که برخی دیگر اعتقاد دارند، هسته تشکیل یک واحد اطلاعات نظامی یهودی از سال ۱۹۰۹ در فلسطین وجود داشته است. این همان زمانی بود که گروه [یهودی و تروریستی] مسلح هاشومر روستائیان

عرب [فلسطینی]دهکده های مجاور را تحت نظر می گرفت. در ماه ژوئن ۱۹۴۰، شای یک واحد ویژه عربی بنیان گذاشت. این واحد که فرماندهی آن با عزرا دانین بود، جمع آوری و تحلیل اطلاعات را در مورد قابلیت های نظامی اعراب و مقاصد آنها به طور منظم انجام می داد.(۳)

ساموئل کاتز نقش انگلستان و سرویس جاسوسی آن را در شکل گیری و پیدایش شای، اساسی و جدی می داند:

سازمان جدید شای روابط نزدیکی با سرویس اطلاعاتی انگلستان برقرار و در واقع تلاش کرد، شیوه و سازمان خود را طبق آنچه در ام.آی.۴، یعنی اطلاعات نظامی انگلستان؛ ام.آی.۵ یعنی سرویس ضد اطلاعات انگلستان؛ و ام.آی.۶ یعنی سرویس جاسوسی خارجی انگلستان، وجود داشت، تنظیم کند. در چند سالِ قبل از جنگ جهانی دوم، سرویس های

۱- . Reuven Shiloah

۲- . همان منبع، صص ۶۱-۶۲.

۳- . ساموئل کاتز، صص ۳۶-۳۷.

اطلاعاتی انگلستان در جریان شکل گیری گروه های اطلاعات نظامی، به شای کمک کردند. رابطه آنها از زمانی آغاز شد که در سال ۱۹۳۶ در فلسطین شورش هایی(۱) به پا شد و هاگانا و واحدهای اطلاعاتی انگلستان برای سرکوب اعراب طغیانگر(۲) با یکدیگر همراه شدند.(۳)

به نوشته استوارت استیون انگلیسی: علاوه بر هاگانا، سازمان دیگری به نام شروت ایبدیئوت وجود داشت که مأمور جمع آوری اطلاعات بود. بعدها این سازمان به نام شای نامیده شد.(۴)

این نویسنده در صفحات دیگر کتاب، شای را اداره اطلاعات هاگانا قلمداد کرده که با نام پوششی مؤسسه کمک به قهرمانان فعالیت می کرد.(۵) او از تشکیل جلسه ای خبر داده که بنا به دستور دیوید بن گوریون لیدر سیاسی هاگانا و نخست وزیر اسرائیل، در همان ایام اول پس از اعلام موجودیت رژیم صهیونیستی، با هدف ایجاد تغییرات و تجدید ساختار تشکیلات اطلاعاتی و جاسوسی اسرائیل تشکیل شده بود:

ایسر بئری یکی از فرماندهان برجسته شای که اتفاقا ریاست اولین جلسه را به عهده داشت، به حاضرین گفت که نخست وزیر از او خواسته است در ساختمان شای تغییراتی بدهد. پیشنهاد شده است که سه اداره تشکیل شود: سازمان اطلاعات و ضداطلاعاتی ارتش (به نام اختصاری آمون) تحت ریاست ایسر بئری، سازمان اطلاعات و ضداطلاعاتی سیاسی (با نام اختصاری موساد) مأمور جمع آوری اطلاعات از کلیه نقاط دنیا به ریاست بوریس گورییل و بالاخره اداره سوم (شین بت با نام اختصاری شروت هابیتاهون) با مأموریت داخلی به ریاست ایسر هارل.(۶)

گزارش مشترک و طبقه بندی شده سرویس های اطلاعاتی ایالات متحده آمریکا، متشکل از مدیریت عملیات ضداطلاعاتی (DOCS)، سازمان مرکزی اطلاعات (CIA) و سازمان

ص: ۴۰

۱- . قیام و مبارزه معروف شهید عزالدین قسام و یاران او علیه اشغالگران و سپس شهادت آنها در جنگل های یَعبُد و به دنبال آن خیزش گسترده مردم فلسطین که به مدت شش ماه تداوم داشت.

۲- . مقصود مبارزان و مردم به پا خاسته فلسطین در مقابل اشغالگران یهودی و انگلیسی است.

۳- . ساموئل کاتز، ص ۳۷.

۴- . استوارت استیون، نخبه جاسوسان اسرائیل، ترجمه م. دانشمند، شرکت انتشاراتی پاژنگ، تهران، چاپ اول، زمستان ۱۳۷۱.

۵- . همان منبع، ص ۴۳.

۶- . همان منبع، صص ۴۳-۴۴.

اطلاعاتی دفاع [سازمان اطلاعات ارتش آمریکا] (DIA)، درباره پیشینه و پیدایش سرویس اطلاعات سرّی اسرائیل، معروف به موساد، بسیار حائز اهمیت است:

در سال ۱۹۴۸، هنگامی که قیمومت انگلستان پایان یافت، جمعیت یهودی فلسطین، اسرائیل را تأسیس نمود. در میان سازمان های دولتی که ایجاد شدند، واحد اطلاعاتی و امنیتی

نیز وجود داشت که به سرویس اخبار (اطلاعات) شای معروف بود. این سازمان بازوی اطلاعاتی نیروی مقاومت زیرزمینی صهیونیست ها [گروه تروریستی یهودی هاگانا] بود که در زمان قیمومت انگلستان، با تأسیس آژانس یهود [سخنوت] در سال ۱۹۲۹، در کنگره

[جهانی]صهیونیست ها در زوریخ سوئیس، دست به عملیاتی در مقیاس جهانی زد. در آن زمان آژانس یهود متشکل از صهیونیست ها و غیرصهیونیست ها، با شرکت و حضور فعالانه و گسترده آمریکائیان بود. [...].

این آژانس به عنوان پوششی برای شای به کار می رفت و عملیات مخفی خود را در اروپای غربی و ایالات متحده گسترش داد.

از سال ۱۹۲۳ تا ۱۹۴۸، اهداف شای عبارت بود از:

پیشبرد امر تأسیس یک دولت مستقل اسرائیلی، نفوذ در تأسیسات و تشکیلات قیمومتی انگلستان...، جمع آوری اخبار و اطلاعات سیاسی جهت بهره گیری در تبلیغات صهیونیستی، نفوذ در احزاب و گروه های عرب و ضدصهیونیستی در فلسطین و کشورهای مجاور...، حفظ امنیت قاچاق اسلحه و برنامه مهاجرت غیرقانونی [یهودی ها به فلسطین] و... .

شای از بخش های زیر تشکیل یافته بود:

اطلاعات سیاسی، امنیت داخلی و ضدجاسوسی، اطلاعات نظامی، شاخه پلیسی اطلاعات نظامی و بالاخره اطلاعات و امنیت دریایی [...].

در آوریل سال ۱۹۵۱، نخست وزیر [دیوید بن گوریون] و کابینه اش...، به علت درگیری های داخلی و عدم هماهنگی زیرمجموعه های شای شدیدا احساس خطر کرده و نسبت به دوباره سازی کامل ساختار اساسی و جامعه امنیت و اطلاعات اسرائیل تصمیم گرفتند.

این مأموریت به عهده مردی به نام ریون شیلوا گذارده شد. شیلوا رئیس این مرجع که کمیته سران سرویس ها یا وعدت نام گرفته بود، سرویس اطلاعات و امنیت دریایی و واحد

نوبنیاد اطلاعات هوایی را در اطلاعات نظامی ادغام نمود. سرویس اطلاعات سیاسی را از وزارت خارجه جدا و مستقل نمود و در شکل سرویس اطلاعات سرّی (موساد) دوباره سازی کرد.

سرویس امنیت داخلی و ضدجاسوسی (شین بت)، غیر از تغییرات داخلی همچنان دست نخورده باقی ماند [...].

سرویس های امنیتی و اطلاعاتی اسرائیل، این ساختار را نسبتا بدون تغییر، در طی جنگ های اعراب و اسرائیل در اکتبر و نوامبر ۱۹۵۶، جنگ شش روزه در ژوئن ۱۹۶۷ و جنگ یوم کیپور [جنگ رمضان] در اکتبر ۱۹۷۳، حفظ کردند. در اوایل ۱۹۶۳، درست قبل از بازنشستگی و کناره گیری، بن گوریون، کمیته ای را برای بررسی اوضاع تعیین و انتخاب نمود.(۱) او نگران آن بود که تأسیسات و تشکیلات امنیتی و اطلاعاتی که به سبب نقش او به عنوان نخست وزیر و وزیر دفاع، معمولاً رضایت بخش عمل می نمود، با کناره گیری وی، رو

به زوال رود. [...].

در ژوئیه ۱۹۶۳، کمیته گزارش خود را تسلیم نخست وزیر جدید، لوی اشکول(۲) نمود. از جمله تغییرات بر اساس توصیه کمیته جابجایی اختیار و مسؤولیت شین بت از وزیر دفاع به

نخست وزیر، جامه عمل پوشانده شد.

در فاصله کوتاه بین سپتامبر ۱۹۶۵ تا ژوئیه ۱۹۶۶، ایسر هارل رئیس قبلی «وعدت» و رئیس موساد به عنوان مشاور اشکول نخست وزیر در مسایل امنیتی و اطلاعاتی انجام وظیفه نمود [...].

به دنبال شکست و افت اطلاعاتی عنوان شده در جنگ یوم کیپور [رمضان]، دولت اسرائیل کمیسیون آگرانت را برای تحقیق مسایلی که مرتبط به عملیات جنگی و عملکرد سرویس های امنیتی و اطلاعاتی بود تعیین کرد. کمیسیون در گزارش کوتاه و مقدماتی خود در آوریل ۱۹۷۴، پیشنهاد تقویت و فعال نمودن پست مشاورت مخصوص نخست وزیر را در امور امنیت و اطلاعات مطرح نمود [...].

از سال ۱۹۷۴ تا ۱۹۷۶، توصیه های گزارش مقدماتی کمیسیون آگرانت اعمال شد.

۱- . بن گوریون طی این سال ها همزمان با پست نخست وزیری سمت وزیر دفاع را نیز عهده دار بود.

۲- . Levi Eshkol

نخست وزیر ارتشبد مخصوص رهاوم زیوی(۱) را به عنوان مشاور مخصوص خود برگزید.[...]. در اکتبر ۱۹۷۶، زیوی از این پست استعفا داد و سرتیپ بازنشسته، و رئیس قبلی اطلاعات نظامی یهوشافت هرکابی(۲) جانشین وی شد.(۳)

اهداف

بر اساس اسناد و اطلاعات طبقه بندی شده سرویس های اطلاعاتی، امنیتی و جاسوسی آمریکا، اهداف و مقاصد اساسی سرویس های اطلاعات و امنیت اسرائیل عبارتند از:

۱- کشورهای عربی؛ توانایی و قدرت آنها، مقاصد و نظریاتشان درباره اسرائیل، روابط آنها با شوروی و سایر قدرت ها، تأسیسات رسمی و نمایندگان آنها در سرتاسر جهان، رهبران، سیاست های داخلی و سیاست های بین اعراب، خصوصیات اجتماعی و نظامی، آمادگی نظامی و دیگر امورات جنگی [آنها].

۲- جمع آوری اطلاعات درباره سیاست های سرّی ایالات متحده و یا تصمیمات آن [...].

۳- جمع آوری اطلاعات علمی در آمریکا و سایر کشورهای پیشرفته.

۴- تصمیمات و سیاست های دولت شوروی و کشورهای اروپای شرقی در قبال اسرائیل و مسائل و مشکلات مهاجرت یهودی ها از این مناطق.

۵- نظارت و تعقیب همه فعالیت های ضدصهیونیستی در سراسر جهان.

۶- جمع آوری اطلاعات سیاسی و اقتصادی در همه مناطق مورد توجه و علاقه خود، نظیر آفریقا.(۴)

وعدت (کمیته سران سرویس ها)

مرجع اصلی اطلاعات و امنیت اسرائیل، [با نام عبری] وعدت راشه ای هاشروتیم (کمیته سران سرویس ها) است که معمولاً به نام «وعدت» شناخته می شود. وعدت فعالیت ها و عملیات اعضای خویش را هماهنگ می سازد. موساد لتافکدیم میوچادیم (سرویس اطلاعات

۱- ۱. Rahavam Zeevi

۲- . Yehoshafat Harkabi

۳- . اسناد لانه جاسوسی، شماره ۱۱، صص ۱۷ تا ۲۲.

۴- . همان منبع، صص ۱۶-۱۷.

سرّی)، با اسم معمول و شناخته شده موساد، مسؤولیت عملیات خارجی را عهده دار و تحت نظر و تابع نخست وزیر است.

شروت بیتاچون کلالی (امنیت داخلی و ضدجاسوسی) معروف به شین بت، مسؤول کلیه امور امنیتی و تحت نظر مستقیم نخست وزیر است.

اگاف مودین (اطلاعات نظامی) مسؤولیت اصلی اطلاعات استراتژیکی نظامی و اطلاعات ارتباطاتی را عهده دار است و تحت فرماندهی رئیس ستاد ارتش قرار دارد.

بر این اساس؛ تشکیلات مرکزی جامعه اطلاعات و امنیت اسرائیل وعدت نام دارد که وظیفه اصلی و اولیه آن هماهنگی کلیه فعالیت های امنیتی و اطلاعاتی در داخل و خارج اسرائیل است. وعدت متشکل از اعضا، سرویس ها و عناصر زیر است:

۱) رئیس موساد، ۲) رئیس اطلاعات نظامی، ۳) رئیس شین بت، ۴) رئیس کل بازرسی، ۵) مدیر کل وزارت امور خارجه، ۶) رئیس مرکز تحقیقات و طرح ریزی وزارت امور خارجه، ۷) مشاورین سیاسی، نظامی، اطلاعاتی و ضدتروریستی نخست وزیر.(۱)

... رئیس موساد ریاست وعدت را به عهده دارد و به همین میزان به طور مستقیم در برابر نخست وزیر مسؤول است. اعضا و عناصر وعدت از موقعیت و مقام نسبتا مساوی و برابر برخوردار هستند.

رئیس موساد که سمت ریاست وعدت را نیز به عهده دارد، به عنوان مقام عالی رتبه، از یک نوع برتری در برابر بقیه اعضای وعدت برخوردار است و به همین علت عنوان «میمون»(۲) را به همراه دارد [...]. هر چند که در واقعیت، رئیس اطلاعات نظامی، هم اکنون ریاست موساد را از جهت قدرت و اهمیت تحت الشعاع قرار داده است. این موضوع ناشی از ادامه اعتماد و تکیه اسرائیل به قوای نظامی و ارتش در حفظ بقای ملی و حراست از موجودیت جامعه اسرائیلی است.

موساد مسؤول جمع آوری اطلاعات خارجی و نیز اداره و اجرای برنامه های عملیات مخفی در خارج از اسرائیل است.

شین بت مسؤول ضداطلاعات و امنیت داخلی است.(۳)

ص: ۴۴

۱- . همان منبع، ص ۲۴.

۲- . Memune

۳- . همان منبع، صص ۲۴ تا ۲۶.

کارکنان سرویس اطلاعاتی اسرائیل

آمار و اطلاعات طبقه بندی شده آمریکا درباره آمار و ارقام کارکنان سرویس اطلاعاتی و امنیتی اسرائیل، حاکی است: حدود ۱۵۰۰ تا ۲۰۰۰ نفر پرسنل(۱) در موساد مشغول خدمت بوده که ۵۰۰ نفر از آنان دارای درجه افسری هستند. شین بت حدود ۱۰۰۰ پرسنل دارد که ۵۵۰ نفر از آنان درجات نظامی دارند. در سرویس اطلاعات نظامی حدود ۷۰۰۰ پرسنل [بیش از سه برابر موساد] فعالیت دارند که ۴۵۰ نفر آنان افسر و بقیه به عنوان شاغل و کارمند غیرنظامی رده بندی شده اند. تعداد کارکنان رسمی مرکز تحقیقات و طرح ریزی سیاسی وزارت امور خارجه بین ۷۵ تا ۱۰۰ نفر، افراد پلیس ۱۲۰۰۰ نفر و گارد مرزی ۶۰۰۰ نفر هستند. این آمار،

کارکنان و پرسنل غیررسمی و نیز مأموران و نیروهای جذب شده غیرکادر این سرویس ها را شامل نمی شود.(۲)

وظایف و مأموریت

بر اساس گزارش سرّی سرویس های آمریکایی؛ موساد مسؤول جمع آوری اطلاعات خارجی، عملیات سیاسی و فعالیت های ضدتروریستی است. در انجام مأموریت جمع آوری اطلاعات صحیح و مثبت، وظیفه اصلی موساد در اجرای عملیات انسانی، علیه کشورهای عرب، مقامات و نمایندگان رسمی و تأسیسات آنها در سراسر جهان تنظیم شده است.

خصوصا در اروپای غربی و ایالات متحده، در هر نقطه که منافع ملی اعراب، با منافع اسرائیل در خاورمیانه، اصطکاک پیدا کند، موساد به جمع آوری اطلاعات در زمینه آمادگی،

وضعیت روحی و روانی، تسلیحات، تجهیزات و چگونگی اداره و رهبری هر یک از ارتش های عرب که در صورت بروز جنگ می تواند وارد کارزار علیه اسرائیل شود، می پردازد. [...].

از سوی دیگر، موساد مسؤول تحریکات کاملاً حساب شده، آزردگی ها و مزاحمت هایی

برای ایجاد فضای عدم اعتماد متقابل در میان اعراب نیز می باشد. [...]ردیابی و خنثی سازی

ص:۴۵

۱- . این آمار طبقه بندی شده، در مارس ۱۹۷۹م/ اسفند ۱۳۵۷ از سوی سرویس های اطلاعاتی آمریکا به همراه سیا، تهیه و گزارش شده است.

۲- . همان منبع، ص ۲۷.

تبلیغات منفی اعراب [علیه اسرائیل] از دیگر وظایف آن است.

لبنان در واقع به سبب جمعیت های مختلف مسیحی [مارونی ها]، دروز(۱) و مسلمانان

جاذبترین کشور برای طرح های اطلاعاتی است. اسرائیلی ها در لبنان دارای تشکیلات مخفی

بوده و عملیاتی را در این کشور همسایه شمالی انجام می دهند [...].

موساد علاوه بر اجرای عملیات علیه اعراب، نیز در کشورهای اروپای شرقی و غربی جمع آوری می کند.

کوشش های موساد در جمع آوری اطلاعات، به خصوص در شوروی، ایالات متحده و سازمان ملل متحد- که تصمیمات و خط مشی آن می تواند بر اسرائیل و اهداف صهیونیسم تأثیر و انعکاس داشته باشد- متمرکز شده است.(۲)

برای موساد، هدف های اسرائیل در کشورهای غربی به همان میزان که درباره بلوك شرق یادآوری شد از اهمیت مساوی برخوردار است. موساد، اطلاعاتی در قبال سیاست های کشورهای غربی، واتیکان و سازمان ملل متحد، درباره خاورمیانه جمع آوری می کند. تلاش در افزایش معاملات تسلیحاتی که به نفع نیروهای ارتش اسرائیل است و کسب اطلاعات برای بهره برداری در جهت خاموش نمودن دستجات ضداسرائیلی در جهان غرب به عهده موساد است.(۳)

ساختار

گزارش طبقه بندی شده سازمان مرکزی اطلاعات آمریکا (سیا) و دیگر سرویس های امنیتی ایالات متحده، در خصوص ساختار و نظام سرویس اطلاعاتی موساد، حکایت از آن دارد که این سازمان از هشت اداره تشکیل شده است:

۱- طرح ریزی عملیاتی و هماهنگی. ۲- جمع آوری. ۳- عملیات سیاسی و روابط وابسته. ۴- پرسنلی، مالی، لجستیکی و امنیت. ۵- آموزش و تعلیمات. ۶- تحقیقات. ۷- عملیات تکنیکی. ۸- تکنولوژی.(۴)

ص: ۴۶

۱- . Druze

۲- . همان منبع، ص ۴۰-۴۱.

۳- . همان منبع، ص ۴۲.

۴- . همان منبع، ص ۴۲.

در غیبت رئیس موساد مدیر اداره طرح ریزی عملیاتی و هماهنگی به عنوان رئیس عمل می کند. در حالی که در سال های قبل، در این گونه شرایط، رئیس اداره جمع آوری به عنوان

رئیس موساد انجام وظیفه می کرد.

اداره جمع آوری مسؤول اجرای عملیات مخفی خارجی و ایجاد مقدمات، تهیه و تولید گزارش از منابع مخفی است. این اداره بزرگترین واحد موساد است.

ادارات منطقه ای تحت کنترل اداره جمع آوری و اداره عملیات سیاسی و روابط وابسته عبارتند از:

۱- آمریکای مرکزی ۲- آمریکای جنوبی ۳- اروپای شرقی و شوروی ۴- آفریقا، آسیا و اقیانوسیه ۶- حوزه مدیترانه و خاورمیانه ۷- اروپا ۸- آمریکای شمالی.(۱)

این تقسیم بندی نشان از گستره فعالیت های مخفی و عملیاتی موساد در جهان امروز دارد.

پایگاه ها و حوزه های عملیاتی

عملیات خارجی موساد به دو طبقه اصلی تقسیم می شود:

طبقه اول در خاورمیانه، به عنوان خط اول دفاعی و طبقه دوم در قسمت ها و مناطق دیگر جهان است.(۲) مقر موساد در خارج از منطقه عربی خاورمیانه، اکثرا تحت پوشش های دیپلماتیک، در داخل سفارت خانه ها و کنسول گری های اسرائیل است [...].

موساد در ایالات متحده آمریکا، اکثر پایتخت های اروپایی، ترکیه و مراکز استراتژیک در آمریکای لاتین، آفریقا و خاور دور پایگاه هایی دارد. در ایران در دوران سلطنت پهلوی نیز این پایگاه ها مستقر بودند [...].

پایگاه موساد، با دو بخش جداگانه در یک پایگاه، در بعضی کشورها وجود دارد، که یکی برای جمع آوری مخفی به طور یکجانبه و دیگر برای روابط وابسته اطلاعاتی با سرویس های

خارجی است. برای مثال در حال حاضر، اسرائیل در پاریس، دارای یک سفارتخانه، یک کنسولگری و یک هیأت از وزارت دفاع است. تحت پوشش سفارت، موساد یک مدیریت

۱- . همان منبع، صص ۴۲ و ۴۳.

۲- . همان منبع، ص ۴۴.

جمع آوری کنترل منطقه ای و یک مدیریت عملیات سیاسی و روابط وابسته مربوط به کنترل های منطقه ای دارد.

مجموعه مستقر در پاریس، در طی سال ها، نقطه اتکاء فعالیت های اطلاعاتی اسرائیل در قاره اروپا بوده است.

در سوئیس نیز اسرائیل دارای یک سفارت در برن و یک سرکنسولی در زوریخ است که پوشش لازم را برای افسران اداره جمع آوری که در عملیات یکجانبه دخالت دارند، به وجود

می آورند. این تأسیسات دیپلماتیک روابط نزدیکی با کشور سوئیس در سطح داخلی نیز برقرار کرده و در زمینه عملیات آشکار، نظیر امنیت فیزیکی مقامات اسرائیلی و تأسیسات

تجاری در این کشور و حفاظت اعضا و کادرهای اسرائیلی همکاری می کند. همچنین همکاری نزدیکی بین اسرائیل و سوئیس در زمینه های علمی و تکنیکی، مرتبط با عملیات اطلاعاتی و امنیتی برقرار است. مقامات سوئیسی سفرهای متعدد به اسرائیل داشته اند و اسرائیلی ها نیز به طور مداوم به سوئیس رفت و آمد می کنند.(۱)

موساد با همکاری شین بت (سرویس امنیت داخلی و ضدجاسوسی اسرائیل) آموزش های تکنیکی را به سرویس های اطلاعات و امنیت ترکیه و غنا تعلیم می دهد. مبادله

تجهیزات و اطلاعات تکنیکی با سرویس های اطلاعات و امنیت ژاپن نیز برقرار شده است.(۲)

در حال حاضر موساد با همکاری شین بت روابط وابسته ای با سرویس های اطلاعاتی و امنیتی بیگانه از طریق عضویت در گروه کیلووات حفظ کرده است. این گروه تشکیلاتی است که با مسایل تروریسم عرب سروکار دارد و مشتمل بر کشورهای آلمان [غربی سابق]، بلژیک، ایتالیا، انگلستان، لوگزامبورگ، هلند، سوئیس، دانمارک، کانادا، فرانسه، ایرلند، سوئد، نروژ و اسرائیل است.(۳)

علی رغم قطع روابط دیپلماتیک بین اسرائیل و بسیاری از کشورهای افریقایی، اسرائیل هنوز روابط وابسته خوب اطلاعاتی را با تعدادی از سرویس های آفریقایی حفظ کرده است. اسرائیل با سرویس کنیا روابط دارد. در آفریقای مرکزی، اسرائیل هنوز در زئیر فعال است. در غرب آفریقا، اسرائیل سرویس امنیت و پلیس لیبریا را آموزش می دهد. اسرائیل همچنین در

۱- . همان منبع، ص ۴۶-۴۷.

۲- . همان منبع، ص ۶۰.

۳- . همان منبع، ص ۶۱.

تأسیس سرویس اطلاعات نظامی غنا همکاری داشته است. در آفریقای جنوبی، اسرائیل روابطی با سرویس های اطلاعات و امنیت آفریقای جنوبی دارد.

اسرائیل در طی سال ها، در آمریکای لاتین بسیار فعال بوده است. یکی از بزرگترین موفقیت های اطلاعاتی، دستگیری آدولف آیشمن از رهبران سابق نازی در آرژانتین بود.

اخیرا اکثر فعالیت های روابط وابسته در آمریکای لاتین در مسایل آموزشی و عملیاتی ضدتروریستی متمرکز شده است. برای مثال کنسولگری اسرائیل در ریودوژانیرو پوشش های لازمه را برای پایگاه منطقه ای موساد فراهم آورده است، که کشورهای، برزیل،

آرژانتین، شیلی و اروگوئه را شامل می شود. افسران اطلاعاتی این مرکز برای تعلیم سرویس

اطلاعاتی آرژانتین به بوینس آیرس می روند [...].

اسرائیل روابط وابسته ای با سرویس های امنیتی مکزیک، نیکاراگوئه، کاستاریکا، پاناما، جمهوری دومینیکن، ونزوئلا، کلمبیا، اکوادور و پرو نیز برقرار کرده است [...]. اسرائیل مدت زمانی در آسیای شرقی فعالیت می نمود. آنها آموزش اطلاعاتی را در اختیار دولت جمهوری

چین (ملی) [تایوان] قرار می دادند و روابط وابسته ای با آنان داشتند. اسرائیل با ژاپن، تایلند، اندونزی، و سرویس های کره جنوبی نیز روابط اطلاعاتی دارد.

بزرگترین مرکز منطقه ای موساد در آسیای شرقی در سنگاپور است. رئیس پایگاه موساد، به طور مکرر در سرتاسر این منطقه رفت و آمد داشته و با سرویس های کشورهای مجاور در حال معامله و عقد قرارداد بوده است. اندونزی به عنوان یک کشور مسلمان، روابط دیپلماتیک رسمی با اسرائیل ندارد. بنابراین روابط دوجانبه موساد- اندونزی خیلی محافظه کارانه است. نمایندگان موساد در سنگاپور مورد تأیید و تصویب سرویس اندونزی هستند. همچنین افسران موساد در جاکارتا نیز تحت پوشش های تجاری فعالیت می کنند.(۱)

معیارهای حرفه ای

سرویس های جاسوسی و اطلاعاتی آمریکا درباره کارکنان، مأموران و کادرهای سرویس های اطلاعاتی اسرائیل، چهار شاخص و ویژگی را تحت عنوان معیارهای حرفه ای

۱- . همان منبع، صص ۶۳-۶۴. اطلاعات و آمار مورد استفاده در این قسمت، تماما بر اساس گزارش های طبقه بندی شده سرّی سازمان سیا و دیگر سرویس های اطلاعاتی، جاسوسی و امنیتی ایالات متحده است.

ارزیابی کرده و برشمرده اند:

۱- درستی و تمامیت: رؤسا و کارمندان عالی رتبه جامعه امنیت و اطلاعات اسرائیل دارای عالی ترین معیارهای حرفه ای در درستی و امانت داری [در قبال آرمان و اهداف

اسرائیل]بوده و این گونه استانداردها را بر اعضای زیرمجموعه خود اعمال می دارند [...].

۲- کارایی: سرویس های امنیت و اطلاعات اسرائیل از بهترین نوع خود در جهان می باشند. پرسنل ماهر و تکنیک های پیچیده، این سرویس را از تأثیر فوق العاده ای برخوردار کرده است... تشکیلات این جامعه از آغاز تأسیس اسرائیل، در جذب مجموعه تیمی توانا، تحصیلکرده و باسواد از اروپا و خاورمیانه کاملاً موفق بوده است... برای مثال پرسنل گارد کَهَنه کاملاً به چهار یا پنج زبان خارجی مسلط هستند [...].

این سرویس ها توانایی برجسته ای در زمینه های تشکیلاتی، و ضدجاسوسی و ارزیابی اطلاعاتی که از محافل یهود و دیگر منابع خود در سراسر جهان به دست می آورند، دارند [...].

۳- امنیت: طبق گزارش های واصله، درجه امنیت فیزیکی مقرهای فرماندهی و ادارات مرکزی امنیت و اطلاعات نظامی و غیرنظامی در تل آویو بسیار عالی و بالاست. دو سرویس موساد و اطلاعات نظامی در ابتدا در یک مجموعه نظامی عظیم در قلب شهر قرار داشت. ساختمان ها توسط گاردهای ارتش و موانع سیم خاردار محکمی حفاظت می شود. اطلاعات نظامی در همین محل باقی مانده ولی موساد هم اکنون بخشی از یک ساختمان چند طبقه که دارای دفاتر تجارتی است را در آن سوی خیابان این مجموعه نظامی اشغال کرده است. شین بت که قبلاً در چند ساختمان در شهر یافا مستقر بود در ژوئن ۱۹۷۰ به مکان جدیدی در شمال تل آویو انتقال یافت.

حدود ۱۰۰۰ نفر افسر کادر موساد و شین بت [دوره آموزشی] بازرسی کامل و طولانی

امنیتی را گذرانده اند [...].(۱)

ص: ۵۰

۱- . در این بخش به چگونگی آموزش کادرهای اطلاعاتی و کارکرد حفاظتی و حراستی این سرویس ها به طور نسبتا مبسوط اشاره شده است.

۴- روش های اخلاقی و انضباطی: موساد و شین بت جزء ساختمان سرویس های غیرنظامی اسرائیل هستند و نظامیان باید به وسیله امتحانات سرویس های غیرنظامی پذیرفته شوند. کسانی که دارای درجه دانشگاهی و در سنین ۲۰ تا ۳۰ سالگی باشند ترجیح داده می شوند.

پرسنل امنیت و اطلاعات که نمی خواهند و یا نمی توانند خود را با زندگی بسته ای که مقررات امنیتی و ضروریات و خواص عملیاتی آن را محدود می کند، وفق و عادت دهند، برکنار شده و یا در صورتی که عملکردشان، سرویس یا کشور را به خطر اندازد، به سختی تنبیه می شوند.(۱)

آشنایی با رؤسای موساد

طبق اطلاعات و اسناد موجود، از ابتدای تأسیس موساد تا سال ۱۹۵۲، رویون شیلوا ریاست این سازمان را به عهده داشت. شیلوا در زمان اعلام موجودیت اسرائیل، مشاور ارشد دیوید بن گوریون نخست وزیر وقت آن رژیم و از یاران قدیمی او در گروه شبه نظامی و تروریستی هاگانا و سازمان اطلاعاتی شای بود.

در سال ۱۹۵۲، بن گوریون، ایسر هارل(۲) یکی از کهنه کاران جامعه اطلاعاتی یهود را به جای شیلوا به سمت ریاست موساد منصوب کرد. ایسر هارل تا سال ۱۹۶۳ این سمت را به عهده داشت. در این سال مه یر یا مایر آمیت(۳) جانشین هارل به عنوان رئیس موساد شد. آمیت نیز در سال ۱۹۶۷ از مقام ریاست موساد برکنار شد و جای خود را به زوی زامیر(۴) داد. نامبرده تا سال ۱۹۷۳ در این سمت باقی ماند و از این سال فردی به نام هوفی(۵) به ریاست موساد برگزیده شد. ژنرال هوفی تا زمان پیروزی انقلاب اسلامی در این سمت باقی بود و با رئیس ساواک،

۱- . همان منبع، صص ۳۲-۳۸.

۲- . در برخی منابع فارسی، از جمله اسناد ساواک، نام ایسر هارل Isser Harel به شکل های مختلف، از جمله ایزر و آیزر نیز نوشته شده است.

۳- . این اسم نیز در متون و منابع فارسی به اشکال مختلف آمده است؛ مثل؛ مایر آمیت Meir Amitمه یر آمیت، مئیر آمیت.

۴- . زوی زامیر Zamir، تسوی زمیر، ضمیر و... شکل های مختلفی است که در اسناد ساواک و دیگر منابع فارسی آمده است. البته در بیشتر اسناد و گزارش های ساواک به صورت ضمیر نوشته شده است.

۵- . در بسیاری از گزارش و اسناد ساواک به جای هوفی، خوفی آمده است.

همتای ایرانی خود ارتباط داشت.

رویون شیلوا

رویون شیلوا Reuven Shiloah به عنوان اولین رئیس موساد و حتی بنیانگذار آن، پس از تأسیس این سازمان اطلاعاتی، معرفی شده است. او مشاور ارشد دیوید بن گوریون یکی از سران گروه شبه نظامی و تروریستی هاگانا و اولین نخست وزیر رژیم اسرائیل بود. برخی نویسندگان غربی نقش و نفوذ او را در سرنوشت دولت تازه تأسیس اسرائیل بسیار عظیم تصویر کرده و مدعی اند که اکثر کتاب ها و منابع تاریخی او را فراموش کرده اند. شیلوا از بنیانگذاران سازمان اطلاعاتی گروه های تروریستی یهود تحت عنوان شای در سال های دهه ۱۹۳۰ قلمداد شده است. بعضی منابع او را از یهودی های عراقی تبار دانسته و نوشته اند که وی در طول جنگ جهانی دوم تیپی از سربازان یهود تشکیل داد و به عنوان جزیی از ارتش انگلستان در نبرد شرکت کرده بود تا برای دولت آینده صهیونیستی کادر نظامی تربیت کرده

باشد. طبق گفته بعضی مأموران سازمان سیا، واحد تحت امر شیلوا در مسیر مهاجرت

یهودی ها به فلسطین به مثابه ایستگاهی بسیار مهم به حساب می آمدند و در امر انتقال یهود

نقش خیلی مهم به عهده داشتند.

رویون شیلوا در خلال جنگ جهانی دوم با سرویس های اطلاعاتی متفقین در قاهره ارتباط داشت و برای پیشبرد برخی عملیات خود در اروپای اشغالی با آنان همکاری می کرد.

به نوشته برخی منابع غربی، شیلوا امور اطلاعاتی را نه فقط روشی برای گردآوری اطلاعات منفی، بلکه به عنوان وسیله ای جهت ایجاد پیوندهای سرّی بین اسرائیل و دیگر کشورها می دید. گفته می شود که شیلوا در خلال جنگ اول اعراب و اسرائیل در سال ۱۹۴۸م/ ۱۳۲۷ با ملک عبداللّه شاه اردن توافق سرّی به عمل آورده بود تا در قبال دریافت امتیازاتی با اسرائیل همکاری کند. منابع اسرائیلی با استناد به این موضوع نوشته اند که شیلوا در یکی از عملیات های مخفی آشکار نشده، اما مهم برای اسرائیل نقش اساسی بازی کرده است.

شیلوا در سال ۱۹۵۱، پس از برخی اصلاحات و تغییرات در ساختار سرویس های اطلاعاتی و امنیتی اسرائیل، از سوی نخست وزیر بن گوریون عهده دار مسؤولیت موساد شد.

شیلوا در سال ۱۹۵۲ از سوی بن گوریون برکنار شد و در پاییز سال ۱۹۵۳ با سمت وزیر

مختار سفارت اسرائیل به واشنگتن رفت. وی تا این تاریخ، در همکاری با آژانس یهود به منظور انتقال یهودی های برخی مناطق جهان، به ویژه کشورهای اروپای شرقی به فلسطین، نقش بسیار مهمی ایفا کرد.(۱)

ایسر هارل

پس از شیلوا، ایسر هارل Isser Harel که هم در پیدایش دولت اسرائیل و نیز ایجاد سرویس اطلاعاتی آن نقش مهمی داشت، در سال ۱۹۵۲ به سمت ریاست موساد منصوب شد.

ایسر هارل قبل از اعلام موجودیت اسرائیل در سال ۱۹۴۸م/ ۱۳۲۷ش، بخش امور یهودی ها در سازمان شای را اداره می کرد. اما پس از تجدید سازمان اطلاعاتی یهود از سوی بن گوریون نخست وزیر وقت اسرائیل در همان سال های اولیه، وی به سمت رئیس سرویس امنیت داخلی یا شین بت منصوب شد.

گفته می شود که هارل در یک خانواده ثروتمند روس متولد شده و در سال ۱۹۳۰ با اوراق جعلی و به طور قاچاق به فلسطین وارد شده بود. او پس از اینکه ثروت خانواده اش در اثر

انقلاب اکتبر سال ۱۹۱۷ شوروی، ملی شد، دیدگاه ها و نظریات سوسیالیستی خود را تغییر داد. مع الوصف پس از ورود به فلسطین، دوره ای را در مزارع اشتراکی معروف به کیبوتص یهودی ها مشغول به کار شد و سپس به کار بسته بندی پرتقال روی آورد. او از این طریق توانست به یکی از نوکیسه های شمال تل آویو (یافا) تبدیل شود. اما ورود و استخدام او در سازمان نظامی و تروریستی هاگانا مسیر زندگی اش را به کلی تغییر داد. به طوری که یکی از یاران نزدیک بن گوریون شد.

نزدیکی هارل به بن گوریون در حدی بود که او را به عنوان رئیس شین بت و سپس در سال ۱۹۵۲ به جای شیلوا به سمت رئیس موساد منصوب کرد. او حدود یازده سال بر موساد ریاست کرد. و در سال ۱۹۶۳ از این سمت کنار رفت. یادآوری می شود که در جنگ سال ۱۹۵۶، معروف به جنگ سوئز که فرانسه و انگلستان و اسرائیل به طور مشترک به مصر یورش نظامی بردند، ایسر هارل در این رویداد تاریخی نقش حساسی در هماهنگی با سرویس اطلاعاتی انگلستان و فرانسه به عهده داشت.

۱- . ن.ک: کاکبورن؛ یان بلک و بن موریس؛ اسناد لانه جاسوسی شماره ۱۱؛ استوارت استیون و ساموئل کاتز.

به علاوه نقش ایسر هارل در مقام ریاست موساد، در همکاری نزدیک با آژانس یهود به منظور انتقال یهودی های اطراف جهان به فلسطین حائز اهمیت فراوان بوده است.(۱)

منابع اسرائیلی و شماری از پژوهشگران و مورخان غربی، نقش ایسر هارل را در پیشبرد

استراتژی پیرامونی اسرائیل، از منطقه خاورمیانه تا شمال آفریقا قابل توجه دانسته و ارزیابی

کرده اند. وی در این سال ها ارتباط تنگاتنگی با ساواک ایران برقرار کرده بود. اولین تماس ها با تیمور بختیار نخستین رئیس ساواک بود که بعدها در زمان پاکروان و نصیری گسترش و افزایش

یافت. به هر روی، در منابع مختلف، از هارل نیز، چون شیلوا به عنوان سرجاسوس کهنه کار موساد یاد شده است.

در زمان ریاست او بر موساد، آدولف آیشمن یکی از رهبران حزب نازی آلمان از سوی جاسوسان و مأموران اطلاعاتی آنها ربوده و به فلسطین منتقل و در سال ۱۹۶۲ اعدام شد.

هارل، پس از بن گوریون، مدتی در زمان نخست وزیری لِوی اشکول مشاور اطلاعاتی او بود. طبق اسناد موجود وی طی سال های ۱۹۶۹ تا ۱۹۷۳ عضو کِنِست (پارلمان) اسرائیل بود.(۲)

مه یر آمیت

مه یر آمیت Meir Amit که در اسناد و منابع فارسی به شکل های مختلفی، از جمله مئیر آمیت، مه یر آمیت، مه ئیر آمیت و... نوشته شده، در سال ۱۹۶۳ به ریاست موساد منصوب شد و تا سال ۱۹۶۸ در این سمت باقی بود.

او در سال ۱۹۲۱ در شهر تیبریاس واقع در کرانه دریای جلیله متولد شد. در سال ۱۹۴۸ به سازمان تروریستی هاگانا پیوست و در جنگ اول اعراب و اسرائیل مشارکت فعال داشت. در سال ۱۹۵۰ از دانشگاه کلمبیا فارغ التحصیل و در سال ۱۹۵۱ به عنوان رئیس بخش عملیاتی ستاد کل ارتش منصوب شد. در سال ۱۹۵۴ به فرماندهی شاخه عملیاتی رسید و در عملیات پنهانی جنگ سال ۱۹۵۶ (سوئز) نقش عمده ای داشت. او در این جنگ، در واقع فرمانده دوم ستاد ارتش و در طول نبرد صحرای سینا دستیار اول موشه دایان بود. موفقیت های او در این جنگ باعث شد تا فرماندهی جنوبی ارتش اسرائیل به او واگذار شود.

۱- . ن. ک: کاکبورن؛ یان بلک و بنی موریس؛ اسناد لانه جاسوسی، شماره ۱۱؛ محمد شریده، رهبران اسرائیل، ترجمه بیژن اسدی و مسعود رحیمی، انتشارات کویر، چاپ اول ۱۳۷۸؛ استوارت استیون.

۲- . ن. ک: کاکبورن؛ یان بلک و بنی موریس؛ اسناد لانه جاسوسی، شماره ۱۱؛ محمد شریده، استوارت استیون.

مه یر آمیت در ژانویه ۱۹۶۲ به ریاست واحد اطلاعات نظامی منصوب شد. یک روز پس از استعفای هارل رئیس موساد، بن گوریون با پذیرش این استعفا، مه یر آمیت را به سمت رئیس موساد منصوب کرد. از جمله حوادث تاریخی دوران ریاست آمیت بر موساد، جنگ سال ۱۹۶۷ و اشغال بلندی های جولان سوریه، کرانه غربی رود اردن، نوار غزه و صحرای سینا از

سوی اسرائیل است که نقش آمیت در آنها قابل توجه بود.

رویداد دیگر ربودن یک میگ ۲۱ روسی متعلق به عراق در زمان ریاست آمیت در موساد بود. وی از طریق همکاری و هماهنگی موساد با سازمان سیا و سرویس اطلاعاتی ترکیه، در اوت ۱۹۶۶ توانست از طریق مأموران اطلاعاتی خود در عراق یک خلبان غیرمسلمان عراقی را جذب و او را به اسرائیل فرار دهد. گفتنی است که یک گروه از فانتوم های آمریکا این

هواپیما را از مرز ترکیه تا فرودگاه سرّی سیا در خاک این کشور تحت حمایت قرار دادند.

هواپیما پس از سوخت گیری، مجددا با اسکورت فانتوم های آمریکایی به سمت مدیترانه پرواز کرد و به سوی اسرائیل هدایت شد. بر اساس گفته های منابع اسرائیلی و غربی، آمیتپس از ورود به موساد به عنوان رئیس، برخی هواداران و نزدیکان رئیس قبلی موساد، یعنی ایسر هارل را برکنار و یا تعویض و سیستم قدیمی موساد را مدرنیزه کرد. این موضوع

خشم هارل را برانگیخت به گونه ای که از طریق افراد نزدیک خود سعی در کارشکنی و اخلال

در کار آمیت می کرد. گفته می شود در زمان ریاست آمیت ارتباط موساد با سازمان سیا و دیگر سرویس های اطلاعاتی و دولت آمریکا بیش از پیش افزایش یافت. خود آمیت اغلب به واشنگتن می رفت.(۱)

زوی زامیر (ضمیر)

زوی زامیر Zamir که در اسناد و ترجمه های فارسی به صورت «ضمیر»، «زمیر»، «تسوی زامیر» و... نوشته شده، یکی دیگر از رؤسای موساد است که پس از برکناری مه یر آمیت در سال ۱۹۶۸، به این مقام منصوب شد.

او در سال ۱۹۲۴ در لهستان متولد و در همان سال، به همراه والدین خود به فلسطین منتقل شد. زامیر در سال ۱۹۴۲ به صفوف گروه شبه نظامی و تروریستی پالماخ پیوست و در سال

۱- . ن. ک: استوارت استیون، ساموئل کاتز، کاکبون؛ یان بلک و بنی موریس.

۱۹۴۴ فرمانده لشکر شد. در جنگ سال ۱۹۴۸ اعراب و اسرائیل، در سمت فرماندهی گردان، به طور فعال در درگیری ها شرکت داشت. در سال ۱۹۵۰ به سمت مربی افسرانی که برای ارتقاء به درجات بالا در نظر گرفته می شدند تعیین گردید. در سال ۱۹۵۳ در دوره آموزشی

افسران ارشد که در انگلستان برگزار شد شرکت داشت. پس از مراجعت از انگلستان به مدیریت دانشکده پیاده نظام رسید و در سال ۱۹۵۶ با ترفیع درجه به وزارت دفاع منتقل و

بعدها فرمانده تیپ شد. در سال ۱۹۶۲ برای مدتی کوتاه فرماندهی ارتش جنوب را عهده دار

شد. در ژوئیه ۱۹۶۶ به سمت رایزن نظامی اسرائیل به لندن اعزام شد و در سال ۱۹۶۸ به سمت

ریاست موساد منصوب گردید و تا سال ۱۹۷۳، یعنی مدتی پس از جنگ اکتبر (معروف به رمضان، یا به قول اسرائیلی ها یوم کیپور) ریاست موساد را به عهده داشت.(۱)

اسحاق هوفی (خوفی)

ژنرال اسحاق هوفی Hofi که در اسناد و ترجمه های فارسی به صورت خوفی ذکر شده، پس از زوی زامیر، در سال ۱۹۷۳ به ریاست موساد منصوب شد.

اسحاق هوفی تا سپتامبر سال ۱۹۸۲ یعنی زمان حمله اسرائیل به لبنان و تجاوز به آن کشور رئیس موساد بود، لیکن در آن زمان تعویض شد و به جای او ژنرال ناهوم ادمونی به ریاست این سازمان اطلاعاتی منصوب شد. زمانی که هوفی به ریاست موساد دست یافت، همتای ایرانی او نصیری بود که سمت ریاست ساواک را به عهده داشت. هوفی تا زمان سقوط رژیم پهلوی و پیروزی انقلاب اسلامی، در آن ایامی که ناصر مقدم رئیس ساواک بود، همچنان به روابط گرم اطلاعاتی ساواک و موساد تداوم می بخشید و آن را تقویت می کرد.

هوفی در زمان جنگ ۱۹۷۳ سمت فرماندهی جبهه شمال را عهده دار بود. حمله به فرودگاه انتبه در اوگاندا در ژوئن سال ۱۹۷۶ و کشتار هواپیماربایان فلسطینی از اقدامات

معروف اسحاق هوفی در زمان ریاست بر موساد بود. در حمله اسرائیل به راکتور اوسیراک عراق در ژوئن سال ۱۹۸۱، هوفی به عنوان رئیس موساد، نقش اساسی و کلیدی به عهده داشت.

۱- . ن. ک: استوارت اسیتون؛ ساموئل کاتز؛ یان بلک و بنی موریس؛ کاکبورن.

ناهوم ادمونی

ناهوم ادمونی Nachum Admoni چند روز پیش از کشتار صبرا و شتیلا در سپتامبر ۱۹۸۲، درست در زمانی که تجاوز اسرائیل به سرزمین لبنان شروع شده بود، به جای ژنرال اسحاق هوفی، رئیس موساد شد. طبق مدارک موجود او تا سال ۱۹۸۹م/ ۱۳۶۸ش، همواره این سمت را به عهده داشت و پس از او سایرت ماتکال به سمت ریاست موساد انتخاب و منصوب شد. ادمونی در سال ۱۹۲۹ در بیت المقدس به دنیا آمد. پدر و مادر او از یهودی های لهستانی بودند. او در جنگ سال ۱۹۴۸ در شای و شعبه اطلاعاتی ارتش خدمت کرد و در سال ۱۹۴۹ با درجه ستوان یکمی مرخص شد. ادمونی رشته روابط بین الملل را در دانشگاه کالیفرنیا- برکلی - گذراند و در سال ۱۹۵۴ به فلسطین بازگشت و همراه دیگران، چون دیوید کیمخی

(کیمچی) به کار آموزش روابط بین الملل در آموزشگاه سازمان های اطلاعاتی اسرائیل پرداخت. گفته می شود زمانی که اتیوپی نقش کلیدی در دکترین حاشیه ای موساد داشت، ادمونی در نخستین مأموریت خود به آدیس آبابا رفت. وی اواسط دهه ۱۹۶۰ در اوج روابط استراتژیکی فرانسه و اسرائیل در پاریس بود. ناهوم ادمونی دورانی نیز در واشنگتن خدمت کرد و از نزدیک با سازمان سیا کار کرد و در سال ۱۹۷۶ به سمت معاون هوفی رئیس موساد رسید. طبق مندرجات منابع مختلف، ادمونی در سال ۱۹۸۹م، بازنشسته شد و از ریاست موساد کنار رفت و به جای او سایرت ماتکال(۱) به ریاست موساد منصوب شد.(۲)

نخست وزیران اسرائیل

اشاره

- دولت اسرائیل از ماه مه سال ۱۹۴۸م/ اردیبهشت ۱۳۲۷، تاکنون (سال ۲۰۰۳م/ ۱۳۸۲)، حدود ۲۸ دوره کابینه عوض کرده است.

دیوید بن گوریون

- از آغاز تشکیل رژیم صهیونیستی در تاریخ مذکور، تا پایان سال ۱۹۵۳، دیوید بن گوریون، حدود شش سال نخست وزیر دولت اسرائیل بود.

۱- . Sayeret Matkal

۲- . ن. ک: یان بلک و بنی موریس؛ احمدی، اسناد و گزارشهای ساواک.

موشه شارت

- از آغاز سال ۱۹۵۴ تا اوایل نوامبر ۱۹۵۵ موشه شارت سمت نخست وزیری را به عهده داشت.

دیوید بن گوریون

- از اوایـل نوامبر ۱۹۵۵ تا ژوئیه ۱۹۶۳، به طور مجـدد، این سـمت به مـدت قریب نُه سال به عهده بن گوریون قرار گرفت. بن گوریون تقابل اول اعراب و اسرائیل در سال ۱۹۴۸ و نیز جنگ سوئز در سال ۱۹۵۶ را به عنوان نخست وزیر رهبری کرد.

لوی اشکول

لوی اشکول از ژوئیه ۱۹۶۳ تا مارس ۱۹۶۹، نزدیـک به هفت سال، پست نخست وزیری را در اختیار داشت. جنگ سال ۱۹۶۷ در زمان نخست وزیری او به وقوع پیوست.

گلدا مایر

- گلدا مایر، چهارمین نخست وزیر بود که در پانزدهمین کابینه دولت اسـرائیل به این سـمت دست یافت. او از مارس ۱۹۶۹ تا اوایل ژوئیه ۱۹۷۴، قریب پنج سال نخست وزیر رژیم صـهیونیستی بود. جنگ رمضان در سال ۱۹۷۳ در زمان نخست وزیری او روی داد.

اسحاق رابین

- اسحاق رابین(۱) نخست وزیر بعدی اسرائیل بود که در اوایل ژوئیه ۱۹۷۴ به این سمت

۱- . اسحاق رابین در اول مارس ۱۹۲۲ در بیت المقدس متولد شد. پدرش آمریکایی و اوکراینی الاصل و مادرش روسـی تبار بود. پـدر اسـحاق رابین از بنیانگـذاران جنبش کارگران یهود در فلسـطین و مادرش روزا کهن مـدت چند سال نماینده شورای کارگران تل آویو بود. از از یک مـدرسه شـبانه روزی کشاورزی به نام کالج کادوری فارغ التحصـیل شد. در سال ۱۳۴۰ یک جـایزه بورس تحصـیلی از کمیسر عالی انگلسـتان در فلسـطین دریافت کرد و در همین سال از سوی ایگال آلون فرمانـده وقت پالماخ گروه تهاجم هاگانا، سـزمان تروریستی و زیرزمینی یهود اسـتخدام و به این سازمان ملحق شد و بعدها افسر اجرایی ستاد آلون و سـپس رئیس پالماخ شد. در طول جنگ جهانی دوم، تحت لشکر انگلستان در مناطق فرانسه (ویشی)، لبنان و سوریه در جنگ شـرکت کرد. در سال ۱۹۴۸ در اولین تقابـل اعراب و اسـرائیل فرمانـده یـک تیپ بود که مأموریت آن حفاظت از جاده منتهی به بیت المقدس بود. اسـحاق رابین پس از حضور در کالج سـتاد کمبریج انگلستان در سال های ۱۹۵۲-۱۹۵۳، به عنوان رئیس اداره آموزش نظـامی منصوب و در سال ۱۹۵۶ تا ۱۹۵۹ فرمانده منطقه شـمالی و سـپس رئیس عملیات ستاد کل شد. در سال ۱۹۶۰ یک دوره دو ماهه آموزشـی برای آشـنایی با سـلاح های مـدرن را در تگزاس گذرانـد و پس از آن به سـمت قائم

مقـام رئیس سـتاد ارتش منصوب شـد. در سال ۱۹۶۴ به ریـاست سـتاد نیروی دفاعی اسـرائیل رسـید و در سال ۱۹۶۷ در زمان جنـگ ژوئن، وزیر دفاع بود. از ژانویه ۱۹۶۸ تا ۱۹۷۳ سـفیر اسرائیل در آمریکا و از سال ۱۹۷۴ نماینده کِنِست پارلمان اسرائیل بود. در دولت گلدا مایر وزیر کار شد و در ژوئن ۱۹۷۴ به نخست وزیری رسید و تا سال ۱۹۷۷ این سمت را به عهده داشت تا مناخیم بگین به عنوان نخست وزیر بر سـر کار آمـد. البته در سال ۱۹۷۷ به دلیل رسوایی ناشـی از کشف حساب همسر اسحاق رابین در یکی از بانک های آمریکا که امری غیرقانونی در دولت اسرائیل محسوب می شد، از سمت خود استعفا داد. رابین در سال های ۱۹۸۴ تا ۱۹۹۰ وزیر دفاع بود که سیاست «مشت آهنین» و شکسـتن اسـتخوان را در انتفاضه اول علیه فلسطینی ها در دسـتور برنـامه خود قرار داد. اسـحاق رابین در سال ۱۹۹۲ بـا پیروزی حزب کـارگر مجـددا به نخست وزیری رسـید و در سال ۱۹۹۳ پیمان صـلح موسوم به قرارداد اُسلو را با یاسر عرفات امضا و در سال ۱۹۹۴ جایزه صـلح نوبل را به طور مشترک، با یاسر عرفات و شـیمون پرز دریافت کرد. او در چهارم نوامبر ۱۹۹۵، در سن ۷۳ سالگی، در تل آویو به دست یک دانشجوی یهودی ترور شد.

برگزیده شد و تا سال ۱۹۷۷، به مدت حدود چهار سال در این مقام باقی ماند.

مناخیم بگین

– مناخیم بگین در ژوئیه ۱۹۷۷، به عنوان نخست وزیر آغـاز به کار کرد و تا اوت ۱۹۸۱، در این سمت باقی بود. مناخیم بگین اولین نخست وزیر رژیم صـهیونیستی از حزب لیکود بود. زیرا از ابتدای تشکیل دولت صـهیونیستی تا ژوئیه ۱۹۷۷، حدود سی سال این پست در اختیار

حزب چپگرای ماپای یا کارگر بود.

مناخیم بگین و اسحاق شامیر

– از اوت ۱۹۸۱ تا سپتامبر ۱۹۸۴، طی مدت حدود سه سال، در کابینه بیستم و بیست ویکم، مناخیم بگین و اسحاق شامیر پُست نخست وزیری را عهده دار بودند.

اسحاق شامیر و شیمون پرز

– طی سپتامبر ۱۹۸۴ تا دسامبر ۱۹۸۸، یعنی کابینه ائتلافی بیست ودوم، اسـحاق شامیر و شـیمون پرز سمت نخست وزیری را به عهده داشتند.

اسحاق شامیر

– اسحاق شامیر از دسامبر ۱۹۸۸ تا ژوئیه ۱۹۹۲ نیز سمت نخست وزیری را در دست داشت.

اسحاق رابین و شیمون پرز

– از ژوئیه ۱۹۹۲ تا ماه مه ۱۹۹۶، در بیست و پنجمین کابینه دولت صهیونیستی، اسحاق رابین و شیمون پرز، از حزب کارگر سمت نخست وزیری را عهده دار بودند.

بنیامین نتانیاهو

– بنیامین نتانیاهو، از حزب لیکود طی ماه مه ۱۹۹۶ تا ماه مه ۱۹۹۹ نخست وزیر کابینه بیست و ششم اسرائیل بود.

ایهود باراک

از ماه مه ۱۹۹۹ تا اوایل فوریه ۲۰۰۱، ایهود باراک از حزب کارگر پست نخست وزیری را در اختیار داشت.

آریل شارون

– آغاز انتفاضه مسجدالاقصی در سپتامبر سال ۲۰۰۰م/ مهر ۱۳۷۹، کابینه بیست و هفتم اسرائیل و نخست وزیری باراک را با تهدید و سپس شکست مواجه کرد.

آریل شارون در ۶ فوریه سال ۲۰۰۱م، فعالیت خود را به عنوان نخست وزیر در کابینه بیست و

هشتم آغاز کرد و همچنان (آذر ۱۳۸۲ش/ دسامبر ۲۰۰۳م) این پست را در دست دارد.

رؤسای جمهور اسرائیل

اشاره

از سال ۱۹۴۸ش، تاکنون (دسامبر ۲۰۰۳ م / آذر ۱۳۸۲ ش) هشت نفر پست ریاست جمهوری اسرائیل را به دست گرفته اند که به ترتیب عبارتند از:

حییم وایزمن

ص: ۶۰

– حییم وایزمن در سال ۱۹۴۸ ریاست دولت موقت را به عهـده گرفت و در فوریه ۱۹۴۹ از سوی کِنِست به عنوان اولین رئیس جمهور اسرائیل انتخاب شد. او در دسامبر ۱۹۵۱ برای دومین بار به این سمت برگزیده شد، لیکن در نوامبر ۱۹۵۲ درگذشت.

اسحاق بن زوی

– دومین رئیس جمهـور اسـرائیل اسـحاق بن زوی بود که از سـال ۱۹۵۲ تا ۱۹۶۳ به مـدت یـازده سال این سـمت را در اختیار داشت.

زالمان [سلیمان] شازار

– زالمان [سـلیمان] شازار سومین رئیس جمهور اسـرائیل در ماه مه سال ۱۹۶۳ به این سـمت انتخاب شد و تا سال ۱۹۷۳، حدود ده سال در این سمت باقی ماند.

افرائیم کاتزیر

– افرائیم کاتزیر از سال ۱۹۷۳ تا ۱۹۷۸، چهارمین نفر بود که پست ریاست جمهوری اسرائیل را عهده دار بود.

اسحاق ناوون

– پنجمین رئیس جمهور اسرائیل اسحاق ناوون بود که از ماه مه ۱۹۷۸ تا ۱۹۸۳ در این سمت باقی بود.

حییم هرتزوگ

– حییم هرتزوگ،(۱) ششمین رئیس جمهور اسرائیل بود که طی سال های ۱۹۸۳ تا ۱۹۹۳ به

۱- . حییم هرتزوگ در سال ۱۹۱۸ در بلفاست واقع در ایرلند شـمالی متولد شد. پدرش خاخام بزرگ یهودی های ایرلند بود. در سال ۱۹۳۵ به فلسـطین رفت. رشـته حقوق را در دانشگاه های لندن و کمبریج خواند. او در دوران تحصیل، ریاست سازمان دانشجویان انگلیسی و ایرلندی را به عهده داشت. در جنگ جهانی دوم داوطلبانه به ارتش انگلستان پیوست و پس از جنگ به فلسـطین بـازگشت و در سال های ۱۹۴۷ و ۱۹۴۸ مسؤول بخش امنیت آژانس یهود بود. در اولین تقابـل اعراب و اسـرائیل در سال ۱۹۴۸ به عنوان افسـر عملیـات یکی از تیپ هـا در منطقه قـدس فعـالیت می کرد. هرتزوگ طی سـال های ۱۹۴۸ تا ۱۹۵۰ رئیس اداره اطلاعـات ارتش و از سال ۱۹۵۰ تا ۱۹۵۴ وابسـته نظامی اسـرائیل در واشنگتن بود. او از سال ۱۹۵۴ تا ۱۹۵۷ رئیس ستاد منطقه نظامی قدس، از سال ۱۹۵۷ تا ۱۹۵۹ رئیس ستاد منطقه نظامی جنوب و از سال ۱۹۵۹ تا ۱۹۶۲ رئیس اداره اطلاعات نظـامی ارتش بود. نـامبرده از سال ۱۹۶۲ تا ۱۹۷۲ ریاست صـنایع نظامی اسـرائیل و در جنگ ۱۹۶۷ مـدیریت جنگ روانی در ارتش رژیم صـهیونیستی را به عهـده داشت. او اولین فرمانـدار نظامی کرانه باختری رود اردن پس از اشـغال این سـرزمین بود. هرتزوگ از سال ۱۹۷۵ تا ۱۹۷۸ رئیس هیأت نمایندگی اسـرائیل در سازمان ملل و از سال ۱۹۸۱ تا ۱۹۸۳ نماینده کِنِست و از

ماه مه ۱۹۸۳ تا ماه مه ۱۹۹۳ رئیس جمهور اسرائیل بود. شریده؛ عبداللهی و زیبایی.

مدت ده سال، این پست را به عهده داشت.

عزر وایزمن

- هفتمین نفر، عزر وایزمن برادرزاده حییم وایزمن اولین رئیس جمهور اسرائیل، بود که از سال ۱۹۹۳ تا سال ۲۰۰۰ سمت رئیس جمهوری رژیم صهیونیستی را به عهده داشت.

موسی قصّاب (موشه کاتساف)

- موسی قصاب یا موشه کاتساف هشتمین رئیس جمهور اسرائیل است که در سال ۲۰۰۰ به این سمت انتخاب و تاکنون در این مسؤولیت باقی مانده است. نامبرده در سال ۱۹۴۵م/ ۱۳۲۴ش،

در شهر یزد، در ایران متولد و در سال ۱۹۵۱م/ ۱۳۳۰ش، به همراه خانواده اش عازم فلسطین شد.(۱)

۱- . درباره نخست وزیران و رؤسای جمهور اسرائیل؛ ن.ك: محمد شریده، عبداللهی، زیبایی، کاکبورن، ساموئل کاتز؛ لنی برنر، صبری جریس و احمد خلیفه.

تأسیس ساواک

اشاره

دربـاره فلسـفه تأسـیس سـاواک و چگونگی پیـدایش این سازمان، اظهارات و اطلاعات گوناگونی تاکنون ارایه شـده است که صرف نظر از بعضی جزئیات، در مجموع و در کلیات همسو و هماهنگ و یا نزدیک به هم به نظر می رسند.

ویلیام سولیوان آخرین سفیر آمریکا در ایران عصر پهلوی، در این باره نوشته است:

در سال ۱۹۵۷ سازمان سیا طرح و چارچوب تشکیلاتی یک سازمان جدید اطلاعاتی را به شاه داد و خود در تأسیس و سازمان دادن آن مشارکت کرد. این تشکیلات که به نام سازمان

اطلاعات و امنیت کشور نامیده می شد به زودی به نام مخفف آن یعنی «ساواک» شهرت یافت.

مـأموران سـاواک ابتـدا دوره هـای تعلیمـاتی خود را در آمریکـا می دیدنـد ولی بعـدها اسـرائیل هم به یکی از مراکز تعلیماتی ساواک تبدیل شد. تعلیماتی که در آمریکا و اسرائیل به مأموران

ساواک داده می شد، علاوه بر آموزش های عمومی پلیسی و اطلاعاتی، تعلیمات ویژه مبارزه

با روش های جاسوسی روس ها و کشف رمزهای پیچیده جاسوسی آنها را شامل می شد.(۱)

به نوشته ارتشبد فردوست: پس از ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، که آمریکایی ها با قدرت تمام وارد صحنه شدند و تصمیم گرفتند که ایران را به عنـوان پایگـاه اصـلی خود در منطقه حفـظ کننـد، در درجه اول به ایجـاد دسـتگاه ضـداطلاعات ارتش و تقویت آن و در درجه دوم به تأسیس سازمان امنیت کشور (ساواک) پرداختند.

طبیعی بود که اگر ایران می بایست پایگاه اصلی آمریکا در منطقه باشد، به یک سیستم

ص: ۶۳

۱- . ویلیام سولیوان و سرآنتونی پارسونز، خاطرات دو سفیر، ترجمه محمود طلوعی، انتشارات علم، چاپ اول، ۱۳۷۲، ص ۹۵.

اطلاعـاتی و امنیتی قوی نیـاز داشت؛(۱) تـا هر گـونه موانـع داخلی و خـارجی را که سـدّی در برابر اهـدافشان باشـد از سـر راه بردارد. بر این اساس، فلسفه و انگیزه ایجاد ساواک، خود توجیه گر

جنایات وحشـتناک این سازمان علیه مردم ایران از یک سو و خیانت های آشکار آن در همکاری و همراهی با آمریکا و متحد استراتژیک آن، یعنی اسرائیل بود که کاملاً مغایر و بلکه متضاد با منافع ملی کشور و مردم مسلمان ایران و نیز جهان اسلام بود.

به اعتراف نویسـندگان غربی، سـاواک بزرگترین دسـتگاه سـرکوب و کشـتار مردم مسـلمان بود: سـاواک به مراتب مهمترین و کارآمدترین جزء دستگاه سرکوب بود. با این که پرسنل آن

در آغاز عمدتا از نیروهای مسلح و پلیس برکشیده شده بودند، به زودی روش های عضوگیری نیرومندی برقرار کرد. ... چون سطح آموزش و توانـایی هـای فنی آن افزایش یـافت، قـدرت آن روز به روز بیشـتر بر توانـایی اش در اسـتفاده از فنون جـدید اطلاعـاتی از قبیل مراقبت الکترونیک، پرونـده های زنـدگی نگاشتی کامپیوتری، روش های تحلیلی پیشـرفته و عملیات پیچیـده تحریک و تبلیغ متکی شـد. با این همه، ساواک با شـکنجه و اعـدام روزمره مخالفان شاه و آفریـدن جوّ همه جا حاضرِ ترس و ارعاب در میان مخالفان، تصویر بسیار ددمنشانه ای از خود حفظ کرد (و حتی ایجاد کرد).(۲)

نویسنده در مورد آمار و ارقام مأموران و حقوق بگیران ساواک می نویسد:

تعـداد پرسـنل تمام وقت ساواک از تقریبا ۲۰۰۰-۲۴۰۰ نفر در اوایـل ۱۹۶۰ [۱۳۳۹ ش]به ۷۰۰۰-۱۰۰۰۰ نفر در اواخر ۱۹۷۰ [۱۳۴۹] افزایش یافت. به علاوه، ساواک تعداد زیادی خبرچین و گردن کلفت پاره وقت داشت که در اواخر [دهه]۱۹۷۰ شاید به ۲۰۰۰۰-۳۰۰۰۰ نفر می رسیدند.(۳)

اما شاه با نفی و رد هر گونه شـکنجه زنـدانیان سیاسـی، مـدعی شده بود که حتی یک نفر در زندان ها به دست ساواک به قتل نرسیده است:

با تأکید می گوییم که با آنان [زندانیان سیاسی] خیلی خوب رفتار می شد و هرگز به هیچ

۱- . خـاطرات ارتشـبد حسـین فردوست، ظهور و سـقوط سـلطنت پهلوی، مؤسـسه اطلاعات و پژوهشـهای سیاسـی، چاپ سوم، ۱۳۷۰، ص ۳۸۲.

۲- . مارک. ج. گازیوروسکی، سیاست خارجی آمریکا و شاه، ترجمه فریدون فاطمی، نشر مرکز، تهران چاپ اول، ۱۳۷۱، ص ۲۵۸.

۳- . همان منبع، ص ۲۵۸.

وجه به آزار آنها نمی پرداختند. کسی نمی تواند از یک مرد سیاسی نام ببرد که به وسیله ساواک

از میان برداشته شده باشد.(۱)

علی رغم چنین ادعایی از سوی شاه، مارگارت لاینگ، تعداد اعدام های سیاسی در ایران در دهه ۱۹۷۰، طی مقطع سه سال را بیش از ۲۵۰ نفر و به علاوه ۹۰ مورد قتل در اثر تیراندازی های رو در رو به افراد، اعلام کرده و معتقد است که سازمان عفو بین الملل بیش از این رقم آمار ارایه داده است.(۲)

او ساواک را خشن ترین پلیس مخفی جهان دانسته و می افزاید ساواک در سال ۱۹۵۳ (۱۳۳۲)، پس از کودتای دکتر مصدق، فرار شاه و ضدکودتای ۲۸ مرداد آمریکا در ایران، تأسیس یافت و با کمک سازمان «سی.آی.ای» ایالات متحد و سازمان جاسوسی و ضدجاسوسی «موساد» اسرائیل، اکنون قوی ترین و کارآترین سازمان های دنیاست که در آن محال است دستوری صادر شود و به نحوی در سراسر دنیا اجرا نگردد (قتل بختیار در کوهستان های عراق مثال بدی نیست). یک متخصص انگلیسی در این رشته می گوید:

آنها در نهایت درجه مؤثر و کاربر هستند و مطمئنا خشن ترین پلیس مخفی جهان.(۳)

محمدرضا پهلوی در کتاب پاسخ به تاریخ بدون اشاره به نقش اسرائیلی ها و مأموران موساد در ساواک، بختیار را مسبب و عامل همکاری سیا با ساواک، آن هم در حد مشاوره قلمداد و از سوی دیگر، به طور تلویحی او را مسبب جنایات ساواک معرفی کرده و درباره عاقبت اولین رئیس ساواک چنین می گوید:

این سازمان در سال ۱۹۵۳ به ژنرال بختیار سپرده شد و او سازمان سیا را برای مشاوره به کار گرفت. در نتیجه بسیاری از افسران ساواک برای کسب تعلیمات سیا به لانگلی رفتند و

بعضی نیز به دیگر کشورهای غربی اعزام شدند تا شیوه هایی را که در آنجا به کار می رفت فرا گیرند.

ژنرال بختیار تا سال ۱۹۶۲ این سمت را داشت و در آن تاریخ ناگزیر شدم این آدم حریص و جاه طلب را کنار بگذارم. وی برای رسیدن به مقاصد خویش روش های غیرقابل تحملی را به کار می برد. او تبعید شد و برای دسیسه کاری به بیروت رفت؛ چند سال بعد هم در عراق

ص: ۶۵

۱- . محمدرضا پهلوی، پاسخ به تاریخ، ترجمه محمدحسین ابوترابیان، ناشر، مترجم، تهران، چاپ اول ۱۳۷۱، ص ۳۴۲.
۲- . مارگارت لاینگ، مصاحبه با شاه، ترجمه اردشیر روشنگر، نشر البرز، تهران، چاپ دوم ۱۳۷۱، ص ۲۹۹.
۳- . همان منبع، صص ۲۹۰-۲۹۱.

ترور شد.(۱)

علی ایحال، آن گونه که نویسندگان و تحلیل گران غربی به صراحت اشاره کرده اند؛ ساواک مسؤولیت امنیت خارجی و داخلی رژیم را برعهده داشت و معروف بود که نقش گوش و چشم شاه را ایفا می کند.(۲) ماروین زونیس، ضمن تصریح به این موضوع، در عین حال معتقد است که؛ در تحلیل نهایی این تیمسار فردوست بود که چشم و گوش شاه محسوب می شد نه ساواک یا سازمان اطلاعات ارتش.(۳)

بر این اساس، اطلاعاتی که فردوست از نهانخانه دربار و ساواک ارایه می دهد به واقعیت بسیار نزدیکتر از بسیاری نوشته های تاریخی و خاطره نگاری هاست.

ساختار تشکیلاتی

ارتشبد حسین فردوست درباره پیشینه و نمودار تشکیلاتی سازمان ساواک چنین می نویسد:

در سال ۱۳۴۰ از سوی محمدرضا مأمور تجدید سازمان و راه اندازی سازمان اطلاعات و امنیت کشور (ساواک) شدم [...]. در نخستین قدم، شناخت سازمانی که مأمور راه اندازی آن بودم ضرورت داشت. وضع سازمان را مطالعه کردم وبا تک تک مدیران کل بحث نمودم. بدین ترتیب، مشخص شد که از سال ۱۳۳۵، ساواک توسط ۱۰ مستشار آمریکایی طبق قواره سازمان خودشان سازماندهی شده است. با این تفاوت که چون فعالیت خارجی ایران ناچیز است، مانند سیا بدان سازمان مستقلی نداده و این وظایف را به همراه وظایف امنیتی درون

یک سازمان گنجانیده و نام آن را سازمان اطلاعات و امنیت کشور گذارده اند. همان طور که

قبلاً گفته ام، اطلاعات در مفهوم بین المللی آن به معنای اطلاعات خارجی است. بنابراین

ساواک دو وظیفه اطلاعاتی (خارجی) و امنیتی (داخلی) را به عهده داشت و تلفیقی بود از دو سازمان «سیا» و F.B.I؛ بدین ترتیب که ادارات کل سوم و هشتم وظایف F.B.Iو ادارات کل دوم و هفتم وظایف سیا را انجام می دادند. چارتی که توسط هیأت مستشاری آمریکا از سال ۱۳۳۵ پیاده شده بود به شرح زیر بود:

۱- . محمدرضا پهلوی، ص ۳۳۸.

۲- . ماروین زونیس، شکست شاهانه، ترجمه عباس مخبر، طرح نو، تهران، چاپ اول ۱۳۷۰، صص ۱۶۵.

۳- . همان منبع، ص ۲۵۴.

۱- رئیس ساواک؛

۲- معاون یکم (عملیاتی)؛

۳- معاون دوم (اداری)؛

۴- اداره کل یکم (امور اداری)؛

۵- اداره کل دوم (کسب اطلاعات خارجی)؛

۶- اداره کل سوم (امنیت کشور)؛

۷- اداره کل چهارم (حفاظت پرسنل و اسناد و اماکن)؛

۸- اداره کل پنجم (امور فنی)؛

۹- اداره کل ششم (امور مالی)؛

۱۰- اداره کل هفتم (بررسی اطلاعات خارجی)؛

۱۱- اداره کل هشتم (ضدجاسوسی).(۱)

بر اساس مندرجات اسناد سال ۱۳۵۲ ساواک (معاونت بررسی های استراتژیک)، نمودار تشکیلات حوزه ریاست ساواک شامل بخش ها و واحدهای زیر بود:

۱- دفتر ریاست ساواک ۲- دفتر قائم مقام ساواک ۳- صندوق ویژه مشاوران رئیس ساواک ۵- کنترلی ۶- بازرسی کل ۷- دبیرخانه شورای امنیت ملی ۸- پیمان ها(۲)

ارکان ساواک

بر اساس شرح وظایف، مأموریت و عملکرد ساواک و به علاوه آن گونه که از اسناد و اطلاعات به جا مانده از آن دوران، به ویژه اظهارات و اعترافات افراد بسیار مطلع و نزدیک به آن تشکیلات، از جمله حسین فردوست برداشت می شود؛ بعضی ادارات کل و سازمان های زیرمجموعه ساواک، در مقایسه با بقیه، نقش و مأموریت اصلی و عمده را به عهده داشتند. از میان این مجموعه ها، می توان به سازمان اطلاعات خارجی یا اداره های کل دوم و هفتم ساواک، سازمان امنیت داخلی یا اداره کل سوم ساواک و سازمان ضدجاسوسی یعنی اداره کل هشتم ساواک اشاره کرد. با توجه به جایگاه و مأموریت و نقش این سازمان ها و ادارات کل،

۱- . خاطرات ارتشبد سابق حسین فردوست، صص ۴۰۸-۴۰۹.

۲- . تقی نجاری راد، ساواک و نقش آن در تحولات داخلی رژیم شاه، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، چاپ اول ۱۳۷۸، ص ۵۳. به نقل از اسناد معاونت بررسی های استراتژیک ساواک.

شرح اجمالی درباره ساختار و عملکرد و وظایف آنها خالی از فایده نیست.

سازمان اطلاعات خارجی (اداره کل دوم و هفتم) ساواک

ارتشبد سابق، فردوست به عنوان مطلع ترین فرد نسبت به سرویس اطلاعاتی ایران و اسرار درون گروهی آن، درباره سازمان اطلاعات خارجی، متشکل از اداره کل دوم و هفتم ساواک چنین گفته است:

در دورانی که در ساواک بودم [سال های ۱۳۴۰ تا ۱۳۵۰]، سازمان اطلاعات خارجی

ساواک یک رئیس داشت که سرلشکر علی معتضد بود. او در زمانی تا ۳ معاون داشت که به تدریج حذف شدند. دو اداره کل دوم و هفتم تحت امر رئیس اطلاعات خارجی بود. این سازمانی بود که مستشاران امریکایی طبق الگوی سیا به سازمان اطلاعات خارجی ساواک دادند و بعدا در گفتگو با عضو بلندپایه سازمان امنیت اسرائیل متوجه شدم که با سازمان

اطلاعات اسرائیل نیز تطابق دارد. با این تفاوت که در انگلستان و آمریکا، سازمان اطلاعات

(خارجی) مستقل است و جدا از سازمان امنیت عمل می کند و در اسرائیل سازمان اطلاعات هر چند جدا از سازمان امنیت است، ولی مستقل نیست و تابع ستاد ارتش می باشد زیرا اسرائیلی ها خود را در شرایط جنگ می دانند و طبعا هدف اصلی آنها اطلاعات نظامی است [...].

در ساواک، آمریکایی ها سازمان اطلاعات (خارجی) را به صورت دو اداره کل (دوم و هفتم) در کنار سازمان امنیت (داخلی) جای دادند، با این منظور که ایران به کسب اطلاعات

خارجی گسترده نیاز ندارد و برای ایجاد هماهنگی میان این دو اداره کل در رأس آن یک رئیس اطلاعات خارجی قرار دادند، که عنوان رسمی او معاونت اطلاعات خارجی ریاست ساواک بود.

اداره کل دوم: اداره کل دوم ساواک، اداره کل کسب اطلاعات خارجی بود، که پس از کسب اطلاعات آن را برای بررسی به اداره کل هفتم ارسال می داشت. مدیر کل آن منصور قدر بود که در سال ۱۳۴۶ به عنوان سفیر به اردن رفت و معاون او سرتیپ فرازیان مدیر کل شد. فرازیان بر

کار خود تسلطی نداشت ولی فرد آرامی بود و لذا توانست اداره کل دوم را به نحو منظمی اداره

کند. قبلاً توضیح دادم که آموزش اداره کل دوم توسط استادان اسرائیلی، بخصوص رئیس

ص: ۶۸

پایگاه برون مرزی اسرائیل در خوزستان، صورت گرفت و آنها نقش اساسی در ارتقاء کیفیت این اداره کل داشتند.

اداره کـل دوم از دو طریق کسب اطلاعـات می کرد: اول، از طریق پایگـاه هـای برون مرزی. لـذا در کلیه سـاواک های مرزی شعبه برون مرزی وجود داشت و علیرغم ضـعف آنهـا، به هر حال توانسـته بود شـبکه هایی در مرزهای عراق و افغانسـتان ایجاد کند و اطلاعاتی کسب نماید. در واقع امکانات برون مرزی ایران (در رابطه با کشورهای عربی) عمدتا توسط پایگاه های برون مرزی اسـرائیل جـذب شـد و آنها بعـدا هدایت کلیه این شـبکه عظیم را به تل آویو منتقل کردند و چیزی نصـیب ساواک نشد. دومین طریق کسب اطلاعـات اداره کـل دوم روش ایجـاد پایگـاه در کشور هـدف بود و در واقع بیشـتر اطلاعـات از این طریق کسب می شد، بدان معنا که اداره کل دوم از طریق وزارت خارجه افرادی را با سـمت دبیر سفارت به سفارتخانه های ایران در منطقه اعزام می داشت. این افراد آمـوزش دیـده بـا شـرکت در دعـوت هـای سـفارتخانه هـا و شـرکت در مراسم و پیـدا کردن دوستان همتای خود در سایر سفارت خانه های منطقه و مسافرت به شهرهای مختلف و مشاهده وضع مردم و مطالعه روزنامه ها و ارسال یک نسخه به مرکز و غیره از طرق علنی می توانستند تقریبا ۹۰٪ نیازهای

اطلاعاتی اداره کل دوم را تأمین کننـد. اگر گفته اسـتاد اینتلیجنس سـرویس را بپذیریم که سـیا ۹۵٪ اطلاعـات خود را از منابع علنی کسب می کند و تنها ۵٪ اطلاعات آن اطلاعات طبقه بندی شده

کشورهـای هـدف است، در مورد اداره کـل دوم طبعا حتی نمی توانست یک درصـد اطلاعات خود را از طریق اطلاعات طبقه بنـدی شـده تأمین کند. لذا می توان گفت که بیش از ۹۹٪ اطلاعـات اداره کل دوم اطلاعات علنی بود که از طریق کارمنـدان ساواک مستقر در کشورهای

هـدف کسب می شد. مع هذا، زمانی که اطلاعات فوق از طریق بولتن اداره کل هفتم به دفتر ویژه اطلاعات منعکس می شد و با اطلاعات ارسالی اداره دوم ارتش درباره کشورهای هـدف تلفیق می شد، تصویر نسـبتا جامعی از کشورهای منطقه به دست می آمد [...].

اداره کل هفتم: اداره کل هفتم ساواک مسئول بررسی اطلاعات (خارجی) ارسالی از اداره کل دوم بود و ریاست آن با سرتیپ کـاوه بود که بر کـار خود تسلط کامـل داشت. از آنجـا که وظـایف اداره کـل هفتم ارتبـاط مسـتقیم بـا وظایف اداره کل دوم داشت، لذا سازمان آن نیز منطبق

با سازمان اداره کل دوم بود. برای مثال، اگر در اداره کل دوم بخش یک مسؤول جمع آوری

اطلاعات از عراق بود، در اداره کل هفتم نیز بخش یک مسئول بررسی اطلاعات جمع آوری شده از عراق بود. تنها در اداره کل دوم اداره برون مرزی بود که طبعا اداره کل هفتم فاقد آن بود.

اداره کل هفتم با بررسی اطلاعات واصله از اداره کل دوم و نیز بررسی کتب و مجلات و روزنامه های مربوط به کشورهای هدف و نیز اخبار رادیویی روزانه واصله از وزارت اطلاعات سابق، به خوبی می توانست ماهیانه یک بولتن راجع به هر کشور هدف تنظیم کند و

وضع کشور مربوطه در آن ماه را ترسیم نماید [...].

کشورهای هدف در اداره کل هفتم ساواک و اداره دوم ارتش از نظر اهمیت دارای درجه بندی بود: کشورهای همسایه در درجه اول، کشورهای منطقه در درجه دوم و سایر کشورهای هدف در درجه سوم اهمیت قرار داشت. وزارت خارجه نیز موظف بود کلیه اطلاعاتی را که از سفارتخانه ها دریافت می داشت و برای درج در بولتن مفید تشخیص می داد، به اداره کل هفتم ساواک و اداره دوم ارتش منعکس کند.(۱)

سازمان امنیت داخلی (یا اداره کل سوم) ساواک

دقیق ترین و صحیح ترین اطلاعات درباره سازمان امنیت داخلی یا اداره کل سوم ساواک، همان است که فردوست در بازجویی های خود نوشته است:

در ساواک، امنیت داخلی کشور به عهده اداره کل سوم بود. اداره کل سوم مهمترین اداره کل عملیاتی ساواک بود و گسترده ترین تشکیلات را داشت و زیر نظر ساواک اداره می شد. وظیفه اصلی اداره کل سوم، اطلاعات و عملیات ضدبراندازی بود که این وظیفه به اضافه وظیفه ضدجاسوسی در آمریکا وظایف F.B.I و در انگلستان وظایف MI-۵ را تشکیل می دهد. باید اضافه کنم که به علت اهمیت این اداره کل، در مواردی عملیات خارج از کشور را نیز به عهده می گرفت، که معروفترین نمونه آن عملیات ترور تیمور بختیار بود.

برای ارتقاء این اداره کل به سطح مورد نظر محمدرضا از انگلستان و آمریکا درخواست استاد ضدبراندازی کردم. صلاحشان نبود که بفرستند و می خواستند که ساواک وابسته و متکی به اسرائیل باشد. از نیمرودی خواسته شد و برجسته ترین متخصص ضدبراندازی اسرائیل را به تهران اعزام داشت. او همان فردی است که کرارا درباره اش نوشته ام و به

۱- . خاطرات ارتشبد سابق حسین فردوست، صص ۴۶۰ تا ۴۶۲.

معاونت سازمان امنیت اسرائیل رسید و این اطلاع را نیمرودی نیز تأیید کرد. دوره آموزش او ۳ ماه بود و در این ۳ ماه استعداد فوق العاده او برای رسیدن به عالی ترین مقامات اطلاعاتی و امنیتی برایم کاملاً مشهود بود. در کلاس او حدود ۳۰ نفر آموزش داده شدند.(۱)

سازمان ضدجاسوسی (یا اداره کل هشتم) ساواک

سازمان ضدجاسوسی ساواک، اداره کل هشتم نام داشت که از آغاز تأسیس ساواک توسط آمریکایی ها ایجاد شد و بر اساس چارت خود آنها با دقت سازمان یافت. اداره کل هشتم از

اهداف اصلی غرب در ساواک بود و در طول موجودیت ساواک رئیس MI-۶سفارت انگلستان و رئیس «سیا»ی سفارت آمریکا به طور منظم با آن ارتباط داشتند و اطلاعات مفید

را دریافت می کردند. در زمان من [۱۳۴۰ تا ۱۳۵۰ که فردوست قائم مقام ساواک بود.] مدیر کل هشتم ساواک سرتیپ هاشمی بود که در کار خود تسلطی نداشت ولی معاون او، قاجار، فرد مسلطی بود که رئیس ضداطلاعات ارتش شد و در درجه سرلشکری خود را بازنشسته کرد و به آمریکا رفت. اداره کل هشتم ساواک در مرکز مستقیما عمل می کرد و در درون برخی ساواک ها [ادارات ساواک در شهرها و مراکز استان ها] که اهداف ضدجاسوسی وجود داشت یک سازمان ضدجاسوسی ایجاد کرده بود.

فعالیت های اداره کل هشتم با هدف کنترل عناصر اطلاعاتی اتحاد جماهیر شوروی سابق به شرح زیر بود:

۱- شناسایی پرسنل اطلاعاتی و مأمورین سفارتخانه های هدف.

۲- کنترل ورود و خروج اعضاء سفارتخانه های هدف و مراجعه کنندگان.

۳- تعقیب و مراقبت اعضاء مورد نظر سفارت یا مراجعه کننده.

۴- تماس با افراد ملاقات شده و شناسایی و اجرای عملیات ویژه روی آنها.

۵- شناسایی افراد ایرانی شاغل در سفارتخانه های هدف و استفاده از آنها.

۶- ارتباط با کارمندان اطلاعاتی سفارتخانه های دوست.(۲)

۱- . همان منبع، صص ۴۶۲-۴۶۳.

۲- . همان منبع، صص ۴۵۶ تا ۴۵۸.

ادوار تاریخی

حسین فردوست برای ساواک چهار دوره را ذکر کرده است که عبارتند از:

اولین دوره از تأسیس رسمی ساواک در اسفند ۱۳۳۵ تا برکناری تیمور بختیار در اسفند ۱۳۳۹ است.(۱)

ساواک در دوران بختیار، تنها یک چارت روی کاغذ بود و پرسنل آن از ۱۵۰ نفر تجاوز نمی کرد. ساواک در واقع بختیار بود و علوی کیا [معاون وی] و دو برادر امجدی (سرلشکر امجدی و سرتیپ مصطفی امجدی مدیر کل سوم). کل این تشکیلات بازیچه امجدی ها بود، که به نفع بختیار کار می کردند و بودجه هنگفت ساواک که ۸۰٪آن را به عنوان هزینه سرّی بی حساب و کتاب کرده بود، به شدت حیف و میل می شد.(۲)

دومین دوره ساواک با ریاست پاکروان و در واقع با ورود من [فردوست] به ساواک آغاز می شود. در این زمان هدف محمدرضا اولاً تصفیه ساواک از هواداران تیمور بختیار و تبدیل آن به یک سازمان صددرصد وفادار و ثانیا تبدیل ساواک به یک سازمان منظم است که بتواند

از سلطنت او حفاظت کند. در این دوره به تدریج دوستان سابق بختیار مانند امجدی و زیبایی از ساواک کنار گذارده می شوند، هیأت مستشاری آمریکا، که نقش ریاست واقعی ساواک را بازی می کرد، محترمانه از ساواک مرخص می شود و به جای آن مربیان و اساتید اسرائیلی با

علاقه وارد صحنه می شوند و بالاخره پاکروان نیز به عنوان یک رئیس بی علاقه و ضعیف برکنار می گردد و نصیری، افسر وفادار به محمدرضا، جای او را می گیرد. در این دوره، ساواک

۱- . همان منبع، صص ۴۲۳-۴۲۴.

۲- . همان منبع، ص ۴۲۳.

به سازمانی مقتدر با حدود ۵۰۰۰ پرسنل تبدیل می شود. لذا این دوره را که تا فروردین ۱۳۵۰

ادامه دارد، باید دوره سازماندهی و آموزش ساواک نامید.

سومین دوره ساواک با خروج من [فردوست] و مقدم در فروردین ۱۳۵۰ از ساواک آغاز می شود و سازمانی که توسط ما ساخته شد، دربست در اختیار نصیری، معتضد، ثابتی قرار می گیرد. این دوره، دوره هجوم و قدرت ساواک است و این سازمان به مرکز همه بند و بست های سیاسی تبدیل می شود و به اوج شهرت و بدنامی می رسد. چهارمین دوره ساواک، که دوره زوال و سقوط سازمان است، ماه های آخر سلطنت محمدرضا را دربر می گیرد و با برکناری نصیری و معتضد و ریاست مقدم آغاز می شود و سرانجام با انقلاب ۲۲ بهمن حیات حدود ۲۲ ساله این سازمان پایان می یابد.(۱)

آشنایی با رؤسای ساواک

رؤسای ساواک به دلیل برخورداری از اختیارات و امتیازات ویژه در نظام شاهنشاهی، نقش بسیار مهمی را در پَسِ پرده بازی می کردند. دلیل عمده انتخاب و انتصاب این افراد به سمت ریاست ساواک، وابستگی ها و ارتباطاتی بود که با محافل آمریکا و انگلیس، به ویژه سرویس های

اطلاعاتی آنها داشتند. بدون شک، عملکرد رؤسای ساواک در پَسِ پرده تاریخ معاصر ایران از اهمیت فراوان برخوردار است. بنابراین شناخت اجمالی درباره این اشخاص دستمایه ارزشمند

برای آن دسته از مخاطبان است که برای آشنایی با دستگاه مخوف ساواک کنجکاو هستند.

تیمور بختیار

سپهبد تیمور بختیار فرزند فتحعلی در سال (۱۲۹۲ یا ۱۲۹۳) شمسی در اصفهان به دنیا آمد. دوره ابتدایی را در اصفهان و تحصیلات متوسطه را در تهران به پایان رسانید. در سال

۱۳۰۹ به بیروت رفت و در یک مدرسه لائیک به تحصیل پرداخت. در سال ۱۳۱۱ عازم فرانسه شد و در مدرسه نظامی «سن سیر» مشغول تحصیل گردید. وی در اواخر سال ۱۳۱۴ به تهران بازگشت و در فروردین ۱۳۱۵ با درجه ستوان دومی به خدمت ارتش درآمد و تا سال ۱۳۲۴ در واحدهای مختلف ارتش خدمت می کرد. بختیار فردی مستبد، خونریز و جاه طلب

۱- . همان منبع، ص ۴۲۴.

بود که علنا به فسق و فجور می پرداخت و با سوار کردن فواحش در کنار خود، با اسکورت به میان جمعیت می آمد. پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ فرماندار نظامی تهران و حومه گردید و

با تأسیس ساواک در دی ماه ۱۳۳۵ به ریاست آن سازمان منصوب و به پدر ساواک معروف شد. او به دلیل قدرت طلبی بیش از حد، مورد غضب محمدرضا شاه واقع شد و پس از درگیری آشکار و رقابت جاه طلبانه با دکتر امینی در بهمن ۱۳۴۰ به طور غیررسمی به اروپا تبعید گردید. در مهرماه ۱۳۴۱ به دستور شاه، از ارتش بازنشسته شد و از آن پس مخالفت وی با شاه شدت گرفت. پس از چند سال اقامت در فرانسه و سوئیس، به لبنان رفت و در سال ۱۳۴۷ به جرم

قاچاق اسلحه در لبنان بازداشت شد. در اردیبهشت ۱۳۴۸ به دعوت رژیم بعث به عراق رفت و در شهریور همان سال پس از مصادره اموالش در ایران که بنا به ارزیابیهای رسمی در آن زمان به بیش از چهار میلیارد بالغ می گردید، توسط دادگاه ارتش غیابا به اعدام محکوم گردید. او در عراق از امکانات رژیم بعثی برخوردار بود و در بغداد تعدادی افسر فراری و بازنشسته را دور هم جمع و با دکتر رادمنش دبیرکل حزب توده روابطی ایجاد کرد. بختیار پس از ورود به عراق، تلاش زیادی کرد تا به جمع اطرافیان حضرت امام خمینی (سلام اللّه علیه) نفوذ و با ایشان ارتباط برقرار کند. دستیار اصلی بختیار برای سوءاستفاده از روحانیون و ایجاد انحراف در نهضت امام، موسی موسوی اصفهانی (آیه اللّه زاده اصفهانی) بود. حضرت امام هرگونه دیدار و گفتگو با او را قاطعانه رد می کرد و دیگران را نیز از هرگونه همکاری و ارتباط با او بر حذر می داشت. ایشان با صراحت اظهار می داشت : با آنکه تا دودمان پهلوی در ایران بر سر کار است ملت ما روی

خوش نخواهد دید، لیکن اگر بنا باشد روزی بختیار در ایران زمام امور را به دست گیرد، وظیفه همه مسلمین است که با او مبارزه کنند و از رسیدن او به قدرت جلوگیری نمایند. او به موازات

فعالیت علیه شاه، با گروههای مسلح مستقر در خاک عراق نیز روابطی برقرار کرده بود. به همین دلیل ساواک تصمیم به حذف او گرفت و سرانجام، تیمور بختیار در مردادماه ۱۳۴۹ توسط یکی از اطرافیانش که رئیس شبکه مخفی حزب توده و مأمور ساواک بود، به قتل رسید.

حسن پاکروان

حسن پاکروان در سال ۱۲۹۰ در تهران به دنیا آمد. پدر او، فتح اللّه پاکروان، از دولتمردان رضاخانی بود که در زمان فاجعه قتل عام مسجد گوهرشاد استانداری خراسان را به عهده

داشت. حسن پاکروان تحصیلات نظامی خود را در دانشگاه های پواتیه و فونتن بلو فرانسه به پایان رسانید و در سال ۱۳۱۲ به ایران بازگشت و مدت ها به عنوان مربی دانشکده افسری اشتغال داشت. در سال های ۱۳۲۰-۱۳۲۲ افسر ستاد ارتش، و در سال های ۱۳۲۳-۱۳۲۴ فرمانده پادگان بوشهر و افسر انتظامات بنادر جنوب بود. پاکروان در سالهای ۱۳۲۵-۱۳۲۷

افسر رکن دوم ستاد ارتش گردید و در سال های ۱۳۲۸-۱۳۲۹ به عنوان وابسته نظامی به پاکستان رفت. پس از بازگشت به ایران مدتی ریاست رکن دوم ستاد ارتش را به عهده داشت و مجددا در سالهای ۱۳۳۳-۱۳۳۴ به عنوان وابسته نظامی به هند رفت. با تأسیس ساواک در اسفند ۱۳۳۵، پاکروان معاون ساواک گردید و در اسفند ۱۳۳۹ با برکناری سپهبد تیمور بختیار به ریاست ساواک رسید. درباره دوران ریاست پاکروان بر ساواک ارتشبد فردوست در

خاطرات خود سخن گفته است. سرلشکر حسن پاکروان تا سال ۱۳۴۳ ریاست ساواک را به عهده داشت و سپس جای خود را به نصیری داد و به عنوان وزیر اطلاعات وارد نخستین کابینه هویدا شد (۱۳۴۳-۱۳۴۵). پاکروان از شهریور ۱۳۴۵ تا مهر ۱۳۴۸ سفیر ایران در پاکستان بود و در این تاریخ به عنوان سفیر به فرانسه اعزام شد و تا آبان ۱۳۵۲ در پاریس

مستقر بود. در بازگشت به ایران، از سال ۱۳۵۲ توسط ارتشبد فردوست در بازرسی شاهنشاهی به کار گرفته شد و در مهر ماه ۱۳۵۶ به عنوان مشاور و سرپرست امور مالی وزارت دربار منصوب گردید.

سرلشکر حسن پاکروان پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران دستگیر و در تاریخ ۲۲/۱/۱۳۵۸ به همراه جمعی از بلندپایگان رژیم پهلوی به اعدام محکوم شد.(۱)

فاطمه پاکروان، همسر سرلشکر حسن پاکروان در خاطرات خود، روز دستگیری شوهرش را ۲۷ بهمن ۱۳۵۷ ذکر کرده است.(۲)

نعمت اله نصیری

ارتشبد نعمت اللّه نصیری [،] فرزند شادروان محمد نصیری (عمیدالممالک) [،]در مرداد ماه سال ۱۲۸۹ شمسی در شهرستان سمنان متولد شده اند و پس از طی تحصیلات مقدماتی و

۱- . ظهور و سقوط سلطنت پهلوی، جلد دوم، صص ۴۴۸-۴۴۹.

۲- . خاطرات فاطمه پاکروان، ترجمه اسماعیل سلامی، انتشارات مهراندیش، تهران، چاپ اول، ۱۳۷۸، ص ۱۰۱.

عادی و گذراندن دانشکده افسری در سال ۱۳۱۳ به درجه افسری مفتخر گردیدند. ایشان پس از فارغ التحصیلی از دانشکده افسری و خدمت بر مشاغل مختلف نظامی از جمله فرمانده دسته مسلسل سنگین، فرمانده دسته و گروهان دانشکده افسری، معاون دانشکده تکمیلی، فرمانده گردان ۲ هنگ ۱۸ کرمان، فرمانده گردان مستقل سیرجان، فرمانده گردان پیاده دانشکده افسری، فرمانده دوره تکمیلی و معاون رسته پیاده دانشکده افسری، رئیس ستاد دژبان مرکز، فرمانده دانشکده پیاده در سال ۱۳۲۹ ابتدا به فرماندهی هنگ پیاده پهلوی و

سپس با درجه سرهنگی به فرماندهی گارد شاهنشاهی منصوب گردیدند. در تاریخ ۲۲ مرداد سال ۳۲ با سمت فرمانده گارد شاهنشاهی در اجرای اوامر اعلیحضرت همایون شاهنشاه آریامهر در رامسر مأمور ابلاغ فرامین ملوکانه مبنی بر انفصال مصدق از نخست وزیری و انتصاب سرلشکر زاهدی به جای وی گردیدند و پس از ورود به تهران ابتدا فرمان انتصاب سرلشکر زاهدی و سپس فرمان عزل مصدق را به آنان ابلاغ فرمودند [،] لیکن در مراجعت از منزل مصدق وسیله سرتیپ ریاحی رئیس ستاد وقت ارتش توقیف و زندانی شدند. چند روز بعد در قیام ملی ۲۸ مرداد که زندان مذکور توسط قیام کنندگان اشغال و زندانیان آزاد گردیدند، ایشان پس از خروج از زندان و هم چنین آزاد کردن عده ای از افراد گارد شاهنشاهی

از زندان پاسگاه نظامی شرق تهران [،] به اتفاق افراد خود در حمله به منزل مصدق که منجر به

اشغال منزل وی و فرار مصدق گردید شرکت نمودند. در سال ۱۳۳۷ به درجه سرلشکری مفتخر و در مهر ماه سال ۱۳۳۹ به سمت معاونت ژنرال آجودانی و در آذر ماه همان سال به سمت ریاست شهربانی کل کشور منصوب گردیدند. در مرداد ماه سال ۱۳۴۱ به درجه سپهبدی ارتقاء و از آن پس به ترتیب در خرداد ماه سال ۱۳۴۲ به سمت فرماندار نظامی تهران و حومه و در بهمن ماه سال ۱۳۴۳ به سمت معاونت نخست وزیر و رئیس سازمان اطلاعات و امنیت کشور منصوب گردیدند. در تاریخ ۱۲ مهر ماه سال ۱۳۵۰ به فرمان مطاع مبارک اعلیحضرت همایون شاهنشاه

بزرگ ارتشتاران به درجه ارتشبدی مفتخر گردیدند. در پایان این بیوگرافی، لیست طویلی از ۶۰ قلم نشان های داخلی و خارجی نصیری مندرج است.

با اوج گیری امواج انقلاب اسلامی، نعمت اللّه نصیری به علت منفوریت شدید در جامعه در تیر ماه ۱۳۵۷ از ریاست ساواک برکنار و به عنوان سفیر به پاکستان اعزام شد. رژیم پهلوی در عقب نشینی گام به گام خود در برابر انقلاب، نصیری را به تهران فرا خواند و در ۱۶ آبان ۱۳۵۷

ص: ۷۷

او را محترمانه بازداشت کرد. نصیری در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ توسط مردم اسیر شد و در ۲۷ بهمن ۱۳۵۷ به حکم دادگاه انقلاب اسلامی تیرباران گردید.(۱)

ناصر مقدم

ناصر مقدم در سال ۱۳۵۰ رئیس اداره دوم ارتش شد و از نیمه دوم خرداد سال ۱۳۴۲ توسط فردوست به ساواک وارد و مدیر کل دوم آن سازمان شد.

مقدم در سال ۱۳۵۰ به همراه فردوست از ساواک بیرون رفت و تا درجه سپهبدی پیش رفت. به گفته فردوست، مقدم بر خلاف مدیر کل قبلی (امجدی)، تلاش می کرد که محمدرضا را از فعل و انفعالات روحانیت بی خبر نگذارد و علاوه بر گزارشات روزانه که از اداره کل

سوم و شهربانی به دفتر می رسید و مواضع ضدرژیم برخی روحانیون اطلاع داده می شد، اداره کل سوم هر سه ماه یک بار بولتنی از روحانیون مخالف سراسر کشور به دفتر می فرستاد

که در آن سخنان روحانیون مخالف علیه رژیم و عکس العمل ساواک درج می شد و موارد مهم از طریق دفتر به اطلاع محمدرضا می رسید. در خوش خدمتی او به شاه نوشته اند که؛ در ماه های آخر عمر رژیم شاه، پس از سقوط دولت نظامی ارتشبد ازهاری که یک مهره کاملاً آمریکایی بود، امید شاه به یأس تبدیل شد و مدت ها دنبال نخست وزیر گشت، که یکی از دلال های نخست وزیریابی، ناصر مقدم بود که هر دری را زد قبول نکردند. به نوشته محمدرضا پهلوی، ناصر مقدم رئیس ساواک وسیله ملاقات کریم سنجابی با شاه شد تا با پیشنهاد او پست نخست وزیری را بپذیرد. مقدم حتی برای ملاقات مهدی بازرگان و شاه نیز تلاش هایی به عمل آورد که از سوی بازرگان مورد قبول واقع نشد.

به هر روی ناصر مقدم تا آخرین روز عمر رژیم شاه، همواره به سلطنت پهلوی و شخص محمدرضا شدیدا وفادار بود. به نوشته ویراستار کتاب خاطرات ارتشبد سابق حسین فردوست، در نخستین روزهای پیروزی انقلاب دولت لیبرال قصد داشت که ساواک منحله را بازسازی کند. مهدی بازرگان، سپهبد ناصر مقدم و ارتشبد حسین فردوست را برای تصدی مقامات عالی اطلاعاتی کشور در نظر داشت [...]. بعدها حجت الاسلام خلخالی در مصاحبه ای با روزنامه کیهان شرح داد که دستگیری ناصر مقدم علی رغم تمایل بازرگان صورت گرفت و

۱- . ظهور و سقوط سلطنت پهلوی، جلد دوم، صص ۵۰۸-۵۰۹.

مهندس بازرگان در بیت امام (ره) به مشاجره با آقای خلخالی پرداخت و گفت که حکم ریاست مقدم بر اداره دوم ارتش را صادر کرده است و خواستار آزادی او شد.(۱)

علی معتضد

سرلشکر علی معتضد از ابتدای تأسیس ساواک فعالیت خود را در این سازمان آغاز کرد و ۲۱ فروردین ۱۳۵۰، یک روز پس از رفتن ارتشبد فردوست از ساواک، با حفظ سمت، قائم مقام ساواک شد. سمت دیگر او در ساواک ریاست سازمان اطلاعات خارجی بود که دو اداره کل دوم و هفتم ساواک تحت امر او بودند.

معتضد مهره انگلیس بود و با مأموران انگلیسی از جمله شاپور جی در ارتباط بود.

ارتشبد فردوست در خاطرات خود به توجه ویژه رئیس MI-۶ به سرلشکر معتضد در سال

۱۳۴۹، اشاره کرده و معتقد است که از همان زمان وی از سوی آمریکا و انگلیس برای سمت قائم مقامی ساواک، کاندید شده بود. به گفته فردوست، یعقوب نیمرودی جاسوس کهنه کار

اسرائیل با سرلشکر علی معتضد روابط بسیار حسنه و نزدیک داشت و حتی مبالغ قابل توجهی به صورت رشوه به او پرداخت می کرد. معتضد در ماه های آخر سلطنت پهلوی از ساواک برکنار و به عنوان سفیر ایران در سوریه منصوب شد.(۲)

ص: ۷۹

۱- . خاطرات ارتشبد سابق حسین فردوست، صص ۳۸۷، ۴۲۳، ۴۲۹، ۴۶۳، ۵۱۷، ۵۶۷، ۵۷۰، ۵۷۸، ۵۹۰-۵۹۱، ۶۰۷، ۶۲۸.

۲- . ن. ک: خاطرات ارتشبد سابق حسین فردوست، صص ۴۶۰، ۴۲۷، ۲۸۸، ۲۹۶، ۳۴۶، ۴۲۸، ۳۶۷.

پیمان اطلاعاتی سه جانبه

اسرائیل، ترکیه و ایران شاهنشاهی

ص: ۸۱

موقعیت ایران و ترکیه

بعضی نویسندگان و روزنامه نگاران نسبتا مشهور آمریکایی، با اشاره به جایگاه و اهمیت بعضی کشورهای منطقه در استراتژی پیرامونی اسرائیل، به طور تلویحی، یکی از دلایل و انگیزه های رژیم صهیونیستی در برقراری روابط نزدیک سیاسی و اطلاعاتی و نیز نفوذ و حضور در بعضی کشورها، به ویژه، ایران و ترکیه را، اهرم و ابزار مهم برای تعقیب اهداف

مورد نظر ارزیابی کرده اند:

اسرائیل حتی از دورانی که بن گوریون [اولین نخست وزیر آن رژیم]استراتژی پیرامونی خود را طرح می کرد، برخی از کشورهای منطقه را وزنه ای ضروری برای مقابله با اعراب می دانست.(۱)

موقعیت ایران و ترکیه، هم به لحاظ جغرافیایی و ژئوپولیتیکی، سیاسی و هم فرهنگی، بستر مطلوب و مناسبی برای صهیونیست ها بود. بعضی نویسندگان آمریکایی و انگلیسی این موضوع را به طور اساسی مورد بررسی قرار داده اند:

اهمیت استراتژیک و نظامی دریاهای منطقه بسیار زیاد است. دریاهای مدیترانه، بحر احمر و خلیج (فارس) کانون رقابت ها چه در سطح ابرقدرت ها و چه در سطح محلی هستند و نقش کلیدی قدرت دریایی در این گونه رقابت ها مشخص است. ۲۲ دولتی که منطقه را تشکیل می دهند، نسبت به مداخله خارجی به شدت آسیب پذیرند و این به علت تفاوت در ایدئولوژی و موقعیت های ژئوپولیتیک آن هاست. بنابراین، بر سر دسترسی به پایگاه ها، لنگرگاه و بازارها به منظور فروش تسلیحات رقابت سختی در جریان است. دولت های

ص: ۸۳

۱- . کاکبورن، ص ۵۰۱.

اسرائیل، مصر، ترکیه و ایران که در حال توسعه قدرت دریایی خود هستند، در سال های اخیر تجهیزات زیادی در خصوص نیروهای دریایی و کشتی تهیه کرده اند. در زمان شاه، ایران قصد داشت یکی از مدرنترین نیروهای دریایی جهان را ایجاد کند که شامل یک ناوگان عظیم

هاورکرافت هم می شد. در ضمن، ناوگان صیادی و تجاری محلی هم به طور قابل ملاحظه ای در دهه اخیر رشد کرده است.

پنج آبراه استراتژیک خاورمیانه بدون تردید در میان حساس ترین گذرگاه های دریایی جهان قرار دارند. آن ها نه تنها استراتژی دریایی، بلکه وقایع سیاسی دولت های ساحلی را نیز تحت تأثیر قرار می دهند.(۱)

بنابراین، چندان اتفاقی و بدون محاسبه نبود که رهبران اسرائیل، بلافاصله پس از اعلام موجودیت رژیم صهیونیستی، به ویژه دو کشور ایران و ترکیه را به عنوان بستر مناسب و مطلوب برای تعقیب استراتژی خود، تحت نفوذ درآوردند؛ به گونه ای که پس از برقراری ارتباط و انعقاد قراردادهای مختلف نظامی، اطلاعاتی، امنیتی، سیاسی و اقتصادی، آن دو،

تحت انقیاد اسرائیل درآمدند.

نشریه اسرائیلی هارتص در همان زمان در این باره نوشت:

شاه [ایران] دومین زمامدار یک کشور اسلامی، پس از ترکیه بود که اسرائیل را به رسمیت شناخت.(۲)

به هر روی، اهمیت استراتژیک این دو کشور برای اسرائیل، امری پنهان نبود.

اهمیت استراتژیک ترکیه را می توان از چند جهت مورد بررسی قرار داد:

الف – ترکیه به عنوان پلی بین دو قاره اروپا و آسیا واقع شده است و اروپا را به منطقه استراتژیک خاورمیانه متصل می کند.

ب – وجود نفت در منطقه خاورمیانه و بحران های متعدد، شرایطی را ایجاد کرده که بر اهمیت ترکیه [...] افزوده است.

ج – موقعیت جغرافیایی ترکیه به نحوی است که دریای سیاه را از طریق تنگه های بسفر و داردانل و دریای مرمره به دریای اژه و مدیترانه وصل می نماید. ترکیه به عنوان ترانزیت

۱- . آلاسدایر درایسدل و جرالداچ. بلیک، جغرافیای سیاسی خاورمیانه و شمال آفریقا، ترجمه درّه میرحیدر، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، چاپ چهارم ۱۳۷۴، ص ۱۵۴.

۲- . نشریه اسرائیلی هارتص، مورخ ۲۵/۳/۱۳۵۲ش/۱۹۷۱م.

کالاهـای مصـرفی اروپا به کشورهای خاورمیانه نیز نقش مهمی را ایفا می نمایـد. عضویت ترکیه در ناتو [...]نیز یکی دیگر از عوامل اهمیت این کشور در منطقه است.

د- ترکیه در حـال حاضـر در میان مناطق بحرانی قفقاز و آسـیای مرکزی، عراق و اکراد و کشورهای اروپای شـرقی قرار گرفته است [...].

ترکیه از لحاظ جغرافیایی موقعیت ممتازی را جهت دسترسـی کشورهای غربی به کشورهای مشترک المنافع فراهم نموده است [...].

ترکیه دارای منابع طبیعی و معـدنی غنی می باشـد که تاکنون از آن ها بهره برداری کافی به عمل نیامده است. مواد معدنی که در ترکیه تولید می شوند عبارتند از: آهن، سرب، قلع، جیوه،

کُرُم، منگنز، سولفور، مواد سوختنی، ذغال سنگ و لیگنیت.(۱)

به طـوری که گفته می شود، حـدود ۲۵ هزار یهودی در ترکیه سـکونت دارنـد که در بسـیاری از فعـالیت اقتصادی و تجاری و حوزه های تولیدی، بانکی و صنعتی آن کشور سهم و نقش اساسی به عهده دارند.

آگاهـان سیاسـی و مورخـان را عقیـده بر این است که یهودی هـای ترکیه در برقراری ارتبـاط سیاسـی و اطلاعاتی آن کشور با اسـرائیل، نقش بسـیار اساسـی داشته اند؛ به گونه ای که ترکیه از اولین کشورهای منطقه بود که رژیم صهیونیستی را در مارس ۱۹۴۹م/ فروردین ۱۳۲۸ش، به رسـمیت شـناخت، بلافاصـله پس از این رویـداد، با کمک یهودیان ذی نفوذ ساکن در ترکیه و همکاری مشترک آن کشور با اسرائیل، تلاش برای انتقال شماری از یهودیان آن سامان به فلسطین آغاز شد.

در فوریه ۱۹۵۸/ زمستان ۱۳۳۶، بن گوریون نخست وزیر وقت اسرائیل، طی نامه ای به محمدرضاشاه و

امپراتور اتیوپی، موازنه جدیـد قـدرت در منطقه (وحـدت مصـر و سوریه در همان زمان و کودتای عراق در ژوئیه آن سال)، را مـورد بررسـی قرار داد و خطراتی کـه اردن و سـایر کشورهـای طرفـدار غرب منطقه را تهدیـد می کرد، برشـمرد. او همکـاری اسرائیل و ایران

را (که پیش از شروع شده بود) مورد ستایش قرار داد و خواستار گسترش آن شد. شاه در پاسخ

موافقت کامل خود را با نظرات بن گوریون اعلام داشت و دستور داد چارچوب همکاری با

۱- . صابر قاسمی، ترکیه، مؤسسه چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، چاپ اول، ۱۳۷۴، ص ۲۴.

اسرائیل به ویژه در زمینه مبادله اطلاعات گسترش داده شود.(۱)

شاه در پاسخ به نخست وزیر اسرائیل نوشت که خاطره سیاسی کوروش (هخامنشی) را در قبال ملت یهود گرامی می دارد و مایل است که طبق سنت باستانی این روش را ادامه دهد.(۲)

در ۲۸ آگوست ۱۹۵۸/ شهریور ۱۳۳۷، بن گوریون نخست وزیر وقت اسرائیل، محرمانه به ترکیه رفت و با عدنان مندرس نخست وزیر وقت ترکیه مذاکراتی انجام داد که طی آن توافق

شد یک پیمان سیاسی - اقتصادی در چارچوب تکمیل حلقه های «پیمان سوار» که شامل ایران و اتیوپی و نیز اسرائیل؛ با تأیید آمریکا بود،... ایجاد شود.(۳)

آباابان یکی از تئورسین های صهیونیست و وزیر امور خارجه اسبق رژیم صهیونیستی در کتاب صدای اسرائیل که در سال ۱۹۵۹ در لندن منتشر شد چنین نوشت:

مبادله روابط میان ترکیه و اسرائیل صحت منطق اسرائیل است که خود را دارای هویتی خاورمیانه ای می داند. اسرائیل ترکیه را بازار مهمی برای فروش کالاهای صنعتی و منبع حیاتی دریافت مواد غذایی و مواد خام یافت و این نهایتا به این معناست که منفذ دیگری برای اسرائیل

به منظور نزدیک شدن به پایان محاصره اقتصادی عربی گشوده شده است.(۴)

روابط ترکیه و اسرائیل در سال ۱۹۶۱/۱۳۴۰، به سطح سفارت ارتقا یافت.

ص: ۸۶

۱- . عبدالرضا هوشنگ مهدوی، ص ۲۸۶.

۲- . علی اکبر ولایتی، ایران و تحولات فلسطین، مرکز چاپ و نشر وزارت امور خارجه، چاپ اول، ۱۳۸۰، ص ۹۷.

۳- . استراتژی صهیونیسم در منطقه عربی، ص ۲۳۴.

۴- ۱. ۱۹۵۹ ,Abba Eban, Voice of Israel, London, Faber and Faber. به نقل از: استراتژی صهیونیسم در منطقه عربی، ص ۲۳۳.

یهودی های ترکیه

به هر روی، نفوذ و نقش یهودی هـای ترکیه در ایجـاد رابطه سیاسـی، اطلاعـاتی، اقتصادی و نظامی این کشور با اسـرائیل و نیز تشدید و تداوم آن، بسیار اساسی، حائز اهمیت، غیرقابل

کتمان و در عین حال دارای قدمت و سابقه تاریخی است.(۱)

البته، بر طبق بعضـی نوشته ها و اسناد، پس از تأسیس اسرائیل در سال ۱۹۴۸م/ ۱۳۲۷ش، یهودی های ترکیه، به ویژه طبقه های متوسط و فقیر آنها، به فلسطین اشغالی منتقل شدند.

به طـوری که از مجموع ۸۰ هزار یهودی ترکیه در سـال ۱۹۲۷م/ ۱۳۰۶ش، در اواخر دهه چهل میلادی (پس از حـدود بیسـت سال)، بیش از ۳۰ هزار نفر باقی نماند.(۲)

یهودی های ثروتمند و سـرمایه دار ترکیه به دلیل نفوذ و ارتباط گسترده با محافل سیاسـی، قانونگذاری و تصـمیم گیری، عامل بسیار مهم و مؤثری در همگرایی ترکیه با رژیم صهیونیستی، در منطقه، بوده اند.

دربـاره جایگاه و سابقه فعالیت ثروتمنـدان یهودی ترکیه، به طوری که نوشـته انـد؛ در سال ۱۸۳۹ با آغاز عصـر سازماندهی در دولت ترکیه (امپراتوری عثمانی)، ابراهام دوکاموندو

رهبری یهودیان ترکیه را به عهده گرفت. وی به مثابه روچیلد شرق(۳) و از بانکداران بسیار

۱- . در کتاب حاضـر، در فصل اجلاس اطلاعاتی سه جانبه گزارش ها و قطعنامه ها، اطلاعات مسـتندی در این باره ارایه شـده است.

۲- . فصلنامه خاورمیانه، مرکز پژوهش های علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه، سال اول، شماره ۱، تابستان ۱۳۷۳. به نقل از: شؤون ترکیه، مرکز الدراسات الاستراتیجیه و البحوث و التوثیق، تشرین الثانی، ۱۹۹۲، ص ۴۵-۵۵.

۳- . سرمایه دار بزرگ اروپا.

ثروتمند بود و کوشید تا موقعیت همکیشان خود را... تقویت کند.(۱)

پس از تأسیس دولت اسرائیل و دقیقا در سال های ۱۹۵۰ تا ۱۹۸۰، یهودیان ترک خود را آماده می کردند تا در هر لحظه ساک خود را بر دوش بیندازند و به اسرائیل مهاجرت کنند. از این رو آنها در این مدت به سرمایه گذاری های مهم دست نزدند. با این همه در دهه هفتاد، ۸۰ درصد صنعت نساجی ترکیه متعلق به آنها بود. مالیات موجودیت [مالیاتی که مقدار آن بر اساس مذهب افراد وصول می شد. برای مسلمانان ۵ درصد و برای یهودی ها ۱۰ درصد] موجب شد که بیشتر آنها در بخش های منقول سرمایه گذاری کنند. اما برخی یهودیان همچنان در بسیاری از صنایع و مؤسسات و بخش ها پیشاهنگ بودند.

یکی از این افراد برنارد ناحوم بود که کار خود را در سال ۱۹۴۴ در گروه صنعتی «کُچ» آغاز کرد و پیشگام صنعت اتومبیل سازی در ترکیه بود. همچنین آلبرت پیلین که در سال ۱۹۵۶

شرکتی به نام «شیمیاتک» را تأسیس کرد، پیشگام صنایع شیمیایی در این کشور بود. بخش آگهی و تبلیغات نیز توسط ایسادور بروخ پایه گذاری شد. وی نخستین شرکت تبلیغاتی را که یک فرانسوی در سال ۱۹۰۸ در ترکیه تأسیس کرده بود، خرید این شرکت سال ها تنها شرکت تبلیغاتی این کشور بود و تاکنون نیز تأثیر آن به روشنی دیده می شود.

همچنین ایلی آگیمن که پدر تبلیغات ترکیه شمرده می شود روش های نوین تبلیغاتی را وارد این کشور کرده است و شرکت «مناآژانس» را در اختیار دارد که مادر شرکت های تبلیغاتی محسوب می شود. برادران ویتالی و آلبرت هکو نیز مؤسسه پوشاک هکو را تأسیس کردند. [...]. جاک امبریگر نیز ۸۰ درصد از بازار داخلی تیغ پرما - شارپ را در اختیار دارد که تولیدات آن به سراسر جهان صادر می شود.

یک یهودی ترک در مورد وضع کنونی طایفه یهودیان ترکیه می گوید که تعداد یهودیان این کشور ۲۰ هزار نفر تخمین زده می شود و در میان آنها ۲ هزار نفر ثروتمند وجود دارد که با ثروتمندان اروپا برابری می کنند. همچنین افزون بر نام هایی مانند: جاک کیمخی و اسحاق

التون و ویتالی هکو که برای افکار عمومی ترکیه کاملاً شناخته شده هستند؛ شمار بیشتری نیز

به صورت ناشناخته سرگرم فعالیت اند.

سایر افراد به طبقه متوسط وابسته اند و در تجارت، چاپ، وکالت، داروفروشی و

۱- . همان منبع.

حرفه های مشابه فعالیت دارند. و بیشتر آنها در مناطق گرت تپه و کرتولاش و شیشلی و گزتپه

از شهر استانبول ساکن هستند. [...] در دهه هشتاد قرن حاضر، بازرگانان و صاحبان صنایع یهودی [ترکیه] که در سال های پیش می کوشیدند تا ناشناخته بمانند، در پی مطرح کردن خود برآمدند. در این زمینه می توان از اسحاق التون و عزیز کارح، بنیانگذار گروه صنعتی «آلارگو» و جاک کیمخی مؤسس گروه صنعتی «پروفیلو» نام برد. اسحاق التون با مطرح ساختن خود به عنوان یک سوسیال دموکرات چهره ای غیرعادی از یک بازرگان عمده ترسیم کرد و با این کار

توانست نقش میانجی را در بسیاری از روابط بین المللی ترکیه ایفا کند. عزیز کارح هم با مناصبی که در ده ها جمعیت و سازمان به عهده داشت و نوشتن مطالبی برای رسانه های گروهی ترکیه، به داشتن مواضع روشن و برخورد مطلوب با مطبوعات شناخته شد.

جاک کیمخی مرکز توسعه اقتصادی را پایه گذاری کرد. این مرکز یکی از مؤثرترین سازمان های ترک طرفدار جامعه اروپاست. جوی کیمخی پسر جاک کیمخی نیز موفقیت های

مشابهی در انجمن های گوناگون داشته است. همچنین خانواده کیمخی در تأسیس «مرکز تکنولوژی ترکیه نقش داشته است.

یهودی های ترکیه در دهه هشتاد علاوه بر فعالیت های اجتماعی در زمینه های اقتصادی تحرک چشمگیری - به تعبیر اسحاق التون - از خود نشان دادند؛ زیرا آنان در این دهه، با رها کردن تردیدهای خود، به سرمایه گذاری های غیرمنقول روی آوردند.(۱)

ثروتمندان و سرمایه داران یهودی ترکیه، تاکنون به خوبی نقش خود را در این زمینه ایفا کرده اند. یهودی هایی که پس از تأسیس اسرائیل در ترکیه باقی ماندند و به سرمایه گذاری

صنعتی روی آوردند، در سال ۱۹۴۲ در صنعت پارچه و کائوچو و جوراب های گرانقیمت، حریر، چتر، چکمه و دباغی حضور گسترده ای داشتند.

پس از جنگ جهانی دوم، یک شرکت کشتیرانی در استانبول و ۱۲ کارخانه حریربافی در بورسا به یهودیان تعلق داشت. همه این شرکت ها به اتحادیه جهانی یهود [آلیانس]متکی بودند.

از دیگر سرمایه داران بزرگ و ذی نفوذ امروز ترکیه، از جمله می توان به اسامی زیر اشاره

کرد که نقش مهمی در روابط ترکیه و اسرائیل دارند:

۱- . همان منبع.

۱- ایرول آق صوی، از سرمایه داران بزرگ و صاحب چند بانک در فرانسه و ایالات متحده است. معروفیت او بیشتر به سبب پشتیبانی روچیلد، سرمایه دار یهودی اروپا از نامبرده و نیز شرکت در فعالیت های صهیونیستی است.

۲- شرکت پروفیلو؛ این شرکت متعلق به جاک کیمخی، رئیس مرکز یهودی سال ۲۰۰۰ است.

۳- خانواده جیهان کماندریت؛ خانواده ای یهودی که در سوئیس بسر می برد و صاحب شرکت گروندیک است. جوی کیمخی (پسر کیمخی) که با این خانواده روابط صمیمانه دارد، خود به تنهایی دارای شش شرکت دیگر است.

۴- احمد منیر ایرتیکون؛ از حمایت یک گروه مالی یهودی برخوردار است که صاحب مؤسسات تولیدات تلویزیونی، موسیقی و سینمایی در ایالات متحده است.

این افراد عضو هیأت مدیره و سهامدار شبکه تلویزیونی Show T.V. بوده و با محافل مالی یهودیت جهان مرتبط هستند. ایرول آق صوی مهمترین عضو این گروه است.

به گفته یک منبع نزدیک به شورای امنیت ملی ترکیه، شبکه تلویزیونی T.V. Showپس از جنگ خلیج فارس (۱۹۹۰) با تلاش های گسترده آمریکا و محافل مالی یهود برای فعالیت های تبلیغاتی ترکیه ایجاد شده است.(۱)

در کنار سرمایه داران بزرگ یهودی ترکیه و یا خارجی، رژیم صهیونیستی نیز میلیاردها دلار در این کشور سرمایه گذاری کرده است.

ایناس گرسین مشاور امور اقتصادی آریل شارون نخست وزیر اسرائیل، چندی پیش [۱۳۸۰ش] در گفت وگو با روزنامه سیاست آزاد ترکیه که به زبان ترکی در برلین آلمان منتشر می شود، گفت: اسرائیل به وسیله شرکت ها و مؤسسات موجود در ترکیه یک میلیارد دلار در

پروژه آب رسانی در جنوب شرقی این کشور سرمایه گذاری کرده است.

گواند یران رئیس کمیته کار ترکیه - اسرائیل در مرداد ماه سال ۱۳۸۰ش، اعتراف کرد که اسرائیل در دو سال آینده شش پروژه کشاورزی و آب رسانی در ترکیه اجرا خواهد کرد. ۶۷ شرکت و مؤسسه اسرائیلی از سال ۱۳۷۴، در پروژه جنوب شرقی ترکیه، موسوم به پروژه

جنگل فعالیت خود را آغاز و حتی اقدام به خرید زمین های کنار ساحل رودخانه منوگات

۱- . همان منبع.

کرده اند. اسرائیلی ها در نظر دارند برای تأمین آب مورد نیاز شهرک های یهودی نشین، آب رودخانه منوگات ترکیه را خریداری کنند.(۱)

به عقیده آگاهان سیاسی و پژوهشگران و کارشناسان روابط ترکیه و اسرائیل، موقعیت طلایی اسرائیلی ها در ترکیه موجب تحکیم ارتباط و همکاری اطلاعاتی، امنیتی و نظامی آنکارا با رژیم صهیونیستی، طی چند دهه اخیر، به ویژه در دوران کنونی، بوده است.

این کارشناسان و متخصصان، توافقنامه امنیتی و اطلاعاتی میان آنکارا و تل آویو در ۲۳ فوریه ۱۹۹۶/ بهمن ماه ۱۳۷۴ را نیز از این زاویه بررسی و آن را در راستای استراتژی صهیونیسم در منطقه ارزیابی و از ترکیه به عنوان یک ایستگاه برای اهداف صهیونیستی یاد

کرده اند.

نشریه عربی زبان الحیات چاپ لندن در آن زمان نوشت:

این توافقنامه پیشرفتی اسرائیلی به سوی نظم نوین خاورمیانه ای به شمار می رود. نظمی که واشنگتن تلاش می کند دورنمای آن را مشخص کند و ستون و پایه های اقتصادی و امنیتی آن را بنا نهد.(۲)

نشریه انگلیسی زبان میدل ایست چاپ لندن درباره این توافقنامه اطلاعاتی - امنیتی نوشت:

بنا به گفته سویک بیر - جانشین فرماندهی ستاد ارتش ترکیه - توافقنامه همکاری اطلاعاتی بین ترکیه و اسرائیل به آی.دی.اف (نیروهای دفاعی اسرائیل) و قوای امنیتی اسرائیل [سرویس جاسوسی موساد]اجازه خواهد داد با استفاده از قلمرو ترکیه درباره ایران و سوریه به استراق سمع بپردازد و اطلاعات الکترونیکی جمع آوری کند. این مقام ترک در مؤسسه تحقیقاتی واشنگتن گفت: هدف اولیه اسرائیل، سوریه بود و بعد ایران. علاوه بر همکاری اطلاعاتی،

نیروهای دفاعی اسرائیل در آموزش و تجهیز سربازان ترکیه، مستقر در مرزهای جنوب شرقی،

یعنی مرزهای عراق، ایران و سوریه، به ترکیه کمک خواهد کرد. به نوشته روزنامه «هآرتص» که

در تل آویو منتشر می شود در توافقنامه همکاری بین نیروهای اسرائیل و ترکیه قید شده است که در سال، هشت بار هواپیماهای نظامی هر دو طرف، توأمان در فرودگاه های کشور دیگر اسکان

ص: ۹۱

۱- . روزنامه جمهوری اسلامی، مورخ ۲۱/۵/۱۳۸۰، ص آخر.

۲- . محمد نورالدین کارشناس امور ترکیه از لبنان، الحیات، ترجمه محمدرضا آصفی، چاپ لندن، ۲۵ آوریل ۱۹۹۶/

اردیبهشت ۱۳۷۵.

یابند، خدمه هواپیمایی با هم مبادله کنند و تمرینات مشترک انجام دهند. طبق نظر این روزنامه

اسرائیلی، ترکیه و اسرائیل همچنین توافق کرده اند، یک نهاد مشترک برای ارزیابی استراتژیک و تحقیقات ایجاد کنند. در مرحله بعدی اردن هم به این نهاد خواهد پیوست. روزنامه هاآرتص نتیجه گیری می کند؛ یک توافقنامه در زمینه همکاری دریایی نیز به امضا رسیده است و نیروی دریایی ترکیه و اسرائیل در مدیترانه، تمرینات مشترک انجام خواهند داد.(۱)

کارشناسان، این همکاری ها را در راستا و امتداد همکاری و ارتباط پیشین موساد و سرویس اطلاعاتی ترکیه و ساواک، تحت نام «نیزه سه سر» ارزیابی کرده و معتقدند که پس از

سقوط نظام شاهنشاهی در ایران و حذف ساواک، اسرائیلی ها به منظور جبران این نقیصه؛ در

مسیر استراتژی پیرامونی اسرائیل، میزان نقش و همکاری ترکیه را در این زمینه تشدید و

تقویت و نیز توسعه و افزایش داده اند.

۱- . پیتر فویبرید، میدل ایست، ترجمه صابر قلی زاده، چاپ انگلستان، ژوئن ۱۹۹۶/ خرداد ۱۳۷۵. مندرج در بررسی مطبوعات جهان، مرداد ماه ۱۳۷۵، شماره ۲۳۱، اداره کل مطبوعات و رسانه های خارجی، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

همکاری اطلاعاتی سه جانبه

به هر روی، بسط حضور و نفوذ اشخاص و گروه های سیاسی و یا کانون ها و سرویس های اطلاعاتی اسرائیل در ترکیه و ایران، چه از طریق برقراری روابط بین دولت ها و چه از طریق بهره گیری از حضور یهودی های مقیم آن دو کشور، در مجموع زمینه ها و شرایط

را برای اجرای اهداف و برنامه های منطقه ای صهیونیسم در این دو کشور فراهم ساخت. رژیم صهیونیستی، همزمان با این تمهیدات، طرح همکاری سه جانبه سرویس های اطلاعاتی اسرائیل، ترکیه و ایران پهلوی را به طور جدی در دستور فعالیت های خود قرار داد. تا آنجا که توانست بر اساس یک پروتکل رسمی و در عین حال سرّی، با انعقاد چنین پیمانی،

تلاش های اطلاعاتی سه دولت مزبور را، در چهارچوب اهداف اسرائیل، مبنی بر تعقیب استراتژی پیرامونی آن رژیم در حوزه های جغرافیایی خاورمیانه عربی تا آفریقا، سازماندهی

و متمرکز کرده و به خدمت گیرد.

بر اساس این پیمان سه جانبه، سرویس های اطلاعاتی ایران پهلوی و ترکیه موظف و متعهد شده بودند بر مبنای یک سری قواعد، اصول و مقررات تعیین شده در قالب طرح های مورد نظر و دیکته شده اسرائیل، همه توان و تلاش های جاسوسی و اطلاعاتی خود را علیه کشورهای اسلامی و عربی منطقه و علیه آرمان مسلمانان، و به خصوص فلسطین به کار گیرند. این پیمان دو کشور ایران شاهنشاهی و ترکیه را موظف و متعهد می ساخت تا بر مبنای

قراردادهای سه جانبه مورد اشاره (که در واقع صهیونیست ها آن ها را طراحی و تدوین می کردند) با اخلال، تحریک قبایل، گروه ها، و طوایف محلی و از طریق مأموران و عوامل

خود، هرگونه اغتشاش و ناآرامی اجتماعی و سیاسی را در داخل کشورهای اسلامی و عربی

ص: ۹۳

به نفع اسرائیل دامن بزنند. صهیونیست ها با بزرگ نمایی خطر شوروی و کمونیسم برای کشورهایی مثل ایران و ترکیه و حتی دیگر ممالک اسلامی، سرویس های اطلاعاتی ایران پهلوی و ترکیه را همراه با سرویس اطلاعاتی اسرائیل، وادار به دخالت های پنهان در امور

داخلی کشورهای مختلف عربی، از پاکستان تا عربستان، عراق، کویت، کشورهای حاشیه خلیج فارس، اردن، سوریه، مصر، سودان، اتیوپی، سومالی، کنیا، اوگاندا و بعضی دیگر کشورهای منطقه خاورمیانه و حتی آفریقا می کردند. حضور و نفوذ این سرویس ها در میان کُردها که منطقه ای وسیع بین ایران، ترکیه، عراق، و سوریه زندگی می کنند در ردیف طرح های قدیمی اسرائیل بود که توانسته بود با کمک سرویس اطلاعاتی ترکیه و ایران شاهنشاهی، استراتژی خود را به آسانی در آن مناطق تعقیب کند. دو سرویس اطلاعاتی ایران

شاهنشاهی و ترکیه نیز بر طبق پیمان سه جانبه اطلاعاتی از هیچ گونه تلاش و کوششی در چهارچوب پروتکل های همکاری مورد اشاره در خدمت آرمان صهیونیسم کوتاهی نمی کردند. دو سرویس اطلاعاتی ایران شاهنشاهی و ترکیه، در برخی مواقع چنان در مسیر مطامع اسرائیل قرار می گرفتند که حتی مصلحت سیاسی و منافع ملی کشور خود را نیز زیر پا

می گذاشتند، و کشورها و دولت های اسلامی و عربی منطقه را وادار به عکس العمل می نمودند. اسناد به جا مانده از سازمان اطلاعات و امنیت کشور ایران شاهنشاهی، موسوم به ساواک درباره این همکاری سه جانبه، نشست ها، کنفرانس ها و گزارش های داخلی کمیته های آن، اطلاعات ذی قیمتی به خوانندگان ارایه می دهد. این اطلاعات اگرچه ممکن

است به لحاظ موضوعی، محتوایی و حتی تاریخی، از انسجام کافی برخوردار نباشد، لیکن به

دلیل بازگویی اسرار پَسِ پرده تاریخ معاصر در این حوزه، و افشای عملیات های رمزآلود

صهیونیست ها در جهان اسلام، به ویژه با خدمت گرفتن دولت های ترکیه و ایران پهلوی، بسیار جدید و قابل توجه است. به خصوص از این زاویه، که مخاطب به روشنی می بیند، سرویس های اطلاعاتی ایران پهلوی و ترکیه به مثابه شعبه ای از سرویس اطلاعاتی اسرائیلی ها در میان ممالک و ملت های اسلامی کاملاً در خدمت مطامع و آرمان صهیونیسم

جهانی عمل و اقدام کرده اند. البته این مباحث به معنای عدم سوءاستفاده و دخالت اسرائیل در مسایل داخلی خود این کشورها نیست. به بیان دیگر، علی رغم این همکاری اطلاعاتی سه جانبه، سرزمین و مردم ایران در دوره پهلوی و یا سرزمین و مردم ترکیه، در سایه این

ص: ۹۴

همکاری ها و ارتباط های اطلاعاتی، در حاشیه امن قرار نمی گرفتند، بلکه صهیونیست ها اغراض خود را چه به طور مستقل و چه حتی با همکاری این دو سرویس، اما با ترفندها و توجیهات رمزآلود سیاسی و اطلاعاتی، در داخل این دو کشور نیز دنبال می کردند. برای مثال،

اعتراف یکی از سَر جاسوسان اطلاعاتی رژیم صهیونیستی درباره دخالت پنهان صهیونیست ها و سرویس اطلاعاتی آن ها در ایران دوره شاهنشاهی خواندنی و تأمل برانگیز است.

یعقوب نیمرودی(۱) از مأموران کارکشته سیاسی و اطلاعاتی صهیونیست ها، پس از سال ها فعالیت سیاسی، اقتصادی، جاسوسی و اطلاعاتی در ایران پهلوی، در گفت وگویی با یک روزنامه نگار اسرائیلی، درباره عمق و گستره جنایات و خیانت های صهیونیست ها در ایران

گفته است:

اگر یک روز به تو اجازه دهند که از کارهایی که ما در تهران انجام داده ایم، آگاه شوی، از آنچه می شنوی، وحشت خواهی کرد. حتی نمی توانی آن را تصور کنی.(۲)

یک نشریه صهیونیستی نیز در سال ۱۳۵۶، درباره اهمیت پیمان اطلاعاتی سه جانبه، در مسیر تعقیب استراتژی پیرامونی اسرائیل نوشت:

روزی خواهد رسید که تاریخ سیاسی اسرائیل به رشته تحریر درآید. بدون اینکه اسرار و مطالب محرمانه در نوشتن آن مزاحمتی ایجاد نمایند و آن وقت معلوم خواهد شد که این (پیمان

۱- . یعقوب نیمرودی فرزند صیون، افسر پیشین سازمان اطلاعات نظامی اسرائیل و از بنیانگذاران شبکه های جاسوسی موساد در ایران و عراق و شیخ نشین های خلیج فارس بود. او در سال ۱۹۳۶م، در یک خانواده یهودی عراقی در بیت المقدس به دنیا آمد. در سال های ۱۹۴۰-۱۹۴۷ به اتفاق اسحاق ناون دوست دوران کودکی اش و شخصیت بلندپایه بعدی در دولت اسرائیل، در سازمان «هاگانا» به فعالیت های تروریستی علیه مسلمانان فلسطین اشتغال داشت و در جوانی عضو شعبه عربی گروه تروریستی پالماخ شد. طبق اسناد موجود، ظاهرا نیمرودی برای نخستین بار در تاریخ ۳۰/۱۰/۱۳۳۴ش، از طریق مرز ترکیه وارد ایران شد و به طور رسمی متصدی معاونت «آژانس یهود» در تهران گردید. او با مجوز و تأیید محمدرضا پهلوی با ساواک رابطه برقرار کرد. یعقوب نیمرودی به عنوان رابط موساد «سرویس زیتون» با ساواک، تا سال ۱۳۴۸ش، نقش مهمی در تبدیل ساواک به زائده سازمان اطلاعاتی اسرائیل ایفا کرد. فعالیت های او در عرصه جاسوسی و اطلاعاتی محدود نبود. وی با هدایت لرد ویکتور روچیلد و در همکاری با شاپور ریپورتر مجری طرح های پیچیده ای در عرصه های فرهنگی و اقتصادی نیز بود. یعقوب نیمرودی تا آخرین ماه های سلطنت پهلوی با حمایت موساد محموله های سرّی خود را از مرزهای ایران عبور می داده

است. طبق اسناد موجود، بخش عظیمی از این محموله ها، آثار باستانی و اشیاء عتیقه ای بوده است که توسط نیمرودی و سرویس جاسوسی اسرائیل از ایران به سرقت می رفت. خاطرات ارتشبد سابق حسین فردوست، ج اول و نیز ظهور و سقوط سلطنت پهلوی، ج دوم، صص ۱۲۵-۱۲۶. نیز سازمان های یهودی و صهیونیستی در ایران، صص ۱۳۴-۱۳۵.

۲- . کاکبورن، ص ۱۶۶.

پیرامونی) تا چه حد برای اسرائیل مفید بوده است.(۱)

البته صهیونیست ها بخش عمده ای از نفوذ خود را در دستگاه سیاسی و اطلاعاتی بعضی کشورهای اسلامی، مرهون فضای سیاسی رعب آور و شرایط روانی منحصر به فردی می دانند که آن ها خود از طرق مختلف در میان سران و مقامات بلندپایه دستگاه های حکومتی

این کشورها به وجود می آوردند. و از این طریق آن ها را از جنبه سیاسی و روانی تحت انقیا

خود درمی آوردند. در این باره نوشته اند:

در چشم شاه، اسرائیل حتی می توانست چیز فوق العاده ارزشمندتری به دوستان خود بدهد: نفوذ جاری یهودیان در ایالات متحده و در واقع سراسر جهان.(۲)

دیوید کیمچی (کیمخی)(۳) [از مقامات بلندپایه سرویس اطلاعاتی اسرائیل]به یاد می آورد که چگونه اگر مقاله ضدایرانی در یک روزنامه ایالات متحده و یا حتی اروپا چاپ می شد، شاه ما را فرا می خواند و می گفت، چطور می گذارید یک چنین کارهایی انجام دهند. ما بیهوده تلاش

می کردیم، ثابت کنیم بی گناهیم و اظهار می کردیم که همه مطبوعات جهان زیر کنترل ما نیست و آن طور که مردم فکر می کنند، اختیار بانک های دنیا را در دست نداریم.

حییم هرتزوگ که اینک [۱۹۹۱م/۱۳۸۰ش] رئیس جمهور اسرائیل است و قبلاً ـ به عنوان رئیس اطلاعات نظامی [اسرائیل] با شاه سابق ایران برخوردهای زیادی داشته است، ادعا می کند که

۱- . علی اکبر ولایتی، ص ۱۰۲؛ به نقل از: روزنامه اومر، مورخ ۸/۱۰/۲۵۳۶[۱۳۵۶]، بایگانی وزارت امور خارجه، نمایندگی ایران در تل آویو، سال ۱۳۵۶-۱۳۵۷.

۲- . کاکبورن.

۳- . دیوید کیمچی یا کیمخی را یکی از ترس آورترین مأموران اطلاعاتی پرورش یافته در موساد به شمار آورده اند. او در دهه ۱۹۵۰ به موساد پیوست و در بخش آفریقایی این سازمان سرپرستی عملیات نفوذ به درون دولت های تازه استقلال یافته آفریقایی را به عهده داشت. از دیگر فعالیت های او تحریک کُردها برای قیام علیه دولت مرکزی عراق در دهه ۱۹۶۰ بود. او در آخرین دوران فعالیت خود در موساد، معاون این سازمان بود؛ اما به دلیل ناراحتی ناشی از عدم انتصابش به سمت ریاست سرویس اطلاعاتی مزبور، آن سازمان را ترک و به پست مدیرکلی در وزارت امور خارجه رضایت داد. کیمچی در سال ۱۹۸۵ فعالیت های دولتی را کنار گذاشت؛ لیکن در سال ۱۹۸۸، طی دو دوره ریاست جمهوری رونالد ریگان در آمریکا، نماینده اسرائیل در امور آمریکای مرکزی بود. گفته می شود نامبرده در سال های اخیر نمایندگی شائول نهمیا آیزنبرگ یکی از

سرمایه داران مشهور اسرائیلی را به عهده داشته و به علاوه هنوز هم پست سفیر عمومی اسرائیل را یدک می کشد.

وی [شاه ایران]، هر فرد اسرائیلی را به مثابه رابطی با واشنگتن می پنداشت.(1)

این رعب و شرایط روانی حاکم بر شخص محمدرضاشاه یا رؤسای ساواک و حتی

دولتمداران و رؤسای مورد نظر در کشور ترکیه، روند امور را به نفع صهیونیست ها تغییر

می داد. زیرا این قبیل حکام و مقامات، در قبال خیانت ها و جنایت های اسرائیل و جاسوسان و مأموران صهیونیست در کشور و خانه خودشان، به طمع دستیابی به یک سری خواست های شخصی، سکوت پیشه می کردند و این خود چراغ سبزی بود که اسرائیلی ها را وادار می کرد تا

با گستاخی هرچه بیشتر مقامات، نهادها، وزارت خانه ها و سازمان زیرمجموعه آن ها را آن گونه که منافع صهیونیست ها اقتضا می کرد بدوشند.

۱- . همان منبع، ص ۱۶۴.

کمیته ها، شوراها و سمینارهای اطلاعاتی سه جانبه

پیمان سه جانبه سرویس های اطلاعاتی اسرائیل، ترکیه و ایران شاهنشاهی، از ساختار تشکیلاتی، شرح وظایف و برنامه هایی برخوردار بود که از پیش، طی نشست ها و توافق های

کارشناسی مقامات و مسؤولان سه سرویس مزبور طراحی و تدوین و تصویب شده بود.

بر این اساس، سرویس های سه گانه مورد اشاره دارای یک کمیته مخصوص متشکل از نمایندگان سه طرف بودند که نشست های آن، طبق جدول زمانی و برنامه خاص دنبال می شد. در کنار آن، شورا یا کنفرانس سه جانبه قرار داشت که آن هم بر اساس یک برنامه و بعضا به صورت فوق العاده برگزار و دستور کار و گزارش خود را به سران سه سرویس اعلام می کرد.

بالاترین مرحله این نشست ها، سمینار سه جانبه بود که از سوی نمایندگان ادارات رؤسای

سه سرویس و در رأس آن ها سران دستگاه اطلاعاتی اسرائیل، ترکیه و ایران شاهنشاهی قرار

داشتند. این سمینارها نیز طبق برنامه و زمان معین خود، بر اساس یک توافق قبلی هر شش ماه یک بار در نشست کمیته و یا شورای سه جانبه در کشور میزبان برگزار می شد. و طی آن رؤسای اصلی سرویس با ارائه نقطه نظرات یا گزارش ویژه سرویس دولت متبوع خود، به بررسی و بحث پیرامون دستور اصلی سمینار مبادرت می ورزیدند. هریک از این سمینارها، در نهایت گزارش دیگری که از سوی گروه سه جانبه که در واقع قطعنامه یا گزارش نهایی بود

ارایه می کرد.

اشاره به این نکات ضروری است که سرویس های سه گانه مورد اشاره، صندوق سپرده ای برای تسریع در روند مالی همکاری ها، برگزاری شوراها یا کنفرانس ها و برپایی کمیته ها و سمینارها و نیز انجام عملیات های جاسوسی و اطلاعاتی ویژه تدارک دیده بودند که هرکدام

ص: ۹۹

از اعضا، مبالغی سپرده در آن واریز می کردند. میزان سپرده گذاری در این صندوق و هزینه و

بودجه این همکاری سه جانبه، سالانه مورد حسابرسی قرار می گرفت و سهم هریک مشخص می شد. موضوع دیگر اینکه، سرویس های سه گانه مزبور، دارای اسم رمز مشخص درون تشکیلاتی بودند. اسم رمز سرویس اسرائیل در این پیمان سه جانبه اطلاعاتی، «زیتون»، سرویس ترکیه «انجیر» و ساواک «جویز» بود. گفتنی است، سه سرویس، نام رمز عملیاتی را در دهمین کمیته هماهنگی، که یک روز قبل از برپایی شانزدهمین اجلاس شورای سه جانبه، در تاریخ ۲۵ آبان ۱۳۴۵ در ترکیه تشکیل شده بود، تغییر دادند. در تغییرات

جدید،(۱) نام رمز اسرائیلی ها پولاد یا فولاد، ایرانی ها پرچم و ترک ها طوفان بود. در اسناد و گزارش مربوط به روابط و همکاری های سه جانبه مزبور، به طور فراوان به این اسامی رمز

اشاره شده است.

جا دارد که خواننده، با به خاطر سپردن این اسامی در ذهن، در خلال مطالعات خود، در تشخیص نام دولت یا سرویس اطلاعاتی مورد نظر دچار خطا نشود. در تمامی این اسناد و گزارش ها، در هر کجا که به شهر زیتون یا سرویس زیتون اشاره شده، منظور اسرائیل و هر

کجا از سرویس یا شهر یا کشور انجیر یاد شده مقصود کشور ترکیه و نام رمز «جویز» نیز به

ساواک و ایران پهلوی اختصاص دارد.

اجلاس کمیته امنیت سه جانبه، به طور معمول قبل از برگزاری شورای سه جانبه برگزار می شد. بر این اساس کمیته مزبور که در ۱۵ نوامبر ۱۹۶۶ برپا شد، مقدمه ای برای اجلاس

شورای سه جانبه بود که در روزهای آتی قرار بود در کشور ترکیه برگزار شود. گزارش صورت جلسه و مصوبات پیشنهادی کمیته مزبور برای ارایه شورا، خواندنی است:

شانزدهمین جلسه کمیته امنیت

گزارش و صورت جلسه پیشنهادی که توسط کمیته امنیت تسلیم شورا گردیده است.

اقدامات

۱- کمیته پس از مطالعه گزارشات سه نمایندگی و بحث پیرامون موضوعات مختلف امنیتی نکات جالب توجه آنرا مورد مقایسه قرار داد.

۱- . در فصـل گزارش هـا و قطعنـامه هـا، در گزارش دهمین جلسه کمیته همـاهنگی سه جـانبه، در این باره آمـده است: کمیته هماهنگی موافقت نمود که اسامی پوشـش سه سرویس به شرح زیر تغییر یابد: ۱- اسرائیل STEEL [فولاد]؛ ۲- ایران FLAG [پرچم]؛ ۳- ترکیه STORM [طوفان].

۲- کمیته تشخیص داد که نکات مختلف گزارشات ارائه شده وجوه مشترک قابل ملاحظه داشته و این امر نشانه آنستکه هر سه سرویس روی هدف واحد و مشترک کار می کنند و به همین دلیل

کار کمیته بسهولت به پایان رسید.

صورت جلسه پیشنهادی

۳- موضوعات زیر برای جلسه آینده کمیته امنیت تعیین می گردد.

موضوعات ثابت:

الف – پیشرفتهای جاری فعالیتهای کمونیستی در کشورهای سه گانه.

ب – پیشرفتهای جاری در تکنیک های جاسوسی و جمع آوری اطلاعات عملیاتی در کشورهای هدف وسیله سرویسهای دشمن و اقدامات علیه آنها.

پ – تجدید نظر و مطالعه مجدد درباره سازمان و فعالیت سرویسهای اطلاعاتی عرب که دشمن کشورهای عضو می باشند.

نکاتی که باید مورد توجه قرار گیرد:

ت – هماهنگی فعالیتهای کمونیستهای کشورهای خاورمیانه و اثرات آن در کشورهای سه گانه با توجه به محل این فعالیتها و نحوه اقدام.

ث – روشهای استخدام مأمور بوسیله سرویسهای بلوک شرق در کشورهای سه گانه.

ج – مأمورین اعمال نفوذ.

چ – یکنواخت بودن تکنیک های جاسوسی سرویسهای دشمن.(۱)

شانزدهمین اجلاس شورای سه جانبه، یعنی سرویس های اطلاعاتی ایران (پرچم)، ترکیه (طوفان) و اسرائیل (پولاد)، در کشور ترکیه (انجیر) در تاریخ ۱۷ و ۱۸ نوامبر ۱۹۶۶م/آبان ۱۳۴۵ش، برگزار شد. دستور جلسه، گزارش گردش کار، حوزه فعالیت هر کدام از سرویس های یاد شده، و تحلیل ها و پیش بینی های سیاسی و نیز بعضی اهداف و برنامه های

شورای سه جانبه در این گزارش قابل توجه است؛ به خصوص اینکه، در گزارش یاد شده حوزه استحفاظی تکاپوی جاسوسی و اطلاعاتی هریک از سرویس های جاسوسی سه گانه مشخص و تشریح شده است:

شانزدهمین اجلاسیه شورای سه جانبه

۱- . گزارش ساواک، طبقه بندی به کلی سری، درباره شانزدهمین جلسه کمیته امنیت، ۱۵ نوامبر ۱۹۶۶م/آبان ۱۳۴۵ش.

(آنکارا ۱۷–۱۸ نوامبر ۶۶)

۱- نطق افتتاحیه توسط رؤسای سه سرویس

۲- تصویب دستور جلسه

۳- تعیین و انتخاب راپورتور

۴- بررسی اوضاع منطقه و تبادل نظر درباره اوضاع بین المللی

۵- گزارش گردش کار توسط دبیرکل سه جانبه

۶- گزارش کمیته هماهنگ کننده توسط رئیس کمیته

۷- بررسی اقداماتی که درباره تصمیمات پانزدهمین شورای سه جانبه و عناصر اصلی خبر صورت گرفته و تصمیماتی که بر اساس توصیه ها و عناصر اصلی خبر مزبور اتخاذ گردیده است.

۸- مطالعه پیشنهادات واصله از کمیته های اطلاعات و امنیت

۹- هرگونه پیشنهاد دیگر

۱۰- تاریخ و محل انعقاد کنفرانس سه جانبه آینده

۱۱- تصویب پیش نویس قطعنامه شورا

۱۲- نطق اختتامیه

گزارش گردش کار وسیله دبیرکل کنفرانس سه جانبه [۱۶ نوامبر ۱۹۶۶]

الف – مقدمه

خلاصه فعالیت هایی که از پانزدهمین جلسه شورای سه جانبه (از ۱۰ ژوئن تا ۱۵ نوامبر ۱۹۶۶) تا کنون توسط سه سرویس و دبیرخانه انجام شده بصورت گزارش گردش کار ذیلاً بعرض می رسد.

ب – فعالیت ها

۱- جلسات سه ماهه کمیته هماهنگ کننده سه جانبه

۱- نهمین جلسه

نهمین جلسه کمیته هماهنگ کننده سه جانبه در تاریخ ۷ سپتامبر ۱۹۶۶ در شهر زیتون تشکیل شد.

در این جلسه مطالب ذیل مورد بحث و موافقت قرار گرفت:

الف – رئیس جلسه اظهار داشت که متأسفانه اعضای سه سرویس طبقه برنامه ای که قبلاً بتوافق

رسیده بود گزارش گردش کار و سایر گزارش های نوبه ای خود را بموقع تسلیم دبیرخانه ننموده اند. ایشان عقیده داشتند که باید از این ببعد ترتیبی اتخاذ گردد تا گزارشات لازم و مدارک بموقع داده شود.

ب – طبق تصمیم پانزدهمین شورای سه جانبه کمیته هماهنگ کننده روشی را که جهت بررسی در مورد تصمیمات شورا باید دنبال شود مورد بحث قرار داد.

کمیته پیشنهاد کرد از نظر رعایت اصول حفاظتی و سایر ملاحظات در آینده توصیه های شورا و عناصر اصلی خبر بطور شفاهی بوسیله روسای سه سرویس در جلسات سری کنفرانس های سه جانبه مورد بحث قرار گیرد.

ج – با مطالعه سیاست های کشورهای هدف کمیته نکات مهم اوضاع منطقه را مورد بررسی قرار داد: کمیته تصمیم گرفت تا در جلساتی که بین کنفرانس ها تشکیل می شود فقط مطالب اساسی

و مهمی را که مربوط به اوضاع داخلی و خارجی کشورهای هدف می باشد بطریق ذیل توسط سه سرویس عرضه گردد.

سرویس جویز عراق – اردن و خلیج فارس

سرویس انجیر سوریه و لبنان

سرویس زیتون مصر– یمن و عربستان جنوبی

د– کمیته گزارش دبیرکل را در مورد تبادل اطلاعات مورد مطالعه قرار داد و پیشرفت های حاصله

در این مورد را یادآور شد.

ه– با ملاحظه گزارشات اطلاعاتی مورد تبادل کمیته تصمیم گرفت از سه سرویس عضو تقاضا نماید که از این تاریخ ببعد گزارشات اطلاعاتی خود را بنحوی شماره گزاری نمایند که بتوانند

آنرا بیکی از مواد مخصوص عناصر اصلی خبر که مورد توجه سه سرویس است عطف نمایند.

و– در ضمن کمیته عناصر اصلی خبر را نیز مورد بررسی قرار داده و سه موضوع پیشنهاد شده از

طرف سرویس جویز را به آن افزود.

۲– دهمین جلسه

دهمین جلسه کمیته هماهنگ کننده سه جانبه در ۱۶ نوامبر ۱۹۶۶ در شهر انجیر منعقد خواهد

شد. جزئیات مربوط به دهمین جلسه کمیته هماهنگ کننده در این جلسه از طرف رئیس کمیته به

شورا تقدیم خواهد شد.

۲- گزارشات دوماهه مربوط به پیش بینی حوادثی که در آینده در دنیای عرب روی خواهد داد

۱- طبق دستور شورا در پانزدهمین جلسه منعقده دو گزارش دو ماهه از طرف دبیرخانه و بشرح ذیل در مورد پیش بینی حوادث دنیای عرب صادر شد:

الف - گزارش اول مورخ ۲۸ اوت ۱۹۶۶ (شماره سند SG/۸۰)

ب - گزارش دوم مورخ ۶ نوامبر ۱۹۶۶ (شماره سند SG/۹۰)

۲- گرچه شورا تصمیم گرفته بود که گزارشات دو ماهه باید مشتمل بر خلاصه ای از حوادث دو ماه قبل نیز باشد معذلک هیچگونه خبری تا کنون در این مورد به دبیرخانه واصل نشده است.

در یکی از جلسات دبیرخانه که چندی پیش در تهران تشکیل شد این موضوع بین نمایندگان سه سرویس مطرح و چنین نتیجه گرفته شد که هدف اصلی از ارائه گزارش های دو ماهه در مورد حوادث آینده دنیای عرب آگاه ساختن سرویس های عضو و بهره برداری آنان از این وقایع تا

حدود امکان می باشد.

۳- گزارشات سه ماهه مربوط به تبادل اطلاعات

۱- به منظور آگاه ساختن کمیته هماهنگ کننده از اطلاعات مبادله شده و برای فراهم ساختن زمینه ای جهت انجام مذاکرات در جلسه کمیته اطلاعات دو گزارش سه ماهه ذیل در مورد تبادل اطلاعات ارائه شده:

الف - گزارش اول مورخ ۵ سپتامبر ۱۹۶۶ (SG/۸۲)

ب - گزارش دوم مورخ ۷ نوامبر ۱۹۶۶ (SG/۹۱)

۲- گزارشات مذکور در فوق مربوط به اطلاعاتی می باشد که در فاصله اول مه ۱۹۶۶ تا ۱۳۱اکتبر

۱۹۶۶ مبادله گردیده اند.

۴- سمینار سه جانبه

۱- طبق دستور پانزدهمین جلسه شورا دبیرخانه برگزاری سمینار سه جانبه را از طریق سرویس انجیر ترتیب داد.

سمینار مزبور که درباره فعالیت های اخلالگرانه میان دانشجویان و کارگران خارج از کشور و

ص:۱۰۴

اقدامات ضداخلالگرانه بود از تاریخ ۵-۷ سپتامبر ۱۹۶۶ در آنکارا منعقد گردید

۲- پنج کارشناس به ترتیب از سرویس های جویز و انجیر و چهار کارشناس از سرویس زیتون در این سمینار شرکت داشتند.

۳- همانطور که در گزارش سمینار قید گردید تبادل نظرهایی که بین کارشناسان سه سرویس صورت گرفت از هر نظر مفید و سودمند بود زیرا تصویر روشنی را از چگونگی و شدت فعالیت های جاسوسی و اخلالگرانه که توسط دانشجویان و کارگران در خارج از کشور اجرا می گردید و یا اینکه خود آنها هدف اینگونه فعالیتها قرار می گیرند مجسم می ساخت.

۴- در روز آخر سمینار که رویهمرفته سه روز بطول انجامید کارشناسان پیشنهادات ذیل را به

سرویس های عضو ارائه دادند-

الف - سه سرویس باید توجه خاص بفعالیت های اخلالگرانه و جاسوسی که توسط دانشجویان و یا کارگران سه کشور اجرا می گردد و یا علیه خود آنها صورت می گیرد مبذول دارند.

ب - سه سرویس باید کوشش های لازم را بمنظور جمع آوری و تبادل اطلاعات در مورد دانشجویان و کارگران سه کشور مقیم در کشورهای خارجی معمول دارند

ج - با استفاده از چهارچوب قوانین و مقررات موجود لازم می باشد سه سرویس از کلیه اقدامات

فوری و ضروری جهت جلوگیری از هرگونه کمک عوامل محلی به دانشجویان و کارگران سه کشور که اکنون سرگرم فعالیت های جاسوسی و اخلالگرانه می باشند معمول دارند.

د- در چهارچوب قوانین و مقررات موجود سه سرویس عضو باید از انتشار و توزیع هرگونه نشریات تبلیغاتی که مخالف و مغایر منافع - مصالح و حیثیت سه کشور باشد جلوگیری بعمل

آورند.

ه- سه سرویس باید توجه مخصوصی به اعمال نفوذ و تحریکات دشمنان خارجی (از قبیل کشورهای کمونیستی - سازمان های جبهه ای - کشورها و سازمان های عربی و سایر سرویس های مخالف) مبذول دارند.

و- سه سرویس باید مقامات دولتی خود را از خطرات احتمالی جاسوسی و فعالیت های اخلالگرانه موجود بین دانشجویان و کارگران مقیم خارج کشور آگاه ساخته و آنان را قانع

سازند تا کلیه اقدامات لازم جهت مبارزه با اینگونه فعالیت ها را طرح ریزی و بمرحله اجرا

درآورند.

۵- سخنرانی های سه جانبه

۱- طبق دستور پانزدهمین شورای سه جانبه دبیرخانه جزئیات دو سخنرانی را که قرار بود اوایل

نوامبر ۶۶ توسط یک سخنران از سرویس جویز درباره اهمیت بررسی عملیاتی از نقطه نظر استخدام مأمور در کشورهای هدف در کشورهای انجیر و زیتون ایراد کرد مورد بررسی قرار داد.

۲- بعلل پیش بینی نشده ای سرویس جویز تقاضا نمود که سخنرانی مزبور بتعویق افتد و از پس

مشورت با سرویس های عضو دبیرخانه تصمیم گرفت پس از خاتمه جلسات کنفرانس سه جانبه تاریخ سخنرانی تعیین گردد.

۶- اوضاع مالی

۱- پس از خاتمه پانزدهمین شورای سه جانبه هریک از سه سرویس ۹۳ دلار به دبیرکل پرداخت نمودند و بدین ترتیب بودجه دبیرخانه مجددا به حدنصاب خود یعنی ۹۰۰ دلار رسید.

۲- پس از خاتمه شورای سه جانبه دبیرکل دو بار به ترتیب به شهر زیتون (سپتامبر ۶۶) جهت شرکت در نهمین جلسه کمیته هماهنگ کننده و به انجیر برای شرکت در جلسات سه جانبه مسافرت نمود.

۳- بعلت تعویض دفتر کار دبیرکل در سفارتخانه تعمیراتی صورت گرفت. ضمنا دفتر جدید احتیاج به قفل رمز- لامپ فلورسنت و کرکره داشته و هزینه خرید آن از بودجه دبیرخانه کسر

گردیده است.

۴- کلیه مخارج مسافرت ها و سایر هزینه ها با ذکر جزئیات در لیست پیوست الف قید گردیده است و اوضاع مالی را تا تاریخ ۱۵ نوامبر/ ۶۶ مشخص نموده است.

۵- با ملاحظه لیست پیوست (الف) لازم است هریک از سه سرویس عضو مبلغ ۲۴۳ دلار پرداخت نمایند تا بودجه بحد نصاب همیشگی خود یعنی ۹۰۰ دلار برسد.

۶- حقوق دربان دبیرکل که سرویس جویز از تاریخ اول ژانویه ۱۹۶۵ تا ۳۱ در دسامبر ۱۹۶۵ هزینه پرداخت آنرا تقبل نموده بود بنا به پیشنهاد دبیرکل از ۳۰۰۰ ریال به ۳۵۰۰ ریال در سال ۱۹۶۶ افزایش یافت که از طرف سرویس جویز پرداخت می گردد. طبق روش موجود حقوق دربان در سفارت ها در هر سال بمیزان ۵۰۰ ریال در ماه اضافه می گردد (مشروط بر اینکه حداکثر

حقوق بیش از ۵۰۰۰ ریال در ماه نگردد).

۷- با توجه به این روش درخواست می شود که حقوق دربان از آغاز سال ۱۹۶۷ از ۳۵۰۰ ریال به

۴۰۰۰ ریال افزایش یابد.(۱)

یادآوری این موضوع خالی از فایده نیست که سمینارهای سه جانبه، به عنوان بالاترین مرحله نشست سران سرویس های اطلاعاتی ایران، اسرائیل و ترکیه محسوب و معمولاً هر شش ماه یک بار، به میزبانی یکی از دولت های مزبور برگزار می شد. مرحله قبل از آن، اجلاس شورای سه جانبه و کمیته سه جانبه بود که به طور معمول دو بار در سال برگزار می شدند. ساواک نیز برای تسهیل و تسریع فعالیت ها و وظایف خود در این پیمان سه جانبه،

با تشکیل کمیته های ویژه داخلی، سعی در ایفای مسؤولیت و نقش خویش می نمود. ریاست این کمیته های داخلی، بر اساس شرح وظایف ادارات کل ساواک به عهده مدیر کل مربوطه بود. هر کدام از این کمیته ها مأموریت اطلاعات مشخصی در داخل و خارج کشور به عهده داشتند. در یکی از گزارش های ساواک در این باره چنین می خوانیم:

منظور:

استحضار تیمسار ریاست ساواک و صدور اوامر.

با توجه به مصوبات قبلی در چهارچوب همکاریهای سه جانبه (ایران - ترکیه - اسرائیل) و سه گانه (ایران - اسرائیل - اتیوپی) کمیته های مشروحه زیر تحت نظر شورای سران سه سرویس

فعالیت می کنند.

۱- سه جانبه (ایران - ترکیه - اسرائیل)

الف - کمیته امنیت:

هر ششماه یکبار همزمان با شورا تشکیل جلسه می دهد و وظیفه آن بررسی جنبشهای کمونیستی و براندازی در کشور عضو و تنظیم پیشنهاداتی بمنظور مقابله با این قبیل فعالیت ها

می باشد. ریاست هیئت نمایندگی ساواک در این کمیته با توجه به جنبه های امنیت داخلی آن

بعهده مدیرکل اداره هشتم بوده و هیئت نمایندگی مربوطه از ادارات کل سوم و هشتم انتخاب

می شده است.

ب - کمیته اطلاعات:

هر ششماه یکبار همزمان با شورا تشکیل جلسه می دهد و وظیفه آن بررسی اوضاع داخلی -

۱- . گزارش ساواک، درباره شانزدهمین اجلاسیه شورای سه جانبه، آبان ۱۳۴۵/نوامبر ۱۹۶۶.

سیاست خارجی – موقع نظامی و اقتصادی کشورهای عرب خاورمیانه بانضمام فعالیت های کمونیستی در این کشورها می باشد.

این کمیته نیز مانند کمیته امنیت گزارش خود را که مشتمل بر بررسی اوضاع بین المللی و منطقه ای و توصیه های مربوط به آن می باشد بعد از تصویب تقدیم شورای سران سه سرویس می نماید. با توجه به اینکه وظیفه کمیته اطلاعات منحصرا بررسی اوضاع منطقه می باشد از

این رو ریاست هیئت نمایندگی ساواک در اجلاسیه های آن بعهده مدیر کل اداره هفتم بوده

است.

پ – کمیته هم آهنگ کننده:

در سال چهار بار– دو بار همزمان با شورا و دوبار بطور انفرادی تشکیل جلسه می دهد و وظائف

آن عبارتست از:

– تهیه و تنظیم طرح های عملیات مشترک در کشورهای هدف بر مبنای پیشنهادات هریک از سه سرویس و تقدیم این طرح ها به شورای سران سه سرویس.

– اتخاذ تصمیم پیرامون تاریخ و موضوع سمینارهای سه جانبه که منحصرا جنبه آموزشی دارد و

هر ششماه یکبار با شرکت کارشناسان سه سرویس تشکیل جلسه می دهد.

– تصویب فهرست عناصر اصلی خبر جهت تقدیم به شورای سران سه سرویس.

– تصویب گزارشات دو کمیته امنیت و اطلاعات و تقدیم آن به شورای سران سه سرویس.(۱)

رؤسای کمیته های سه گانه داخلی، برای تأمین نیازهای تشکیلاتی و اطلاعاتی خود، بخش هایی از امور را که جمع آوری اخبار اطلاعات پایه و موضوع بندی آن ها بود به ادارات

زیرمجموعه خود محول و واگذار می کردند. در یکی از دستورالعمل های اداره کل هفتم، خطاب به رؤسای ادارات ۱ و ۲ چنین آمده است:

یک نسخه در ۴ برگ توصیه های کنفرانس سه جانبه اخیر به پیوست ارسال و بطوریکه حضورا بررسی و تذکر داده شد چون کنفرانس سه جانبه آینده که در اواسط اردیبهشت ماه ۴۶ تشکیل

خواهد شد بایستی نتیجه اقدامات هر سرویس درباره این توصیه ها معلوم و توضیح داده شود

لذا شایسته است از هم اکنون اقدامات زیر در داخل آن اداره بعمل آید:

۱- عین این سند که بکلی سری است نزد شخص شما نگاهداری و از انتشار آن به رده های پایین تر

۱- . گزارش ساواک؛ با طبقه بندی سری؛ بدون شماره و تاریخ.

خودداری شود.

۲- مندرجات آن برحسب وظائف و مسئولیت بخشهای مربوطه بشکل چند گروه پرسش و یا دستورالعمل جدا شده به بخش های مربوطه ابلاغ شود.

۳- هر بخش برای آن سری سئوالات و یا دستورالعمل ها فیش یا فیشهای مخصوص تهیه نماید و آن

سئوالات را در فیش وارد نماید.

۴- مسئولین بررسی و روساء بخشها با توجه به کلیه اقداماتی که در زمینه این سئوالات و دستورالعملها (توصیه ها) بعمل می آید مانند:

- تصمیمات شاهنشاه آریامهر و فرمایشات و اوامر معظم له

- اقدامات دولت شاهنشاهی - دستگاههای تبلیغاتی (اعم از تبلیغات بر له کشورها و پایتختها و یا علیه آنان)

- مسافرتهای شخصیتهای خارجی به ایران و بالعکس

- عزیمت هیئتهای اقتصادی و فرهنگی و غیره به کشورهای خارج و بالعکس و هرگونه اقدامات دیگری که بطور مستقیم یا غیرمستقیم در اجرای توصیه های مندرجه در برگهای پیوست بعمل

می آید.

بتدریج فیشهای مربوطه را تکمیل نمایند تا هر موقع لازم شد بتوان از آنها استفاده و بهره برداری

نمود.

۵- برای اطمینان از اجرای تدریجی دستور بالا و تطبیق یادداشتها با اطلاعات روز بازرسیهای

منظمی از کار مسئولین مربوطه بعمل آورده و آماده باشید که لااقل یک ماه قبل از تشکیل

کنفرانس بتوانید گزارش خواسته شده را تهیه نمائید.

مدیر کل اداره هفتم - سرتیپ کاوه(۱)

سرویس های سه گانه نیز برای انجام مأموریت های محوله، وظایف مشخص در حوزه های استحفاظی از پیش تعیین شده به عهده داشتند. این سرویس ها حاصل فعالیت ها و

عملکردهای خود را نه فقط در سمینارها، شوراها و کمیته های سه جانبه ارایه، بلکه برای هر سرویس به طور جداگانه ارسال می کردند. اطلاعات مندرج در یکی از گزارش های ساواک

در این خصوص قابل توجه می نماید:

ص:۱۰۹

۱- . گزارش ساواک، با طبقه بندی به کلی سرّی، مورخ ۲۴/۹/[۴۵]، بدون شماره.

گزارش میزان پوشانیدن فهرست نیازمندیهای اطلاعاتی توسط

سرویسهای سه جانبه

ارتباط به فهرست سرویس موضوع - کشور و منطقهارزیابیملاحظات

نیازمندیها اسرائیل -- اوضاع داخلی کشورهای عربی بویژهدارد مفید ۱- گزارشهای هفتگی که توسط

مصر و سوریه. این سرویس ارسال می گردد

-- روابط نظامی - سیاسی و اقتصادی مفید برای سرویس ایران مفید بوده

شوروی با کشورهای عربی بویژه مصر- و همکاری موجب امتنان است

سوریه - عراق - جمهوری دمکراتیک مفید برای

خلق یمن - سومالی و لیبی. سابقه

-- روابط بین الاعراب مفید ۲- ارسال اطلاعات بیشتری

-- فعالیت سازمانهای فلسطینی - روابط درباره اوضاع داخلی لیبی

آنها با یکدیگر و با شوروی مفید برای

موجب تشکر خواهد شد

-- فعالیتهای تروریستی و خرابکاری سابقه

فلسطینیها مفید ۱- گزارشهای مربوط به اوضاع

-- اوضاع داخلی اتیوپی کلی خاورمیانه و روابط

ترکیه -- روابط کشورهای عربی با یکدیگردارد مفید برای بین الاعراب مفید برای سابقه

-- اوضاع داخلی کشورهای عربی بویژه سابقه

بوده و موجب امتنان است.

مصر- لیبی - سوریه و عراق. مفید برای ۲- اگر ترتیباتی داده شود که

-- قبرس سابقه گزارش مبادلاتی این سرویس

-- سازمانهای فلسطینی و فعالیتهای مفید زودتر به ساواک برسد تا بشود

آنها. مفید برای بموقع از آنها بهره برداری نمود

سابقه موجب امتنان خواهد بود.(۱)

ص: ۱۱۰

۱- . گزارش ساواک، بدون شماره و تاریخ.

مباحث، دستور کار و شرکت کنندگان در اجلاس های سه جانبه

از نکات بسیار قابل توجه اسناد به جا مانده از ساواک، اشاره به مباحث، و موضوعاتی است که در نشست های سه جانبه اطلاعاتی ایران، ترکیه و اسرائیل در دستور کار و فعالیت

شرکت کنندگان در سمینار، کمیته یا شورا قرار می گرفت. بخش قابل ملاحظه و جذاب دیگر اسناد طبقه بندی شده، اشاره به اسامی نمایندگان سه جانبه، در نشست های یاد شده در ادوار

مختلف است که در هیچ یک از منابع مطالعاتی و پژوهشی تاکنون به آن اشاره نشده است. علاوه بر این، در لابلای این اسناد موارد بسیار اساسی و حائز اهمیت در حوزه فعالیت های

اطلاعاتی سرویس های سه گانه به چشم می خورد که برای خوانندگان شگفتی ساز و بلکه حیرت آور می نماید. افشای اسرار گوناگون مربوط به همکاری سرویس های سه جانبه، از موارد برجسته ای است که به طور فراوان در اسناد ساواک خودنمایی می کند. بنابراین، می توان نتیجه گرفت که انتشار این اسناد، به معنای افشای توطئه های اطلاعاتی سرویس های

جاسوسی و امنیتی سه جانبه، علیه مسلمانان و کشورهای اسلامی، با هدف آشناسازی، پژوهشگران، تحلیل گران سیاسی، مورخان، به ویژه نسل جوان جامعه است. این افشاگری ها نه تنها عملکرد، ماهیت و اهداف سرویس های اطلاعاتی مورد نظر را به نسل حاضر و نسل های آینده نشان می دهد، بلکه پرده از اسراری برمی دارد که سرویس اطلاعاتی صهیونیستی آن را کاملاً مغایر مصالح و منافع خود در جهان معاصر می داند. زیرا صهیونیست ها و سرویس اطلاعاتی اسرائیل، شاید هیچ گاه به این موضوع، آن گونه که باید،

دقت و پیش بینی نکرده بودند که روزی این اسناد، از نهانخانه اسرار ساواک و از حوزه قدرت

و کنترل دولت شاهنشاهی، خارج و به دست کسانی خواهد افتاد که سال ها اسیر دسیسه و

توطئه آن ها قرار داشتند. اشاره به بخشی از این اسناد، صرفا به معنی آشنایی و آشناسازی با

تعدادی اسم و یا گردش کار و فعالیت سرویس های سه گانه ایران، اسرائیل و ترکیه نیست.

بلکه، بعضی فرازهای حساس لابلای این اسناد، پرده از عمق توطئه های خطرناکی برمی دارد که به جرأت می توان ادعا کرد که برای همیشه در هیچ یک از منابع منتشره از سوی دولت هایی

چون اسرائیل و ترکیه و یا توسط نویسندگان و مورخان آن ها، تدوین، تنظیم و عرضه نخواهد شد. گزارش به کلی سرّی اداره کل هفتم ساواک درباره اسامی هیأت نمایندگی ترکیه،

اسرائیل و ایران جهت شرکت در سمینار سه جانبه مهر ماه ۱۳۴۴ش/اکتبر ۱۹۶۵م، که در تهران برگزار شد بسیار خواندنی است. به علاوه در این گزارش، به موضوع اصل اجلاس، یعنی بررسی جنبه های حفاظتی عملیات جاسوسی از سوی سرویس های اطلاعاتی سه گانه یاد شده در جهان اسلام و در میان ملت های مسلمان اشاره شده که در جای خود تکان دهنده

است:

بازگشت بنامه شماره ۳۸۶۰۳/۳۰۱ مورخ ۶/۸/۴۴

به پیوست یک نسخه از ترجمه مذاکرات مورد عطف (در چهار صفحه) جهت استفاده آن اداره کل ایفاد می گردد.

مدیر کل اداره هفتم. سرتیپ کاوه(۱)

دومین سمینار سه جانبه پیرامون جنبه های حفاظتی عملیات جاسوسی در ۲۰ و ۲۱ اکتبر ۱۹۶۵ در تهران تشکیل گردید. شرکت کنندگان عبارت بودند:

هیئت نمایندگی ترکیه:

سرهنگ ه- بوگاتو

آقای ا- موتلور

آقای ف - ایلکی

آقای ن - ارال

هیئت نمایندگی اسرائیل:

آقای یو- یاگیل

آقای ا– ران

۱- . گزارش ساواک؛ مورخ ۱۷/۸/۴۴؛ شماره ۱۳۹۷/۷۴۵.

آقای ا- سیوان

آقای م - اورون

آقای م - پاز

آقای ا- الدار

هیئت نمایندگی ایران:

سرهنگ ع - شائق

سرهنگ ی - لیقوانی

آقای ه- شیخ الاسلامی

آقای ن - رزم آرا

آقای م - هدایتی

آقای ا- وحدانی

آقای ب - ثابتی

آقای ی - ضیاءابراهیمی

بواسطه اهمیت و دامنه وسیع عملیاتی که افسر مسئول انجام می دهد و همچنین نقش وی در عملیات برای رسیدن بهدف مورد نظر توصیه شد که یک واحد ویژه حفاظتی تشکیل گردد.

هیئتهای نمایندگی با بررسی پرونده های سمینار گذشته تصمیماتی را که در آن زمان اتخاذ شده و بقرار زیر است تائید می نمایند:

با در نظر گرفتن اهمیت حفاظت عملیاتی و اینکه چگونه چنین واحدی باید کاملاً با نیازمندیهای هریک از کشورها مطابقت داشته باشد پیشنهاد می شود که چنین واحدی عملیات

زیر را انجام دهد:

الف - بررسی خبرهای جمع آوری شده پیرامون قدرت - نقاط ضعف و شگرد کار دشمن.

ب – در نظر گرفتن یک مشاور عملیاتی بمنظور دنبال کردن پیشرفت عملیات پایگاه و دادن نظریه

در تمام موارد مربوط به حفاظت عملیات بدرخواست افسر عملیاتی (باید توجه شود که کار این مشاور محدود بدادن نظریات است ولی برای افسر عملیاتی که مسئول مستقیم می باشد الزام آور نمی باشد).

۱) وظایف واحد حفاظت عملیاتی.

واحد حفاظت عملیاتی وظایف زیر را انجام خواهد داد:

الف – وظیفه بررسی:

عبارت است از مطالعه فعالیتهای ضداطلاعاتی دشمن شامل:

۱) هدایت فعالیت نمایندگیها در مورد جمع آوری اخبار درباره حریف

۲) استفاده از منابع آشکار

۳) توزیع گزارشهای بررسی و نتایجی که بخشهای مربوطه درباره عملیات گذشته و کارهای ضدجاسوسی دشمن بدست آورده اند.

ب – وظیفه مشاوره.

بدرخواست افسران عملیاتی (رهبران عملیات) یا دستور رئیس قسمت جمع آوری افسر حفاظتی در موارد زیر کمک می نماید:

۱) عملیاتی که در جریان است.

۲) عملیاتی که بتازگی طرح ریزی شده

۳) جلوگیری از انجام کارها بطور یکنواخت و مکرر شدن کارها

پ – برحسب دستور رئیس جمع آوری کمیته مشترکی شامل یک افسر ضدجاسوسی یک افسر عملیاتی یک بازجو و یک افسر حفاظتی تشکیل می شود تا در موارد زیر که مربوط به اطلاعات مثبت است رسیدگی نمایند.

۱) مأموران دوبل

۲) فراریها و معاودین

۳) افرادی که داوطلبانه اطلاعاتی در اختیار می گذارند یا جاسوسانی که بعلت ناراحتی روحی

اطلاعات خود را ارائه می دهند.

ت – وظیفه گسترش روح حفاظتی:

۲) روشها و وسائل.

الف – بوسیله همکاری دائمی بین: واحد حفاظتی – واحد ضدجاسوسی و واحد جمع آوری.

ب – مجهز نمودن واحد حفاظتی به آخرین اطلاعات روز درباره روش و وسائلی که وسـیله دستگاه ضد اطلاعاتی دشمن بکار می رود.

ت – نگهداری پرونده های مأموران بطرز مرتب بطوریکه آخرین اطلاعات در مورد وسائل فنی –

ص: ۱۱۴

روشهای عملیاتی – طرز آشنائی مأمور با افسران دستگاه و همچنین وسائل ارتباطی در آن منعکس باشد.

ث – بالا بردن اطلاعات حفاظتی کارمندان

۳) سازمان.

الف – افسران خوش سابقه ای که دارای تجربه عملیاتی باشند بعنوان عضو واحد حفاظت عملیاتی انتخاب می شوند.

ب – محل واحد حفاظت عملیاتی هر سرویس با توجه بسازمان سرویس مربوطه تعیین می گردد ولی بهتر است واحد حفاظت عملیاتی در قسمت اطلاعات مثبت منظور گردد.

سمینار پیشنهاد می کند که سرویس های سه گانه هرگونه اطلاعاتی که پیرامون شیوه کار دشمن بدست می آورند مبادله نمایند.

اشاره به شیوه ها و شگردهای مخصوص سرویس های اطلاعاتی یاد شده در انجام فعالیت های جاسوسی، عملیات های حفاظتی و ضدجاسوسی و چگونگی مبادله اطلاعات جمع آوری شده از سوی هر یک از سرویس ها به یکدیگر، از دیگر موارد خواندنی و حساس این سند است.

گزارش تکمیلی دیگر، نامه ها و اسناد اداره کل دوم ساواک درباره زمان، چگونگی ورود و اسامی هیأت های شرکت کننده در سمینار سه جانبه تهران در مهر سال ۱۳۴۴ است که مطالعه

آن ها خالی از فایده نیست:

مدیریت کل اداره یکم (تشریفات)

پیرو شماره ۴۶۷۶۷/۲۳۲-۱۴/۷/۴۴

تاریخ دقیق ورود هیئت اعزامی زیتون و تعداد آنها بشرح زیر اعلام گردیده است[.]هیئت مزبور در تاریخ ۱۹ اکتبر ۶۵ (۲۷/۷/۴۴) ساعت ۱۰:۲۱ وسیله هواپیمای ارفرانس پرواز ۱۸۸

بتهران وارد و در تاریخ ۲۵ اکتبر (۳/۸/۴۴) بکشور خود مراجعت می نمایند. ضمنا سه تن از

اعضاء سرویس دوستان باسامی زیر در سمینار شرکت خواهند نمود و احتمال دارد یکنفر دیگر

نیز بتعداد آنان اضافه شود:

۱) آقای سیوان

سمت

رئیس اداره عملیات حفاظتی

۲) آقای پاز

سمت

رئیس ضدجاسوسی

ص: ۱۱۵

۳) آقای الدار سمت

رئیس قسمت ضدجاسوسی

اسامی و سمت هیئت چهار نفری ترک نیز بشرح زیر می باشد:

۱) سرهنگ بوگاتور

سمت

رئیس اداره حفاظت عملیات

۲) آقای ارگون

سمت

کارمند قسمت ضدجاسوسی

۳) آقای ایلکاس

سمت

کارمند قسمت حفاظت عملیات

۴) آقای اورال

سمت

کارمند قسمت حفاظت عملیات

مراتب جهت اطلاع بآن اداره کل اعلام می گردد.

مدیرکل اداره دوم - شائق(۱)

بر اساس اسناد و مدارک موجود، ظاهرا اولین سمینار سه جانبه اطلاعاتی ایران، اسرائیل و ترکیه در اردیبهشت سال ۱۳۴۴ در کشور ترکیه برگزار شده بود. طبق مندرجات یکی از اسناد بکلی سری ساواک، موضوع این سمینار، حفاظت عملیات در سرویس های اطلاعات مثبت بود که از سوی ایران یک نفر و از سوی سرویس های اطلاعاتی ترکیه و اسرائیل به ترتیب ۷ و ۵ نفر به اسامی ذیل در آن شرکت داشتند:

تاریخ شروع سمینار: ۲۶ آوریل ۱۹۶۵

تاریخ خاتمه سمینار: ۲۸ آوریل ۱۹۶۵

موضوع سمینار: حفاظت عملیات در سرویسهای اطلاعات مثبت

نمایندگان شرکت کننده:

ایران – یکنفر– موسوی

اسرائیل – پنج نفر:

۱) آقای LEVEN [لِوِن] نماینده اسرائیل در سنتو(!)

۲) آقای ASHDUT [اشدوت]

۳) آقای KRON [کرون]

۴) آقای HERAN [هِران]

۵) آقای KAMUS [کاموز]

ترکیه – هفت نفر:

ص: ۱۱۶

۱- . گزارش ساواک: مورخ ۱۸/۷/۴۴: شماره ۴۶۷۸۳/۱۳۲.

۱) سرهنگ سلیم بیگ – اویاد. رئیس سرویس اطلاعات مثبت ترکیه و رئیس سمینار.

۲) آقای سومان

۳) آقای فای

۴) آقای آکانتا

۵) یکنفر سروان

۶) سه نفر شرکت کننده دیگر که کمتر در بحث شرکت داشتند.(۱)

گزارش دیگر ساواک درباره موضوع و قطعنامه سمینار مزبور است که به همراه آن، اداره کل دوم، نظریه پیشنهادی خود را درباره ایجاد هیأت تحقیق درباره شگرد و روش کار دشمن، ضرورت مبادله اطلاعاتی سه سرویس، لزوم برخورداری از تجربه و اطلاعات کافی از سوی مسؤولین حفاظت اطلاعات و نیز ضرورت تعیین فردی به عنوان مشاور حفاظت عملیات از سوی ادارات ذی ربط، به مقامات بالا، ارایه کرده است:

بعرض می رساند:

طبق گزارش نماینده ساواک موضوع سمینار آوریل ۶۵ منعقده در آنکارا (حفاظت عملیات جاسوسی) بوده است[.] در سمینار مزبور درباره چگونگی جلوگیری از افشاء عملیات جاسوسی و همچنین پیرامون خنثی نمودن عملیات ضدجاسوسی دشمن بحث گردیده و در قطعنامه پایان سمینار لزوم ایجاد یک واحد حفاظت عملیات جاسوسی که بتواند با رؤسای عملیات مشورت نماید پیشنهاد گردیده و مورد تصویب هیئتهای سه گانه قرار گرفته است.

در گزارش مزبور بطور وضوح روشن نگردیده که واحد حفاظت عملیات جاسوسی روی عملیات جاسوسی کشورهای بیگانه در داخل کشور عمل خواهد نمود و یا اینکه واحد مزبور مربوط به عملیات جاسوسی در کشورهای هدف نیز اقداماتی می نماید. با توجه باینکه نماینده

ترک مثالهائی از دستگیری جاسوسان ترک در سوریه را بمیان آورده تصور می رود این واحد در کلیه امور عملیاتی چه در داخل کشور و چه در خارج دخالت نموده و در مواقع مقتضی و لازم

توصیه هائی به آنان خواهد نمود. در قطعنامه اضافه گردیده موارد عملیاتی که (case) برای

سرویسها پیش می آید بین سه سرویس مبادله گردد که مورد بررسی قرار گرفته و از نکات مهم

آنها بهره برداری شود.

۱- . سند ساواک؛ مورخ ۱۵/۲/۱۳۴۴، طبقه بندی به کلی سری.

نظریه:

۱) ایجاد هیئت تحقیق شگرد و روش کار دشمن در هریک از ادارات اعم از خارجی و داخلی تحت عنوان قسمت بررسی حفاظت عملیات نافع است که اطلاعات لازم را بموقع در اختیار رهبر عملیات قرار دهند.

۲) بنا به مقتضایت هر بخش در هریک از ادارات عملیاتی یک نفر بعنوان مشاور حفاظت عملیات بخش تعیین و زیر نظر هیئت رئیسه اداره کل مربوطه انجام وظیفه نماید. افراد مزبور

مسئول زیر نظر گرفتن عملیات - بررسی موارد و توجه دادن رهبران عملیاتی به نکات حفاظتی

می باشد [باشند].

۳) مسئولین حفاظت عملیات که در هریک از ادارات تعیین می شوند بایستی در امور عملیاتی اطلاعاتی کافی داشته و با تجربیات خود بتوانند به بهترین وجه از عهده وظائف محوله برآیند.

۴) مبادله موارد عملیاتی (case) بین سه سرویس از هر لحاظ سودمند و قابل بهره برداری است و با تغییر نام رهبران عملیات و مأمورین می توان آنها را مبادله نمود.

اداره کل دوم(۱)

یکی دیگر از سمینارهای سه جانبه در آخر اردیبهشت سال ۱۳۴۵ در تل آویو (فلسطین اشغالی) و به میزبانی طرف اسرائیلی برگزار شد. اداره کل هفتم ساواک، طی نامه ای به اداره کل دوم، انتخاب افراد ایرانی شرکت کننده در اجلاس مزبور را به عهده آن تشکیلات دانسته و

افزوده است:

موضوع سمینار سه جانبه

بدینوسیله مراتب زیر درباره سمینار آینده سه جانبه برای اطلاع آن اداره کل اعلام می گردد:

۱- موضوع:

"Briefing and Debriefing of Positive Intelligence Sources"

۲- تاریخ: ۱۶ تا ۲۰ (و احتمالاً ۲۲) مه/ ۱۹۶۶

۳- محل: تل آویو

۴- تعداد شرکت کنندگان: سه تا پنج نفر

بفرموده تیمسار ریاست سازمان اطلاعات خارجی مسئولیت انتخاب کارمندان واجد صلاحیت

ص: ۱۱۸

۱- . گزارش ساواک؛ ۳/۳/۱۳۴۴، بدون شماره، با طبقه بندی سری.

و آماده نمودن آنان از هر جهت برای شرکت در سمینار مزبور بآن اداره کل محول گردیده است.

بدیهی است هرگونه اطلاعات تکمیلی دیگری که در این زمینه برسد بلافاصله بآن اداره - کل اعلام خواهد گردید.

خواهشمند است اسامی کارمندان انتخاب شده و آمادگی آنان را برای اطلاع نماینده سرویس زیتون به این اداره کل اعلام دارند.

مدیر کل اداره هفتم - سرتیپ کاوه(۱)

پنجمین سمینار سه جانبه اطلاعاتی ایران، ترکیه و اسرائیل در تاریخ ۱۴ تا ۱۹ شهریور سال ۱۳۴۵، مقارن با ۵ تا ۱۰ سپتامبر ۱۹۶۶ در آنکارا پایتخت ترکیه برگزار شد.

سمینار ششم سه جانبه، از تاریخ ۱۱ آوریل ۱۹۶۷م/۲۲ فروردین ۱۳۴۶ش، به مدت سه روز در تهران برگزار شد.(۲)

اداره کل دوم ساواک، طی نامه ای به مدیر کل اداره هفتم، درباره محورها و موضوعات سمینار ششم، پیشنهاد[هایی ارایه کرده] که اطلاعات تکمیلی آن به شرح ذیل است:

مدیریت کل اداره هفتم

بازگشت بشماره ۲۷۷۵/۷۰۵-۱۶/۹/۴۵

با توجه بنامه شماره بازگشتی فوق با در نظر گرفتن مطالبی که در سمینارهای گذشته مطرح شده

بود از طرف این اداره کل سه موضوع بشرح زیر انتخاب گردید:

۱) تغذیه مأمور دوبل و بهره برداری از آن (با همکاری اداره کل هشتم).

۱) Supplying double agents and their complete exploitation

۲) منابع گمراه کننده و شناسائی آنها.

۲) Deceptive sources and their reconnaisance

۳) مخبرین و تأثیر آنها در عملیات جاسوسی.

۳) Informants and their effects on operation of espionage

که مراتب بعرض تیمسار ریاست سازمان اطلاعات خارجی رسید پی نوشت فرمودند:

۱- . گزارش ساواک؛ مورخ ۸/۲/۴۵؛ شماره ۱۹۵۵/۷۴۵.

۲- . گزارش اداره کل هفتم ساواک، مورخ ۴/۱۱/۱۳۴۵، شماره ۲۹۳۸۰/۷۰۵، با طبقه بندی به کلی سرّی.

۱) هر سه موضوع جالب است و حق است با انتخاب یکی در این سـمینار دو موضوع دیگر در سمینارهای آینده نیز مورد بحث قرار گیرد.

۲) اگر قرار است تمایل بیشتر سـرویس ساواک را هم در نامه خود بدو سـرویس دیگر بدهید دو موضوع دوم و سوم را معرفی نمائید.

ضمنا چون آقای لباف کارمنـد این اداره کل بمنظور شـرکت در کنفرانس سه جانبه گذشـته مطالبی تحت عنوان نقش بررسـی اطلاعات عملیاتی از نقطه نظر اسـتخدام در کشور هـدف تهیه نموده است که با توجه به مـذاکرات شـفاهی با آن مدیریت کل بعلت فقـدان مترجم شایسـته جهت ترجمه مطـالب اعزام مشـاراليه مقـدور نبود، لـذا از نظر آنکه تلاـش نـامبرده در جمع آوری اطلاعات مربوطه بموضوع فوق هدر نرفته باشد و برای این اداره کل از هر نظر آمادگی ارائه

اینموضوع وجود دارد چنـانچه مورد تأییـد آن اداره کل باشـد مراتب بعرض تیمسار ریاست سازمان اطلاعات خارجی رسانـده شـده که پس از حصول موافقت معظم له این موضوع نیز بمواد مندرج فوق اضافه و در سـمینار آینده از طرف نماینده ساواک انتخاب گردد.

از طرف مدیر کل اداره دوم. فرازیان(۱)

مقامـات سـاواک، طبق روال همیشـگی، قبـل از برگزاری کنفرانس هـای سه جانبه، با نماینـدگان سـرویس اطلاعاتی اسـرائیل، مستقر در تهران، مبادله اطلاعات می کردند. در یکی

از اسناد ساواک در این باره آمده است:

مدیریت کل اداره هفتم

در مذاکراتیکه در تاریخ ۱۵/۱/۴۶ در حضور تیمسار ریاست سازمان اطلاعات خارجی و با شـرکت نمایندگان دوسـتان زیتون بعمل آمد، نامبردگان تقاضا داشتند که موضوع مبادله اطلاعات

با سرویس مزبور در برنامه کنفرانس سه جانبه که قریبا تشکیل خواهد شد منظور گردد تا درباره

نحوه و کیفیت تبادل بوضع بهتر و مطلوبتر بررسی و اتخاذ تصمیم بعمل آید.

مدیر کل اداره دوم. فرازیان(۲)

در کنـار سـمینارهای سه جانبه که هر شـش ماه یک بار به میزبانی یکی از دولت های ایران، ترکیه و اسـرائیل برگزار می شـد، نشست های شورای سه جانبه و نیز کمیته های ویژه اطلاعات

۱- . گزارش ساواک؛ مورخ ۲۸/۹/۴۵؛ شماره ۱۲۸۳۶/۲۱۴.

۲- . گزارش ساواک؛ مورخ ۱۷/۱/۴۶؛ شماره ۸۰۲۱/۲۱۴.

و امنیت سه گانه نیز از پیش تشکیل می شد و اخبار و اطلاعات و موارد مورد نیاز را بررسی و سپس زمینه برگزاری اجلاس کنفرانس نهایی را آماده و فراهم می کردند. در یکی از گزارش های ساواک، در خصوص عزیمت شرکت کنندگان ایرانی به شهر «پولاد» یا «فولاد» [اسرائیل] جهت شرکت در کمیته های اطلاعاتی و امنیتی سه جانبه، به ساعات و ایام پرواز و اسامی اعضا تیم اعزامی چنین اشاره شده است:

موضوع گزارش

۱- در جلسه هفتگی سه جانبه روز ۳۰/۱/۴۶ دبیرکل سه جانبه صورت جلسات اجلاسیه شورا- کمیته هماهنگ کننده - کمیته اطلاعات و کمیته امنیت سه جانبه را ارائه نمود که عینا جهت

تصویب تقدیم می گردد.

۲- در این جلسه دبیرکل اظهار نمود که رئیس سرویس (طوفان) پیشنهاد نمود که در شورا فقط رئیس سرویس میهماندار نطقی در مورد اوضاع بین المللی ایراد نماید و لزومی ندارد روسای

دو سرویس دیگر در این مورد سخنرانی نمایند و فقط کافی است نظرات خود را در مورد نطق

مطرح نمایند.

۳- نماینده سرویس (پولاد) نیز اظهار نمود در صورت تصویب پس از خاتمه اجلاسیه کمیته های اطلاعات و امنیت دو روز برنامه بازدید برای شرکت کنندگان ترتیب داده شود.

۴- در مورد عزیمت شرکت کنندگان به شهر (پولاد) برای شرکت در کمیته های اطلاعات و امنیت سه جانبه (از روز ۱۸/۲/۴۶) دو پرواز بشرح زیر:

- روز یکشنبه ۱۷/۲/۴۶ پرواز با شرکت الال [العال]

- روز جمعه ۱۵/۲/۴۶ پرواز با شرکت ایرفرانس ۱۲۴۵

مقرر فرمایند شرکت کنندگان در کنفرانس با کدام پرواز عزیمت نمایند تا مراتب به نماینده مربوطه ابلاغ شود.

۵- نماینده سرویس (پولاد) درخواست نمود تاریخ و شماره پرواز عزیمت تیمسار ریاست ساواک و تیمسار ریاست سازمان اطلاعات خارجی نیز باو داده شود.

پرواز روز قبل و روز شروع کمیته هماهنگی بشرح زیر است:

- چهارشنبه ۱۹/۲/۴۶ ۵:۵۰ BOAC صبح ایرفرانس ۱۰:۵۰ شب

- چهارشنبه ۲۰/۲/۴۶ الال [العال] ۶ صبح ۱۰:۳۰ BOAC صبح

ص: ۱۲۱

۶- یک برگ لیست اسامی شرکت کنندگان (پولاد) و (طوفان) در کنفرانس سه جانبه آینده به پیوست تقدیم می گردد.

مقرر فرمایند نظریه عالی را در مورد بالا ابلاغ دارند.

اداره کل هفتم

PARTICIPANTS AT THE FORTHCOMING TRI-

DENT MEETING

STEEL DELEGATION

۱. General M. Amit [آمیت]

۲. Mr. N. Kennen [کِنن]

۳. Col. S. Gazit [گازیت]

۴. Mr. E. Gavrieli [آگاوریل]

۵. Mr. E. Halevy [هالِوی]

۶. Mr. Z. Alon [آلون]

۷. Col. G. Navon [ناوون]

۸. Mr. P. Korem [کورِم]

۹. Mr. A. Leven [لِون]

۱۰. Mr. D. Karon [کارون]

STORM DELEGATION

COUNCIL

Gen. Dogu [دوگو]

COORDINATION BOARD

[آکیول] Gen. Akyol

INTEL. COMMITTEE

[آکیول] Gen. Akyol

[اوزلو] Col. Uslu

[کِلیکان] Col. Kelicen

ص: ۱۲۲

Mr. Barlas [بارلاز]

SEC. COMMITTEE

Mr. Cebe [کِبه]

Mr. Kurali [کورالی]

Mr. Bora [بورا]

Interpreters

Mr. Köyagasiogla [کویاکاسیو گلا]

Mr. Barbarosoglu [بارباروسو گلو]

Miss Güngör(۱) [گونگور]

گزارش دیگر اداره کـل هفتم سـاواک در خصـوص مسـافرت اعضـای سـرویس اطلاعـاتی ایران و نیز رئیس سـاواک و رئیس سازمان اطلاعات خارجی برای شرکت در سمینار سه جانبه به میزبانی اسرائیل به شرح ذیل است:

بازگشت بشماره ۸۱۱۴/۲۱۴-۹/۲/۴۶

بدینوسـیله اعلام می گردد که تیمسار ریاست ساواک و تیمسار ریاست سازمان اطلاعات خارجی در ساعت ۱۰:۳۰ چهارشنبه ۲۰/۲/۴۶ با پرواز ۷۷۱ شرکت هواپیمایی B.O.A.C بکشور زیتون مسافرت خواهند فرمود.

خواهشمند است دستور فرمایند مراتب را به نمایندگی آن اداره کل در کشور مزبور اعلام دارند.

مدیر کل اداره هفتم - سرتیپ کاوه(۲)

یادآوری این نکته ضرور است که شرکت رئیس ساواک و نیز رئیس سازمان اطلاعات خارجی ایران برای شرکت در نشست هـا و سـمینارهای خارج از کشور، به خصوص اسـرائیل، منوط به کسب مجوز از شـخص محمـدرضا پهلوی بود. گزارش های ساواک در این باره کاملاً واضح و گویاست:

گزارش

۱- . گزارش اداره کل هفتم ساواک، با طبقه بندی سری، بدون شماره و تاریخ.

۲- . گزارش ساواک؛ مورخ ۱۱/۲/۴۶؛ شماره ۵۰۳۴/۷۰۵.

کنفرانس سه جانبه سرویس های ایران - ترکیه - اسرائیل از ۱۸/۲/۴۶ در تل اویو شروع و تاریخ تشکیل شورای سه جانبه (با شرکت روساء سه سرویس معروضه) از ۲۱/۲/۴۶ در برنامه منظور و مدت مسافرت یک هفته پیشنهاد شده است.

با عرض اینکه رئیس جمهوری رومانی در ۲۳/۲/۴۶ وارد خواهد شد تصویب عزیمت چاکر در ۲۰/۲/۴۶ بماموریت معروضه:

منوط باراده سنیه شاهانه است.(۱)

از شرف عرض گذشت. تصویب فرمودند که طبق معمول شرکت نمایم.

مندرجات اسناد ساواک نشان می دهد که اعضا و کارشناسان دبیرخانه سه جانبه، متشکل از نمایندگان سرویس های اطلاعاتی ایران، ترکیه و اسرائیل، حتی به طور هفتگی جلسات مستمر داشتند و مسایل پیرامون سمینارها را مورد بحث و بررسی قرار می دادند و موضوعات و مباحث پیشنهادی درباره دستور کار اجلاس را که هر شش ماه یک بار برگزار می شد به سران و رؤسای سرویس های سه گانه اطلاعاتی ارایه می کردند. یکی از اسناد اداره

کل هفتم ساواک درباره محور پیشنهادی دبیرخانه سه جانبه و گفت وگوهای مربوط به چگونگی تعیین و انتخاب نمایندگان شرکت کننده در اجلاس هفتم سه جانبه، به میزبانی پولاد (اسرائیل)، چنین اشاره شده است:

ساعت ۱۳ روز ۱/۷/۴۶ ملاقات هفتگی دبیرخانه سه جانبه با شرکت رئیس بخش پیمانهای این اداره کل و نمایندگان سرویسهای پولاد و طوفان تشکیل شد. نکات مهم بشرح زیر بعرض می رسد.

۱- در مورد تهیه گزارش دور افق موافقت شد که این گزارش باید فقط شامل نکات مهم تحولات شش ماهه گذشته خاورمیانه باشد بدون اینکه بهریک از کشورها جداگانه اشاره شود.

۲- در مورد سمینار سه جانبه که قرار است در شهر پولاد تشکیل شود نماینده پولاد اظهار نمود

که سرویس متبوعه او پیشنهاد می کند که در صورت موافقت دو سرویس دیگر موضوع سمینار مشخصات بخصوص یک مأمور عرب باشد و قرار شد بعدا موافقت و یا عدم موافقت ساواک در اینمورد به نماینده سرویس پولاد اعلام شود.

۳- نمایند پولاد ضمن مطرح ساختن موضوع سمینار اظهار نمود که نظر سرویس متبوعه او

۱- . سند ساواک، سازمان اطلاعات خارجی، مورخ اردیبهشت ۱۳۴۶.

اینست که نمایندگان شرکت کننده سمینار از رده بالا انتخاب شوند که بتوانند تجربیات خود را

بازگو کرده و سمینار با موفقیت بیشتری برگزار شود. در جواب بنامبرده گفته شد که نمایندگان

شرکت کننده از طرف ساواک در سمینارها اصولاً از کارمندان باتجربه بوده و همگی در کار

خود وارد می باشند و موضوع اعزام نمایندگان رده بالا روشن نیست و توضیحات بیشتری در

اینمورد لازم است. پس از این اظهارات نماینده سرویس پولاد حرف خود را اصلاح نموده و

اضافه کرد که مقصود او نمایندگان باتجربه می باشد.

اداره کل هفتم(۱)

بر اساس اسناد موجود، موضوع هشتمین سمینار مورد اشاره، «چهارچوب ضداطلاعات» بود. مطالب مورد بحث و نیز اسامی نمایندگان سرویس های سه گانه اسرائیل، ایران و ترکیه در سمینار مزبور، در گزارش اداره کل هفتم ساواک به شرح ذیل آمده است:

بنابر تصویب قبلی هشتمین سمینار سه جانبه پیرامون آموزش مأمورین در چهارچوب ضداطلاعات از تاریخ ۱۹/۶/۴۷ الی ۲۳/۶/۴۷ در آنکارا با شرکت نمایندگان ساواک و سرویسهای ترکیه و اسرائیل تشکیل گردید.

آقای علی محیط از این اداره کل - آقای هوشنگ قاجار از اداره کل هشتم - آقای حمید امیدی تبریزی از اداره کل سوم و آقای عنایت اله جبل عاملی از اداره کل آموزش نمایندگی ساواک را در سمینار بعهده داشتند.

طبق اظهار نماینده این اداره کل سمینار مزبور از نقطه نظر آموزش بسیار مفید بوده و نمایندگان

شرکت کننده به مقیاس قابل توجهی در جریان روش کار سرویسهای ترکیه و اسرائیل در زمینه اداره منابع و منابع دوبل قرار گرفتند. مطالب مشروحه زیر در سمینار بطور اجمال مورد بحث قرار گرفت.

۱- شرایط و مشخصات ضروری منابع و منابع دوبل.

۲- رعایت اصول حیطه بندی و حد لزوم باطلاع در مورد اداره منابع.

۳- آموزش مأمورین قبل از شروع عملیات و در جریان عملیات.

۴- آزمایشات حفاظتی مأموران و منابع.

۵- روابط بین رهبر عملیاتی و منبع.

۱- . گزارش ساواک؛ ۲/۷/۱۳۴۶، بدون شماره، با طبقه بندی سری.

پذیرائی سرویس ترکیه از نمایندگان اعزامی ساواک فوق العاده شایان توجه بوده و از هیچ کوششی در این باره فروگذار نشده است.

بعد از خاتمه سمینار نمایندگان ساواک برای یک گردش تفریحی سه روز به شهر استانبول برده شدند. دو نفر از نمایندگان اعزامی (آقای هوشنگ قاجار و عنایت اله جبل عاملی) طبق تصویب از چهار روز مرخصی در استانبول استفاده می کنند و طی این مدت بنابر اصرار سرویس ترکیه میهمان سرویس مزبور خواهند بود.

اسامی شرکت کنندگان تیم های ترکیه و اسرائیل بقرار زیر است:

الف: ترکیه

- سرهنگ فخرالدین اورتالای (رئیس جلسه)

- سرهنگ مته

- آقای اوزکایا

- خانم گونگور

- آقای فریسن

ب. اسرائیل

- آقای شومرون

رئیس جلسه

- آقای اوتایاکر

- آقای مارتین

- آقای اورن

- آقای اربل

(رابط سرویس اسرائیل در ترکیه)

در جریان کنفرانس قطعنامه ای که محتوی مطالب مورد بحث سمینار بود بتصویب نمایندگان شرکت کننده سه سرویس

رسید. این قطعنامه که بیشتر حاوی نظرات نمایندگان اعزامی ساواک

در مورد اداره منابع می باشد.

اداره کل هفتم(۱)

نهمین سمینار سه جانبه اطلاعاتی در تاریخ ۲۹/۱۰/۱۳۴۷ به مدت سه روز در تهران و به

ص: ۱۲۶

۱- . گزارش ساواک؛ مورخ ۲۶/۶/۱۳۴۷، با طبقه بندی سری.

میزبانی ساواک، حول محور ارتباطات مأمور در چهارچوب اطلاعات مثبت برپا شد. از سوی اداره کل هفتم ساواک، اسامی نمایندگان سه سرویس اطلاعاتی مورد نظر، به شماره ذیل گزارش شده است:

بنابر تصویب تیمسار ریاست ساواک نهمین سمینار سه جانبه با شرکت نمایندگان سه سرویس ایران - ترکیه و اسرائیل از تاریخ ۲۹/۱۰/۴۷ بمدت سه روز در محل باشگاه ساواک در زعفرانیه

تشکیل شد. موضوع مورد بحث در سمینار ارتباط مأمور در چهارچوب اطلاعات مثبت بود.

بخش پیمانهای اداره کل هفتم مسئولیت کارهای اداری و دبیرخانه سمینار را بعهده داشت و امور حرفه ای و فنی آن بعهده اداره کل دوم و نمایندگان ادارات کل هشتم و آموزش بود.

نمایندگان شرکت کننده سه سرویس بقرار زیر بودند:

الف - ایران:

آقای مجید شاملو رئیس جلسه اداره کل دوم

آقای هوشنگ قاجار عضو اداره کل هشتم

آقای همایون منصور عضو اداره کل دوم

آقای حسین بی آزاران عضو اداره کل آموزش

آقای مجید رفیع زاده عضو اداره کل دوم

آقای کمال طیاران عضو اداره کل آموزش

آقای عباس نمازی عضو اداره کل دوم

ب - ترکیه:

آقای احمد ارسوی رئیس هیئت مدیر کل جمع آوری

آقای ارگول اریشن عضو رهبرعملیات اداره ضدجاسوسی

آقای الهان

عضو

رئیس اداره برون مرزی

آقای فهمی اوکوموش عضو رهبر عملیات برون مرزی

آقای عبداله توروس عضو رهبر عملیات برون مرزی

پ - اسرائیل:

آقای آوارهان روم رئیس هیئت رئیس اداره ارتباطات پنهانی

در کشورهای خارجی

ص: ۱۲۷

آقای موشه راز عضو معاون رابط اسرائیل در تهران

آقای جوهانا مانور عضو رهبر عملیات ضدجاسوسی

سروان ژوزف لندمن عضو رئیس اداره برون مرزی در

ارتش اسرائیل

کارشناسان سه سرویس ظرف سه روز بطور مشروح پیرامون موضوع ارتباطات مأمور با یکدیگر تبادل نظر نموده و نمایندگان هر سرویس واقعه ای را در زمینه موضوع مورد بحث که

برای سرویسهای متبوعه آنان اتفاق افتاده بود شرح دادند.

نمایندگان شرکت کننده از ادارات کل دوم و هشتم ساواک هریک واقعه ای را در مورد ارتباطات مأمور بیان کردند که مورد توجه شرکت کنندگان دو سرویس دیگر قرار گرفت. اداره کل دوم

جریان کار سمینار و مطالبی را که مورد بحث قرار گرفته است بعرض خواهد رساند.

بعد از خاتمه سمینار بنابر تصویب قبلی تیمسار ریاست ساواک شرکت کنندگان دو سرویس باتفاق راهنمایانی که از طرف ساواک تعیین شده بودند با هواپیما عازم اصفهان شدند و از آثار تاریخی این شهر بازدید بعمل آوردند.

قبلاً قرار بود که شرکت کنندگان از شیراز نیز دیدن نمایند اما بعلت ریزش برف سنگین فرودگاه

اصفهان بسته شد و شرکت کنندگان مجبور شدند با اتومبیل بتهران مراجعت نمایند. نامبردگان روز ۴/۱۱/۴۷ به کشورهای متبوعه خود مراجعت نمودند.

اداره کل هفتم(۱)

دهمین سمینار سرویس اطلاعاتی سه جانبه ایران، ترکیه و اسرائیل با میزبانی «انار یا پولاد» «زیتون» (اسرائیل) در مهر ماه سال ۱۳۴۸ حول موضوع آینده اطلاعات مثبت در چهارچوب امور عملیاتی برگزار شد. اداره کل هفتم ساواک در خصوص موضوع پیشنهادی سمینار دهم، مراتب را به مقامات بالاتر چنین گزارش داده است:

درباره دهمین سمینار سه جانبه

۱- طبق تصویب شورای سه جانبه سمینار سه جانبه با شرکت کارشناسان سه سرویس طی ماه سپتامبر آینده در شهر پولاد [اسرائیل]برگزار خواهد شد.

۲- دبیر کل سه جانبه اطلاع داده که بنابر پیشنهاد سرویس پولاد موضوع مورد بحث در سمینار

۱- . گزارش ساواک؛ بهمن ۱۳۴۷، بدون شماره، با طبقه بندی سری.

آینده اطلاعات عملیاتی OPERATIONAL INTELLIGENCE خواهد بود. نامبرده ضمنا درخواست نموده که نظر سرویس پرچم [ایران] در مورد موضوع پیشنهادی سرویس پولاد قبل از ۲۹ تیر ماه/۴۸ اعلام گردد.

۳- با توجه باینکه موضوع نامبرده بالا مربوط به اطلاعات مثبت می باشد مراتب به اداره کل دوم منعکس و نظر آن اداره کل در مورد موضوع پیشنهادی استفسار گردید.

۴- اداره کل دوم در تاریخ ۲۲/۴/۴۸ اعلام نمود که انتخاب موضوع اطلاعات عملیاتی برای سمینار آینده قابل توجه بوده و کارمندان آن اداره کل برای شرکت در سمینار بموقع آمادگی

خواهند داشت.

با توجه بمراتب مشروحه بالا مقرر فرمایند نظر عالی را در مورد انتخاب موضوع نامبرده بالا

برای دهمین سمینار سه جانبه امر بابلاغ فرمایند.

اداره کل هفتم(۱)

یازدهمین سمینار اطلاعاتی سه جانبه ایران (پرچم)، اسرائیل (پولاد) و ترکیه (انجیر) در اواسط فروردین سال ۱۳۴۹ در ترکیه برگزار شد. در این سمینار موضوع اصلی، مقررات حفاظتی و سازمان های هماهنگی بود که مباحث ارایه شده از سوی نمایندگان اطلاعاتی ترکیه و اسرائیل، مأموران و شرکت کنندگان ایرانی را کاملاً تحت تأثیر قرار داده بود. گزارش سری اداره کل هفتم ساواک در این باره چنین است:

درباره سمینار سه جانبه

۱- بنابر تصویب قبلی یازدهمین سمینار سه جانبه از تاریخ ۱۲ الی ۱۴ فروردین/ ۴۹ با شرکت

کارشناسان سه سرویس ایران - ترکیه و اسرائیل در آنکارا تشکیل شد. از ساواک نمایندگان

ادارات کل دوم - سوم - چهارم (مدیر کل مربوطه)- هفتم - هشتم - آموزش (مدیر کل مربوطه) در سمینار شرکت نمودند. از سرویس ترکیه مدیر کل ضدجاسوسی و از سرویس اسرائیل مدیر کل آموزش ریاست هیئت های متبوعه را بعهده داشتند.

۲- موضوع مورد بحث در سمینار طبق توافق سه سرویس مقررات حفاظتی و سازمانهای هماهنگی بود و هریک از هیئت های شرکت کننده مشروحا پیرامون اجرای مقررات حفاظتی و شیوه های هماهنگی در امر حفاظت توضیح دادند. یازدهمین سمینار سه جانبه از نقطه نظر

۱- . گزارش ساواک؛ تیر ماه ۱۳۴۸، بدون شماره، با طبقه بندی سری.

بهره برداری حفاظتی و آموزش و همچنین آگاهی از سازمانهای حفاظتی در کشورهای ترکیه و اسرائیل فوق العاده مورد توجه شرکت کنندگان ساواک قرار گرفت (مطالب مطروحه در سمینار

و نتایج حاصله وسیله ادارات کل چهارم و آموزش جداگانه بعرض خواهد رسید).

۳- نمایندگان ساواک در فرودگاه آنکارا بوسیله مدیر کل ضدجاسوسی سرویس ترکیه مورد استقبال قرار گرفتند. سرویس ترکیه از هیئت شرکت کننده ساواک در جریان سمینار و طی سفر

تفریحی باستانبول و بورسا بنحو شایسته ای پذیرائی نمود و معاون این سرویس یک ضیافت کوکتیل بافتخار هیئت های شرکت کننده ترتیب داد.

آقای امیر شیلاتی سفیر شاهنشاه آریامهر در ترکیه نیز یک میهمانی به ناهار بافتخار هیئت نمایندگی ساواک ترتیب داد که در آن رئیس سرویس ترکیه باتفاق معاونان خود و تعدادی از

اعضاء ارشد این سرویس شرکت نمودند.

۴- بعد از خاتمه سمینار بنابر تصویب قبلی، هیئت های شرکت کننده از دو سرویس ایران و اسرائیل بوسیله اتوبوس مخصوص باستانبول برده شدند و بعد از یک اقامت دو روزه از طریق

شهر بورسا به آنکارا مراجعت کردند و هیئت ساواک عصر همانروز (۱۸/۱/۴۹) شهر آنکارا را

بمقصد تهران ترک نمود. مراتب جهت استحضار گزارش می شود.

اداره کل هفتم(۱)

دوازدهمین سمینار سه جانبه اطلاعاتی ایران، ترکیه و اسرائیل در آذر ماه سال ۱۳۴۹ در تهران برگزار شد.

اداره کل هفتم ساواک، طی گزارشی به ریاست آن سازمان، پیشنهاد آن تشکیلات و دیگر ادارات کل را در خصوص موضوعات سمینار چنین ارایه کرده است:

درباره سمینار سه جانبه

منظور

استحضار تیمسار ریاست ساواک و صدور اوامر.

پیشینه

بنابر تصویب رؤسای سرویسهای سه جانبه دوازدهمین سمینار سه جانبه در چهارچوب ضدجاسوسی ظرف هفته آخر نوامبر (۲ تا ۹ آذر ماه ۴۹) در تهران برگزار خواهد شد. طبق

ص: ۱۳۰

۱- . گزارش ساواک، مورخ ۲۰/۱/۴۹، بدون شماره، با طبقه بندی سری.

روش سرویس میزبان باید سه موضوع در چهارچوب اصلی سمینار به دو سرویس دیگر پیشنهاد نماید تا دو سرویس ضمن تبادل نظر با یکدیگر و همچنین با ساواک یک موضوع برای

بحث در سمینار انتخاب نمایند.

اقدامات انجام شده

۱- مراتب بهمین ترتیب باداره کل هشتم منعکس شد و اداره کل نامبرده سه موضوع مشروحه زیر را در چهارچوب ضدجاسوسی پیشنهاد نمود:

الف - حفاظت عملیات

ب - نشان کردن و استخدام افراد خارجی در هدفهای مورد نظر.

پ - نحوه بهره برداری از پست های مراقب ثابت.

۲- سه موضوع نامبرده بالا در اختیار رابطین سرویسهای مربوطه قرار گرفت و اکنون اطلاع حاصل شده که دو سرویس متفقا حفاظت عملیات را بعنوان موضوع سمینار آینده انتخاب کرده اند. اداره کل هشتم نیز با طرح موضوع حفاظت عملیات در سمینار موافقت دارد.

در صورت تصویب مقرر فرمایند نمایندگان ادارات کل هشتم - سوم - دوم و آموزش در سمینار مورد نظر شرکت کرده و سایر اقدامات لازم جهت پذیرائی از میهمانان دو سرویس طبق روش انجام شود.

اداره کل هفتم(۱)

سیزدهمین سمینار سه جانبه اطلاعاتی، در خرداد ماه سال ۱۳۵۰ در فلسطین اشغالی و به میزبانی رژیم صهیونیستی برگزار شد. موضوع این سمینار، عملیات اطلاعاتی از طریق کشورهای ثالث بود که اداره کل هفتم ساواک طی نامه ای به اداره تشریفات و اداره پیمان ها،

ضمن اشاره به آن و نیز تعداد نفرات شرکت کننده در اجلاس مزبور، نوشته است:

سمینار سه جانبه

۱- بنابر تصویب رؤسای سه سرویس ایران - ترکیه و اسرائیل سمینار سه جانبه آینده پیرامون

موضوع عملیات اطلاعاتی از طریق کشورهای ثالث در کشور اسرائیل برگزار خواهد شد. طبق اطلاع واصله از رابط سرویس اسرائیل در تهران سمینار مورد نظر از تاریخ ۱۷ تا ۲۲ خرداد ماه تشکیل خواهد گردید.

۱- . گزارش ساواک، ۲۰/۸/۴۹، بدون شماره، با طبقه بندی سری.

۲- معمولاً از هر سرویس چهار یا پنج نفر نماینده در سمینار سه جانبه شرکت می کنند.

۳- با توجه به سوابق موجود در آخرین سمینار سه جانبه که درباره مباحث مربوط به اطلاعات

مثبت تشکیل گردید از ساواک نمایندگان ادارات کل دوم - سوم - هشتم و آموزش در سمینار

شرکت کردند.

۴- با در نظر گرفتن اینکه سمینار نامبرده بالا جنبه آموزشی دارد خواهشمند است دستور فرمائید

مراتب بعرض برسد تا در مورد شرکت نماینده اداره کل آموزش و سایر ادارات کل ذینفع اوامر

مقتضی صادر و نتیجه ضمن معرفی اسامی شرکت کنندگان به این اداره کل اعلام گردد تا در

اختیار سرویس میزبان گذارده شود.

مدیر کل اداره هفتم - کاوه(۱)

یادآوری این نکته ضروری است که نشست های کمیته های تخصصی سه جانبه و نیز شورای سه جانبه سرویس های اطلاعاتی ایران، ترکیه و اسرائیل همزمان و یا قبل از برگزاری

سمینارهای سه جانبه، به طور فعال، با تشکیل جلسه، مسایل مختلف پیرامون سمینار را مورد

بحث و بررسی قرار می دادند.

اداره کل هفتم ساواک طی گزارشی ضمن اشاره به پیشنهاد و تقاضای مدیر کل اداره دوم، مبنی بر تعویق تاریخ برگزاری سمینار سیزدهم، موافقت خود را با آن اعلام کرده و چنین

نوشته است:

درباره سمینار سه جانبه

منظور

استحضار تیمسار قائم مقام ریاست ساواک و صدور اوامر.

پیشینه

۱- بنابر تصویب آخرین شورای سه جانبه که در تاریخ ۲۳ اردیبهشت ماه ۵۰ در تهران برگزار شد مقرر گردید سمینار سه

جانبه پیرامون موضوع (عملیات اطلاعاتی از طریق کشورهای ثالث) از ۱۷ تا ۲۱ اردیبهشت [خرداد]ماه ۵۰ در کشور اسرائیل برگزار شود.

۲- در تاریخ ۲۸/۲/۵۰ مراتب باداره کل یکم منعکس و درخواست شد که ادارات کل شرکت کننده در سمینار را تعیین و اسامی شرکت کنندگان را باین اداره کل اعلام نمایند.

ص: ۱۳۲

۱- . گزارش ساواک؛ مورخ ۲۸/۲/۵۰؛ شماره ۴۶۴۰/۷۰۵.

۳- در تاریخ ۸/۳/۵۰ اداره کل یکم اعلام داشت که مراتب بعرض رسید مقرر فرمودند مدیر کل آموزش استاد متخصص مربوطه را به مدیر کل هفتم معرفی که در جلسات شرکت نماید و حداکثر استفاده آموزشی باید برده شود درباره سایرین (ادارات کل دوم - سوم - هشتم) لیست با نظر مدیر کل مربوطه تهیه و بعرض تیمسار ریاست ساواک برسد.

۴- نظر باینکه موضوع سمینار با وظایف اداره کل دوم ارتباط پیدا می کند و با توجه به اینکه

طبق معمول هریک از سه سرویس شرکت کننده گزارشی پیرامون موضوع سمینار تهیه و درباره آن در سمینار بحث می کنند از این رو در روز ۹/۳/۵۰ بوسیله اینجانب از مدیر کل اداره دوم درخواست شد که گزارش مورد نظر را تهیه و بعد از تصویب و ترجمه بزبان انگلیسی آنرا به

این اداره کل ارسال دارند تا ترتیب طرح آن در سمینار داده شود. مدیر کل اداره دوم پیشنهاد

کردند با توجه به کمی وقت سمینار بین یکماه تا ۴۰ روز به تعویق انداخته شود.

پیشنهاد اداره کل هفتم

با توجه به درگیریهای ساواک در تاریخ پیشنهادی مدیر کل اداره دوم (کمیته ضدبراندازی ۱۰

تیر ماه ۵۰ در کشور ترکیه - کمیته هماهنگ کننده ۲-۹ مرداد ماه ۵۰ در کشور اسرائیل) در

صورت تصویب مقرر فرمایند ضمن تماس با رابطین سرویسهای ترکیه و اسرائیل در تهران ترتیبی داده شود که سمینار از اول تیر ماه ۵۰ ببعد برگزار گردد.

اداره کل هفتم(۱)

چهاردهمین سمینار سه جانبه اطلاعاتی ایران (پرچم)، اسرائیل (فولاد) و ترکیه (طوفان) در فوریه سال ۱۹۷۲م/۲۶/۱۱/۲۳۵۰ش، در کشور ترکیه برگزار شد. گزارش اداره کل هشتم به ریاست ساواک چنین است:

شهر طوفان

فوریه ۱۵/۱۶/۱۷ [۲۶ تا ۲۸ بهمن]

سال ۱۹۷۲ [۱۳۵۰]

خلاصه کار چهاردهمین سمینار سه جانبه

کلی

۱- . گزارش ساواک؛ بدون تاریخ و شماره. این نامه ظاهرا در روزهای آخر اردیبهشت سال ۱۳۵۰ ارایه شده است.

سه سرویس بشرح زیر در کشور طوفان تشکیل و بموضوع سمینار «تاکتیکهای تحقیقات عملیاتی» پرداخت.

پرچم [ایران]

۱- آقای عباس وحدانی نماینده اعزامی اداره کل هشتم

رئیس گروه اعزامی

۲- آقای جهانگیری

نماینده اعزامی اداره کل هشتم

۳- آقای شعیب صمیمی نماینده اعزامی اداره کل سوم

۴- آقای بهمن سهام نماینده اعزامی اداره کل دوم

۵- آقای ایران نژاد

نماینده اعزامی اداره کل آموزش

پس از اینکه ژنرال ارگان طی بیاناتی ورود نمایندگان را خوش آمد گفتند ریاست جلسات نیز به

همکاریهای لازم اشاره و سمینار وارد کار شد.

بحث های سمینار

نمایندگان سرویسهای مربوطه درباره موضوع مورد بحث نظرات خود را ارائه نمود و تحلیل نهائی نتایج ذیل اخذ و باین صورت توافق بعمل آمد:

الف. تحقیقات عملیاتی با شناسائی حریف وسیله ضداطلاعات شروع شده و با نحوه اقداماتی که ضداطلاعات علیه حریف اتخاذ می کند پایان می یابد. شیوه هائی که در این راه بکار می رود

در مراحل مختلف تحقیقات عملیاتی مشخص می گردد که با توجه به اخبار مکتسبه و نحوه اقدام نهائی بدین ترتیب استخدام خنثی کردن و دستگیری انجام می شود.

ب. شیوه های تحقیقات عملیاتی در کلیه موارد بصورت متحدالشکل بکار نمی روند بلکه به کاربرد آنها با توجه به موارد زیر انجام می گیرند.

۱- حریف

۲- قریب الوقوع بودن خطر احتمالی

۳- موضوع تحقیق

۴- وسایل و امکانات و مقدورات

۵- شرایط و مدت زمان لازم

پ. پیشنهاد شد که یک واحد بررسی عملیاتی در ضداطلاعات بوجود آید تا با بعهده گرفتن

ص:۱۳۴

برخی وظایف تحقیقات عملیاتی را کمک نماید.

نمایندگان شرکت کننده در این سمینار به این نتیجه رسیدند که بحث های مذکور سازنده و پرثمر بوده است.(۱)

همان گونه که پیش از این ذکر شد، سرویس های سه گانه ایران، اسرائیل و ترکیه، در کنار سمینارهای سه جانبه که به طور معمول هر شش یک بار به میزبانی یکی از طرف ها برگزار می شد، نشست های دیگر کارشناسی و تخصصی و یا اجرایی و تشکیلاتی داشتند که در گزارش های ساواک از آن نشست ها تحت عنوان شورا یا کنفرانس یاد شده است. کمیته های تخصصی اطلاعات و امنیت و...، نیز در کنار دیگر نشست ها از سوی کارشناسان و مأموران سه سرویس برپا می شد که فعالیت عمده آن ها پیرامون سمینار اصلی و درباره چگونگی برگزاری، شرکت کنندگان، محل و زمان برپایی و مباحث آن بود. شورا یا کنفرانس مورد اشاره تا پایان اردیبهشت ماه سال ۱۳۵۱، بیست و شش دوره از سوی طرف های یاد شده برپا

گردید. اداره کل دوم ساواک در نامه دیگری خطاب به مدیریت کل اداره هشتم، ضمن اشاره به

دستور کمیته امنیت بیست و ششمین کنفرانس سه جانبه، ضمن درخواست تهیه گزارش طرف ایرانی از سوی آن تشکیلات، تقاضا کرده است تا اسامی افراد ایرانی شرکت کننده در

آن کنفرانس اعلام شود:

بیست و ششمین کنفرانس سه جانبه از تاریخ ۱۸ الی ۲۱ اردیبهشت ماه ۵۱ در باکالا برگزار خواهد شد. خواهشمند است دستور فرمائید با توجه بموارد مندرج در دستور جلسه کمیته امنیت بشرح زیر:

۱- تحولات جاری در شیوه های جاسوسی و جمع آوری اطلاعات عملیاتی بوسیله سرویس های دشمن در کشورهای سه جانبه و همچنین اقدامات متقابل علیه اینگونه فعالیتها.

۲- بررسی سازمان و فعالیت های سرویسهای عرب هدف.

موضوع ویژه

۳- کنترل و اقدامات حفاظتی که بوسیله سازمان R.I.S در مورد اتباع شوروی مقیم خارج اعمال

می شود.

ص:۱۳۵

۱- . گزارش دو صفحه ای ساواک، بدون شماره و تاریخ، با طبقه بندی سری. به نظر می رسد، این گزارش طی روزهای آخر بهمن ۱۳۵۰ تهیه شده است.

گزارشـات لازم را تهیه و پس از تصویب حـداکثر تا تاریـخ ۲۰ فروردینماه ۵۱ بـاین اداره کـل (بخش مسـتقل پیمانها) ارسال دارند. ضمنا اسامی شرکت کنندگان آن اداره کل در کنفرانس را

نیز اعلام دارند.

مدیر کل اداره هفتم – کاوه(۱)

اداره کـل هفتم سـاواک، همچنین برای کسب اطمینـان نسـبت به شـرکت رؤسای سـرویس های اطلاعاتی ترکیه و اسـرائیل در شورا یـا کنفرانس سه جـانبه، طی نـامه ای به نماینـدگی ساواک، درخواست نموده تا از سـرویس های مورد اشاره در این باره استعلام شود.

پاسخ مثبت استعلام مزبور، به رئیس ساواک چنین گزارش شده است:

استحضار ریاست ساواک.

پیشینه

با توجه باینکه برخی اوقات رؤسای سرویسـهای ترکیه و اسـرائیل بعلت گرفتاریهای شـغلی از شرکت در کنفرانسهای سه جانبه معـذرت خواسـته انـد لذا از این رو در تاریخ ۱۴/۱/۵۱ طی تلگرامی از رئیس نماینـدگی سـاواک در ترکیه سـئوال شـد که از رئیس سرویس آن کشور استفسار

نمایند که آیا در شورای سه جانبه آینده که در روزهای ۲۰ و ۲۱ اردیبهشت ماه ۵۱ در اسرائیل

برگزار می گردد شرکت خواهند کرد یا خیر؟ اینک رئیس نمایندگی ساواک در ترکیه طی تلگرامی اعلام نموده است که:

از رئیس سرویس ترکیه مراتب سئوال شد اظهار کردند که با اینکه خیلی گرفتار هستند معهذا در

نظر دارنـد که به اسـرائیل مسـافرت و جنـاب ریاست ساواک را در آن کشور زیارت نماینـد و باحتمال زیاد در کنفرانس مورد نظر شرکت خواهند کرد.

اداره کل هفتم(۲)

پـانزدهمین سـمینار سه جـانبه اطلاعـاتی ایران، ترکیه و اسـرائیل، طبق توافق و برنـامه قبلی، قرار بود در هفته اول شـهریور سـال ۱۳۵۱ در تهران برگزار شود.

اداره کل دوم ساواک، طی یک یادداشت اداری و داخلی، خطاب به اداره های بررسی یک

و دو، به شرح ذیل، ارایه اسناد مورد نیاز را، درخواست نموده است:

۱- . گزارش ساواک؛ مورخ ۸/۱/۵۱؛ شماره ۴۵۰۲/۷۰۵.

۲- . گزارش ساواک؛ مورخ ۱۹/۱/۵۱، بدون شماره، با طبقه بندی سری.

کنفرانس سه جانبه

مقتضی است اسناد مشروحه زیر برای کنفرانس سه جانبه تهیه و بعد از تصویب حداکثر تا تاریخ ۲۵ فروردینماه ۵۱ در اختیار بخش مستقل پیمانها گذارده شود:

۱- گزارش تحلیلی و بررسی شده درباره کشورهای عراق - کویت - عربستان سعودی و منطقه خلیج فارس با در نظر گرفتن اوضاع داخلی - سیاست خارجی - موقع نظامی و اقتصادی این کشورها. ضمنا در مقدمه گزارش نامبرده به ترتیب درباره فعالیت های بلوک شرق در منطقه و روابط بین الاعراب نیز اظهار نظر شود.

۲- سخنرانی افتتاحیه ریاست ساواک در جلسه شورا.

۳- ضمنا فهرست عناصر اصلی خبر (E.E.I) را نیز با آخرین تحولات منطقه تطبیق دهید.

مدیر کل اداره هفتم - کاوه(۱)

مدیر کل اداره دوم ساواک، طی نامه ای به مدیریت کل اداره هفتم (پیمان ها) ضمن ارایه موضوعات پیشنهادی برای سمینار سه جانبه پانزدهم، به علت استفاده کارکنان آن دستگاه از

مرخصی تابستانی، تقاضا کرده است تا جهت تهیه گزارش طرف ایرانی و ارایه آن به سمینار،

مدت دو ماه به آن ها مهلت داده شود:

بازگشت به ۴۶۶۶/۷۰۵-۲۴/۳/۵۱

موضوعات مشروحه زیر جهت طرح در سمینار سه جانبه آینده از طرف این اداره کل تعیین و پیشنهاد می گردد:

۱- بررسی مشکلات قطع تماس با منابع.

۲- کنترل و حفاظت رهبران عملیات در برابر ضداطلاعات حریف در کشور هدف و کشور پایگاه.

۳- ناقل ها و اهمیت آن در حفاظت عملیات.

لذا پس از آنکه یکی از سه موضوع فوق الذکر از طرف دو سرویس مورد تأیید قرار گرفت از طرف این اداره کل شرح لازم به منظور توجیه شرکت کنندگان دو سرویس درباره موضوع انتخابی تهیه و در اختیار قرار گذارده خواهد شد.

ضمنا نظر باینکه تهیه مدارک لازم جهت شرکت در سمینار مزبور لااقل دو ماه وقت لازم

۱- . گزارش ساواک؛ فروردین ۱۳۵۱، بدون شماره، با طبقه بندی سری.

خواهد داشت و بعلت فصل تابستان اغلب کارمندان از مرخصی سالیانه استفاده می نمایند علیهذا شرکت این اداره کل در تاریخ یاد شده در بازگشتی فوق غیرمقدور می باشد بنابراین

خواهشمند است دستور فرمائید ترتیبی اتخاذ گردد که از تاریخ اعلام توافق سه سرویس در

زمینه انتخاب موضوع مورد بحث در سمینار تا تاریخ شروع سمینار حداقل مدت دو ماه به این

اداره کل فرصت داده شود.

مدیر کل اداره دوم – فرازیان(۱)

زمان برگزاری سمینار پانزدهم سرویس های اطلاعاتی سه جانبه را هفته اول مهر ماه سال ۱۳۵۱ تعیین و اعلام کردند. نامه اداره پیمان ها به رئیس ساواک چنین است:

منظور

استحضار تیمسار ریاست ساواک و صدور اوامر.

۱- بنابر تصویب تیمسار ریاست ساواک پانزدهمین سمینار سه جانبه از تاریخ ۴ الی ۶ مهر ماه

۵۱ در تهران برگزار خواهد شد.

۲- در تاریخ ۲۱/۶/۵۱ رابط سرویس اسرائیل طی نامه ای اطلاع داده که رئیس هیئت نمایندگی سرویس متبوعه اش در سمینار (آقای کهن) در روز پنجشنبه ۳۰ شهریور ماه (۵ روز قبل از تشکیل سمینار) وارد تهران خواهد شد و نامبرده درخواست دارد که طی این مدت:

الف – با مدیر کل اداره دوم و کارمندان برجسته آن اداره کل در روز اول مهر ماه ملاقات نماید.

ب – در روزهای دوم و سوم مهر ماه باتفاق آقای بارزلای (معاون رابط سرویس اسرائیل) از آبادان بازدید نموده و در این مسافرت آقای نجومی را ملاقات نماید.

مقرر فرمایند اوامر عالی را در مورد مفاد نامه رابط سرویس اسرائیل ابلاغ فرمایند تا در صورت

تصویب مراتب جهت انجام پیش بینی های لازم به تشریفات ساواک منعکس گردد.

پیمانها(۲)

سمینار شانزدهم سرویس های سه گانه ایران، اسرائیل و ترکیه، در اواسط فروردین سال ۱۳۵۲ به میزبانی رژیم صهیونیستی

برگزار شد. اسرائیلی ها طبق روال همیشگی خود، این بار

نیز چندین موضوع را طی طرح پیشنهادی به رؤسای سرویس های اطلاعاتی ایران و ترکیه

۱- . گزارش ساواک؛ مورخ ۲۸/۳/۵۱؛ شماره ۳۰۰۸/۲۰۱.

۲- . گزارش ساواک؛ شهریور ۱۳۵۱، بدون شماره، با طبقه بندی سری.

ارایه کردند تا از میان آن ها، یک موضوع را به طور مشترک انتخاب کنند که پس از تأیید

اسرائیلی ها، در دستور کار سمینار آتی قرار گیرد.

نـامه رئیس سازمـان اطلاعـات خـارجی، سرلشـگر معتضـد به اداره پیمان ها و نیز مـدیریت کل اداره آموزش در این باره چنین است:

سازمان اطلاعات خارجی (پیمانها) ۱۰۰۱پ

مدیریت کل اداره آموزش

سمینار سه جانبه

۱- بنابر پیشـنهاد سـرویس اسـرائیل و تصویب تیمسار ریاست ساواک سمینار سه جانبه در حدود نیمه فروردینماه ۵۲ در کشور اسرائیل برگزار خواهد شد.

۲- طبق معمول سـرویس اسـرائیل بعنوان سـرویس میزبان سه موضوع در چهارچوب امنیت داخلی جهت سمینار پیشنهاد داده تا سرویســهای ایران و ترکیـه متفقـا یکی از موضوعـات را انتخـاب و بعنـوان سـوژه سـمینار بـه سـرویس اسـرائیل اعلاـم نماینـد. موضوعات پیشنهادی سرویس

اسرائیل بقرار زیر می باشد:

۱) سرویسهای اطلاعاتی عرب و مناسبات آنها با تروریستها- و سازمانهای افراطی.

۲) بررسی مأمور از نقطه نظر شرایط یا قابلیت دسترسی او.

۳) عامل طغیان و چپ افراطی.

۳- در مورد موضوع انتخابی جهت سمینار آینده مراتب ضمن انعکاس نظر آن اداره کل طی گزارشی بعرض تیمسار قائم مقام ساواک رسـید مقرر فرمودند موضوع سوم از سه موضوع پیشـنهادی سرویس اسرائیل (عامل طغیان و چپ افراطی) بعنوان سوژه مورد بحث در سـمینار سه جـانبه انتخاب شود. دلایل مربوط بانتخاب موضوع یاد شـده بالا با توجه به اوامری که صادر فرموده اند طی جلسه ای به اطلاع آن مدیریت کل خواهد رسید.

۴- ضـمنا در درجه دوم تقـدم موضـوع یکم از سه موضـوع پیشـنهادی سـرویس اسـرائیل را تعیین فرمودنـد که در اجرای اوامر معظم له ترتیبی داده خواهد شد که این موضوع در سمینارهای آینده مطرح و مورد بحث قرار گیرد.

۵- مقرر فرمودند یکنفر از آن اداره کل در سمینار شرکت نماید.

۶- در مورد کارمند شرکت کننده از طرف آن اداره کل در سمینار مقرر فرمودند با ستاد یکم

مسائل مربوط به کمونیزم تعیین و معرفی گردد.

علیهذا خواهشمند است دستور فرمایند ضمن تماس با ادارات کل سوم و هشتم در مورد تهیه گزارش سمینار اقدام لازم معمول و ضمنا یکنفر کارمند شرکت کننده از طرف آن اداره کل در

سمینار را به نام به این سازمان معرفی نمایند.

رئیس سازمان اطلاعات خارجی. سرلشگر معتضد(۱)

همان طور که پیش از این اشاره شد، کمیته های چندگانه اطلاعاتی، امنیتی و کمیته هماهنگی سرویس های سه گانه، نشست های دوره ای، به میزبانی هر سه سرویس اطلاعاتی برپا می کردند و در آن مباحثی را که مورد نیاز برای طرح در سمینار سه جانبه بود، مورد

بررسی و ارزیابی و گفت وگو قرار می دادند. گفتنی است که تصمیمات و مصوبات نهایی این

کمیته ها، قبل از طرح در سمینار سه جانبه که هر شش ماه یک بار برگزار می شد، در کنفرانس ها و یا شوراهای سه جانبه مطرح و مورد بحث و بررسی قرار می گرفت:

با توجه به قطعنامه شورای سه جانبه قرار بود موضوع استفاده از تسهیلات دیپلماتیک بوسیله

کشورهای عرب در جهت مقاصد براندازی و پیدا کردن طرق تعقیب و مقابله با هرگونه سوءاستفاده از مصونیت دیپلماتیک در کمیته هماهنگ کننده سه جانبه مطرح و مورد بحث قرار

گیرد. مراتب با توجه به نظر آن مدیریت کل بعرض تیمسار ریاست ساواک رسید تصویب فرمودند که با توجه به جنبه حرفه ای و فنی موضوع کمیته امنیت آینده که در ۲۴ اردیبهشت ماه ۵۲ در کشور ترکیه تشکیل می گردد آنرا مورد بحث قرار دهد. با توجه باینکه در اجرای اوامر

مراتب بهمین ترتیب به دو سرویس دیگر پیشنهاد خواهد شد خواهشمند است دستور فرمائید پیش بینی های لازم را جهت طرح موضوع در کنفرانس سه جانبه آینده معمول دارند.

رئیس سازمان اطلاعات خارجی. سرلشگر معتضد(۲)

پاکروان، مشاور حوزه ریاست ساواک، در شهریور سال ۱۳۵۳ طی یادداشتی، ضمن اشاره به برگزاری کنفرانس سه جانبه، در تهران، موضوعات در نظر گرفته شده برای طرح در اجلاس مذکور را ارایه و محور پیشنهادی برای سخنرانی رئیس ساواک در کنفرانس مزبور را

چنین آورده است:

۱- . گزارش ساواک؛ مورخ ۲۹/۱۱/۵۱؛ شماره ۵۲۵۹/۱۰۰۱پ.

۲- . گزارش ساواک؛ مورخ ۱۰/۱۱/۵۱؛ شماره ۵۲۲۲/۱۰۰۱پ.

یادداشت اداری

بدستور تیمسار مدیریت کل با توجه به اینکه کنفرانس سه جانبه در آینده نزدیک تشکیل خواهد شد خواهشمند است دستور فرمایند گزارشات درباره مطالب ذیل تهیه و تا تاریخ ۱۲/۷/۵۳ ماشین شده جهت تصویب در اختیار اینجانب قرار دهند.

الف – گزارشات بررسی شده با در نظر گرفتن اوضاع داخلی – سیاست خارجی – موقعیت نظامی و اقتصادی کشورهای[:]

۱– عراق

۲– کویت

۳– امارات عربی متحده

۴– قطر

۵– عمان

۶– عربستان سعودی

۷– مقدمه درباره فعالیت کشورهای کمونیست در منطقه و روابط بین الاعراب

ب – ۱– رئوس مطالب برای سخنرانی دور افق تیمسار ریاست ساواک (تا تاریخ ۲۰/۷/۵۳)

۲– پیشنهادات درباره تغییر فهرست نیازمندیهای اطلاعاتی

پ – پیشنهادات درباره تغییر عناصر اصلی خبر

ث – گزارش مبادله اخبار بین سه سرویسهای سه جانبه تا تاریخ ۱۵/۷/۵۳ با توجه به فهرست نیازمندیهای اطلاعاتی و میزان پوشش آن

ج – گزارش درباره اینکه تا تاریخ ۱۵/۷/۵۳ تا چه میزان عناصر اصلی اخبار وسیله سه سرویس از

نظر اطلاعات پوشانده شده است.

مشاور– پاکروان(۱)

گزارش دیگر ساواک حاکی است که سمینار مورخ بهمن ماه ۱۳۵۴ سرویس سه جانبه اطلاعاتی در تهران و در هفته اول ماه به میزبانی ساواک برگزار شده بود. به نظر می رسد، این نشست، بیست و یکمین سمینار سه جانبه سرویس های اطلاعاتی

ایران، ترکیه و اسرائیل

بوده است:

ص:

۱- . گزارش ساواک؛ مورخ ۳۰/۶/۵۳، بدون شماره، با طبقه بندی سری.

پیرو شماره ۲۸۰۰/۱۰۰۱پ -۱۱/۱۰/۵۴

طبق اطلاع واصله ۲ نفر نمایندگان سرویس اسرائیل بمنظور شرکت در سمینار سه جانبه در تاریخ ۳/۱۱/۵۴ با پرواز شماره ۵۶۳ العال بتهران وارد خواهند شد. ضمنا برابر اعلام رابط

سرویس مذکور نمایندگان سرویس اسرائیل تمایل دارند در تاریخ شنبه ۴/۱۱/۵۴ قبل از تشکیل

سمینار بسواحل دریای خزر مسافرت نمایند. متمنی است دستور فرمائید در اینمورد اقدام لازم

معمول دارند.

حوزه تیمسار ریاست ساواک - محیط(۱)

ص: ۱۴۲

۱- . گزارش ساواک؛ مورخ ۲۵/۱۰/۵۴؛ شماره ۹۲۱۲/۱۰۰۱پ.

گزارش های ساواک در اجلاس سه جانبه

آن گونه که اسناد موجود گواهی می دهند، در نشست های مربوط به کنفرانس یا شورای اطلاعاتی سه جانبه و نیز در بعضی سمینارها، رؤسای سرویس های اطلاعاتی ایران، اسرائیل

و ترکیه، موظف به ارایه گزارش به عنوان نطق افتتاحیه بودند. علاوه بر این دستور کار،

هریک از سرویس های سه گانه نیز گزارش نسبتا مبسوطی به عنوان حاصل نقطه نظرات، دیدگاه ها و دستاوردهای اطلاعاتی خود پیرامون مسایل منطقه خاورمیانه جمع آوری، تدوین و به اجلاس ارایه می کردند. برای نمونه، گزارش و یا نطق رئیس سرویس اطلاعاتی ایران، در شانزدهمین نشست شورای سه جانبه که در کشور ترکیه برگزار شده بود، حاوی اطلاعاتی درباره مسایل منطقه، کشور سوریه و روابط شوروی با بعضی دولت های عربی است که در بخشی از آن چنین آمده است:

آقای رئیس ژنرال آمیت، همکاران و دوستان گرامی

بسیار خوشحالم که امروز مجددا دوستان ترک و اسرائیل خود را در این جلسه که بمناسبت افتتاح شانزدهمین شورای سه جانبه تشکیل گردیده است ملاقات می کنم. جلسه امروز بما فرصت خواهد داد تا درباره مسائل منطقه ئی با یکدیگر گفتگو نمائیم. این مذاکرات خصوصا

برای ما حائز اهمیت خاص می باشد، زیرا همانطور که همگی شاهد بوده ایم در شش ماه اخیر

تغییرات و تحولات اساسی و قابل توجهی در خاورمیانه رخ داده است. در ظرف این مدت کشورهای باصطلاح انقلابی عرب که تاکنون از یک نوع سیاست تدافعی پیروی می نمودند اینک روش های تجاوزکارانه ئی را در پیش گرفته اند. همانطور که می دانیم برقراری صلح و آرامش منطقه که ظاهرا هدف کنفرانس سران عرب بود بتدریج جای خود را بتحولات جدیدی

داده است. ضعف کنونی رژیم سوریه به کشورهای باصطلاح انقلابی عرب فرصت مناسبی داده تا نیروهای تهاجمی و مخرب خود را در پایگاههای این کشور تقویت نمایند.

در فاصله این مدت عاملی که بیشتر باعث تشکل کشورهای باصطلاح انقلابی عرب شده سیاست قاطع دولت شوروی و حضور بیشتر وی در منطقه و عدم تعقیب یک سیاست مثبت از طرف دول غربی بوده است.

علاوه بر اعطای کمک های قابل ملاحظه نظامی به کشورهای مذکور در فوق دولت شوروی سیاست معتدل قبلی خود را در منطقه کنار گذاشته و حملات تبلیغاتی و تهدیدات سیاسی دامنه داری را علیه مخالفین کشورهای باصطلاح انقلابی عرب شروع نموده است.

تغییر سیاست شوروی از نظر ما حائز کمال اهمیت بوده و وظیفه ما را برای تأمین استقرار صلح مشکل تر می سازد.

در خاتمه مطالب مختصر خود آرزومندم که مذاکرات مؤثر و مفیدی در این شورا صورت گرفته و نتایج مثبتی عاید سرویسهای سه جانبه ما گردد.

آقای رئیس با اغتنام از این فرصت اجازه می خواهم از طرف خود و هیئت نمایندگی ایران از مهمان نوازی گرم دوستان ترک خود صمیمانه تشکر نمایم.(۱)

رئیس سرویس اطلاعاتی ایران، با استفاده از فرصت به دست آمده در بخش پایانی اجلاس شورای سه جانبه اطلاعاتی دوره شانزدهم، ضمن اظهار خرسندی از نحوه تبادل اطلاعات در این نشست با هدف مبارزه علیه دشمنان مشترک چنین گفت:

آقای رئیس – ژنرال امیت– همکاران و دوستان ارجمند

اکنون که شانزدهمین اجلاسیه شورای سه جانبه در شرف پایان است مایلم ضمن اظهار تشکر از جانب خود و اعضاء هیئت ایران مراتب خوشنودی خود را نیز از شرکت در این مذاکرات سودبخش و مفید ابراز دارم.

این جلسات نه تنها از نظر تبادل اطلاعات درباره اوضاع سیاسی منطقه مفید می باشد بلکه از

جهت تهیه مقدمات لازم برای مبارزه علیه دشمنان مشترک ما نیز اهمیت بسزائی دارد. اطمینان

دارم که ما با استفاده از روح همکاری و تفاهم مشترک موجود بین سه سرویس در آینده خواهیم

توانست گامهای سریعتری در اجرای مقاصد خود برداریم.

۱- . گزارش ساواک؛ بدون شماره و تاریخ، با طبقه بندی سری.

در خاتمه لازم می دانم از همکاریهای صمیمانه دبیرخانه و فعالیت مجدانه گزارش دهندگان و

همچنین از مهمان نوازی و پذیرائی بسیار گرم دوستان ترک که وسایل رفاه ما را به بهترین وجهی در این مدت فراهم ساخته اند تشکر نمایم.(۱)

علاوه بر رئیس ساواک، سرلشگر معتضد، رئیس اطلاعات خارجی نیز در نشست های کمیته های سه جانبه و یا شورا، در زمانی که ریاست هیأت ایرانی شرکت کننده در اجلاس را

به عهده می گرفت، چنین گزارش هایی ارایه می کرد. سخنرانی نامبرده در کمیته هماهنگی سه جانبه که در ترکیه و در تاریخ ۱۷ آذر ماه برگزار شده بود، نمونه ای از موارد مزبور است. نامبرده ضمن ابراز نگرانی از حضور شوروی در بعضی کشورهای عربی و نیز در اقیانوس هند، به ارزیابی وضعیت و موقعیت بعضی ممالک عربی و سازمان های فلسطینی و میزان تأثیر مرگ جمال عبدالناصر رئیس جمهور وقت مصر بر آن ها، مبادرت ورزید.

رئیس سازمان اطلاعات خارجی ایران شاهنشاهی در سخنرانی افتتاحیه کمیته هماهنگی، پس از اشاره به مسایلی درباره عراق، کردها و حضور کارشناسان شوروی در کشور یمن گزارش خود را به اتمام رساند:

نطق تیمسار سرلشگر معتضد در کمیته هماهنگ کننده سه جانبه (آنکارا ۱۷ آذر ماه ۱۳۴۹)

برای من مایه مسرت خاطر است که یکبار دیگر کمیته هماهنگ کننده سه جانبه در پایتخت زیبای کشور ترکیه تشکیل می شود. مانند همیشه سرویس ترکیه ترتیبات برگزاری این کنفرانس

را با دقت و توجه فراوان انجام داده و لازم می دانم در این مورد مراتب سپاسگزاری خود را اعلام دارم.

خوشوقتی من از شرکت در این جلسه دو چندان است چون فرصتی است تا با معاون جدید سرویس ترکیه آشنا شوم. مایلم از صمیم قلب به ژنرال آکگون بخاطر سمت جدیدشان تبریک گفته و ملحق شدن ایشان را به خانواده سه جانبه خوش آمد بگویم. اطمینان دارم با وجود ایشان در میان ما همکاریهای سه سرویس در زمینه های مختلف بمقیاس وسیع گذشته ادامه خواهد یافت.

آقایان – علیرغم مذاکراتی که میان شرق و غرب در سطوح مختلف و در زمینه مسائل گوناگون ادامه دارد عدم توافق طرفین درباره دو مسئله مهم خاورمیانه و ویتنام همچنان بچشم می خورد.

۱- . سند ساواک، بدون تاریخ و شماره، با طبقه بندی سری.

اگرچه این عـدم توافق بـدون شک اثرات منفی در محیط مذاکرات دو بلوک خواهد داشت لکن ادامه این مذاکرات نشانه آن است که طرفین به اهمیت و لزوم حفظ تفاهم بین المللی و جلوگیری از تشدید جنگ سرد واقف می باشند.

دسترسی شوروی به پایگاه SOCOTA در اقیانوس هند و جزیره PRIM در تنگه باب المندب امکانات بیشتری برای فعالیت های نفوذی شوروی در حوزه اقیانوس هند و خلیج فارس فراهم

ساخته است و بـا اینکه بسته مانـدن کانـال سـوئز هنـوز اثرات منفی در امکانـات نفـوذی شوروی در این منطقه دارد معـذلک افزایش نفوذ شوروی در مصر و سودان و جمهوری خلق یمن جنوبی تا حـد زیادی این اثرات را خنثی نموده است و قرائن این امر را بطور خلاصه بشرح زیر می توان

ذکر کرد:

افزایش تسلط شوروی بر امور نظـامی و سیاسـی مصـر- دریـافت سـلاح و تجهیزات نظـامی شوروی از طرف سودان (بویژه در نیروی هـوائی) و اسـتفاده شـوروی از تسـهیلات بنـدری پـورت سودان - افزایش تسـلط کارشـناسان شوروی در امور نظـامی و سیاسـی جمهوری خلق یمن جنوبی و اسـتفاده شوروی از پایگاه عـدن برای سوختگیری کشتی ها و هدایت فعالیت های نفوذی خود برای رخنه در خلیج فارس از این کشور.

ادامه حضـور شوروی در مـدیترانه کماکـان نشـانه توجه شوروی به این منطقه حسـاس است که از نظر سیاسـی و نظـامی حـائز اهمیت می باشد و این امر امکانات شوروی را جهت تثبیت موقعیت

نفوذی خود در کشورهای عربی مجاور این منطقه افزایش می دهد. با آنکه تمدید آتش بس در

منطقه خاورمیانه روزنه امیدی جهت ادامه مأموریت یارینگ بوجود آورده است معذلک عوامل

نگران کننده ای در عمق مسائل سیاسی منطقه به چشم می خورد که ادامه این وضع را برای مدت

نامحدودی بعید می نماید.

آقایان - مرگ ناصـر با توجه به موقعیت خاص وی در جهان عرب و وقایع خونین سـپتامبر گذشته در اردن موجب تغییراتی در خاورمیانه عربی شده است که ممکن است در آینده دگرگونیهای دیگری را بدنبال داشته باشد که اثرات قطعی آن بطور دقیق هنوز قابل پیش بینی نیست. این

تحولات مسائلی را نظیر مطالب زیر بوجود می آورد که مثلاً:

- آیا می توان انتظار پیدا شدن جانشینی همطراز ناصر در جهان عرب را داشت؟

- آیا مرگ ناصر تا چه حد زمینه را برای گسترش فعالیت و نفوذ حزب بعث فراهم نموده است؟

– آیا شکست نظامی سازمانهای فلسطینی در نتیجه حوادث اخیر اردن آنطوریکه انتظار می رفت

موقعیت سیاسی این سازمانها را نیز تضعیف کرده است یا اثرات معکوس در این زمینه به جای

گذارده است؟

– آیا با وقایع اخیر سوریه و عضویت این کشور در فدراسیون در حال تشکیل مصر– سودان و لیبی و– ابراز تمایل غیررسمی اردن به پیوستن بآن موجبات تشکیل یک قطب سیاسی مقتدر برهبری مصر فراهم خواهد شد؟ و در صورت تحقق این امر فدراسیون مزبور تا چه حد در حل مسائل مبتلا به اعراب تأثیر خواهد داشت و آیا اصولاً دوام و ثباتی خواهد یافت؟

– آیا مبارزات داخلی زمامداران بعثی عراق را باید خاتمه یافته دانست و آیا مسئله کُرد را در این کشور می توان حل شده تلقی نمود؟ و بسیاری سؤالات دیگر.

که اگرچه با وقت کمی که این کمیته در اختیار دارد شاید نتوان عمیقا به بررسی این مسائل

پرداخت لیکن امیدوارم هنگام تشکیل شورای سه جانبه آینده در تهران گذشت زمان از یک طرف پاره ای از این مسائل را جواب داده باشد و هم با فرصت بیشتری مسائل منطقه را مورد

بررسی قرار دهیم.

اکنون از معاونان سرویسهای ترکیه و اسرائیل درخواست می کنم که در صورت تمایل نطقهای افتتاحیه خود را ایراد بفرمایند. متشکرم.(۱)

نمونه دیگر در این باره، سخنرانی رئیس ساواک در بیست و ششمین نشست شورای سه جانبه سرویس های اطلاعاتی ایران، اسرائیل و ترکیه است که در سال ۱۳۵۱، در تل آویو

برپا شده بود. او پس از اشاره به پاره ای تحولات بین المللی، افزایش قدرت چین و نفوذ آن کشور در سراسر جهان و به خصوص آسیا و آفریقا، به نفوذ شوروی در بعضی کشورهای عربی پرداخت. او در ادامه پس از اشاره به اوضاع سیاسی خاورمیانه خواستار تحلیل و تجزیه مسایل حساس منطقه و پیش بینی حوادث آینده شد:

نطق افتتاحیه ریاست ساواک در بیست و ششمین شورای سه جانبه تل آویو– ۲۰– ۲۱ اردیبهشت ماه ۵۱

ژنرال ضمیر– ژنرال ارسین– نمایندگان محترم – دوستان

بسیار خوشوقتم که یکبار دیگر فرصتی دست داد تا در شهر زیبای تل آویو بدور هم جمع شویم

۱- . سند ساواک، مربوط به نطق سرلشگر معتضد در اجلاس سه جانبه ترکیه، ۱۷ آذر ۱۳۴۹.

و پیرامون آخرین تحولات منطقه مورد علاقه خود به تبادل نظر بپردازیم.

با استفاده از این فرصت مایلم خاطرنشان سازم که جهان وارد مرحله جدیدی از سیر تحولات خود گردیده است، چه مسافرت نیکسون به چین انجام گرفته و اثرات این دیدار نیز تا حدودی

روشن گردیده است. چین امروز بصورت یک قدرت بزرگ شناخته شده بمنظور مستحکم ساختن پایه های نفوذ خود دست بفعالیت وسیعی در سراسر کشورهای جهان و بخصوص آسیا و افریقا زده است. اگرچه دنباله این تحولات را بایستی در نتایج مسافرت آینده نیکسون

بشوروی جستجو نمود ولی بایستی توجه داشت که از هم اکنون فعالیت هائی بصورت رقابت شدید بین شوروی و چین در صحنه سیاست جهان آغاز گردیده و در حقیقت مسافرت و مذاکرات نیکسون با مقامات چین نتوانسته است از میزان بحران بین المللی بکاهد، زیرا دولت

شوروی اهمیت مسافرت نیکسون به چین را در مطالبی احساس می نماید که در اعلامیه مشترک

درج نگردیده است و به همین علت نیز از هم اکنون شوروی با توجه به موقعیت نفوذی خود در

کشورهای منطقه دست به اقدامات وسیع سیاسی زده تا پیشگیری لازم را در برابر اقدامات تهاجمی سیاسی چین بعمل آورد.

ادامه بحران خاورمیانه عربی که عامل بزرگی در فراهم نمودن زمینه برای نفوذ شوروی محسوب می گردد همچنان مورد بهره برداری دقیق و حساب شده آن کشور قرار دارد و باید بارزترین اقدام اخیر شوروی را در زمینه بسط نفوذ خود در منطقه امضاء پیمان دوستی با عراق دانست چه این پیمان توجه خاص شوروی را بایجاد پایگاه مهم دیگری در خاورمیانه بخوبی نشان می دهد و از این پس آن کشور قادر خواهد بود که هدف قدیمی خود را که دست یافتن به

خلیج فارس و شبه جزیره عربستان است به مرحله عمل نزدیک تر نماید و از طرف دیگر این پیمان باعث تقویت رژیم بعثی عراق در جهان عرب خواهد شد و این کشور را به صورت پایگاه فعالتری جهت ادامه فعالیت های خرابکارانه علیه کشورهای منطقه درخواهد آورد. شک

نیست که تحکیم موقعیت نفوذی شوروی در عراق موقعیت غرب در شرق مدیترانه – امنیت خلیج فارس و منطقه سنتو را مورد تهدید قرار خواهد داد و بدون شک بادامه بحران در منطقه

عربی خاورمیانه که گاه گاه امیدواری ناپایداری برای تخفیف آن بوجود می آید کمک خواهد

کرد. در اینجا بیمورد نمی دانم که اضافه نمایم روش شوروی از زمان خاتمه جنگ دوم جهانی

آن بوده است که تحت پوشش سیاست مسالمت آمیز خود و با اعطای کمک های اقتصادی و

نظامی جای پای محکمی در کشورها ایجاد نماید و متأسفانه این روش از طرف شوروی مقارن با دورانی بوده است که انگلستان بمنظور صرفه جوئی بیشتر در هزینه های خارجی خود از یکسو و آمریکا نیز بعلل درگیری در خاور دور از سوی دیگر اقدام مؤثری در جلوگیری از تهاجم سیاسی بشوروی بعمل نمی آورند.

خاورمیانه و بخصوص منطقه خلیج فارس نیز همچنان صحنه حساس رقابت قدرتهای سیاسی مختلف می باشد. پس از تشکیل امارات متحده عرب در منطقه رقابت های سیاسی و سنتی در بین امارات جلب توجه نموده و فعالیت های عوامل خرابکار که از جانب دولت بعثی عراق حمایت می گردند به چشم می خورد و وابستگی های مستقیمی بین این گروهها و شوروی مشاهده می گردد.

دولت چین نیز با توجه به روابطی که با جمهوری دمکراتیک خلق یمن و کویت برقرار نموده سعی دارد تا نفوذ سیاسی خود را در منطقه توسعه دهد و در این زمینه نیز اقداماتی از قبیل

اعزام نمایندگان سیار بامارات متحده عربی بعمل آورده است. با تشدید فعالیتهای چین می توان

انتظار داشت که شوروی نیز دامنه فعالیتهای نفوذی خود را وسعت داده و تلاش بیشتری بعمل

آورد تا از یکسو یک سد ممانعتی بین کشورهای خاورمیانه و چین بوجود آورده و از سوی دیگر مواضع نفوذی خود را در برابر غرب تحکیم نماید. بهمین جهت تهاجم سیاسی شوروی را در خاورمیانه تنها با تحکیم موقع این کشور در عراق نباید خاتمه یافته تلقی نمود.

آقایان با توجه بمراتب گفته شده وظیفه دقیق و حساس این جلسات حکم می کند که رویدادهای مهم و مؤثر منطقه را مورد تجزیه و تحلیل قرار داده و تصویر روشن و گویائی از وضع موجود و حوادث احتمالی آینده ترسیم و راههای مقابله با آنها را پیشنهاد نماید.

بار دیگر مسرت و خشنودی خود را از دیدار دوستان عزیز و نمایندگان و همکاران محترم اعلام داشته و امیدوارم بتوانیم نتایج ارزنده و قابل توجهی از این جلسات بدست آوریم.

متشکرم(۱)

گزارش رئیس ساواک به سی امین کنفرانس سه جانبه اطلاعاتی که در تهران برپا شده بود یکی دیگر از سخنرانی های طرف ایرانی در نشست اطلاعاتی سه جانبه ایران، اسرائیل و

۱- . سند ساواک؛ مربوط به سخنرانی رئیس ساواک در بیست و ششمین شورای سه جانبه، ۲۰-۲۱ اردیبهشت ۱۳۵۱، تل آویو.

ترکیه است:

سخنرانی افتتاحیه تیمسار ریاست ساواک در سی امین کنفرانس سه جانبه - تهران

ژنرال گورکوچ- ژنرال خوفی- نمایندگان و همکاران محترم

بسیار مسرورم که ورود دوستان و همکاران محترم را به تهران خوش آمد بگویم و خوشوقتی خود را از اینکه سی امین کنفرانس سه جانبه بار دیگر این فرصت پرارزش را برای تجمع ما و بحث و تبادل نظر پیرامون رویدادها و تحولات منطقه فراهم آورده ابراز می دارم.

همکاران عزیز

در طول مدتی که از آخرین ملاقات ما می گذرد رویدادهای مهمی در منطقه حساس خاورمیانه و سایر نقاط جهان رخ داده است که مهمترین آنها تلاش ناموفق وزیر امور خارجه آمریکا برای

اجرای سیاست گام به گام تغییرات در گروه بندیهای سیاسی کشورهای عرب و کوشش آنها برای همبستگی بیشتر- اثرات سیاست شوروی در منطقه - افزایش فعالیت تروریستهای فلسطینی و بین المللی بوده است که بعدا به تفصیل در این زمینه ها صحبت خواهد شد.

امیدوارم با استفاده کامل از این فرصت و تجزیه و تحلیل حوادث و رویدادهای منطقه بتوانیم تصویر واضحتری از وضع موجود و تحولات آینده ترسیم نمائیم و بر اساس این برآوردها توصیه های لازم را برای مقابله با هر نوع تحول و رویداد ناخوشایند و کمک برفع بحران تهیه نمائیم.

بار دیگر مسرت خود را از تجدید دیدار دوستان و همکاران محترم در تهران ابراز می دارم و اوقات خوشی را در طی مدت کوتاهی که در تهران هستید برای شما آرزو می کنم.

اینک با خوشوقتی کامل سی امین کنفرانس سه جانبه را افتتاح کرده و برای آن نتایج درخشانی را آرزو می کنم.(۱)

متشکرم

علاوه بر نطق رئیس ساواک، گزارش مبسوطی نیز از سوی سرویس اطلاعاتی ایران شاهنشاهی به سی امین کنفرانس سه جانبه تهران ارایه شد. در این گزارش با اشاره به شیوه های فعالیت های جاسوسی و اطلاعاتی شوروی در کشورهای منطقه، از جمله ایران و نقش آن ها در تقویت تحرکات کمونیستی تصریح و تأکید شده است. در گزارش مزبور با

۱- . سند ساواک، سخنرانی رئیس این سازمان در سی امین کنفرانس سه جانبه، تهران، بدون تاریخ و شماره.

شرح شگردهای اطلاعاتی جاسوسان شوروی در ایران و نحوه فعالیت های سیاسی و اطلاعاتی آن ها در این کشور، نسبت به اهداف سرویس جاسوسی و اطلاعاتی آن کشور در ایران، ابراز نگرانی شده است:

گزارش ایران – سی امین کنفرانس سه جانبه – تهران

تحولات جاری در شیوه های جاسوسی و جمع آوری اطلاعات عملیاتی دشمن و اقدامات متقابل علیه اینگونه فعالیتها

سرویس های اطلاعاتی بلوک شرق در ایران بخصوص شوروی متناوبا در شیوه های جاسوسی خود در ایران تغییراتی را بوجود می آورند البته این تغییرات بمنزله ایجاد تحولات کلی در شیوه های گذشته نیست بلکه در این مورد می توان گفت که سرویس اطلاعاتی مزبور کیفیت و

کمیت فعالیتهای پنهانی و یا آشکار خود را با کیفیت و میزان روابط سیاسی و نحوه اقدامات

ضداطلاعاتی و مراقبتی واحدهای مربوطه هماهنگ می نماید. کمااینکه طی یکسال گذشته که خط مشی سیاسی ایران در زمینه های مختلف مورد پسند باطنی مقامات شوروی نبوده فعالیتهای

اطلاعاتی آنها برای جمع آوری اطلاعات مورد نظر جنبه پنهانی تر به خود گرفته و شورویها

سعی می نمایند ضمن پنهانکاری عملیات خود از ایجاد سوءتفاهمات سیاسی جلوگیری نمایند.

موضوع مهم دیگری که در زمینه جمع آوری اطلاعات توسط افسران اطلاعاتی شوروی تحولی بشمار می رود انتقال فعالیتهای افسران اطلاعاتی به شهرستانها و مناطق مرزی است. قرائنی

وجود دارد که تعدادی از افسران اطلاعاتی شوروی برخلاف مقررات مسافرتهای پیش بینی نشده ای را بدون اطلاع وزارت امور خارجه ایران انجام می دهند و یا افسران اطلاعاتی سرویس مزبور مستقر در بعضی از شهرستانهای ایران بمانند اصفهان یا رشت متناوبا بتهران

مسافرت می نمایند که این امر از دید ضدجاسوسی پنهان نبوده و اینگونه مسافرتهای شورویها شیوه جدیدی در ایران برای تماس با منابع و جمع آوری اطلاعات مورد نیاز عملیاتی محسوب

می شود. در ضمن چند سالی بود که از افسران اطلاعاتی شوروی قرینه ای مبنی بر شرکت آنان

در شناسائی افراد محلی متمایل به شورویها مشاهده نمی شد در حالیکه اخیرا تعدادی از آنها

برای شناسائی ایرانیان چپ گرا و ارتباط دادن آنان با سازمانهای مخالف رژیم مستقر در خارج از کشور اقداماتی را انجام می دهند.

با توجه به مطالب فوق موارد مشروح زیر تا حدی بیانگر تحولات جاری افسران اطلاعاتی

ص: ۱۵۱

شوروی در زمینه جمع آوری اطلاعات مورد احتیاج می باشد.

۱- شیوه جمع آوری اطلاعات عملیاتی از سازمانهای سیاسی

سرویس اطلاعاتی شوروی برای جمع آوری اطلاعات عملیاتی کوشش می نماید از کلیه امکانات استفاده نماید. سازمانهائی نظیر ارتش - وزارت امور خارجه - ساواک از هدفهای مورد نظر شوروی می باشند. در گذشته ملاحظه می شد که سرویس اطلاعاتی شوروی برای جمع آوری اطلاعات نظامی از افسران وابسته به گروه جی. آر. یو استفاده می کرد ولی اکنون می توان گفت که گروههای کی. جی. بی و جی. آر. یو در جستجوی هر نوع اطلاعات عملیاتی می باشند.

شیوه جدید سرویس اطلاعاتی شوروی جهت نفوذ در ارتش نشان کردن و استخدام افراد مورد نظر در تمام سطوح ارتش می باشد در حالیکه در گذشته فقط بافسران توجه زیاد مبذول می داشتند حال آنکه اکنون مشاهده می شود که حتی کوشش می شود از سربازان نیز استفاده

اطلاعاتی نمایند.

در زمینه جمع آوری اطلاعات نظامی استنباط ما اینست که سرویس مزبور با توجه به خط مشی شوروی در کشورهای عربی خاورمیانه بخصوص توسعه روابط آن کشور با عراق از اطلاعات جمع آوری شده نظامی به نفع عراق استفاده می کند و این قبیل اخبار و اطلاعات بین دو سرویس کشور مزبور مبادله می گردد.

در زمینه نفوذ در ارتش سرویس ضدجاسوسی اخیرا موفق گردید که از طریق بررسی حرکات یکی از افسران اطلاعاتی شوروی تماسهای او را با یکی از افسران ارتش کشف نماید که تشریح این کیس نشان می دهد که سرویس مزبور تا چه حد برای جمع آوری اطلاعات مورد نظر

و بخصوص رهبری منابع ارزنده در جمع آوری اطلاعات شیوه های جدید را بکار می برد. در زمینه نفوذ در وزارت امور خارجه سرویس اطلاعاتی شوروی قبلاً- سعی می کرد که برای جمع آوری اطلاعات مورد نظر از طریق نشان کردن مستقیم افراد در وزارت امور خارجه اقدامات خود را دنبال نماید ولی اکنون سرویس مزبور سعی دارد که با آلوده نمودن کارمندان

وزارت امور خارجه در کشورهای خارج بخصوص شوروی بعضی از آنها را از طریق تهدید وادار به همکاری نماید که در این مورد نیز قرائن بسیار جالبی وجود دارد[.] شیوه دیگری که اخیرا از طرف سرویس اطلاعات شوروی مشاهده گردیده انتخاب تعدادی از دانشجویان

ایرانی مقیم خارج می باشد که آنها را بطرف نمایندگیهای ایران راهنمائی می نماید که با کارمندان نمایندگیها روابط دوستانه ایجاد کرده و ضمن جمع آوری اطلاعات مورد نظر شرایط

را برای استخدام در وزارت امور خارجه یا سایر سازمانها آماده نمایند که در اینمورد نیز

قرینه ای از طرف سرویس اطلاعاتی آلمان شرقی مشاهده شد که بطور خلاصه تشریح می گردد.

۲- نحوه جمع آوری اطلاعات اقتصادی

در شیوه جمع آوری اطلاعات اقتصادی توسط افسران اطلاعات شوروی تغییر ایجاد نشده است ولی با توجه به پیشرفتهای اقتصادی ایران و زمینه مساعد برای معاملات بازرگانی باعث

گردیده که افسران اطلاعاتی عضو جی. آر. یو که عموما در اداره بازرگانی شوروی بکار اشتغال دارند از طریق ایجاد روابط دوستی با بازرگانان و آلوده نمودن تعدادی از آنها و افراد واسطه از کیفیت فعالیتهای اقتصادی ایران بااطلاع شوند. از طرفی نفوذ در شرکتهای بازرگانی خصوصی

که وسیله سرمایه گذاریهای خارجی اداره می شود از هدفهای افسران اطلاعاتی شوروی می باشد و در این زمینه طی سال گذشته بارها مشاهده شد که تعدادی از افسران اطلاعاتی

مزبور برای جمع آوری اطلاعات عملیاتی از طریق این شرکتها که تجهیزات نظامی ارتش را تأمین می نمایند فعالیتهای پیگیری داشته اند.

۳- نحوه جمع آوری اطلاعات در زمینه های براندازی و خرابکاری

طی چند سال گذشته قرائن مهمی که نشان دهنده تمایل افسران اطلاعاتی شوروی به شرکت در فعالیتهای حزبی و براندازی باشد مشاهده نشده بود ولی اخیرا افسران اطلاعاتی شوروی ضمن تماس با افرادیکه دارای عقاید کمونیستی و متمایل به چپ می باشند درباره قشرهای ناراضی و مخالف رژیم تحقیق و در صدد شناسائی افراد خرابکار و تماس با آنان برآمده اند و حتی مشاهده گردیده که یکی از افسران فعال سفارت شوروی برای تماس با افراد ایرانی متمایل بشوروی اقداماتی را آغاز نموده و طی آن نشریات و آدرس مکاتباتی حزب منحله توده

(یکی از احزاب غیرقانونی) را برای اتباع ایرانی ارسال و راهنمائی نموده بود که با توجه به آدرس داده شده با حزب منحله توده ارتباط برقرار نماید.

علاوه بر نکات فوق قرائن دیگری مبنی بر نزدیکی افسران اطلاعاتی شوروی به دانشجویان و جوانان ایران مشاهده گردیده و سرویس ضدجاسوسی را هوشیار کرده که در مورد اقدامات افسران اطلاعاتی مزبور در این زمینه توجه بیشتری مبذول نماید. علیهذا سرویس مزبور کوشش

می نماید که از مسافرت کارآموزان ایرانی به شوروی و سایر کشورهای اقمار از طریق محرک یابی از تعدادی از آنها برای انجام فعالیتهای حزبی جلب همکاری نماید. از طرفی ایجاد

تسهیلات بسیار از طرف سفارت شوروی برای مسافرت دانشجویان ایرانی به شوروی جهت ادامه تحصیلات عالیه از قرائن دیگری است که سرویس اطلاعاتی شوروی برای جمع آوری اطلاعات عملیاتی و پیاده کردن طرحهای ایدئولوژیک خود اقداماتی را از طریق افسران اطلاعاتی خود آغاز کرده است که در مورد آغاز این اقدامات قرائن بسیاری طی یکسال گذشته

دیده شده است.

جمع آوری اطلاعات عملیاتی توسط افسران اطلاعاتی شوروی

اخیرا قرائن متعددی مبنی بر تلاش افسران اطلاعاتی شوروی در زمینه جمع آوری اطلاعات عملیاتی در موارد مختلف بخصوص مدارک هویت و شناسائی بدست آمده و افسران اطلاعاتی شوروی ضمن تماس با منابع و افراد مورد اعتماد خود مبادرت به جمع آوری مدارک هویت نظیر شناسنامه – گذرنامه – دیپلم سفید دکترای دانشگاه – گواهی فوت – لیست افراد گمشده در ایران در سالهای مختلف. قباله سفید ازدواج. قانون ازدواج و طلاق قانون حمایت خانواده –

دفتر ثبت وقایع ازدواج و غیره نموده اند اگرچه کلیه سرویسهای اطلاعاتی یکنوع مدارک عملیاتی جمع آوری می نمایند ولی تلاش شورویها در این باره بیش از حد بوده و از طرفی

تحصیل این قبیل مدارک در کشور شاهنشاهی ایران سهل می باشد و پیش بینی می شود که امکان

دارد سرویس اطلاعاتی شوروی از اینگونه مدارک بتعداد زیادی تهیه نموده و در آینده نزدیک

و یا در موقعیتهای مناسب با استفاده از آن عده زیادی از ایرانیان مقیم شوروی را که به تابعیت آن کشور درآمده اند و یا از ایرانیان مقیم کشورهای هدف را جهت انجام مقاصد جاسوسی براندازی و خرابکاری بایران سوق دهند.

نکته دیگری که جلب توجه نموده جمع آوری اطلاعات عملیاتی توسط افسران اطلاعاتی شوروی در زمینه های صنعتی و فنی است و غالبا مشاهده می شود که افسران اطلاعاتی شوروی

بخصوص اعضاء جی. آر. یو در ایران تلاشهائی در مورد جمع آوری اطلاعاتی نظیر مشخصات رادارهای مورد استفاده ارتش. مشخصات دستگاههای مخابراتی مکروویو. مشخصات هواپیماهای جدید خریداری شده ارتش. نمونه های فنی سیمهای مورد استفاده در هواپیماهای

جت. پوشش اسفالت و پوشش آشیانه فرودگاههای نظامی – کاتالوگ های مربوطه. دستگاههای

اطفاء حریق در فرودگاهها و مراکز حساس - تعداد واگنهای راه آهن و مشخصات ریلهای موجود در ایران - مشخصات دستگاههای مخابراتی فروخته شده بسازمانهای انتظامی و غیره نموده اند و حتی مشاهده شده که برای جمع آوری اینگونه اطلاعات عملیاتی مبالغ هنگفتی

صرف کرده اند و با توجه به اینکه روابط نزدیکی بین مقامات شوروی و سفارت عراق در تهران

وجود دارد استنباط می گردد که افسران اطلاعاتی شوروی اینگونه اطلاعات عملیاتی را جهت

تغذیه مقامات عراقی جمع آوری می نمایند.(۱)

سخنرانی رئیس ساواک در کنفرانس سه جانبه دیگر که در سال ۱۳۵۴ در تهران برپا شد، از بعضی جنبه ها قابل توجه و حائز اهمیت است. این سخنرانی حول محور نقش شوروی در خاورمیانه، اوضاع حاکم بر جهان عرب، تحرکات سازمان های فلسطینی، اوضاع شبه قاره هند، شرق آفریقا، توافق ایران و عراق، مسأله کُردها در عراق ارائه شد. محور سخنرانی

مزبور، بر اساس گزارش ساواک به شرح ذیل است:

رئوس مطالب نطق تیمسار ریاست ساواک در کنفرانس سه جانبه - تهران

- نقش و موقعیت شوروی در تلاشهای مربوط به حل بحران خاورمیانه پس از شکست طرح گام به گام آمریکا.

- توسعه روشهای میانه روی در بین دول عربی و مساعد شدن زمینه همبستگی بیشتر اعراب.

- محدود شدن فعالیتهای دست چپی در امارات خلیج فارس.

- افزایش فعالیت های تروریست های فلسطینی و بین المللی بعنوان عاملی در جهت تهدید صلح

در خاورمیانه، جهان.

- ادامه تشنج موجود بین افغانستان و پاکستان بعنوان زمینه مناسبی برای بهره برداری شوروی

بمنظور نفوذ در این منطقه. (بطور کلی و سربسته اشاره شد که امیدهایی برای حل اختلاف آنها وجود دارد).

- فعالیتهای نفوذی شوروی در اقیانوس هند- شرق افریقا و حوزه باب المندب[.]

- پیدایش روزنه امیدوار کننده ای برای حل مسئله قبرس و دریای اژه (آرزوی حل این اختلاف

و بالنتیجه کمک به برقراری صلح و آرامش در منطقه)[.]

- مقرر فرمودند در باب توافق اخیر بین ایران و عراق بطور کلی و در حدود مطالبی که منتشر

۱- . گزارش ساواک به سی امین کنفرانس سه جانبه اطلاعاتی، تهران، بدون شماره و تاریخ، با طبقه بندی سری.

شد و هم چنین اظهارات ملامصطفی توضیحاتی داده شد.

- با توجه به اینکه انتظار می رود شوروی با برخی از کشورهای عرب منطقه روابط سیاسی برقرار نماید با این ترتیب دست عوامل شوروی برای نفوذ در منطقه بازتر خواهد شد.

با توجه به ادامه جلسه (در ۲۰/۳/۵۴) متن سخنرانی تهیه و ارائه شد که برای تصویب بعرض برسد.(۱)

متن کامل و مشروح سخنرانی رئیس ساواک در کنفرانس سه جانبه اطلاعاتی در تهران، در سال ۱۳۵۴، به شرح ذیل است:

سخنرانی دورافق تیمسار ریاست ساواک کنفرانس سه جانبه - تهران

ژنرال گورگوچ- ژنرال خوفی- همکاران عزیز

در مدتی که از آخرین ملاقات ما می گذرد منطقه بحرانی خاورمیانه تحت تأثیر رقابتهای شرق و غرب و پیدا شدن عوامل جدیدی در جهت گیریهای سیاسی، با تحولاتی مواجه بوده است. تحرک اولیه ای که در صحنه سیاسی منطقه در جهت استقرار صلح بوجود آمده بود اینک جای خود را به دوره ای از رکود فعالیتهای سیاسی داده و در نتیجه بحران همچنان بعنوان یک کانون خطر، آرامش منطقه را تهدید می کند.

در تشریح این نظر باید اشاره نمایم که پس از جنگ اکتبر ۱۹۷۳ عوامل جدیدی در جهت گیریهای سیاسی منطقه ظاهر گردید. از یکطرف افزایش فوق العاده درآمد کشورهای عربی نیاز و اتکاء آنها را به شوروی برای تأمین نیازمندیهای اقتصادی و نظامی و فنی کاهش

داد و از سوی دیگر گسترش روشهای سیاسی معتدل و همبستگی نسبی اعراب شرایط نامساعدی در برابر سیاست نفوذی شوروی ایجاد کردند.

بموازات این رویدادها به غیبت چند ساله آمریکا در برخی از کشورهای عربی از جمله مصر پایان داده شد و سرانجام بدنبال قبول طرح گام به گام آمریکا از جانب اعراب و اسرائیل[،]

شوروی از داشتن نقش فعالی در سیاست منطقه محروم گردید و بهمین علت مسکو کوشش نمود تا از موفقیت مأموریت وزیر امور خارجه آمریکا جلوگیری نماید. برای انجام این منظور با

حمایت از سوریه و تقویت بنیه نظامی آن با سلاحهای پیشرفته و پشتیبانی از خواسته های

۱- . گزارش ساواک، درباره محور سخنرانی رئیس آن سازمان در کنفرانس سه جانبه تهران، نیمه اول سال ۱۳۵۴، با طبقه

بندی سری.

فلسطینی ها، ضمن کارشکنی و مخالفت با طرح گام به گام کیسینجر زمینه مناسبی برای اعمال

نظرات سیاسی خود و شرکت در تلاشهای مربوط به حل بحران منطقه بدست آورد و فعالیتهای دیپلماتیک خود را از طریق تماس با کشورهای مصر- سوریه - اردن - عراق و همچنین یاسرعرفات ادامه داد تا زمینه را برای موفقیت کنفرانس صلح ژنو بصورتی که مسکو خواهان

آنست هموار نماید.

بموازات این کوششها با توجه به فعالیتهائی که برای افتتاح مجدد کانال سوئز بعمل می آید شورویها از مدتی قبل کوشش کرده اند که موفقیت خود را در دهانه باب المندب مستحکم سازند. انعقاد قرارداد دوستی با سومالی و بخشودگی قسمت قابل توجهی از بدهیهای جمهوری دمکراتیک خلق یمن و سومالی از جمله امتیازات کم سابقه ای بود که شورویها داده اند، نشانه اهمیت فوق العاده ای است که مسکو به این منطقه می دهد. گفته می شود که شوروی علاوه بر اقداماتی که در جهت توسعه بنادر بربرا- کیسمایو و مگادیشو بعمل آورده

است اخیرا مشغول ساختمان یک پایگاه دریائی و تأسیسات رادار در منطقه دماغه شیامبون (واقع در نزدیکی مرز کنیا) می باشد. همچنین گزارشهائی در مورد ایجاد یک پایگاه موشکی در بندر بربرا با موشکهای (scud-B)sc-۱e با برد تقریبی ۳۰۰ کیلومتر و ssn-۵ با بردی در حدود یکهزار کیلومتر توسط شورویها واصل شده است.

بطور کلی هدف عمده شوروی در اقیانوس هند نظیر سایر نقاط جهان توسعه نفوذ خود و تضعیف نفوذ غرب بویژه آمریکا است ولی در عین حال مایل به برخورد با ایالات متحده آمریکا و تهدید سیاست فعلی تشنج زدائی با واشنگتن (detent) نمی باشد.

مسکو بعنوان یک ابرقدرت علاقمند است که قدرت خود را به کشورهای این منطقه نشان دهد. برای انجام این منظور می کوشد از ناراحتیهای داخلی و اختلافات نژادی و زبانی و مشکلات

اقتصادی و مالی کشورهای ساحلی اقیانوس هند بهره برداری نموده و توانائی خود را به داشتن

نقش فعالی در مسائل جهانی به کشورهای کوچک نشان دهد.

شوروی با توسعه حضور خود در اقیانوس هند مایل است این نکته را ثابت کند که نیروی دریائی آن کشور از حالت یک نیروی دفاعی بصورت یک قدرت عظیم جهانی تبدیل شده و کشورهای غیرمتعهد را متقاعد سازد که قدرت نظامی آن کشور یک واقعیت انکارناپذیر است،

در عین حال رفت و آمد کشتیهای شوروی به بنادر این منطقه موجب دلگرمی عوامل خرابکار

از نزدیک بودن حضور نظامی شوروی است. شوروی در صحنه سیاست بین المللی با توجه به ضعفی که اروپا دارد، در رویاروئی با ایالات متحده آمریکا می کوشد که از هر لحاظ نقش یک ابرقدرت را ایفا کند، از اینرو مایل است در مناطقی که آمریکا به فعالیت پرداخته حداقل

بصورت ناظر حضور داشته باشد.

در حال حاضر شوروی کوشش می کند از طریق روابط دوستانه و وابستگی های اقتصادی و نظامی با کشورهای اقیانوس هند نفوذ خود را در این کشورها گسترش دهد و با توجه به اینکه

تاکنون نتوانسته در منطقه اقیانوس هند پایگاههای هوائی و دریائی تحصیل کند، لذا در جهت

تضعیف نفوذ آمریکا، کشورهای ساحلی را به اتخاذ سیاست بیطرفی و شرکت در پیمان پیشنهادی امنیت دستجمعی آسیا دعوت می کند. لذا بنظر می رسد که منافع شوروی در اقیانوس

هند در جهت تأمین راههای دریائی نبوده بلکه بیشتر معطوف به سواحل کشورهائی است که شوروی به سیاست عدم تعهد آنها و دور کردن این کشورها از غرب و جمهوری خلق چین اهمیت می دهد.

با توضیحاتی که داده شد بنظر می رسد که میزان گسترش قدرت دریائی شوروی در اقیانوس هند بستگی به عوامل زیر دارد:

- میزان گسترش قدرت دریائی آمریکا

- حدود توانائی شوروی در توسعه قدرت دریائی خویش در اقیانوس هند

- افتتاح مجدد کانال سوئز

در بررسی تحولات منطقه مایلم به این نکته اشاره نمایم که از جمله نتایج توقف مأموریت وزیر

امور خارجه آمریکا در حل بحران خاورمیانه، نظریه ایجاد یک جبهه متحد عربی و بهره برداری

سیاسی از نفت از جانب اعراب را تقویت نموده است. لذا مشاهده می شود که اقداماتی بمنظور

حل اختلافات برخی از کشورهای عربی بعمل آمده و رهبران عرب دست به کوششهائی جهت حفظ همبستگی خود زده اند تا با بسیج کلیه امکانات خود در آستانه کنفرانس صلح ژنو و ایراد

فشار به آمریکا و غرب، اسرائیل را برای برگشت به مرزهای قبل از ژوئن ۱۹۶۷ آماده سازند.

علیرغم مشکلاتی که در راه نتیجه بخش بودن کنفرانس صلح ژنو وجود دارد اعراب تاکنون از روشهای سیاسی معتدل پیروی کرده اند تا افکار عمومی جهان بویژه کشورهای غربی را بعنوان

پشتوانه ای برای پیروزی خود در کنفرانس ژنو بسوی خود جلب نمایند.

ص:۱۵۷

در تحت این شرایط مشاهده می شود که از سطح فعالیتهای عناصر چپ گرا در خلیج فارس کاسته شده است. فعالیت چریکهای ظفار بسبب کمک کشورهای دوست به عمان تا حد زیادی محدود شده و با اقداماتی که بعمل آمده است موقع این عناصر در کویت – بحرین و امارات

عربی متحده تضعیف گردیده است. شاید روی همین اصل است که اخیرا شورویها که همواره مترصد تحکیم موقع نفوذی خود در خلیج فارس بوده اند به کوششهای خود برای برقراری روابط سیاسی با برخی از کشورهای عربی خلیج فارس افزوده و انتظار می رود که تا حدی نیز

موفق شوند. بدیهی است در صورت برقراری روابط با این کشورها عوامل شوروی برای نفوذ و حمایت از عناصربرانداز و تروریست امکانات بیشتری خواهند داشت.

آقایان محترم، از جریانات ناگواری که در چند ماه اخیر گذشته است چنین استنباط می شود که فعالیت تروریست های فلسطینی و بین المللی نه تنها برای خاورمیانه بلکه در سطح جهانی

بعنوان یک عامل تهدید بشمار می رود زیرا بطور کلی عناصر و سازمانهای تروریستی بدون آنکه در اهداف و مقاصد آنها وجوه اشتراکی وجود داشته باشد معهذا کیفیت مشابه عملیاتی که بآن مبادرت می کنند آنها را در یک صف قرار داده و به یاری و کمک یکدیگر وادار می کند که شواهد و نمونه های آنرا در همکاری تروریستهای غیرعرب با تروریستهای فلسطینی دیده ایم.

در شرایط فعلی سازمانهای افراطی فلسطین که مخالف حل مسالمت آمیز اختلافات اعراب و اسرائیل می باشند و محیط امن و حاکی از تفاهم و سازش را در منطقه مانع فعالیتهای خود

می دانند با حمایت و پشتیبانی برخی از کشورهای افراطی عرب مانند لیبی و کشورهای کمونیست اقداماتی جهت برافروختن جنگ مجدد در خاورمیانه بعمل می آورند و با عملیات تروریستی می کوشند از ایجاد یک محیط آرام برای انجام مذاکرات صلح جلوگیری نمایند.

بطور کلی در نتیجه گیری از آنچه که گفته شد و بمنظور ترسیم اوضاع سیاسی منطقه می توان گفت در کنار شرایط مساعدی که برای توسعه نفوذ کشورهای کمونیست در شرق آفریقا و حوزه باب المندب و همچنین منطقه خاورمیانه نظیر:

– شکست مأموریت وزیر امور خارجه آمریکا

– فعالیت عوامل تروریست

– تشنج موجود بین افغانستان و پاکستان

بعنوان زمینه مناسبی برای بهره برداریهای شوروی بمنظور نفوذ در این منطقه وجود دارد

تحولات امیدوار کننده ای نیز در راه ثبات و آرامش منطقه بچشم می خورد.

بدنبال مسافرت رئیس جمهوری افغانستان به تهران اینک امیدهائی برای حل اختلاف دو کشور همسایه بوجود آمده است.

از سوی دیگر حل مسئله کُرد و توافق عراق و دولت شاهنشاهی به آن کشور امکان داده است تا

از سیاستی که بیشتر مبتنی بر مصالح ملی خود باشد پیروی کند و از وابستگی آن به مسکو کاسته شود.

بموجب این توافق اختلافات چندین ساله دو کشور بر سر مسئله شط العرب و مرزهای خشکی طبق موازین بین المللی حل و فصل شده و امنیت مرزهای مشترک تضمین گردیده است. اکنون در پرتو این قرارداد رژیم عراق قادر خواهد بود به مشکلات اقتصادی خویش سر و سامان داده

و تلاشهای خود را به اوضاع داخلی متوجه نماید.

تحول خوشایند دیگری که در جهت آرامش منطقه ایجاد شده پیدایش روزنه امیدوار کننده ای برای حل مسئله قبرس و دریای اژه است.

ما اخبار امیدوار کننده ای را که درباره تمایل دولت ترکیه و یونان به انجام مذاکرات و رفع

اختلافات خود در قبرس و دریای اژه منتشر می شود با مسرت پیروی نموده و امیدواریم که حل این اختلافات با حسن نیتی که از جانب دولت برادر ما، ترکیه نشان داده می شود موجب برقراری آرامش در این منطقه مهم سوق الجیشی شده و به صلح جهانی کمک کند.

متشکرم

موضوع مبادله اطلاعات بین سه سرویس اطلاعاتی ایران، ترکیه و اسرائیل به صورت دوره ای و بر مبنای توافق قبلی همواره عملی بود. در یکی از گزارش های ساواک، اطلاعات

ارایه شده مورد نظر، طی یک دوره، مورد بررسی و ارزیابی قرار گرفته است:

کنفرانس سه جانبه

۱- گزارشهای ارسالی ساواک به دو سرویس:

۴۵ درصد از اطلاعات ارسالی ساواک به دو سرویس اسرائیل و ترکیه کاملاً با عناصر اصلی خبر

منطبق بوده و سایر گزارشها قابل توجه و مهم تشخیص داده شده است.

۲- گزارشهای ارسالی سرویس ترکیه به ساواک:

در این مدت فقط سه گزارش به ساواک واصل شده است که دو تای آنها از منابع آشکار و

سومی در مورد ذخائر نفتی کرکوک بوده است که تا حدودی با عناصر اصلی خبر انطباق داشته

است.

۳- گزارشهای ارسالی سرویس اسرائیل به ساواک:

۴۰ درصد از اطلاعات ارسالی این سرویس به ساواک کاملاً منطبق با عناصر اصلی خبر بوده و بطور کلی گزارشهای این سرویس مفید و قابل بهره برداری می باشد.

ضمنا در مورد تغییر عناصر اصلی خبر پیشنهادی ارائه نمی گردد.

سخنان رئیس ساواک در یکی از نشست های شورای سه جانبه، که احتمالاً در سال ۱۳۵۲ برپا شده به نقش شوروی و چین در معادلات بین المللی اشاره شده است. در این سخنرانی، از حضور و نفوذ چین و نیز شوروی در منطقه از جمله عراق، اظهار نگرانی شده است. نکته قابل توجه در متن سخنرانی تشابه عمده این سخنان، به ویژه بخش پایانی آن با نطق رئیس

ساواک در بیست و ششمین اجلاس شورای سه جانبه تل آویو، در اردیبهشت سال ۱۳۵۱ است. محور سخنرانی رئیس ساواک به شرح ذیل است:

گزارش هایی نیز که از سوی سرویس اطلاعاتی ایران به نشست های مختلف سرویس های سه گانه ارایه می شد، از جنبه های گوناگون نیازمند مطالعه و بررسی است. در

یکی از این گزارش ها با اشاره به لزوم جمع آوری اطلاعات فرامرزی و مجهز شدن به وسایل

پیشرفته علمی و فنی در امر کسب اخبار اطلاعاتی به نقش و اهمیت پایگاه ها و ایستگاه های

اطلاعاتی در کشورهای هدف، یعنی ممالک عربی اشاره شده است. در این گزارش ضمن یادآوری موانع موجود بر سر راه فعالیت ایستگاه های مورد نظر، به اماکن، منابع و نشانگاه های مناسب در کشورهای مختلف برای کسب اطلاعات و انجام فعالیت های جاسوسی نیز اشاره شده است. نکته قابل توجه دیگر در این گزارش، اعتراف ساواک به استفاده از امکانات و پوشش های سیاسی و دیپلماتیک در کشورهای اسلامی و عربی، در جهت اهداف اطلاعاتی و جاسوسی قابل مشاهده است. این گزارش خوش خدمتی ساواک به سرویس اطلاعاتی رژیم صهیونیستی را به گونه ای مستند برملا می کند:

همکاران محترم و دوستان

از طرف هیئت نمایندگی ساواک از انتخاب موضوع (جمع آوری اخبار پنهانی از طریق کشور

ثالث) که برای طرح و بحث در این سمینار و تبادل نظر و ارائه تجارب هر سه سرویس بسیار

مفید و جالب توجه می باشد و همچنین از گزارش سرویس اسرائیل که مبتنی بر تشریح اهمیت

نقش کشور ثالث در زمینه جمع آوری پنهانی بوده و راه را برای بررسیهای بیشتر همکاران

هموار کرده است قبلاً تشکر و قدردانی می نماید.

بنظر نمایندگی ساواک با توجه به این واقعیت که جمع آوری پنهانی مرزی نمی شناسد و در شرایطی که گسترش وسائل علمی و فنی و مخابراتی در دنیای امروز به پاره ای از سرویسهای

اطلاعاتی اجازه می دهد که بتوانند از آسمانها و ارتفاعات بسیار زیاد از فراز کشور هدف در چهارچوب اطلاعات مثبت اخبار پنهانی را جمع آوری و مورد استفاده قرار دهند و متقابلاً

عوامل ضداطلاعات حریف نیز می توانند با مجهز شدن بوسائل علمی و فنی مدرن بهتر و آسانتر وجود ایستگاههای قانونی، غیرقانونی را در کشور هدف شناسائی نمایند، اهمیت استفاده از کشور پایگاه چه از نظر تشدید حفاظت عملیات و احتراز از آسیب پذیری و چه از

نظر استفاده از امکانات بیشتر برای دسترسی و نفوذ به کشور هدف بیش از پیش آشکار می گردد، و به همین جهت ایستگاههای مستقر در کشور پایگاه که اکثرا بعنوان عامل کمک کننده

به ایستگاه مستقر در کشور هدف شناخته می شود در شرایطی که امکان فعالیت در کشور هدف

محدود گردد چنانچه مقتضیات کشور پایگاه اجازه دهد ایستگاه مستقر در کشور پایگاه مستقلاً

بصورت یک عامل اصلی در زمینه جمع آوری پنهانی از کشور هدف درخواهد آمد شرایطی که فعالیت ایستگاههای قانونی و غیرقانونی را در کشور هدف محدود و دشوار می سازد و طبعا

گرایش و تمایل ستاد را به انتخاب کشور پایگاه افزایش می دهد عبارتست از:

۱- اختلال در مناسبات کشور هدف و کشور خودی بنحوی از انحاء که آثار آن در پیدا شدن سوءظن

مقامات امنیتی و تشدید فعالیت ضداطلاعات کشور هدف باشد.

۲- قطع روابط بین کشور هدف و کشور خودی که مستلزم برچیده شدن سفارتخانه و کنسولگریها و

سایر مؤسسات وابسته به کشور خودی در کشور هدف باشد.

۳- ایجاد موانع برای اقامت و فعالیت بخشهای خصوصی وابسته به کشور خودی در کشور هدف.

۴- اجرای برنامه تصفیه و اخراجهای دسته جمعی اتباع کشور خودی از کشور هدف.

۵- دوره محدودی که پس از افشاء شبکه اطلاعاتی کشور خودی بوسیله ضداطلاعات کشور هدف عملیات ضدجاسوسی برای شناسائی عناصر کشور خودی تشدید می گردد و در نتیجه موقتا

دسترسی به نشانگاهها و عملیات را دشوار می سازد.

ص:۱۶۲

۶- محدودیت و مشکلاتی که برای حفظ ارتباطات بین ایستگاه مستقر در کشور هدف و ستاد که بمنظور دریافت و بهره برداری بموقع از محصول فعالیت ایستگاه ضرورت دارد.

شرایطی که کشور پایگاه را برای استقرار ایستگاه جهت انجام جمع آوری پنهانی از کشور هدف مناسب می سازد عبارتست از:

۱- وجود مناسبات حسنه و علائق سیاسی و اقتصادی در روابط کشور پایگاه و کشور هدف.

۲- وجود روابط سیاسی در مناسبات کشور خودی و کشور پایگاه.

۳- شرایط و مقتضیات مناسب جغرافیائی کشور پایگاه از نظر دسترسی به کشور هدف.

۴- مساعد بودن شرایط عملیاتی در کشور هدف از طریق کشور پایگاه.

۵- اقامت تعداد زیادی از اتباع کشور هدف و همچنین وجود نشانگاههای مناسب در کشور پایگاه

برای استخدام منابع کشور هدف.

۶- فراهم بودن امکانات برای دسترسی به منابع آشکار کشور هدف.

بدیهی است استفاده از پاره ای از کشورهای بیطرف هرچند که از نظر موقعیت جغرافیائی با کشور هدف هم مرز نبوده و حتی فاصله نسبتا زیادی داشته باشد بمنظور استفاده بعنوان کشور

پایگاه مفید بوده و مخصوصا در مواردیکه خطر آسیب پذیری ایستگاههای قانونی و غیرقانونی

را در کشور هدف تهدید می نماید استقرار ایستگاه در کشور بیطرف بنحوی که رئیس ایستگاه

در کشور پایگاه بیطرف و شبکه جمع آوری پنهانی در کشور هدف انجام وظیفه نماید مفید خواهد بود مخصوصا استفاده دول بزرگ در جنگ بین المللی دوم از کشورهای سویس و اسپانی [اسپانیا] و سوئد نمونه چشمگیری از این بهره برداری از کشور پایگاه بیطرف بوده است.

نشانگاههای مناسبی که موجبات امکان دسترسی و نفوذ در کشور پایگاه را فراهم می سازد عبارتست از:

۱- وجود سفارتخانه و کارمندان کادر سیاسی و کادر محلی کشور هدف در کشور پایگاه.

۲- کادر دفتر وابستگی نظامی کشور هدف و کارمندان محلی آن.

۳- مؤسسات فرهنگی، اقتصادی از قبیل انجمنهای روابط دوستی کشور خودی با کشور هدف.

۴-اتباع کشور هدف از قبیل بیماران، مهندسین، کارگران، اقلیتهای کشور هدف مقیم کشور پایگاه.

۵- مؤسسات بازرگانی و بانکی (اعم از دولتی یا بخشهای خصوصی)

۶- دانشگاه و مدارس عالی و افرادی که برای طی دوره بورسهای مختلف در کشور پایگاه توقف

ص:۱۶۳

می نمایند.

۷- گردشگاهها و مراکزی که برای گذرانیدن تعطیلات مورد استفاده قرار می گیرد.

۸- هتلها و میهمانسراها و اجتماعات.

۹- روزنامه نویسان و مخبرین (انجمن خبرنگاران خارجی)

۱۰- قهوه خانه ها و کافه رستورانهای وابسته به اتباع کشور هدف که معمولاً محل اجتماع افراد کشور هدف است.

ضمنا استقرار در کشور پایگاه مناسب این مزیت را خواهد داشت که رئیس نمایندگی صرف نظر از اجرای طرح جمع آوری اخبار پنهانی از کشور هدف قادر خواهد بود بطور جنبی نیز از

کشور پایگاه برای دسترسی به کشور هدف دیگر و یا انجام پاره[ای] از عملیات یا ارتباطات با منابع موجود در سایر کشورها از نشانگاههـا و امکانات کشور پایگاه استفاده نماید و از این نظر کشور پایگاه خوب کشوری است که صرفنظر از وجود نشانگاههای متعدد و مفید واجد شرایط لازم برای حفظ ارتباط با منابع و انجام عملیات جنبی باشد و معمولاً در این قبیل موارد رئیس ایستگاه قانونی در کشور پایگاه می تواند علاوه بر رهبر عملیاتی که از نظر سازمانی برای انجام طرحهای مربوطه به جمع آوری اخبار پنهانی در کشور هدف در اختیار دارد یک نفر رهبر عملیات ویژه نیز برای اجرای پاره ای طرحها و انجام عملیات جنبی مربوط به کشورهای دیگر

در اختیار داشته باشد و در موارد ضروری می توان از شرایط کشور پایگاه بمنظور اعزام عناصری از ستاد جهت پاره ای آموزشهای اطلاعاتی و عملیاتی و فنی به منابع و عوامل مربوطه

استفاده نمود.

محاسنی که کشور پایگاه برای انجام جمع آوری پنهانی از کشور هدف دارد عبارتست از:

۱- تأمین حفاظت بیشتر عملیات با مقایسه به خطر آسیب پذیری در کشور هدف.

۲- آزادی عمل بیشتر برای مراجعه به نشانگاههای کشور پایگاه.

۳- ملاقات با منابع و شرکت در جلسات توجیه و بهره کشی بمنظور بالا بردن کیفیت و کمیت اخبار

استحصالی از منابع.

۴- استفاده از شرایط کشور پایگاه برای تهیه پوشش منابع مخصوصا پوشش مأمور منفرد مجهز به

بیسیم جهت اعزام به کشور هدف.

۵- استفاده از آدرسهای واسطه.

۶- استفاده از کشور پایگاه به منظور انجام جنگهای روانی.

۷- در موارد استثنائی و وجود توافق با سرویس کشور پایگاه بهره برداری از همکاریهای حفاظتی و عملیاتی سرویس کشور پایگاه.

۸- چنانچه روابط بین کشور خودی و پایگاه تیره گردد عوامل فعال در شبکه جمع آوری می توانند

کماکان بصورت یک ایستگاه غیرقانونی بفعالیت خود ادامه دهند.

با آنکه ایستگاههای قانونی در کشور پایگاه از لحاظ استفاده از مصونیت سیاسی و مزایای دیپلماتیک برای رئیس و کارمندان نمایندگی و هم چنین برخورداری از سیستم ارتباطی سفارت

و بیسیم و پیک سیاسی زمینه را برای پیشرفت کار و حفظ ارتباط سریع و مطمئن با کشور خودی بخوبی فراهم می سازد معذلک باید قبول کرد که کشور پایگاه از نظر جمع آوری اخبار

پنهانی دارای معایب و نقاط ضعفی است که اهم آن عبارتست از:

۱- استخدام منابع در هدفهای حفاظت شده دشوارتر و یا لااقل مستلزم صرف وقت و انرژی بیشتری

خواهد بود.

۲- اداره مأموران و کنترل آنان در کشور پایگاه بعلت فاصله زمانی که در ملاقات با آنان پیدا می شود نسبت به کشور هدف دشوارتر می گردد.

۳- بعلت کندی ارتباطات (وجود واسطه در فاصله ارتباطات بی سیم از مبدأ کشور هدف به کشور

پایگاه و سپس کشور خودی) اخبار پنهانی دیرتر به ستاد واصل می گردد و روی هم رفته مدار

عملیاتی با کندی جریان می یابد.

۴- عوامل کشور خودی در ایستگاههای قانونی و غیرقانونی کشور پایگاه عملاً با دو حریف ضداطلاعات روبرو خواهند بود.

۵- خطر دوبل شدن به همان اندازه که از طرف ضداطلاعات کشور هدف مأموران را تهدید می نماید از طرف کشور پایگاه نیز تهدید می شود.

۶- در صورتی که سرویس کشور پایگاه دوست باشد افشاء عملیات موجب سلب اعتماد سرویس دوست و احتمالاً ـ بروز عوارضی در مناسبات دو کشور خواهد بود.

با توجه به توصیفی که از موقعیت و شرایط کشور پایگاه و هم چنین محاسن و معایب آن بعمل آمد و با در نظر گرفتن اهمیت نقش نشانگاهها در کشور پایگاه این اصل مورد قبول قرار

می گیرد که در کشور پایگاه نشان کنندگان نقش اساسی را در استخدام منابع بعهده دارند و هر

ص:۱۶۵

قـدر تعداد نشان کنندگان فعال و صـلاحیت دار در کشور پایگاه بیشتر باشـند امید اسـتخدام منابع مفید برای ایسـتگاه قانونی و غیرقانونی بیشتر می گردد به همین جهت معمولاً ایستگاههای کشور پایگاه دو دسته نشان کننده در اختیار می گیرند.

یک دسـته نشان کننـدگان حرفه ای و فعال که با پوشـش های مختلف از قبیل دانشـجو[،]نماینـده بازرگانی و خبرنگار و غیره مستقیما با سوژه های مورد نظر از اتباع کشور هدف تماس می گیرند

و امکانات آنان را برای معرفی به ایستگاه بررسی و ارزیابی می نمایند و دسته دوم نشان

کننـدگان غیرحرفه ای و عادی که ماننـد صاحب یک قهوه خانه، مسـئول پذیرائی در یک مسافرخانه یا میهمانسـرا که در محل اجتماع و تردد اتباع کشور هدف با آنان روزانه بطور

دوستانه حشر و نشر می نماید و ضمن اینکه از مسموعات و مشهودات آنان درباره کشور هدف

ایستگاه را تغذیه می نمایند چنانچه احیانا به سوژه مناسبی برای نفوذ در کشور هدف برخورد

نمایند می توانند مقدمات اولیه استخدام آنان را برای پایگاه فراهم سازند.

علاوه بر نشان کننـدگان فوق الـذکر به تجربه ثابت گردیـده است که بطور کلی در کشور پایگاه رهبران عملیات با اسـتفاده از پوشش سیاسی می توانند در نشان کردن سوژه های مناسب در نشانگاههائی که متناسب با پوشش آنان باشد اقدام نمایند.

بطور کلی کشور پایگـاه بعلت شـرایطی که قبلاً ـ بآن اشاره شـد در مواردی که فعالیت در کشور هـدف بعللی مواجه با اشـکال گردد مؤثرترین طریق برای نفوذ در کشور هدف می باشد و چون مخاطرات آسـیب پذیری اسـتفاده از این سیسـتم جمع آوری پنهانی بمراتب کمتر از فعالیت در

کشور هدف می باشد هرچند که پیشرفت کار با کندی انجام شود معذلک بعلت بالا بودن درصد

ایمنی عملیـات و مخصوصـا جمع آوری پنهـانی از کشورهـای بلوک شـرق این روش در اسـتفاده از کشور پایگـاه قبـل از همه مصداق دارد.

ص: ۱۶۶

در حاشیه

اطلاعات به جا مانـده از ساواک، درباره روابط و همکاری سـرویس های سه گانه ایران، ترکیه و اسـرائیل، بعضـی رویدادهای جنبی و حاشـیه ای را بازگویی می کنـد که برای علاقه مندان، مطالعه آن ها خالی از فایده نیست. در یکی از اسـناد ساواک به پیشنهاد نماینده

سرویس اطلاعـاتی ترکیه، مبنی بر عـدم ضـرورت سـخنرانی رؤسـای هر سه سـرویس در اجلاس شورای سه جانبه، به مخالفت طرف ایرانی با آن اشاره شده است.

اداره کل هفتم ساواک درباره طرح نماینده سرویس اطلاعاتی ترکیه (طوفان) چنین گزارش داده است:

موضوع کنفرانس سه جانبه

در جلسـات گذشـته شورای سه جانبه معمول بود که هریک از رؤسای سه سـرویس یک سـخنرانی درباره اوضاع بین المللی و تأثیر آن در منطقه مورد نظر ایراد می نمودند.

اینک نماینده سـرویس طوفان از طرف رئیس سـرویس خود پیشنهاد می نماید که در جلسه آینده شورای سه جانبه فقط رئیس سرویس مهمانـدار این نطق را ایراد نمایـد و لزومی نـدارد روساء دو سـرویس دیگر در این مورد سـخنرانی نمایند و فقط کافی است نظرات خود را درباره سخنرانی

رئیس سرویس مهماندار مطرح نمایند.

مقرر فرمایند نظریه عالی را در اینمورد ابلاغ دارند.

اداره کل هفتم(۱)

۱- . گزارش ساواک، بدون شماره و تاریخ، با طبقه بندی سری.

رئیس ساواک در پاسخ به نامه اداره کل هفتم، مخالفت خود را چنین اعلام کرده است:

[...] همان طور که در گزارش دیگر هم اشاره نمودم پیشنهاد ایشان عملی نیست.(۱)

ادارات کل، نمایندگان ادارات ذی ربط و برخی مسؤولان و رؤسای ساواک، طبق معمول قبل از برپایی سمینارها، یا شوراهای سه جانبه اطلاعاتی، با تشکیل کمیسیون ویژه داخلی،

مسایل مربوط به اجلاس را مورد بحث و بررسی قرار می دادند. این مسایل شامل موضوعات پیشنهادی برای دستور کار سمینار،، اسامی افراد و تعداد نفرات شرکت کننده سرویس های اطلاعاتی سه گانه، تهیه متن سخنرانی رئیس هیأت ایرانی و نیز متن گزارش سرویس ایرانی

برای اجلاس و همچنین زمان و مکان برپایی نشست بود. گزارش رئیس سازمان اطلاعات خارجی ایران درباره تشکیل یکی از کمیسیون های داخلی ساواک در این باره چنین است:

گزارش درباره: سمینار سه جانبه

در اجرای اوامر تیمسار قائم مقام ریاست ساواک کمیسیونی درباره سمینار سه جانبه با شرکت

مدیران کل ادارات دوم - هفتم - هشتم - آموزش و معاون اداره کل سوم در دفتر اینجانب تشکیل

و تصمیمات مشروحه زیر اتخاذ گردید:

۱- ادارات کل دوم - سوم - هشتم و آموزش بترتیب یکنفر- دو نفر- دو نفر و یکنفر را جهت شرکت در سمینار مورد نظر هرچه زودتر باداره کل هفتم معرفی نمایند.

۲- مسئولیت توجیه هیئت شرکت کننده در سمینار بعهده مدیریت کل اداره هشتم بوده و مدارک تهیه

شده وسیله ادارات کل نامبرده بالا بوسیله ایشان مورد بررسی قرار گرفته و بعد از ایجاد

هماهنگی و تلفیق با یکدیگر گزارش واحدی جهت طرح در سمینار تنظیم خواهد گردید. این گزارش بایستی ضمن اشاره به بعضی نکات نظری مبتنی بر مباحث تجربی و عملی باشد. پس از آنکه گزارش مورد نظر در داخل هیئت شرکت کننده مورد بررسی قرار گرفت این گزارش در

کمیسیونی که مجددا در محل کار اینجانب تشکیل خواهد شد مطرح و دستورات لازم به هیئت شرکت کننده داده خواهد شد.

۳- پس از آنکه اسامی شرکت کنندگان اعلام شد فرد شایسته و حائز شرایطی از بین آنها بعنوان

رئیس هیئت تعیین خواهد شد که از نظر انضباطی - تشریفاتی و اداره امور کنفرانس از تاریخ

عزیمت تا مراجعت مسئولیت های مربوطه را بعهده داشته باشد.

ص: ۱۶۸

۱-. پی نوشت همان گزارش.

۴- چون مقرر بود که شرکت کنندگان از بین کسانی انتخاب شوند که به موضوع مورد بحث در سمینار تسلط کافی داشته باشند و تصادفا با توجه به اسامی شرکت کنندگان که شفاها اعلام

شده شخصی که بزبان انگلیسی مسلط باشد در بین این افراد وجود ندارد و ضمنا لازم است یکنفر که به این زبان احاطه داشته باشد بمنظور ترجمه حضوری همراه هیئت اعزام شود در

صورت تصویب یک مترجم نیز در معیت هیئت شرکت کننده اعزام خواهد شد. با احتساب شش نفر نمایندگان ادارات کل نامبرده بالا و اضافه کردن یکنفر مترجم تعداد شرکت کنندگان

ساواک در سمینار سه جانبه به ۷ نفر خواهد رسید. اگرچه در مورد تعداد شرکت کنندگان از هر سرویس در سمینار محدودیتی نیست ولی با در نظر گرفتن اینکه طبق سوابق موجود در گذشته

همیشه هریک از سرویسهای سه جانبه حداکثر ۵ نفر برای شرکت در سمینار اعزام داشته در صورت تصویب تعداد شرکت کنندگان ساواک نیز جمعا به ۵ نفر تقلیل داده شود.

رئیس سازمان اطلاعات خارجی(۱)

سفر خانواده ها و به خصوص همسران مقامات و رؤسای سرویس های اطلاعاتی، به ویژه سازمان اطلاعات اسرائیل به تهران، جهت دیدار از مناطق و اماکن تاریخی، از دیگر اطلاعات

حاشیه ای است که مطالعه آن ها خالی از فایده نیست. گزارش ساواک در خصوص سفر همسران ژنرال ضمیر رئیس و ادمونی معاون سرویس اطلاعاتی اسرائیل به تهران در تیر ماه سال ۱۳۵۲، یک نمونه از این قبیل اطلاعات و اخبار است. همان طور که در اسناد ساواک نیز

موجود است، بعضی از این افراد در تهران دوستان و آشنایان ویژه ای برای خود داشتند:

اظهارات رابط سرویس اسرائیل

منظور: استحضار تیمسار ریاست ساواک و صدور اوامر

در روز ۲۳/۳/۵۲ رابط سرویس اسرائیل اظهار داشت:

۱- خانم ژنرال ضمیر در روز ۱۲ تیر ماه ۵۲ وارد تهران خواهد شد.

۲- سرویس اسرائیل پیشنهاد می کند که خانم ضمیر در روزهای ۱۳ الی ۱۸ تیر ماه ۵۲ از اصفهان - شیراز و خارک دیدن نماید.

۳- ژنرال ضـمیر در تاریخ ۱۷ تیر ماه ۵۲ وارد تهران خواهـد شـد و تا تاریخ ۲۰ تیر مـاه در کنفرانس سه گانه شـرکت کرده و سپس باتفاق همسرش از شمال ایران دیدن خواهند کرد.

ص: ۱۶۹

۱- . گزارش ساواک، بدون شماره و تاریخ، با طبقه بندی سری.

۴- آقای ادمونی معاون سرویس اسرائیل و همسرش در تاریخ ۱۷ تیر ماه وارد تهران خواهند شد. همسر آقای ادمونی در روزهای ۱۷-۱۸ و ۱۹ تیر ماه بطور خصوصی از آشنایانش در تهران دیدن خواهد کرد و بعد از خاتمه کنفرانس سه گانه در روز ۲۱ تیر ماه باتفاق شوهرش از اصفهان - شیراز و خارک دیدن خواهند کرد.

با شرح مراتب بالا در صورت تصویب مقرر فرمایند مراتب بمنظور پیش بینی های لازم به تشریفات ساواک اعلام شود.

پیمانها(۱)

گزارش دیگر ساواک در همین خصوص چنین است:

رئیس سازمان امنیت اسرائیل اظهار داشته است در موقعیکه کنفرانس سه جانبه در تهران منعقد شود قصد دارد به اتفاق همسرش بایران عزیمت نماید و از شهر یزد دیدن کند.

پی نوشت تیمسار ریاست سازمان اطلاعات خارجی

به بخش پیمانها اطلاع داده شود که بموقع بعرض برسد و در صورت تصویب دعوتنامه بموقع ارسال گردد. ۲۰/۱/۵۲

علیهذا در اجرای اوامر بموقع اقدام فرمایند.(۲)

از سوی دیگر همسران و خانواده های رؤسا و مقامات ساواک نیز بی نصیب از این میهمانی و سفرها نبودند. آن ها نیز هر از چندی، از سوی طرف اسرائیل برای دیدار فلسطین اشغالی دعوت می شدند. ناوت یکی از مقامات سرویس اطلاعاتی اسرائیل طی نامه ای به رئیس سازمان اطلاعات خارجی ایران از طرف ژنرال ضمیر رئیس سرویس اطلاعاتی اسرائیل از نامبرده و همسرش دعوت به عمل آورده تا میهمان اسرائیلی ها باشند:

ژنرال معتضد عزیز

ژنرال ضمیر باینجانب دستور داده اند که از طرف ایشان و خانم ضمیر از خانم معتضد بگرمی دعوت نمایم در معیت جنابعالی در ماه آینده از کشور ما بازدید نمایند.

ژنرال و بانو ضمیر خوشحال خواهند بود که از جنابعالی و سرکار خانم بعنوان میهمانان خود پذیرائی بنمایند.

۱- . گزارش ساواک، بدون شماره و تاریخ، با طبقه بندی سری. این گزارش در خرداد ۱۳۵۲ تهیه شده است.

۲- . گزارش ساواک، مورخ ۲۱/۱/۵۲؛ شماره ۲۹/۲۳۲، با طبقه بندی خیلی محرمانه.

امیدوارم که این دعوت مورد قبول قرار گیرد.

دوستدار- ناوت(۱)

ناوت طی نامه به نصیری رئیس ساواک، در تاریخ ۱۰ آوریل ۱۹۷۲/ فروردین ۱۳۵۱، از طرف ژنرال ضمیر رئیس سرویس اطلاعاتی اسرائیل، از او و همسرش نیز جهت بازدید از فلسطین اشغالی دعوت به عمل می آورد:

۱۰ آوریل ۱۹۷۲

عالیجناب تیمسار نصیری

تیمسار عزیز

ژنرال ضمیر بمن دستور داده اند که از طرف ایشان و بانو ضمیر از سرکار خانم نصیری صمیمانه دعوت شود که در سفر ماه آینده شما، به کشور ما تشریف بیاورند.

برای بانو و ژنرال ضمیر پذیرائی از سرکار خانم نصیری و تیمسار مایه بسی خوشوقتی خواهد بود.

از صمیم قلب امیدوارم که این دعوت مورد قبول واقع شود.

ارادتمند ناوت(۲)

معتضد، رئیس سازمان اطلاعات خارجی ایران، طی گزارشی به نصیری رئیس ساواک، در خصوص دعوت اسرائیلی ها از همسرش، این گونه کسب تکلیف می کند:

درباره دعوت از خانم معتضد

منظور

استحضار ریاست ساواک و صدور اوامر.

رئیس سرویس اسرائیل ژنرال ضمیر و بانو از خانم رئیس سازمان اطلاعات خارجی دعوت نموده اند در ماه آینده که مصادف با برگزاری کنفرانس سه جانبه در اسرائیل می باشد بعنوان

میهمان از آن کشور بازدید نمایند.

دعوتنامه مذکور بوسیله نماینده سرویس اسرائیل در تهران ارسال گردیده که اصل و ترجمه آن به پیوست تقدیم می گردد.

مقرر فرمایند اوامر عالی را در مورد دعوت رئیس سرویس اسرائیل ابلاغ فرمایند تا بهمان ترتیب عمل شود.

۱- . سند ساواک، مورخ ۲۱/۱/۱۳۵۱، با طبقه بندی سری.

۲- . سند ساواک، ترجمه نامه ناوت، مورخ ۲۰/۱/۱۳۵۱، بدون شماره و مهر طبقه بندی.

سازمان اطلاعات خارجی(۱)

پس از انجام سفر مورد اشاره، نصیری رئیس ساواک، طی نامه ای به ژنرال ضمیر رئیس سرویس اطلاعاتی اسرائیل، از او و همسرش ایزابل راد، به دلیل پذیرایی و میهمان نوازی گرم! آن ها سپاسگزاری کرده است:

بعنوان: ژنرال ضمیر

تاریخ: ۷ خرداد ماه ۵۱

ژنرال ضمیر عزیز

اکنون که خانم نصیری بازدید خاطره انگیز خود را از کشور زیبای شما به پایان رسانده و مراجعت نموده اند در مورد محبت ها و توجه شخص آنجناب و خانم ضمیر در مدت اقامتشان در کشور اسرائیل مطالب ستایش آمیزی بمن ابراز داشتند. میهمان نوازی بسیار گرمی را که

سرویس شما در مورد ایشان معمول داشته و ترتیبات دقیقی که برای آسایش خانم نصیری و همچنین معالجات پزشکی ایشان معمول گردیده طبق اظهار خود ایشان فوق العاده عالی بوده

است. ایشان اظهار می دارند که در تمام مدت اقامتشان محبت و توجه کلیه کسانیکه با بازدید

ایشان سروکار داشتند بویژه خانم ایزابل بنحوی بود که ایشان خود را در خانه خویش احساس می کردند از اینرو خانم نصیری محبت ها و توجه قابل ستایش خانم ایزابل را در انجام وظایفش

فراموش نخواهند کرد.

با این ترتیب بر خود لازم می دانم که تشکرات قلبی خویش را برای محبت هائیکه بدستور آنجناب در مورد خانم نصیری معمول گردیده ابراز دارم. لازم می دانم از خانم ایزابل نیز که از هیچ تلاشی برای اینکه بازدید خانم نصیری لذت بخش و خاطره انگیز باشد دریغ ننموده سپاسگزاری نمایم. به امید دیدار.

دوستدار- ارتشبد نصیری(۲)

۱- . گزارش ساواک؛ مورخ ۲۶/۱/۵۱؛ شماره ۴۵۲۰/۷۰۵.

۲- . سند ساواک؛ مورخ ۷ خرداد ۱۳۵۱، بدون شماره، با طبقه بندی سری.

اجلاس اطلاعاتی سه جانبه

گزارش ها و قطعنامه

ص: ۱۷۳

پیشینه ها و زمینه های تاریخی

اسناد موجود ساواک، درباره قطعنامه ها، مصوبات، گزارش ها و مصوبات نشست های اطلاعاتی سه جانبه ایران، ترکیه و اسرائیل در سطح سمینار و یا شورا، حاوی اطلاعات تکان

دهنده ای است. این اطلاعات نه فقط از ماهیت و اهداف پیمان سه جانبه اطلاعاتی پرده برمی دارد؛ بلکه شیوه ها، راه کارها و راهبرد همکاری سرویس های اطلاعاتی ایران و ترکیه با اسرائیل را علیه ملت ها و کشورهای اسلامی منطقه به خوبی نشان می دهد.

از آنجا که ایران و ترکیه به عنوان دو کشور اسلامی که اکثریت قریب به اتفاق مردم آن مسلمان بوده و هستند، لذا پیوند عمیق و همسویی بسیار نزدیک سرویس های اطلاعاتی رژیم های حاکم بر این دو کشور با صهیونیست ها بسیار شگفت انگیز می نماید. این اسناد به خوبی نشان می دهند که همکاری های اطلاعاتی سه جانبه، با همه جوانب و حواشی آن، تماما

در خدمت آرمان و مطامع اسرائیلی ها و کاملاً در چهارچوب استراتژی پیرامونی صهیونیسم

در منطقه بوده است. صرف نظر از ماهیت و سرسپردگی و وابستگی ایران شاهنشاهی و دولت های ترکیه و نیز نفوذ همه جانبه ای که کانون ها و سازمان های صهیونیستی در این دو کشور داشتند، باز هم خدمتگزاری بی چون چرای سرویس های امنیتی و اطلاعاتی این دو کشور، به اسرائیل، برای هر خواننده ای، پرسش های فراوان به همراه دارد. زیرا صرف نظر از اشتراک منافع این دولت ها، حضور و نفوذ صهیونیست ها در مراکز حساس سیاسی، اقتصادی و تصمیم گیری آن ها، و به علاوه وابستگی آنان به اردوگاه نظام سلطه، باز هم

نمی تواند دلیل کامل برای آن باشد که یک حکومت همه منافع و امنیت ملی خود را در خدمت

برنامه ها، آرمان، اهداف و استراتژی توسعه طلبانه صهیونیسم قرار دهد و پا به پای رژیم

ص: ۱۷۵

صهیونیستی، علیه یکایک کشورهای اسلامی و بلکه ملت های مسلمان توطئه کند. خیانت ها، جنایت ها و توطئه هایی که اسرائیلی ها در دوران گذشته، با همکاری همه جانبه و پوشش دستگاه اطلاعاتی و امنیتی ترکیه و رژیم پهلوی، علیه کشورهای اسلامی و ملت های مسلمان

در خاورمیانه انجام داده اند، به خوبی نشان می دهد که صهیونیست ها، قبل از برقراری روابط

با رژیم پهلوی و دولت ترکیه و حتی پیش از تأسیس رژیم صهیونیستی در سال ۱۳۲۷ش/۱۹۴۸م، در فلسطین، پایگاه عمیق در این دو کشور مستقر کرده بودند.

این پایگاه های پنهان صهیونیسم در ایران و ترکیه بود که توانست، پس از تأسیس اسرائیل، با بهره گیری از همه امکانات و نفوذ و اهرم های خویش، ضمن برقراری روابط بین

سه دولت مزبور، ایران شاهنشاهی و ترکیه را با همه ادعاهای ملی گرایانه در خدمت آرمان

صهیونیسم و استراتژی پیرامونی اسرائیل قرار دهد. برای خوانندگان کنجکاو، این سؤال ها

خودنمایی می کنند که پایگاه های پنهان صهیونیسم در ایران و ترکیه از چه زمان و دوره ای و چگونه به طور جدی استقرار یافتند و موقعیت خود را تحکیم و تثبیت کردند. برای پاسخ به

این سؤال ها، ناگزیر باید به سراغ اعتراف های رمزآلود و اسرارآمیز برخی نویسندگان و

محققان غرب و بلکه خود یهودی ها و صهیونیست ها رفت.

سقوط امپراتوری عثمانی

برنارد لوئیس یک نویسنده متعصب یهودی است. او سقوط اندلس تحت فرمانروایی مسلمین را، به دست مسیحیان، به معنی نابودی آخرین پایگاه مسلمانان در اروپا و بلکه غرب

قلمداد می کند. او می نویسد:

با فتح غرناطه توسط مسیحیان، مبارزات طولانی مسیحیان برای بازیابی و فتح مجدد غرب اروپا خاتمه پذیرفت و راه را برای ضدحمله گسترده اروپایی ها هموار کرد. [...] در سنه ۱۴۹۲ [م]، تمامی سرزمین های شبه جزیره ایبریا تحت حکومت مسیحیان درآمد. [...] از دیدگاه فرمانروایان مسیحی و همچنین، چند سال بعد، پرتغالی ها، این جابجایی ها بخش ضروری از

فرایند فتح مجدد و ضدحمله به شمار می آمد [...] اخراج مسلمانان [از آن سامان]که تکلیفی به مراتب سنگین تر و مشکل تر و حتی خطرناک تر بود، زمان بیشتری به طول انجامید. توسعه اروپا

از دو طرف همزمان به وقوع پیوست، و در هر دو مورد هدف اصلی برچیدن سیطره مسلمانان

ص: ۱۷۶

بود که طی قرن ها ادامه یافته بود [...]. در غرب نیز مسیحیان موفق شدند به استیلای مورها (مسلمانان) طی هشت قرن گذشته و بتدریج حتی به حضور آنها خاتمه دهند. در شرق و همینطور در غرب اروپا، مسیحیان در حیات دوباره خود نبرد را تا اردوگاه دشمن کشاندند.

روس ها در شرق تاتارها را تا زادگاهشان تعقیب کردند. در غرب، اسپانیایی ها و پرتغالی ها به همراهی مردم ممالك ساحلی دیگر، مورها را تا خاك آفریقا و آسیا تعقیب کردند.(۱)

برنارد لوئیس، با اعتراف به عظمت و اقتدار مسلمین و قدمت تمدن اسلام در جهان می نویسد:

تمدن اسلامی، برخلاف تمدنهای مشابه دیگر، اولین تمدنی است که می توان نام جهانی روی آن گذاشت، زیرا در سه قاره دنیا مردم مختلف و فرهنگها و نژادهای مختلف را دربر می گرفت.

اسلام، از آن جهت که سالیان دراز در اسپانیا و جنوب ایتالیا از یك طرف، و در روسیه و بالکان از طرف دیگر، به شکوفایی رسیده بود، اروپایی محسوب می شد؛ و بدیهی است؛ که آسیایی و

در عین حال افریقایی هم بود. تمدن اسلامی نژادی های مختلف را از سیاه و سفید، سرخپوست و زردپوست را یکجا دربر می گرفت؛ و از نظر جغرافیایی مرزهای آن از جنوب اروپا تا قلب

افریقا و در آسیا تا ماورای سرحدات هند و چین توسعه یافته بود.(۲)

چنین قدرتی در دوران معاصر، خطری برای آن ها بود که در پَسِ پرده دنیای غرب مسیحی، سلطه اقتصادی و سپس سیطره سیاسی پیدا کرده بودند. واقعیت پنهان و اسرارآمیزی که برنارد لوئیس یهودی از افشای آن خودداری می کند. برنارد لوئیس این واقعیت را بازنمی گوید که غرب مسیحی را چه کسانی تحریك و وادار کردند تا علیه دنیای

پهناور اسلام و تمدن اسلامی جنگ ها و تهاجم ناخواسته ای را آغاز کند. او برای تحریف این واقعیت بزرگ، اما اسرارآمیز تاریخی، چنین می نویسد:

جنگ جهانی اول اوج عقب نشینی اسلام در برابر پیشروی غرب بود.(۳)

او نمی گوید که چه کسانی و چه جریانی و با چه اهدافی غرب را در تهاجم به جهان اسلام

۱- . برنارد لوئیس، برخورد فرهنگها، ترجمه بهمن دخت اویسی، نشر فرزان با همکاری مرکز گفت وگوی تمدنها، چاپ اول، ۱۳۸۰، ص ۱ و ۲.

۲- . همان منبع، ص ۹.

۳- . برنارد لوئیس، خاورمیانه دو هزار سال تاریخ از ظهور مسیحیت تا امروز، ترجمه حسن کامشاد، نشر نی، چاپ اول، ۱۳۸۱، تهران، ص ۳۵۴.

تحریک و پشتیبانی و بلکه هدایت و رهبری کردند. مع الوصف خالی از فایده نیست تا نظرات و دیدگاه های او درباره چگونگی تهاجم غربی ها در دوران معاصر به دنیای اسلام و تحمیل

شرایط جدید به مسلمانان در منطقه خاورمیانه مورد مطالعه قرار گیرد. تلاشی امپراتوری

عثمانی تلاش جدیدی از سوی صهیونیست ها در دنیای اسلام بود که تحت پوشش و نام و امکانات غرب آغاز شد. این تلاش ها بود که موجب استقرار پایگاه پنهان و بی نام و نشان

صهیونیسم در ممالک اسلامی شد. برنارد لوئیس نویسنده یهودی، آغاز این تلاش ها را چنین شرح می دهد:

انقلاب مشروطه عثمانی در سال ۱۹۰۸ میلادی در شرایط بهتری شروع شد و این نهضت در آن زمان طلیعه ظهور عصر جدیدی می نمود [...].

مسیحیان عثمانی و قدرت های اروپایی از انقلاب ترکان جوان استقبال کردند و آن را گام بزرگی به جلو خواندند، اما در عین حال اجازه ندادند انقلاب در برنامه های دیگر آنان دخالت کند. این ها این انقلاب را فرصتی مغتنم شمردند. اتریش - مجارستان، بی درنگ سرزمین بوسنی

و هرزگوین را به خود ملحق کرد، بلغارستان اعلام استقلال کرد، و جزیره کرت که پس از جنگ

ترک ها و یونانی ها، در سال ۱۸۹۶، در داخل امپراتوری (عثمانی) خودمختاری یافته بود، به یونان پیوست. یک شورش ضدانقلابی [برای تجدید قدرت سلطان عبدالحمید] در ۱۹۰۹ پس از زدوخوردهای خونین سرکوب شد.

حمله ایتالیا به طرابلس غرب، در سپتامبر ۱۹۱۱، آغازگر رشته جنگ های جدید بود. در این هنگام تقریبا تمامی آفریقای شمالی ساحلی از مصر تا مراکش تحت سلطه انگلیس یا فرانسه

بود. فقط دو منطقه از متصرفات عثمانی، سیرنائیک و طرابلس غرب، در دست آن کشور باقی بود. ایتالیا که دیر به قافله پیوسته از جهانگشایی امپریالیستی عقب مانده بود، در صدد شد در تملکات مرد بیمار [امپراتور عثمانی] جای پایی برای خود دست و پا کند، و با توافق قبلی قدرت های اروپایی، به حمله نظامی و دریایی پرداخت. پیشرفت ایتالیایی ها در شمال آفریقا با مقاومت شدید و غیرمنتظر عثمانی و مبارزات محلی روبه رو گردید، ولی عثمانیان در اکتبر

همان سال دست از مقاومت کشیدند، زیرا که تهدید نزدیک تر و خطرناک تری به سراغشان آمد.

جنگ سخت بالکان در ۱۷ اکتبر ۱۹۱۲ شروع و در ۳۰ مه ۱۹۱۳ تمام شد. متحدان بالکان - بلغارستان و صربستان و یونان - سرزمین های پهناوری از عثمانی گرفتند و آلبانی را به فهرست

دولت های مستقل افزودند. [...].

جنگ جهانی اول آخرین جنگی بود که امپراتوری عثمانی به عنوان یک قدرت بزرگ در میان قدرت های بزرگ دیگر جنگید [...].

ابتدا کار نسبتا بر وفق مراد ترک ها [عثمانی] بود. عثمانی در دسامبر ۱۹۱۴، در شرق آسیای صغیر دست به حمله زد [...]. در جبهه جنوب، در ابتدای سال ۱۹۱۵، قوای عثمانی مستقر در

فلسطین از صحرای سینا گذشته و در مصر اشغالی بریتانیا به ترعه سوئز حمله بردند. ولی عمر این موفقیت ها کوتاه بود. [زیرا]روس ها در شرق با تمام قوا حمله متقابل کردند [...]. در جنوب انگلیسی ها تهاجم ترک ها [عثمانی ها] به ترعه سوئز را پس زدند. در این میان انگلستان لشکری از هند به خلیج فارس فرستاده بود. در ۲۲ نوامبر ۱۹۱۴، سپاهیان انگلیس بندر بصره را که در آن موقع متعلق به عثمانی بود اشغال کردند. هدف فوری انگلیسی ها محافظت لوله نفتی بود که از ایران می آمد، ولی این موفقیت اولیه آن ها را به فکر فزون طلبی و نقشه های دیگر انداخت. در خلال سال ۱۹۱۵، نیروهای انگلیسی به تصرف نقاطی در ساحل دو رود دجله و فرات پرداختند

و رو به شمال به سوی بغداد پیش رفتند [...].

در فوریه ۱۹۱۵، انگلیسی ها در حول و حوش داردانل دست به عملیات دریایی زدند، جزیره لمنوس را اشغال کردند، و آنجا را پایگاه خود ساختند. در طول بهار و تابستان آن سال،

سربازان انگلیسی و استرالیایی، در تلاشی بزرگ برای درهم شکستن استحکامات دفاعی عثمانی در بغازها (داردانل و بوسفور) و پیوستن به روس ها در دریای سیاه، در چند نقطه

شبه جزیره گالیپولی پیاده شدند.

در اواخر سال ۱۹۱۵ و اوایل سال ۱۹۱۶، ورق تا اندازه ای دوباره به نفع عثمانی برگشت. روس ها از وان بیرون رفتند [اخراج شدند]، انگلیسی ها در عراق شکست خوردند و تسلیم شدند، و قوای سلطان [عبدالحمید] بار دیگر به ترعه سوئز حمله کرد. در ابتدای سال ۱۹۱۶، انگلیسی ها و استرالیایی ها، پس از زدوخورد شدید و تلفات سنگین، از کالیپولی عقب نشستند

و بغازها [تنگه های داردانل و بوسفور] را به حال خود گذاشتند. اما قدرت برتر متفقین در درازمدت فایق آمد [...].(۱)

مهاجمان به دنیای اسلام و محرکان و مشوقان پسِ پرده آن ها، همزمان با تهاجم و

۱- . همان منبع، صص ۳۴۲، ۳۵۱، ۳۵۲.

لشکرکشی نظامی، جبهه دیگری را و آن هم در داخل جامعه اسلامی، برای تسریع در فروپاشی آن بوجود آوردند. تحریک دسته ها و گروهایی از مسلمانان، به رهبری بعضی شیوخ و رهبران قدرت طلب و فزون خواه، از جمله خاندان شریف حسین و نیز تحریک بعضی گروه های ارمنی، بخشی از این جبهه جدید بود که خود آن ها در این باره چنین اعتراف

کرده اند:

در طول این کشمکش ها و هرج و مرج ها، اکثریت بزرگ اتباع امپراتوری عثمانی، صرف نظر از هویت قومی و مذهبی، وفادار باقی ماندند، به استثنای دو مورد: یکی ارمنی های آسیای صغیر

(آناتولی) و دیگری اعراب حجاز در شبه جزیره عربستان [...]. رهبران ملی گرای عرب و ارمنی جنگ را فرصتی می دیدند برای برانداختن سلطه عثمانی و تحقق دادن استقلال ملی. و روشن

بود که این کار را تنها می توان با کمک قدرت های اروپایی، اینک دشمن سلطان به انجام رساند. روس ها در ۱۹۱۴ چهار واحد بزرگ داوطلب ارمنی تشکیل دادند و در سال ۱۹۱۵ سه واحد دیگر به آنها افزودند. [علاوه بر این]دسته های چریک های ارمنی در قسمت های مختلف مملکت فعال بودند و جمعیت ارمنی در چندین نقطه، به ویژه در شهر وان در آسیای صغیر شرقی و شهر زیتون در کیلیکیه، دست به شورش مسلحانه زدند.(۱)

شورش اعراب از موضع، موقع، نقشه و پشتیبانی بهتری برخوردار بود. ارمنی ها در قلب ترکیه در آسیای صغیر در میان جمعیتی اکثر مسلمان قرار گرفته بودند، حال آنکه قیام عرب در حجاز

عربستان، در ایالتی نیمه خودمختار، تحت حکومت موروثی شریف حسین عرب، در سرزمین یکسره مسلمان و عرب، شامل مکه و مدینه، مقدس ترین دو شهر اسلام، اتفاق افتاد. مزیت دیگر قیام عرب، علاوه بر دور بودن از مراکز قدرت عثمانیان، دسترسی آسان انگلیسی های

مستقر در مصر بدانجا بود. شورشیان عرب هم برای انگلستان بی فایده نبودند [...].(۲)

برنارد لوئیس درباره اهمیت این جبهه جدید چنین می نویسد:

ورود چند هزار سرباز غیرمنظم بادیه نشین به مخاصمات ارتش های عظیم منظم، شاید بی اهمیت می نمود ولی اهمیت اخلاقی لشکری عرب در ستیز با ترکان، و از آن بیش تر، اهمیت

تبری جستن و محکوم کردن سلطان عثمانی و جهاد او از طرف حاکم حرمین الشریفین،

۱- . همان منبع، ص ۳۵۲.

۲- . همان منبع، ص ۳۵۳.

بی نهایت زیاد بود و برای انگلیسی ها، و ضمنا فرانسوی ها، در اِعمال اقتدار بر اتباع مسلمان شان ارزشی ویژه داشت. ضمنا زمان شورش اعراب نیز مساعدتر و مقارن با عقب نشینی کلی قوای عثمانی از تمامی ایالات عربی بود. [...]

در اواخر ۱۹۱۶، نیروهای انگلیسی از مصر به داخل فلسطینِ عثمانی پیش راندند، و لشکر انگلیسی دیگری همزمان در عراق پیاده شد و پیشروی متوقف شده به شمال را ادامه داد. با فرا رسیدن بهار ۱۹۱۷، سپاهیان انگلیسی بغداد را در عراق و غزه را در فلسطین اشغال کرده بودند.

در دسامبر ۱۹۱۷ بیت المقدس و در اکتبر ۱۹۱۸ دمشق را گرفتند.(۱)

این نویسنده یهودی، به طور تلویحی، هدف تهاجم نظامی مزبور به دنیای اسلام را از بین بردن نظام قبلی مبتنی بر مواضع و دیدگاه های معارض با صهیونیسم و روی کار آوردن نظم

نوین سازِگار با صهیونیسم در خاورمیانه اسلامی دانسته و می نویسد:

دوره مورد بحث با فروپاشی یا، دقیق تر بگوییم، با درهم شکستن نظم کهن که، خوب یا بد، چهار قرن یا بیش تر در قسمت اعظم خاورمیانه دوام آورد، شروع شد. عثمانی ها، بر پایه کار پیشینیان شان، ساختار و نظامی سیاسی بنا نهادند که هم دوام آورد و هم کار می کرد. و نیز فرهنگی سیاسی به وجود آوردند که خوب فهمیده می شد و در آن هر گروه، در واقع هر فرد،

موقع خود، قدرت و حد خود را می شناخت و از همه مهم تر می دانست که از او چه انتظار می رود، به او چه تعلق می گیرد، به کی چی باید بپردازد. نظام عثمانی البته به روز بد افتاده بود، ولی با وجود همه مشکلاتش، کماکان کار می کرد. اتباع مسیحی اش اکثرا دیگر به آن وفادار

نبودند و قبولش نداشتند، اما بیش تر جمعیت مسلمان هنوز حکومت را مشروع می دانستند. نظم

عثمانی، در دهه های آخر عمرش، نشانه هایی از بهبود و حتی پیشرفت از خود بروز داد. ورود

عثمانی به جنگ جهانی اول، به هرحال، راه هرگونه تحول را بست، دولت را فروپاشید، سرزمین های عثمانی را از هم پراکند و فاتحه امپراتوری را خواند.(۲)

او در ادامه، درباره دستاورد ناشی از توطئه چندجانبه صهیونیست ها، علیه جهان اسلام و حاصل جنگ جهانی اول و فروپاشی امپراتوری عثمانی، با نخوت و غرور می نویسد:

وقتی دود جنگ و غبار دیپلماسی جنگ جهانی اول از چهره خاورمیانه فرونشست، معلوم شد

۱- . همان منبع، ص ۳۵۴.

۲- . همان منبع، صص ۳۵۴-۳۵۵.

که تغییرهای مهمی روی داده است.(۱)

به این ترتیب، جهان اسلام چند پارچه و دچار تفرقه و تشتّت شد و هر بخشی را یکی از مهاجمان به چنگال گرفت. اشغالگرانِ سرزمین های پهناورِ اسلامی، برای تقسیم غنایم در

کنار هم گرد آمدند و تصمیم گرفتند.

بریتانیا و فرانسه هلال خصیب را به بخش هایی تقسیم کردند، ولی نه چون سابق به شکل مستعمره و تحت الحمایه، بلکه به صورت کشورهای جدید، با مرزها و نام های جدید، که با

تصویب جامعه ملل تحت اداره و قیمومت خود نگاه داشتند تا آماده استقلال شوند. فرانسه و انگلستان نظام هایی به الگوی حکومت های خود در این کشور جدید بنیان نهادند. بازوی شرقی

این سرزمین ها- ابتدا موسوم به بین النهرین و سپس عراق - مملکتی سلطنتی تحت قیمومت بریتانیا شد، ملک فیصل، پسر شریف حسین، در آن جا به تخت نشست. بازوی غربی، سابقا به

اسمِ عام سوریه و شامات، یا شرق طالع (لوان)، نیز قسمت شد، بخش مرکزی و شمالی به فرانسه، و بخش جنوبی، با نام فلسطین، به انگلیس سپرده شد. هر دو دولتِ قیم سپس قلمرو

خود را به بخش های کوچک تر تقسیم کردند. فرانسوی ها، پس از آزمایش هایی چند، دو جمهوری به وجود آوردند، یکی را لبنان خواندند، دیگری نام قدیم سوریه را نگه داشت. انگلیسی ها هم به همین ترتیب ناحیه خود را دو قسمت کردند: در بخش شرقی یک امیرنشین عرب تشکیل دادند، آن را ماوراء اردن نامیدند و حکومتش را به عبداللّه، پسر دیگر شریف مکه، بخشیدند؛ و بخش غربی، یعنی فلسطینِ کوچک تر شده، را تحت اداره و نظارت مستقیم خود گرفتند.

گردش امور در عربستان بسیار متفاوت بود. گذشته از مستعمره و تحت الحمایه عدنِ بریتانیا در جنوب غرب و شیخ نشین های خلیج فارس، که اکثر آن ها از دیرباز به درجات مختلف از انگلستان فرمان می بردند، بخش بزرگی از شبه جزیره عربستان عملاً مستقل بود. مهم ترین

رویداد این جا رونق مجدد مکتب وهابی و موفقیت آل سعود تعمیم دهنده آن آیین بود. به هنگام

شروع جنگ در ۱۹۱۴، رئیس وقت خاندان، عبدالعزیز ابن سعود، حکومت خود را به بیش تر عربستان شرقی بسط داده بود و با انگلیسی ها که در مقابله با ترکان به حمایت شان نیاز داشت وارد روابط حسنه شده بود. پس از جنگ نیز ابن سعود به فتوحات خود ادامه داد، سرزمین های

۱- . همان منبع، ص ۳۵۵.

دیگری در شمال و جنوب شبه جزیره به دست آورد و فرمانروایان پیشین این نواحی را برکنار یا اخراج کرد.

ابن سعود علاقه امپراتوری بریتانیا را به عربستان شرقی و جنوب شرقی خوب می دانست، از این رو علیه امارات و شیخ نشین های شرقی اقدامی نکرد، و کوشش خود را تماما در عربستان

غربی و جنوب غربی، تنها دو رقیب باقی مانده جدی، متمرکز ساخت. یکی از این رقبا مملکت

حجاز- زیر فرمان حسین شریف مکه، قهرمان قیام اعراب بر ضد ترک ها- بود؛ دیگری امام نشین

یمن در گوشه جنوب غربی شبه جزیره عربستان.(۱)

و این ها همه با هدایت پَسِ پرده ای ها و با استراتژی از پیش طراحی شده به پیش می رفت.

آن ها، پس از اجرای بخش اول سناریوی خویش، پس از جنگ جهانی اول، ساختار جدیدی را برای ایران رقم زدند و در ترکیه نیز طرح سیاسی، فرهنگی و اداری نوینی هماهنگ و همسو طراحی کردند و به معرض اجرا گذاشتند. به طوری که برنارد لوئیس یهودی می نویسد:

امپراتوری عثمانی شکست خورده بود، پایتختش اشغال شده بود، دشمنان ظفرمند سرگرم تقسیم سرزمین هایش میان خود و وابستگان شان بودند، کشور سُست و ناتوان افتاده بود. ایران،

با وجود اعلام بی طرفی، میدان کارزار دولت های متخاصم شده بود و نیروهای خارجی - ترک ها، روس ها، آلمانی ها، انگلیسی ها- آن چنان در خاک کشور عمل می کردند که گویی دولت

مستقلِ ایرانی وجود ندارد. بیم آن می رفت که این دو هم به سرنوشت دیگر ممالک آسیایی و افریقایی - که مقهور قدرت فزاینده غرب شدند- گرفتار آیند.

در حقیقت هر دو کشور، هریک به طریقی، از این سرنوشت رست. تحول در ۱۹۱۹ هنگامی شروع شد که یک افسر ترک به نام مصطفی کمال، بعدا ملقب به آتاتورک، در قلب آسیای صغیر

نهضت مقاومتی [...]تشکیل داد و آن را رهبری کرد. [...]سلطنت را منحل و اعلام جمهوری نمود. جمهوری ترکیه، تحت پیشوایی آتاتورک، برنامه وسیع و جامعی از نوسازی و جدا کردن

دین از دولت - امری بی سابقه در جهان اسلام - انجام داد.

ایران در همین سال، ۱۹۱۹ میلادی، شاهد عقد قراردادی بود که، ضمن به رسمیت شناختن استقلال و تمامیت خاک کشور، عملاً مقدمات استیلای بریتانیا را فراهم می آورد. مجلس ایران

۱- . همان منبع، ص ۳۵۶.

که برای تصویب قرارداد فرا خوانده شده بود، قرارداد را رد کرد و پدیدار شدن سر و کله سپاهیان روس در شمال ایران – این بار در کسوت بلشویکی – وضعیت را پیچیده تر ساخت. پس

از دورانی هرج و مرج، افسری از فوج قزاق، به نام رضاخان، در حوت ۱۲۹۹ زمام امور را به

دست گرفت، دولتی تقریبا دیکتاتوری پایه نهاد.(۱)

توطئه یهود در تلاشی امپراتوری عثمانی

برنارد لوئیس یهودی همه این حوادث را عادی و روند آن را طبیعی قلمداد می کند. او به نقش یهودی های مخفی یا «دونمه»(۲) در فروپاشی امپراتوری عثمانی هیچ اشاره ای نمی کند.(۳) این جماعت در ظاهر مسلمان بودند و ادعای مسلمانی می کردند و نام مسلمانی داشتند؛ اما در پنهان یهودی و پایبند به اصول و آیین یهود بودند. دونمه ها به دلیل رفتار دوگانه و منافقانه و اهداف کاملاً پنهان خود در ارکان قدرت سیاسی و تصمیم گیری امپراتوری عثمانی نفوذ عمیق و گسترده ای داشتند و امور را در مسیر مطامع خود هدایت و پیش می بردند. جز خیانت

غیرقابل کتمان دونمه ها، توطئه برخی سران و سرمایه داران ذی نفوذ و کانون های یهودی

اروپا نیز نقش و تأثیر اساسی در تلاشی امپراتوری عثمانی داشت که برنارد لوئیس به آنها

اشاره نکرده است. طبق اسناد موجود؛ جنبش صهیونیسم پس از شکل گیری در اولین کنگره جهانی صهیونیسم در سال ۱۸۹۷م در شهر بال سوئیس، تلاش کرد، سلطان عبدالحمید امپراتور عثمانی را نسبت به اسکان یهودی ها در فلسطین راضی نماید. لیکن عدم موافقت مکرر سلطان عثمانی با این پیشنهاد و طرح رهبران صهیونیست، آنها را کاملاً مأیوس و ناامید

ساخت. بنابراین دشمنی و خصومت خود را با او کاملاً آشکار و تشدید کردند.

در فاصله زمانی که جنبش صهیونیسم دشمنی خود را با دولت عثمانی آشکار می کرد، یهودی های ساکن امپراتوری عثمانی، نارضایتی خود را از سلطان عبدالحمید آشکار کردند. آنها از هرگونه خلل و کاستی در دولت عثمانی به سود خود بهره برداری می کردند.

صهیونیسم جهانی، همگام با بعضی کشورهای اروپایی و نیز با هماهنگی یهودی های دونمه

۱- . همان منبع، ص ۳۵۷.

۲- . Donme

۳- . برای کسب اطلاعات بیشتر در این باره، مراجعه شود به: علیرضا سلطانشاهی، پان ترکیسم و یهود. پژوهه صهیونیست، به

کوشش محمد احمدی، مؤسسه فرهنگی پژوهشی ضیاء اندیشه، چاپ اول ۱۳۷۶، صص ۲۸۰ تا ۲۸۳.

به این واقعیت پی برده بودند که (امپراتوری) سلطان عبدالحمید ضرورتا مضمحل خواهد شد. زیرا تحقق اهداف صهیونیست ها در فلسطین تا زمانی که سلطان عبدالحمید قدرت را در دست داشت امکان پذیر نبود. این در زمانی بود که کشورهای اروپایی نیز (تحت تأثیر و

نفوذ صهیونیست ها و به دلیل ترس از قدرت بزرگ عثمانی) تقسیم امپراتوری عثمانی را، البته برای دستیابی بر آن اراضی و ایجاد تشکیلات مستقل و خودمختار برای اقلیت های یهودی، ارمنی، یونانی و بعضی اقلیت های دیگر که به طور طبیعی تکوین آنها جز به خواست

اروپاییان شکل نمی گرفت، امری اجتناب ناپذیر می دانستند.(۱)

به علاوه صهیونیست ها، پایه گذار جنبش ملی گرایی ترک و انقلاب ترکان جوان در سال ۱۹۰۸م/ ۱۲۷۷ش، امپراتوری عثمانی بودند. بعد از انقلاب ۱۹۰۸ و خلع سلطان در سال ۱۹۰۹م/ ۱۲۷۸ش، سیاست عثمانی برای مدتی در برابر فلسطین و کشورهای عربی دگرگون شد و موج مهاجرت یهودی ها (به فلسطین) رو به افزایش گذاشت؛ در حالی که حکومت عثمانی در دوران سلطان عبدالحمید، تمام تلاش خود را برای جلوگیری از اسکان یهودی ها

در سرزمین های مقدس به کار می گرفت... سیاست عبدالحمید دوم در قبال متحدین و صهیونیست ها و کشورهای اروپایی منجر به توافق این عناصر در برپایی انقلاب ۱۹۰۸ شد. افسران عضو اتحاد و ترقی از طریق لژهای فراماسونری این امکان را یافتند که بر فعالیت های

خود بیفزایند. زیرا وجود لژهای فراماسونری در سالانیک (سالونیک) که یکی از ولایت های

سه گانه ای بود که تحت نظارت بین المللی قرار داشت، حمایت بین المللی را نسبت به خود

تضمین می کرد. بنابراین، انقلاب اتحاد و ترقی، قبل از اینکه انقلابی ترکی و یا عثمانی باشد، یهودی بین المللی است. زیرا کمیته جمعیت در سالانیک (سالونیک) زیر نظر فراماسونری بین المللی و با تأیید یهود و یهودیان دونمه شکل گرفت و عناصر یهودی مثل: قاره صوه، سالم، سامسون، فارجی، مازلیاح، جاوید و بالجی نقش اساسی در تنظیم این کمیته و پیروزی انقلاب ایفا کردند.(۲)

به طوری که نوشته اند؛ یهودی ها در جنبش «اتحاد ترک» نقش مهم ایفا کردند، به طوری که

۱- . حسن خلاق، نقش یهود و قدرت های بین المللی در خلع سلطان عبدالحمید از سلطنت، برگردان حجت اللّه جودکی- احمد درویش، مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، چاپ اول ۱۳۸۰، ص ۳۳-۳۴.

۲- . حسن خلاق، صص ۱۳۴-۱۳۵. نیز مراجعه شود به پژوهه صهیونیست، مقاله پان ترکیسم و یهود، نوشته علیرضا

سلطانشاهی، صص ۲۹۶ و ۲۹۷.

پس از سال ۱۹۰۸، در این جنبش افراد غیرمسلمان یا غیرترک، جز یهودیان، وجود نداشتند.

یهودی ها در نهضت ترک های جوان در سالونیک نقش مؤثری برعهده داشتند که از میان آنها

می توان از، آلبرت فوالیون گاتنیو، اشیر سالم، آبراهام گالانت، امانوئل قره سو (صو) نام برد.(۱)

از جمله اسناد معتبر در این باره؛ نامه سلطان عبدالحمید است که به محمود ابوالشامات

ارسال شده است. سلطان در این نامه تأکید و تصریح کرده که چون پیشنهاد ۱۵۰ میلیون لیره طلا- (رشوه) را در مقابل ایجاد وطن قومی برای یهودی ها رد کرد، از سلطنت خلع شده است.(۲)

در بخشی از نامه امپراتور عثمانی چنین آمده است:

این نامه را به شیخ طریقت بزرگ شاذلیه، به حیاتبخش روح، به شیخ زمانه محمود افندی ابی الشامات، تقدیم می کنم و دستان مبارکش را می بوسم و از او التماس دعا دارم. [...]اینجانب به خاطر فشارهای جمعیت اتحاد و ترقی موسوم به «ژون ترک» [ترکان جوان] و تهدیدهای آنها، بالاجبار و از سر ناچاری، خلافت اسلامی را رها کردم. این جمعیت به کرّات اصرار

کردند و فشار آوردند که با تأسیس وطن قومی برای یهودیان در سرزمین مقدس - فلسطین - موافقت نمایم. علیرغم پافشاری آنان من این پیشنهاد را قاطعانه رد کردم. اینان سرانجام مبلغ ۱۵۰ میلیون لیره طلای انگلیس به من عرضه کردند که این پیشنهاد را نیز قاطعانه نپذیرفتم و در پاسخ آنان جواب صریح ذیل را دادم: اگر شما- علاوه بر این ۱۵۰ لیره طلای انگلیس - دنیا را پر از طلا می کردید و به من می دادید، به طور قطع هرگز این پیشنهاد شما را نمی پذیرفتم. اینجانب به ملت اسلام و امت محمد[ص]بالغ بر سی سال است که خدمت می کنم و هرگز پرونده آبا و اجداد مسلمان خود- شاهان و خلفای عثمانی - را سیاه نمی کنم. بنابراین پیشنهاد شما را اکیدا رد می کنم.

اینان پس از جواب قاطعانه من، بر خلع اینجانب اتفاق کردند و به من ابلاغ نمودند که عنقریب مرا به سالانیک تبعید می کنند. پیشنهاد اخیر را پذیرا و خداوند متعال را سپاس گفتم. او را

شکرگزارم، چرا که امپراتوری عثمانی و جهان اسلام را به این ننگ ابدی برآمده از پیشنهادشان

۱- . فصلنامه خاورمیانه، مرکز پژوهش های علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه، سال اول، شماره ۱، تابستان ۱۳۷۱، به نقل از: شؤون ترکیه، مرکز الدراسات الاستراتیجیه و البحوث و التوثیق، تشرین الثانی/ نوفبر ۱۹۹۲، ص ۴۵.

۲- . حسن خلاق، ص ۱۳۵.

مبنی بر ایجاد دولتی یهودی در سرزمین های مقدس فلسطین، نیالودم [...].(۱)

این نامه سند متقنی است که نه فقط نقش یهودی ها و کانون های ساخته و پرداخته صهیونیست ها را در تلاشی امپراتوری عثمانی و اشغال فلسطین افشا می کند؛ بلکه تحریف تاریخ از سوی تاریخ پردازان و تئوریسن های صهیونی، چون، برنارد لوئیس را نیز یادآوری و تأکید می کند.

بسیاری از نویسندگان و محققان، ترویج باستانگرایی در ایران دوره پهلوی و ملی گرایی ترک در امپراتوری عثمانی و بعدها ترکیه را دارای منشاء یهودی و صهیونیستی دانسته اند. به عقیده این محققان، بیشتر حرکت های ملی گرایانه در خاورمیانه با این ادعا آغاز شد که ملل موجود در این منطقه، قبل از ظهور اسلام یا گرویدن به آن، از تمدن والایی برخوردار بوده اند. به این ترتیب با بستن پلی از حال به گذشته قبل از اسلام، در صدد برمی آیند تا حضور و قدرت اسلامی را کم فروغ جلوه دهند.(۲)

به هر حال تلاش گسترده و همه جانبه ای از سوی محافل یهودی و صهیونیستی و یا ایادی آنها، برای القاء این اندیشه صورت می گرفت که بین آیین و آداب ایرانیان و ترکان با یهود

وجوه اشتراک و یا پیوند کهن وجود دارد. بر این اساس ترویج یهودگرایی(۳) در ترکیه(۴) و نیز ایران، بخشی از تلاش های فکری و فرهنگی صهیونی به منظور نزدیک ساختن و ایجاد ارتباط بین دو ملت ایران و ترکیه با جامعه یهودی و صهیونیستی مستقر در سرزمین فلسطین

از یکسو و جدا ساختن آنها از مردم مسلمان و عرب منطقه از سوی دیگر بود. این اقدامات

کاملاً سازگار و منطبق با «استراتژی پیرامونی» اسرائیل در انعقاد پیمان سه جانبه ایران،

اسرائیل و ترکیه در دوره پهلوی بود که به طور مشخص و روشن، در حوزه های اطلاعاتی و جاسوسی بیش از همه عینیت پیدا کرد.

بنابراین، به جرأت می توان در این باره قضاوت کرد که، آنچه ایران شاهنشاهی و ترکیه را

به هم نزدیک و همسو نمود تا با سازگاری و همکاری تمام، در کنار صهیونیست ها، جبهه

۱- . همان منبع، صص ۱۵۲-۱۵۳. متن نامه سلطان عبدالحمید به زبان ترکی عثمانی و نیز متن ترجمه عربی آن، در صفحات ۱۵۳ تا ۱۵۶.

۲- . علیرضا سلطانشاهی، پان ترکیسم و یهود، کتاب پژوهه صهیونیست، ص ۲۷۵.

۳- . ن.ک: همان منبع صص ۲۷۲ تا ۲۷۸ و نیز ۲۷۹ تا ۲۸۳.

۴- . ظهور و سقوط سلطنت پهلوی، جلد دوم، پاورقی صص ۱۲۷-۱۲۸.

واحدی را علیه مسلمانان و ممالک اسلامی منطقه تشکیل بدهند، ریشه در تحولات و تغییراتی داشت که در بالا به آن اشاره شد. همکاری اطلاعاتی و امنیتی و جاسوسی سرویس های اطلاعاتی ایران شاهنشاهی، ترکیه و اسرائیل در مسیر استراتژی توسعه طلبانه

صهیونیسم در منطقه، اگرچه در ساختار سیاسی نهادهای حکومتی آن دو دولت و نیز ابعاد نفوذ و حضور یهودی ها و صهیونیست ها در آن دو داشت، اما زمینه ساز همه اینها رویدادهایی بود که پیش از آن، با برنامه ریزی و طراحی پنهان، به وقوع پیوسته بود. آن

رویدادها بودند که قبل از حضور و نفوذ آشکار کانون ها و اشخاص یهودی و صهیونیستی، موجب استقرار و ایجاد پایگاه های پنهان آن ها در عالم اسلام، به ویژه در ایران و ترکیه شده بودند.

بر این اساس، مطالعه، بررسی، تحقیق و قضاوت درباره ماهیت، ابعاد و عمق ارتباط و همکاری سرویس های اطلاعاتی ایران شاهنشاهی، ترکیه و اسرائیل در مسیر استراتژی صهیونیسم در منطقه، ضروری است، تا از این زاویه، مورد ارزیابی و بازنگری قرار گیرد.

ص: ۱۸۸

گزارش ها و قطعنامه ها

(۱)

اسناد و مدارک سری و پنهان به جا مانده از آن دوران، زمانی جذاب تر و شگفت انگیزتر جلوه می کنند که از زاویه نگاه مزبور، مورد مطالعه و بررسی قرار گیرند. یعنی تکاپوی پنهان دو سرویس اطلاعاتی ایران و ترکیه، اگرچه در ظاهر، همطراز و همردیف سرویس اطلاعاتی اسرائیل، اما در واقع تحت فرمان و هدایت دستگاه جاسوسی و اطلاعاتی رژیم صهیونیستی و بلکه صهیونیسم جهانی و در خدمت آرمان و استراتژی آن ها، مورد توجه قرار گیرند. پیمان

همکاری سرویس های اطلاعاتی اسرائیل، ترکیه و ایران شاهنشاهی، تقریبا از دهه چهل شمسی یا دهه شصت میلادی آغاز و در آخرین سال های دهه پنجاه شمسی یا دهه هفتاد میلادی، در قرن حاضر، با سقوط نظام شاهنشاهی ایران خاتمه یافت. بر این اساس، بررسی و

شرح این گزارش ها و قطعنامه ها و مصوبات کمیته ها، شوراها و سمینارهای اطلاعاتی سه جانبه مزبور، در این نوشتار، به دو بخش؛ یعنی، دوره اول (دهه چهل شمسی) و دوره دوم

(دهه پنجاه شمسی) تقسیم شده است.

۱- . در این گزارش ها و قطعنامه ها، کلیه کشورهای عربی و اسلامی منطقه خاورمیانه تا شمال و غرب آفریقا، به عنوان هدف، مشمول پیمان همکاری اطلاعاتی سه جانبه اسرائیل، ترکیه و ایران شاهنشاهی محسوب و در قلمرو استراتژیک صهیونیستی ارزیابی شده و در چارچوب استراتژی پیرامونی اسرائیل قرار گرفته اند. این کشورها که اوضاع و تحولات داخلی و نیز روابط و مناسبات خارجی آنها، همواره در گزارش ها و قطعنامه های نشست های اطلاعاتی سه جانبه، مورد بحث و بررسی قرار گرفته، عبارتند از: اردن، لبنان، عراق، سوریه، عربستان سعودی، کویت، قطر، بحرین، امارات متحده عربی، یمن شمالی و جنوبی، عمان، فلسطینی ها، پاکستان، افغانستان، تونس، الجزایر، لیبی، مغرب (مراکش)، سودان.

دوره اول (دهه چهل ش)

شانزدهمین کنفرانس یا شورای سه جانبه سرویس های اطلاعاتی ایران و ترکیه و اسرائیل در آبان ماه سال ۱۳۴۵ در آنکارا، حول محور پنج دستور برگزار شد. در یکی از گزارش های

ساواک، به این دستورها چنین اشاره شده است:

گزارش

شانزدهمین کنفرانس سه جانبه سرویسهای (ایران - ترکیه - اسرائیل) از تاریخ ۲۳ تا ۲۷ آبانماه ۱۳۴۵ در آنکارا تشکیل و پس از تبادل اطلاعات و بررسی اوضاع بین المللی و تأثیر آن در

منطقه خاورمیانه و خطراتی که این منطقه را تهدید می نماید از طرف شورای سه جانبه تصمیماتی بمنظور جلوگیری از آن خطرات و مقابله با فعالیتهای مخرب کمونیسم و عملیات اخلالگرانه ناصر اتخاذ گردید که صورت جلسه آن بشرح زیر و به پیوست تقدیم می گردد:

۱- گزارش کمیته امنیت

۲- گزارش کمیته هماهنگ کننده

۳- توصیه ها

۴- تصمیمات اجرائی

۵- عناصر اصلی خبر(۱)

کنفرانس شانزدهم سرویس های اطلاعاتی سه گانه، در ابتدا، گزارشی پیرامون اوضاع سیاسی خاورمیانه تا شمال آفریقا منتشر نمود. در این گزارش با اشاره به بسط نفوذ شوروی

کمونیستی در کشورهای عربی و حتی کمک آن ها به سازمان آزادی بخش فلسطین و نیز توافق نظامی مصر و سوریه و مبادله سفیر بین سوریه و عراق ابراز نگرانی شده است:

اوضاع بین المللی و تأثیر آن در منطقه خاورمیانه در ششماه گذشته

ظرف مدت شش ماهی که پس از پانزدهمین کنفرانس سه جانبه سپری شده است مهمترین تحولی که در سیاست جهانی به چشم می خورد تشدید اختلافات بین روسیه شوروی و چنین کمونیست و اقدام آنان در متشکل کردن جبهه های طرفدار خود بمنظور تحکیم موقعیت و ازدیاد نفوذ در منطقه خاورمیانه و افریقا می باشد.

۱- . گزارش ساواک، بدون شماره و تاریخ، با طبقه بندی سری. این گزارش ظاهرا در اواخر آبان یا اوایل آذر سال **۱۳۴۵** تهیه شده است.

اقداماتی که از طرف کشورهای فوق الذکر در این زمینه بعمل آمده است هریک بنوبه خود اثر مستقیم و یا غیرمستقیمی در وضع موجود و تعادل قوا در منطقه حساس خاورمیانه داشته است.

این اقدامات از دو طریق صورت گرفته است: یکی از راه نزدیکی و تماس با احزاب منطقه و

دیگری سعی در همکاری و همگامی با اقدامات سازمانها و حکومتهای کشورهای باصطلاح انقلابی.

دولت چین کمونیست طی این مدت سعی نمود تا پیروان خود را در احزاب زیرزمینی کمونیست (طرفدار پکن) کشورهای خاورمیانه متشکل سازد. در اجرای این منظور باشاره و توصیه چین کمونیست کنگره هائی از احزاب کمونیست طرفدار پکن در خاورمیانه در بصره و شتورا تشکیل گردید. منظور از تشکیل این کنگره مطالعه در امر ایجاد یک کمیته واحد از

احزاب کمونیست طرفدار پکن در منطقه خاورمیانه و متحد نمودن روشها و هماهنگ کردن مبارزات آنها علیه احزاب کمونیست طرفدار شوروی - دولت شوروی و بلوك غرب و نفوذ آن در منطقه بود. ضمنا قرار است در آغاز سال ۱۹۶۷ کنگره بین المللی احزاب کمونیست طرفدار

چین کمونیست در پکن تشکیل گردد. از طرف دیگر چین کمونیست با پشتیبانی از سازمانهای آزادیبخش فلسطین و الفتح و دادن کمکهای مادی و فنی مانند آموزش افراد این سازمانها در

چین بمنظور آماده نمودن آنان برای جنگهای پارتیزانی و مجهز کردن آنان بسلاحهای مدرن

جنگی - تشکیل گارد سرخ و الهام دادن بکشورهای باصطلاح انقلابی مانند سوریه در این مورد

سعی نمود روش افراطی خود را در منطقه انتشار دهد. ولی بطور کلی چین کمونیست نتوانسته

است روش خود را بدولتهای باصطلاح انقلابی منطقه بقبولانند و موفق نگردید از اِعمال سیاست افراطی خود که مورد پسند رهبران کشورهای خاورمیانه قرار نگرفته است نتیجه مطلوبی بدست آورد.

دولت اتحاد جماهیر شوروی در ششماهه گذشته مقاصد خود را در منطقه چه در مسائل ایدئولوژیکی و چه در مسائل سیاسی با نرمش توأم با قدرت به پیش برده است. بدین معنی که

باحزاب کمونیست طرفدار مسکو در خاورمیانه توصیه نموده است تا شدیدا با احزاب کمونیست طرفدار پکن وارد مبارزه شده و مانع بسط نفوذ آنان در منطقه گردند و ضمنا توصیه

نموده است که بمنظور همکاری با سایر احزاب ملی در کشورهای خاورمیانه و تشکیل یك جبهه مقتدر در داخل کشورهای باصطلاح انقلابی منطقه در مسائل ایدئولوژیکی تعصب بخرج

نـداده و تا حـد امکان از جنبه های مثبت احزاب ملی برای ایجاد این نوع همکاری اسـتفاده نمایند. در تعقیب این روش بود که نمایندگانی از اتحاد سوسیالیست عرب مصر به مسکو رفته

و مـذاکرات و مباحثـات ایـدئولوژیکی بین آنـان و حزب کمـونیست شوروی بعمـل آمـد. بازدیـد نماینـدگان سازمـان جوانـان شوروی وابسته بحزب کمونیست آن کشور از قاهره - انجام مذاکرات

بین احزاب بعث - اتحـاد سوسـیالیست عرب و جبهه آزادیبخش ملی الجزایر بمنظور ایجـاد همبسـتگی بین احزاب ملی و حزب کمونیست از یک طرف و بین خود احزاب ملی از طرف دیگر شواهد دیگری از این امر می باشند.

ضمنا دولت شوروی، که تاکنون بطور جدی و مؤثر کمکی بسازمان آزادیبخش فلسـطین نمی نمود بدنبال شـکست مقررات و تصمیمات کنفرانسهای سران عرب و بمنظور مقابله بانفوذ

پکن در این سازمان و همچنین حفظ ماهیت انقلابی سازمان مذکور در مقابل امتناع کشورهای

ضدانقلابی عرب از ادامه کمک بآن، تصمیم گرفت که بطور مؤثری بآن سازمان کمک نماید.

از طرف دیگر دولت شـوروی در شـش مـاهه اخیر اقـدامات دامنه داری بمنظور ایجـاد تفـاهم بیشـتر بین کشورهـای باصـطلاح انقلابی منطقه خاورمیانه بعمل آورده و می توان گفت که نتایج مثبتی

در این زمینه بدست آورده است.

انعقـاد قرارداد نظـامی مصـر و سوریه و مبادله سـفیر بین سوریه و عراق شواهـدی از این امر می باشـند. همچنین دولت شوروی بمنظور تحکیم موقعیت کشورهـای باصـطلاح انقلابی منطقه و تقویت روحیه آنها اسـلحه و مهمات قابل توجهی باین کشورها سرازیر نموده و با استقرار یک

ناوگـان جنگی مجهز بسـلاحهای اتمی در مـدیترانه و بازدیـد آن از اسـکندریه عملاً پشتیبـانی خود را از اینگونه رژیمها ثابت نمود. ضمنا بمنظور حفظ رژیم متزلزل سوریه تهدید کرد که هرگونه

تجاوز به آن کشور از طرف شوروی بـدون پاسخ نخواهد ماند و بالاخره اخیرا با اسـتفاده از حق وتو با قطعنامه ای که از طرف دولتین آمریکا و انگلستان علیه تجاوز سوریه به اسرائیل تسلیم شورای امنیت سازمان ملل متحد شده بود مخالفت کرد.

اقـدام دیگر دولت شوروی بمنظور بسـط نفوذ خود در منطقه خاورمیانه در شـش ماهه اخیر سـعی آن دولت به منظور تسـلط بر دروازه های بحر احمر و خارج ساختن آن از تسلط غرب می باشد

بـدین منظور به کشـور سومـالی در مورد آزاد سـاختن سومـالی فرانسه که موقعیت اسـتراتژیکی بسـزائی در دریـای احمر دارد کمکهای اقتصادی و نظامی قابل توجهی می نماید.

در منطقه شـرقی بـاب المنـدب نیز دولت شوروی از راه کمک بـدولت مصـر برای دست انـدازی به منطقه یمن و عـدن در راه هدف خود یعنی کنترل دهانه جنوبی بحر احمر گامهای بلندی برداشته

است. بموازات فعالیتهای بلوک شرق در منطقه خاورمیانه فعالیتهای کشورهای انقلابی منطقه خاورمیانه برهبری مصر با حرارت بیشـتر و روشـهای جدیـدی در صـحنه سـیاست کشورهـای عربی منطقـه ظـاهر گردیـده اسـت. دولـت مصـر و متفقیـن عرب او دسـتگاههای تبلیغاتی خود را بمنظور مبارزه دامنه داری علیه کشورهای باصطلاح ضدانقلابی بسیج نموده و از این راه کوشش می نمایند افکار عمومی توده جهان عرب را علیه رهبران به ادعای آنان مرتجع آن کشورها تحریک نمایند.

دولت مصر به منظور بهره برداری کامل از حملات تبلیغاتی خود که نمی تواند بتنهائی کافی برای رسیدن بهدف او باشد سعی دارد بـا برقراری ارتباط مستقیم با احزاب زیرزمینی و دسـتجات ناراحت در کشورهای ضـدانقلابی و تأسـیس سـلولهای حزبی توده هـای مردم را توجیه و سـیاست مصـر را به آنـان تفهیم نماینـد. ضـمنا بـا تقویت و تجهیز نیروی نظـامی خود بمنظور آنکه بتواند در مواقع ضروری و احتیاج بدرخواست کمک گروههای باصطلاح انقلابی پاسخ مثبت دهد بسیاست خارجی خود روح تهـاجمی تـازه ای بخشـیده و کوشـش می کنـد از این راه زیربنـای جـامعه های کشورهای مخالف را از ریشه و بن زیر و رو و دگرگون سـازد. در اجرای این سـیاست جدیـد است که دولت مصـر از سازمـان آزادیبخش فلسـطین و مبارزه او با رژیم اردن پشتیبانی نموده و به تأسیس

سلولهـای جدیـدی از جنبش حرکه القومیون العرب (جنبش ناسـیونالیست عرب) در منطقه خلیـج فارس - عربسـتان سـعودی و فدراسـیون جنوب عربی و تشدیـد فعـالیت این جنبش در منطقه کمـک می کنـد. اثرات مثبت این سـیاست ناصـر به صورت تعویق انداختن کنفرانس سران عرب، توفیق

در برکناری بزاز در عراق و انعقاد پیمان دفاعی با سوریه ظاهر گردیده است.

در اینجا باید گفته شود که ظرف ششماه اخیر ناصر نتوانست از کنفرانس کشورهای غیرمتعهد و

کنفرانس وحـدت افریقـائی که همواره بعنوان یـک میـدان تبلیغاتی و بالا بردن پرستیژ جهانی خود از آن بهره برداری می کرد نتیجه ای گرفته و استفاده هائی را که تاکنون با های و هوی و جنجال از این کنفرانس می برد بدست آورد.

نتیجه:

ظرف ششماه گذشته همکاری و همفکری دستگاههای تبلیغاتی و بطور کلی سیاست خارجی

کشورهای انقلابی برهبری مصر و بلوک شرق بخصوص شوروی بیش از پیش مشهود گردیده است.

این هماهنگی بدو صورت: حمله بسیاست استثماری بلوک غرب و حمله بروش ارتجاعی رهبران کشورهای باصطلاح ضدانقلابی منطقه تجلی نموده است.

این نوع همکاری و همفکری بین کشورهای باصطلاح انقلابی خاورمیانه و کشورهای کمونیستی باعث بروز بحران ناامنی و تشنجاتی در منطقه گردیده که باید با هشیاری و واقع بینی

هرچه تمامتر در نظر گرفته شده و برای جلوگیری از خطرات احتمالی آن پیش بینی ها و تدابیر

لازم اتخاذ گردد.(۱)

شانزدهمین شورای سه جانبه سرویس های اطلاعاتی ایران، اسرائیل و ترکیه، پس از پایان اجلاس (۱۷-۱۸ نوامبر ۱۹۶۶م/۲۶-۲۷ آبان ۱۳۴۵ش) با صدور یک قطعنامه شش ماده ای به کار خود پایان داد. در این قطعنامه نه فقط، از بسط حضور و نفوذ و روابط میان

شوروی و چین با کشورهای عربی اظهار نگرانی شده، بلکه شرکت کنندگان، از همکاری و روابط حسنه بعضی محافل و دولت های عربی نیز ابراز ناراحتی و نارضایتی کرده اند. محورهای اصلی قطعنامه مزبور به شرح ذیل است:

قطعنامه شانزدهمین شورای سه جانبه

الف - مقدمه:

۱- شانزدهمین شورای سه جانبه از تاریخ ۱۸-۱۷ نوامبر ۱۹۶۶ در شهر STORMتشکیل گردید.

رؤسای سه سرویس درباره تحولات عمده خاورمیانه بویژه وقایع مهم بین المللی بحث و گفتگو

نموده به تجزیه روزافزون دنیای عرب به دو قطب مخالف و تهاجم شوروی در منطقه در زمینه های سیاسی - نظامی و اقتصادی توجه خاص مبذول داشتند:

تحولات سوریه و نقش مهمی که تغییرات مزبور در دنیای داخلی عرب و در اجرای طرح بزرگ شوروی در منطقه ایفاء می کند مورد بررسی دقیق قرار گرفت.

۲- در مورد جنبه های مختلف سیاست و فعالیت مصر در سوریه، عراق عربستان جنوبی و بویژه توسعه و تحولات نظامی مصر با در نظر گرفتن هدف های شوروی در منطقه تبادل نظر و گفتگو

۱- . گزارش ساوک، درباره گزارش منتشر شده در شانزدهمین کنفرانس سرویس های اطلاعاتی سه گانه، با طبقه بندی سری.

بعمل آمد.

۳- به فعالیتهای چین کمونیست در منطقه اشاره شده و اهمیت چنین اقداماتی در صحنه خاورمیانه و سایر نقاط دنیا مورد ارزیابی قرار گرفت.

۴- وضع داخلی مصر گرایش آن به سیاست چپی و ارتباط این مسئله با نفوذ شوروی در منطقه و خطر تأثیر این تمایلات در تشدید سیاست افراطی در سراسر منطقه مورد توجه قرار گرفت.

۵- رؤسای سه سرویس بار دیگر آگاهی خود از وحدت مقاصد و منافع موجود در مذاکرات اعلام داشته و آن را نتیجه حسن تفاهم و همکاری دامنه داری که از ابتدا بین سه سرویس موجود بود بشمار آوردند.

۶- پس از آن شورا گزارش مربوط به کمیته هماهنگ کننده، کمیته اطلاعات، کمیته امنیت، گزارش گردش کار دبیر کل - عناصر اصلی خبر E.E.I و بویژه ارزیابی - توصیه ها و تصمیمات اجرائی ذیل را تصویب نمود.(۱)

در شانزدهمین اجلاس سه جانبه، ۳۷ محور و موضوع مربوط به مسایل اعراب و منطقه، تحرکات کشورهای کمونیستی مثل شوروی و چین در خاورمیانه و نیز اوضاع داخلی پاره ای از کشورهای عربی مورد توجه قرار گرفت. در گزارش به کلی سری ساواک در این باره چنین می خوانیم:

شانزدهمین اجلاسیه کنفرانس سه جانبه از تاریخ ۲۳ تا ۲۷ آبانماه ۱۳۴۵ در آنکارا تشکیل گردید که قطعنامه گزارشهای مربوط به آن بدینوسیله و بشرح زیر تقدیم می گردد:

۱- مقدمه

۲- بررسی اوضاع سیاسی منطقه

۳- توصیه ها

۴- تصمیمات اجرائی

۵- تشکیلات

۶- عناصر اصلی خبر

۷- گزارش کمیته هماهنگ کننده

۸- گزارش کمیته امنیت

۱- . گزارش ساواک، ۱۸ نوامبر ۱۹۶۶م/۲۷ آبان ۱۳۴۵، بدون شماره، با طبقه بندی سری.

الف – امور بین الاعراب:

۱- تجدید احتمالی فعالیتهای اخلالگرانه ناصر در جهان عرب.

۲- سازمان و فعالیتهای سرویسهای اطلاعاتی مصر و دیگر کشورهای متخاصم.

۳- عواملی که ممکنست باعث تضعیف یا تقویت تز وحدت اعراب در منطقه شده و نقشی که بوسیله ملک فیصل- حزب بعث و پرزیدنت بورقیبه در این زمینه ایفا می گردد.

۴- آینده کنفرانس سران عرب و اثرات و عواقب تهدیدات عربستان سعودی در مورد عدم رعایت تعهداتی که از طرف کنفرانس سران عرب بکشور مزبور تحمیل شده است بویژه پس از تضعیف موجودیت کنفرانس سران.

۵- کوششهائیکه بمنظور وحدت عراق و مصر بعمل می آید بویژه با توجه به فعالیتهای خرابکارانه

ناصر برای ساقط نمودن رژیم فعلی عراق.

۶- بهبود روابط سوریه و مصر با توجه به کوششهائی که از طرف دولت شوروی در این زمینه بعمل

آمده است و امکان وحدت بین دو کشور و تمایلات مشترک بسیاست افراطی.

۷- فعالیتهای مصر- عراق - کویت و عربستان سعودی در منطقه خلیج فارس - بویژه اقداماتی که از طریق جامعه عرب بعمل می آید- حقیقت خطر حمله قوای مصر به خاک عربستان.

۸- الف) جنبشهای تروریستی در دنیای عرب و فعالیتهای آنان علیه رژیمهای دوست و میانه رو در منطقه بویژه خطری که متوجه رژیم ملک ادریس در لیبی می باشد.

ب) سازمان الفتح و فعالیتهای آن در منطقه – تمایل دولت سوریه برای پشتیبانی از سازمان مزبور و فعالیتهای آن.

۹- فرماندهی مشترک عرب – طرحها- سازمان – فعالیتها و اثرات تحولات اخیر کنفرانس سران در

انجام وظایف فرماندهی و اثرات آن در روابط بین کشورهای عربی از یکطرف و روابط کشورهای مزبور با دول همسایه از طرف دیگر.

۱۰- فعالیتها و آرایش نظامی ارتشهای عرب علیه یک یا چند کشور منطقه (با توجه به فرماندهی

مشترک عرب).

۱۱- مسئله یمن و آینده مذاکرات صلح درباره این کشور- اوضاع یمن و استراتژی جدید مصر در این کشور.

۱۲- واکنش کشورهای عربی درباره فعالیتهای ملک فیصل برای جلب نظرات اعراب و جهان اسلام.

ص: ۱۹۶

۱۳- نتایج حاصله از کوششهائی که جهت ایجاد بازار مشترک اعراب بعمل آمده است.

۱۴- فعالیتهای پنهانی و خرابکارانه مصر- عراق - سوریه نسبت به خوزستان و حاتای.

۱۵- واکنش جهان عرب نسبت به پیشنهادات پرزیدنت بورقیبه درباره اختلافات اعراب و اسرائیل.

۱۶- فعالیت سازمان آزادی بخش فلسطین در زمینه های سیاسی و نظامی بویژه مساعی سازمان مزبور در زمینه فعالیت اخلالگرانه علیه رژیم اردن هاشمی.

۱۷- هرگونه فعالیتهای اخلالگرانه ای که بوسیله عوامل دیگر بویژه سوریه و گروههای وابسته به کشور مزبور بعمل می آید.

ب - فعالیتهای بلوک کمونیست:

۱۸- نهضت کمونیسم در جهان عرب بویژه با توجه به تمایلات فعلی کشورهای کمونیست بمنظور ایجاد همکاری نزدیک تر با احزاب سوسیالیست عرب. موافقتنامه سری بین عراق و اتحاد شوروی پس از مسافرت نخست وزیر سابق عراق (البزاز) به مسکو.

۱۹- موافقتنامه های سری بین:

(۱) مصر و اتحاد شوروی پس از مسافرت اخیر نخست وزیر شوروی به قاهره.

(۲) سوریه و اتحاد شوروی پس از مسافرت اخیر یوسف زعین بمسکو.

۲۰- فعالیتهای نیروی دریائی شوروی در مدیترانه و استفاده کشتیهای شوروی از بنادر کشورهای

عربی.

۲۱- فعالیتهای چین کمونیست در خاورمیانه و افریقا

۲۲- فعالیتهای سیاسی مصر در صحنه بین المللی از طرف کشورهای اتحاد جماهیر شوروی و چین کمونیست و یا با همکاری آنها.

۲۳- اثرات همکاریهای احزاب کمونیست طرفدار چین و طرفدار شوروی با نهضت سوسیالیست عرب مصر و حمایت آنان از تز وحدت اعراب.

۲۴- حمایت و کمک چین کمونیست به سازمان آزادیبخش فلسطین و الفتح - و کوششهای سازمان آزادیبخش فلسطین بمنظور برقراری رابطه با اتحاد شوروی.

پ – فعالیتهای مخصوص کشورهای عربی:

۲۵– حدود و جهات فعالیتهای اخلالگرانه مصر در منطقه.

۲۶– گسترش نظامی مصر.

ص: ۱۹۷

الف – توسعه سلاحهای معمولی و گسترش نیروهای مسلح معمولی.

ب – توسعه سلاحهای جدید از قبیل موشک و سلاحهای اتمی و بیولوژیکی و شیمیائی.

۲۷- فعالیتهای مصر در دو قاره افریقا و آسیا.

۲۸- تمایلات و نظرات دولت مصر نسبت به سازمان همبستگی ملل افریقا و آسیا و امریکای لاتین.

۲۹- میزان اعتبار و حیثیت ناصر در کشورهای عربی پس از مسافرت اخیر نخست وزیر شوروی به مصر.

۳۰- توجه به روابط موجود بین شوروی – ناصر و ماکاریوس در مسئله قبرس و جمع آوری اخبار مربوط به مذاکرات مذکور و فوق.

۳۱- ثبات رژیم ناصر- فعالیتهای داخلی و خارجی گروههای ضدناصری بمنظور ساقط نمودن رژیم فعلی مصر.

۳۲- تحولات سیاسی در فدراسیون جنوب عربی با توجه به فعالیتهای طرفداران ناصر و حزب بعث.

۳۳- تحولات داخلی و انعکاس آن در سیاست خارجی سوریه.

۳۴- اوضاع فعلی اردن با توجه به روابط ناصر و ملک حسین و خطرات مترتبه بر آن و همچنین روابط ملک فیصل با ملک حسین.

۳۵- روابط مصر- عراق – سوریه و الجزیره.

۳۶- دورنمای آینده رژیم عارف با در نظر گرفتن تحولات و تغییرات حاصله پس از سقوط بزاز.

۳۷- آینده رژیم عبدالرحمن عارف در عراق و امکان ادامه حکومت ناجی طالب در کشور مزبور.(۱)

یک روز قبل از برپایی شانزدهمین اجلاس شورای سه جانبه، کمیته هماهنگی سه جانبه در تاریخ ۲۵ آبان ۱۳۴۵ در یکی از شهرهای ترکیه برگزار شد. در این کمیته موضوع روند تشکیل اجلاس، گزارش دبیرکل شورا، چگونگی مبادله گزارش های اطلاعاتی، کیفیت و کمیت و اهمیت گزارش ها و سازمان اجرایی، مورد بحث قرار گرفت. این کمیته با ارایه یک

متن توصیه نامه، حاوی بیست ماده به همراه تصمیمات اجرایی، در پنج محور به کار خود خاتمه داد. در این گزارش، جمال عبدالناصر رئیس جمهور مصر به عنوان خطر برای جهان عرب و حتی آفریقا معرفی و تأکید شده که سرویس های اطلاعاتی سه جانبه باید ضمن دامن

۱- . گزارش ساواک، آبان ۱۳۴۵ نوامبر ۱۹۶۶، با طبقه بندی به کلی سری.

زدن به اختلاف میان ناصر و کشورهای آفریقایی و عربی؛ حضور اسرائیل و ترکیه و ایران را در آن ممالک گسترش و افزایش دهند. گزارش ساواک با طبقه بندی به کلی سری در این خصوص، چنین است:

گزارش دهمین جلسه کمیته هماهنگی سه جانبه

الف – مقدمه:

۱- دهمین جلسه کمیته هماهنگی سه جانبه در تاریخ ۱۶ نوامبر ۱۹۶۶ در شهر STORM [STROM]تشکیل گردید.

۲- نمایندگان سه سرویس شرکت کننده عبارت بودند از:

نماینده رئیس سرویس]ایران = پرچمFLAG [(رئیس)

نماینده رئیس سرویس]اسرائیل = فولادSTEEL [

کفیل نماینده رئیس سرویس]ترکیه= طوفان= STORM [STROM

(دبیرکل)

ب – جریان تشکیل جلسه:

۳- کفیل رئیس سرویس STORM از طرف سرویس میزبان از شرکت کنندگان در جلسه تشکر نمود و از رئیس کمیته تقاضا نمود که کار خود را شروع نماید.

۴- رئیس ابتدا نکاتی از ساعات تشکیل جلسه یادآوری کرد و سپس باطلاع رسانید که تجزیه و تحلیل امور سیاسی و گزارشاتی که به کمیته سه جانبه پیشنهاد گردیده مورد تصویب واقع شده

است. وی همچنین خاطرنشان ساخت که تصمیم گرفته شده که فقط سرویس میزبان گزارش خود را در کمیته اطلاعات شفاها عنوان نماید.

۵- در مورد سخنرانان اظهار داشت که ناطقین سرویس FLAGنمی توانند برنامه خود را در موقع تعیین شده اجرا نمایند لذا پس از شانزدهمین جلسه شورای سه جانبه مبادرت به این امر خواهند کرد. وی سپس از نماینده رئیس سرویس STEEL درخواست نمود که نطق افتتاحیه خود را شروع نماید.

۶- نماینده سرویس STEEL مراتب خرسندی خود را از شرکت در کنفرانس سه جانبه ابراز داشت و اضافه نمود که وی هیچگاه تاکنون برای شرکت در کنفرانسهای سه جانبه به شهر STROM

[STORM]نیامده است نامبرده همچنین پیشنهادات رئیس جلسه را در دائر بر اینکه ناطقین

نظرات خود را شفاها ابراز دارند تأیید نمود و اضافه کرد که این مطلبی است که اخیرا از آن مطلع شده است.

ج - گزارش دبیرکل و مباحثات مربوطه:

۷- دبیرکل گزارش اقدامات خود را که برای شورای سه جانبه آماده کرده بود در جلسه قرائت کرد.

۸- کمیته بند (۲) گزارش مزبور را با تذکرات اعضاء کمیته مورد بررسی قرار داد و تصمیم گرفته شد که بشورا توصیه گردد در مورد روش جمع آوری اطلاعات و ارزیابی گزارشات مبادلاتی بشرح

زیر تجدید نظر گردد.

(الف) عناصر اصلی خبر طرح اساسی جمع آوری اطلاعات را تشکیل می دهد.

(ب) هر سه ماه یکبار گزارش درباره میزان مبادله اطلاعات (برای اجرای صحیح عناصر اصلی خبر) مبادله گردد.

(ج) در صورتی که اتفاق مهمی در منطقه استحفاظی یکی از سه سرویس واقع شود می توان از دبیرکل تقاضا کرد که از سایر سرویسها در مورد جمع آوری اخبار واقعه مزبور اقدام نماید.

۹- کمیته سپس بند ۴ گزارش سمینار مربوط به عملیات خرابکارانه در بین کارگران و دانشجویان

مقیم خارج و عملیات متقابلی که در سپتامبر ۱۹۶۶ در شهر STORM] STROM] انجام گرفت مورد بحث قرار داد.

۱۰- کمیته هماهنگی تصمیم گرفت که به شورا توصیه نماید که برآوردهای سمینار را مورد تصویب

قرار دهد و در مورد اجرای آن نکات زیر را پیشنهاد کرد.

(الف) اطلاعات عمومی که درباره اقدامات تخریبی دانشجویان اخذ می گردد بر اساس دو جانبه مبادله شود.

(ب) هرگونه اطلاعات عمومی و همکاریهای مشترک در زمینه های فوق بایستی بر اساس دو جانبه اقدام شود.

۱۱- کمیته سپس گزارش امور مالی دبیرکل را مورد بحث قرار داد و جزئیات آن تصویب گردید.

د- مبادله گزارشات اطلاعاتی:

۱۲- کمیته هماهنگی گزارشات سه جانبه دبیرکل را در زمینه مبادله گزارشات اطلاعاتی مورد رسیدگی قرار داد.

۱۳- کمیته تصمیم گرفت که در آینده کمیته اطلاعات گزارشات سه ماهه دبیر کل را مورد بررسی

قرار دهد و نظرات خود را در این زمینه طی گزارشی به کمیته هماهنگی تسلیم نماید که پس از بررسی با تذکرات لازم به شورا احاله گردد.

۱۴- کمیته اطلاعات بطور مشخص به نکات زیر رسیدگی خواهد کرد:

(الف) گزارشات مربوط به عناصر اصلی خبر در چه زمینه است؟

(ب) اقدامات مربوط به عناصر اصلی خبر بر چه مبنائی تنظیم شده است؟

(ج) کیفیت و کمیت و اهمیت گزارشات.

۱۵- گزارشات سه ماهه در فواصل جلسات سه جانبه بوسیله کمیته هماهنگی مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

ه- سازمان:

۱۶- کمیته هماهنگی به شورا توصیه می نماید که در آینده جلسات مربوط به سه جانبه در فواصل

بین تشکیل کمیته ها و انعقاد شورا تشکیل گردد.

۱۷- کمیته هماهنگی موافقت نمود که اسامی پوشش سه سرویس بشرح زیر تغییر یابد:

]پرچم GEVIZ

[FLAG

]طوفان] = [STROM INGIR [STORM

]فولاد ZEYTIN

[STEEL

که قبول و اجرای آن بدبیرخانه ارجاع گردید.

در پایان کنفرانسها اسناد مربوط به جلسات کنفرانس سه جانبه باید تحت حفاظت قرار گیرد.

توصیه ها

۱- کشورهای سه جانبه باید از ثبات کشورهای مستقل منطقه که با ناصر و طرحهای وی مخالفت اصولی دارند پشتیبانی نمایند.

۲- کشورهای سه جانبه باید از وجود یک رژیم واقعا مستقل در عراق که نگذارد خاک آن کشور وسیله گسترش سیاستهای خارجی و اجرای طرحهائی با هدف مخالفت با کشورهای همجوار قرار گیرد حمایت نمایند.

۳- با آنکه ملک حسین ظاهرا از خطرات ناصریسم آگاه می باشد کشورهای سه جانبه باید از استقلال اردن حمایت کنند و از هر فرصتی استفاده شود تا ملک حسین را از خطرات ناشیه از درگیری بیشتر با ناصر و همچنین تهدیدات سوریه و سازمان آزادیبخش فلسطین و یا هرگونه عناصر

ص: ۲۰۱

مخرب دیگر برحذر دارند.

۴- کشورهای سه جانبه باید از ملك فیصل و ایدئولوژی پان اسلامیسم وی و هرگونه فعالیت ضدناصری دیگر او پشتیبانی نمایند.

۵- با توجه به امکانات و ابتکارات اخیر باید سعی شود همکاری بیشتری بین کشورها و رهبران

ضدناصری منطقه که مخالف تسلط وی بر جامعه عرب هستند برقرار گردیده و ضمنا کوشش شود که مخالفین ناصر در کنفرانس سران عرب تقویت گردند. ضمنا هرگونه اقدامی جهت افزایش تعداد و تقویت رهبران دول مذکور باید مورد استقبال و پشتیبانی قرار گیرد.

۶- با توجه به فعالیتهای تهاجمی اخیر ناصر سرویسهای سه جانبه باید از انعقاد پیمانهائی بین کشورهای ضدناصری در دنیای عرب پشتیبانی نمایند.

۷- کشورهای سه جانبه باید علیه افکار توسعه نظامی کشورهای عربی که مورد تشویق و پشتیبانی

کنفرانس سران می باشد اقدام نمایند.

۸- سه سرویس موظفند از عواملی که در یمن خواهان استقلال حقیقی کشور می باشند پشتیبانی نموده با توجه به تصمیم مصر مبنی بر نگاهداری قوای خود حداقل تا سال ۱۹۶۸ در یمن]،] سه کشور باید سعی نماید که حداکثر بهره برداری را از این موقعیت بعمل آورند.

۹- با توجه به تخلیه قریب الوقوع عدن و عربستان جنوبی از طرف انگلستان باید منتهای سعی بعمل آید تا از ورود ناصریها به منطقه جلوگیری شود. فعالیتهای ناصری در خلیج فارس باید مخصوصا مورد توجه قرار گیرد.

۱۰- با توجه به فعالیتهای اخلالگرانه و مستمر ناصر و ناصریها در منطقه خلیج فارس و امکان

توسعه فعالیتهای مزبور قبل از تخلیه عدن از طرف انگلستان در ۱۹۶۸ سرویسهای سه جانبه

باید دولتهای دوست را از این فعالیتها آگاه ساخته و به آنها توصیه نمایند که با توسل به هرگونه اقدام ممکنه از فعالیتهای مزبور جلوگیری نمایند.

۱۱- با توجه به تشدید کوشش روزافزون ناصر جهت تسلط بر شبه جزیره عربستان و خلیج فارس سرویسهای سه جانبه تصمیم گرفتند که توجه مخصوص به این منطقه مبذول دارند.

۱۲- با توجه به اینکه امکان دارد مصر قوای خود را در یمن به مدتی طولانی مستقر نماید سرویسهای سه جانبه باید تبلیغات دامنه داری علیه آن بعمل آورده و آن را بعنوان نمونه ای از امپریالیسم مصری که باید خود را از خطر آن برحذر داشت به

جهانیان بشناسانند.

ص: ۲۰۲

۱۳- چون رقابت بین چین کمونیست و شوروی و بویژه تشدید فعالیت چین کمونیست در منطقه ممکن است بر توسعه فعالیتهای هر دو کشور مزبور در خاورمیانه و افریقا منجر گردد لذا

کشورهای سه جانبه باید توجه و مراقبت دائمی در این مورد مبذول دارند.

۱۴- شورا افزایش نیروی دریائی شوروی را در منطقه مدیترانه بخصوص با توجه باین مسئله که امکان دارد کشور مزبور بصورت یک عامل اغتشاشی مقتدر در صحنه دریائی جلوه گر شود مورد بررسی قرار داد و تصمیم گرفت موضوع مذکور را دقیقا مورد مطالعه قرار دهد. شورا

ضمنا تصمیم گرفت که اعزام کشتی های شوروی به بنادر کشورهای مصر- الجزایر و دیگر کشورها را بدقت بررسی نماید.

۱۵- سرویسهای سه جانبه از تمایلات استقلال طلبانه قانونی کشورهای افریقائی حمایت نموده و با توجه به فعالیتهای اخلالگرانه چین - شوروی و مصر و اقدامات آنها در کشورهای مزبور- سرویسهای سه جانبه پیشنهاد می نمایند که کشورهای مزبور فعالیتهای خود را در افریقا افزایش

داده و روابط دوستانه تری با کشورهای مستقل افریقا برقرار نمایند.

۱۶- با توجه به فعالیتهای اخلالگرانه گروههائی از قبیل شقیری - الفتح سرویسهای سه جانبه از اقداماتی که علیه آنها بعمل می آید پشتیبانی نمایند.

۱۷- با توجه به بهره برداری مستمر ناصر از قضیه قبرس سرویسهای سه جانبه باید بدولتهای متبوع

خود توصیه نمایند که فعالیتهای مزبور را باطلاع دول دوست برساند.

۱۸- با توجه به اختلافات ناصر با کشورهای شمال افریقا بویژه پس از سقوط بن بلا باید منتهای

کوشش بعمل آید تا اختلافات مزبور را توسعه داده و از آنها بهره برداری نمود و ضمنا گرایشهای همبستگی را تقویت کرد.

۱۹- با توجه به استفاده ناصر از کنفرانس سران عرب بعنوان وسیله ای برای افزایش نیروهای نظامی

کلیه کشورهای عرب و توسعه اقدامات سیاسی داخلی در بعضی از کشورهای عرب خاورمیانه مانند سوریه و عراق باید کوشش شود که از چنین بهره برداری و استفاده ای جلوگیری بعمل آید.

۲۰- با توجه به بهره برداری ناصر از اختلافات بین بلوک سرویسهای سه جانبه باید نظرات خود را در این مورد باطلاع دول متبوعه برسانند.

تصمیمات اجرائی

۱- شورای سه جانبه، گزارش کمیته هماهنگ کننده، توصیه ها و گزارش دبیرکل به شورا را با

تغییراتی چند به تصویب رسانده و تصمیم گرفت مدارک مزبور را به صورت پیوست های «ب» و «ج» به قطعنامه مزبور ضمیمه نماید.

۲- شورا تصمیم گرفت کمیته هماهنگ کننده به وظایف خود تحت ریاست رئیس سرویس Flag [ایران] ادامه دهد.

۳- شورا تصمیم گرفت تا شروع کنفرانس سه جانبه آینده کمیته هماهنگ کننده دوبار تشکیل جلسه

دهد. این جلسات یکبار در شهر Flag]ایران] و سپس در فاصله بین جلسات کمیته ها و هفدهمین شورای سه جانبه تشکیل خواهد شد.

۴- شورا تصمیم گرفت که سرویسها پانزده روز قبل از شروع کنفرانس گزارشهای مربوط را به محل

تشکیل کنفرانس ارسال دارند.

۵- شورا طرح فعالیتهای سه سرویس را در ششماهه جاری مورد تصویب قرار داد. این اقدامات شامل اعزام سخنران جهت ایراد یک سخنرانی درباره اطلاعات مثبت از شهر Flag [ایران] به Storm]ترکیه] و Steel]اسرائیل] می باشد که از این به بعد دیگر ادامه نخواهد یافت - شورا ضمنا تصمیم گرفت که سمیناری درباره اطلاعات مثبت در شهر Flagتشکیل گردد.(۱)

در سند سرّی دیگری از ساواک گزارش محتوایی ارایه شده به یکی از نشست های سه جانبه سرویس های اطلاعاتی ترکیه، ایران و اسرائیل خودنمایی می کند. در این گزارش

مسایل مربوط به حوزه خلیج فارس و کشورهای، کویت، امارات متحده عربی، بحرین، قطر، عمان، مصر، لبنان، سوریه، اردن، جمهوری عربی یمن، جمهوری دمکراتیک خلق یمن، الجزایر، لیبی، مغرب سودان، افغانستان و نیز مسایل مربوط به سازمان آزادی بخش فلسطین

مورد بحث و بررسی قرار گرفته و نسبت به افزایش و گسترش حضور شوروی در آن کشورها ابراز نگرانی شده است. در این گزارش درباره اوضاع داخلی هریک از کشورهای یاد شده اطلاعات و اخباری ارایه شده است. این موضوع نشان از گستره و ابعاد جغرافیایی

فعالیت سه سرویس اطلاعاتی یاد شده از یک سو و دامنه استراتژی پیرامون صهیونیسم از سوی دیگر دارد.

خلیج فارس

کویت

۱- . گزارش ساواک، ۱۶ نوامبر ۱۹۶۶م/۲۵ آبان ۱۳۴۵، بدون شماره، با طبقه بندی به کلی سری.

نقش فلسطینی ها در بحران داخلی لبنان موجب نگرانی دولت کویت نسبت به فلسطینی های مقیم آن کشور شده است. این امر ممکن است باعث شود که کویتی ها محدودیت های بیشتری برای آنها فراهم آورند.

با وجود امضای قرارداد خرید سلاح بین کویت و شوروی هیچگونه تائیدی بر تحویل اسلحه شوروی به کویت در دست نیست. بنظر می رسد که منظور کویت از امضاء قرارداد یک هدف سیاسی بوده که از شوروی برای کاهش فشار استفاده کند.

امارات عربی متحده

اوضاع داخلی این کشور آرام بوده و شیخ زاید کوشش نمود اساس دولت مرکزی را تقویت نموده و وحدت نیروهای دفاعی امارات عضو را عملی کند.

بحرین

اقدامات شدید دولت و همچنین کاهش حمایت آشکار عراق از عوامل چپ گرا موجب گردید که اوضاع داخلی بحرین با آرامش نسبی مواجه گردد.

قطر

شیخ خلیفه از موقعیت مستحکمی برخوردار بوده و روابط آن با امارات خلیج فارس توسعه بیشتری یافته است.

عمان

پس از سرکوبی شورش ظفار گروهی از شورشیان که به یمن جنوبی رفته اند احتمالاً مشغول دیدن آموزش و تجدید سازمان وسیله کارشناسان کوبائی هستند که جزئیات آن در دست نیست.

گزارشهائی در دست است که شورشیان ممکن است به عمان رخنه نمایند تا فعالیتهای اخلالگری را در موقع مناسب مجددا آغاز کنند.

مصر

مشخصات سیاست خارجی مصر در مدت تحت بررسی عبارت بود از:

الف – ادامه رقابت با سوریه

ب – افزایش گرایش به غرب

پ – کوشش جهت کسب کمکهای اقتصادی از کشورهای عربی و غرب

ت – لغو قرارداد دوستی با شوروی

ث – کوشش به منظور جدا کردن سازمان آزادیبخش فلسطین از سوریه.

در صحنه خاورمیانه موقعیت مصر در زمینه تنظیم استراتژی اعراب علیه اسرائیل تضعیف گردیده است.

به نظر می رسد که مصر کاملاً امید خود را در زمینه کنار آمدن مسکو با قاهره در آینده از دست نداده است.

رژیم مصر به سبب نارسائیهای اقتصادی و اجتماعی آن کشور با انتقادهائی روبرو شده است. بنظر می رسد که دولت مصر توانائی لازم را برای اقدامات قاطع در جهت بهبود اوضاع ندارد و با اینکه نشانه هائی از ناآرامی در داخل مصر وجود دارد و از محبوبیت سادات کاسته شده ولی خطر عمیقی برای رژیم وی وجود ندارد.

لبنان

انتخاب الیاس سرکیس بریاست جمهوری ممکن است قدمی برای سازش کلی بین گروههای متخاصم باشد ولی بسبب نفرت قابل توجه و متقابل بین این گروهها که بسبب جنگ طولانی بوجود آمده و همچنین سخت تر شدن سیاست طرفهای ذینفع و از بین رفتن زیربنای اقتصادی و

سیاسی در این کشور بهبود اوضاع نیاز به زمان طولانی خواهد داشت.

چون گروههای درگیر توانائی حل بحران را ندارند همین امر ممکن است قدرتهای خارجی را وادار به دخالت در بحران لبنان بنماید.

فلسطینی ها حضور خود را در لبنان ظاهرا برای حفظ آتش بس توجیه می کنند ولی در واقع یک عامل برهم زننده موازنه بین اقلیتها می باشند.

شورویها بوسیله حزب کمونیست لبنان و سازمانهای فلسطینی مارکسیستی در بحران لبنان فعالیت داشته ولی از درگیری مستقیم و فعال در اوضاع داخلی لبنان احتراز جسته اند. سوریه

ممکن است به بهانه درگیری در بحران لبنان مأموریت نیروهای صلح سازمان ملل متحد را تمدید کند ولی بحران لبنان که همچنان لاینحل باقی مانده ممکن است عواقب وخیمی در منطقه دربر داشته باشد.

سوریه

اگرچه سوریه با میانجیگری در لبنان در ابتدا توانست موقعیت سیاسی خود را در جهان عرب

بهبود بخشد ولی اکنون در بحران داخلی لبنان با بن بست مواجه شده است. پس از محروم شدن شوروی از استفاده از بندر اسکندریه، سوریه تسهیلاتی در بنادر خود برای واحدهای نیروی

دریائی شوروی تأمین نموده است. اینطور بنظر می رسد که شرایط مساعد برای نفوذ شوروی در سوریه ادامه خواهد یافت.

اگرچه روابط سوریه با سازمان آزادیبخش فلسطین در زمینه میزان دخالت دمشق در لبنان - روابط آن با اردن و تماسهای سوریه و آمریکا سرد شده ولی سوریه برای تحکیم وضع خود بعنوان یک رهبر ناسیونالسیم عرب به سازمان آزادیبخش فلسطین احتیاج دارد. از سوی دیگر

نیز یاسرعرفات به سوریه به عنوان یک پایگاه و قدرت حامی نیازمند است. در نتیجه به نظر

نمی رسد که این دو کاملاً در جهت مخالف یکدیگر قرار گیرند.

رژیم حافظ اسد در حفظ ثبات و استحکام خود موفق بوده است. در عین حال مخالفتهائی در جناح افراطی حزب بعث علیه حافظ اسد بسبب توجه بیشتر این کشور به غرب، سردی روابط با سازمان آزادیبخش فلسطین و گروههای چپ رو در لبنان مشاهده گردیده است.

قدرت نیروی نظامی سوریه با افزایش تحویل سلاحهای پیشرفته روسی و کمک کارشناسان شوروی و بعضی از کشورهای کمونیست افزایش یافته است.

عراق

در مدت تحت بررسی[،] آرامش نسبی اوضاع داخلی عراق معلول مراقبت دولت و حزب بعث بوده است. با اینکه ناراحتی هائی در روابط بین دولت و حزب کمونیست بوجود آمد ولی کمونیستها حداقل بطور ظاهر به همکاری خود با رژیم بعث ادامه دادند. افزایش قدرت جبهه

امتناع بسبب مخالفت عراق با سوریه بوده و به نظر نمی رسد که در خط مشی عراق در این زمینه

احتمالاً ـ تغییر حاصل شود. با وجود پاره ای کوششها برای نزدیکی با غرب بویژه فرانسه، هنوز عراق دارای روابط نزدیکی با مسکو است و از کمکهای نظامی آن کشور بهره مند می باشد.

اردن

همکاری اردن با سوریه در زمینه نظامی - سیاسی و اقتصادی توسعه یافت ولی این همکاریها به مرحله ای نرسیده که آزادی عمل اردن را محدود کند و هر دو طرف از این امر آگاه هستند که منافع آنها قابل تطبیق نیست.

توجه ملک حسین به سوی شوروی برای گرفتن سلاح از آن کشور فقط یک سیاست تاکتیکی

است.

تشکیل پارلمان و بهبود نسبی اوضاع اقتصادی به استحکام رژیم ملک حسین کمک کرده است.

سازمان آزادیبخش فلسطین

این سازمان بطور کامل در بحران داخلی لبنان درگیر شده لذا امکان هر نوع فعالیت دیگر آن در

منطقه کاهش یافته است.

سوریه و سازمان آزادیبخش فلسطین هرکدام روشهای جداگانه ای در لبنان اتخاذ نموده اند که موجب بروز اختلاف آشکاری بین آنها شده و در نتیجه موقعیت این سازمان بویژه موقعیت عرفات تضعیف گردیده است.

عرفات که در مورد از دست دادن استقلال عمل خود در برابر سوریه نگران می باشد و همچنین از نزدیکی سوریه به اردن بیمناک است با وجود کوشش مصر برای نزدیکی به سازمان آزادیبخش فلسطین معتقد است که موقعیت سازمان مذکور بستگی به تفاهم و توافق با سوریه

دارد.

عربستان سعودی

عربستان سعودی به کوششهای خود برای افزایش نفوذ خود در جهان عرب ادامه داد و روابط این کشور با عراق و جمهوری دمکراتیک خلق یمن بهبود یافته است. پس از مرگ فیصل اداره امور کشور بصورت دستجمعی درآمده و سیاست ریاض قاطعیت گذشته خود را از دست داده است.

ریاض سعی می کند از درگیری زیاد در سیاست خارجی خود بویژه در مسئله فلسطین اجتناب کند. در صورت تسلط فلسطینی ها بر اردن، عربستان سعودی با یک رژیم افراطی در همسایگی

خود بجای رژیم معتدل ملک حسین مواجه خواهد شد.

کوشش عربستان سعودی برای تسلط بر مناطق مورد اختلاف در مرز بین عمان و جمهوری دمکراتیک خلق یمن بغیر از ایجاد یک منطقه بیطرف بین دو کشور دسترسی عربستان را به اقیانوس هند بطور مستقیم تأمین می کند و در نتیجه نیاز آن کشور به خطوط دریائی خلیج فارس کمتر خواهد شد.

جمهوری عربی یمن

رژیم الحمدی به کوششهای خود برای تحکیم موقعیت خود ادامه داد و مخالفت های داخلی

محدود بوده و حمایت عربستان سعودی از قبایل مخالف کاسته شد. روابط یمن با عربستان سعودی همچنان حسنه بوده و این کشور توانست مناسبات خود را با مصر و اردن و شیخ نشینهای خلیج فارس بهبود بیشتری بخشد و کوشید با انجام مانور بین قدرتهای بزرگ شرق و غرب کمکهای اقتصادی و نظامی بدست آورد.

جمهوری دمکراتیک خلق یمن

رژیم جبهه ملی بسبب تفاهم عبدالفتاح اسماعیل دبیرکل جبهه طرفدار مسکو و سالم ربیع علی میانه رو موفق به حفظ ثبات خود گردید.

با وجود عادی شدن روابط جمهوری دمکراتیک خلق یمن و عربستان سعودی معهذا آن کشور به مناسبات نزدیک خود با کشورهای کمونیست ادامه داد.

برخی از گزارشهای واصله حاکیست که تعداد کارشناسان کوبائی در این کشور پس از جنگ آنگولا افزایش یافته است. میزان افزایش حضور کوبائیها بایستی مورد توجه و بررسی دقیق

قرار گیرد.

تونس

این کشور به سیاست سنتی طرفداری از غرب ادامه داده ولی در عین حال سعی می کند روابطی نیز با شرق داشته باشد. در حال حاضر این کشور درگیر مبارزه با لیبی که از طرف قذافی آغاز گردیده می باشد.

الجزایر

مهمترین مسئله سیاست خارجی این کشور موضوع صحرای سابق اسپانیا بوده است. میانجیگری اعراب در حل مسئله صحرا بین الجزایر و مغرب نتیجه ای نداشت. اگرچه الجزایر از حمایت لیبی بویژه در زمینه مسئله صحرا برخوردار گردیده ولی هر دو کشور در صحنه سیاست

بین المللی و بین الاعراب در انزوا قرار داشته اند. جمهوری دمکراتیک عربی صحرا که وسیله

پولیساریو پایه گذاری شده بود با وجود کوششهای الجزایر و لیبی نتوانست از حمایت سیاسی

اعراب برخوردار شود.

لیبی

قذافی کوشش نموده که موقعیت رژیم خود را مستحکم سازد ولی مخالفت قابل توجهی از جانب دانشجویان و سایر محافل

وجود دارد.

ص: ۲۰۹

قذافی بمنظور کسب حیثیت سیاسی سعی نموده با کشورهای آفریقائی روابط خود را توسعه دهد. نزدیکی بومدین و قذافی دارای ثباتی نیست و ممکن است این روابط در آینده بسبب شخصیت ملون المزاج قذافی از بین برود. در این مدت روابط نزدیک شوروی و لیبی ادامه یافت و مسکو نیز کوشش می نماید که موجبات نارضائی قذافی را فراهم نیاورد.

مغرب

مسئله صحرا نقش مهمی را در تحکیم رژیم پادشاهی این کشور داشته است. ولی در صورتی که ملک حسن نتواند در تحقق خواسته های ملی موفق شود مخالفت با رژیم وی افزایش خواهد یافت.

سودان

نمیری همچنان از حمایت ارتش برخوردار است و موفق گردیده که عناصر مخالف را سرکوب نماید.

سیاست خارجی سودان تغییری نکرده و بر اساس گرفتن کمکهای اقتصادی و جلوگیری از حمایتهای خارجی به شورشیان جنوب آن کشور قرار داد.

افغانستان

با وجود برکناری تعدادی از عناصر چپ گرا توسط داود و همچنین توجه به غرب برای دریافت کمکهای اقتصادی نفوذ شوروی در این کشور در حال توسعه است.

عدم ثبات سیاسی در افغانستان و همچنین ابهام وضع آینده رهبری این کشور بعلت بیماری و یا برکناری داود ایجاب می کند که بررسی دقیقتری نسبت به اوضاع داخلی این کشور بعمل آید.

پیشنهادات

کمیته اطلاعات پیشنهادات زیر را به چهل و دومین کمیته هماهنگ کننده جهت بررسی تقدیم می نماید.

الف – هر سه سرویس در آینده باید گزارشهائی در مورد اوضاع کلی خاورمیانه شامل نکات زیر تهیه نمایند:

(۱) تجزیه و تحلیل فعالیت ابرقدرتها در منطقه با توجه خاص به فعالیت شوروی و کشورهای کمونیست.

(۲) روابط بین الاعراب.

(۳) تحولات در شرق آفریقا و اثرات آن در منطقه خاورمیانه.

ب - کلیه گزارشها باید شامل خلاصه نتایج باشد.

پ - اهمیت وصول گزارشهای سرویسهای سه گانه در موعد مقرر مجددا تأکید می شود. در شرایط فوق العاده که ارسال بموقع گزارشات میسر نمی شود پیشنهاد می شود که یک روز اضافی (طبق تشخیص هریک از سرویسها) بمدتی که برای کار کمیته اطلاعات جهت مطالعه گزارشات قبل از تشکیل جلسه کمیته در نظر گرفته شود.

ت - برای نمره گذاری گزارشها پیشنهاد می شود که سیستم معمول نمره گذاری پاراگراف ها مورد استفاده قرار گیرد. سرلوحه ها شماره گزاری نمی شود.(۱)

گزارش دیگر از اجلاس سه جانبه، مربوط به سال ۱۳۴۹، درباره اوضاع داخلی و سیاست خارجی کشور اردن و روابط آن با عراق، مصر و سوریه است. در این گزارش آمده است:

اردن

۱- مقدمه

ادامه زدوخوردهای پراکنده میان نیروهای انتظامی و سازمانهای فلسطینی در عمان و شهرهای شمالی اردن - تغییر دو کابینه و روی کار آمدن دولت دست راستی وصفی التل- انعقاد قراردادهائی در زمینه برقراری آرامش میان دولت و سازمانها مهمترین وقایع داخلی اردن طی

سه ماه گذشته بوده است.

در زمینه امور خارجی روابط اردن با سوریه همچنان غیردوستانه و روابط اردن با عراق احتیاط آمیز بود و شایع گردید که تعدادی از نیروهای عراقی خاک این کشور را ترک کرده اند.

۲- اوضاع داخلی

الف - موقعیت رژیم

موافقتنامه های مورخ ۵/۷/۴۹ و ۲۱/۷/۱۳۴۹ و ضمیمه آن که در تاریخ ۲/۸/۱۳۴۹ با میانجیگری رهبران دول عربی بین سازمانهای فلسطینی و دولت اردن بامضاء رسید هنوز نتوانسته است بطور کامل صلح و ثباتی را که مورد نظر رهبران دول عضو کمیته صلح بوده به اردن بازگرداند.

وقوع برخوردهای پراکنده در عمان و در اطراف شهرهای شمالی میان ارتش و سازمانهای فلسطینی ادامه داشته است.

۱- . گزارش ساواک، بدون شماره و تاریخ، با طبقه بندی سری.

یکی از علل کم توجهی سازمانهای فلسطینی بمواد موافقتنامه های منعقده در حقیقت ضعیف بودن ضمانت اجرائی آنها می باشد باین معنی که در موافقتنامه اصلی اشاره شده که در صورت

نقض مواد موافقتنامه از جانب هریک از طرفین، کشورهای عربی نسبت به مجازات طرف خاطی با اتخاذ تصمیمات دستجمعی اقدام خواهند کرد در حالیکه لبه تیز این تهدید در حقیقت

تنها متوجه اردن است که دارای روابط رسمی با کشورهای عربی می باشد نه سازمانهای فلسطینی که تابع مقررات و روابط خاصی با کشورهای عربی نیستند. از طرف دیگر اجرای کامل مواد این قرارداد شامل مواردی است که حق حاکمیت رژیم اردن را محدود می سازد و از

جمله این موارد شناسائی دستگاه رهبری سازمانها در سطحی همطراز دولت - شناسائی موجودیت پایگاههای چریکی در شمال اردن - تأسیس دفاتری از طرف سازمانها در عمان و سایر شهرها و شناسائی عمان بعنوان مقر اصلی کمیته مرکزی سازمانهای فلسطینی انتشار بدون

سانسور روزنامه الفتح و بالاخره دخالت بعضی از دول عربی در مسائل مربوط به امور داخلی

را می توان نام برد که موجب نارضائی و عصبانیت شخصیتهای اردنی و مقامات نظامی آن کشور بوده و فرماندهان ارتش باطنا حاضر نیستند پیروزی نسبی خود را در جنگ داخلی ۹ روزه اخیر که بقیمت انهدام قسمت مهمی از پایتخت و شهرهای شمالی بدست آمده بسادگی از

دست بدهند.

بطور کلی در حال حاضر با وضع موجود هریک از طرفین متخاصم سعی می کنند ضمن آمادگی و تجهیز مقدورات و نیروهای خود به موادی از موافقتنامه که به نفع آنها می باشد جامه عمل بپوشانند تا در آینده در مقابل اقدامات ناگهانی طرف دیگر غافلگیر نشوند.(۱)

ب - موقعیت کابینه

کابینه محلل احمد طوفان که اضطرارا پس از کناره گیری سرتیپ محمدداود و کابینه جنگی وی در طی جنگ ۹ روزه تشکیل گردیده به فرمان ملک حسین در ۶/۸/۱۳۴۹ کنار رفت و وصفی التل عنصری که وفاداری خود را در طول خدمات سیاسی به ملک حسین ثابت نموده و فردی قاطع - مبتکر و دست راستی می باشد مأمور تشکیل کابینه شد. روی کار آمدن چنین عنصری با توجه به

۱- . این گزارش بعد از حادثه معروف به «سپتامبر سیاه» تهیه شده است. در هفده سپتامبر سال ۱۹۷۰م، حکومت پادشاهی

ملک حسین هزاران نفر فلسطینی را در این کشور به خاک و خون کشید. در این درگیری خونین، بعضی دولت های عربی از فلسطینیان حمایت به عمل آوردند؛ اما رژیم های وابسته مثل ایران شاهنشاهی و...، از کشتار مردم فلسطین توسط ارتش اردن جانبداری و فلسطینی ها را محکوم کردند.

اشتهار وی به مخالفت با فعالیت سازمانهای فلسطینی ضمن اینکه ظاهرا نشانه تسلط ملک بر اوضاع داخلی می باشد حاکی از تصمیم ایشان بایستادگی در قبال افزون طلبی فلسطینیها و

اعمال حق حاکمیت بر کشور است. روی همین جهات انتظار می رود چنین کابینه ای نتواند مورد قبول باطنی سازمانهای فلسطینی که خواهان روی کار آمدن یک کابینه ملی می باشند و

همچنین رهبران دول افراطی عرب قرار گیرد.

کابینه جدید موظف شده است که ضمن اجرای موافقتنامه های منعقده با فلسطینیها در راه آزاد کردن سرزمینهای اشغالی فعالیت کند- وحدت ملی را در کشور تحقق بخشد- خرابیها را ترمیم

کند- ارتش را تقویت و ادارات دولتی را از افراد سست عنصر و نالایق تصفیه کند.

۳- سیاست خارجی

الف - روابط با سوریه

در روابط غیردوستانه اردن و سوریه با توجه به شرکت سوریه در جنگ داخلی اردن و انهدام تیپ زرهی سوریه و از دست دادن تعدادی تانک تغییری حاصل نگردیده است.

طی این مدت سوریها تبلیغات شدید خود را از طریق برنامه های رادیوئی سازمانهای فلسطینی از دمشق ادامه دادند. مقامات بعثی سوریه از این بابت که با دخالت نظامی در وقایع جنگ ۹ روزه اردن نه تنها نتوانسته اند به اهداف خود برسند بلکه این امر موجب بروز اختلافات

شدیدی در داخل هیئت حاکمه سوریه و تزلزل رژیم آن کشور شده سخت عصبانی بوده و بدون توجه به قراردادهائی که میان سازمانهای فلسطینی و دولت اردن امضاء شده هنوز به

تبلیغات و تحریکات خود علیه رژیم اردن در مرزهای دو کشور ادامه می دهند و متقابلاً ارتش

اردن نیز سعی دارد با پیشروی در طول خط مرزی اردن سوریه روابط فلسطینی های مقیم شهرهای شمالی را با مرز سوریه و نیروهای آن کشور که در نوار مرزی متمرکز شده اند قطع و به این طریق به اخلالگری سوریه در اردن خاتمه بخشد. انتظار می رود با روی کار آمدن حافظ

اسد در سوریه و پیام تبریک پشتیبانی که از جانب دولت اردن برای وی ارسال شده روابط خصمانه دو کشور تا حدی در آینده تعدیل گردد.

ب - روابط با عراق

روابط مقامات اردنی با عراق در این مدت احتیاط آمیز بود ملک حسـین ضـمن آنکه از ادامه استقرار نیروهای عراقی در اردن نگران بوده و مطمئن نیست که اگر برخورد دیگری بین ارتش

ص: ۲۱۳

و سازمانهای فلسطینی رخ دهد این بار نیز نیروهای عراقی دخالت نکنند معذالک از این که صریحا خروج نیروهای عراق را بخواهد بعلت بیم از عکس العمل های این درخواست تاکنون از این عمل خودداری و سعی کرده است غیرمستقیم بدولت عراق تفهیم نماید[.] اکنون که فرماندهی جبهه شرق منحل شده بایستی نیروهای آن کشور خاک اردن را ترک نموده و یا تحت

فرماندهی ملک حسین قرار گیرند.

پ – روابط با مصر

بدنبال درگذشت ناصر[،] ملک حسین کوشش کرده است که توجه و حسن نیت زمامداران جدید مصر [رژیم سادات] را مانند گذشته نسبت به اردن حفظ نماید و بدین منظور از تشکیل کابینه جدید وصفی التل یک هیئت اردنی که سلیمان نابلسی (نخست وزیر اسبق) و عاکف الفائز (وزیر اسبق کشور) در آن عضویت داشتند عازم قاهره شد تا با زمامداران جدید مصر مذاکره کرده و سوءظنی را که مقامات مصری نسبت به اهداف دولت جدید اردن ابراز کرده بودند برطرف و روابط دو کشور را مانند گذشته حفظ نمایند. این هیئت تا حدی در انجام مأموریت

خود موفق شده و آثار بهبودی در روابط اردن با هیئت حاکمه جدید مصر مشهود گردیده است

و انتظار می رود در مسافرت ملک حسین به مصر که قرار است در آینده نزدیک عملی گردد در روابط دو کشور بهبودی بیشتری حاصل گردد.

روابط اردن و سوریه

روی کار آمدن حکومت جدید در سوریه و خارج شدن عامل اصلی دخالت نظامی سوریه در اردن (یوسف زعین) از صحنه سیاسی آن کشور باعث شد که در روابط غیردوستانه اردن و سوریه تعدیلی حاصل گردد.

با توجه به آنکه ملک حسین طی تبریکی که پس از کودتای اخیر سوریه برای ژنرال حافظ اسد فرستاده همکاری دو کشور را در مسائل مبتلا به جهان عرب خواستار و سپس دولت اردن تقاضای همکاری با سوریه در کادر فدراسیون در حال تشکیل مصر– سودان – لیبی و سوریه را

نموده است انتظار می رود روابط دو کشور رو به بهبود رود کمااینکه از هم اکنون حملات

تبلیغاتی سوریه به اردن قطع شده و احتمال می رود نیروهای سوریه که نزدیک مرز اردن متمرکز

شده اند از آن محل عقب نشینی کنند.

البته با توجه به خط مشی سوریه مبنی بر حمایت از سازمانهای فلسطینی که به صورت اجباری

و تحمیلی درآمده است نباید انتظار داشت که روابط صمیمانه ای در آینده نزدیک میان دو کشور

برقرار گردد مگر آنکه در فدراسیون در حال تشکیل اردن نیز پذیرفته شده و همکاری عملی این کشورها با یکدیگر سبب شود که اختلافات و دشمنی های گذشته از یاد برود و با توجه به اختلافات اصولی کشورهای انقلابی عرب با رژیم اردن پذیرفته شدن عملی اردن در این فدراسیون بعید به نظر می رسد.(۱)

در ارتباط با کشور کویت نیز گزارش مشابه دیگری تهیه شده است. در این گزارش اوضاع داخلی، سیاست خارجی، و روابط کویتی ها با گروه های فلسطینی و بعضی کشورهای عربی مورد بررسی قرار گرفته است:

کویت

۱- مقدمه

مبارزه دولت کویت با فعالیتهای دست چپی و تلاش برای از بین بردن عوامل نارضائی مردم مهمترین مظاهر سیاست داخلی آن کشور بوده است. در زمینه سیاست خارجی دولت اصل رعایت موازنه بین قطبهای مؤثر در جهان عرب را همچنان ادامه داد و قصد دارد اصلاحات داخلی را وسیله ای برای بدست آوردن موقعیت محکمتر خارجی مورد بهره برداری قرار دهد.

۲- اوضاع داخلی

افزایش فعالیتهای دست چپی بویژه در میان دانشجویان و کارگران و نارضائی مردم از قدرت انحصاری خاندان حاکم و طرز کار سازمانهای دولتی مشکلات امنیتی مهمی برای رژیم ایجاد

کرده است. فعالیت عناصر دست چپی بیشتر در پوشش سازمانهای فلسطینی انجام می شود و این یک روش مؤثری است زیرا علاوه بر اینکه وجود تعداد قابل توجهی از فلسطینیها در کویت زمینه مناسبتری را برای چنین فعالیتی فراهم ساخته است، دولت کویت بعلت روش مساعدی که نسبت به جنبش مقاومت فلسطینی دارد در خنثی کردن این قبیل فعالیتهای دست چپی (در پوشش سازمانهای فلسطینی) آزادی عمل خود را محدود نموده است و چنانچه عکس العمل حادی نسبت به این فعالیتها نشان دهد به مخالفت با جنبش مقاومت فلسطینی متهم

شده و در نتیجه موقعیت آن در داخل و در جهان عرب تضعیف خواهد گردید.

ص: ۲۱۵

۱- . گزارش ساواک، بدون شماره و تاریخ، با طبقه بندی سری. این گزارش احتمالاً در بهمن ماه ۱۳۴۹ تهیه و تدوین شده است.

مشکل عمده اینست که نارضائی عمومی مردم از رژیم فعلی قدرت یک اقدام قاطع را بمنظور سرکوب کردن عناصر دست چپی از دولت سلب نموده است زیرا چنین وضعی به کاهش بیشتر نفوذ منجر خواهد شد.

مجموع عوامل بالا ـ دولت را بر آن داشت که روشی متناسب با واقعیتهای موجود انتخاب کند که خطوط اساسی آن در نطق مورخ ۲۴ ژوئن ۷۰ ولیعهد و نخست وزیر بیان شد. هرچند در این نطق بطور آشکار یا ضمنی از طرز حکومت و اوضاع داخلی کویت انتقاد شده و نطق از این جهت منعکس کننده بسیاری از نظر مردم است ولی انجام وعده های اصلاحی ولیعهد و نخست وزیر کار آسانی نیست زیرا این امر مستلزم ایجاد تغییرات اساسی در نحوه اجرای انتخابات آینده (ژانویه ۷۱) و ترکیب عناصر کابینه می باشد.

قوانین انتخاباتی فعلی مانع از آنست که مردم بویژه جوانان در انتخاب نمایندگان نقش مؤثری داشته باشند و از طرف دیگر شرایط نمایندگی در آنچنان سطح پائینی قرار دارد که باعث می شود اکثریت مجلس همواره از عناصر نالایقی تشکیل گردد و در نتیجه قدرت عمل معدودی

از عناصر اصلاح طلب و پیشرو که احتمالاً انتخاب گردند تحت الشعاع نفوذ اکثریت قرار گیرد.

یکی از مهمترین هدفهای برنامه اصلاحی ولیعهد و نخست وزیر جلب موافقت مخالفین معتدل برای شرکت در دولت است، زیرا وجود عناصر اصلاح طلب در دستگاه اجرائی دولت شرط اساسی انجام هرگونه اصلاحاتی است. لیکن چنین عناصری حاضر نیستند بدون ایجاد دگرگونیهای عمیقی در سیستم حکومت در کابینه شرکت جویند.

با توجه به مراتب بالا و اینکه اجرای برنامه اصلاحی دولت مستلزم عقب نشینی هیئت حاکمه از

برخی مواضع قدرت خود و از دست دادن آنها می باشد، بنظر نمی رسد وعده های اصلاحی دولت اجرا شود و آنچه که انجام خواهد شد در چهارچوب مقتضیات ادامه حکومت مؤثر خاندان فعلی (که خود نقاط ضعف عمده ای دارد) خواهد بود.

حداقل تأثیر نطق ولیعهد و نخست وزیر آنست که تعهدی برای دولت در انجام اصلاحات ایجاد کرده است. مهمترین مظهر جدی بودن دولت در اجرای برنامه اصلاحی خود، روشی است که برای تأمین آزادی انتخابات آینده اتخاذ خواهد شد. زیرا مجلس فعلی از نظر وابستگی

طبقاتی و فکری اعضاء آن قادر نیست برنامه اصلاحی دولت را بخوبی درک و موجبات اجرای آن را فراهم سازد و از طرف دیگر اجرای انتخابات بطور آزاد مهمترین شرطی است که

مخالفین معتدل و بانفوذ برای همکاری با دولت قائل شده اند.

۳- سیاست خارجی

در مدت تحت بررسی، خط مشی اصلی دولت که عبارت از حفظ موازنه در روابط خود با قدرتهای افراطی و میانه رو جهان عرب می باشد همچنان دنبال شد و منطقه خلیج فارس صحنه ایست که روش سیاسی کویت در آن بخوبی متجلی شده است.

این کشور همواره نسبت به هدفها و فعالیتهای عراق بدبین بوده است بویژه آنکه رژیم فعلی آن

کشور نیز هدف الحاق کویت به عراق را همچنان دنبال می کند و برای این منظور به تقویت و گسترش فعالیتهای بعثی در کویت می پردازد تا بدینوسیله موجبات برانداختن رژیم حاکم را

فراهم سازد. گذشته از مخالفت دولت با طرح پیشنهادی عراق در مورد تشکیل پیمان دفاعی از

کشورهای عرب منطقه خلیج فارس، کویت همیشه روش محتاطانه ای نسبت به عراق داشته و هدف اصلی آن اجتناب از برخورد قاطعی با این کشور بوده است. کویت باین دلیل با طرح عراق مخالفت کرد که مطمئن بود هیچ کشور ذینفع عرب حاضر به قبول آن نخواهد شد و از سوی دیگر شرکت کویت در یک پیمان دفاعی با عراق اساس سیاست خارجی آن کشور را بکلی دگرگون می ساخت.

روش کویت در مورد عراق و تلاش آن کشور برای نفوذ در امارات خلیج فارس مهمترین موارد اختلاف کویت با عربستان سعودی است. زیرا هدف عمده عربستان سعودی آنستکه عراق را از صحنه سیاست خلیج فارس دور نگهدارد و لذا هرگونه اعتدالی را که در روش کویت نسبت به عراق پدید آید با بدبینی تلقی می کند. به همین دلیل پیشنهاد کویت در مورد

تشکیل کنفرانس سه جانبه ای را با شرکت عراق رد کرد زیرا معتقد بود که این پیشنهاد نشانه

عدم صمیمت کویت و راهی برای وارد شدن عراق بعنوان یک عامل مؤثر در سیاست منطقه است.

کویت از موقعیت بسیار خوبی برای نفوذ در امارات خلیج فارس برخوردار است زیرا تنها قدرت محلی است که هیچگونه اختلاف ارضی یا سیاسی با آنها ندارد و به همین دلیل تلاش آن برای بسط روابط سیاسی - فرهنگی و اقتصادی با امارات موفقیت آمیز بوده است. توسعه این روابط خود مورد اختلاف دیگری بین کویت و عربستان سعودی است زیرا این کشور امارات را

منطقه نفوذ طبیعی خود می داند و قصد دارد پس از خروج نیروهای انگلیس، ضمن اعمال

حاکمیت خود بر مناطقی مانند بریمی نفوذ خود را در امارات مستقر سازد و طبیعی است که در این مورد برخوردی با نفوذ قوی کویت خواهد داشت.

احتمال تجدید نظر در سیاست انگلستان نسبت به خروج نظامی از خلیج فارس کویت را در وضع حساسی قرار داد زیرا با توجه به خطراتیکه از جانب عراق آن را تهدید می کند، کویت

مایل است از پشتیبانی عملی یک قدرت جهانی برخوردار باشد و لذا از ادامه حضور نظامی انگلستان (حتی بصورت جزئی آن) استقبال می نماید. لیکن با توجه به مخالفت سایر قدرتهای

ساحلی با سیاست دولت محافظه کار انگلیس و لزوم رعایت افکار عمومی در جهان عرب ناگزیر سیاست اعلام شده خود را بر مبنای لزوم خروج نیروهای انگلیس استوار ساخته است.

بحران اخیر اردن باعث شد که تأثیر اوضاع داخلی کویت در سیاست خارجی آن بار دیگر متجلی شود. با آنکه همبستگی سیاسی کویت با رژیم میانه رو اردن امریست اجتناب ناپذیر و منطقی، معذالك و تحت تأثیر نفوذ فلسطینیها در جامعه کویت و با توجه به بهره برداری سیاسی

که دولت از این موضوع در جهان عرب می نماید کویت کمکهای مالی خود را به اردن موقتا متوقف ساخت و به این ترتیب در صف سازمانهای فلسطینی قرار گرفت.(۱)

۴- نتیجه

تلاش کویت برای حفظ موقعیت خود در جهان عرب و ادامه موفقیت آمیز سیاست موازنه ایجاب می نمود که رژیم از وضع داخلی مستحکمی برخوردار شود و لذا برنامه اصلاحی دولت

را می توان بعنوان اولین گام در این راه تلقی کرد. چنانچه شرایط لازم برای موفقیت این برنامه فراهم شود امکان تحقق هدفهای نزدیک آن وجود خواهد داشت. لیکن اختلالی که مرگ ناصر در ترکیب و موازنه قدرتها در منطقه خاورمیانه بوجود آورد تأثیر مهمی در سیاست داخلی و خارجی آینده کویت خواهد داشت. با توجه به اینکه خط مشی مصر و مآلاً تأثیر آن در جهان

عرب هنوز روشن نشده است پیش بینی روش سیاسی کلی کویت در آینده نسبتا دور فعلاً امکان پذیر نیست.(۲)

گزارش دیگر درباره اوضاع داخلی، روابط خارجی و مسایل مربوط به امارات متحده

۱- . بعد از حادثه سپتامبر سیاه سال ۱۹۷۰ در اردن، دولت کویت ضمن تقبیح کشتار فلسطینی ها به دست ارتش اردن، از

فلسطینیان حمایت کرد.

۲- . گزارش ساواک، بدون شماره، این گزارش ظاهرا در بهمن ماه سال **۱۳۴۹** تهیه و تدوین شده است؛ با طبقه بندی سری.

عربی است. در این گزارش بـا ابراز نگرانی از فعالیت گروه های مخالف در امارات عربی، نسبت به خروج انگلیسـی ها از این منـاطق اظهـار نـاراحتی شـده است. در خـاتمه گزارش، به موضوعـات درون تشـکیلاتی شـورای سه گـانه و کنفرانس معاونـان سرویس های اطلاعاتی ایران، ترکیه و اسرائیل اشاره شده است:

امارات خلیج فارس

۱- مقدمه

شکست تلاش امارات برای تشکیل اتحادیه و خطرات ناشـی از فعالیت گروههای برانـداز عمـده مسائل داخلی این منطقه بوده است. در زمینه سیاست خارجی تغییر دولت در انگلستان و احتمال ماندن نیروهای نظامی این کشور در خلیج فارس و همچنین فعالیتهای نفوذی کشورهای ذینفع مورد توجه بود.

۲- اوضاع داخلی

الف – اتحادیه امارات

نتایج اجلاسـیه نواب حکام امارات خلیج فارس و شورایعالی اتحادیه امارات مسائل مربوط به پیشرفت امر تشکیل اتحادیه را [با]مشـکلات زیـادی روبرو سـاخت. با آنکه حل مسـئله بحرین یکی از موانع مهم ایجاد اتحادیه را از بین برد لیکن آزادی عملی که بحرین بدست آورد به آن امکان داد که در صدد بهره برداری از موقعیت برتر اجتماعی و فرهنگی خود بمنظور تحصیل

امتیـازاتی در چهـارچوب اتحـادیه برآیـد و از این راه اتحـادیه را بـا بن بست مواجه ساخت. با توجه به مخالفت سایر امارات با خواسـتهای بحرین، اتحـادیه هم اکنون بـا مشـکلی مواجه است که تـا آنجـائیکه مربوط به روش بحرین است تنهـا راه حـل آن تشکیل اتحادیه[ای] از امارات هفتگانه و قطر و استقلال بحرین می باشد.

از نظر ابوظبی که بـا تهدیـد عربسـتان سـعودی مواجه است تشـکیل هرچه زودتر اتحادیه و بـدست گرفتن رهبری آن ضـروری است و بدین لحاظ ایجاد آن را با شـرکت هر مجموعه ای از امارات لازم می داند. لذا تلاش نمود طرح خود را در مورد ایجاد کشور متحدی از امارات هفتگانه و اتحاد بحرین و قطر با آن اجرا کند. از آنجائی که این طرح موقع دبی و قطر را تضعیف می نمود

و مهمتر از آن برخلاف روش انگلستان بود ابوظبی نتوانست در اجرای آن موفق شود. مشکل عمده در راه تشکیل اتحادیه تنها مسئله تسلط جوئی امارات بزرگتر نیست بلکه استقلال طلبی

امارات کوچکتر بویژه رأس الخیمه امکان اجرای طرحهای مناسب دیگری را نیز در موقعیت فعلی غیرممکن ساخته است.

صرف نظر از اختلاف امارات در مورد نحوه تشکیل اتحادیه و شرایط سیاسی لازم (مانند حل اختلاف مرزی ابوظبی و عربستان سعودی) برای این امر، تغییر دولت در انگلستان و عدم تعیین

قطعی خط مشی آینده دولت جدید پیرامون نحوه خروج نظامی از خلیج فارس حالت انتظاری در امارات بمنظور روشن شدن مسائل بالا ایجاد نموده است که این امر ضمن آنکه به تشدید

اختلافات بین امارات کمک می کند مانع از تلاش مؤثری در جهت حل مسائل مربوط به اتحادیه می باشد.

ب - فعالیت گروههای برانداز

فعالیتهای براندازی در امارات خلیج فارس تحت تأثیر زمینه های مساعد اجتماعی و سیاسی افزایش یافت. مجموعه ای از عوامل مانند فعالیتهای نفوذی عراق و یمن جنوبی - ائتلاف گروههای سیاسی کوچک با یکدیگر و موفقیت گروههای برانداز عمان در بسط نفوذ خود به داخل امارات در ایجاد چنین وضعی مؤثر بوده است.

روش این گروهها بطور کلی آنست که فعلاً و تا خروج نظامی انگلیس از منطقه و تکمیل آمادگی خود دست به اقدام براندازی حادی نزنند بلکه تلاش خود را صرف نفوذ در سازمانهای

نظامی و طبقات مختلف مردم نمایند. با توجه به کشف یک سازمان نظامی برانداز در بحرین و دستگیری عده ای از عناصر آن می توان گفت که تلاش نفوذی گروههای برانداز در نیروهای بحرین (و بنابر قرائنی در امارات) علیرغم کلیه اقدامات حفاظتی معمول با موفقیت توأم بوده است و لذا بعید بنظر می رسد ضربتی که به آنها وارد شده تأثیر عمیقی در تجدید فعالیتهای آنان داشته باشد. خطر فعالیتهای براندازی تنها از جانب گروههای سیاسی افراطی سرچشمه نمی گیرد بلکه اختلافات موجود در برخی از هیئتهای حاکمه (مثلاً در شارجه) به قدرتهای

خارجی و داخلی ذینفع امکان اعمال نفوذ برای تأمین هدفهای خود را می دهد.

۳- سیاست خارجی

روی کار آمدن حزب محافظه کار در انگلستان و اعلام آمادگی محتاطانه این کشور برای تجدید نظر در طرح خروج نیروهای انگلیسی از خلیج فارس امید امارات را به ادامه حمایت انگلستان

از آنها افزایش داد. امارات حضور نظامی این کشور را به شکل فعلی آن یا حداقل ادامه نقش

فعال افسران انگلیسی در اداره امور دفاعی امارات (مانند استفاده از نیروی پیشاهنگان عمان

متصالح بعنوان هسته اصلی نیروی دفاعی اتحادیه امارات) ترجیح می دهند.

به دلایل مختلف امیدواری امارات به ادامه حیات نظامی مستقیم انگلیس از آنها چندان موجه

نیست، زیرا عواملی که دولت کارگری انگلیس را به عقب نشینی نظامی از منطقه تشویق کرد

(یعنی توجه به مسائل اروپائی - اجتناب از برخورد با ناسیونالیسم عرب در حال رشد در منطقه -

کاستن تعهدات خارجی بمنظور بهبود وضع اقتصادی) هنوز هم در تعیین خطوط اصلی سیاست دولت محافظه کار مؤثر است. از طرف دیگر قدرتهای منطقه ای بطور مطلق یا احتیاط آمیزی با ادامه حضور انگلیس در خلیج فارس مخالفند. با توجه به اینکه تأمین ثبات

منطقه مهمترین هدف این کشور است و تغییر اساسی سیاست آن باحتمال زیاد منطقه را دچار

ناامنی خواهد نمود، انتظار می رود دولت محافظه کار ناگزیر از ادامه سیاست تعدیل یافته دولت کارگری شود. بدین معنی که ضمن تخلیه پایگاههای بحرین و شارجه، از طریق بازدیدهای منظم ناوگان دریائی از بنادر خلیج فارس آثاری از آمادگی نظامی خود در منطقه بر جای بگذارد.

تجدید ادعای عربستان سعودی بر منطقه بریمی و قسمتی از مرزهای جنوبی و غربی ابوظبی عامل اختلاف و ناامنی دیگری را در منطقه ایجاد نمود. از نظر ابوظبی و بنحوی امارات دیگر

تسلط عربستان سعودی بر مناطق مورد ادعای خود آنان را در وضع نامناسبی قرار داده و همبستگی سیاسی آنها را با مشکلاتی مواجه خواهد ساخت. زیرا هدف عمده عربستان سعودی دست یافتن به منطقه مهم بریمی و قطع پیوستگی جغرافیائی ابوظبی و قطر از طریق تسلط بر

قسمتهای شمال غربی ابوظبی و گسترش مرزهای خود به ساحل خلیج فارس است. اختلاف عربستان سعودی و ابوظبی در این مورد نگرانیهائی را در سایر امارات و بویژه قطر موجب شد بطوری که علیرغم تمایل خود به تشکیل اتحادیه ترجیح می دهند قبلاً این اختلاف حل شود تا مجبور نگردند مآلاً در صف ابوظبی و علیه عربستان سعودی قرار گیرند.

علیرغم اینکه مسئله بریمی برای عربستان سعودی جنبه حیثیتی دارد و به همین دلیل شرایط سختی برای حل این مسئله قائل شده، فشار انگلستان و تأثیر این مسئله در آینده سیاسی منطقه

ممکنست عربستان سعودی و ابوظبی را به قبول راه حلهای میانه ای (مثلاً بیطرف ساختن مناطق

مورد اختلاف و بویژه بریمی) وادار سازد.

روابط امارات با کویت همچنان خوب بوده است و این کشور از موقع ممتازی برخوردار می باشد، بسط روابط سیاسی – اقتصادی و فرهنگی امارات با کویت امکانات بیشتری در مورد

ایفای نقش مؤثر در آینده سیاسی امارات در اختیار آن کشور گذارده است.

تلاش نفوذی عراق در امارات ادامه دارد و با آنکه سیر صعودی آن در بحرین دچار وقفه شده نمی توان موفقیت این کشور را در ایجاد گروههای بعثی مؤثر طرفدار خود در بحرین و ابوظبی

نادیده گرفت. از سوی دیگر و علیرغم برخی عوامل منفی، عراق توانست زمینه نفوذ مناسبی در عده ای از امارات بویژه رأس الخیمه و عجمان بدست آورد.

تغییر سلطان عمان امکانات مناسبی را از نظر تأمین ثبات منطقه و بسط روابط آن کشور با امارات فراهم نمود. لیکن با توجه به مشکلات متعدد داخلی عمان و نگرانی امارات از تأثیر

منفی قدرت انسانی و اقتصادی بالقوه آن کشور در موجودیت آنها، بعید به نظر می رسد در

آینده قابل پیش بینی اقداماتی به منظور شرکت عمان در اتحادیه امارات بعمل آید. لیکن

می توان انتظار داشت که روابط دوجانبه بین عمان و امارات بویژه ابوظبی که اشتراک منافع

مهمی با یکدیگر دارند توسعه یابد.

۴– نتیجه

با آنکه احتمال خروج نظامی انگلیس از خلیج فارس افزایش یافته و امارات از این نظر در مقابل مسئولیت خطیر حفظ امنیت خود قرار گرفته اند، معذالک اختلاف محلی آنها از این طرف

و ادعاهای ارضی برخی قدرتهای ساحلی از طرف دیگر موانع مهمی در راه تشکیل امارات ایجاد کرده است. خطر فوری که امارات را تهدید می کند فعالیتهای براندازی گروههای سیاسی

است که عقب افتادگی سیاسی و اجتماعی جوامع امارات و فعالیتهای نفوذی کشورهای افراطی

گسترش نفوذ آنها را امکان پذیر ساخته است. [با]خروج نظامی انگلیس بدون آنکه ترتیبات امنیت دسته جمعی در منطقه بوجود آید و اقدامات مؤثری بمنظور شرکت مردم در حکومت معمول گردد، موجودیت رژیمهای حاکم در امارات را مورد مخاطره جدی قرار خواهد داد.(۱)

در پایان این گزارش به استخدام یک نفر اَمربَر برای امور دبیرخانه شورای معاونان سرویس های سه گانه و تعیین بودجه آن

اشاره شده است:

در صورت تصویب درباره هر نوع کار دیگر پیرامون بودجه دبیرخانه سه گانه مذاکره بفرمائید

ص: ۲۲۲

۱-. همان گزارش.

چون در جریان مذاکرات سران سه سرویس در این باره صحبتی نشده است - بطور اصولی دبیرکل سه گانه باید در شوراهای سه گانه و کنفرانس معاونان سه گانه شرکت نماید و ضمنا لازم است همانطور که در همکاری سه جانبه مرسوم است یکنفر امربر نیز جهت انجام امور دبیرخانه

استخدام نماید. پیشنهاد می شود حدنصاب بودجه دبیرخانه سه گانه بمیزان ۱۵۰۰ دلار تعیین

گردد که با این ترتیب حق السهم هر سرویس ۵۰۰ دلار می شود.(۱)

اداره کل هفتم ساواک، طی نامه ای درباره زمان تشکیل سمینار سه جانبه سرویس های اطلاعاتی ایران، اسرائیل و ترکیه، که در خرداد ماه سال ۱۳۵۰ به میزبانی اسرائیل برگزار شد، گزارش مربوط به اجلاس سه جانبه را ارایه کرده است.

در این گزارش به اوضاع داخلی کشور عراق، موقعیت رژیم وقت آن کشور، چگونگی فعالیت احزاب در عراق، سیاست خارجی و روابط آن کشور با بلوک شرق، روابط با کشورهای عربی چون مصر و سوریه، به شرح ذیل اشاره شده است:

گزارش درباره سمینار سه جانبه

منظور

استحضار تیمسار ریاست ساواک و صدور اوامر.

پیشینه

بنابر تصویب بیست و پنجمین کمیته هماهنگ کننده سه جانبه قرار است سیزدهمین سمینار سه جانبه در چهارچوب اطلاعات مثبت در تاریخی بین ۱۰-۱۶ اسفند ماه ۴۹ در اسرائیل برگزار

شود.

اینک دبیرکل سه جانبه طی نامه ای به سه سرویس اطلاع داده که چون لازم است سمینارهای سه جانبه بعد از شورای سه جانبه برگزار شوند از این رو پیشنهاد می شود که سمینار آینده به جای اسفند ماه ۴۹ در تاریخی بین ۱۱ خرداد الی ۹ تیر ماه ۱۳۵۰ تشکیل گردد.

نظریه اداره کل هفتم

نظر به اینکه این اداره کل طی اسفند ماه ۴۹ برای کنفرانس ضداخلالگری سنتو درگیری دارد در صورت تصویب مقرر فرمایند ضمن استقبال از پیشنهاد دبیرکل سه جانبه بنامبرده گفته شود که

۱- . گزارش ساواک. از اجلاس سه جانبه، بدون شماره و تاریخ، ظاهرا در سال ۱۳۴۹ تهیه و تدوین شده است؛ با طبقه بندی سری.

ساواک مایل است سمینار سه جانبه از تاریخ ۱۵ تا ۱۸ خرداد ماه ۱۳۵۰ برگزار شود.

اداره کل هفتم

عراق

۱- اوضاع داخلی

الف - موقعیت رژیم

طی سه ماه اخیر کادر رهبری بعث حاکم همچنان درگیر رقابت و مبارزات داخلی بود که نتیجه آن با برکناری حردان تکریتی و چند تن دیگر از فرماندهان نظامی عراق ظاهر گردید.

گروه افراطی بعث حاکم که همواره مترصد فرصتی برای طرد عناصر معتدل از رأس هیئت حاکمه بودند ظرف این مدت از تهییج افکار عمومی ملت عرب و فلسطینیها بعلت عدم شرکت نیروهای عراق علیه نیروهای اردن بنفع فدائیان فلسطین استفاده کرده و سعی نمودند ضمن

تضعیف موقعیت عناصر معتدل گناه و قصور و سستی ارتش عراق را به گردن حردان تکریتی و طرفداران وی اندازند و با این اقدام از گسترش نارضائی ها بخصوص در میان اعضاء کمیته

بین الاعراب حزب بعث جلوگیری نمایند و پس از آن در صدد برآمدند با اقدامات ظاهرا اصلاح طلبانه از نارضائی های داخلی جلوگیری کنند.

پایان دادن بوضع فوق العاده پس از قریب یازده سال از برقراری آن - آزادی عده ای از زندانیان

سیاسی - تقلیل بعضی از عوارض و مالیاتها در اجرای چنین سیاستی بوده است.

ب - فعالیت احزاب

ادامه شدت عمل بعثی ها طی سه ماه گذشته گرچه امکانات براندازی احزاب و دستجات مخالف را ضعیف نموده و مقامات بعثی با دقت مراقب فعالیت دستجات و احزاب مخالف بودند معذالک ظرف همین مدت سستی عراق در جنگهای اردن و تردید آن کشور برای نبرد با نیروهای اردن به نفع سازمان های فلسطینی(۱) به گروههای مخالف امکان داد تا به سیاست رژیم حمله کرده و علیه آن تبلیغ کنند از جمله این دستجات حزب کمونیست بود که طی اعلامیه ای

روش دو پهلوی بعثیها را در مورد سازمانهای فلسطینی مورد حمله قرار داد و روزنامه التاخی

ارگان حزب دمکرات کردستان نیز ادامه حکومت نظامیان و وجود حکومت دیکتاتوری در

۱- . مقصود، درگیری نیروهـای ارتش اردن با فلسـطینیان و واقعه کشـتار مردم فلسـطین در ۱۷ سپتامبر ۱۹۷۰م، از سوی ارتش اردن است.

عراق را تخطئه کرد.

دستجات ناسیونالیست عرب (قومی) نیز پس از مرگ ناصر در پوشش عزاداری و سوگواری برای ناصر تظاهراتی براه انداختند لیکن رهبران بعثی که نگران این تظاهرات بودند با شدت از ادامه آن جلوگیری کردند و با اعلام کشف یک توطئه از طرف افسران قومی عده زیادی از آنها

را بازداشت و از ادامه فعالیتشان جلوگیری نمودند.

۲- سیاست خارجی

الف - روابط با بلوک شرق

تا قبل از اعلان طرح راجرز روابط عراق با شوروی همچنان رو به توسعه بود. مخالفت عراق با

طرح راجرز (در اوائل مرداد ماه ۱۳۴۹) در حالیکه شوروی یکی از موافقین اساسی آن بود موجبات بروز اختلافاتی را بین شوروی و عراق فراهم ساخت و باعث شد که برای مدت محدودی روابط دو کشور بسردی گراید.

شوروی که نگران اخلالگری عراق در طرح صلح راجرز بود به منظور خنثی نمودن مخالفت عراق با طرح مزبور و یا لااقل کاهش آن موضوع تقاضای وصول دیون بتعویق افتاده عراق بشوروی را مطرح ساخته و با این فشار موفق شد دولت عراق را مجبور سازد که فعالیتهای خود را در مخالفت با طرح راجرز از حدود گفتار رادیوئی و تبلیغاتی خارج ننماید چنین سیاستی مانع از بروز یک بحران احتمالی در روابط بین دو کشور گردید و موجب شد که مجددا

همکاریهای دو کشور در زمینه های مختلف منجمله نظامی - اقتصادی ادامه یابد.

ب - روابط با کشورهای عربی

(۱) با مصر

مخالفت عراق با طرح راجرز روابط تیره مصر و عراق را علنی نمود و حملات تبلیغاتی طرفین در روابط دو کشور ایجاد بحران نمود. لیکن مرگ ناصر برای رهبران بعثی عراق که مایل بودند

با التیام روابط خود با مصر از انزوای سیاسی خارج شوند فرصتی فراهم ساخت تا با شرکت در تشییع جنازه ناصر و ارسال پیامهای تسلیت آمیز در این زمینه روابط عراق را با مصر التیام

بخشیده و خود را از حلقه فشار انزوای سیاسی در میان کشورهای عربی اندکی نجات بخشند در حال حاضر حملات تبلیغاتی دو کشور علیه یکدیگر قطع گردیده و اقداماتی در زمینه بهبود

روابط از طرف مقامات دو کشور بعمل آمده است.

ص: ۲۲۵

(۲) روابط با سوریه

هماهنگی مشترک عراق و سوریه در مخالفت با طرح راجرز تحولات حاصله در ارکان رهبری سوریه - برکناری حردان تکریتی که ظاهرا مخالف همکاری با سوریه بود در نظر مقامات بعثی

عراق در زمینه هائی بود که امید می رفت روابط خصمانه دو کشور را بهبود بخشد و مقامات

بعثی که خود را بیش از پیش در جهان عرب تنها و منزوی حس می کردند علاقمند به چنین بهبودی در روابط عراق و سوریه بودند لیکن ادامه سیاستهای ناپخته و محیلانه رژیم بعثی عراق و علاقمندی سوریه برای نزدیکی به مصر چنین امیدی را در حال حاضر کاهش داده است و قرینه آن حملات اخیر روزنامه الثوره و البعث سوریه به دولت عراق به مناسبت سالروز سقوط

حزب بعث در عراق در سال ۱۹۶۳ بوده است روزنامه مذکور ضمن حمله به بعث عراق برقراری و ادامه آن حکومت را نتیجه تبانی امپریالیستها و مرتجعین دانسته اند.(۱)

همان گونه که پیش از این ذکر شد، سرویس های سه گانه ایران، اسرائیل و ترکیه، طبق پیمان سه جانبه اطلاعاتی در مواقع مقرر یا مقتضی، هریک گزارش هایی درباره اخبار و اطلاعات جمع آوری شده از طرف خود تدوین و به سمع و نظر طرف دیگر می رساندند و با هم مبادله می کردند. آنچه از این گزارش ها مستفاد می گردد، این است که طرف اسرائیلی،

همواره در ارایه گزارش ها و مبادله آن با سرویس اطلاعاتی ایران و یا ترکیه مرموزانه برخورد و عمل می کرد. به بیان دیگر آن ها با ارایه اخبار و اطلاعات کهنه و یا رسانه ای، بخش عمده و قابل توجهی از گزارش خود را با آن تکمیل و پر می کردند. البته این مسأله موضوعی نبود که رؤسا و مقامات سرویس اطلاعاتی ایران و یا ترکیه نسبت به آن غافل و یا بی توجه و ناآگاه

باشند. لیکن کاری از پیش نمی بردند و یا نمی توانستند اقدامی به عمل آورند. البته این حرکت و شیوه اسرائیلی ها به معنی آن نبود که طرف ایرانی و یا ترک نیز مقابله به مثل کند. بلکه به عکس آن ها همیشه بر اثبات خلوص و صداقت خود در قبال اسرائیلی ها، از هیچ گونه خوش خدمتی دریغ نمی ورزیدند. گزارش بخش تبادل اطلاعات ساواک در خصوص مبادله اطلاعات، طی یک دوره شش ماهه، از ۱۲ اردیبهشت سال ۱۳۴۹ تا ۹ آذر ۱۳۴۹ش/ اول مه ۱۹۷۰ تا ۳۰ نوامبر ۱۹۷۰م، به شرح ذیل است:

۱- . گزارش ساواک، بدون شماره، این گزارش ظاهرا بین بهمن تا اسفند ۱۳۴۹ تهیه و تدوین شده است، با طبقه بندی سری.

به پیوست ارزیابی گزارشات مبادله شده بین سه سرویس (فولاد- طوفان - پرچم) از تاریخ اول

ماه مه الی ۲۰ نوامبر ۱۹۷۰ از عرض می گذرد تا در صورت تصویب جهت اقدام لازم در اختیار

بخش پیمانها قرار گیرد.

بخش تبادل اطلاعات - ایوب غمامی

مبادله اطلاعات سه جانبه از اول ماه مه ۱۹۷۰ الی ۳۰ نوامبر ۱۹۷۰

در مدت شش ماه و نیم فوق الذکر گزارشات خبری بین سه سرویس دوست مبادله گردیده و آمار گزارشات ارسالی هر سرویس به دو سرویس دیگر به قرار زیر بوده است:

کمیت

۱- اطلاعیه های صادره سرویس فولاد ۵۸۰ فقره

۲- اطلاعیه های صادره سرویس طوفان ۱۷۶ فقره

۳- اطلاعیه های صادره سرویس پرچم ۱۹۳ فقره

کیفیت

الف - سرویس فولاد:

سرویس فولاد اطلاعاتی درباره کشورهای عربی و روابط این کشورها با یکدیگر و همچنین با بلوک شرق به دو سرویس دیگر ارسال نموده که اهم آنها به شرح زیر می باشد:

(روابط عراق با شوروی - کمک مالی کویت و آلمان شرقی بعراق - بازدید هیئت عراقی از سوریه - روابط اقتصادی و بازرگانی عراق با لیبی - قراردادهای هوائی جدید بین اردن و

شوروی - روابط اردن با سازمانهای فلسطینی - دولت جدید اردن - روابط لبنان با سازمانهای

فلسطینی - فعالیت کمونیستها در لبنان - روابط سوریه با کویت - وضع داخلی سوریه - قراردادهای اقتصادی سوریه با لیبی - اوضاع داخلی مصر- قراردادهای بازرگانی مصر با سودان - بازدید هیئت اقتصادی مصری از مراکش - بازدید هیئت نظامی یمن از عراق - کمکهای

لیبی به یمن - کمکهای اقتصادی چین سرخ و کره شمالی به سودان).

ب - سرویس طوفان:

این سرویس اطلاعاتی در مورد کشورهای عربی و روابط آنها با یکدیگر و همچنین با بلوک شرق به دو سرویس دیگر ارسال داشته که مهمترین آنها عبارتند از:

(ورود کارشناسان نظامی شوروی، آلمان شرقی و بلغارستان به بندر لاذقیه - انتصابات حزب

بعث سوریه – دستگیری کمونیستهای سوری – کمک نظامی سوریه به کماندوهای مقیم اردن – فعالیتهای مصر در لبنان – نقل و انتقالات نظامی عراق – اختلاف در حزب بعث عراق – انتصابات

در نیروی هوائی عراق – فعالیتهای عراق در امارات خلیج فارس – زدوخوردهای اردن – روابط

سودان با چین کمونیست).

پ – سرویس پرچم:

این سرویس اطلاعاتی در مورد کشورهای عربی و روابط آنها با یکدیگر و همچنین با شیخ نشینها به دو سرویس دیگر ارسال داشته که اهم آنها بشرح زیر بوده است:

(ورود کشتی های روسی آلمان شرقی و چکسلواکی به بندر بصره – فعالیتهای اطلاعاتی عراق و کویت – وضع نیروهای عراقی مستقر در اردن – مذاکرات کمیته مشترک دولت اردن و سازمانهای

فلسطینی – بازداشت عده ای از اعضاء حزب کمونیست سوریه – کمک چین کمونیست به جمهوری یمن – نقل و انتقالات ارتش کویت – مخالفت شارجه با پیشنهاد دولت عراق – اعزام

چریکهای فلسطینی به دوبی).

ارزیابی اطلاعیه های واصله از سرویس فولاد

گزارشهای این سرویس در مورد امور نظامی و اقتصادی سوریه و لبنان قابل بهره برداری و مفید برای سابقه بوده و تعدادی از گزارشات از منابع آشکار بوده است. گزارشات سرویس فولاد

درباره اوضاع داخلی مصر عموما آشکار و گزارشات در مورد کشورهای یمن و یمن جنوبی و سودان اغلب مفید برای سابقه بوده است. تعدادی از گزارشات مربوط به اردن و عراق مفید

برای سابقه و تعداد دیگر کهنه و از منابع آشکار بوده است. گزارش های خبری این سرویس در زمینه نفوذ شوروی در خاورمیانه مفید بوده و گزارشات مربوط به اکراد تعدادی مفید برای سابقه و تعداد دیگر کهنه بوده است.

ارزیابی اطلاعات واصله از سرویس طوفان

گزارشهای نظامی این سرویس در مورد کشور سوریه بعلت عدم تقاطع خبری غیرقابل قضاوت بوده و در سایر موارد تعدادی قابل بهره برداری و مفید برای سابقه و تعدادی نیز آشکار بوده است. گزارشات این منبع درباره عراق قابل توجه و تعدادی مفید برای سابقه و غیرقابل قضاوت بوده. گزارشات در مورد اردن مفید برای سابقه و تعدادی دیگر غیرقابل قضاوت بوده

است. گزارشات در مورد مصر تعدادی مفید برای سابقه و تعدادی دیگر ناقص می باشند.(۱)

مبادله اطلاعات بین سرویس های اطلاعاتی مورد نظر در پاره ای اوقات، شفاهی و حضوری و یا بین دو سرویس به تنهایی انجام می گرفت. مذاکرات رئیس ساواک با معاون سرویس اطلاعاتی ترکیه، در بهمن ماه سال ۱۳۵۰، نمونه ای در این باره است. متن رسمی این

مذاکره به شرح ذیل گزارش شده است:

مذاکرات ریاست ساواک با آقای ارگون معاون سرویس ترکیه (سه شنبه ۱۹ بهمن ماه ۵۰)

بعد از تعارفات

آقای ارگون: من حامل سلامهای مخصوص ژنرال ارسین و کلیه اعضاء سرویس ترکیه برای تیمسار هستم.

ریاست ساواک: متشکرم. اخبار خوبی در مورد فعالیتهای قاطع شما علیه خرابکاران شنیده ام.

آقای ارگون: از نظر تیمسار ممنونم.

ریاست ساواک: ما هم این مشکل را داشته و اکنون هم داریم. متأسفانه با دستگیری چند نفر کار

تمام نمی شود چون باید جلوی سرچشمه را گرفت منبع این فعالیتها در کشورهای افراطی عربی

است که به وسیله کمونیستها هدایت می شود. متأسفانه باید ضرر ناشی از همسایگان بد را

تحمل کرد.

آقای ارگون: با نظر تیمسار موافقم و خوشبختم که کشور ما در کنار ایران قرار گرفته است.

ریاست ساواک: همه چیزمان مشترک است. منافع. دوستان - دشمنان و مشکلات ما حالت یکسانی دارند.

آقای ارگون: البته شخصیت تیمسار در نزدیکی دو سرویس و دو کشور فوق العاده مؤثر بوده است. مشکلی است که باید بعرض تیمسار برسانم. سفارتخانه های خارجی در ترکیه از ما سئوال می کنند که آیا بین ایران - ترکیه و اسرائیل همکاری وجود دارد؟ می گویند رئیس سازمان سیا بعد از مسافرت به اسرائیل به ترکیه هم سفر کرده است.

ریاست ساواک: این شخص به ایران هم آمد.

آقای ارگون: اتفاقا نکته همین جا است کسانی که از ما در این مورد سئوال می کنند اسمی از سفر رئیس سازمان سیا به ایران نمی بریم.

۱- . گزارش ساواک، مورخ ۷/۹/۱۳۴۹، بدون شماره، با طبقه بندی سری.

ریاست ساواک: بهتر است به سفارتخانه های خارجی بگوئید [بین] تمام سرویسهای اطلاعاتی دنیا حتی سرویس های دشمن نوعی همکاری اطلاعاتی وجود دارد. و همکاری سرویسهای ایران و ترکیه امری کاملاً طبیعی است.

آقای ارگون: البته همکاری دو سرویس ایران و ترکیه به هیچ وجه غیرطبیعی نیست اما مقامات خارجی در مورد همکاری با سرویس اسرائیل سئوال می کنند. معتقدم یک طرح حفاظتی تهیه و

به شورا پیشنهاد شود.

ریاست ساواک: این طرح به وسیله دبیرخانه سه جانبه تهیه و به سرویسهای مربوطه پیشنهاد شده است.

آقای ارگون: هنوز این طرح بدست ما نرسیده البته من مایلم بررسی راجع به این طرح یا هر طرح مشابه دیگری را در دستور جلسه سه جانبه بگنجانم.

ریاست ساواک: با نظر شما موافقم.(۱)

ص: ۲۳۰

۱- . گزارش ساواک، بهمن ماه ۱۳۵۰، بدون شماره، با طبقه بندی سری.

بیست و ششمین کنفرانس سه جانبه اطلاعاتی سرویس های ایران، ترکیه و اسرائیل در تاریخ ۱۸ تا ۲۱ اردیبهشت ۱۳۵۱ در شهر باکالا در فلسطین اشغالی برگزار شد. نمایندگی ساواک در تل آویو، خلاصه گزارش کمیته ویژه آن کنفرانس را به شرح ذیل برای مرکز ارسال

کرده است:

اسرائیل ۲۰ اردیبهشت ماه ۵۱

خلاصه گزارش کمیته ویژه بیست وششمین کنفرانس سه جانبه

الف – مقدمه

۱– با توجه به عدم شرکت رؤسای سرویسهای ایران و ترکیه در بیست و ششمین شورای سه جانبه بعلت درگیری های اداری، سرویس اسرائیل پیشنهاد نمود که کمیته ویژه ای تشکیل شده و توصیه های کمیته اطلاعات و کمیته امنیت را مورد بررسی قرار داده و جهت تصویب تقدیم رؤسای سرویسهای سه جانبه بنماید. این پیشنهاد سرویس اسرائیل و همچنین دستور جلسه تنظیمی باتفاق آراء مورد قبول واقع شد.

۲– ریاست هیئت های شرکت کننده در کمیته ویژه بعهده نامبردگان زیر بود:

(الف) معاون سرویس اسرائیل – رئیس جلسه

(ب) معاون سرویس ایران.

(پ) جانشین معاون سرویس ترکیه.

(ت) دبیرکل سه جانبه.

ب – مذاکرات

۳- معاون سرویس اسرائیل به اعضای کمیته خوش آمد گفت و معاون سرویس ایران و جانشین معاون سرویس ترکیه از میهمان نوازی گرم سرویس اسرائیل اظهار تشکر کردند.

۴- کمیته ویژه گزارش های کمیته اطلاعات و کمیته امنیت را مورد بررسی قرار داد. کمیته ویژه

همچنین تصمیم گرفت که گزارش گردش کار دبیرکل و گزارش کمیته هماهنگ کننده را جهت تصویب تقدیم رؤسای سرویسهای سه جانبه بنماید.

۵- یکی از اعضای سرویس اسرائیل جریان تلاش برای دزدیدن یک هواپیما را جهت شرکت کنندگان تشریح کرد. واقعه دزدی هواپیما که در جریان برگزاری کنفرانس سه جانبه بوقوع

پیوست مورد توجه اعضای کمیته ویژه قرار گرفت.

(توضیح: این واقعه بوسیله رئیس کمیته امنیت از سرویس اسرائیل تشریح شد و طی آن جریان عملیات کماندوهای ارتش اسرائیل در مورد نجات مسافران هواپیمای شرکت هواپیمائی سابنا

که در ۱۹/۲/۵۱ بوسیله چهار نفر چریک عرب دزدیده شد توصیف گردید).

۶- بر مبنای پیشنهاد سرویس اسرائیل کمیته ویژه تصمیم گرفت پیشنهادی تقدیم رؤسای سرویسهای

سه جانبه بنماید و طی آن تقاضا کند که در صورت تصویب تشکیل شورای سه جانبه در آینده

منوط بحضور حداقل دو رئیس سرویس باشد.

پ – امور اداری

۷- رؤسای هیئت های ترکیه و اسرائیل ضمن اظهار تشکر دعوت رئیس هیئت نمایندگی ایران را جهت برگزاری بیست و هفتمین شورای سه جانبه در ایران در تاریخ ۲۴ و ۲۵ آبانماه ۵۱ پذیرفتند. بدین ترتیب کمیته های اطلاعات و امنیت در روزهای ۲۲ و ۲۳ آبانماه ۵۱ و کمیته

هماهنگ کننده در بعدازظهر روز ۲۳ آبانماه تشکیل جلسه خواهد داد. این تاریخ ها باید بتصویب رؤسای سرویس های سه جانبه برسد.(۱)

گزارش دیگر، مربوط به گردش کار دبیرکل اجلاس سه جانبه (۲۰ اردیبهشت ۱۳۵۱) است. در این گزارش به مباحث بیست و نهمین کمیته هماهنگ کننده سه جانبه (فوریه ۱۹۷۲م/بهمن ۱۳۵۰) تهران و مباحث چهاردهمین سمینار سه جانبه ترکیه (فوریه ۱۹۷۲م/بهمن ۱۳۵۰) و دستور جلسه، اشاره شده است:

گزارش گردش کار دبیرکل سه جانبه (۲۰ اردیبهشت ماه ۵۱)

۱- . گزارش ساواک، ۲۰/۲/۱۳۵۱، بدون شماره، با طبقه بندی سری.

۱- ذیلاً خلاصه فعالیت های سرویسهای سه جانبه و دبیرخانه از تاریخ بیست و پنجمین شورای سه جانبه ببعد (ترکیه - ۱۱-۸ نوامبر ۱۹۷۲)(۱) شرح داده می شود.

۲- قسمتهائی از این گزارش در گزارش گردش کار که تقدیم بیست و نهمین کمیته هماهنگ کننده (۸ فوریه ۱۹۷۲) گردید ذکر گردیده است.

فعالیتها

۱- بیست و نهمین کمیته هماهنگ کننده

الف - بیست و نهمین کمیته هماهنگ کننده در تاریخ ۸ فوریه ۱۹۷۲ در تهران برگزار گردید.

ب - کمیته هماهنگ کننده موضوعات زیر را مورد بررسی و تصویب قرار داد:

(۱) کمیته گزارش گردش کار دبیر کل را تصویب کرد.

(۲) کمیته گزارش مبادله اخبار را تصویب نمود. ضمنا کمیته مذاکراتی پیرامون فرم مبادله اخبار

بعمل آورد و تصمیم گرفت بمنظور اخذ نتایج عملی لازم است که گزارشهای مبادله اخبار بنحوی مشروح و صریح تهیه گردد. دبیرخانه باید فرم گزارشات مبادله اخبار را تهیه و تقدیم کمیته هماهنگ کننده بنماید. پیرو این تصمیم کمیته، دبیرخانه فرم مورد نظر را تهیه

کرده و آن را به اجلاسیه سی ام کمیته هماهنگ کننده تقدیم نمود.

(۳) کمیته فهرست عناصر اصلی خبر را مورد بررسی قرار داد و اصلاحات لازم را در آن منظور نمود.

(۴) ضمنا کمیته حوادث مهم کشورهای هدف را مورد بررسی قرار داد.

۲- سمینارها

الف - چهاردهمین سمینار سه جانبه از ۱۵ تا ۱۷ فوریه ۱۹۷۲ در آنکارا پیرامون موضوع تاکتیک های

تحقیقات عملیاتی برگزار شد. سمینار مورد نظر ثمربخش و مفید بود.

ب - پانزدهمین سمینار سه جانبه قرار است ظرف هفته آخر اوت یا هفته اول سپتامبر ۱۹۷۲ در تهران برگزار شود. بنابر روش معمول سرویس ایران سه موضوع در چهارچوب اطلاعات مثبت پیشنهاد کرده و بعد از اینکه موضوع سمینار مورد موافقت بقیه سرویسها قرار گرفت سرویس

میزبان شرحی پیرامون موضوع انتخاب شده تهیه کرده و آن را به منظور توزیع در میان

ص: ۲۳۳

۱- . این تاریخ احتمالاً اشتباه است. زیرا بیست و ششمین کنفرانس سه جانبه در اردیبهشت سال ۱۳۵۱ در فلسطین اشغالی برپا شده بود. بنابراین چگونه بیست و پنجمین شورای سه جانبه در ۸ تا ۱۱ نوامبر ۱۹۷۲م/آبان ۱۳۵۱ برگزار شده است؟

سرویس های سه جانبه در اختیار دبیرکل خواهد گذاشت. بدینوسیله مذاکرات معموله در چهارچوب معینی دنبال خواهد شد.

۳- گزارشهای مبادله اخبار

الف – پیرو تصمیم بیست و نهمین کمیته هماهنگ کننده دبیرخانه فرم مشترکی را به منظور تهیه گزارشات مبادله اخبار تهیه کرده و آن را به اجلاسیه سی ام کمیته هماهنگ کننده تقدیم نمود.

ب – دبیرخانه همچنین یک گزارش مبادله اخبار طبق روش قدیم تهیه کرد و بمنظور مطلع ساختن کمیته هماهنگ کننده از جریان مبادله اخبار و ایجاد مبنائی جهت مذاکرات در کمیته اطلاعات

گزارش مزبور را در اختیار کمیته های نامبرده گذاشت.

۴- دستور جلسه کنفرانس سه جانبه

دبیرخانه دستور جلسه بیست و ششمین شورای سه جانبه و اجلاسیه سی ام کمیته هماهنگ کننده و بیست و ششمین کمیته اطلاعات و امنیت را تهیه و تقدیم نموده است.

۵- اوضاع مالی

الف – گزارش اوضاع مالی دبیرخانه بضمیمه این گزارش تقدیم می گردد.

ب – از هریک از سرویسهای سه جانبه درخواست می شود که مبلغ ۲۵/۳۱۴ دلار به دبیرخانه پرداخت نمایند تا بودجه آن به منظور تأمین احتیاجات ششماه آینده به حد نصاب ۹۰۰ دلار

برسد.(۱)

اجلاس شورای سه جانبه سرویس های اطلاعاتی ایران، ترکیه و اسرائیل در اردیبهشت ماه سال ۱۳۵۱، گزارش مفصل و مبسوطی درباره اوضاع داخلی و خارجی کشورهای اسلامی و عربی منتشر نمود. این گزارش شامل اخبار و اطلاعاتی از یک دوره شش ماهه، پیرامون اوضاع داخلی و سیاست خارجی کشورهایی مثل عراق، اردن، سوریه، لبنان، کویت، امارات متحده عربی، بحرین (به خصوص گروه های معارض داخلی این کشور)، قطر، جمهوری عربی یمن، مصر، جمهوری دموکراتیک یمن، سودان و عربستان سعودی بود. متن گزارش مزبور به این شرح است:

عراق

اوضاع داخلی

۱- . گزارش ساواک، ۲۰ اردیبهشت ۱۳۵۱، بدون شماره، با طبقه بندی سری.

۱- رژیم بعثی عراق طی ۶ ماه اخیر توانست از طریق شدت عمل و اختناق به حکومت خود ادامه دهد و با گسترش نفوذ در ارتش و سازمانهای دولتی و اجتماعی خطر فعالیتهای براندازی را

کاهش دهد.

۲- اختلافات داخلی در کادر حزب بعث میان جناحهای نظامی و غیرنظامی کاهش یافت و جناح غیرنظامی برهبری صدام حسین تکریتی بنحو محسوسی قدرت را بدست گرفت.

۳- روابط میان دولت واکراد که به سبب عدم اجرای مواد موافقتنامه ۱۱ مارس روبه تیرگی می رفت

با دخالت و توصیه شوروی نسبتا بهبود یافته است.

۴- تلاش دولت در جهت تشکیل یک جبهه ملی با شرکت احزاب باصطلاح پیشرو همچنان ادامه یافت و دولت موفق شد نظر کمونیستها را با وعده و وعید جهت همکاری با بعث جلب نماید.

سیاست خارجی

۱- در این مدت دولت عراق سعی کرد با انجام مانورهای مختلف از انزوای سیاسی خارج شود و به همین جهت پس از استقرار نیروهای شاهنشاهی در جزایر دهانه تنگه هرمز دست به تبلیغات وسیعی تحت عنوان دفاع از عربیت خلیج فارس علیه ایران زد و تلاش نمود که دول عربی را در این زمینه با خود همگام نماید لیکن این تلاش و سپس پیشنهاد وحدت با مصر با شکست مواجه شد و دولت عراق کماکان در حال انزوای سیاسی باقی ماند.

۲- انعقاد قرارداد دوستی ۱۵ ساله میان شوروی و عراق که به موجب آن وابستگی همه جانبه عراق به شوروی تثبیت خواهد گردید بزرگترین تحولی بود که در روابط این کشور با شوروی حاصل شد و موجب می گردد که فعالیتهای نفوذی شوروی در منطقه خلیج فارس و منطقه خاورمیانه عربی از طریق پایگاه عراق بیش از پیش افزایش یابد.

انعقاد این قرارداد در حقیقت عکس العمل شکست رژیم عراق در تلاشهائی بوده است که بمنظور خروج از انزوای سیاسی معمول می داشت.

۳- ظرف این مدت روش خصمانه عراق نسبت به ایران پس از قطع روابط سیاسی از طریق تبلیغات - خرابکاری های مرزی و اخراج ایرانیان مقیم عراق بنهایت شدت رسید و روابط دو کشور را در آستانه بحران قرار داد.

اردن

اوضاع داخلی

۱– طی ششماه اخیر رژیم اردن بر اوضاع داخلی مسلط بوده و خطرات عمده ای از ناحیه سازمانهای فلسطینی رژیم را تهدید نکرد لکن فعالیتهای پراکنده سازمانهای فلسطینی بصورت مختلف خرابکاری در داخل و ترور افراد در خارج از اردن تجلی نمود.

دولت اردن با دریافت کمکهای مالی و نظامی بیشتر از امریکا توانسته است بطور نسبی بر مشکلات اقتصادی کشور فائق آید و با ادامه تسلط دولت بر اوضاع در حال حاضر رژیم اردن

با یک تهدید جدی روبرو نیست.

۲– با قتل وصفی التل در قاهره توسط عناصر فلسطینی رژیم اردن یکی از شخصیتهای مقتدر خود را از دست داد و بدنبال این واقعه احمد اللوزی توانست با ادامه راه نخست وزیر مقتول تسلط رژیم را بر اوضاع داخلی با استفاده از حمایت ارتش کماکان حفظ نماید.

سیاست خارجی

۱– اعلام طرح ملک حسین در مورد ایجاد حکومت متحده پادشاهی عرب مرکب از دو ساحل رودخانه اردن با مخالفت شدید مصر– عراق – لیبی و سوریه مواجه گردید و منجر به قطع روابط میان مصر و اردن گردید. ولی دولت مصر در اقدام خود از همگامی سایر دول در تأسی بوی محروم ماند.

۲– در روابط حسنه میان اردن و عربستان سعودی تغییری بوجود نیامد، کمک های مالی عربستان سعودی باین کشور همچنان ادامه یافت.

۳– ملک حسین در مسافرت خود بامریکا موفق به جلب کمکهای ارزنده ای از جهات تسلیحاتی و اقتصادی گردید و نتیجتا نگرانی رژیم را پس از قطع کمکهای مالی لیبی و کویت کاهش داد.

سوریه

اوضاع داخلی

۱– طی ۶ ماه اخیر اوضاع داخلی سوریه از یک آرامش نسبی برخوردار و دولت همچنان بر اوضاع

مسلط بود. رژیم بعثی سوریه به منظور جلب همکاری سایر دستجات سیاسی نظیر– کمونیستها و سوسیالیستها جبهه ای بنام «جبهه ملی پیشرو» تشکیل داده و بدینترتیب فعالیتهای این

دستجات زیر نظر دولت قرار گرفته است.

۲– در تغییرات کابینه حافظ اسد موفق شد سرلشگر مصطفی طلاس (رئیس سابق ستاد ارتش) را وارد

کابینه نموده (به سمت وزیر دفاع) و سرتیپ یوسف شکور یکی از افراد مورد اعتماد خود را بریاست ستاد ارتش منصوب نماید و به این طریق توانست قدرت عملی مصطفی طلاس را که اختلافاتی با وی دارد در ارتش کاهش دهد.

سیاست خارجی

۱- در چهارچوب اتحاد جماهیر عرب دولت سوریه روابط خود را با دو عضو دیگر اتحاد به حال عادی حفظ نموده است.

۲- در روابط سوریه با کشورهای میانه رو عرب نظیر عربستان سعودی و کویت بهبودی حاصل گردیده است. مسافرت وزیر دفاع عربستان سعودی به دمشق و بازدید حافظ اسد از کویت قرائنی در این زمینه محسوب می گردد.

۳- روابط سوریه با شوروی و بلوك شرق همچنان حسنه بوده و کمکهای نظامی شوروی باین کشور کماکان ادامه داشته است.

۴- دولت سوریه که در اواسط تابستان سال گذشته بمنظور اعتراض به روش دولت اردن نسبت به فلسطینیها(۱) روابط خود را با آن کشور قطع و مرزهای خود را با اردن بسته بود در اواخر اسفند ماه موافقت نمود که مجددا محصول فسفات اردن از طریق سوریه به خارج صادر گردد.

لبنان

اوضاع داخلی

۱- در مدت تحت بررسی[،] اوضاع داخلی لبنان با عدم آرامش نسبی مواجه بوده است. حملات سازمانهای فلسطینی از خاك لبنان باسرائیل و همچنین حملات تلافی جویانه نیروهای اسرائیل

به جنوب لبنان موجب شد تظاهراتی له و علیه آزادی فعالیت فلسطینیها در لبنان برپا گردد.

۲- انتخابات لبنان نیز مسئله ای بود که به ناآرامی اوضاع داخلی کمك کرد و برخورد دستجات

مختلف در پاره ای موارد منجر به جرح و قتل افراد شد نتایج انتخابات نشان می دهد که در

مجلس آینده تغییرات مهمی از لحاظ موازنه قدرت میان گروههای سیاسی نسبت به گذشته حاصل نگردیده و گروههای دست راستی کماکان اکثریت را در دست دارند.

سیاست خارجی

۱- روابط لبنان با کشورهای میانه رو عرب همچنان حسنه بود و مقامات این کشور کوشیدند که

۱- . منظور فاجعه کشتار فلسطینیان از سوی ارتش اردن در سال ۱۹۷۰م، معروف به «سپتامبر سیاه» است.

مناسبات خود را با سوریه نیز بهبود بخشند و با دو عضو دیگر اتحاد جماهیر عرب نیز روابط حسنه خود را حفظ نمودند.

۲- در چهارچوب سیاست خارجی دولت لبنان همچنان از خط مشی تمایل به غرب پیروی کرد در حالی که روابطش با کشورهای بلوک شرق کماکان حسنه بود و باین ترتیب دولت لبنان سعی می کند همچنان موازنه سیاست خود را میان دو بلوک جهانی حفظ نماید.

کویت

اوضاع داخلی

۱- اوضاع داخلی کویت طی ۶ ماه اخیر با آرامش نسبی مواجه بود و گذشته از انفجارهای کوچکی

در تأسیسات نفتی آن کشور واقعه مهمی که مخل امنیت داخلی باشد مشاهده نشد.

۲- گروه ملی در مجلس کویت که می رفت نقش فعالی را بعهده گیرد با اقدام بموقع دولت از طریق

تطمیع و تهدید اعضای آن نتوانست موفقیتی کسب نماید.

بطور کلی دولت کویت با دادن آزادی نسبی به فعالیتهای گروههای سیاسی کوشیده است که از فعالیتهای حاد و زیرزمینی آنان علیه رژیم جلوگیری نماید.

سیاست خارجی

۱- در این مدت دولت کویت کوشش نمود که به خط مشی اصلی سیاسی خود یعنی موازنه میان قدرتهای افراطی و میانه رو جهان عرب ادامه دهد. در این زمینه در حالی که در مقابل استقرار

واحدهای مسلح شاهنشاهی ایران در جزایر دهانه تنگه هرمز ظاهرا عکس العمل شدیدی نشان داد لکن باقدامی که موجب تشدید تیرگی روابط با ایران باشد دست نزد.

۲- دولت کویت برای تحکیم موقع خود در قبال رژیم بعثی عراق سعی کرد بسوی قدرتهای رقیب بعث در جهان عرب بویژه مصر و سوریه روی آورد. مسافرت انورالسادات و حافظ اسد به کویت نمونه ای از این سیاست بوده است.

کویت می کوشد با استفاده از جلب دوستی سوریه و مصر بعنوان قدرتهای تعدیل کننده در برابر بعث عراق استفاده نماید.

۳- روابط کویت با شوروی و سایر دول کمونیستی در سطح فعلی همچنان عادی باقی ماند لکن همکاریهای اقتصادی میان کویت و این کشورها رونق بیشتری گرفت از آن جمله چین مقادیری

کود شیمیایی از کویت خریداری نمود.

امارات خلیج فارس

الف - امارات متحده عرب

اوضاع داخلی

۱- مهمترین رویداد سیاسی این منطقه اعلام موجودیت اتحادیه ای مرکب از شش امارات بود که

حاکم ابوظبی نقش فعالی را در تحقق آن عهده دار است.

از جمله اولین اقدامات دولت تشکیل کابینه تدوین قانون اساسی و تشکیل مجلس ملی بوده است.

۲- رأس الخیمه که در ابتدا بعلت مخالفت با امتیازات ویژه دوبی و ابوظبی (حق وتو) و عدم

موفقیت در دریافت سهم مخصوصی از عواید نفت امارات ثروتمند عضویت اتحادیه را نپذیرفته بود با استقرار نیروهای شاهنشاهی در جزایر تنب[،] شرط الحاق خود را به اتحادیه[،] اخراج ایرانیان و قطع روابط سیاسی و اقتصادی امارات با ایران اعلام داشت و بدنبال آن سعی کرد از طریق انجام کودتائی در شارجه به آرزوی قدیمی خود که وحدت سرزمین شارجه و رأس الخیمه می باشد جامه عمل پوشاند و اگرچه در این راه از پشتیبانی و حمایت عراق برخوردار بود لکن موفقیتی کسب ننمود و درنتیجه با صرفنظر کردن از شرایط قبلی خود بعضویت اتحادیه درآمد.

سیاست خارجی

۱- عربستان بسبب اختلافاتی که بر سر واحه بریمی و منطقه الزراره واقع در جنوب ابوظبی با این شیخ نشین دارد از شناسائی امارات متحده عرب خودداری نموده است زیرا برای عربستان سعودی تحمل ابوظبی مقتدری که رهبری سایر امارات را بعهده داشته باشد دشوار می باشد روی همین اصل کوشش می کند که با نزدیکی به بحرین و عمان و قطر جبهه ای در برابر امارات

متحده عرب تشکیل دهد.

۲- حل مسئله رأس الخیمه بدولت امارات متحده عرب فرصت داد تا در جلب حمایت دول عربی اقدام نماید به همین منظور شیخ زاید مسافرتی به لیبی و سودان و سوریه نمود.

۳- بدنبال تشکیل اتحاد امارات هیئتی از شوروی از آن کشور دیدن کرد و هر دو کشور موافقت خود را با استقرار روابط سیاسی اعلام داشتند. این امر موجب نگرانی مقامات عربستان سعودی -

کویت و عده ای از حکام عضو اتحاد را فراهم ساخته و روی همین اساس دولت اتحاد با توجه

به حساسیت موضوع تاکنون در مقابل درخواستهای شوروی برای تبادل سفیر سکوت کرده است.

ب - بحرین

اوضاع داخلی

طی شش ماه گذشته اوضاع داخلی بحرین بعلت اعتصابات و تظاهرات کارگران ناآرام بود. علت این اعتصابات عدم تدوین قانون اساسی - پایین بودن دستمزدها و بالا بودن سطح قیمتها

بوده است و جبهه ملی با شعار تشکیل سندیکای کارگران در این تظاهرات شرکت داشت. دولت بحرین سرانجام با دادن وعده و استفاده از نیروهای انتظامی توانست از توسعه دامنه

تظاهرات جلوگیری و سرانجام آن را آرام نماید.

سیاست خارجی

روابط بحرین و کویت همچنان حسنه بود و خلبانان کویتی اجازه یافتند که از پایگاه هوائی محرق بمنظورهای آموزشی استفاده نمایند.

روابط بحرین با عربستان سعودی و مصر نیز از کیفیت دوستانه ای برخوردار است ولی روابط بحرین با دولت عراق بسبب حمایتی که رژیم بعثی عراق از گروههای برانداز و بعثیهای بحرینی معمول می دارد با سردی مواجه بود و کشف اسلحه قاچاق در جامه دان مستشار سفارت

عراق در بحرین نگرانی مقامات بحرینی را از فعالیت آن کشور افزایش داده است.

پ - فعالیت گروههای برانداز در ششماه

۱- در مدت تحت بررسی[،] گروههای برانداز به بالا بردن آمادگی خود برای انجام فعالیتهای وسیع در آینده ادامه دادند. دو گروه فعال و دست چپی عمانی یعنی «جبهه آزادیبخش خلق خلیج عربی اشغال شده» و «جبهه آزادیبخش دمکراتیک ملی عمان و خلیج عربی» در فوریه ۱۹۷۲ با

یکدیگر ائتلاف نمودند و جبهه واحدی بنام «جبهه آزادیبخش خلق عمان و خلیج عربی» تشکیل دادند. این ائتلاف را می توان در شرایط فعلی در فعالیتهای آنها مؤثر دانست زیرا از اواخر ۱۹۷۰ تماسها و همکاریهائی میان دو جبهه وجود داشته است.

۲- فعالیتهای جبهه آزادیبخش خلق خلیج عربی اشغال شده در امارات خلیج فارس در جهت تثبیت

موقع نفوذی در نیروهای مسلح و پلیس امارات متمرکز بوده است.

۳- بنظر می رسد که در شاخه های جبهه در منطقه امارات گروهی تحت رهبری عثمان عمر مبارک

ص: ۲۴۰

بوجود آمده باشد. که گفته می شود این گروه روابط خود را با عراق و جمهوری دمکراتیک خلق یمن مستقلاً حفظ نموده است.

۴- دولت عراق همچنان به آماده ساختن عناصر وابسته به گروههای برانداز منطقه بویژه حزب کار

عرب ادامه داده و در زمینه گسترش شبکه های حزب بعث در سراسر منطقه فعالیت محسوسی داشته است.

۵- جبهه آزادیبخش ملی در بحرین که خواهان تشکیل سازمان سندیکائی کارگران است در تظاهرات و اعتصابات ۷ مارس ۱۹۷۲ احتمالاً بطور فعالانه شرکت داشته و حمل شعارهائی در

زمینه تشکیل اتحادیه کارگران از طرف اعتصاب کنندگان قرینه ای بر این امر است.

قطر در ششماه اخیر

اوضاع داخلی

در چهارچوب اوضاع داخلی قطر مهمترین مسئله پس از اعلام استقلال آن شیخ نشین علنی شدن اختلافات خانوادگی میان اعضاء هیئت حاکمه قطر بود و شیخ خلیفه ولیعهد قطر خود را وارث حقی می دانست که در سال ۱۹۶۰ از وی سلب شده بود در فوریه ۱۹۷۲ با استفاده از غیبت امیر قطر با یک کودتای بدون خونریزی قدرت را بدست گرفت و دست باقدامات تحبیب آمیز از قبیل اضافه کردن ۲۰ درصد بحقوق کارمندان دولت و افراد ارتش زده و همچنین

فرمانده و رئیس انگلیسی پلیس را از کار برکنار کرد و فرزندش را بوزارت دفاع منصوب نمود.

اکنون نیز بر اوضاع مسلط می باشد.

سیاست خارجی

۱- روابط قطر بدنبال کودتا با دوبی رو بسردی رفت و علت این سردی روابط وابستگی خانوادگی

امیر مخلوع قطر با حاکم دوبی می باشد.

۲- بدنبال کودتا در قطر مقامات عربستان سعودی با استقرار واحدهائی در مرز خود با قطر تلویحا

قصد خود را به حمایت از رژیم شیخ خلیفه در برابر تحریکات احتمالی شیخ دوبی و امیر مخلوع نشان داده اند و ملک فیصل طی پیامی که برای شیخ خلیفه امیر جدید قطر ارسال داشت اشاره نمود که چنانچه اقدامی علیه این کشور از طرف سایر کشورها صورت گیرد عربستان سعودی ناچار از مداخله نظامی خواهد شد.

جمهوری عربی یمن در ۶ ماه

اوضاع داخلی

۱- بدنبال سقوط کابینه حسن العمری مجددا محسن العینی دولت جدیدی تشکیل داد و در طول این مدت مشکلات گذشته نظیر:

۱- بحران اقتصادی ناشی از کسر بودجه

۲- قروض خارجی

۳- اختلاف دولت یمن با عشایر موافق و مخالف

همچنان در برابر کابینه محسن العینی نیز قرار داشته است.

سیاست خارجی

۱- روابط سیاسی این کشور با دول میانه رو عرب همچنان حسنه بوده است.

۲- مناسبات این کشور با جمهوری دموکراتیک خلق یمن بشدت تیره شد و در آستانه بحران قرار

گرفت و تا جائیکه هر دو کشور به استقرار نیروهای خود در مرز مشترک اقدام نمودند. علت

عمده این تیرگی فعالیت جبهه وحدت ملی (مخالف رژیم عدن) که از جانب عربستان سعودی حمایت می شود بوده است.

۳- تیرگی روابط این کشور با شوروی بدنبال مسافرت هیئت یمنی بریاست قاضی الایریانی جای خود را به روابط بهتری داد و از طرف شوروی نیز قول اعطای کمکهای اقتصادی به دولت یمن داده شد.

مصر

اوضاع داخلی

۱- در ۶ ماه گذشته اوضاع داخلی مصر مواجه با ناآرامیهای نسبی بوده است و این امر ناشی از

اعتصابات کارگران کارخانجات حلوان و دانشجویان بوده است و ادامه روش نه صلح و نه جنگ موجب افزایش نارضائیهائی در ارتش و گروههای سیاسی گردید.

۲- بدنبال تصویب قانون اساسی جدید و افزایش اختیارات ریاست جمهوری و همچنین تشکیل دولت جدید بریاست دکتر

عزیز صدقی[،]انورالسادات توانست در تصـفیه مخالفان خود از سازمانهای اداری و حزب اتحاد سوسیالیست عرب گام مؤثری بردارد یکی از هـدفهای کابینه دکتر عزیز صدقی بهبود شـرایط اقتصادی بوده است ولی با توجه به افزایش انتقادات از سیاسـت اقتصادی وی می توان گفت که این کابینه در وصول به هدفهای خود کامیاب نبوده است و به

ص: ۲۴۲

همین دلیل شایعاتی در مورد کنار رفتن عزیز صدقی شنیده شده است.

سیاست خارجی

۱- در مدت تحت بررسی روابط مصر با عربستان سعودی همچنان حسنه بوده است و کوششهائی در جهت بهبود روابط با الجزایر از طرف مقامات نامبرده بعمل آمده است. بطور کلی روابط

مصر با کشورهای میانه روی عرب نظیر عربستان سعودی و کویت از بهبودی محسوسی برخوردار بوده است.

۲- روابط مصر با عراق حالت سردی خود را حفظ نمود. دولت عراق کوشیده است با پیشنهاد وحدت با مصر و همچنین پرداخت مبلغی به مصر به عنوان آمادگی جهت جنگ اعراب و اسرائیل تمایل خود را به بهبود روابط فیمابین نشان دهد.

۳- در چهارچوب اتحاد جماهیر عرب مصر همچنان حالت رهبری خود را حفظ نمود ولی دول عضو تکروی هائی در روشهای سیاسی خود نشان داده اند که با توجه به تضاد موجود در زیربنای سیاسی کشورهای عضو اتحاد یک نتیجه طبیعی بشمار می رود که نمونه های آن عدم هماهنگی سه کشور در برابر اردن - عراق و بحران خاورمیانه عربی بوده است.

۴- شوروی و مصر همچنان روابط ظاهرا حسنه خود را حفظ نموده اند ولی انورالسادات نتوانست که آن کشور را به حمایت جدی تری از اعراب بویژه مصر در برابر اسرائیل وادار سازد. تنها

موفقیتی که می توان در این زمینه به حساب دولت مصر گذارد لحن اعلامیه مشترک صادره در

پایان دیدار انورالسادات از مسکو بود ولی هنوز درباره نتیجه این موفقیت و بویژه تسلیح مصر از طرف شوروی با سلاحهای تهاجمی نمی توان اظهار نظر کرد.

جمهوری دموکراتیک خلق یمن

اوضاع داخلی

۱- طی ۶ ماه در وضع داخلی این کشور تغییر عمده ای بوجود نیامده است و مبارزه بر سر کسب

قدرت همچنان بین گروه عبدالوهاب اسمعیل طرفدار شوروی و گروه سالم ربیع علی طرفدار پکن ادامه یافت. گروه سالم ربیع علی طی این مدت همچنان از موقعیت بهتری در جبهه ملی (حزب

حاکم) برخوردار بوده است.

۲- در سطح فعالیت گروههای شورشی که از جانب عربستان سعودی حمایت می شوند و دارای پایگاههائی در جمهوری یمن می باشند کاهش محسوسی حاصل گردیده و علت این امر

ضربات مؤثری بوده که از جانب نیروهای ارتش جمهوری خلق یمن بر آنان وارد شده است.

سیاست خارجی

۱- روابط حکومت عدن با عربستان سعودی و جمهوری خلق یمن طی این مدت تیره بوده و در مقابل مناسبات این کشور با عراق از بهبودی قابل ملاحظه ای برخوردار بوده است. تعلیم

خلبانان این کشور در عراق - اعزام آموزگاران و کارشناسان نظامی عراقی به عدن نمونه هائی از نحوه روابط دو کشور بوده است.

۲- روابط رژیم عدن بعلت تمایلات دست چپی آن با بلوک شرق بویژه شوروی و چین حسنه بوده و

از طرف کشورهای بلوک شرق کمکهای نظامی دریافت نموده است.

سودان در ۶ ماه

اوضاع داخلی

۱- مهمترین مسئله در اوضاع داخلی سودان توافق دولت مرکزی با شورشیان جنوب آن کشور بود.

این امر اگرچه دولت سودان را از یک قسمت از مشکلات داخلی رهائی داد لکن در مقابل به

سبب دو دستگی هائی در هیئت رهبری کشور گردید و سرلشگر خالد حسین عباس وزیر دفاع بعلت همین اختلافات از سمت خود کناره گیری کرد و به قاهره رفت.

۲- دولت سودان با غیرقانونی اعلام داشتن کلیه احزاب سیاسی و تحبیب عناصر دست راستی زمینه

را برای تشکیل حزب اتحاد سوسیالیست سودان فراهم ساخت که تشکیلات آن نظیر اتحاد سوسیالیست عرب مصر می باشد. هدف از این اقدام در کنترل گرفتن فعالیتهای سیاسی در کشور بوده است.

سیاست خارجی

۱- روابط سودان و اتحاد جماهیر عرب نسبتا حسنه بوده است و با وجود آنکه جعفر نمیری قبلاً اعلام داشته بود که در اواخر سال ۱۹۷۱ به اتحاد جماهیر عرب خواهد پیوست لکن تاکنون نه

تنها این تصمیم خود را عملی نکرده بلکه در مقابل آن سکوت نموده است.

۲- روابط سودان با کشورهای میانه روی عرب بهبود یافت و در مقدمه آن می توان توسعه روابط با عربستان سعودی - کویت

و دولت امارات متحده عرب را نام برد.

۳- روابط سودان با بلوک شرق در کیفیت گذشته خود همچنان ادامه یافت و تنها تحول حاصله توسعه مناسبات با رومانی است که نمونه آن مسافرت رئیس جمهوری رومانی به خرطوم

ص: ۲۴۴

[خارطوم] و موافقت با پرداخت ۷۵ میلیون دلار کمک اقتصادی به سودان می باشد.

عربستان سعودی

اوضاع داخلی

۱- اختلافات و رقابت های افراد خانواده سلطنتی برای جانشینی ملک فیصل همچنان در خفا ادامه داشته ولی تأثیری در اوضاع داخلی بر جای نگذارده است.

سیاست خارجی

۱- مناسبات عربستان سعودی با بلوک غرب همچنان حسنه است و روابط این کشور با مصر و سودان و سوریه همچنان در کیفیت دوستانه باقی ماند ولی مناسبات عربستان سعودی با عراق و جمهوری عربی یمن تیره است.

۲- با مسافرت سلطان عمان به ریاض روابط طرفین بهبودی بیشتری یافته ولی بعلت اختلافات ارضی با ابوظبی بر سر دوحه بوریمی و منطقه الزراره واقع در جنوب این امارات از شناسائی

اتحاد امارات خودداری نموده است.(۱)

همچنین، در سال ۱۳۵۱، پانزدهمین سمینار سه جانبه اطلاعاتی و نیز بیست و هفتمین کنفرانس یا شورای سه جانبه در تهران برگزار شد. در نشست اخیر، تیمسار معتضد رئیس

سازمان اطلاعات خارجی ایران، ضمن شرکت در شورای معاونان سرویس های سه گانه، سخنانی درباره اوضاع منطقه و پاره ای کشورهای عربی و نیز نفوذ شوروی در خاورمیانه و

حتی سومالی، ارایه کرد. متن گزارش ساواک در این باره چنین است:

نطق دورافق تیمسار ریاست سازمان اطلاعات خارجی در شورای معاونان سرویسهای سه گانه

همکاران محترم، بسیار خوشوقتم که فرصتی فراهم شده است یکبار دیگر همکاران عزیز را ملاقات نموده و پیرامون مسائل مهم منطقه گفتگو و تبادل نظر نمایم.

اکنون که گردهم آمده ایم با آنکه جهان عرب پس از پایان یافتن درگیری امریکا در ویتنام در انتظار ابتکار جدیدی برای حل بحران خاورمیانه از جانب این کشور می باشد بحران در این

منطقه همچنان بعنوان یک کانون خطر جلب توجه می نماید. در چنین شرایطی مصر تلاش می کند که با مستحکم نمودن موقعیت رهبری خویش در دنیای عرب [(]موقعیتی که البته نسبت به گذشته بسیار تغییر کرده[)] بتواند با استفاده از قدرت کلی

اعراب برای رسیدن به صلحی که

ص: ۲۴۵

۱- . گزارش ساواک، اردیبهشت ۱۳۵۱، بدون شماره، با طبقه بندی سری.

متضمن منافع کشورهای عربی باشد از موضع قدرت با امریکا وارد گفتگو شود.

تشکیل فرماندهی مشترک نظامی کشورهای عربی اگرچه اثر فوری و قابل توجهی در تقویت قدرت جنگی اعراب نخواهد داشت ولی موجبات نزدیکی اردن را به مصر و سوریه فراهم آورده است و همچنین این امر که نمایشی از جنگ طلبی رژیم سادات محسوب می شود برای دولت مصر زمینه مساعدی جهت تخفیف فشارهای داخلی که نتیجه ادامه حالت نه جنگ و نه صلح است بوجود می آورد.

مسئله مهم دیگری که به موازات بحران خاورمیانه جلب توجه می کند فعالیتهای نفوذی شوروی در منطقه است.

دولت شوروی در حالیکه هنوز از تلاش بمنظور تجدید موقعیت نفوذی خود در مصر منصرف نشده به کوشش و تلاش برای تحکیم موقع خویش در عراق و سوریه افزوده و موفقیتهائی نیز

در جهت وابستگی این کشورها به خود بدست آورده است. بدین معنی که شوروی توانسته است با اعزام کارشناسان نظامی و فنی بعراق در زمینه آموزشهای نظامی و همکاری در بهره برداری از نفت رمیله و منطقه ملی شده کرکوک در دو رکن اساسی عراق یعنی ارتش و صنعت نفت این کشور به میزان بیشتری رخنه نماید.

در سوریه نیز شاهد اعطای کمکهای قابل توجه نظامی و اعزام کارشناسان جدید از طرف شوروی هستیم که خود مبین افزایش تلاش نفوذی شوروی در این کشور و در سواحل مدیترانه می باشد.

در ترسیم موقع نفوذی شوروی در خاورمیانه بایستی به فعالیتهای این کشور در جنوب غربی شبه جزیره عربستان نیز توجه نمود. شوروی با نفوذ در جمهوری دموکراتیک خلق یمن ضمن حمایت از جنبشهای افراطی و گروههای براندار علاوه بر اینکه در صدد کسب نفوذ در دهانه

خلیج فارس می باشد از این کشور بعنوان پایگاهی برای حمایت از جنبشهای مخرب در شرق افریقا (مانند جبهه آزادیبخش اریتره) نیز استفاده می کند تا زمینه را برای تحقق مقاصد اصلی خویش در غرب اقیانوس هند یعنی تسلط بر سواحل شرقی افریقا عملی نماید.

در حال حاضر در منطقه حساس بحر احمر و شرق افریقا شاهد یک رقابت نفوذی بین چین و شوروی هستیم. چین با استفاده از شکست شوروی در سودان گامهای مؤثری در جهت توسعه نفوذ خود در این کشور برداشته است و در حال حاضر در حدود یکهزار کارشناس چینی در

طرحهـای عمرانی سودان مشـغول بکـار هسـتند و علاـوه بر آن چین تـأمین هزینه برخی از این طرحهـا را که بـالغ بر چهل و دو میلیون لیره استرلینـگ می باشـد بعهـده گرفته است. بعلاـوه رژه تانکهـا و هواپیماهای ساخت چین در سالروز اسـتقلال سودان نمایانگر آنست که این کشور از

طرف چین با تجهیزات فنی نظامی مجهز گردیده است.

در سومالی که بعلت موقعیت استراتژیک آن در اقیانوس هند پایگاه مهمی بشـمار می رود شورویها با توجه به هدفهائی که در شرق افریقا تا اقیانوس هند دارند تلاش پیگیری جهت

توسـعه نفوذ خود بعمـل می آورنـد بطوری که در حال حاضـر ارتش این کشور از نظر اسـلحه - کارشـناس و تجهیزات نظامی بطور کامل تحت تسـلط شوروی است. فعالیت قابل توجه شوروی در توسعه بنادر سومالی ماهیت هدفهای این کشور را بخوبی نشـان می دهـد. این حقیقت که قایقهـای مـاهیگیری شـوروی بـا تجهیزات کاملاًـ مـدرن را می تـوان بعنـوان عامـل مـؤثری در پشتیبانی

قـدرت ناوگان شوروی در اقیانوس هنـد بحساب آورد تلاش شوروی را در توسـعه تسـهیلات بندری سومالی توجیه می کند و علاوه بر این باید توجه داشت که شوروی از سومالی بعنوان

پایگاهی جهت کمک به عناصر برانداز جبهه آزادیبخش اریتره استفاده می نماید.

آقایـان[!] تصویری که به سـبب احتراز از طولاـنی شـدن کلام بطور کلی ترسـیم گردیـد ما را متوجه خطر نفوذ بلوک شـرق و عوامل تهدید کننده دیگر برای ثبات و امنیت خاورمیانه و بحر احمر

می نماید و اطمینان دارم که همکاری سه سرویس برای بررسی تاکتیکهای نفوذی این کشورها

می توانـد اثرات ثمربخشـی در جهت پیش بینی خطرات و تعیین راههـای جلوگیری از آن و بعبـارت بهتر تـأمین آرامش منطقه داشته باشد.(۱)

همـان گونه که پیش از این اشـاره شـد، همکـاری سـرویس هـای اطلاعاتی ترکیه، اسـرائیل و ایران شاهنشاهی، در زمینه تبادل گزارش های اطلاعاتی، در کنار دیگر فعالیت ها، همواره

ادامه داشت. در گزارش بخش تبادل اطلاعات ساواک، در سال ۱۳۵۲، آمده است:

کنفرانس سه جانبه

گزارش

منظور: استحضار تیمسار مدیریت کل

در اجرای اوامر نسبت به مطالعه و بررسی میزان پوشانیده شدن، عناصر اصلی خبر وسیله سه

۱- . گزارش ساواک، مورخ ۲۳/۱۱/۱۳۵۱، بدون شماره، با طبقه بندی سری.

سرویس همکار (ایران - اسرائیل و ترکیه) اقدام گردید و نتیجه بشرح زیر بعرض می رسد:

۱- گزارشهای ارسالی ساواک بدو سرویس:

۴۵ درصد از اطلاعات ارسالی ساواک بدو سرویس اسرائیل و ترکیه کاملاً با عناصر اصلی خبر منطبق بوده و سایر گزارشها قابل توجه و مهم تشخیص داده شده است.

۲- گزارشهای ارسالی سرویس ترکیه به ساواک:

در این مدت فقط سه گزارش به ساواک و اصل شده است که دوتای آنها از منابع آشکار و سومی در مورد ذخائر نفتی کرکوک بوده است که تا حدودی با عناصر اصلی خبر انطباق داشته

است.

۳- گزارشهای ارسالی سرویس اسرائیل به ساواک:

۴۰ درصد از اطلاعات ارسالی این سرویس به ساواک کاملاً منطبق با عناصر اصلی خبر بوده و بطور کلی گزارشهای این سرویس مفید و قابل بهره برداری می باشد.

ضمنا در مورد تغییر عناصر اصلی خبر پیشنهادی ارائه نمی گردد.

بخش تبادل اطلاعات - ایوب غمامی(۱)

در گزارشی که از سوی کمیته اطلاعات سه جانبه به شورای سه جانبه (احتمالاً سال ۱۳۵۱) ارایه شده، ضمن ابراز نگرانی در خصوص حضور و نفوذ شوروی در بعضی کشورهای عربی، به دسته بندی های سیاسی جهان عرب اشاره گردیده است. در این گزارش، اخبار و تحولات داخلی و روابط خارجی کشورهایی چون عراق، سوریه، مصر، لیبی، جمهوری دمکراتیک خلق یمن و نیز سازمان آزادی بخش فلسطین (ساف) مورد بررسی قرار گرفته است. در خاتمه گزارش، تحت عنوان؛ نتیجه گیری و پیشنهاد، اهداف شوروی در زمینه پیشگیری از بسط نفوذ آمریکا و چین و نیز حمایت کرملین از بعضی گروه های سیاسی در کشورهای عربی مورد اشاره قرار گرفته است. گزارش مورد نظر، طبق روایت اسناد ساواک به این شرح است:

خلاصه اهم نکات گزارش کمیته اطلاعات

به شورای سه جانبه

نفوذ شوروی و کشورهای کمونیست در دول عربی

۱- . گزارش ساواک، مورخ ۱/۶/۱۳۵۲، بدون شماره، با طبقه بندی سری.

– در سیاست دوربرد شوروی مبنی بر توسعه و تقویت جاپاهای نفوذی در منطقه تغییری حاصل نشده است.

– شورویها برای توسعه نفوذ خود از طریق اعطای کمکهای نظامی و اقتصادی و بهره برداری از

اختلافات محلی و همچنین خرابکاری از طریق کشورهای ملهم از کمونیزم فعالیت می نماید.

– تقدم هدفهای شوروی بر مبنای سیاست دوربرد و طرح ریزیهای استراتژیکی، جغرافیائی قرار

دارد.

– مسائل اروپا– تشنج زدائی با آمریکا و روابط با جمهوری خلق چین بر مسائل خاورمیانه پیشی

گرفته است.

– ادامه حالت نه جنگ و نه صلح در منطقه خاورمیانه که شورویها خواهان آن هستند به توسعه نفوذ مسکو در منطقه کمک می کند.

– اگرچه پاره ای از رهبران کشورهای عربی متوجه شده اند که اسلحه شوروی موجب استقرار صلح

در منطقه نمی شود ولی ارسال تجهیزات نظامی از جانب شوروی به کشورهای عربی هنوز در توسعه آن کشور در منطقه مؤثر است.

– در حال حاضر پاره ای از رهبران کشورهای عربی می کوشند که از روابط فعلی خود با دو ابرقدرت بهره برداری کنند. این امر به پایداری نفوذ شوروی در منطقه کمک می نماید.

– منافع شوروی در مناطق مجاور خاورمیانه به نسبت افزایش نیروی دریائی آن در اقیانوس هند زیاد شده و اینک شوروی بصورت یک قدرت دریائی بزرگ درآمده است.

– شوروی به توجه خود به عدن و بربرا و دیگر بنادر دریای سرخ و اقیانوس هند بعنوان جای پای اولیه ای برای توسعه نفوذ خود در منطقه ادامه داده است.

– روابط شوروی و سازمان آزادیبخش فلسطین به شوروی امکان می دهد که از وصول به یک راه حل سیاسی در منطقه جلوگیری شود.

– اختلافات اعراب و سازمان آزادیبخش فلسطین در جهت منافع شوروی قرار دارد با وجود اختلاف نظرهائی که بین مسکو و سازمان مذکور در مورد کنفرانس صلح ژنو به چشم می خورد

معهذا تفاهم کلی بین طرفین هنوز برقرار است.

- چینی ها همچنان به کوششهای خود برای بهره برداری از شکستهای شوروی به منظور نفوذ در منطقه بویژه شرق آفریقا ادامه داده ولی محدود بودن امکانات فعلی آن به این کشور اجازه

نمی دهد که جایگزین نفوذ شوروی گردد.

کشورهای عرب

– به نظر می رسد که بیش از هر وقت دیگر اعراب برای همبستگی و یا لااقل حصول توافق تمایل

نشان می دهند.

– نقش عربستان سعودی پس از مرگ فیصل همچنان ادامه یافته و اخیرا بومدین کوشش نموده بین

رهبران عرب میانجیگری نماید، معهذا اختلاف نظر و برخورد منافع مانع همبستگی اعراب شده

است.

– دسته بندی جهان عرب که زمانی در قالب محافظه کار– مترقی – چپ گرا و میانه رو شناخته شده بود تغییر نموده و بصورت جبهه های مخالفین و طرفداران راه حل سیاسی در مناقشه اعراب و اسرائیل درآمده است.

– دولت مصر با وجود گرفتاریهای سیاسی و اقتصادی تلاش می کند که با حفظ نقش اصلی خود در

میان اعراب امتیازاتی از اسرائیل بگیرد.

سادات واقف است که دانش و تکنولوژی و کمکهای اقتصادی غرب راه حل مشکلات داخلی او می باشد. ضمنا سادات امیدوار است ایالات متحده مساعی خود را برای پیدا کردن راه حل

سیاسی [(که شورویها قادر نیستند)] به کار خواهد برد.

– نیاز مصر به کمکهای اقتصادی کشورهای عربی صادر کننده نفت تا حدودی استقلال عمل سادات

را محدود می کند با وجود این مصر بعنوان مهمترین کشور عربی مورد توجه شوروی بوده و بعید بنظر می رسد روسها به آسانی از جای پای خود در این کشور صرفنظر نمایند. احتمال دارد روسها تلاش نمایند رژیم سادات را ساقط نمایند. با وجود اینکه عوامل چپی اغلب ملهم از

شوروی بودند بعید به نظر می رسید که شورویها مستقیما در تشکل تظاهراتی که دانشجویان،

کارگران و محصلین در طول سال گذشته برپا نموده بودند دخالت داشته باشند.

– تحریکات لیبی و فشاری که از طرف نیروهای مسلح مصر برای ایفای نقش بیشتری در سیاست مصر وجود دارد سادات را نگران ساخته است.

سوریه

- ثبات فعلی سوریه برای مدتی نسبتا طولانی حتمی است اما شاید رقابتهای موجود در درون حزب بعث تاحدودی آن را متزلزل کرده باشد.

ص: ۲۵۰

- با وجود گشایشی که در روابط سوریه و غرب بوجود آمده معهذا حافظ اسد برای تأمین سلاحهای مورد نیاز نیروهای مسلح سوریه متکی به شوروی می باشند.

عراق

- درآمد نفت و سازش با ایران این امکان را برای رهبران عراق فراهم نموده که راه تازه ای در پیش گیرند.

اختلاف عراق با سوریه ظاهرا بر سر آب رودخانه فرات است ولی در واقع ریشه های آنرا باید در رقابت ایندو کشور در بدست آوردن فرماندهی حزب بعث جستجو کرد.

- عراق در زمینه داخلی با مشکلاتی روبرو است از جمله مهمترین آن مسئله عشایر شیعه (که در منطقه فرات مرکزی اقامت دارند) و مسائل لاینحل اقتصادی و اجتماعی موجود می باشد.

- صدام حسین بعنوان یکنفر پراگماتیست می کوشد موقعیت خود را مستحکم کند. این امر ممکن است که در آینده او را دوباره به چپ گرائی بکشاند.

لیبی

- تحولات اخیر نشان داده است که اصول و عقاید مذهبی قذافی عاملی برای سد کردن تلاشهای

نفوذی شوروی نیست.

خرید اسلحه از شوروی به روسها اجازه خواهد داد که علیرغم کنترل شدید لیبی از طریق اعزام کارشناسان و کارمندان فنی و معلمین در این کشور نفوذ نمایند.

- وابستگی لیبی در زمینه نظامی به شوروی در آینده تشدید خواهد شد.

- رفتار رهبری لیبی همچنان غیرقابل پیش بینی است معهذا به نظر می رسد که اگر روابط لیبی با کشورهای عربی نزدیکتر شود از میزان وابستگی این کشور به شوروی کاسته خواهد شد.

جمهوری دمکراتیک خلق یمن

- سیاست افراطی و نظامی گرایانه یمن سبب تیرگی روابط یمن با همسایگانش را فراهم نموده

است، معهذا اخیرا تعدیلی در سیاست افراطی این کشور مشاهده می شود.

- وابستگی یمن به شوروی همچنان ادامه داشته و کمکهای مالی امارات عربی متحده و سایر کشورهای عربی (شاید بعلت ناچیز بودن آنها) تغییری در وضعیت یمن ایجاد نکرده است.

- این کشور به حمایت خود از شورشیان ظفار ادامه داده اما از شدت آن کاسته شده است.

سازمان آزادیبخش فلسطین

– موضوع نمایندگی سازمان آزادیبخش فلسطین در کنفرانس ژنو زمینه اختلافی بین شوروی – سوریه – اردن – مصر و سایر کشورهای عربی است.

بنظر می رسد وحدت فکری در داخل سازمان آزادیبخش فلسطین و گروهائی که از آن منشعب شده اند وجود ندارد و همین وضعیت در مسئله تشکیل دولت فلسطین در تبعید نیز به چشم می خورد. این امر یکی از موانع استقرار وضع در منطقه است.

نتیجه و پیشنهادات

بر اساس ارزیابی مطالب فوق نتایج زیر اخذ و پیشنهاداتی برای تبادل اطلاعات مطرح گردید:

– سرویسهای سه جانبه فعالیت های شوروی و بلوک شرق در خاورمیانه را بعنوان بخشی از تلاشهای شوروی در راه اجرای هدفهای استراتژیک جهانی در قالب سیاست جغرافیائی سیاسی می دانند.

– خاورمیانه که بعنوان پلی بر سر راه مدیترانه – اقیانوس هند و خاور دور قرار گرفته و اهمیت استراتژیکی و اقتصادی دارد پس از باز گشوده شدن آبراه سوئز اهمیت بیشتری پیدا خواهد

کرد.

– هدف شوروی این است که از نفوذ چین و ایالات متحده آمریکا و کشورهای اروپای غربی در این

منطقه جلوگیری نماید.

– با وجودیکه مصر از نظر نفوذی برای شوروی اهمیت دارد ولی تلاشهای این کشور در مصر با

شکست روبرو شد و موجب گردید که شوروی تلاشهای خود را متوجه سوریه – عراق – لیبی و سومالی و جمهوری دمکراتیک خلق یمن کند و از طرفی روابطش را با سازمان آزادیبخش فلسطین بهتر نماید.

– شورویها می کوشند با عربستان سعودی روابط سیاسی برقرار نمایند.

با توجه بمراتب فوق سرویسهای سه جانبه لازم می دانند که دائما سیاست جهانی را در ارتباط

با خاورمیانه و عواملی که در آن مؤثر است مورد مطالعه قرار دهند.

– طرح سیاسی گام به گام برای پیدا کردن راهی برای مسئله خاورمیانه به تعویق افتاده اما تمایل برای ادامه مذاکرات کیسینجر همچنان در میان کشورهای علاقمند ادامه دارد.

– اتحاد شوروی در آغاز یکی از جدی ترین طرفداران فکر از سر گرفته شدن کنفرانس ژنو بود اما در حال حاضر موافقت نموده قبل از تشکیل آن اقدامات دامنه دار دیگری انجام گیرد.

- روابط بین الاعراب از نقطه نظر پیدایش گرایشهای مخالف در درون اعراب و توانائی و هدفهای

کشورهای عربی باید مورد توجه قرار گیرد.

- اختلافات موجود بین حزب بعث سوریه، و عراق حائز اهمیت بوده و ممکن است به میزان چشمگیری تحولات منطقه را تحت تأثیر قرار دهد.

- روشهای افراطی سازمانهای فلسطینی که از تروریزم بین المللی حمایت می کنند باید بعنوان یک خطر جدی و جهانی مورد توجه قرار داد.

- احتمال دارد با بهبود روابط غرب و شوروی فعالیتهای براندازی در خاورمیانه شدت یابد.

گرایشهای احتمالی که باید مورد توجه قرار گیرد:

۱- نفوذ شوروی در لیبی - سومالی - سوریه و سایر کشورهای منطقه

۲- درگیری مستقیم و غیرمستقیم شوروی در حمایت از گروهها و سازمانهای برانداز در منطقه خلیج

فارس.

۳- فعالیتهای دریائی شوروی در دریای سرخ - اقیانوس هند و خلیج فارس خصوصا پس از گشایش آبراه سوئز.

با توجه به اهمیت بحرین بعنوان مرکزی برای فعالیت گروههای چپ گرا و استفاده از آن بعنوان

پل نفوذی شوروی در منطقه، سرویس ایران پیشنهاد نموده درباره بحرین برای جلسات آینده

کنفرانس گزارشی تهیه شود.

بخش تبادل اطلاعات، طی یک یادداشت اداری، در تاریخ ۲۴/۴/۱۳۵۴، خطاب به اداره های بررسی یکم، دوم و سوم، ضمن ارایه فهرست نیازمندی های اطلاعاتی سه جانبه، طی ۵۸ بند، مسایل مختلف منطقه را از مصر، سوریه، عراق، عربستان، یمن، کویت، شیخ نشین های خلیج فارس تا لیبی، سودان، سومالی و حتی گروه های فلسطینی مورد بحث و بررسی قرار داده است.

در این گزارش از نفوذ و فعالیت کشورهای کمونیستی، مثل شوروی، آلمان شرقی، چین، کوبا و... در جهان عرب اظهار نگرانی شده است.

بخش تبادل اطلاعات در این یادداشت تقاضا کرده است که فهرست و مفاد مندرج در گزارش برای کنفرانس سه جانبه آینده، که احتمالاً منظور، سی و یکمین شورای سه جانبه است، مورد بهره برداری قرار گیرد. در این گزارش چنین آمده است:

یادداشت اداری

چهار نسخه ترجمه فهرست نیازمندیهای اطلاعاتی سه جانبه به پیوست ارسال خواهشمند است دستور فرمائید این فهرست در تعیین میزان پوشش نیازمندیها وسیله سرویسهای (ت - ك) برای

کنفرانس سه جانبه آینده مورد استفاده قرار گیرد.

بخش تبادل اطلاعات

فهرست نیازمندیهای اطلاعاتی

الف - موضوعات بااهمیت

۱- فعالیتهای کشورهای عربی درباره خلیج فارس - مداخله سایر کشورها و کوشش آنها جهت رخنه در منطقه - فعالیتها و هماهنگیهای مشترك بلوك شرق و کمونیستهای محلی و سایر چپی ها جهت رخنه به منطقه.

۲- رخنه کمونیزم در خاورمیانه - فعالیتهای شوروی - آلمان شرقی چین کمونیست کوبا و سایر

کشورهای کمونیستی در جمهوری خلق دموکراتیک یمن[،] شیخ نشینهای خلیج فارس -

مصر- سوریه - عراق - سودان - لیبی - سومالی - توسعه کمکهای نظامی و اقتصادی به این کشورها و عواقب آن.

۳- حضور نظامی و دریائی شوروی و مقاصد این کشور و مناطق دریای مدیترانه دریای سرخ - خلیج عدن - خلیج فارس و اقیانوس هند- گسترش واحدهای نظامی - هوائی - دریائی و زمینی شوروی در این مناطق.

۴- تحولات داخلی در مصر- سوریه - عراق - سودان - جمهوری دموکراتیک خلق یمن - عربستان سعودی - لیبی و سایر کشورهای عربی با توجه خاص به نهضت های کمونیستی و یا چپ جدید و سازمانهای زیرزمینی.

۵- همکاری بین سازمانهای اخلالگر فلسطینی و سازمانها و نهضت های مشابه و همچنین با دولتهای کشورهای دنیا و با یکدیگر و سایر سازمانهای اخلالگر و افراطی که در کشورهای

ایران و ترکیه فعالیت می کنند.

۶- فعالیتهای سیاسی در خاورمیانه جهت کوشش دریافتن راه حل برای اختلافات اسرائیل و اعراب با توجه به طرح تشکیل مجدد کنفرانس ژنو.

۷- تجدید سازمان نظامی - گسترش نیروها و تجدید سلاح کشورهای عربی بخصوص مصر-

سوریه – اردن و عراق.

۸– نیازمندیهای اطلاعات نظامی درباره کشورهای عربی – قدرت – ترکیب لجستیک – سلاح پیچیده و مدرن و غیره.

ب – امور بین الاعراب

۹– فعالیتها و همکاریهای مشترک کشورهای عربی جهت تشکیل جبهه شرق.

۱۰– الف – نهضت های اخلالگرانه مخالف در دنیای عرب و فعالیتهای آنها علیه رژیم های معتدل

در منطقه مانند عربستان سعودی – اردن – لبنان و عمان.

ب – سیاست اعراب نسبت به سازمانهای فلسطینی و سایر نهضت های اخلالگرانه و فعالیت آنها علیه کشورهای ایران و اسرائیل و ترکیه و بخصوص خلیج فارس بعنوان یک پایگاه و منطقه عبور و ترانزیت جهت انجام این فعالیتها.

پ – فعالیتهای سیاسی سازمانهای فلسطینی در آینده نزدیک بخصوص با توجه به تشکیل مجدد کنفرانس ژنو– روش سازمان آزادیبخش فلسطین نسبت به آن – نظرات آنها درباره تشکیل یک دولت فلسطینی.

ت – فعالیتهای سازمانهای فلسطینی و سایر سازمانهای اخلالگری در اردن – سوریه – لیبی –

لبنان – عراق – جمهوری دموکراتیک خلق یمن و سایر کشورهای عربی.

ث – پشتیبانی مالی اعراب از فلسطینیها و سازمانهای اخلالگری دنیا و یا سازمانهای تروریستی.

۱۱– تقویت و گسترش نظامی که سایر کشورهای منطقه را مورد تهدید قرار می دهد.

الف – آمادگی جنگی و هدف های مصر– سوریه – اردن و عراق – همکاری نظامی بین کشورهای عربی درگیر در بحران.

ب – فعالیتهای سازمانهای فلسطینی در زمینه های سیاسی تروریستی اخلالگری و نظامی.

۱۲– عوامل قطب بندی و مبارزه جهت تسلط بر جهان عرب.

۱۳– میزان همکاری بین کشورهای عربی در زمینه های.

الف – نظامی

ب – مالی مانند ادامه و اختصاص دادن وجه جهت مقاصد نظامی.

پ – تحولات در جهت اتحاد کشورهای عربی.

۱۴- استفاده از سلاح نفت و پول وسیله کشورهای عربی - امکانات راههای اقدام و عواقب.

ص: ۲۵۵

۱۵- فعالیتهای اعراب در کشورهای افریقائی با استفاده از راههای سیاسی اقتصادی و آموزش و کمکهای فنی.

پ - خلیج فارس - جمهوری عربی یمن - جمهوری دموکراتیک یمن و شاخ افریقا

۱۶- تحولات داخلی و خارجی سیاسی

۱۷- روابط بین جمهوری عربی یمن و شوروی و بلوک شرق

۱۸- روابط جمهوری دموکراتیک خلق یمن با کشورهای عضو بلوک کمونیست (شامل چین) و معاملات سلاح.

۱۹- روش قدرتهای غربی در مقابل تحولات در جمهوری دموکراتیک خلق یمن در منطقه خلیج فارس و در قسمتهای جنوبی دریای سرخ بخصوص با توجه به رخنه شوروی در سومالی.

۲۰- فعالیتهای اخلالگرانه علیه خلیج فارس و عمان که از طریق جمهوری دموکراتیک خلق یمن هدایت می شوند. همکاری در این مورد با سایر کشورهای عربی و کمونیستی.

۲۱- فعالیتهای خرابکارانه که از طریق جمهوری دموکراتیک خلق یمن علیه هدفهای دریائی در دریای سرخ، باب المندب - خلیج عدن و خلیج فارس هدایت می شود. همکاری با سازمانهای فلسطینی و سایر سازمانهای اخلالگر در این نوع فعالیتها.

۲۲- تحولات سیاسی داخلی در امیرنشینهای منطقه خلیج فارس.

۲۳- سیاست خارجی امارات متحده عربی و دولتهای امیرنشین خلیج فارس روابط با سایر کشورهای عربی - رخنه و نفوذ کمونیستها.

ت - فعالیت بلوک کمونیست

۲۴- نهضت کمونیست در دنیای عرب با توجه به کوششهای مداوم شوروی برای حفظ و توسعه نفوذ خود در منطقه.

۲۵- قراردادهای سری دوجانبه که شامل هماهنگی نظامی پیرو کنفرانسها و یا ملاقاتها بین کمونیستها و رهبران مصری - سوری - عراقی - الجزایری - لیبی - جمهوری دمکراتیک خلق یمن

و سومالی می گردد.

۲۶- فعالیتهای سیاسی کشورهای عربی در صحنه بین المللی به نفع و یا از طرف شوروی و چین کمونیست.

۲۷- فعالیتهای چین کمونیست در خاورمیانه و افریقای شرقی.

۲۸- اثرات همکاریهای احزاب عرب - طرفداری شوروی و یا چین با نهضت های سوسیالیستی عرب.

۲۹- پشتیبانی و کمک شوروی و چین کمونیست به سازمان آزادیبخش فلسطین و سازمانهای انفرادی فلسطینی.

۳۰- فعالیتهای شوروی بمنظور تشکیل زیربنای سیاسی و اقتصادی جهت حضور طولانی در منطقه.

۳۱- منافع سوق الجیشی - حضور و فعالیتهای شوروی در دریای سرخ - مخصوصا در سودان و یمن جنوبی - سومالی و حبشه.

۳۲- مقاصد و فعالیتهای شوروی در خلیج فارس و کوشش شوروی برای بهبود روابط با عربستان سعودی.

۳۳- علاقه شوروی به نفت خلیج فارس مخصوصا توسعه منافع نفتی در عراق خریداری نفت عراق و حمل آن به کشورهای کمونیستی.

۳۴- مقاصد و فعالیتهای شوروی بمنظور محدود کردن عملیات کمپانی های نفتی دول غرب در عراق و در خلیج فارس.

۳۵- فعالیتهای نظامی شوروی و گسترش آن در مدیترانه - دریای سرخ و خلیج فارس و همچنین در مناطق اقیانوس هند و گسترش واحدهای شوروی در کشورهای عربی. استفاده احتمالی از اطلاعات الکترونیکی - جنگهای الکترونیکی، پایگاههای هوائی و دریائی شوروی در کشورهای عربی مخصوصا در مصر- عراق سوریه و لیبی همچنین جمهوری خلق دمکراتیک یمن و سومالی.

۳۶- فعالیتهای سیاسی کشورهای بلوک شرق در خاورمیانه.

۳۷- الف - روابط شوروی و کشورهای بلوک شرق با اردن.

ث - توسعه روابط شوروی با اردن و لبنان.

ج - فعالیتهای مخصوص کشورهای عربی

مصر

۳۸- سازمان و فعالیتهای مصر و سرویسهای اطلاعاتی مخاصم.

۳۹- تجدید سازمان قوای نظامی و تسلیحات مصر.

الف – گسترش سلاحهای غیراتمی و توسعه نیروهای مسلح مخصوصا نیروهای هوائی و زرهی.

ب – توسعه سلاحهای تاکتیکی و موشکها- اتمی – شیمیائی و میکروبی توجه و کوشش مخصوص در توسعه و استفاده از گازهای سمی.

۴۰- فعالیتهای مصر در جهان افریقائی آسیائی.

۴۱- سیاست ثبات مصر در قبال سازمان همبستگی مردم آسیائی، افریقا و امریکای لاتین.

۴۲- ثبات رژیم سادات فعالیتهای داخلی و خارجی علیه رژیم دستجات داخل رژیم. تجدید فعالیتهای زیرزمینی.

۴۳- مشکلات اقتصادی مصر.

سوریه

۴۴- تحولات داخلی سوریه.

الف – خط مشی و ثبات رژیم اسد

ب – گسترش نیروهای سوریه: ایجاد تشکیلات جدید- خرید سلاح تغییرات در تشکیلات سوریه و نتایج سیاسی آن.

پ – فعالیتهای سوریه بعنوان مرکز فعالیتهای براندازی و تروریسم.

ت – مشکلات اقتصادی سوریه.

ث – توسعه روابط سوریه و سازمان آزادیبخش فلسطین با توجه به پیشنهاد ایجاد فرماندهی سیاسی و نظامی مشترک.

عراق

الف – موقعیت رژیم بعث در عراق و روابط عراق با رژیم بعث در سوریه.

ب – فعالیتهای گروههای دیگر سیاسی عراقی مخصوصا گروههای مخالف رژیم.

پ – آرایش ارتش عراق – سطح آموزش و نقل و انتقالات نیروی عراقی بطرف سوریه و اردن.

فعالیتهای نفوذی عراق در شیخ نشین های خلیج فارس همچنین کمکهای این کشور به سازمانهای برانداز در منطقه.

اردن

۴۶- اوضاع داخلی در اردن و تهدیدهائی که کشور پادشاهی اردن با آن مواجه است.

عربستان سعودی

ص: ۲۵۸

۴۷- الف – مسیر و تحولات داخلی – ثبات رژیم – گروههای داخل در خانواده سلطنتی و سازمانهای دولتی – گروههای مخالف.

ب – تقویت نیروهای مسلح – معاملات خرید اسلحه – اکتساب وسائل و جنگ افزارهای نظامی.

پ – روابط خارجی با دیگر کشورهای عربی و کشورهای ابرقدرت.

ت – فعالیتهای عربستان سعودی در منطقه دریای سرخ و شیخ نشینهای خلیج فارس – کمک به کشورهای عربی در حال جنگ – همکاری با دیگر کشورهای عربی در نقاط جنوبی شبه جزیره عربی.

سودان

۴۸- اوضاع سیاسی داخلی

الف – ثبات رژیم در کشور.

ب – فعالیتهای عناصر و گروههای مخالف رژیم.

پ – خط مشی ارتش در قبال کمونیستها و مخالفین.

ت – حزب کمونیست در سودان – موقعیت آن – فعالیتها و تماسهای آن با شوروی.

ث – توسعه روابط حکومت مرکزی با قبایل جنوبی.

۴۹- نیروهای مسلح

الف – آرایش جنگی – نیروی هوائی نیروی دریائی نیروی زمینی.

ب – احتمال استفاده پایگاههای هوائی سودان بوسیله مصر.

پ – توسعه پایگاههای هوائی و بنادر نظامی.

ت – استفاده از امکانات دریائی سودان بوسیله کشورهای کمونیستی.

۵۰- روابط خارجی

الف – روابط سودان با کشورهای عربی بخصوص مصر و لیبی.

ب – کمک سودان به جبهه اخلالگر در شرق افریقا بخصوص به ELF .

ث – روابط سودان با سومالی – حبشه – اوگاندا.

۵۱- رخنه کمونیستها

فعالیتهای سیاسی و نظامی شوروی – چین کمونیست و دیگر کشورهای کمونیستی جهت نفوذ در نیروهای مسلح – احزاب و گروههای سیاسی و بخش اقتصادی.

ص: ۲۵۹

۵۲- خط مشی سودان در قبال کشورهای بلوک غرب - بخصوص امریکا انگلستان و آلمان غربی.

لبنان.

۵۳- اوضاع داخلی لبنان.

۵۴- نفوذ شوروی در لبنان.

۵۵- روابط با سوریه و سازمانهای فلسطینی.

لیبی.

الف - اوضاع داخلی - ثبات رژیم - روابط در داخل شورای فرماندهی انقلاب روابط شورای فرماندهی انقلاب با نیروهای مسلح.

ب - حمایت لیبی از سازمانهای فلسطینی و پشتیبانی از شورشیان ظفار (مستقیم و یا غیرمستقیم

بوسیله جمهوری دموکراتیک خلق یمن).

پ - روابط بین لیبی و شوروی بخصوص در زمینه نظامی - معاملات اسلحه و موافقت های سری.

ت - فعالیتهای براندازی بوسیله لیبی علیه موقعیت کشورهای عربی طرفدار غرب در دنیای افریقائی - آسیائی و بخصوص کشورهای عربی.

ج - تأثیر فعالیتهای ابرقدرتها.

۵۷- فعالیتهای پشت پرده کشورهای بلوک غرب و شرق جهت کسب موافقت کلی در مورد راه حلهای بحران خاورمیانه.

افغانستان

۵۸- الف - تحولات جدید در افغانستان بخصوص توسعه نفوذ شوروی و تأثیر آن در خلیج فارس و خاورمیانه.

ب - کمکهای مادی و معنوی و همکاری شوروی، عراق، هند و سوریه به نهضت بلوچستان آزاد.

پ - فعالیتهای براندازی افغانستان علیه پاکستان.

گزارش مزبور، در کنفرانس سی و یکم شورای سه جانبه که به میزبانی اسرائیل برگزار شد، مورد استفاده قرار گرفت.

کنفرانس مزبور، در تاریخ ۲۱ آبان ۱۳۵۴، در تل آویو و با حضور رؤسای سرویس های

اطلاعاتی ایران، اسرائیل و ترکیه برپا گردید.

روز قبل از برگزاری کنفرانس، کمیته هماهنگی سه سرویس با تشکیل جلسه، مواردی را در خصوص اجلاس شورا مورد بحث و گفت وگو قرار داد. کنفرانس سه جانبه در خاتمه با صدور قطعنامه ای، دیدگاه ها و مواضع خود را در خصوص قرارداد موقت بین مصر و اسرائیل (پس از جنگ چهارم معروف به جنگ رمضان)، پشتیبانی شوروی از سوریه، و لیبی اعلام و زمان تشکیل سی و دومین اجلاس شورا را برای اردیبهشت سال ۱۳۵۵ در ترکیه، معین کرد:

درباره شورای سه جانبه

منظور: استحضار تیمسار ریاست ساواک

۱- سی و یکمین اجلاسیه شورای سه جانبه با شرکت رؤسای سرویسهای ایران، ترکیه و اسرائیل در

تاریخ ۲۱/۸/۵۴ در تل اویو برگزار شد.

۲- قبل از شورا کمیته های اطلاعات و امنیت در روزهای ۱۶ الی ۱۹ آبانماه ۱۳۵۴ با شرکت نمایندگان و کارشناسان سه سرویس و کمیته هماهنگ کننده در روز ۲۰/۸/۵۴ با شرکت اینجانب و معاونین سرویسهای ترکیه و اسرائیل تشکیل جلسه داده و گزارشات خود را تقدیم شورا نمودند.

۳- مهمترین نکات مندرج در قطعنامه شورای (پیوست الف) گزارشات کمیته اطلاعات (پیوست ب) کمیته امنیت (پیوست پ) و کمیته هماهنگ کننده (پیوست ت) از عرض می گذرد.

اداره کل هفتم.

رئوس مطالب قطعنامه سی و یکمین شورای سه جانبه در اسرائیل

۱- شورای سه جانبه در تاریخ ۲۱/۸/۱۳۵۴ با شرکت رؤسای سرویسهای ایران، ترکیه و اسرائیل در

۲۱/۸/۱۳۵۴ در تل آویو تشکیل شد.

۲- رئیس سرویس اسرائیل اجلاسیه شورا را افتتاح نموده و سپس تیمسار ریاست ساواک در پاسخ اظهار داشت که منطقه خاورمیانه با تحولات قابل توجهی روبرو بوده که مهمترین آنها انعقاد دومین

قرارداد موقت مصر و اسرائیل است. سوریه نیز با پشتیبانی شوروی عامل دیگری است که مانع

پیشرفت مذاکرات صلح می باشد، اوضاع آشفته و نابسامان لبنان نیز ممکن است صلح و آرامش

منطقه را به خطر بیندازد. نفوذ شوروی در منطقه ادامه داشته و فعالیت نفوذی این کشور همچنان در

جمهوری خلق یمن، باب المندب و سایر مناطق ادامه دارد. لیبی اسما به صورت انبار سلاح شوروی درآمده و قذافی فعالیت های اخلالگرانه خود را در ظفار و خلیج فارس ادامه می دهد.

۳- رئیس سرویس ترکیه اظهار نمود که گزارشات کمیته اطلاعات و امنیت برای سه سرویس مفید می باشد.

۴- رئیس سرویس اسرائیل نیز اوضاع منطقه را تشریح نمود.

۵- شورا پس از بررسی، گزارشات سه جانبه و کمیته های هماهنگ کننده، اطلاعات و امنیت را تصویب نمود.

۶- تیمسار ریاست ساواک پیشنهاد نمود که جلسات شورا بعوض هر شش ماه سالی یکبار تشکیل شوند و در صورت لزوم فوری هرگاه هریکی از رؤسای سرویسهای سه جانبه درخواست تشکیل شورا را

بدهند جلسه مربوطه تشکیل خواهد شد، چون این امر مستلزم تغییر اساسنامه شورای سه جانبه

می باشد قرار شد که این پیشنهاد مورد بررسی قرار گرفته و در سی و دومین شورای سه جانبه در این مورد تصمیم گرفته شود.

۷- بنابه دعوت رئیس سرویس ترکیه سی و دومین جلسه شورای سه جانبه در آنکارا در اردیبهشت

ماه ۱۳۵۵ تشکیل خواهد شد.

۸- چهل و یکمین کمیته هماهنگ کننده نیز در تهران در اواسط بهمن ماه تشکیل خواهد شد.(۱)

سی و دومین کمیته امنیت، قبل از برگزاری سی و دومین شورای سه جانبه، طی گزارشی، رئوس و محور مباحث و مصوبات خود را به اطلاع کمیته هماهنگ کننده اجلاس رساند. این کمیته که در کشور ترکیه تشکیل شده بود، تحولات نهضت های کمونیستی در کشورهای سه جانبه، فعالیت های گروه های برانداز در کشورهای سه جانبه، تحولات تکنیکی در فعالیت

سرویس های جاسوسی و نحوه جمع آوری اطلاعات از سوی آن ها را در کشورهای سه جانبه مورد بررسی قرار داد. به علاوه، موضوع بررسی سازمان و فعالیت سرویس های عرب، یعنی مبارزان فلسطینی در سرزمین های اشغالی را، نیز مورد بحث قرار داد و توصیه های خود را به شورا اعلام کرد:

گزارش سی و دومین کمیته امنیت به چهل و دومین کمیته هماهنگ کننده.

۱- . گزارش ساواک، بدون شماره و تاریخ، با طبقه بندی سری. این گزارش احتمالاً در آبان ۱۳۵۴ تهیه شده است.

کلیات:

۱- سی و دومین کمیته امنیت سه جانبه از تاریخ ۲۰-۱۸ اردیبهشت ۲۵۳۵ [۱۳۵۵] در شهر آنکارا تشکیل شد. محیط کار کنفرانس و شرکت فعالانه شرکت کنندگان در بحثهای مربوط به مفاد دستور جلسه برای کلیه نمایندگان مفید و سازنده بود. تبادل نظرهائی که در طول مذاکرات

صورت گرفت نمایشگر تخصص و تبحر فوق العاده و همچنین هماهنگی و تفاهم متقابل میان اعضای شرکت کننده بود.

گزارش کار

۲- بررسی گزارشات ارائه شده از طرف هیئت های نمایندگی شرکت کننده حاوی کلیه مطالب دستور

جلسه بود. ماده ویژه ای مورد گفتگو قرار نگرفت زیرا کمیته در جلسه قبلی در این زمینه

تصمیمی اتخاذ نکرده است.

۳- در ذیل خلاصه ای است از رئوس مطالب بحث شده از طرف نمایندگان شرکت کننده:

الف - بررسی تحولات نهضتهای کمونیستی در کشورهای سه جانبه

مسائل مهم و اساسی در زمینه استراتژی کلی و تاکتیکهای کمونیستها نسبت به گروههای کمونیستی گوناگون در کشورهای سه جانبه مورد بحث قرار گرفت. نتیجه کلی که گرفته شد این بود که گروههای کمونیستی قانونی و غیرقانونی و روشهائی که این گروهها متداول کرده اند جنبه عملی داشته و این گروهها سعی داشته اند تاکتیکهای باصطلاح مطابق شرایط

هر کشور را بکار برند و ضمنا کوشش نموده اند از گروههای فناتیک مذهبی (البته بدون آنکه

موفقیتی نصیب آنها شود) و عوامل اقلیتها، بویژه جوانان - برای رسیدن به اهداف خود بهره برداری کنند. با این وجود گروههای کمونیستی و سازمان مربوطه در کشورهای سه جانبه چندان موفقیتی نداشته اند. علت این است که این گروهها از حمایت وسیع و اساسی توده مردم برخوردار نیستند مضافا باینکه سرویسهای سه جانبه به اقدامات پیش گیرنده ای هم متوسل می شوند معهذا بعلت قانونی بودن حزب کمونیست در کشور اسرائیل، گروهها و سازمانهای کمونیستی تا حدی بویژه در قسمت اعراب نشین از حمایت توده مردم برخوردار بوده اند.

ب - بررسی تحولات و فعالیتهای گروههای خرابکار و برانداز در کشورهای سه جانبه، روشها و وسایل مقابله.

ص: ۲۶۳

در مـدت تحت بررسـی[،] فعالیتهـای دنبال شـده توسط گروهها و سازمانهای برانـدازی با کمتر تغییری در کشورهای سه جانبه ادامه داشت. بررسـی جنبه های تئوری و عملی این فعالیتها برای شـرکت کننـدگان فوق العاده مفید فایده بود با توجه به مخفی بودن ماهیت این نوع عملیات - حیطه بندی شدید و آموزشهای جدید و پیش رفته اعضاء این سلولها (که تعداد آنها

بین ۵-۲ است) نفوذ و استخدام منابع زنده از نظر کمیته مسئله تقریبا حساس و مشکلی عنوان

شد.

پ - تحولات اخیر در تکنیکهای جاسوسی و جمع آوری اطلاعات عملیاتی توسط سرویسهای مخاصم در کشورهای سه جانبه و همچنین اقدامات خنثی کننده علیه آنها

هیئت نمایندگی ترکیه توجه سایر شـرکت کنندگان را باین نکته معطوف کرد که سرویس اطلاعاتی بلغار اخیرا روش جدیدی اتخـاذ نموده که در آن از یـک کشور سوم و حتی چهـارم برای هـدایت عملیـات اسـتفاده می شود. در اینجا هیئت نماینـدگی اسـرائیل مطلب دیگری را اضافه نمود مبنی بر اینکه سرویس اطلاعاتی رومانی اهمیت بسزائی برای تعداد روزافزون توریستهای اسـرائیل که به آن کشور سفر می کنند، قائل می باشد و همواره سعی دارد علاوه بر کارهای عملیاتی معمولی خود نظیر توجیه - زیرپاکشـی و آموزش مأمورین، تعدادی از این توریسـتها را هم اسـتخدام نماید. در مورد سرویس ایران تحولات جدیدی در زمینه تکنیک جاسوسـی و جمع آوری اطلاعات توسط سرویسـهای مخاصم مشاهـده نشـده است. معهـذا بعلت اقـدامات خنثی کننده مؤثر کشور ایران، سرویسهای مخاصم فعالیتهای خود را در کشور

سوم متمرکز کرده اند.

ت - بررسی سازمان و فعالیتهای سرویسهای عرب

هیئت های نمایندگی ایران و اسرائیل خاطرنشان کردند که در مدت تحت بررسی قرائنی مبنی بر فعالیت سرویسهای عربی علیه کشورشان مشاهده نکرده اند.

معهذا هیئت نمایندگی اسرائیل اظهار داشت که سرویسهای عربی سرگرم کوششهائی جهت استخدام و جمع آوری اطلاعات با کمک عناصر زیر بوده و از هر فرصتی برای این کار استفاده

می کنند:

الف - اعراب مقیم سرزمینهای اشغالی

ب - اتباع عربی الاصل و ناراضی اسرائیل

پ – تعداد محدودی اتباع ناراضی اسرائیل

توصیه ها:

۴- کمیته امنیت موارد زیر را توصیه کرد:

الف – با استفاده از هر موقعیتی سرویسهای سه جانبه موظف می باشند مبارزات تبلیغاتی مؤثری بمنظور آشکار کردن هویت واقعی سازمانهای جبهه ای کمونیستی در نظر مردم شروع و دنبال

کنند.

ب – با توجه باینکه اخیرا در کشور ایران و باحتمال قوی در کشور اسرائیل تروریستها به سیستم

کار گذاشتن دو بمب در یک محل که بفواصل کوتاه از هم منفجر می شوند، متوسل شده اند و

این انفجارها خساراتی را هم ببار آورده است به مقامات سه جانبه آگاهی داده شد که در

چنین مواردی محل تصادف را بروی کلیه افراد (بویژه مقامات عالیرتبه) باستثناء کارشناسان

مربوطه مسدود نمایند.

پ – سرویسهای سه جانبه باید اطلاعاتی درباره آخرین روشهای مربوط به نحوه ارتباط – مواد منفجره – اسلحه و سایر کمکهای عملیاتی مورد استفاده تروریستها را مبادله کنند.

ت – سرویسهای سه جانبه موظف می باشند درباره نزدیکی اعضاء سرویس های مخاصم بدانشجویان – هیئت های نمایندگی – تجار و سایر مقیمین خارجی که بمنظور واداشتن این طبقات به اعمال تروریستی – قبول تمایلات کمونیستی و جاسوسی است اطلاعاتی مبادله کنند.(۱)

کنفرانس اطلاعاتی سرویس های سه جانبه، در تاریخ ۲۱ اردیبهشت ۱۳۵۵، در ترکیه تشکیل شد. این کنفرانس با صدور قطعنامه ای مواضع و دیدگاه های خود را پیرامون مسایل

مختلف و نیز برنامه های داخلی سه جانبه اعلام کرد. رئوس مطالب قطعنامه مزبور در گزارش ساواک چنین آمده است:

رئوس مطالب قطعنامه سی و دومین شورای سه جانبه در آنکارا

۱- شورای سه جانبه در تاریخ ۲۱/۲/۲۵۳۵ [۱۳۵۵] با شرکت رؤسای سرویسهای ایران – ترکیه و اسرائیل در آنکارا تشکیل شد.

۲- رئیس سرویس ترکیه جلسه را افتتاح نمود و سپس تیمسار ریاست ساواک به تحولات اصلی

۱- . گزارش ساواک، ۱۹/۲/۱۳۵۵، آنکارا، بدون شماره، با طبقه بندی سری.

خاورمیانه اشاره نمود و پیوستن ژنرال یلدیز را به خانواده سه جانبه خوش آمد گفتند و رئیس سرویس اسرائیل نیز در زمینه تحولات منطقه مطالبی اظهار داشت.

۳- تیمسار ریاست ساواک در مورد تحولات جمهوری دمکراتیک خلق یمن مطالبی بیان داشتند.

۴- شورا گزارش کمیته های اطلاعات و امنیت و هماهنگ کننده و همچنین گزارش دبیرکل سه جانبه

را پس از بررسی تصویب کرد.

۵- بنابه دعوت تیمسار ریاست ساواک سی و سومین اجلاسیه شورای سه جانبه در تهران در اردیبهشت ماه ۲۵۳۶ [۱۳۵۶] تشکیل خواهد شد.

۶- چهل و سومین کمیته هماهنگ و همچنین کمیته های اطلاعات و امنیت در اسرائیل در آبان ماه

۲۵۳۵ [۱۳۵۵] تشکیل جلسه خواهد داد.(۱)

سی و سومین جلسه کمیته اطلاعات سه جانبه (آبان ۱۳۵۵)، در تل آویو تشکیل شد. این کمیته با ارایه گزارشی، نقطه نظرات، بررسی ها و تحلیل خود را درباره اوضاع کشورهای عربی به جلسه کمیته هماهنگ کننده سه جانبه اطلاع داد. گزارش مزبور پیرامون مسایل کشورهای عربی از

سوی ایران، ترکیه و اسرائیل تهیه شده بود. سرویس اطلاعاتی ایران گزارش خود را پیرامون

مسائل مربوط به کشورهای عراق، امارات متحده عربی، کویت، قطر، عمان، عربستان سعودی، بحرین و نفوذ شوروی و کشورهای کمونیست در منطقه تهیه کرده بود.

سرویس اطلاعاتی ترکیه نیز درباره اوضاع خاورمیانه، سوریه، لبنان، لیبی، الجزایر، تونس، مراکش، سازمان آزادیبخش فلسطین گزارش تهیه و به کمیته ارایه کرده بود. سرویس اطلاعاتی رژیم صهیونیستی درباره امور بین الاعراب، مصر، سودان، اردن و جمهوری عربی یمن و جمهوری دمکراتیک خلق یمن گزارش تهیه کرده بود. متن کامل گزارش مزبور به این شرح از سوی ساواک ارایه شده است:

گزارش سی و سومین جلسه کمیته اطلاعات

به چهل و سومین جلسه کمیته هماهنگ کننده

الف - مقدمه

۱- در روزهای ۲۲ و ۲۳ نوامبر ۷۶ سی و سومین جلسه کمیته اطلاعات در تل آویو تشکیل گردید.

۱- . گزارش ساواک، بدون تاریخ و شماره، با طبقه بندی سری، این گزارش ظاهرا در اردیبهشت ۱۳۵۵ تهیه شده است.

۲- گزارشهای زیر بوسیله سرویسهای عضو تهیه شده بود:

ایران

۱) امور بین الاعراب و نفوذ شوروی و کشورهای کمونیست در منطقه.

۲) عراق

۳) امارات متحده عربی

۴) کویت

۵) قطر

۶) عمان

۷) عربستان سعودی

۸) بحرین

ترکیه

۱) اوضاع خاورمیانه

۲) سوریه

۳) لبنان

۴) لیبی

۵) الجزایر

۶) تونس

۷) مراکش

۸) سازمان آزادیبخش فلسطین

۹) مطالب تکمیلی درباره خاورمیانه، سوریه، لبنان، لیبی و مراکش

اسرائیل

۱) امور بین الاعراب

۲) مصر

۳) سودان

۴) اردن

۵) جمهوری عربی یمن

ص: ۲۶۷

۶) جمهوری دموکراتیک خلق یمن

۳- گزارشات نوبه ای مبادله اطلاعات مربوط به کمیته اطلاعات که وسیله دبیر کل تهیه شده بود برای تصویب به کمیته هماهنگ کننده تقدیم گردید.

۴- اوضاع خاورمیانه و تحولات منطقه از مه ۱۹۷۶ مورد بررسی قرار گرفت.

۵- اعضای هیأت سرویسهای سه جانبه اوضاع منطقه را بررسی نموده و در این زمینه تبادل نظر

بعمل آمد. ارزیابی و نظرات سه سرویس مشابه به یکدیگر بود و اطلاعات اضافی در زمینه تحولات اخیر منطقه مبادله گردید.

۶- کمیته فهرست نیازمندیهای اطلاعات را با تجدید نظرهای مختصری تصویب و ارزیابیهای زیر را نمود:

ب - ارزیابی

۱- مقدمه

بطور کلی مهمترین تحولات منطقه در مدت تحت بررسی بشرح زیر می باشد:

الف - بحران لبنان

ب - کاهش نفوذ شوروی در بعضی از کشورهای خاورمیانه

۲- نفوذ شوروی و کشورهای کمونیستی

موقعیت شوروی در جهان عرب در حال تضعیف بوده ولی موقعیت غرب بویژه آمریکا تقویت گردیده است در جریان بحران لبنان بعلت درگیری نیروهای سوریه و سازمان آزادیبخش فلسطین، مسکو در وضع مشکلی قرار گرفت و اعمال هر نوع سیاستی از جانب شوروی موجب تأثیر منفی در روابط با دمشق گردید. ضمنا مسکو نگران تلاشهای عربستان سعودی در

جهت از بین بردن نفوذ چپ گرایان در شبه جزیره عربستان بود.

با این وجود هنوز هم موقعیت شوروی مستحکم است و سوریه و عراق کاملاً به سلاحهای شوروی متکی می باشند. همچنین مصر تا حد زیادی به شوروی متکی است.

دولتین لیبی و الجزایر نیز روابط حسنه خود را با مسکو حفظ نموده و انبار شدن سلاحهای شوروی در لیبی هنوز ادامه دارد.

موقعیت شوروی در منطقه باب المندب بسیار خوب است و کشورهای سومالی و جمهوری دموکراتیک خلق یمن هم پیمان آن کشور هستند. استقلال جیبوتی و بحرانی شدن وضع شاخ

افریقا بنفع شوروی تمام خواهد شد.

۳- دنیای عرب

الف – مقدمه

۱) بحران لبنان در مدت تحت بررسی بعلل مبارزات بین الاعراب در این کشور از جمله مهمترین تحول در منطقه بود.

۲) اختلافات اصلی بین اعراب بویژه میان سوریه و مصر، که پس از امضای قرارداد سینا در ۱۹۷۵

آغاز شده و به تشدید بحران لبنان نیز تا حد زیادی کمک کرده بود، در کنفرانس سران عرب در ریاض و قاهره تا حدودی کاهش یافت. در جلسات این کنفرانس تسلط سوریه در لبنان مورد قبول واقع گردید و سوریه عملاً- بر اوضاع لبنان مسلط است.

۳) مبارزات بین الاعراب در سال گذشته موجب پیدایش گروه بندی جدیدی در خاورمیانه عربی گردید و رهبری سه گانه مصر- سوریه و عربستان سعودی جانشین رهبری مصر شد. علت این امر تضعیف موقعیت مصر و تقویت نسبی قدرت سوریه و بهره برداری سیاسی عربستان سعودی از ثروت نفت خود بود.

۴) در مورد سایر مسائل، توسعه همکاری اردن و سوریه ادامه یافت، از سوی دیگر مبارزات بین

لیبی و سودان، لیبی و مصر، سوریه و عراق، الجزایر و مراکش در مدت تحت بررسی ادامه یافت.

در هر حال باید منتظر نتیجه کوششهای کنفرانس ریاض و قاهره در جهت ایجاد همبستگی اعراب بود.

۵) موقعیت سازمان آزادیبخش فلسطین در کشورهای عربی، که پس از بحران لبنان بار دیگر ماهیت

افراطی و مخرب آن ظاهر گردید، بمیزان زیادی تضعیف گردید و در حال حاضر این سازمان تحت فشار کشورهای عربی، که از افراطی بودن آن نگران می باشند، قرار گرفته است.

ب – مصر

۱) علاوه بر سایر امتیازات، سادات قرارداد موقت را فرصتی برای وقفه در مورد اختلافات اعراب

و اسرائیل جهت اختصاص دادن منابع بیشتری، برای حل مشکلات داخلی مصر تلقی نمود. با این وجود سال ۱۹۷۶ (حداقل تاکنون) سال خوبی برای مصر نبوده است.

۲) در زمینه اوضاع داخلی، مشکلات اقتصادی و سیاسی و اداری مصر شدت یافته و موجب

افزایش فشارهای سیاسی و اقتصادی گردیده است. بهرحال موقعیت داخلی سادات علیرغم این مشکلات مستحکم باقی مانده است.

۳) موقعیت مصر بین اعراب تضعیف شده است در حالیکه پس از قرارداد سینا سوریه کوشید نقش مهمی در امور بین الاعراب ایفاء نماید چون اتکاء در حال افزایش مصر به کمک خارجی، این

کشور را در مقابل فشارهای عربستان سعودی آسیب پذیر نموده است.

پ – عربستان سعودی

قدرت نفتی از یکطرف و اختلافات بین کشورهای عربی از طرف دیگر موجب گردید که عربستان سعودی بتواند نقش مهمی را در امور اعراب ایفاء نماید. ریاض تمایل دارد که نقش

فعال تری در امور منطقه داشته باشد. علاقه عمده عربستان سعودی تسلط کامل در شبه جزیره

عربستان و افزایش نفوذ در مناطق خلیج فارس و دریای سرخ می باشد. در امور بین الاعراب

این کشور سیاست یکپارچگی بر مبنای ضدکمونیستی را اعمال می نماید.

ت – سوریه

آرامش داخلی سوریه که از خصوصیات رژیم اسد نسبت به رژیمهای قبلی بود در نتیجه درگیری در لبنان بهم خورد. در نیروهای مسلح سوریه نیز ناراحتی دیده شد ولی همین امر که

رژیم بعثی موفق به حفظ موجودیت خود در این بحران بود نشانه قدرت آن می باشد. در امور

خارجی نیز با اینکه در قسمت عمده سال جاری دمشق در دنیای عرب در انزواء قرار گرفته بود

ولی موقعیت این کشور پس از آنکه تسلط سوریه در لبنان در کنفرانسهای ریاض و قاهره شناخته شد تقویت یافت. روابط این کشور با امریکا بیش از پیش بهبود یافت ولی در عین حال

در روابط سوریه با شوروی تیره گی بوجود آمد هنوز این کشور از شوروی اسلحه دریافت می دارد.

ث – عراق

میزان مخالفت در عراق بمرحله ای نرسیده که تأثیر منفی در ثبات رژیم داشته باشد. حزب بعث کنترل خود را در کشور بطور اعم و در دولت بطور اخص افزایش داد. در دنیای عرب انزوای

نسبی سیاسی عراق ادامه یافت. با اینکه بغداد سیاست خود را مبنی بر باز کردن دریچه ای

بسوی غرب از نظر اقتصادی و فنی و تا حدودی وسائل نظامی ادامه داد ولی هنوز از نظر تدارکات نظامی به شوروی متکی باقی مانده است.

ج – سودان

کودتای نافرجام ژوئیه بار دیگر عدم ثبات اساسی رژیم سودان را جلوه گر ساخت ولی در هر حال فعلاً موقعیت نمیری قوی بوده و می کوشد رژیم خود را تا حدودی متکی به ملت جلوه داده و تمرکز خود را در داخل کشور کمتر نماید. کوششهائی نیز جهت توسعه اجرای برنامه های

عمرانی نیز صورت گرفته است. در دنیای عرب نمیری روابط خود را با مصر گسترش داده و با

آن کشور در یک پیمان نظامی نیز شرکت دارد. ضمنا امیدوار است جهت نجات خود از عربستان سعودی کمک اقتصادی دریافت نماید.

چ – لیبی

اگر چه موقعیت قذافی در داخل کشور و در میان کشورهای عرب تضعیف گردیده ولی در عین حال توانسته است ناراحتی داخلی را برطرف سازد. با این وجود بنظر می رسد که مخالفین وی

فعلاًـ تحت کنترل قرار گرفته باشند. احتمال می رود علاوه بر انزوای قذافی در کشورهای عربی اوضاع داخلی او را وادار به سازش با مصر نموده است زیرا استقرار نیروهای مصر در مرز لیبی موجب تشویق عوامل ناراضی در داخل کشور می گردید. از نظر امور داخلی قذافی متوجه تهیه مقدمات برگزاری چهارمین کنگره ملی خلق که قرار است در ژانویه ۱۹۷۷ تشکیل شود گردیده

است. با وجود ناراحتیهای داخلی قذافی به عملیات اخلالگرانه خود در خارج ادامه می دهد.

نامبرده محرک اصلی کودتای نافرجام در سودان بوده و در آن کشور عملیات خرابکاری را طرحریزی نموده و به شورشیان اریتره و عمان، فلسطینیها و گروههای بین المللی تروریستی

کمک می نماید.

ح – اردن

۱) در مدت تحت بررسی مشکلات مالی در مورد خرید موشکهای هاوک از امریکا، روابط اردن و عربستان سعودی را تیره نمود و ملک حسین جهت خرید موشک با مقامات شوروی مذاکره کرد. ولی سرانجام از سیاست قبلی خود مبنی بر همکاری نظامی با سوریه و اتکای به امریکا و شوروی که اساس آن در بهار سال ۱۹۷۵ پی ریزی شده بود، مجددا پیروی نمود. تضعیف موقعیت سازمان آزادیبخش فلسطین در اثر بحران لبنان موجب بهبود موقع اردن پیرامون وضع

غرب رود اردن گردیده است. بهبود روابط مصر و سوریه نیز موجبات پیدایش چنین وضعی در روابط اردن و مصر گردیده

که احتمالاً وضع پادشاه اردن نیز تقویت خواهد یافت.

۲) مهمترین واقعه در امور داخلی تعویض زیدالرفاعی و انتصاب بدربدران بوده است ولی این امر تغییر قابل توجهی در سیاست کشور موجب نگردید. در مدت تحت بررسی ثبات داخلی در کشور حفظ شد.

خ – لبنان

پس از تصمیمات کنفرانس سران ریاض و قاهره اکنون اوضاع لبنان از نظر نظامی و سیاسی با صوابدید اعراب تحت تسلط سوریه قرار گرفته است. با اینکه اوضاع پس از اشغال مناطق ساحلی (باستثنای قسمت انتهای جنوبی) وسیله نیروی سوریه بعنوان نیروی «بازدارنده عرب»

از نظر نظامی آرام است آینده سیاسی کشور هنوز در پرده ابهام قرار دارد. احتمالاً ـ با کمک سرکیس رئیس جمهور لبنان مقامات سوریه مایل هستند که تدریجا یک رژیم بهمان شکلی که در موافقتنامه فوریه عنوان شده تشکیل دهند. ولی مسیحی ها مخالف تشکیل مجدد یک کشور فلسطینی در داخل کشور طبق موافقتنامه قاهره بوده درحالیکه چپ گراها نیز طالب امتیازات بیشتر از آنچه در موافقتنامه قاهره به آنها داده شده می باشند. هیچکس مایل نیست که نیروهای

سوریه در لبنان باقی بمانند. اسرائیل نیز صریحا اعلام کرده است از عملیات تروریستی که در لبنان و بخصوص از جنوب آن کشور علیه آن کشور صورت گیرد چشم پوشی نخواهد کرد بدین ترتیب باحتمال زیاد امکان بروز ناراحتیهای بیشتری در لبنان وجود دارد.

د– کشورهای عربی مغرب افریقا

۱) مقدمه

مسئله صحرا در سال گذشته بحدی توجه الجزیره و مراکش را بخود جلب کرده بود که این کشورها فرصتی برای توجه به امور کلی اعراب نداشته اند.

۲) مراکش

ملک حسن دوم کوشش می نماید با اتخاذ سیستم پارلمانی، به رژیم خود ظاهر دموکراسی بدهد.

۳) الجزیره [الجزایر]

بومدین نیز جهت دادن صورت ظاهری پارلمانی می کوشد به رژیم خود ادامه دهد ولی با وجود اینکه قانون اساسی که وسیله همه پرسی در اواخر نوامبر ۱۹۷۶ مورد قبول واقع شد دارای تعدادی از اصول دموکراتیک می باشد معهذا تصور می رود بومدین و گروه طرفدارانش موقعیت قوی خود را در داخل رژیم حفظ خواهند کرد. احتمال می رود روش غیرقابل انعطاف پذیر

الجزیره [الجزایر] نسبت به مراکش و موریتانی ادامه یابد.

۴) تونس

تا زمانیکه حکومت بورقیبه باقی بماند تصور نمی رود هیچ نوع تغییری در سیاست داخلی و خارجی آن کشور رخ دهد. پس از بورقیبه احتمال بروز ناراحتی ها و اغتشاشات وسیع وجود دارد. در حال حاضر انتظار می رود که تونس سیاست خود را مبنی بر ایجاد روابط دوستانه با تعداد زیادی از کشورها و اعمال روش معتدل ادامه خواهد داد.

ذ- خلیج فارس

۱) کویت

مقامات کویت سعی نموده اند که از قدرت و نفوذ عوامل افراطی و فلسطینیها بکاهند ولی احتمالاً بعلت روش عراق و برای جلوگیری از وادار کردن فلسطینیها به دست زدن به اقدامات

حاد کویت محتاطانه بروش خود ادامه خواهد داد.

به منظور داشتن آزادی عمل در اعمال سیاست داخلی، احتمال می رود که در مذاکرات آینده با

عراق مقامات کویتی بدادن امتیازات بیشتر به آن کشور ابراز تمایل خواهند نمود. تغییر سیاست داخلی کویت ممکن است باعث ایجاد تفاهم بیشتر این کشور با عربستان سعودی گردد.

۲) امارات متحده عربی

با توجه به فشار عربستان سعودی و تمایل شیوخ دیگر برای حل اختلافات خود باحتمال زیاد شیخ زاید حاضر خواهد شد دوره ریاست خود را تمدید نماید. ضمنا انتظار می رود که عربستان سعودی و امارات متحده عربی تفاهم بیشتری در اعمال سیاست منطقه ای از خود نشان داده و در محدود کردن فعالیت عوامل اخلالگرانه با یکدیگر همکاری بیشتری بنمایند.

۳) عمان

قدرت و فعالیت شورشیان ظفار بمیزان قابل توجهی کاهش یافته است ولی ادامه حمایت شوروی، عراق و لیبی و همچنین پشتیبانی جمهوری دموکراتیک خلق یمن از جبهه آزادیبخش عمان موجب شد که این جبهه رژیم عمان را تهدید نماید هر نوع تغییری در سطح این تهدید

بستگی به نتیجه مبارزات داخلی بین جناحهای معتدل و افراطی در داخل جبهه ملی حاکم در

عدن و همچنین مؤثر بودن ابتکارات سیاسی عربستان سعودی در مقابل این کشور خواهد داشت.

۴) بحرین

علاوه بر کاهش دادن فعالیتهای چپ گرا در این کشور مقامات بحرینی اقداماتی جهت جلب توجه افکار عمومی نموده اند ولی در عین حال اکثر طبقات مردم بخصوص دانشجویان، روشنفکران و کارگران تقاضای داشتن آزادیهای بیشتر سیاسی داشته و از شرایط موجود ناراضی می باشند. این امر زمینه مساعدی جهت توسعه نفوذ چپ گرایان و فعالیتهای جبهه ملی

آزادیبخش بحرین فراهم می نماید.

۵) قطر

در مدت تحت بررسی قطر از آرامش برخوردار بوده است. بحران لبنان و مهاجرت تعداد زیادی فلسطینی و لبنانی به مناطق جنوبی خلیج فارس نگرانی مقامات قطر را فراهم کرده و آنها را مجبور کرد که محدودیتهائی جهت فروش املاک و زمین به اتباع خارجی ایجاد نمایند. روابط عربستان سعودی و قطر توسعه یافت و در همین حال روابط عراق و قطر بطور نسبی بهتر شد.

ر- جمهوری دموکراتیک خلق یمن

در بهار سال جاری پس از نزدیک شدن عربستان سعودی و جمهوری دموکراتیک خلق یمن این امیدواری و انتظار بوجود آمد که جمهوری دموکراتیک خلق یمن از روش معتدل تری نسبت به گذشته پیروی نماید. ولی در حال حاضر اینطور بنظر می رسد که پیشرفت واقعی در

این زمینه صورت نگرفته است. در امور داخلی رژیم این کشور تأکید بیشتری نسبت به سوسیالیزم علمی نموده است. در زمینه سیاست خارجی رژیم آن کشور ارتباط نزدیک خود را با شوروی و کشورهای بلوک شوروی حفظ نمود و به عوامل افراطی اخلالگر و فلسطینیها و به

سایر گروههای تروریستی کمک نموده و مشوق آنها می باشد. اگر چنانچه در سیاست این کشور

اعتدالی بوجود آمده این تحول در حداقل بوده و فقط پس از گذشت زمان می توان آنرا ارزیابی

نمود.

ز- جمهوری عربی یمن

در مدت تحت بررسی الحمدی با کمک مستقیم و غیرمستقیم ریاض به کوششهای خود جهت تحکیم موقعیت خود ادامه داد. با اینکه خطر فوری این رژیم را تهدید نمی نماید اصولاً- رژیم مذکور از ثبات سیاسی برخوردار نیست. در زمینه خارجی توسعه ارتباطات یمن با غرب

بخصوص با امریکا که شامل خرید سلاح نیز می باشد ادامه یافت. روابط این دولت با کشورهای معتدل عربی نیز توسعه یافت.

ژ- شاخ افریقا

اهمیت جهانی استراتژیکی منطقه شاخ افریقا و اهمیت خاص این منطقه برای کشورهای خاورمیانه احتیاجی به تأکید ندارد. در مورد شوروی مهمترین پایگاه نظامی آنها در اقیانوس

هند پایگاه آنها در برمیرا می باشد. مهمترین مسئله در منطقه آینده جیبوتی می باشد. در دسامبر ۱۹۷۵ فرانسه اعلام نمود که به این منطقه استقلال اعطاء خواهد کرد. این منطقه با جمعیت

محدود خود موفق نشده که یک گروه سیاسی قابل دوامی را تشکیل دهد. این منطقه با اختلافات قبیله ای (آفار و عیسی) با عدم رشد سیاسی کلی مواجه بوده و در مقابل تحریکات

خارجی کاملاً آسیب پذیر است. سومالی کوشش می نماید که این منطقه را بنحوی از انحاء بخاک خود ملحق سازد. جیبوتی یک نوع آزمایشی بمنظور پیشبرد هدفهای خود برای ایجاد یک سومالی بزرگ که شامل قسمتی از خاک جنوبی اتیوپی (اوگادن) و قسمت شمالی کنیا است محسوب می شود به همین جهت و به علت اینکه جیبوتی می تواند راه اساسی دسترسی به دریا

باشد کشور اتیوپی مخالف اشغال این منطقه وسیله سومالی می باشد.

در مورد اریتره کمک اعراب که وسیله عراق هماهنگ شده و از طریق سودان به شورشیان ارسال می شود موجب شده که ناآرامی ادامه یابد. اتیوپی اعراب را به صورت دشمن اصلی خود که مایلند اریتره را جزء خاک عربی نموده و دریای سرخ را نیز به یک دریای عربی تبدیل

نمایند محسوب می نماید.

اریتره مستقل و احتمال اشغال جیبوتی وسیله سومالی اوضاع را برای شوروی مساعد خواهد نمود بدین ترتیب در مورد اوضاع جیبوتی و بطور کلی در منطقه اتیوپی با تمام ناراحتیهایش

برای غرب بهترین راه حل و یا می توان گفت تنها راه حل می باشد. جهت بهره مند شدن از

پشتیبانی، در مورد سومالی و بطور کلی کمک متوجه غرب و بخصوص امریکا می باشد. سرنوشت منطقه بستگی به تمایل فرانسه به ادامه حضور خود و سرانجام موافقت کشورهای ذینفع در این زمینه تا بدست آوردن فرصت لازم برای ایجاد ثبات خواهد داشت.

پیشنهادات

کمیته اطلاعات پیشنهادات زیر را به چهل و سومین کمیته هماهنگ کننده تقدیم می نماید:

ص: ۲۷۵

توجه سرویسهای سه جانبه به جمع آوری موضوع های زیر جلب می شود:

الف – فعالیتهای لیبی در شمال افریقا و خاورمیانه.

ب – میزان تغییرات نفوذ شوروی در عراق و خلیج فارس.

پ – تغییرات در موازنه جناح ها در دولت جمهوری دموکراتیک خلق یمن و اثرات آن در سیاست خارجی آن کشور.

ت – تعقیب فعالیتهای تروریستی در خاورمیانه با پشتیبانی عراق و لیبی (مشابه فعالیت گروههای

فلسطینی در مصر و سوریه).

ث – تحولات آینده در لبنان با توجه خاص به نقش سوریه و نفوذ آن کشور در طرحهای مبارز.(۱)

چهل و ششمین کمیته هماهنگ کننده سه جانبه، در اردیبهشت سال ۱۳۵۷ یک روز قبل از اجلاس شورای سه جانبه، در تل آویو برگزار شد.

رئیس کمیته هماهنگ کننده، طی سخنانی ضمن تشکر از میزبانی اسرائیلی ها، با ابراز نگرانی از بعضی حوادث و تحولات منطقه خاورمیانه، که احتمالاً مقصود قیام و انقلاب اسلامی مردم مسلمان ایران است، از آن به عنوان خطری یاد کرده که صلح و آرامش منطقه را

مورد تهدید قرار داده است. در گزارش ساواک در این باره چنین آمده است:

سخنرانی افتتاحیه رئیس کمیته هماهنگ کننده در چهل و ششمین جلسه کمیته تل آویو– اردیبهشت ۲۵۳۷ [۱۳۵۷]

دوستان – همکاران عزیز

بسیار خوشوقتم که بمناسبت تشکیل چهل و ششمین کمیته هماهنگ کننده بار دیگر فرصت یافته ام با دوستان قدیم و همکاران ارجمند دیدار نمایم و درباره مسائل مهم منطقه و امور

مربوط به سه جانبه بحث و تبادل نظر داشته باشیم.

در مدتی که از آخرین گردهم آئی ما می گذرد صحنه سیاست خاورمیانه شاهد تحولات و ناآرامی هائی بوده است که مشروحا بوسیله کمیته های اطلاعات و امنیت مورد بررسی و تجزیه

و تحلیل قرار گرفته و از مطالعه این گزارشها چنین استنباط می شود که صلح و آرامش در این منطقه حساس همچنان در خطر است و متأسفانه ابتکاراتی که برای حل بحران بعمل آمده تاکنون نتیجه مطلوبی نداده است.

۱- . گزارش ساواک، آبان ۱۳۵۵، بدون شماره، با طبقه بندی سری.

اطمینان دارم با توجه به روح همکاری و تفاهم و صمیمیتی که همواره رهنمون ما در ترسیم شکل واقعی رویدادها و تجزیه و تحلیل وقایع این منطقه حساس بوده نتایج ارزنده و قابل

توجهی از جلسات این کنفرانس بدست خواهیم آورد.

در خاتمه لازم می دانم از سرویس میزبان بخاطر ترتیبات عالی که برای برگزاری کنفرانس و آسایش ما نظیر همیشه فراهم شده است تشکر نمایم. متشکرم.(۱)

گزارش چهل و ششمین کمیته هم آهنگ کننده

۱- چهل و ششمین کمیته هماهنگ کننده در تاریخ ۱۳ اردیبهشت ماه ۲۵۳۷ [۱۳۵۷]در اسرائیل تشکیل شد.

۲- جلسه بریاست رئیس هیئت ایران و با شرکت معاونین سرویسهای ترکیه و اسرائیل و دبیرکل سه

جانبه تشکل شد.

۳- رئیس جلسه کمیته را افتتاح کرد و به اعضاء کمیته خوش آمد گفت و در پاسخ آن معاونین رؤسای

سرویسهای ترکیه و اسرائیل اظهاراتی نمودند.

۴- کمیته هم آهنگ کننده دستور جلسه را تصویب کرد.

۵- گزارش گران بوسیله کمیته انتخاب شدند.

۶- دبیرکل سه جانبه گزارش گردش کار را تقدیم نمود که مورد تصویب کمیته هماهنگ کننده قرار گرفت.

۷- کمیته هماهنگ کننده گزارش کمیته امنیت را بررسی و تصویب نمود.

۸- کمیته هماهنگ کننده گزارش کمیته اطلاعات را بررسی و تصویب نمود.

۹- عناصر اصلی خبر مورد بررسی قرار گرفت و با تغییرات جزئی به تصویب رسید.

۱۰- بیست و ششمین سمینار سه جانبه در ترکیه و در ماه سپتامبر ۱۹۷۸ (شهریور ماه) [۱۳۵۷] و درباره ضدجاسوسی تشکیل خواهد شد که تاریخ دقیق آن بعدا تعیین خواهد شد. سه موضوع درباره ضدجاسوسی توسط هیئت ترکیه به کمیته ارائه شد. کمیته هماهنگ کننده تصویب کرد که

موضوعات مورد نظر سمینار باید در جریان سمینار ارائه و مورد تصویب قرار گیرد.

۱۱- کمیته پیشنهاد تهیه تاریخچه سه جانبه را تصویب کرد. هر سرویس باید رأسا گزارش خود را تهیه کند و در اختیار دو سرویس دیگر قرار دهد. نویسندگان تاریخچه در کمیته هماهنگ کننده

۱- . گزارش ساواک، بدون شماره و تاریخ، با طبقه بندی سری. این گزارش ظاهرا در اردیبهشت ۱۳۵۷ تهیه شده است.

بعدی با یکدیگر ملاقات کرده و یک تاریخچه مشترک بنویسند. تاریخچه ای که بوسیله هر سرویس بطور جداگانه نوشته می شود و تاریخچه مشترک باید بکلی سری تلقی شود.

۱۲- کمیته به دبیرکل سه جانبه توصیه کرد که در چهارچوب بودجه دبیرخانه می تواند هر چیزی را که برای کارهای اداری احتیاج دارد خریداری نماید بدون اینکه احتیاجی به ارائه گزارش

نوبه ای به کمیته هماهنگ کننده باشد.

۱۳- چهل و هفتمین کمیته هماهنگ کننده در ایران در نوامبر ۱۹۷۸ (اوایل آبانماه) تشکیل خواهد

شد که تاریخ دقیق آن بعدا تعیین خواهد شد.

۱۴- کمیته هماهنگ کننده تصویب کرد که این گزارش به شورای سه جانبه تسلیم گردد.(۱)

نشست کمیته سه جانبه، مقدمه ای برای تشکیل شورای اطلاعاتی سه جانبه ایران و ترکیه و اسرائیل در تل آویو در اردیبهشت ۱۳۵۷ بود. اداره کل هفتم ساواک طی گزارشی به حوزه ریاست

ساواک (اداره پیمان ها) با اشاره به مباحثات و موضوعات مطروحه در اجلاس کمیته و شورای

سه جانبه در تل آویو، به توافق و تصمیم سرویس اطلاعاتی ترکیه، اسرائیل و ایران، مبنی بر تشکیل بیست و ششمین سمینار سه جانبه در ماه سپتامبر ۱۹۷۸ (آبان ۱۳۵۷) و نیز چهل و هفتمین کمیته

هماهنگ کننده و سی و هفتمین کمیته های اطلاعاتی و امنیت سه جانبه در ماه نوامبر ۱۹۷۸ (آبان ۱۳۵۷) و به علاوه سی و پنجمین شورای سه جانبه در ماه مه ۱۹۷۹ (اردیبهشت ۱۳۵۸) در ترکیه

اشاره شده است. رؤسای سرویس های اطلاعاتی سه گانه در اجلاس مزبور، با همه کارشناسان و جاسوسان اطلاعاتی خود هیچ گاه تصور و پیش بینی نمی کردند که با پیروزی مردم مسلمان ایران

و انقلاب اسلامی در این کشور، همه پیش بینی ها و تصمیمات آن ها مبنی بر برگزاری اجلاس

سمینار سه جانبه آتی در ترکیه منجر به شکست و نقش بر آب خواهد شد:

بازگشت بشماره ۹۸۷۹/۱۰۰۱پ -۸/۱۲/۲۵۳۶] ۱۳۵۶]

بنابر تصویب تیمسار ریاست ساواک، سی و ششمین کمیته های اطلاعات و امنیت، چهل و ششمین کمیته هماهنگ کننده و سی و چهارمین شورای سه جانبه با شرکت سه سرویس ایران، ترکیه و اسرائیل از تاریخ ۱۰ الی ۱۴ اردیبهشت ماه ۲۵۳۷ [۱۳۵۷] در تل آویو تشکیل شد.

گزارشهای مشروحه زیر جهت اطلاع و اقدام مقتضی به پیوست ایفاد می گردد:

ص: ۲۷۸

۱- . گزارش ساواک، بدون شماره و تاریخ، با طبقه بندی سری. این گزارش در اردیبهشت **۱۳۵۷** تهیه شده است.

۱- گزارش سی و ششمین کمیته اطلاعات به چهل و ششمین کمیته هماهنگ کننده.

۲- گزارش سی و ششمین کمیته امنیت و چهل و ششمین کمیته هماهنگ کننده.

۳- گزارش دبیر کل سه جانبه.

۴- گزارش مبادله اخبار سه جانبه.

۵- فهرست نیازمندیهای اطلاعاتی سه جانبه.

۶- عناصر اصلی خبر سه جانبه و گزارش میزان پوشش آن.

۷- موضوعات پیشنهادی سرویس ترکیه برای بیست و ششمین سمینار سه جانبه.

۸- گزارش چهل و ششمین کمیته هماهنگ کننده به سی و چهارمین شورای سه جانبه.

۹- گزارش سی و چهارمین شورای سه جانبه.

نکات مهم مورد توافق در کنفرانس سه جانبه بشرح زیر بآگاهی می رسد:

۱- بیست و ششمین سمینار سه جانبه در زمینه ضدجاسوسی در ماه سپتامبر ۱۹۷۸ در ترکیه تشکیل

خواهد شد که تاریخ دقیق آن متعاقبا توسط سرویس ترکیه تعیین و اعلام خواهد شد. در جلسه کمیته هماهنگ کننده هیئت سرویس ترکیه طی گزارشی (موضوع بند ۷ فوق) سه موضوع در زمینه ضدجاسوسی پیشنهاد و ارائه نمود تا سرویسهای ایران و اسرائیل یک موضوع را جهت طرح در سمینار مذکور انتخاب و مورد بحث و تبادل نظر قرار دهند. (طبق توصیه کمیته هماهنگ کننده قرار شد در هر جلسه سمینار سه جانبه زمینه سمینار سه جانبه

بعدی توسط سرویس میزبان مطرح و موضوع مورد بحث برای آن سمینار انتخاب گردد).

۲- چهل و هفتمین کمیته هماهنگ کننده و سی و هفتمین کمیته های اطلاعات و امنیت سه جانبه در ماه نوامبر ۱۹۷۸ [آبان ۱۳۵۷]، در تهران تشکیل خواهد شد که تاریخ دقیق آن باید متعاقبا توسط سرویس ایران تعیین و اعلام گردد. ضمنا سی و پنجمین شورای سه جانبه در ماه مه ۱۹۷۹ [اردیبهشت ۱۳۵۸] در ترکیه تشکیل خواهد شد.

۳- قرار شد هریک از سرویسهای سه گانه بطور جداگانه گزارشی درباره تاریخچه کنفرانس سه جانبه تهیه و بمنظور مطالعه و بررسی در اختیار دو سرویس دیگر قرار دهند و نمایندگان

سرویسهای سه جانبه در این زمینه گزارشهای دو سرویس دیگر را مورد مطالعه و بررسی قرار

دهند و سپس در جلسه کمیته هماهنگ کننده بعدی درباره سه گزارش ارائه شده بحث و تبادل

نظر کنند و یک تاریخچه مشترک تهیه نمایند. این گزارش بکلی سری تلقی خواهد شد.

ص: ۲۷۹

۴- کمیته هماهنگ کننده به دبیرکل سه جانبه توصیه کرد که در چهارچوب بودجه دبیرخانه می تواند برای مصارف اداری هزینه نماید بدون اینکه نیازی به ارائه گزارش نوبه ای به کمیته باشد.

۵- قرار شد گزارشهای سرویسهای سه جانبه دارای یک پاراگراف نتیجه در آخر هر گزارش باشد.

۶- هریک از سرویسهای سه جانبه با همکاری یکدیگر گزارشهای خود را حداقل ۵ روز قبل از تشکیل کمیته ها در اختیار دو سرویس دیگر بگذارند تا فرصت کافی جهت مطالعه و بررسی آنها وجود داشته باشد. نتیجه کار کنفرانس در محل بعرض تیمسار ریاست ساواک رسیده است.

مراتب جهت اطلاع و هرگونه اقدام مقتضی اعلام می گردد.

مدیر کل اداره هفتم - کاوه(۱)

اسناد موجود ساواک حکایت از آن دارند که از سوی کمیته هماهنگ کننده و شورای سه جانبه تل آویو، به شرح ذیل، تصمیم گرفته شده بود:

بیست و ششمین سمینار سه جانبه در حدود شهریور ماه ۲۵۳۷ [۱۳۵۷](ماه سپتامبر ۱۹۷۸) در ترکیه تشکیل خواهد شد.

سی و هفتمین کمیته های اطلاعات و امنیت و چهل و هفتمین کمیته هماهنگ کننده سه جانبه در

نیمه دوم آبان ۲۵۳۷ (حدود ۶ نوامبر ۱۹۷۸) [۱۳۵۷] در تهران تشکیل خواهد شد.(۲)

در یکی دیگر از اسناد ساواک، آمار اخبار و گزارش های مبادله شده بین سرویس های اطلاعاتی ایران، اسرائیل و ترکیه، طی یک دوره شش ماهه، از تاریخ ۱۹ سپتامبر ۱۹۷۷ تا

اوریل ۱۹۷۸م / ۲۸ شهریور ۱۳۵۶ تا فروردین ۱۳۵۷، به شرح ذیل اعلام شده است:

آمار گزارشهای وارده و صادره سه جانبه از تاریخ ۱۹ سپتامبر ۱۹۷۷ تا اول آوریل ۷۸[۱۹]

صادره پرچم به طوفان ۱۲۶ فقره

واصله پرچم از طوفان ۱۵ فقره

صادره پرچم به فولاد ۱۵۱ فقره

واصله پرچم از فولاد ۳۲۹ فقره(۳)

۱- . گزارش ساواک، مورخ ۲۳/۲/۲۵۳۷ [۱۳۵۷]؛ شماره ۲۵۸۱/۷۰۲.

۲- . سند ساواک، بدون شماره و تاریخ، با طبقه بندی سری.

۳- . گزارش ساواک، بدون شماره و تاریخ، با طبقه بندی سری.

پیمان اطلاعاتی سه جانبه

اتیوپی، اسرائیل و ایران شاهنشاهی

اشاره

ص: ۲۸۱

موقعیت، اهمیت و جایگاه اتیوپی

در استراتژی پیرامونی اسرائیل

سران و رهبران رژیم صهیونیستی، از ابتدای تأسیس آن، تحت پوشش شعار تبلیغاتی دفاع از امنیت و موجودیت اسرائیل و پیشگیری از هرگونه خطری که عمق استراتژیک جامعه صهیونی در فلسطین را تهدید می کند، اهداف توسعه طلبانه خود را به ویژه با ابزارهای

اطلاعاتی و سیاسی دنبال کردند. این اهداف که همان «استراتژی پیرامونی اسرائیل» است از همان آغاز از سوی دستگاه اطلاعاتی و جاسوسی و سیاسی اسرائیل مورد تعقیب بوده و در دستور کار و فعالیت رهبران و سران اسرائیلی قرار داشته است. رهبران و دولتمداران اسرائیلی در جهت تحقق این استراتژی، دسترسی آسان و بی مانع، به آب ها و مناطق ساحلی

مدیترانه را تا کانال سوئز، دریای سرخ و تنگه باب المندب تا خلیج عدن و اقیانوس هند،

شامل همه سواحل آبی کشور لیبی، مصر، سودان، اریتره، اتیوپی، کنیا، جیبوتی و سومالی و...

در دستور و برنامه های خود قرار دادند و دنبال کردند. اجرا و تعقیب این برنامه ایجاب

می کرد اسرائیلی ها پایگاه ها و ایستگاه های سیاسی و اطلاعاتی ویژه خود را در کشورهای

همجوار و همسایه مناطق و سرزمین های پیرامونی ایجاد و آن را تحکیم و تقویت کنند.

بن گوریون مدعی شده بود که تحکیم روابط اسرائیل با کشورهای غیرعرب پیرامون میهن عربی، می تواند سرانجام [در راستای استراتژی صهیونیسم] به تحمیل صلح منجر شود. وی اضافه کرد:

ما نمی توانیم همسایگان مان را مجبور کنیم به امضای قرارداد صلح با ما تن دهند، اما هیچ چیز بهتر از بدست آوردن دوست در کشورهای آسیا و آفریقا، نمی تواند کینه اعراب نسبت به ما را

ص: ۲۸۳

کاهش دهد.(۱)

رهبران و تئوریسین های دیگر صهیونیست نیز همان اعترافات دیوید بن گوریون را مبنی بر استراتژی پیرامونی اسرائیل تأیید کرده اند.

عاموس بن ترنر گفته های بن گوریون را چنین تکرار می کند:

این روابط، منظور روابط همکاری با آفریقا و آسیا تکیه گاه اساسی و اصلی اسرائیل در رابطه با جهان خارج در آن سو و در بالای دیوار صوت خصومت است که اعراب پیرامون اسرائیل کشیده اند.(۲)

قدرت های غربی به همان میزان در اشغال فلسطین و استقرار و اسکان یهودی های در آن سرزمین و سپس ایجاد اسرائیل و بعدها، تحکیم و تقویت و پشتیبانی از آن، نقش اساسی و عمده

ایفا کردند؛ و اسرائیل را در تعقیب استراتژی پیرامونی اش نیز به طور جدی و همه جانبه یاری رساندند.

کشورهای امپریالیستی به موجودیت صهیونیستی برای انجام مأموریت و تسهیل برقراری روابط با کشورهای نوخاسته کمک شایانی کردند، از جمله، انگلستان به اسرائیل اجازه داد در کنیا و اوگاندا و غیره کنسولگری افتتاح کند. فرانسه نیز راه را برای رخنه اسرائیل به مستعمره های تازه استقلال یافته کامرون، جمهوری آفریقای مرکزی، چاد، کنگو برازاویل، داهومی، گابن، ساحل

عاج، ماداگاسکار، مالی نیجر، سنگال، توگو و ولتای علیا هموار کرد.(۳)

به این ترتیب، اسرائیل صرف نظر از ابزارها و اهرم های گوناگون که در اختیار داشت، با هماهنگی و همکاری قدرت های غربی، به ویژه آمریکا، در صدد انعقاد پیمان سیاسی و اطلاعاتی مشترک با تعدادی از کشورهای پیرامونی غیرعرب و وابسته با اردوگاه نظام سلطه، برآمد. درباره علایق و اهداف اسرائیلی ها برای تعقیب استراتژی پیرامونی در آفریقا نوشته شده است:

گستردگی علاقه اسرائیل را به آفریقا در اواسط دهه ۱۹۶۰، می توان به خوبی از خلال سوابقی که بازمانده یکی از افسران بانفوذ دفاعی اسرائیل است دریافت. وی که اسرائیل لِیُور نام دارد،

۱- . استراتژی صهیونیسم در منطقه عربی، ص ۲۱۰، به نقل از روزنامه اسرائیلی هستوفیه، مورخ ۴/۱۰/۱۹۸۰.

۲- . همان منبع، ص ۲۱۰.

۳- . همان منبع، صص ۲۱۰-۲۱۱.

در سال های ۱۹۶۵ و ۱۹۶۶ مسافرت هایی به خطه این متحدین تازه یافته کشورش داشته است. او به عنوان منشی امور نظامی لوی اشکول نخست وزیر اسرائیل خدمت می کرد. هدف نخستین سفر که طی آن آوراهام تامیر ژنرال ارتش اسرائیل نیز لیور را همراهی می کرد کنترل و ارزیابی توانایی های نظامی اسرائیل در آنجا و بررسی چگونگی پدید آوردن روابط نزدیکتر با ارتش های قاره سیاه بود. آن گونه که لیور بعدا خاطرنشان ساخت؛ کمک های نظامی و غیرنظامی اسرائیل به دولت های آفریقایی در آن هنگام به حداکثر مقدار خود رسیده بود. تقریبا در همه کشورها [در آفریقا]، اسرائیلی هایی بودند که در سیستم های نظامی و غیرنظامی به آنها یاری می کردند.(۱)

به این ترتیب، علاوه بر ابزارها و اهرم های گوناگونی که اسرائیلی ها در اختیار داشتند، از نفوذ و تعامل خود با قدرت های غربی به ویژه آمریکا نیز استفاده کامل بردند. با بهره گیری از این زمینه ها و فرصت ها، آن ها در صدد انعقاد پیمان سیاسی و اطلاعاتی مشترک با تعدادی از کشورهای پیرامونی غیرعرب و وابسته به اردوگاه غرب برآمدند. ایران شاهنشاهی، ترکیه، اتیوپی و افریقای جنوبی در رأس این کشورها در آفریقا و آسیا قرار داشتند.

بارزوهر مؤلف کتاب پیامبر صلح که داستان زندگی دیوید بن گوریون است، می گوید:

اسرائیل بعد از تأسیس در سال ۱۹۴۸، در پی اعلام تضمین مرزهای آن توسط سه کشور امپریالیستی آمریکا و انگلستان و فرانسه به سال ۱۹۵۰، در سال ۱۹۵۱ کوشید پیمان نظامی با آمریکا و انگلستان و فرانسه - انفرادی یا دسته جمعی - تشکیل دهد و به عضویت پیمان آتلانتیک

شمالی (ناتو) درآید. در همان اول اسرائیل سعی کرد، انجمن دفاعی با همپیمانان امپریالیسم

آمریکا در منطقه اتیوپی و ایران و ترکیه، با تأیید و هدایت آمریکا بوجود آورد.(۲)

بعد از اعلام موجودیت جمهوری متحده عرب در فوریه ۱۹۵۸، بن گوریون به رژیم هایی

در منطقه رو آورد که امکان داشت رشد جنبش آزادی بخش ملی عرب را تهدیدی برای منافع و مطامع خود، تلقی کرده باشند. بارزوهر، اندیشه های بن گورین را در آن مرحله، چنین تصویر می کند:

اتیوپی به طور فزاینده ای از سیاست توسعه طلبانه جمال عبدالناصر دچار وحشت خواهد شد.

۱- . کاکبورن، صص ۱۷۵-۱۷۶؛ به نقل از خاطرات سرتیپ اسرائیل لیور، اورشلیم، یدیوت آهارانوت ۱۹۸۷.

۲- . استراتژی صهیونیسم در منطقه عربی، ص ۲۱۳.

ترکیه از دشـمن عربی در جبهه جنوبی خود [عراق]بیمناك است. ایران در گیر کشمکش اقلیمی با عراق می شود. جمعیت این کشورها علاوه بر اسرائیل، بیشتر از جمعیت خاورمیانه است. لذا چرا نباید میان آنها پیمانی تشکیل شود.(۱)

نویسندگان آمریکایی نیز این گونه نوشته اند:

متحدین بالقوه ای که بن گوریون در ذهن داشت ترك ها و ایرانیان بودند که از نظر موقعیت جغرافیایی برای محاصـره و تنگنا گذاشتن سوریه و عراق وضعیتی ایده آل داشتند. امپراتوری

باستانی اتیوپی نیز که در آفریقا هم مرز کشورهای عرب بود، چنین حالتی داشت.(۲)

این پیمان های چنـدجانبه، علاوه بر اهـداف بلندمدت، در راسـتای استراتژی صـهیونیسم، منافع تاکتیکی و کوتاه مدت نیز برای صهیونیست ها به همراه داشتند.

هریك از سه کشور، اتیوپی و ایران و ترکیه، در آن موقع مستقیما وابسته به امپریالیسم آمریکا

بودند. ترکیه عضو پیمان آتلانتیك شمالی (ناتو) و عضو پیمان مرکزی (سنتو) است. اما رژیم

شاه یکی از کشورهای اساسی در پیمان سنتو و اولین تأمین کننده نفت اسرائیل بود. امپریالیسم،

رژیم شاه را در ایران برای ایفای نقش ژاندارم در منطقه آماده می کرد. اما اتیوپی دوران امپراتور هیلا [هایله] سیلاسی به دلیل عقب ماندگی سیاسی و اقتصادی و اجتماعی رژیم حاکم بر پایه ترکه قرون وسطی و سلسله امهری و به دلیل وجود پایگاه های آمریکـایی در جزایر «دارا» [در] اتیوپی و در نـتیجه درگیر بودن در جنـگ بـا اریتره، سـبب شـد که هر سه رژیم در مجموع در دشـمنی بـا جنبش آزادی بخش عرب، همسـو شونـد. و چـون این کشورهـا دیـواری پیرامـون کشورهـای اساسـی [مهم] منطقه خاورمیانه تشـکیل می دادنـد، ترکیه از شـمال و ایران از شـرق، و اتیوپی از جنوب غربی، برای تحت فشار گذاشـتن کشورهای عربی ملی و درگیری بـا آنهـا به نیـابت از سـوی امپریـالیسم به کـار گرفته می شدنـد ترکیه و تهدیـدهای سـال ۱۹۵۷ آن علیه سوریه،

ایران و دست اندازی هایش علیه عراق در پی انقلاب ۱۹۵۸، اتیوپی و تحت فشار گذاشتن مصر

در جریان سداسوان و مجهز ساختن جیره خواران (مزدوران) در جنوب سودان به اسلحه و مهمات از جمله تهدیدات آنان بوده است.(۳)

ساموئیل کاتز که خود دارای گرایشات شدید صهیونیستی است، در کتاب جاسوسان خط

۱- . همان منبع، ص ۲۱۳.

۲- . کاکبورن، ص ۱۵۹.

۳- . استراتژی صهیونیسم در منطقه عربی، ص ۲۱۴.

آتش، درباره جایگاه اتیوپی، ترکیه و ایران در استراتژی پیرامونی اسرائیل نوشته است:

در صحنه بین المللی، واحد اطلاعات نظامی [اسرائیل] در حال برقرار کردن پیوندهای محکمی با تعدادی از قدرت های دوست بود که خود را به صورت علنی و کامل نسبت به اسرائیل متعهد

می ساختند؛ روابط پنهانی را با تقریبا همه کشورهای دیگر پدید می آوردند. در واقع از اوایل دهه ۱۹۵۰، واحد اطلاعات نظامی تحت رهبری بن گوریون، به عنوان نخست وزیر و وزیر دفاع

در فعالیت های گسترده ای از کسب اطلاعات در شمال آفریقا و آسیا درگیر شده بود. استراتژی

«نظریه پیرامون» تلاش می کرد دشمنان عمده اسرائیل را تحت محاصره متحدین اسرائیل درآورد. چنین متحدینی که باید برای رسیدن به توافق با آنها، اقدام می شد عبارت بودند از اتیوپی، که هم مرز سودان و مصر بود، ترکیه که با سوریه و لبنان هم مرز بود، و ایران که روی عراق و اردن سایه می انداخت. از آنجا که دولت های آفریقای شمالی (مراکش، الجزایر و لیبی) [در آن زمان] یا مستعمره بودند و یا تحت تسلط پادشاهان به سر می بردند، با واحد اطلاعات نظامی و موساد

پیوندهای موقتی برقرار ساخته بودند.(۱)

به هر روی، به دلایل، عوامل و علل متعددی، سه کشور ایران، ترکیه و اتیوپی جایگاه مهم و اساسی در استراتژی پیرامونی اسرائیل داشتند. اهمیت این جایگاه فقط به دلیل موقعیت

ژئوپولتیکی و استراتژیکی آن کشورها نبود، بلکه زمینه های سیاسی دیگری نیز وجود داشت

که از همه مهمتر وابستگی دولتمداران و حکام آن کشورها به اردوگاه نظام سلطه جهانی و

حامیان اصلی اسرائیل بود. بهره گیری سریع و همه جانبه از این فرصت ها و موقعیت ها برای

اسرائیلی ها، حیاتی و کلیدی بود. بنابراین آن ها نیز فرصت را مغتنم شمردند و بدون فوت

وقت، در کنار انعقاد پیمان سه جانبه اطلاعاتی با ترکیه و ایران، که شرح آن گذشت، همزمان با اتیوپی و ایران نیز یک پیمان اطلاعاتی سه جانبه منعقد کردند. تا در کنار به خدمت گرفتن

دستگاه اطلاعاتی ایران و ترکیه در یک جبهه از ایران و اتیوپی نیز در جبهه دیگری استفاده

کنند و آن ها را در خدمت استراتژی صهیونیسم به کار گیرند.

اسرائیلی ها با حضور و نفوذ همه جانبه سیاسی و اطلاعاتی که از قبل در اتیوپی به هم زده بودند توانستند ایده های خود را جامه عمل بپوشانند. درباره سابقه روابط اسرائیلی ها با

۱- . ساموئل کاتز، جاسوسان خط آتش، ترجمه محسن اشرفی، انتشارات مؤسسه اطلاعات، چاپ اول، ۱۳۷۵، صص ۲۵۸-۲۵۹.

اتیوپی به طوری که نوشته اند:

بن گوریون [اولین نخست وزیر اسرائیل] در نامه ای که به آیزنهاور نوشته و در آن موضوع اتحاد با پیرامون را پیشنهاد داده بود به طور خاص اظهار می کرد: ما با امپراتوری اتیوپی تماس برقرار کرده و روابط دوجانبه مبتنی بر اعتماد پدید آورده ایم. در واقع این روابط سابقه ای داشت که به زمان عملیات مخفیانه هوایی برای قاچاق اسلحه از چکسلواکی می رسید. هنگامی که در اوایل

سال ۱۹۴۸ معامله اسلحه بین دو طرف در پراگ به نتیجه رسید، هر دو طرف مایل بودند هویت

خریدار مخفی بماند، و در نتیجه اسرائیلی ها به عنوان نمایندگان دولت اتیوپی وارد معامله

شدند. پس از آن روابط با هایله سیلاسی امپراتور اتیوپی به صورت مودت آمیز و گرم باقی ماند. این کشور فئودالی سلطنتی که شدیدا ضدکمونیست بود برای انجام عملیات علیه کشور همسایه - سودان - که عرب به حساب می آمد و همچنین در طول سواحل دریای سرخ و آن دسته

از مستعمرات سابق اروپایی که در اواخر دهه ۱۹۵۰ استقلال خود را به دست می آوردند، نقطه

ایده آلی بود.(۱)

به علاوه، اسرائیلی ها به بهانه و تحت پوشش انتقال تخصص به اتیوپی، مزدورانی را در آن کشور آموزش داده و در خدمت گرفته بودند که این حرکت، بهترین زمینه نفوذ و حضور آن ها در آن کشور را تسهیل و در عین حال تضمین و تقویت می کرد.

بر حسب آرزوی ایسر هارل [یکی از سر جاسوسان اسرائیل] جهت انتقال تخصص اسرائیلی ها در زمینه امنیت داخلی، مستشاران او [صهیونیست ها]یک گروه پلیس مخفی کارا و کاملاً مؤثر برای امپراتور اتیوپی تربیت کردند. هنگامی که در سال ۱۹۶۰ امپراتور اتیوپی مورد تهدید

کودتایی واقع شد، ندای ناامیدانه از کاخ او شنیده شد: اسرائیلی ها را بفرستید. ژنرال ماتی پلد که سابقا در شمار تندروهای ستاد کل بود و سپس در زمره صلح جویان درآمد، به خاطر می آورد

که کمک اسرائیلی ها حداقل سه بار امپراتور را از گرفتار شدن در دست کودتاچیان رهانده

است، هرچند که در نهایت به سال ۱۹۷۴ نتوانست وی را از سقوط نجات دهد.(۲)

درباره چگونگی شناسایی رسمی اسرائیل از سوی اتیوپی؛ طبق ادعای مقامات و رسانه های اسرائیلی، دولت اتیوپی در آبان ماه سال ۱۳۴۰ برابر نوامبر ۱۹۶۱ اسرائیل را به طور

۱- . کاکبورن، صص ۱۷۲-۷۳.

۲- . کاکبورن، ص ۱۷۲.

کامل به رسمیت شناخت و برقراری رابطه سیاسی بین دو دولت را اعلام کرد.(۱)

به هر روی، اشاره به عوامل و زمینه هایی که موجب ایجاد رابطه بین اتیوپی و اسرائیل و سپس تقویت آن شد، ضروری می نماید.

حضور آمریکا زمینه ساز نفوذ اسرائیل

در آغاز دهه پنجاه میلادی، اتیوپی تحت حمایت آمریکا بود. آمریکا در جزیره کانیو نزدیک شهر «اسمره» یک پایگاه نظامی تأسیس کرد... وظایف بسیار مهمی به عهده این پایگاه

گذاشته شده بود: پیگیری ماهواره ها، ضبط و انتقال مخابرات بی سیم و کلیه تماس های اردوگاه سوسیالیسم. در تاریخ ۳/۲/۱۹۷۱ مجله لبنانی الحوادث طی گزارشی اعلام کرد: در

این پایگاه مکالمات نظامی به هر زبانی که باشد سریعا ترجمه شده و رمز آنها حل می شود و در واقع بزرگترین ایستگاه فرستنده آمریکا در خارج کشور و نخستین جای پای آمریکا در شاخ آفریقا به شمار می رود. در سال ۱۹۶۰ آمریکا با امپراتور هایله سلاسی قراردادهایی امضا کرد و بر مبنای آن متعهد شد که در مقابل پایگاه «کانیور» ۴۰ هزار نظامی اتیوپیایی را آموزش دهد.(۲) بنابراین آمریکا به عنوان دوست، همپیمان و متحد استراتژیک اسرائیل، زمینه های لازم را برای تقویت و گسترش حضور و نفوذ رژیم صهیونیستی در اتیوپی فراهم آورد.

گسترش نفوذ اسرائیل در اتیوپی

در سال ۱۹۵۷، حدود یک سال پس از تجاوز سه جانبه فرانسه، انگلیس و اسرائیل به مصر، امپراتور اتیوپی با درخواست بن گوریون نخست وزیر وقت اسرائیل موافقت کرد و به این ترتیب روابط دو طرف گسترش یافت و این به منزله تلاش آمریکا برای تثبیت موقعیت اسرائیل در آفریقا بود. در تاریخ ۱۴/۹/۱۹۶۰، نیروی هوایی اسرائیل به امپراتور هایله سلاسی

که با یک کودتای نظامی مواجه شده بود، کمک کرد. امپراتور در آمریکای لاتین مشغول گردش بود که کودتا رخ داد. وی از گلدامایر وزیر امور خارجه وقت اسرائیل تقاضای کمک کرد. گلدامایر، ضمن قبول این درخواست، بن گوریون (نخست وزیر وقت اسرائیل) را در

۱- . علی اکبر ولایتی، ص ۱۰۰.

۲- . استراتژی صهیونیسم در منطقه عربی، صص ۲۱۸-۲۱۹.

جریان گذاشت و او، به شرط اشغال پایگاه اسمره توسط نیروی هوایی اسرائیل، به منظور تأمین امنیت فرود هواپیمای امپراتور، با این درخواست موافقت کرد. در سال ۱۹۶۱ بن گوریون طی یک نامه شخصی به امپراتور اتیوپی، از وی درخواست کرد، اسرائیل را به طور کامل و دیپلماتیک به رسمیت بشناسد. لذا پس از اجرای مقدمات، در سپتامبر ۱۹۶۳

اتیوپی اسرائیل را به رسمیت شناخت. در سال ۱۹۷۱، اسحاق رابین(۱) و حییم بارلو و سپس موشه دایان، آبا اِبان و شیمون پرز، [شخصیت های بلندپایه و استراتژیست اسرائیل]به اتیوپی

مسافرت کردند. از این زمان، اسرائیلی ها در دستگاه های سیاسی، اقتصادی و نظامی اتیوپی نفوذ خود را تقویت کردند.(۲) فعالیت و نفوذ اسرائیلی ها در اتیوپی، طی این سال ها، به شرح زیر بود:

۱- اسرائیلی ها مدیریت فعالیت های اطلاعاتی و امنیتی اتیوپی و اداره مرکز آموزش عالی

۱- . اسحاق رابین در اول مارس ۱۹۲۲ در بیت المقدس متولد شد. پدرش آمریکایی و اوکراینی الاصل و مادرش روسی تبار بود. پدر اسحاق رابین از بنیانگذاران جنبش کارگران یهود در فلسطین و مادرش روزا کهن مدت چند سال نماینده شورای کارگران تل آویو بود. از از یک مدرسه شبانه روزی کشاورزی به نام کالج کادوری فارغ التحصیل شد. در سال ۱۳۴۰ یک جایزه بورس تحصیلی از کمیسر عالی انگلستان در فلسطین دریافت کرد و در همین سال از سوی ایگال آلون فرمانده وقت پالماخ گروه تهاجم هاگانا، سزمان تروریستی و زیرزمینی یهود استخدام و به این سازمان ملحق شد و بعدها افسر اجرایی ستاد آلون و سپس رئیس پالماخ شد. در طول جنگ جهانی دوم، تحت لشکر انگلستان در مناطق فرانسه (ویشی)، لبنان و سوریه در جنگ شرکت کرد. در سال ۱۹۴۸ در اولین تقابل اعراب و اسرائیل فرمانده یک تیپ بود که مأموریت آن حفاظت از جاده منتهی به بیت المقدس بود. اسحاق رابین پس از حضور در کالج ستاد کمبریج انگلستان در سال های ۱۹۵۲-۱۹۵۳، به عنوان رئیس اداره آموزش نظامی منصوب و در سال ۱۹۵۶ تا ۱۹۵۹ فرمانده منطقه شمالی و سپس رئیس عملیات ستاد کل شد. در سال ۱۹۶۰ یک دوره دو ماهه آموزشی برای آشنایی با سلاح های مدرن را در تگزاس گذراند و پس از آن به سمت قائم مقام رئیس ستاد ارتش منصوب شد. در سال ۱۹۶۴ به ریاست ستاد نیروی دفاعی اسرائیل رسید و در سال ۱۹۶۷ در زمان جنگ ژوئن، وزیر دفاع بود. از ژانویه ۱۹۶۸ تا ۱۹۷۳ سفیر اسرائیل در آمریکا و از سال ۱۹۷۴ نماینده کِنِست (پارلمان اسرائیل) بود. در دولت گلدامایر وزیر کار شد و در ژوئن ۱۹۷۴ به نخست وزیری رسید و تا سال ۱۹۷۷ این سمت را به عهده داشت تا مناخیم بگین به عنوان نخست وزیر بر سر کار آمد. البته در سال ۱۹۷۷ به دلیل رسوایی ناشی از کشف حساب همسر اسحاق رابین در یکی از بانک های آمریکا که امری غیرقانونی در دولت اسرائیل محسوب می شد، از سمت خود استعفا داد. رابین در سال های ۱۹۸۴ تا ۱۹۹۰ وزیر دفاع بود که سیاست «مشت آهنین» و شکستن استخوان را در انتفاضه اول علیه فلسطینی ها در دستور برنامه خود قرار داد. اسحاق رابین در سال ۱۹۹۲ با پیروزی حزب کارگر مجددا به نخست وزیری رسید و در سال ۱۹۹۳ پیمان صلح موسوم به قرارداد اُسلو را با یاسر عرفات امضا و در سال ۱۹۹۴ جایزه صلح نوبل را به طور مشترک، با یاسر عرفات و شیمون پرز دریافت کرد. او در چهارم نوامبر ۱۹۹۵، در سن ۷۳ سالگی، در تل آویو به دست یک دانشجوی یهودی

ترور شد.

۲-. همان منبع، صص ۲۱۹-۲۲۰.

نیروهای امنیتی در آدیس آبابا را در اختیار گرفتند.

۲- چند مرکز و پایگاه جنگی، به خصوص در اریتره احداث کردند.(۱) بر اساس گزارش

جبهه آزادیبخش اریتره در آن زمان، اسرائیلی ها یک پایگاه هوایی در جزیره «حالب» در دریای سرخ، روبروی بندر حالب تأسیس کردند.(۲)

استراتژیست های صهیونی اتیوپی را به لحاظ استراتژیکی، امنیتی و ژئوپولیتیکی برای اسرائیل و اهداف آن مهم ترین کشور آفریقایی به حساب می آوردند.

اسرائیل در سال ۱۹۷۰، جزیره حالب واقع در ۲۰ کیلومتری جنوب شرقی بندر عصب را که ۴۰ کیلومتر مربع مساحت دارد، اجاره کرد و در آن پایگاه هوایی و دریایی ایجاد کرد.

همچنین یک پایگاه در بخش غربی اریتره به نام «رواجبات» و دو پایگاه دیگر به نام های

«مهکلای» در اسمره تأسیس کرد که یکی از آنها مختص فعالیت های جاسوسی بود. علاوه بر آن به منظور کنترل حرکت های دریایی کشورهای همجوار عربی و ناوگان های دریایی شوروی در جزیره «وهلک» ایستگاه های رادار ایجاد کرد... در تاریخ ۱۲/۳/۱۹۷۳ خبرگزاری ها گزارش دادند که اسرائیل چند جزیره کوچک را در نزدیکی باب المندب اشغال کرده است. اسرائیلی ها نیز اعتراف کردند که این جزیره ها را هشت ماه پیش، به وسیله یک

نیروی کماندویی در لباس غیرنظامی و بدون برافراشتن پرچم، تصرف کرده اند. اسرائیل همچنین اعتراف کرد که یک پایگاه ارتباطاتی در جزیره کوچکی به نام زطیر در فاصله ۳۲ کیلومتری ساحل جمهوری یمن جنوبی، تأسیس کرده است.(۳)

اسرائیل، سقوط هایله سلاسی امپراتور اتیوپی و روی کار آمدن منگیستو هایله ماریام در سال ۱۹۷۴ را ضربه ای به نقشه های صهیونیسم ارزیابی کرد... در تاریخ ۶/۲/۱۹۷۸ موشه دایان وزیر امور خارجه وقت اسرائیل اعلام کرد که بین آنها و اتیوپی روابطی وجود دارد. به دنبال

۱- . تحلیل سرویس اطلاعاتی و نیز وزارت امور خارجه اسرائیل، در سال های مورد نظر، این بود که اگر جنبش آزادیبخش اریتره، که از آن با عنوان شورشیان اریتره یاد می کردند، پیروز و اریتره از اتیوپی جدا شود، اسرائیلی ها در باب المندب و بنادر دریای سرخ بحر احمر دچار مشکل خواهند شد. همان طور که موشه دایان وزیر امور خارجه و دیوید کیمخی معاون موساد در ملاقات ۲۸ مرداد ۱۳۵۶ به رئیس ساواک گفته بودند؛ آنها در این زمینه به شدت در نگرانی و اضطراب به سر می بردند.

۲- . همان منبع، ص ۲۷۰.

۳- . همان منبع، ص ۲۲۵.

این اظهارات، اتیوپی هیأت اسرائیلی را اخراج و روابط خود را با رژیم صهیونیستی قطع کرد.(۱)

منابع دیگر در این باره نوشته اند؛ پس از جنگ ۱۹۷۳، روابط اسرائیل با اتیوپی که در آغاز زیر سپر موساد و طی اوج دوره دکترین حاشیه ای در سال ۱۹۵۸ تحکیم یافته بود قطع شد و

پس از آن هم از سوی رژیم مارکسیستی که پس از سرنگونی هایله سلاسی در سال ۱۹۷۴ به قدرت رسید تجدید نشد.(۲)

در پایان سال ۱۹۷۷ یک توافق سرّی میان مناخیم بگین و سرهنگ منگیستوهایله ماریام به

عمل آمد که بر پایه آن، اتیوپی مهاجرت فالاشاها را در ازای ادامه دریافت اسلحه از اسرائیل

نادیده انگاشت. این ترتیبات مساعد دوجانبه، طی یک پریشانی دوجانبه بسیار درهم و برهم،

در فوریه ۱۹۷۸، یعنی زمانی که موشه دایان وزیر امور خارجه اسرائیل، سهوا به طور آشکار تأیید کرد که جنگ افزارهای اسرائیلی هنوز هم به آدیس آبابا فرستاده می شوند پایان یافت.(۳)

اما اسرائیل سعی کرد به هر صورت ممکن روابط خود را با دولت کمونیستی اتیوپی برقرار کند. قطع روابط اتیوپی با اسرائیل منجر به ایجاد فشار از سوی رژیم صهیونیستی علیه رژیم مارکسیستی اتیوپی برای صدور مجوز به یهودی های این کشور (فالاشه ها) برای انتقال به فلسطین شد. این فشارها در سال های ۱۹۸۱-۱۹۸۴ نتیجه داد. در اثر بحرانی شدن

اوضاع سیاسی و اقتصادی اتیوپی، طی توافقی که بین طرفین امضا شد، ۷ هزار یهودی اتیوپیایی به طور مخفیانه به فلسطین منتقل شدند. پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی که

بزرگترین تکیه گاه دولت مارکسیستی اتیوپی بود و نیز با بحرانی شدن اوضاع داخلی آن کشور، به دنبال پیشروی نیروهای شورشی به سمت آدیس آبابا که منجر به فرار هایله ماریام

رئیس جمهور از این کشور شد، روابط اسرائیل با اتیوپی گسترش یافت و اسرائیل بلافاصله اوری لوبرانی(۴) و سفیر خود در آدیس آبابا را به عنوان دو مقام اسرائیلی، مأمور مذاکره با رهبر

۱- . همان منبع، ص ۲۲۶-۲۲۷.

۲- . یان بلک و بنی موریس، ص ۵۴۳.

۳- . همان منبع، ص ۵۴۵.

۴- . در ۲۷ اکتبر ۱۹۲۶ در فلسطین اشغالی متولد شد. درجه لیسانس افتخاری علوم انسانی از دانشگاه لندن دریافت و از سال ۱۹۴۴ تا ۱۹۴۸ در سازمان هاگانا و نیز نیروی دفاعی اسرائیل خدمت کرد. لوبرانی در سال ۱۹۵۰ وارد وزارت امور خارجه شد.

ابتدا در قسمت خاورمیانه و سپس از سال ۱۹۵۱ تا ۱۹۵۲ به عنوان دبیر خصوصی موشه شارت وزیر امور خارجه وقت، فعالیت خود را ادامه داد. از سال ۱۹۵۳ تا ۱۹۵۶ به مأموریت لندن گمارده شد و از سال ۱۹۵۷ تا ۱۹۶۱ دستیار مشاور و سپس مشاور بن گوریون نخست وزیر در امور اعراب گردید. پس از استعفای بن گوریون از نخست وزیری، لوبرانی به عنوان سفیر در برمه منصوب شد ولی هرگز پست خود را در دست نگرفت و به عنوان دبیر سیاسی و رئیس دفتر خصوصی، لوی اشکول نخست وزیر جدید باقی ماند. از سال ۱۹۶۵ تا ۱۹۶۸ سفیر اسرائیل در اوگاندا، رواندا و بروندی بود. لوبرانی در دوران حضور خود در اوگاندا به یکی از بانفوذترین و مطلع ترین افراد در آن کشور تبدیل شد و مشاورانی را در نیروی هوایی، ارتش و پلیس اوگاندا به کار گمارد. او از سال ۱۹۶۸ تا ۱۹۷۱ سفیر اسرائیل در اتیوپی بود و از سال ۱۹۷۱ تا ۱۹۷۳ در هیأت مدیره صنایع کور (koor)به عنوان رئیس پروژه ها و رئیس تشکیلات اقتصادی مشترک در خارج بود. این هیأت سیاست اساسی صنایع، بزرگترین شرکت صنعتی اسرائیل را تعیین می کند. اوری لوبرانی در سال ۱۳۵۲ش/ ژوئن ۱۹۷۳ به جای مه یر عزری به عنوان نماینده سیاسی یا سفیر غیررسمی اسرائیل در ایران به فعالیت مشغول شد و تا زمان سقوط سلطنت پهلوی و پیروزی انقلاب اسلامی در این سمت باقی بود. او از همسرش سارا نی لوی دارای چهار فرزند دختر است. درباره او نوشته اند که یک کارمند و مأمور لایق دولت اسرائیل، اما یک شخص بی مزه کودن و بی محتوا بوده است. (اسناد لانه جاسوسی، شماره ۱۱، ص ۹۴؛ نیز سند ساواک، خرداد ۱۳۵۲، طبقه بندی سرّی و سازمان های یهودی و صهیونیستی در ایران).

جدیـد اتیوپی کرد. این دو پس از مذاکرات ویژه توانسـتند ۱۴۵۰۰ یهودی اتیوپیایی (فالاشه) را در تاریـخ ۲۴ و ۲۵/۵/۱۹۹۱ به فلسطین اشغالی منتقل کنند. به این ترتیب روابط اسرائیل و اتیوپی روند عادی به خود گرفت.(۱)

اسناد و منابع موجود حکایت از آن دارند که در تمام عملیات ها، سرویس های اطلاعاتی و سیاسی آمریکا نقش درجه اول در مساعدت به اسرائیل داشته اند.

طی سال های ۱۹۸۴ و ۱۹۸۵ که هزاران یهودی اتیوپیایی (فالاشاها) از طریق همکاری مأموران موساد با بعضـی از سران دولت وقت سودان به فلسطین اشغالی منتقل شدند، سازمان

سیا و سفارت آمریکا در سودان نقش میانجی و واسطه را بازی می کردند.(۲)

اسـرائیلی ها، تحت پوشـش های مختلف، از جمله پرورش دام و پروژه گاوداری، در اتیوپی ایسـتگاه اطلاعاتی ایجاد کردنـد و اهداف خود را حتی تا ممالک عربی از طریق آن دنبال

می کردند. شـرکت گاوداری اینکودا، از مهمترین ایستگاه های اطلاعاتی و جاسوسی صهیونیستی در افریقا بود که اسرائیل در کشور اتیوپی دایر کرده بودند.

در دوران قبـل از اینکه اتیوپی به خاطر پناهنـدگان قحطی زده خود [فالاشه ها]معروف شود از صادر کننـدگان گوشت گاو به شمار می رفت. یکی از موفقترین شـرکت های فعال در زمینه صادرات این محصول یک شـرکت وابسـته به موساد و موسوم به اینکودا بود. یکی از مدیران این

شرکت بعدها به خاطر می آورد: «اینکودا» در واقع یک ایستگاه اطلاعاتی اسرائیل در آفریقا بود.

۱- . مجید صفاتاج، دانشنامه فلسطین، جلد اول، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ اول ۱۳۸۰، ص ۲۷۲.

۲- . یان بلک و بنی موریس، ص ۵۴۵.

ما نهانگاه بزرگی پر از اسلحه داشتیم... تنها پوششی برای معاملات موساد به شمار می رفتیم.

هنگامی که می خواستند کسی را به کشورهای عرب بفرستند، این کار را از طریق ما انجام می دادند... در محموله هایمان نامه های جاسوسان مستقر در کشورهای عرب را برای آنها می فرستادیم.(۱)

حضور و نفوذ اسرائیلی ها، در اتیوپی به شکل ها و عناوین گوناگون همواره تداوم و استمرار داشته است.

حتی بعد از آنکه کودتای نظامی مارکسیستی در سال ۱۹۷۴، رژیم هایله سیلاسی را برانداخت، ارتباط با اتیوپی حفظ شد. بین سایر دلایلی که دولت اتیوپی برای حفظ این ارتباط داشت، این نیز مطرح بود که اتیوپی از اسرائیل به عنوان رابطی با ایالات متحده سود می برد. در اواخر سال ۱۹۹۰ این رابطه هنوز آنقدر گرم بود که اسرائیل برای رژیم آدیس آبابا بمب خوشه ای ارسال

کند تا در مقابل چریک های جدایی طلب به کار رود. [...] واشنگتن ارسال کمک نظامی مرگ آور اسرائیل به اتیوپی را [...]نادرست ارزیابی نمی کرد.(۲)

اسرائیلی ها با این نفوذ و حضور همه جانبه، توانستند طرح انعقاد پیمان سه جانبه اطلاعاتی اتیوپی، اسرائیل و ایران را به مرحله اجرا و عمل دربیاورند. به گونه ای که یک پیمان و قرارداد همکاری اطلاعاتی و جاسوسی سه جانبه بین سه رژیم یاد شده به امضا رسید.

بر اساس این پیمان اطلاعاتی سه جانبه، اسرائیلی ها توانستند، امکانات اطلاعاتی اتیوپی را در کنار ایران، در سراسر منطقه خاورمیانه و آفریقا به ویژه شمال آفریقا، و علیه ملت های

مسلمان و کشورهای اسلامی و عربی در خدمت مطامع و اهداف خود به کار گیرند.

اریتره

پس از تشکیل دولت موقت اریتره در ژوئیه سال ۱۹۹۱/۱۳۸۰، اسرائیل تلاش همه جانبه ای را برای نفوذ و برقراری ارتباط با آن آغاز کرد.

به دنبال همه پرسی معروف آوریل ۱۹۹۳م/۱۳۷۲ش، در اریتره، که با نظارت جامعه جهانی برگزار گردید، استقلال اریتره از اتیوپی تأیید و به رسمیت شناخته شد. رژیم

۱- . کاکبورن، صص ۱۷۲-۱۷۳. به نقل از بنیامین بنت هلحمی، ارتباط اسرائیلی، نیویورک، کتاب های پانتئون، ۱۹۸۷، ص ۵۲.

۲- . کاکبورن، ص ۱۷۳. به نقل از مجله سیاست خارجی اسرائیل، ژانویه ۱۹۹۱.

صهیونیستی بلافاصله پس از این رویداد کشور اریتره را به رسمیت شناخت. این در حالی بود که اسرائیل همواره از اتیوپی در مقابله و سرکوب استقلال طلبان اریتره حمایت و پشتیبانی می کرد و با اهداف استقلال طلبان به شدت مخالف بود. بعضی اسناد و منابع حکایت

از آن دارند که از زمان تشکیل دولت موقت در سال ۱۹۹۱م/۱۳۷۰ش، در اریتره، اسرائیلی ها

تحت پوشش کارشناسان کشاورزی و گروه های پزشکی در آن سامان نفوذ کردند و برای برقراری رابطه با اریتره گام برداشتند.(۱) این رابطه به تدریج به صورت عادی درآمد و اسرائیل با یک چرخش سیاسی و تاکتیکی، تعقیب استراتژی پیرامونی در منطقه مزبور را از طریق اریتره مناسب و مطلوب ارزیابی کرد. چندین سال پیش، اسرائیلی ها پس از بهبود روابط با

اریتره، تصرف جزیره حنیش از نیروهای یمنی را به فال نیک گرفتند. در همان زمان یک تحلیل گر و کارشناس اسرائیلی در مسایل استراتژیک خاورمیانه، گرفتن جزیره حنیش را در

چارچوب استراتژی پیرامونی و پیشگیرانه منطقه ای اسرائیل ارزیابی و اعلام کرد.(۲)

این حمله و تجاوز، در آذر ماه ۱۳۷۴ش/ دسامبر ۱۹۹۵م، از سوی ۵ هزار سرباز اریتره ای با پشتیبانی ۶ قایق اسرائیلی و نیروی هوایی رژیم صهیونیستی، به جزیره حنیش انجام گرفت.

منابع دیپلماتیک از همان ابتدا این تهاجم را یک طرح صهیونیستی ارزیابی کردند.(۳)

گفته می شود، پس از اعلام استقلال اریتره تا سال ۱۹۹۵م/۱۳۷۴ش، سه توافق نامه نظامی، سیاسی و اقتصادی میان طرف اسرائیلی و اریتره به امضا رسیده است. عمده ترین این توافق نامه ها، نظامی است که به اسرائیل اجازه می دهد از تسهیلات پایگاه نظامی در اسمره،

«ننگالیا» و «سنهین» برخوردار شود.(۴) به عقیده کارشناسان، اهمیت اریتره در حال حاضر برای اسرائیل، به مثابه کلید تسلط بر آبراه دریای سرخ و کانال سوئز است. چرا که بخش عمده نفت کشورهای اسلامی و عربی به مقصد اروپا و آمریکای شمالی از این آبراه می گذرد.(۵)

۱- . ن.ک: داود کریملو، اریتره، مؤسسه چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، چاپ اول ۱۳۷۳، صص ۱۴۳، ۱۴۴، ۱۴۷.

۲- . ابراهیم خیاط، الحیات، ۱۷ آوریل ۱۹۹۶م/ ۲۸/۱/۱۳۷۵ش، ترجمه محمدحسن خوانساری زاده، چاپ انگلستان، ایران در مطبوعات جهان، ۱۶۳۴، تیر ماه ۱۳۷۵.

۳- . علیرضا سلطانشاهی، اریتره قمر جدید اسرائیل، روزنامه جمهوری اسلامی، ۲ شهریور ۱۳۷۶، شماره ۵۲۷۴. به نقل از: مجله البلاد، ۲۷ شوال ۱۴۱۶، شماره ۲۷۵، ص ۲۷۵.

۴- . همان منبع؛ به نقل از: مجله مطالعات آفریقا، زمستان ۱۳۷۳، شماره دوم، سال اول، ص ۱۶۶.

۵- . همان منبع؛ به نقل از: مجله فلسطین الثوره، مورخ ۱۵ فوریه ۱۹۹۶، شماره ۶۵۰، ص ۴۳.

همکاری اطلاعاتی اتیوپی، اسرائیل و ساواک

اشاره

ص: ۲۹۷

اتیوپی، اسرائیل و ساواک

درباره همکاری سرویس های اطلاعاتی سه گانه اسرائیل، اتیوپی و ایران شاهنشاهی، در اسناد ساواک، اخبار و اطلاعات قابل توجهی خودنمایی می کنند. اسناد مزبور نشان می دهد

که پس از انعقاد پیمان اطلاعاتی سه جانبه مزبور، نمایندگی ساواک در اتیوپی و نمایندگی

سرویس اطلاعاتی اتیوپی در تهران مستقر شد. نشست های سه جانبه اطلاعاتی طبق یک برنامه کاری از پیش طراحی شده، تقریبا شبیه برنامه کاری سرویس سه جانبه ایران، ترکیه و اسرائیل، به طور مستمر، برپا می شد. در یکی از گزارش های ساواک، موضوع برگزاری کنفرانس سه گانه اتیوپی، اسرائیل و ایران، و مسایل مربوط به چگونگی برگزاری، موضوعات

پیشنهادی، نفرات شرکت کننده و دستورات جلسه مورد بررسی قرار گرفته است.

یادآوری می شود که برای هریک از سرویس های سه گانه، طبق پیمان یاد شده، اسم مستعار یا نام رمز خاص انتخاب شده بود. در این پیمان، از سرویس اطلاعاتی ایران با نام رمز شیر، اتیوپی با نام رمز پلنگ و اسرائیل با نام رمز فیل و نام رمز هر سه سرویس با هم، عقاب یاد می شد.

درباره پیشنهاد سرویس اسرائیل

بازگشت بشماره ۵۲۲۰/۱۰۰۱پ - ۹/۱۱/۵۱

با توجه به بررسیهای معموله نظرات این اداره کل در مورد هریک از موارد مندرج در عطفی

فوق بشرح پیوست جهت هرگونه اقدام مقتضی ایفاد می گردد.

مدیر کل اداره دوم - فرازیان

۱- تشکیل کنفرانس معاونان سه گانه در روزهای ۷ و ۸ اسفند ۱۳۵۱ در اسرائیل مورد تائید می باشد.

۲- سازمان نمایندگی ساواک در اتیوپی که ضمنا عهده دار وظیفه دبیرخانه سه گانه می باشد مورد

تصویب قرار گرفته و آقای محمد بهمنش به این سمت تعیین گردیده که پس از انجام مراحل توجیهی و آموزشی با کارمند مربوطه به محل مأموریت عزیمت خواهد نمود.

ضمنا بفرموده تیمسار ریاست ساواک رئیس نمایندگی اتیوپی در جلسات کنفرانس سه گانه معاونان متشکله در اسرائیل نیز شرکت خواهد نمود.

۳- در مورد پیشنهادات سرویس اسرائیل نظرات زیر اعلام می گردد:

الف - هیئت های نمایندگی:

۱) شرکت یک نفر کارمند اطلاعاتی که کارشناس امور منطقه باشد در کنفرانس مورد تائید می باشد و کارمند مربوطه قبلاً به بخش پیمانها معرفی گردیده است.

۲) کارمندی که انتخاب گردیده علاوه بر اینکه در جلسات معاونان پیرامون عملیات جمع آوری در منطقه مذاکره خواهد نمود عنداللزوم در زمینه بررسی مسائل نیز شرکت خواهد کرد.

ب - سیستم برقراری ارتباط:

۱) این اداره کل در انتظار وصول پیشنهاد سرویس اسرائیل در مورد موضوع مسائل ارتباطی می باشد.

۲) بنظر این اداره کل وجود یک کارشناس مخابرات در جلسات کنفرانس سه گانه از نظر مشارکت در مذاکرات فنی ضروری خواهد بود که به همین نحو در گزارش معروضه قبلی پیشنهاد گردید و مورد تصویب تیمسار ریاست ساواک قرار گرفت.

پ - دستور جلسه پیشنهادی:

۱) نماینده این اداره کل ضمن مشارکت در بحث پیرامون مسائل سیاسی و عملیاتی و در صورت لزوم مسائل سازمانی در کمیته تهیه طرح به منظور عملیات جمع آوری نیز شرکت خواهد نمود.

۲) کارشناس مخابراتی ساواک که در کنفرانس سه گانه شرکت خواهد کرد بموازات تشکیل سایر جلسات در کمیته کارشناسان مخابراتی نیز شرکت خواهد نمود.

۳) در صورت تصویب موارد فوق الذکر و هم چنین اسامی شرکت کنندگان ساواک در کنفرانس سه گانه ضمن آنکه به سرویس اسرائیل اعلام می گردد از طریق سرویس اسرائیل به

سرویس اتیوپی نیز اعلام گردد.

ت - در مورد پیشنهاد سرویس اسرائیل به دبیرخانه سه گانه در مورد تهیه نیازمندیهای جمع آوری از جمهوری دمکراتیک خلق یمن و سومالی اقدام به شرح شش صفحه بپیوست ایفاد می گردد.

ث - در مورد نشان کردن گروهها و اشخاصی که همکاری با آنها بمنظور نفوذ در سیاستهای جمهوری دمکراتیک خلق یمن در زمینه حمایت و کمک به عناصر برانداز در منطقه امکان پذیر باشد.

پیشنهاد می گردد که موضوع در جریان تشکیل جلسات کنفرانس در کمیته های مربوطه مورد مذاکره و بررسی قرار گیرد. و در مورد تنظیم طرح جمع آوری در زمینه کشورهای عراق - کویت - قطر- بحرین و دولت امارات عربی متحده و دریای سرخ نیز از طرف سرویسهای دوگانه اقدام لازم معمول گردد.

هنگام بحث پیرامون سازمان همکاریهای سه گانه در صورت تصویب پیشنهادات و مطالب زیر را در مورد وظائف و سازمان دبیرکل و دبیرخانه سه گانه مطرح بفرمائید.

۱- سرویس اتیوپی بعنوان سرویس میزبان در مورد لزوم کمکهای لازم در زمینه های مختلف - فنی - اداری و تدارکاتی درباره دبیرکل سه گانه معمول خواهد داشت.

۲- موضوع همکاری ساواک با سرویس اتیوپی بطور دوجانبه و در چهارچوب همکاریهای سه گانه از حیطه بندی حفاظتی مخصوص برخوردار است و مقامات سرویس اتیوپی نباید پیرامون چگونگی این همکاری با مقامات سفارت شاهنشاهی مذاکره کنند.

۳- سرویس اتیوپی باید یک نفر رابط جهت تماسهای دبیرکل سه گانه تعیین و معرفی نماید. دبیرکل باید بتواند در موارد لزوم تلفنی از رابط سرویس اتیوپی تقاضای ملاقات بنماید. محل این ملاقاتها نیز باید قبلاً تعیین گردد.

۴- بودجه دبیرخانه از یک تنخواه گردان ۱۵۰۰ دلاری تشکیل می شود که به نسبت بین سه سرویس تقسیم خواهد شد. مخارج دبیرخانه در گزارش گردش کاری که دبیرکل تقدیم کنفرانس معاونان و شورای رؤسای سه سرویس می کند منعکس می شود و هر سه سرویس بلافاصله بعد از خاتمه

کنفرانس در مورد پرداخت کسری بودجه اقدام خواهند کرد- تا این بودجه به حدنصاب ۱۵۰۰ دلار برسد.

۵- سازمان دبیرخانه در حال حاضر مرکب از شخص دبیرکل و یکنفر خدمتکار خواهد بود که حقوق و مزایای وی با توجه به شرایط محلی بوسیله دبیرکل تعیین و بعدا جهت تصویب نهائی

به رؤسای سه سرویس تقدیم خواهد شد. حقوق خدمتکار بطور تساوی بوسیله هر سه سرویس پرداخت خواهد شد.

۶- دبیرکل بطور منظم در شورای سه گانه و کنفرانس معاونان سه گانه شرکت خواهد کرد و هزینه

خرید بلیط هواپیما (در مواقعی که کنفرانس در خارج از اتیوپی برگزار می شود) جهت شرکت

در این کنفرانسها از محل بودجه ثابت دبیرخانه تأمین خواهد گردید.

۷- دبیرکل در مسافرتهای خود بخارج از اتیوپی (جهت شرکت در کنفرانسها) هزینه معیشت دریافت خواهد کرد (در حدود ۱۵ دلار در روز).

۸- دبیرکل اخبار مربوط به برگزاری کنفرانسها و تعهدات مختلف سرویسها را بعد از استخراج

از قطعنامه های مصوبه به موقع و بطور کتبی به هر سه سرویس اعلام خواهد کرد.

۹- مطالب و مدارک مربوط به سرویس ایران را دبیرکل ضمن استفاده از یکدستگاه بیسیم (مستقر در سفارت شاهنشاهی) و همچنین پیک به تهران ارسال خواهد کرد و مطالب مربوط به

سرویس اسرائیل در محل در اختیار رابط سرویس مذکور گذارده خواهد شد.

پیمانها(۱)

در ادامه این سند، اطلاعاتی درباره کشور یمن (جمهوری دمکراتیک خلق یمن) تحت عنوان «فهرست نیازمندی های اطلاعاتی ضمیمه که در واقع به عنوان گزارش پیشنهادی به کنفرانس سه جانبه، ارایه شده است:

جمهوری دمکراتیک خلق یمن

فهرست نیازمندیهای اطلاعاتی

الف - داخلی

۱- گروه بندیها و اختلافات در داخل هیئت رهبری در مورد مسائل داخلی و امور خارجی (بخصوص نسبت به موضوع وحدت دو یمن).

۱- . گزارش ساواک، مورخ ۵۱/۱۱/۱۱، شماره ۵۳۰۵۶/۲۲۴، با طبقه بندی سری.

۲- میزان نفوذ جبهه ملی (سازمان سیاسی حاکم) در ارتش و طبقات مختلف اجتماع.

۳- گروه بندیهای داخلی جبهه ملی و نظرات گروهها در مورد مسائل داخلی و امور خارجی (بخصوص مسئله وحدت).

۴- اقدامات سوسیالیستی رژیم و اثرات آن در:

(الف) وحدت دو یمن

(ب) افکار عمومی

۵- روابط و فعالیتهای احزاب سیاسی (اعم از چپ یا راست) له یا علیه دولت در داخل یا خارج از کشور و عکس العمل دولت در برابر آنها.

۶- اقدامات و فعالیتهای جبهه وحدت ملی (N.U.F) در خارج از کشور- حمایتهای خارجی که از این جبهه بعمل می آید.

۷- وضع عشایر و قبایل در برابر دولت:

- اقداماتی که از جانب دولت در جهت کسب پشتیبانی عشایر و قبایل بعمل می آید.

- ناخرسندیهای عشایر و قبایل و هر گونه رابطه ای که با جمهوری عربی یمن و عربستان سعودی

پیدا می کنند.

۸- اوضاع اقتصادی کشور- اثرات اکتشافات و تولیدات نفتی در پیشرفتهای اقتصادی.

ب - خارجی

۱- روابط با جمهوری عربی یمن - هر گونه تحول در زمینه تحقق وحدت دو کشور.

۲- روابط با عربستان سعودی و عمان و حمایت جمهوری دمکراتیک خلق یمن از فعالیتهای براندازی علیه این دو کشور.

۳- نحوه و میزان کمکهای رژیم به جبهه آزادیبخش خلق خلیج عربی و عمان در اجرای فعالیتهای چریکی و براندازی.

۴- روابط و همکاری با عراق بخصوص از نظر حمایتهائی که از سازمانهای برانداز در جنوب شبه جزیره عربستان بعمل می آید.

۵- روابط و همکاری با سایر کشورهای عربی بخصوص لیبی - مصر و سوریه.

۶- همکاری و کمک به سازمانهای فلسطینی و تسهیلاتی که در باب المندب و سوکوتره در اختیار آنان گذارده می شود.

۷- حمایت از جبهه آزادیبخش اریتره و تسهیلاتی که در اختیار این جبهه قرار می گیرد.

۸- روابط با کشورهای کمونیست بویژه شوروی و چین از نظر نظامی و اقتصادی - رخنه و نفوذ شوروی و چین در شئون مختلف کشور- تسهیلات بندری که در اختیار شوروی قرار می گیرد بخصوص در جزیره سوکوتره.

۹- هرگونه همکاری با کشورهای کمونیست با توجه به حمایت آنها از جبهه های برانداز در جنوب شبه جزیره عربستان.

۱۰- روابط با کشورهای غیرعرب آسیائی.

۱۱- روابط با کشورهای بلوک غرب.

پ - امور نظامی

۱- استعداد و ترکیبات گسترش نیروهای مسلح.

۲- اسلحه و مهمات بویژه قدرت موشکی (و انواع و تعداد آن).

۳- انواع و تعداد هواپیماها و هلیکوپتر و سیستم دفاع هوائی.

۴- پیمانهای نظامی و قراردادهای خرید اسلحه و حضور مستشاران نظامی خارجی.

۵- صنایع نظامی و نوع و میزان محصولات.

۶- تأسیسات و فعالیتهای نظامی (بخصوص در جزیره پریم).(۱)

به این ترتیب اولین نشست کمیته معاونان و کمیته ارتباطات سرویس های اطلاعاتی اتیوپی، ایران و اسرائیل در اسفند ماه سال ۱۳۵۱ در تل آویو برگزار شد. در گزارش ساواک در این باره آمده است:

اولین اجلاسیه کمیته معاونان سه گانه

منظور:

استحضار تیمسار ریاست ساواک و صدور اوامر.

۱- اولین اجلاسیه کمیته معاونان سه گانه مرکب از سرویسهای ایران - اتیوپی و اسرائیل و کمیته های تابعه آن شامل کمیته اطلاعات و کمیته ارتباطات در روزهای ۷ و ۸ اسفند ماه ۵۱ در شهر تل آویو برگزار گردید.

۲- ترجمه و اصل گزارشات مشروحه زیر به پیوست تقدیم می گردد تا در صورت تصویب مصوبات

۱- . گزارش ساواک، مورخ ۱۱/۱۱/۱۳۵۱، شماره ۵۳۰۵۶/۲۲۴، با طبقه بندی سری.

و تصمیمات مندرج در این گزارشها بمورد اجرا گذارده شود.

الف – توصیه های کمیته معاونان سه گانه به رؤسای سرویسهای سه گانه.

ب – توصیه های کمیته ارتباطات به کمیته معاونان سه گانه.

پ – توصیه های کمیته معاونان سه گانه پیرامون فعالیت ویژه سیاسی به رؤسای سرویسهای سه گانه.(۱)

در ادامه این گزارش، متن توصیه ها و پیشنهادهای کمیته معاونان سه سرویس به رؤسای دستگاه اطلاعاتی سه کشور، ضمیمه شده است. در این توصیه نامه به چگونگی مبادله اطلاعات، هزینه بعضی فعالیت ها، بودجه مشترک، چگونگی ارایه گزارش گردش کار، وظایف کمیته ها و زمان برگزاری اجلاس آتی کمیته معاونان، اشاره شده است:

توصیه های کمیته معاونان سه گانه به رؤسای سرویسهای سه گانه

۱– کمیته معاونان سه گانه در روزهای ۷ و ۸ اسفند ماه/۵۱ در شهر تل آویو برگزار شد.

۲– کمیته تصمیم گرفت که توصیه های زیر را جهت تصویب تقدیم رؤسای سرویسهای سه گانه بنماید:

الف – اسامی رمز برای همکاری سه گانه و سه سرویس،

سرویسهای سه گانه = عقاب

ایران = شیر

اتیوپی = پلنگ

اسرائیل = فیل

ب – بعد از اینکه نماینده ایران در آدیس آبابا مستقر گردید دبیرخانه سه جانبه را تشکیل داده و بعنوان دبیرکل شروع بکار خواهد کرد. تا تاریخ مستقر شدن دبیرکل سرویس اسرائیل مسئولیت انجام امور دبیرخانه سه گانه را بعهده خواهد داشت.

پ – (۱) بمنظور تفکیک مدارکی که بطور دوجانبه مبادله می گردد از مدارکی که بین سرویسهای سه گانه مبادله می شود گزارشهائی که در اختیار سرویسهای سه گانه گذارده می شود با کلمه «عقاب» مشخص خواهد شد. سرویس اسرائیل مهرهای لازم را در اختیار سرویسهای ایران و اتیوپی و همچنین دبیرکل خواهد گذاشت.

(۲) هریک از اعضاء سرویسهای سه گانه بطور ماهانه فهرستی از گزارشات ارسالی جهت

۱- . گزارش ساواک، مورخ ۲۰/۱۲/۱۳۵۱، بدون شماره، با طبقه بندی سری.

سرویسهای سه گانه تهیه کرده و در اختیار دبیرکل خواهند گذاشت. این فهرست شامل تعداد گزارشات ارسالی و موضوع این گزارشات خواهد بود.

ت - کمیته پیشنهاد می کند که بودجه دبیرخانه بمیزان ۱۵۰۰ دلار آمریکا تعیین گردد. این بودجه بطور تساوی بین سرویس عضو تقسیم خواهد شد. این بودجه برای هزینه های مربوط به مسافرت دبیرکل بکشورهای ایران و اسرائیل بمنظور شرکت در کنفرانسهای سه گانه - هزینه

معیشت روزانه وی هنگام اقامت در مناطق دور از محل اقامت و همچنین سایر هزینه های اداری مصرف خواهد شد. فهرست مخارج دبیرخانه بوسیله کمیته معاونین بررسی خواهد شد. دبیرکل طی هریک از جلسات کمیته معاونین گزارشی از وضع بودجه دبیرخانه شامل هزینه های مصرف شده در اختیار خواهد گذاشت. کمیته معاونین بطور منظم بودجه دبیرخانه

را بنحوی تصویب خواهد کرد که به حدنصاب ۱۵۰۰ دلار آمریکا برسد.

ث - سرویس ایران وظائف دبیرکل را تنظیم کرده و بصورت پیشنهاد کتبا در اختیار سرویسهای اسرائیل و اتیوپی خواهد گذاشت.

ج - بودجه مشترک برای هزینه های عملیاتی سه گانه:

هزینه های عملیاتی سه گانه برای هر عملیات بطور جداگانه تعیین خواهد شد. و اینکار با توجه به تصمیم رؤسای سرویسهای سه گانه در زمینه اجرای عملیات بخصوصی انجام خواهد گرفت. کمیته معاونان سه گانه عملیات پیشنهادی را مورد بحث قرار داده و در مورد

هریک از سرویسهای عضو که باید مجری عملیات شوند توافق خواهد کرد. سرویس عضویکه مسئولیت اجرای عملیات را بعهده دارد امکانات موجود را مورد بررسی قرار داده و بودجه عملیاتی را پیشنهاد خواهد کرد. این بودجه همراه با طرح عملیاتی مورد نظر در

اختیار کمیته معاونان سه گانه گذارده خواهد شد تا مورد بررسی قرار گیرد. هرگاه طرح عملیاتی و بودجه پیشنهادی بوسیله معاونان سه گانه مورد تصویب قرار گرفت هزینه های عملیاتی بطور تساوی بین سه سرویس تقسیم خواهد شد و در اختیار سرویس مأمور اجرای عملیات گذارده خواهد شد. سرویس مجری عملیات مطالب زیر را در اختیار دو سرویس دیگر خواهد گذاشت:

(۱) مطالب و مدارک اطلاعاتی که در نتیجه اجرای عملیات بدست آمده است.

(۲) یک گزارش گردش کار مشروح پیرامون عملیات مورد نظر در اختیار کمیته معاونان

سه گانه در هریک از جلسات کمیته گذارده خواهد شد تا اینکه کمیته پایان عملیات را تصویب نماید. کمیته معاونان پیرامون ادامه - توسعه - محدود کردن یا خاتمه عملیات تصمیم

گرفت و با توجه به این تصمیم بودجه مربوطه را تعیین خواهد کرد. این تصمیمات مبتنی بر

میزان پیشرفت و منافع حاصله از عملیات مورد نظر خواهد بود.

۳- سرویس اتیوپی پیشنهاد کرد که در صورت لزوم کمکهای فنی لازم را در اختیار دبیرکل بگذارد. این پیشنهاد ضمن اظهار تشکر مورد قبول کمیته قرار گرفت. دبیرکل ضمنا با نماینده

سرویس اسرائیل در آدیس آبابا تماس نزدیک خواهد داشت.

۴- کمیته معاونان توصیه های کمیته ارتباطات را تصویب کرد و تصمیم به اجرای این توصیه ها

گرفت. معاونان سه گانه این تصمیمات را بصورت گزارشی در اختیار رؤسای متبوعه خود خواهند گذاشت.

۵- کمیته معاونان ارزیابیها و توصیه های کمیته اطلاعات را مورد بررسی و بحث قرار داد. کمیته

تصمیم گرفت:

الف - از اعضای کمیته اطلاعات درخواست نماید پیشنهاداتی بمنظور انجام عملیات جمع آوری ویژه تهیه نمایند. این پیشنهادات بوسیله هر هیئت نمایندگی بطور جداگانه تسلیم

اجلاسیه آینده کمیته اطلاعات (ژوئیه/ ۱۹۷۳) خواهد گردید. کمیته اطلاعات طی اجلاسیه آینده خود امکانات هریک از سرویسهای عضو را در زمینه پوشاندن هدفهای ضروری و ویژه مورد بررسی قرار داده و با توجه به این بررسی پیشنهاداتی تقدیم کمیته معاونان خواهد نمود.

ب - کمیته اطلاعات طی هریک از جلسات آینده خود خلاصه ای از هدفهای جمع آوری و پیشنهادات مربوطه تهیه کرده و آنرا تقدیم کمیته معاونان خواهد کرد. این پیشنهادات بطور

خلاصه و روشن تنظیم گردیده و شامل توصیه های مربوط به سرویسی خواهد بود که امکان اجرای طرح جمع آوری بخصوصی را خواهد داشت.

پ - هرگونه تقاضای فوری یکی از سرویسهای عضو بمنظور پوشاندن هدف جمع آوری بخصوص بطور کتبی در اختیار دو سرویس دیگر گذارده خواهد شد تا آنرا مورد بررسی و تصویب قرار دهد. در صورت لزوم معاونان سه گانه در فواصل بین اجلاسیه های دائمی و ۶ ماهه خود ملاقات خواهند کرد تا درخواست یا پیشنهاد مورد نظر را بررسی نمایند.

ت - هریک از سرویسهای سه گانه می توانند بدلیل فوریت موضوع طرح عملیاتی بخصوصی را

ص: ۳۰۷

کتبا بدو سرویس دیگر پیشنهاد نماید در مورد این قبیل پیشنهادات بهمان ترتیبی رفتار خواهد

شد که در بند (۵)- پ - ذکر آن گذشته است.

۶- تصمیمات و توصیه های کمیته معاونان بدینوسیله تقدیم رؤسای سرویسهای سه گانه می گردد

تا این تصمیمات را مورد تصویب قرار داده و مراتب را قبل از پایان مارس/۱۹۷۳ اعلام دارند.

نظرات احتمالی رؤسای سرویسهای سه گانه پیرامون تصمیمات و توصیه های معاونان طی اجلاسیه آینده شورا در ژوئیه/ ۱۹۷۳ مورد بحث قرار خواهد گرفت.

۷- اجلاسیه آینده کمیته معاونان در شهر تهران ظرف هفته اول (ژوئیه/ ۱۹۷۳- ۱۰ الی ۱۶ تیر

ماه/ ۱۳۵۲) برگزار خواهد شد- این اجلاسیه دو روز قبل از شورای سه گانه تشکیل خواهد شد.

تاریخ دقیق کنفرانس کتبا بوسیله سرویس ایران پیشنهاد شده و بوسیله سرویسهای اسرائیل و اتیوپی تصویب خواهد شد.(۱)

در ادامه، توصیه ها و پیشنهادهای کمیته ارتباطات نیز به کمیته معاونان سه گانه سرویس ها

ارایه شده است. در این توصیه نامه، به چگونگی ارسال و مبادله پیام های اطلاعاتی، نحوه

استفاده از رمز و شماره گذاری پیام ها و تعیین پیک از سوی سرویس اطلاعاتی اسرائیل برای

برقراری ارتباط بین ایران و اتیوپی، تا قبل از استقرار سیستم پیک سیاسی بین دو سرویس

مزبور، اشاره شده است:

توصیه های کمیته ارتباطات به کمیته معاونان سه گانه

کمیته ارتباطات در روز ۷ اسفند ماه ۵۱ در شهر تل آیو تشکیل جلسه داده و طرق مختلف ارتباطی را بنحویکه سه سرویس بتواند پیام های رمز شده را بین خود مبادله نمایند مورد بررسی قرار داد. کمیته تصمیم گرفت که توصیه های مشروحه زیر را به کمیته معاونان تقدیم نماید:

الف -

(۱) پیام های صادره از اسرائیل برای سرویسهای ایران و اتیوپی بصورت رمز بتهران و آدیس آبابا مخابره شده و بعد از کشف در اختیار نمایندگان سرویسهای مربوطه گذارده خواهد شد.

(۲) پیـام هـای صادره از تهران به آدیس بابا و تل آویو بصورت کشف در اختیار نماینـده سـرویس اسـرائیل در تهران گـذارده خواهـد شـد و وی بعد از رمز کردن این پیامها آنها را فورا به تل آویو مخابره می کند و بعدا از تل آویو به آدیس آبابا مخابره خواهد شد. در این مرحله پیامهای وارده

ص: ۳۰۸

۱- . پیوست همان گزارش، مورخ ۲۰/۱۲/۵۱.

کشف شده و در اختیار نماینده سرویس مربوطه گذارده خواهد شد.

(۳) پیامهای صادره از آدیس آبابا به مقصد تل آویو و تهران در اختیار نماینده سرویس اسرائیل

در آدیس آبابا گذارده خواهد شد و این پیام ها بعد از رمز شدن به تل آویو مخابره و از آنجا بتهران مخابره خواهد گردید. در تهران پیامهای مذکور بصورت کشف در اختیار نماینده سرویس ایران گذارده خواهد شد.

(۴) پیامهای صادره از تهران که فقط برای سرویس اتیوپی ارسال می شود بصورت رمز در اختیار نماینده سرویس اسرائیل در تهران گذارده خواهد شد. این پیامها از طریق تل آویو در اختیار نماینده سرویس اسرائیل در آدیس آبابا گذارده خواهد شد. پیامهای مذکور بدون هیچگونه تغییری در اختیار نماینده سرویس ایران در آدیس آبابا گذارده خواهد شد و این پیامها بعد از کشف شدن بوسیله نماینده ایران در اختیار سرویس اتیوپی گذارده می شود.

(۵) پیامهای صادره از آدیس آبابا که فقط برای سرویس ایران ارسال می شود بصورت کشف در اختیار نماینده سرویس ایران در آدیس آبابا گذارده خواهد شد و نامبرده بعد از رمز کردن

پیامهای مذکور را در اختیار نماینده سرویس اسرائیل در آدیس آبابا خواهد گذارد و نامبرده این پیامها را بدون هیچگونه تغییر به تل آویو مخابره کرده و از تل آویو پیامهای مذکور برای نماینده سرویس اسرائیل در تهران مخابره خواهد شد تا در اختیار سرویس ایران گذارده شود.

ب –

با استقرار ارتباط مستقیم رادیو تله تایپ بین آدیس آبابا و تهران پیامهای مبادلاتی بین دو شهر بطریق مشروحه زیر ارسال خواهد شد:

(۱) پیامهای صادره از تهران بصورت رمز به آدیس آبابا مخابره شده و در آنجا بعد از کشف در

اختیار سرویس اتیوپی گذارده خواهد شد.

(۲) پیامهای صادره از آدیس آبابا بصورت کشف در اختیار نماینده سرویس ایران در آن شهر گذارده خواهد شد و نماینده مذکور این پیامها را بعد از رمز کردن بتهران مخابره خواهد کرد.

پ –

بعد از استقرار ارتباط مستقیم بین آدیس آبابا و تهران پیامهای سه گانه با توجه به مفاد بندهای ۱ و ۲ و ۳ انجام خواهد شد.

ت -

روش کار:

(۱) کلیه پیامها دارای شماره ردیف خواهند بود.

(۲) پیامهای صادره از هریک از سرویسهای سه گانه به مقصد دو سرویس دیگر بصورت زیر تنظیم خواهد شد:

به: عقاب

از: پلنگ - فیل یا شیر

شماره:

پیامهای مبادلاتی قبل از شماره های ردیف با علامت EG مشخص خواهند شد.

(۳) پیامهای صادره از هریک از سرویسهای سه گانه به یکی از دو سرویس دیگر بطریق زیر تنظیم خواهد شد.

از: پلنگ

به: شیر

شماره:

پیامهای دوجانبه همیشه با علامت BL مشخص خواهند شد.

(۴) شماره های مسلسل از ۱ الی ۱۰۰ ادامه پیدا کرده و مجددا از ۱ شروع خواهد شد. برای عطف کردن بهریک از پیامهای قبلی علامت مشخصه - تاریخ و شماره آن پیام باید ذکر گردد.

ث -

معاونان سه گانه تصمیم گرفتند قبل از استقرار سیستم پیک سیاسی بین سرویسهای ایران و اتیوپی کلیه مدارک و اسناد مورد نظر از طریق پیک سرویس اسرائیل بین آدیس آبابا و تهران

مبادله گردد.(۱)

اجلاس کمیته معاونان سرویس های ایران، اتیوپی و اسرائیل که در اسفند ۱۳۵۱ در تل آویو برگزار شد، نیز، توصیه و پیشنهاد خود را به رؤسای دستگاه اطلاعاتی سه گانه ارایه

کرد. در این توصیه نامه به گزارش ارایه شده از سوی سرویس اسرائیل درباره اوضاع کشور

یمن و نیز گروه های داخلی آن کشور به عنوان نمونه و الگو اشاره و سپس توصیه شده که هر

ص: ۳۱۰

۱- . پیوست همان گزارش، مورخ ۲۰/۱۲/۵۱، با طبقه بندی سری.

سه سرویس موظف به تهیه گزارش هایی مشابه از کشور عراق، یمن جنوبی و سومالی هستند. در ضمن تأکید شده که گزارش مورد نظر باید تا قبل از ژوئن ۱۹۷۳م/خرداد ۱۳۵۲ تهیه و ارایه شود. این توصیه نامه قبل از هر چیز نشانگر میزان اعمال نفوذ اسرائیلی ها به سران سرویس های اتیوپی و ایران و چگونگی دیکته کردن اهداف و برنامه ها و شگردهای صهیونیستی به سرویس های مزبور است:

توصیه های کمیته معاونان سه گانه پیرامون فعالیت ویژه سیاسی برای تقدیم به رؤسای سرویسهای سه گانه

۱- سرویس اسرائیل دو گزارش پیرامون اطلاعات عملیاتی درباره جمهوری دمکراتیک خلق یمن و عناصر مخالف در آن و همچنین گزارش دیگری درباره شخصیتهای یمنی که مخالف رژیم یمن جنوبی هستند تقدیم کمیته نمود.

۲- کمیته توصیه می کند که سه سرویس عضو یک سلسله گزارشات در چهارچوب اطلاعات عملیاتی پیرامون عراق، یمن جنوبی و سومالی تهیه نماید این گزارشات باید مشابه گزارشاتی

باشد که سرویس اسرائیل پیرامون یمن جنوبی تهیه کرده است یعنی گزارشات مذکور لازم است

حاوی حداکثر اطلاعات درباره عناصر و شخصیتهای مخالف رژیمهای سه کشور هدف باشد. این گزارشات باید قبل از اول ژوئن ۱۹۷۳ میان سرویسهای سه گانه توزیع گردد. در اجلاسیه

آینده کمیته معاونان گزارشات نامبرده بالا در یکدیگر تلفیق گردیده و یک گزارش اطلاعات

عملیاتی مشترک تنظیم خواهد گردید. یک سلسله توصیه ها بر مبنای اطلاعات مندرج در گزارشات یاد شده بالا تنظیم شده و تقدیم رؤسای سرویسهای سه گانه خواهد گردید این توصیه ها شامل موارد مشروحه زیر خواهد بود:

الف - تلاشهای بیشتر در جهت جمع آوری از هدفهای ویژه که ذکر آن در گزارشات یاد شده بالا خواهد گذشت.

ب - توصیه های عملیاتی.(۱)

سرویس اطلاعاتی ایران، به عنوان یکی از اعضای پیمان سه جانبه اطلاعاتی، طی نامه ای پیشنهاد خود را درباره وظایف دبیرکل سه گانه مستقر در آدیس آبابا (اتیوپی) به اطلاع دو سرویس دیگر رساند. در این پیشنهاد به جایگاه و مسؤولیت دبیرکل، و تعهدات کمیته

۱- . پیوست همان گزارش، مورخ ۲۰/۱۲/۵۱، با طبقه بندی سری.

معاونان در قبال او و نحوه برقراری ارتباط و تبادل اخبار و اطلاعات میان آن ها به شرح ذیل اشاره شده است:

وظائف دبیرکل سه گانه

وظائف دبیرکل سه گانه (ایران – اسرائیل – اتیوپی) که بنابر تصویب اولین شورای سه گانه بطور

دائمی در آدیس آبابا اقامت می کند بشرح زیر از طرف سرویس ایران پیشنهاد می شود تا بعد از تصویب رؤسای دو سرویس دیگر به صورت دستورالعمل به دبیرکل ابلاغ شود.

دبیرکل سه گانه مسئول امور دبیرخانه ای همکاری سه گانه بین سرویسهای ایران – اسرائیل و اتیوپی بوده و وظیفه ای بطورکلی هماهنگ کردن فعالیتهای سه سرویس در مورد امور مربوط به همکاری سه گانه و کنفرانسهای مربوطه به آن می باشد.

جزئیات وظائف دبیرکل سه گانه بشرح زیر پیشنهاد می شود:

۱– تماس دائم و منظم با نمایندگان سرویسهای اتیوپی و اسرائیل بمنظور انجام ترتیبات مربوط

به کنفرانسهای سه گانه – تبادل اطلاعات و مسافرتهای مقامات سه سرویس به کشورهای یکدیگر

در چهارچوب همکاری سه گانه.

۲– یادآوری و پیگیری اقدامات اطلاعاتی – عملیاتی و غیره که در فاصله بین دو ملاقات کمیته

معاونان و شورا باید بوسیله سه سرویس انجام شود– صدور– یادداشتهائی بعنوان سه سرویس با توجه به قطعنامه کنفرانسها در مورد برگزاری شورای سه گانه و کمیته های تابعه آن و یا ملاقات یا کنفرانس دیگری که در چهارچوب همکاری سه گانه بین سه سرویس انجام می گیرد.

در این یادداشتها دبیرکل تاریخ – محل برگزاری و موضوع کنفرانس مورد نظر را باطلاع سه سرویس رسانده و از آنها درخواست خواهد نمود که نمایندگان خود را در کنفرانس مورد نظر

تعیین کرده و نظریات احتمالی خود را ارائه نمایند. این یادداشتها که پس از تلفیق نظرات سه سرویس تهیه می شود حداقل یک ماه قبل از برگزاری هر کنفرانس بین سه سرویس توزیع خواهد شد.

۳– حضور در جلسات شورا و کمیته معاونان سه گانه بمنظور اطلاع از مصوبات این جلسات.

۴– تنظیم یک گزارش گردش کار از فعالیتهای دبیرخانه و یک گزارش مالی از مخارج انجام شده[؛]دبیرکل گردش کار خود را در جلسات شورا و کمیته معاونان قرائت کرده و نظرات اعضاء کنفرانسهای فوق الذکر را در مورد گزارش خود

استفسار خواهد نمود.

۵- تنظیم گزارش مبادله اخبار بین سه سرویس بر مبنای گزارش هر سرویس پیرامون امر مبادله خبر، کیفیت اخبار مبادله شده و میزان پوشاندن فهرست نیازمندیهای هر سرویس.

(فرم گزارش مبادله اخبار بعدا بوسیله کمیته معاونان تنظیم شده و به دبیرکل ابلاغ خواهد گردید).

دبیرکل گزارش مبادله اخبار را به کمیته اطلاعات و کمیته معاونان (هنگامیکه در فاصله دو شورا

ملاقات می کند) تسلیم خواهد نمود.

۶- نگاهداری سوابق مالی و محاسبات مربوط به بودجه دبیرخانه سه گانه و تسلیم فهرست مخارج انجام شده به کمیته معاونان و شورای رؤسای سه سرویس هنگام برگزاری هر اجلاسیه

شورا. برای تصویب آن بودجه دبیرخانه باید به حدنصاب مصوبه - ۱۵۰۰ دلار برسد.(۱)

در گزارش دیگر ساواک، به چهارچوب همکاری های سرویس سه گانه اتیوپی، ایران و اسرائیل و جایگاه کمیته های اطلاعات، امنیت و کمیته معاونان و وظایف و مسؤولیت هرکدام

از آنها در قبال اجلاس شورای سه گانه، اشاره شده است. در این گزارش زمان تشکیل کمیته ها

و اجلاس شورای سه جانبه، برخلاف پیمان سه جانبه ترکیه، ایران و اسرائیل که هر شش ماه

یک بار برگزار می شد، هر سال یک بار پیش بینی شده است:

درباره: تعیین نماینده ساواک در کنفرانس معاونان

منظور استحضار تیمسار ریاست ساواک و صدور اوامر

با توجه به مصوبات قبلی در چهارچوب همکاری های [...] سه گانه (ایران - اسرائیل - اتیوپی) کمیته های مشروحه زیر، تحت نظر شورای سران سه سرویس فعالیت می کنند:

۱- [...]

۲- سه گانه (ایران - اسرائیل - اتیوپی)

(مستخرج از اساسنامه و قطعنامه های مصوبه)

الف - کمیته امنیت:

هر سال یکبار همزمان با شورا با شرکت کارشناسان امنیتی سه سرویس تشکیل جلسه خواهد داد.

ب - کمیته اطلاعات:

ص: ۳۱۳

۱- . گزارش ساواک، بدون شماره و تاریخ، با طبقه بندی سری. این گزارش احتمالاً در سال ۱۳۵۱ تهیه شده است.

هر سال یکبار همزمان با شورا و با شرکت کارشناسان اطلاعاتی (بررسی) سه سرویس تشکیل جلسه خواهد داد.

پ - کمیته معاونان:

در سال دوبار تشکیل جلسه داده و وظائف آن با توجه به قطعنامه های مصوبه بقرار زیر خواهد

بود:

- بررسی بودجه دبیرخانه.

- بررسی و تصویب بودجه عملیات مشترک.

- بررسی عملیات مشترک در کشورهای هدف با توجه به پیشنهادات هریک از سه سرویس.

- ادامه - توسعه - محدود کردن یا خاتمه عملیات مشترک.

- بررسی هدف های جمع آوری بنابر پیشنهاد هریک از سه سرویس.

با شرح مراتب بالا و با توجه به اینکه وظائف اصلی کمیته هماهنگ کننده سه جانبه (ایران -

ترکیه - اسرائیل) و کمیته معاونان سه گانه (ایران - اسرائیل - اتیوپی) در جهت مسائل عملیاتی در کشورهای هدف می باشد مقرر فرمایند اوامر عالی را در مورد نماینده ساواک در کمیته های یاد شده بالا امر بابلاغ فرمایند تا به همان ترتیب عمل شود. ضمنا باستحضار می رساند که تاکنون

سرلشگر معتضد بعنوان معاون سازمان اطلاعات و امنیت کشور در کمیته های مشروحه بالا شرکت می کرده اند.(۱)

دومین اجلاس شورای سه گانه سرویس های اطلاعاتی اتیوپی، اسرائیل و ایران و کمیته های تابعه آنها در تیر ماه سال ۱۳۵۲، در تهران برگزار شد. گزارش ساواک در این باره چنین است:

گزارش

درباره احضاریه مرکز

منظور:

استحضار تیمسار ریاست ساواک و صدور اوامر.

بنابر تصویب قبلی دومین اجلاسیه شورای سه گانه و کمیته های تابعه آن با شرکت رؤسای سه

۱- . گزارش ساواک، بدون شماره و تاریخ، با طبقه بندی سری. به نظر می رسد این گزارش در سال ۱۳۵۱ تهیه شده است.

سرویس ایران – اسرائیل و اتیوپی از ۱۸ تا ۲۰ تبر ماه/ ۵۲ در تهران برگزار خواهد شد. در صورت تصویب مستدعی است مقرر فرمایند طبق روش به دبیرکل سه گانه که در آدیس آبابا مستقر می باشد (آقای محمد بهمنش) دستور داده شود که بمنظور شرکت در جلسات کنفرانس در رأس تاریخ یاد شده بتهران عزیمت نماید.

پیمانها(۱)

اداره پیمان ها در ساواک، طی گزارشی به ریاست ساواک، پیشنهادهای خود را درباره چگونگی و زمان برگزاری دومین اجلاس شورای سه جانبه و زمان تشکیل کمیته های تابعه، چنین ارایه کرده است:

گزارش

درباره شورای سه گانه

منظور:

استحضار تیمسار ریاست ساواک و صدور اوامر.

بنابر تصویب قبلی شورای سه گانه با شرکت رؤسای سرویسهای ایران – اسرائیل – و اتیوپی و کمیته های اطلاعات – امنیت و معاونان ظرف هفته اول ژوئیه ۱۹۷۳ (۱۰ الی ۱۶/ تیرماه/۵۲) در تهران برگزار خواهد شد.

ذیلاً ـ تاریخ و ترکیب هیئت نمایندگی ساواک در شورا و کمیته های تابعه آن به عرض می رسد تا در صورت تصویب در کنفرانس آینده و کنفرانسهای بعدی به همان ترتیب عمل شود:

۱- کمیته امنیت سه گانه (سه شنبه و چهارشنبه ۱۲ و ۱۳ تیرماه ۵۲)

الف – مدیرکل یا معاون یا یکی از رؤسای اداره کل هشتم

ب – مدیرکل یا معاون یا یکی از رؤسای ادارات کل سوم.

پ – در صورت تصویب ریاست هیئت ساواک در کمیته امنیت سه گانه، مانند کمیته امنیت سه جانبه با مدیرکل اداره هشتم یا نماینده ایشان خواهد بود.

۲- کمیته اطلاعات سه گانه (سه شنبه و چهارشنبه ۱۲ و ۱۳ تیرماه ۵۲)

الف – یک نماینده از اداره کل هفتم.

ب – یک نماینده از اداره کل دوم.

۱- . گزارش ساواک، مورخ ۱۰/۳/۵۲، بدو ن شماره، با طبقه بندی سری.

پ – در صورت تصویب ریاست کمیته اطلاعات سه گانه مانند کمیته اطلاعات سه جانبه با آقای حسین حجازی نماینده مدیرکل اداره هفتم خواهد بود.

۳– کمیته معاونان سه گانه (پنجشنبه ۱۴ تیرماه ۵۲)

بنابر تصویب قبلی مدیرکل اداره هفتم رئیس بخش مستقل پیمانها بعنوان اعضاء دائمی کمیته هماهنگ کننده سه جانبه تعیین شده اند در صورت تصویب مقرر فرمایند در مورد کمیته معاونان

سه گانه نیز بهمین ترتیب عمل شود.

شورای سه گانه (شنبه و یکشنبه ۱۶ و ۱۷ تیرماه ۵۲)

معمولاً شورا در سطح رؤسای سه سرویس تشکیل شده و اعضاء آن بشرح زیر می باشند:

الف – رئیس کمیته معاونان.

ب – رئیس کمیته امنیت.

پ – رئیس کمیته اطلاعات.

ت – رئیس بخش مستقل پیمانها.

مقرر فرمایند در شورای سه گانه آینده نیز به همین ترتیب عمل شود.

در صورت تصویب مقرر فرمایند تاریخهای مشروحه بالاـ در اختیار سرویسهای اتیوپی و اسرائیل گذارده شود و با توجه به ترکیب کمیته ها طبق پیشنهادات بالا از ادارات کل ذینفع

درخواست شود که نمایندگان خود را تعیین و سایر اقدامات مربوطه را نیز با توجه به قطعنامه های مصوبه قبلی انجام دهند.

پیمانها(۱)

رئیس ساواک نیز طی یادداشتی در تاریخ ۱۰/۳/۵۲، در همان گزارش چنین نوشت: تصویب می شود.

اداره پیمان ها، طی نامه ای دیگر، از ریاست ساواک تقاضا می کند که نماینده ساواک در اسرائیل، طبق روال پیمان سه جانبه ایران، ترکیه و اسرائیل، جهت شرکت در کنفرانس اطلاعاتی سه جانبه اتیوپی، اسرائیل و ایران نیز به تهران احضار شود.

رئیس ساواک نیز در پاسخ به اداره پیمان ها، در حاشیه، در تاریخ ۳/۴/۱۳۵۲، ضمن موافقت با پیشنهاد مزبور، می نویسد: احضار شود.

۱- . پیوست گزارش ساواک، مورخ ۱۰/۳/۵۲.

گزارش

درباره احضار رئیس نمایندگی

منظور: استحضار تیمسار ریاست ساواک و صدور اوامر

۱- طبق روش معمول در جریان کنفرانسهای سه جانبه رؤسای نمایندگی ساواک در کشورهای ترکیه و اسرائیل جهت شرکت در کنفرانس احضار می شوند.

۲- در مورد شرکت نمایندگی های سرویسهای عضو همکاری سه گانه (ایران - اسرائیل - اتیوپی)

از رابط سرویس اسرائیل استفسار شد اظهار داشت که سرویس اسرائیل نماینده خود را در آدیس آبابا در کنفرانس شرکت خواهد داد.

مقرر فرمائید اوامر عالی را در مورد شرکت رئیس نمایندگی ساواک در اسرائیل در کنفرانس سه گانه آینده (۱۸ الی ۲۰ تیر ماه ۵۲) امر بابلاغ فرمایند تا بهمان ترتیب عمل شود. ضمنا

باستحضار می رساند که قبلاً اوامر تیمسار ریاست ساواک در مورد احضار رئیس نمایندگی ساواک در اتیوپی که در عین حال دبیرکل سه گانه نیز می باشد به اداره کل یکم اعلام شده است.

پیمانها(۱)

یکی از موضوعات قابل توجه در گزارش ساواک، نامه اداره کل هفتم به رئیس آن سازمان درباره پیشنهاد سرویس اسرائیل مبنی بر تشکیل کمیته امور سیاسی در کنار اجلاس شورای سه جانبه است. اسرائیلی ها همچنین در پیشنهاد خود، وظایف و موضوع اقدام هریک از کمیته های سه گانه را در حوزه های جغرافیایی سرویس کشور مورد نظر مشخص کرده و برای هریک از سرویس ها تعیین تکلیف کرده اند:

منظور: استحضار تیمسار ریاست ساواک

پیشینه: سرویس اسرائیل در مورد کنفرانس سه گانه که دومین اجلاسیه آن در نیمه اول تیر ماه سال جاری در تهران تشکیل می شود پیشنهاداتی ارائه نموده که در تاریخ ۱۷/۳/۱۳۵۲ از طریق

بخش مستقل پیمانها به اداره کل هفتم واصل گردیده است.

سرویس اسرائیل پیشنهاد نموده است که:

۱- دو کمیته معاونان یکی برای امور کلی و دیگری برای تماسهای سیاسی تشکیل شود.

۱- . گزارش ساواک، بدون شماره و تاریخ، با طبقه بندی سری. به نظر این گزارش در روزهای اول تیر **۱۳۵۲** تهیه شده است.

۲- ساواک در مورد باب المندب و خلیج فارس - سرویس اسرائیل در مورد جمهوری دمکراتیک خلق یمن و جنبشهای تروریستی - سرویس اتیوپی در مورد سومالی و باب المندب گزارش تهیه

و ارائه نمایند.

اقدامات انجام شده:

با رابط سرویس اسرائیل مذاکره و در مورد پیشنهاد بند ۱ توضیح داده شد با توجه به وظایف

مشابه کمیته هماهنگ کننده در کنفرانس سه جانبه ساده تر و عملی تر خواهد بود که فقط یک

کمیته معاونان تشکیل و وظائف خود را در زمینه مسائل اداری - سازمانی - بررسی گزارشها و پیشنهادات کمیته های اطلاعات و امنیت و ارسال به شورای سه گانه انجام دهد. این نظر مورد

تائید رابط سرویس اسرائیل واقع شد.

در مورد پیشنهاد بند ۲ توافق شد هر سرویس با توجه به مقدورات خود گزارش تحلیلی پیرامون

مناطق هدف (برای ساواک: امارات عربی متحده - کویت - قطر- بحرین - عمان و عراق) تهیه

نماید و خواسته شد وسیله سرویس اسرائیل نظر سرویس اتیوپی نیز در مورد گزارشهائی که در

کمیته اطلاعات ارائه خواهد نمود استفسار گردد.

ضمنا با توجه به فرصت کمی که تا تاریخ تشکیل کمیته اطلاعات (۱۲/۴/۱۳۵۲) باقی مانده اداره کل هفتم شروع به تهیه گزارشهای مناطق هدف ساواک نموده است.

اداره کل هفتم(۱)

حوزه ریاست ساواک در پاسخ به این نامه، از قول رئیس آن سازمان، در تاریخ ۲۶/۳/۵۲، نوشت:

سعی کنید ما از حدود مبادله اطلاعات جلوتر نرویم. طرحهای ما باید در این زمینه باشد. امور

سیاسی کار ما نیست. ما در امور سیاسی می توانیم توصیه هایی به دولت های مان بنمائیم.

اسرائیلی ها پیشنهادها و طرح های دیگری نیز در این باره ارایه می کردند، که در آن ها عمدتا سعی داشتند اغراض خود را تعقیب کنند. در یکی از گزارش های ساواک، ترجمه متن پیشنهادی سرویس اطلاعاتی رژیم صهیونیستی برای نحوه فعالیت سرویس های اطلاعاتی سه جانبه (اتیوپی، ایران و اسرائیل) چنین است:

ترجمه پیشنهاد واصله از سرویس اسرائیل پیرامون سیستم ارتباطی بین سرویسهای سه گانه

ص: ۳۱۸

۱- . گزارش ساواک، بدون شماره و تاریخ، با طبقه بندی سری. این گزارش در خرداد **۱۳۵۲** تهیه شده است.

۱- بر مبنای موافقت رؤسای سرویسهای سه گانه از سرویس اسرائیل درخواست شد که پیشنهاداتی در زمینه طرح ارتباطات تنظیم نماید.

۲- امکان استقرار یک سیستم ارتباطی مستقیم و مستقل بین سرویسهای مربوطه مورد بررسی قرار گرفت اما انجام این موضوع مستلزم مخارج مالی زیاد- تجهیزات ویژه - و پرسنل متعدد می باشد.

۳- بنابراین ما پیشنهاد می کنیم که یک طرح ارتباطی بر مبنای ارتباطات فعلی بین ایستگاه های ما در ایران و اتیوپی و پایگاه این ایستگاه ها در اسرائیل بمرحله عمل درآید. خلاصه ای از این طرح ذیلاً تقدیم می گردد.

الف - ارتباطات بوسیله مرس بیسیم در ساعات تعیین شده قبلی انجام خواهد گرفت.

ب - ارتباطات را می توان با توجه به میزان نیازمندیها توسعه داد و حتی می توان یک سیستم

ارتباطی ۲۴ ساعته دایر نمود تا بدینوسیله اخبار فوری سریعا مخابره گردد.

۴- سیستم مخابره بطریق زیر خواهد بود:

الف - مخابره مطالب از یک سرویس بدو سرویس دیگر: سرویس مربوطه مطالب مورد نظر را بزبان انگلیسی در اختیار نماینده ما خواهد گذاشت. این مطالب در مرکز مخابرات ما رمز

شده و فورا به پایگاه مخابراتی ما در اسرائیل مخابره خواهد شد.

پایگاه مخابراتی اسرائیل پیام دریافتی را برای استفاده خود کشف کرده و فورا آنرا بصورت رمز بایستگاه سوم مخابره خواهد کرد. ایستگاه سوم این پیام را کشف کرده و در اختیار سرویس سوم خواهد گذاشت.

ب - ارسال مطالب از سرویس ایران بسرویس اتیوپی و بالعکس - این کار را نیز می توان با روش مشروحه بالا انجام داد.

۵- توضیحات بیشتر پیرامون روش مخابراتی مورد پیشنهاد طی مذاکرات مربوط موضوع ارتباطات که در چهارچوب کنفرانس معاونان سه گانه انجام خواهد گرفت ارائه خواهد گردید.(۱)

اسرائیلی ها درباره سیستم ارتباطی سرویس های اطلاعاتی سه گانه و نحوه مبادله اطلاعات بین آن ها نیز پیشنهادهای خاص خود را ارایه کرده بودند:

گزارش درباره سیستم ارتباطی

۱- . پیوست سند ساواک، بدون شماره و تاریخ، با طبقه بندی سری. این گزارش احتمالاً در سال ۱۳۵۲ تهیه شده است.

منظور: استحضار تیمسار ریاست ساواک و صدور اوامر

گزارش پیوست که ترجمه آن نیز بهمراه است در مورد سیستم ارتباطی بین سرویسهای سه گانه ایران، اتیوپی و اسرائیل به صورت پیشنهاد از سرویس اسرائیل واصل گردیده است. در گزارش

پیوست عطف بمذاکرات رؤسای سرویسهای سه گانه سرویس اسرائیل بررسیهائی درباره نحوه ارتباط بین سه سرویس بعمل آورده که طی آن پیشنهاد نموده بطور دائم کلیه مخابرات حتی

ارتباط بین ساواک و سرویس اتیوپی از طریق سازمان مخابراتی سرویس اسرائیل در تل آویو

انجام گردد. (بشرح طرح پیوست).

نظریه و پیشنهاد:

عطف به اوامری که به ویژه، پیرامون لزوم استقرار نمایندگی ساواک در کشور اتیوپی صادر فرموده اند از یک طرف و با توجه باینکه ارتباط با سرویس اتیوپی از طریق سرویس اسرائیل

بدلایل متعدد مصلحت نمی باشد در صورت تصویب مقرر فرمایند علیرغم آنچه سرویس اسرائیل مدعی مخارج زیاد آن می باشد در کنفرانس آینده معاونان صریحا تصمیم ساواک مبنی

بر ایجاد سیستم ارتباطی مستقیم و مستقل بین سرویسهای سه گانه (بطور دو به دو) به مقامات دو سرویس دیگر اعلام گردد. پیمانها(۱)

در دوره کوتاهی که روابط سیاسی اسرائیل با اتیوپی قطع شده بود، مقامات ساواک سعی کردند تا با استفاده از کانال ارتباط اطلاعاتی پنهان موساد با سرویس اطلاعاتی اتیوپی،

رؤسای سرویس اطلاعاتی آن کشور را برای شرکت در اجلاس شورای اطلاعاتی سه گانه، مورخ آذرماه ۱۳۵۲، به تهران دعوت کنند. گزارش ساواک در این باره چنین است:

گزارش درباره کنفرانس سه گانه

منظور: استحضار تیمسار ریاست ساواک و صدور اوامر

روز دوشنبه ۷/۸/۵۲، رابط سرویس اسرائیل اظهار داشت:

۱- بنابر تصمیم قبلی رؤسای سه سرویس ایران - اتیوپی و اسرائیل تاکنون مبادله اطلاعات بین دو سرویس ایران و اتیوپی از طریق سرویس اسرائیل انجام می گرفته اما در حال حاضر بعلت

قطع روابط سیاسی بین اسرائیل و اتیوپی و احضار کارکنان سفارت اسرائیل از آدیس آبابا امکان

ص: ۳۲۰

۱- . گزارش ساواک، بدون شماره و تاریخ، با طبقه بندی سری. این گزارش احتمالاً در سال ۱۳۵۱ تهیه شده است.

ارسال اطلاعیه های ساواک برای سرویس اتیوپی موجود نیست ولی چون سرویس اسرائیل هنوز با آدیس آبابا ارتباط تلگرافی دارد فقط ارسال پیامهای تلگرافی امکان پذیر می باشد.

۲- طبق تصمیم قبلی قرار است کنفرانس سه گانه با شرکت رؤسای سه سرویس ایران - اتیوپی و اسرائیل از ۲۶ تا ۲۹ آذر ماه ۵۲ در تهران برگزار شود. رئیس سرویس اتیوپی از طریق سرویس

اسرائیل اطلاع داده که اگرچه بین اتیوپی و اسرائیل قطع رابطه سیاسی شده اما کنفرانس سه گانه در تاریخ مقرر تشکیل شده و رئیس سرویس اتیوپی برای شرکت در این کنفرانس بتهران عزیمت خواهد کرد.

نظریه و پیشنهاد

۱- در مورد مبادله اطلاعات بین دو سرویس ایران و اتیوپی چون اسرائیل با اتیوپی قطع رابطه

کرده و ضمنا ساواک نیز نماینده ای در آدیس آبابا ندارد مقرر فرمایند مبادله اطلاعات بین دو سرویس تا کنفرانس آینده سه گانه (۲۶ تا ۲۹ آذر ماه ۵۲ تهران) متوقف شود تا کنفرانس مذکور

در مورد نحوه انجام این کار تصمیم بگیرد.

۲- چون ساواک میزان کنفرانس آینده است و مقامات اتیوپی آمادگی خود را برای شرکت در این کنفرانس ابراز کرده اند در صورت تصویب مقرر فرمایند از طریق سرویس اسرائیل به رئیس

سرویس اتیوپی پیغام داده شود که ساواک آماده پذیرائی از رؤسای دو سرویس در تاریخ مقرر

می باشد.

حوزه تیمسار ریاست ساواک (پیمانها)(۱)

رئیس ساواک در پاسخ به پیشنهاد اداره پیمانها وابسته به حوزه ریاست ساواک، چنین نوشت: موافقت می شود.

یادآوری می شود که در تاریخ ۲۳ دسامبر ۱۹۷۴ [آذر ۱۳۵۳] با یک کودتای نظامی، رژیم سلطنتی هایله سیلاسی سقوط کرد و شورای نظامی حکومت اتیوپی را در دست گرفت [...] در ژوئیه ۱۹۷۷، اسرائیل که مایل نبود در همسایگی خود یک کشور اسلامی به وجود بیاید، ترجیح داد که یک رژیم مارکسیستی در اتیوپی بر سر کار باشد تا یک حکومت عربی و مسلمان. در ژوئیه ۱۹۷۷ اسرائیل دو جزیره «فاطمه» و «حالب» در باب المندب را اشغال و

شروع به تعلیم چتربازان و افراد نیروهای دریایی اتیوپی نمود و بمب ناپالم در اختیار ارتش

۱- . گزارش ساواک، مورخ ۸/۸/۱۳۵۲، بدون شماره، با طبقه بندی سری.

اتیوپی قرار داد.(۱)

این تلاش، نشان از اهمیت موقعیت ژئوپلتیکی اتیوپی برای اسرائیل داشت. بر این اساس، آن ها ضمن استفاده از همه امکانات و اهرم های جهانی و منطقه ای پیرامون اتیوپی،

هیچ گاه بهره گیری از ابزار و اهرم ساواک را نیز فراموش نمی کردند.

اسرائیلی ها با همه این ابزارها و شیوه ها، هیچ گاه از امکانات و پوشش ساواک نیز در این مسیر بی بهره نبودند.

ژنرال زامیر رئیس موساد در این دوران، در گفت و گو با نصیری رئیس ساواک، شیوه های

ورود و نفوذ به اتیوپی را مورد بررسی قرار می دهد:

ژنرال ضمیر: در مورد سه گانه چون من پیشنهاد داده ام خودم را کمی ناراحت حس می کنم. باید بگویم که در اتیوپی دو فکر وجود دارد. یکی مربوط به نخست وزیر- وزیر دفاع - وزیر خارجه و دیگری رهبری ولیعهد و بعضی از ژنرالهای ارتش است. گروه اول هدفشان تسلیم شدن به فشارهای کشورهای عرب است. در ضمن سازمان وحدت افریقا یازده عضوش عرب هستند و از این طریق بود که اتیوپی را وادار به قطع رابطه با ما نمودند. به ما پیشنهاد کردند که راهی برای ماندن در اتیوپی پیدا نماییم. ولی من شخصا به ارزش این کار مشکوکم. بنی لول کیفله

ولیعهد و فرماندار اریتره می خواستند که ما آنجا بمانیم - ما در کنیا حضور داریم و می توانیم از طریق کنیا با کیفله تماس بگیریم ولی می گذارید [گذاریم] به عهده خود کیفله. در مدت جنگ ما برای کارمندان اتیوپی دوره آموزشی گذاشته بودیم. آنها به طور اصولی طرفدار غرب هستند

فکر می کنم سعی و کوشش ما بتدریج میوه خود را خواهد داد. رفتن ما به باب المندب بدون

اینکه یک بندر سر راه باشد مشکل بود و فکر می کردیم باب المندب برای اتیوپی هم به اندازه ما مهم است ولی در میان جنگ ناگهان اتیوپی سیاست خود را عوض کرد.

تیمسار ریاست ساواک: ما برنامه ای را شروع کرده ایم که در صورت اجرای آن شاید از نظر هدفی که می خواستیم دیدی بر باب المندب داشته باشیم به اتیوپی احتیاجی نباشد. ولی شاید

بعد از کنفرانس ژنو وقتی مصر اسرائیل را شناخت اتیوپی هم اصراری برای رفتن به طرف بلوک افریقا نداشته باشد و شاید علاقه برای برقراری روابط رسمی با اسرائیل پیدا کند.

تیمسار کاوه: خبری بود که چند کشتی شما در آنجا دچار مشکل شده بودند.

۱- . داود کریملو، اریتره، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی وزارت امور خارجه، تهران ۱۳۷۳، صص ۱۳۷ و ۱۳۹.

ژنرال ضـمیر: این صحیح نیست ما بدون حمایت نظامی از آنجا عبور می کنیم. گردن این راه در دست ماست. لوله نفتی ما هم دارد کار می کند.

کیسینجر قویا معتقد است که اگر بحران را از این منطقه دور کنیم روسها باید از مصر بروند.(۱)

اسـرائیل از طریق ارتباط، همکاری و پیوندی که با ساواک برقرار کرده بود، استراتژی حاشـیه ای خود در کشورهای مورد نظر را نیز از این زاویه تعقیب می کرد. اسناد حاوی گفت وگوها و مذاکرات به جا مانده از آن دوران به خوبی گویای این واقعیت هستند که ساواک

همواره به مثابه ابزار و آلت دست رژیم صـهیونیستی، در پیشبرد اهـداف و استراتژی صـهیونیست ها مورد بهره برداری قرار می گرفت.

مذاکرات دوجانبه ژنرال خوفی رئیس سـرویس اطلاعاتی اسـرائیل با ارتشـبد نصـیری رئیس ساواک در تاریخ ۱۴/۲/۱۳۵۶ این واقعیت را آشـکار می سازد. این سند نه فقط میزان نفوذ اسرائیل در اتیوپی و سرمایه گذاری اطلاعاتی و جاسوسی صهیونیست ها در آن کشور و

در میان گروه ها و اشـخاص مختلف و اهداف مورد نظر صـهیونیستی در آن سرزمین را نشان می دهد؛ بلکه مطامع اسرائیل در کشورهـایی چون سومالی، سودان، جیبوتی، و چگونگی بهره گیری اطلاعاتی از عوامل ساواک در این کشورها، به ویژه مصر و عربستان سعودی را بازگو می کند.

این سـند همچنین نشان می دهد که چگونه رئیس سـرویس اطلاعاتی اسـرائیل، از ارتشبد نصیری رئیس ساواک به عنوان یک منبع اطلاعاتی استفاده و از طریق تبادل نظر اطلاعاتی،

اسـرار امنیتی و حفاظتی کشورهایی چون عراق، کویت، عربستان سعودی را به آسانی از او اخذ و در واقع او را تخلیه اطلاعاتی می کند.

به علاوه از موقعیت سیاسـی ایران در میان برخی دولت های غرب مثل فرانسه، به نفع اسـرائیل بهره برداری و از رئیس ساواک می خواهـد تـا ایران مانع از همکاری هسـته ای عراق و فرانسه شود. به هر روی به گواهی منـدرجات این سـند، سـرسپردگی و تسلیم طلبی مقامات و رؤسای ساواک در برابر سرویس اطلاعاتی اسرائیل به گونه ای بود که خواننده، نوعی اتحاد و

پیوند استراتژیکی در حوزه مسایل سیاسی، امنیتی و نظامی بین ایران شاهنشاهی و رژیم

۱- . سند ساواک، مذاکرات رئیس سرویس اسرائیل با رئیس ساواک، ۶/۱۰/۱۳۵۲، شماره ۱۹۱، تاریخ این گفت وگو ۲۸ آذر ۱۳۵۲ ثبت شده است.

صهیونیستی مشاهده می کند. بعضی اظهارات رئیس ساواک در برابر ژنرال خوفی رئیس سرویس اطلاعات اسرائیل به قدری وحشتناک و تکان دهنده است که مخاطب تصور می کند، دستگاه عریض و طویل ساواک شعبه ای از دستگاه اطلاعات و جاسوسی رژیم صهیونیستی بوده است. برای مثال؛ ارتشبد نصیری در پاسخ به تقاضای رئیس سرویس اسرائیل مبنی بر مبارزه با پدیده ای که اسرائیلی ها آن را تروریسم می خوانند، از موضع

سرسپردگی چنین پاسخ می دهد:

هر کاری بخواهید انجام خواهیم داد.

و یا زمانی که ژنرال خوفی به رئیس ساواک پیشنهاد می دهد که هرگونه اطلاعات درباره فلسطینی ها را به سرویس اسرائیل ارایه دهند، چشم و گوش بسته پاسخ می دهد:

این کار را خواهیم کرد.

مطالعه این مذاکرات از زوایای گوناگون قابل تأمل و بررسی است:

[دیدگاه اسرائیلی ها درباره اتیوپی]

مذاکرات دوجانبه با رئیس و معاون سرویس اسرائیل

ارتشبد نصیری: اولین سئوال من درباره اوضاع اتیوپی است.

ژنرال خوفی (رئیس سرویس اسرائیل): آنچه من می توانم در این باره بگویم آن است که ما در اتیوپی هستیم و با هیئت حاکمه آن کشور در تماس می باشیم. هفته گذشته دکتر کیمخی معاون

من در اتیوپی با «منگیستو» رهبر این کشور ملاقات و مذاکره کرده و در این باره برای شما

توضیح خواهد داد.

دکتر کیمخی (معاون سرویس اسرائیل): هفته گذشته من با منگیستو بمدت دو ساعت مذاکره کردم. ابتدا صریحا بوی یادآوری نمودم که شما جزو اردوگاه کمونیسم هستید و ما در جهت

مقابل شما قرار داریم. من قبل از آنکه عقاید خود را درباره اتیوپی بیان کنم اظهارات منگیستو را عینا نقل می کنم. او گفت انقلاب اتیوپی یک امر اجباری بود و شرایط دشواری پیش آمده بود که حتی با استاندارد افریقا نیز اتیوپی بصورت فقیرترین کشور افریقائی درآمده بود و در مدت دو سال تنها یکصدهزار نفر از قحطی مرده بودند درحالیکه در «آدیس آبابا» عده ای هر لحظه

غنی تر می شدند فی المثل در استان «مالو» چون امپراطور با مردم آن استان میانه خوشی نداشت

هیچگونه اقدامات عمرانی صورت نگرفته بود و موقعی که بعلت خشکسالی قحطی پیش آمد

ص:۳۲۴

تنها در این استان دهها هزار نفر از گرسنگی جان سپردند و دولت مرکزی هیچگونه کمکی نکرد

این بود که زمینه انقلاب بوجود آمد و به این دلیل بود که ما انقلاب کردیم. وقتی ما انقلاب

کردیم امریکا را وطن دوم خودمان می دانستیم و به آن کشور احترام می گذاشتیم و امیدوار

بودیم که امریکائیها علت انقلاب ما را درک کنند و به همین لحاظ بعد از انقلاب ما از امریکا درخواست اسلحه کردیم تا ارتش خود را از نظر کارائی هم سطح ارتش سومالی سازیم. ولی امریکا درخواست ما را رد کرد و در نتیجه حکومت جدید اتیوپی درک نمود که کمکهای قبلی

امریکا به اتیوپی به کشور اتیوپی نبوده بلکه به شخص امپراطور بوده است. ما تدریجا فهمیدیم

که امریکا به جای آنکه بما اسلحه بدهد به جنبش آزادیبخش اریتره و سایر جنبشهای تجزیه طلب یعنی به دشمنان ما اسلحه می دهد. در حقیقت ما نبودیم که از امریکا دور شدیم این امریکا بود که از ما دوری جست.

فعلاً مشکل ما حفظ تمامیت اتیوپی است و بنابراین ما از هر مرجعی کمک خواهیم گرفت تا سطح زندگی مردم را بالا ببریم و لذا تصمیم بر این است که روش سوسیالیستی بکار برده شود.

البته این سوسیالیزم با سوسیالیزم شوروی و ایدئولوژی آن کشور ارتباطی ندارد و به نظر ما این بهترین راه حل مشکل اتیوپی است. کمک شوروی به اتیوپی چندان زیاد نبوده است. شوروی دست از پایگاههای خود در سومالی برنخواهد داشت و لذا بآن میزان به اتیوپی کمک نمی کند

که خطری برای سومالی بوجود آید. برای ما مهمترین مسئله جلوگیری از فعالیت جنبش آزادیبخش اریتره است. تنها کمک بزرگی که روسها به اتیوپی کرده اند آن است که سومالی را از حمله به اتیوپی بازداشته اند. البته این اقدام نیز جنبه تاکتیکی دارد و من (منگیستو) معتقدم که روزی اتیوپی و سومالی با یکدیگر وارد جنگ خواهند شد. رئیس دولت اتیوپی در مورد روابط

با اسرائیل اظهار داشت که مایلیم دوستی خود را با اسرائیل حفظ کنیم و دوستی ما با شوروی

مغایرتی با دوستی ما با اسرائیل ندارد.

تا اینجا سخنان منگیستو رئیس دولت اتیوپی را برای شما نقل کردم اکنون نظر خود را عرض می کنم.

منگیستو یک ناسیونالیست است و از ایدئولوژی مارکسیسم چیزی نمی داند. او می خواهد تمامیت ارضی اتیوپی را حفظ کند. البته در داخل هیئت حاکمه اتیوپی عده ای مارکسیست و

کمونیست وجود دارد مثلاً بارهانوبایا (BARHANO BAYA)رئیس امور خارجی که بعنوان

وزیر امور خارجه کار می کند یک مارکسیست حرفه ای است. بعلاوه در داخل هیئت حاکمه اتیوپی کسانی نفوذ دارند که تحصیلکرده شوروی هستند و از راه رسم مارکسیسم پیروی می نمایند و لذا این یک امر طبیعی است که اتیوپی بسوی روسها کشیده شود خاصه آنکه از

امریکا چیزی دریافت نکرده است. من معتقدم که رئیس حکومت اتیوپی کمونیست نیست و اگر غرب می توانست او را حفظ کند هیچگاه به روسها نزدیک نمی شد.

ارتشبد نصیری: آیا «آتوزامنا» رئیس سازمان امنیت اتیوپی کمونیست است یا خیر؟

دکتر کیمخی: او صد در صد طرفدار غرب بوده و معتقد است که شوروی پایگاههای خود را در سومالی از دست نخواهد داد و اگر قرار باشد روسها میان سومالی و اتیوپی یکی را انتخاب

کنند مسلما سومالی را انتخاب خواهند کرد. بعلاوه نمی توان تصور کرد که عربستان سعودی

بتواند روسها را از سومالی دور کند.

ارتشبد نصیری: سعودی ها اظهار داشته اند که پول نقد به سومالی نخواهند داد و بصورت اعتبار برای اقدامات عمرانی سومالی کمک خواهند کرد.

دکتر کیمخی: ما اطلاعی در این باره نداریم.

ارتشبد نصیری: بنابراین هیئت حاکمه اتیوپی مرکب از یک سوسیالیست - چند کمونیست و چند نفر طرفدار غرب است. چطور این افراد با یکدیگر کار می کنند؟

دکتر کیمخی: این یک ازدواج مصلحتی است.

ارتشبد نصیری: کدامیک از عناصر مهم دولتی طرفدار غرب هستند؟

دکتر کیمخی: جواب این سئوال مشکل است زیرا عوامل ما در آنجا زیاد نیستند که بتوانند اخبار کافی بدست آورند.

ارتشبد نصیری: بنظر شما آینده اتیوپی به چه نحو خواهد بود؟

ژنرال خوفی: اجازه بدهید من جواب این سئوال را بدهم. ما در مورد نظرات خود اطمینان زیاد نداریم البته با افراد مخالف دولت سومالی درباره اتیوپی زیاد صحبت کرده ایم هم در اسرائیل و هم در خود اتیوپی. مشکل اصلی در گذشته و حال حفظ تمامیت ارضی اتیوپی است. جنگ با دشمن خارجی در حالی که در داخل آرامش وجود ندارد مشکل است. گذشته از گروههای چپ و راست گروه سومی نیز در اتیوپی وجود دارد و این گروه سلطنت طلبان هستند که از

ناحیه سودان حمایت می شوند و حکومت اتیوپی خطر گروه سلطنت طلبان را جدی تلقی

ص:۳۲۶

می کند. در اتیوپی سه منبع خطر وجود دارد:

۱- در داخل آدیس آبابا خطر فعالیت دست چپی های افراطی.

۲- خطر دوم از استانها ناشی می شود.

۳- خطر سوم از جانب سودان و سومالی است که از دو جناح اتیوپی را تهدید می کنند.

دولت برای مقابله با خطرات در حدود دویست هزار نفر را بعنوان نیروی شبه نظامی اجیر کرده است.

ارتشبد نصیری: کوبائیها نیز برای آموزش همین افراد به اتیوپی آمده اند.

ژنرال خوفی: تصدیق می کنم. برای اسرائیل اتیوپی بندر دوستی در دریای احمر بوده است و ما نمی خواهیم این کشور در وضع مشکلی قرار گیرد زیرا این کشور برای کشتیهای ما بمنزله پناهگاه است. برای ما ایجاد یک کشور «اریتره» یک خطر است زیرا در آن صورت اریتره قسمتی از جهان عرب محسوب خواهد شد.

ارتشبد نصیری: ادعای ارضی سومالی علیه اتیوپی چیست؟

ژنرال خوفی: ادعای سومالی مربوط به قسمتی از استان «اوگادن» (OGADEN)است. اگر به نقشه نگاه کنیم ملاحظه می شود که اوگادن سومالی را تقریبا به دو قسمت تقسیم کرده است و سومالی همیشه می ترسد که در صورت بروز مخاصمه ای ارتباط بین دو قسمت سومالی با یکدیگر قطع شود.

ارتشبد نصیری: اوگادن بعد از جنگ دوم به اتیوپی داده شد؟

ژنرال خوفی: صحیح است.

ارتشبد نصیری: این قسمت قبلاً متعلق به ایتالیا بود و البته تا حدود نود سال پیش اصولاً مرزی

در افریقا وجود نداشت.

ژنرال خوفی: در حال حاضر فعالیتهای غیرمستقیم نظامی از داخل سومالی علیه استان اوگادن صورت می گیرد ولی رسما جنگی وجود ندارد.

ارتشبد نصیری: عشایری وجود دارند که نیمی از آنان در سومالی و نیمی دیگر در جیبوتی زندگی می کنند آیا صحیح است؟

ژنرال خوفی: بله صحیح است و این افراد همیشه بدنبال آب و علف کوچ می کنند.

[جیبوتی]

ارتشبد نصیری: می خواستم درباره جیبوتی توضیحاتی بدهید.

ژنرال خوفی: یک میلیون مسئله درباره جیبوتی وجود دارد. ما مطمئن هستیم که فرانسویها این ناحیه را ترک خواهند کرد. قرار است در جیبوتی انتخابات شود ما اطلاعاتی داریم که آفارها

(AFARS)این انتخابات را قبول نخواهند کرد زیرا بازنده خواهند بود و در آن صورت جیبوتی به سومالی ملحق خواهد شد. دولت اتیوپی آفارها را آموزش نظامی داده و به جیبوتی

فرستاده است تا در صورت لزوم از وجود آنها استفاده کند. در حال حاضر کشورهای غربی هجوم آورده اند که در جیبوتی سفارتخانه باز کنند من (ژنرال خوفی) می خواستم یادآوری کنم که جیبوتی مسئله مهمی است. برای ایران نیز مسئله خیلی حائز اهمیت است البته خود شما باین موضوع واقف هستید بنظر ما برای ایران لازم است که در جیبوتی نمایندگی سیاسی داشته باشد.

ارتشبد نصیری: احتمال می رود جیبوتی ضمیمه سومالی یا اتیوپی شود.

ژنرال خوفی: من مطمئن نیستم. ممکن است بعد از خروج فرانسویها ارتش مستقلی در جیبوتی تشکیل شود و حکومت مستقلی بوجود آورد. ما شروع به جمع آوری اطلاعات از جیبوتی کرده ایم و بشما نیز این اطلاعات را خواهیم داد. قبلاً بشما اطلاع داده بودیم که ما با سومالیها در تماس هستیم. اخیرا تماسهای مستقیمی با گروههای زیرزمینی داخل سومالی داشته ایم و چون

این امر مورد توجه شما است حاضریم در صورتی که مایل باشید میان شما و این گروهها ارتباط برقرار کنیم و می خواستم بگویم که لازم نیست در این راه پولی خرج شود. شما می توانید با تماس با این افراد اطلاعات لازم را از داخل سومالی بدست آورید.

ارتشبد نصیری: ارتباط ما به هرحال از طریق شما انجام خواهد شد و بهتر است اول در خود اسرائیل این تماس برقرار شود.

ژنرال خوفی: ما این کار را برای شما انجام خواهیم داد دنباله کار را به نظر و مصلحت خودتان تنظیم نمائید.

ارتشبد نصیری: آیا این گروههای زیرزمینی طرفدار غرب هستند؟

ژنرال خوفی: بله. این افراد طرفدار غرب هستند.

ارتشبد نصیری: اولین تماس چگونه خواهد بود؟

ژنرال خوفی: ما می توانیم در اروپا- یا تهران و یا اسرائیل این ارتباط را فراهم نمائیم.

ارتشبد نصیری: در اسرائیل بهتر است. جمعیت این گروه چند نفر است و اعضای آن چه کسانی هستند؟

ژنرال خوفی: این گروه متشکل از دستجات مختلفی است. در فوریه گذشته کنگره ای در اتیوپی تشکیل داده و قطعنامه ای منتشر کردند و تصمیم به همکاری گرفتند. کادر رهبری این گروه از وزراء سابق – سفرای سابق و افسران شاغل ارتش تشکیل می گردد و حوزه های پنهانی در داخل

ارتش بوجود آورده اند و مطمئن هستند که از آنها حمایت خواهد شد. آنها دوستان بسیاری در میان تمام گروهها دارند. این حوزه ها در ارتش هنوز کوچک است و آمادگی برای انقلاب ندارند اما می توان آنها را توسعه داده و مورد بهره برداری قرار داد. (در جریان کنفرانس

سه جانبه رئیس سرویس اسرائیل معتقد بود که عربستان سعودی – مصر و سودان مصمم هستند که بحر احمر را بعنوان یک دریای عربی اعلام کنند. جان نثار با توجه به اطلاعاتی که از منابع عربستان سعودی مبنی بر مخالفت عربستان با تحقق چنین طرحی دریافت کرده بودم بدون ذکر

منبع اظهار داشتم که عربستان با این طرح موافق نیست).

با وجودی که من با شما درباره مطلب مربوط به بحر عربی احمر و نقش عربستان سعودی اختلاف عقیده داشتم معذلک موضوع را در جلسه علنی مطرح نکردم و مایلم بدانم که آیا تیمسار از مخالفت عربستان سعودی با این طرح اطمینان دارید.

ارتشبد نصیری: بله من مطمئن هستم. بطوری که معلوم شده ظاهرا سودان هسته اصلی این اتحادیه بوده است. ما فکر می کنیم که زیر پرده مصر ایفای این نقش را به سودان واگذار کرده است. وقتی جلسه اتحادیه تشکیل شد عربستان سعودی اطلاع نداشت هدف آن بود که پس از تشکیل این اتحادیه کنفرانس بعدی آن در ریاض و یا قاهره باشد و به این وسیله می خواستند مصر و سعودی را وارد این اتحادیه کنند. ولی از همان ابتدا عربستان سعودی اعتراض کرد و صریحا عدم تمایل خود را از شرکت در این جلسه اعلام داشت. ما به محض اطلاع از عربستان

سعودی در این باره توضیح خواستیم آنها تائید کردند که اقدام سودانیها بدون اطلاع عربستان

سعودی انجام گرفته است و اضافه کردند که دریای احمر نمی تواند یک دریای عربی باشد چون مشکل جدیدی میان ما و اسرائیل بوجود خواهد آورد. اسرائیل در داخل بحر احمر است و بحر احمر یک شاهراه بین المللی است که کشتیهای شوروی نیز در آن مشغول رفت و آمد

هستند و این امر مشکلی نیز میان ما و شورویها بوجود خواهد آورد. این جواب صریح سعودی روشن ساخت که آنها مخالف این طرح هستند و من فکر می کنم مصر سودان را برای تشکیل این اتحادیه جلو انداخته است. بهرحال این مسئله اکنون منتفی شده است.

ما این اطلاعات را با تماس مستقیم با دولت و مقامات امنیتی سعودی بدست آورده ایم. سعودیها وقتی از علت تشکیل این جلسه مطلع شدند واقعا ناراحت شدند. من شخصا فکر می کنم در حال حاضر اعراب دارای نیروی دریائی مجهزی نیستند و نمی توانند در بحر احمر

سیادتی از خود نشان دهند. بحر احمر یک شاهراه تجارتی است و به خواسته چند کشور عربی

نمی توان تغییراتی در آن ایجاد کرد خاصه آنکه بحر احمر یک دریای بسته نیست.

[عربستان سعودی]

ژنرال خوفی: سعودیها را چگونه ارزیابی می کنید. آیا تهدیدی علیه ایران و اسرائیل نیستند؟

ارتشبد نصیری: هر کشور عربی می خواهد رهبری بقیه اعراب را در دست داشته باشد. بدبختانه فقر اعراب و ثروت سعودی موجب تبعیت اعراب از سعودی شده است. وضع داخلی عربستان سعودی هیچ رضایتبخش نیست. تمام مشاغل میان امراء و شاهزادگان تقسیم شده است. کارهای تجارتی و ساختمانی بدون شرکت امراء و شاهزادگان اجراء نمی شود و به این ترتیب

سعودی نمی تواند آینده روشنی داشته باشد. اخیرا سعودیها چند ناو جنگی خریده اند ولی

پرسنلی را که بتواند از این کشتیها استفاده کند در اختیار ندارند. استفاده از کشتی نیاز به پرسنل تحصیلکرده دارد.

ژنرال خوفی: اما نقش سعودی در جهان عرب خیلی بیش از گذشته است.

ارتشبد نصیری: بعلت پول و وجهه مذهبی آن کشور است.

ژنرال خوفی: از نظر توسعه نظامی عربستان سعودی باید حدی را در نظر بگیرد. آنها در نزدیکی ایلات در «تبوک» یک شهر نظامی ایجاد می کنند و پایگاههای هوائی و زمینی دایر کرده اند و بکشورهای عربی هم کمک نظامی می کنند. بنظر ما تمرکز قوا و تجهیزات سعودی نزدیک ایلات تهدید جدی علیه اسرائیل است.

ارتشبد نصیری: سعودیها می خواهند مرزهای کشور صحرائی خود را حفظ کنند. نیمی از ارتش آن کشور از عناصر بدوی تشکیل شده و نیم دیگر یک ارتش منظم است. به این ترتیب ارتش سعودی تابع دو گروه از امراء و شاهزادگان می باشد. موضوع اینست که همه وسائل نظامی عینا

به بدویها نیز داده شده است. در حالیکه قادر به بهره برداری از آن نیستند و اصولاً ارزش جنگی ندارند.

ژنرال خوفی: ایران از سعودی باکی ندارد ولی این وضع در مورد اسرائیل صادق نیست.

ارتشبد نصیری: ما دل خوشی از سعودیها نداریم. در موقع حساس سعودیها درست در جهت مخالف ما قرار گرفته اند.

ژنرال خوفی: امیدوارم همکاریهای خود را در جمع آوری اطلاعات از عربستان سعودی ادامه و افزایش دهیم زیرا برای ما موضوع خیلی مهم شده است.

ارتشبد نصیری: مانعی ندارد. ما با هریک از دول عربی که تماس می گیریم متوجه می شویم که نمی توانیم دو تا از این کشورها را با هم همگام کنیم مثلاً کویت و عراق. عراق می خواهد تجاوز کند. ما در گذشته با کویتیها صحبت کرده ایم. چند فرودگاه ساخته اند به آنها گفتم این فرودگاهها به چه درد شما می خورد از مرز تا فرودگاه پنج دقیقه بیشتر فاصله نیست. وقتی اطلاع پیدا

می کنید که همه هواپیماهایتان روی زمین از بین رفته اند. گفتیم فرودگاهائی در سعودی یا بحرین برای دفاع از خاک خود باید داشته باشند. ناراحت شدند و گفتند حرف عربستان سعودی را نزنید.

ژنرال خوفی: چرا؟

ارتشبد نصیری: اعراب اصولاً همدیگر را نمی فهمند.

[کویت و عراق]

ژنرال خوفی: چرا کویت می خواهد از شوروی اسلحه خریداری کند؟

ارتشبد نصیری: این طرح هنوز عملی نشده است. در حال حاضر تعداد اعضای سفارت شوروی در کویت بیش از همه سفارتخانه ها است. ما به کویتی ها گفته ایم که از شورویها بخواهند تعداد پرسنل سفارت شوروی در کویت را با تعداد اعضاء سفارت کویت در شوروی متوازن نمایند. هیئتی اخیرا از عراق به کویت رفت. برای اولین بار کویتی ها در مقابل عراقیها سخت ایستادگی کردند و در تمام مراحل مذاکرات حل مسئله مرزی را مقدم بر همه مسائل اعلام کردند و خواستار اجرای مقاوله نامه ای شدند که میان کویت و عراق در زمان نوری سعید امضاء شده است.

ژنرال خوفی: عراقیها از فرانسه خواستار راکتور اتمی از کارخانه (SIRIS)شده اند. شما از

فرانسه بخواهید که این تجهیزات را تحویل ندهند گو اینکه این قرارداد اخیرا امضاء شده است. من فکر می کنم بعد از پاکستان که قابلیت اتمی قابل توجه دارد عراق از این نظر خطرناکترین

کشورها است.

ارتشبد نصیری: اجرای این طرح هزینه سنگینی دربر دارد.

ژنرال خوفی: تصدیق می کنم. علیرغم فشار امریکائیها بفرانسه این قرارداد امضاء شده و این مسئله برای آینده هر دو کشور و اسرائیل خطرناک است.

ارتشبد نصیری: تهیه قدرت اتمی مورد توجه همه کشورها قرار گرفته و به محض توانائی در تهیه آن اقدام خواهند کرد کمااینکه صدراعظم آلمان صراحتا گفته است که آلمان راکتور اتمی

دارد و هر کشور مایل به خرید آن باشد به آن کشور فروخته خواهد شد. متأسفانه این امر وارد تجارت بین المللی شده است.

ژنرال خوفی: من مایلم در مورد تهدید اتمی عراق بخصوص در مورد مبادله اطلاعات فنی در این باره همکاری عملیاتی و اطلاعاتی انجام دهیم و برای جمع آوری اطلاعات تلاش کنیم.

ارتشبد نصیری: مانعی ندارد.

[تروریسم]

ژنرال خوفی: در مورد مبارزه با تروریسم مطلبی گفته بودید. اگر شما سمیناری در مورد تروریسم در تهران تشکیل دهید ما افراد خود را به ایران می فرستیم که در این سمینار شرکت

کنند.

ارتشبد نصیری: هر کاری بخواهید انجام خواهیم داد زیرا در حال حاضر چند مرکز آموزش تروریستی بوجود آمده و همه ساله عده ای تروریست تربیت شده و به کشورهای مختلف اعزام

می شوند. ادامه این وضع معلوم نیست در چند سال آینده چه موقعیتی را بوجود آورد. ما هر

برنامه ای علیه تروریسم اجرا کنیم باز هم کم کار کرده ایم. ما اکنون با یک ایرانی که در اردوگاه عراقیها آموزش تروریستی دیده تماس گرفته و او را آماده می کنیم که به ایران آمده و اطلاعات

خود را به ما بدهد. این منبع از محلی نام برده که ما روی نقشه پیدا نکردیم. این محل اردوگاهی در عراق نزدیک مرز اردن است و احتمالاً ـ در جوار تأسیسات نظامی عراق ساخته شده است. در این اردوگاه دوره های مختلف ۳-۶ و ۹ ماهه آموزش

داده می شـود و از ملیتهـای مختلـف ژاپنی - ایرانی - فلسـطینی - عرب - بلوچ - کرد و ترک آموزش می بیننـد. در دوره سـه ماهه فعالیتهای

ص: ۳۳۲

چریکی آموزش داده می شود. در دوره شش ماهه با تمام انواع خرابکاری و وسایل مربوط به آن آشنا می شوند. در دوره نه ماهه افسر چریک تربیت می کنند.

ژنرال خوفی: من مطمئن هستم که مرکز اصلی در بغداد است.

می خواستم تقاضا کنم اگر از ایرانیهائی که از اقدامات گذشته خود پشیمان شده و خواستار مراجعت بوطن هستند کسانی با فلسطینی ها در ارتباط بوده اند اطلاعات آنها به ما داده شود.

ارتشبد نصیری: این کار را خواهیم کرد.

ژنرال خوفی: برای برگزاری سمینار ما کارمندان متخصص خود را به ایران می فرستیم شما نیز چند نفر را به اسرائیل بفرستید تا برای اعضای ما در مورد مبارزه با تروریسم سخنرانی کنند.

ارتشبد نصیری: بسیار فکر خوبی است.

ژنرال خوفی: بهرحال ما آمادگی کامل برای همه گونه همکاری داریم و امیدواریم شخص جنابعالی را هرچه زودتر در اسرائیل ملاقات کنیم و منتظر ملاقات یکسال دیگر نشویم.

ارتشبد نصیری: متشکرم. البته اگر موقعیت ایجاب کرد زودتر از سال آینده خواهم آمد.

ژنرال خوفی: در خاتمه باید عرض کنم که ما باید از میان کشورهای افریقائی کنیا را تقویت کنیم زیرا کنیا تنها کشور طرفدار غرب در شرق افریقا است و بعد از رهبری کنونی معلوم نیست

سرنوشت این کشور به چه صورت درخواهد آمد.(۱)

اهمیت اتیوپی و جایگاه آن در استراتژی پیرامونی اسرائیل، ایستگاه های جاسوسی و اطلاعاتی اسرائیلی در آن کشور و مسایل متعدد دیگر، موجب شده بود که اسرائیلی ها و به ویژه سرویس اطلاعاتی رژیم صهیونیستی، مسایل آن کشور را به طور جدی تحت نظر و کنترل داشته باشد. در این میان نقش ساواک برای اسرائیلی ها بسیار اساسی می نمود. مذاکرات

رئیس ساواک با معاون سرویس اطلاعاتی اسرائیل پیرامون مسایل اتیوپی قابل توجه و خواندنی است. این متن از سوی محیط (اداره پیمان ها)، از حوزه ریاست ساواک طی ۴ صفحه به مدیریت کل اداره هفتم و دوم ارسال شده است:

ملاقات تیمسار ریاست ساواک با آقای کیمخی معاون سرویس اسرائیل (۲۸/۵/۳۶- تهران)

[اهداف اسرائیل در اتیوپی]

دکتر کیمخی: اخیرا منگیستو رهبر اتیوپی یادداشتی برای نخست وزیر ما فرستاد و طی آن

۱- . گزارش ساواک، مورخ ۱۴/۲/۳۶ [۱۳۵۶]، بدون شماره، با طبقه بندی سری.

درخواست کرده که ما کمکهای خود را به حکومت او افزایش دهیم و در ضمن از امریکا هم بخواهیم که به او کمک کند.

تیمسار ریاست ساواک: این موضوع در اخبار بود اما نه با جزئیاتی که شما می گوئید.

دکتر کیمخی: بعدا اتیوپی درخواست کرد که هیئتی را به تل آویو اعزام دارد و این کار را هم کردند. هیئت مذکور شامل نخست وزیر سابق اتیوپی و یکی از اعضای برجسته شورای نظامی اتیوپی بود. هیئت مذکور از ما سئوال کرد که آیا ما حاضریم بین اتیوپی و امریکا میانجیگری

کنیم؟

ما جواب مثبت به آنها ندادیم چون عکس العمل امریکا در قبال چنین درخواستی برای ما مبهم بود. ژنرال دایان مذاکرات شدیداللحنی با مقامات اتیوپی داشته است و ضمن سرزنش آنها به آنها خاطرنشان ساخته که دولت اتیوپی باید در کنار امریکا باقی می ماند نه اینکه بسوی شوروی روی آورد. ژنرال دایان به آنها گفتند اکنون نیز باید خودتان مستقیما با امریکا تماس بگیرید و گذشته ها را جبران کنید. پیرو این تحولات حکومت اتیوپی مجددا یادداشتی برای ما فرستاد و طی آن از یک هیئت اسرائیلی بلندپایه دعوت کرد که به آدیس آبابا بروند. هیئتی که ما فرستادیم

شامل ژنرال خفی- خود من (دکتر کیمخی) و یکی از اعضای وزارت امور خارجه اسرائیل بود. طی مذاکرات طولانی ما به مقامات اتیوپی یادآوری کردیم که نمی توانیم بین آنها و امریکا

میانجیگری کنیم و باید خودشان مستقیما با امریکا تماس بگیرند. متن مذاکرات هیئت اسرائیلی

با منگیستو و رئیس ستاد ارتش اتیوپی را بعدا بطور کتبی تقدیمتان خواهیم کرد. بعد از این جریان منگیستو برای اولین بار بعد از ژوئن ۱۹۷۶ کاردار سفارت امریکا را احضار کرد و بوی اعلام نمود که مایل است سفیر جدیدی به امریکا اعزام نماید و می خواهد وزیر خارجه سابق

اتیوپی را بعنوان سفیر این کشور در امریکا تعیین نماید. همانطور که می دانید سفارت اتیوپی در واشنگتن اکنون مدتهاست که خالی است و کسی در آن کار نمی کند. افراد نزدیک به منگیستو در آدیس آبابا گفتند که بشدت از شوروی ناراضی و ناخشنود هستند چون شوروی قول داده بود که

مرز سومالی و اتیوپی را بصورت مرزی آرام حفظ خواهد کرد تا حکومت اتیوپی بتواند کار خود را با جنبش آزادیبخش اریتره یکسره کند. اما شوروی بقول خود وفا نکرد و جنگ بین سومالی و اتیوپی شروع شد. بلندپایگان رژیم اتیوپی از خبر نزدیکی اتیوپی با غرب فوق العاده

خوشحال هستند. دفتر سیاسی (پولیت بورو) حزب کمونیست اتیوپی اکنون نفوذ خود را در

مقیاس وسیعی از دست داده است. از نظر نظامی اتیوپی سعی می کند که تا اکتبر آینده بنحوی خود را حفظ کند تا فصل باران شروع شود شاید در آن موقع بتواند قسمتهای از دست رفته استان اوگادن را پس بگیرد. سیاست ما در اتیوپی با سیاست غرب تفاوت داشته است گذشته از

موضوع بحر احمر و کشتیهای اسرائیلی که در سواحل اتیوپی پهلو می گیرند عوامل دیگری هم

هست. ما با امریکا و شما موافق هستیم که منگیستو به روسها نزدیک شده است اما حتی اگر او سرنگون شود ما باز هم به اتیوپی کمک خواهیم کرد چون مسئله منگیستو مطرح نیست موضوع تمامیت ارضی کشوری مطرح است که برای دفاع از سرحدات خود دست به یک پیکار ملی زده است. شما خوب می دانید که اگر منگیستو سقوط کند باز هم جنگ ادامه خواهد یافت. غرب باید جای پائی برای خود در اتیوپی باقی بگذارد ما بشما اطمینان می دهیم که اگر غرب به

اتیوپی کمک کند این کشور در صفوف کشورهای طرفدار غرب درخواهد آمد. اما اگر غرب از کمک باین کشور خودداری کند نه فقط دولت اتیوپی بلکه مردم این کشور نیز برای همیشه ضدغربی خواهند شد.

تیمسار ریاست ساواک: اما کمک غرب در گذشته فایده ای دربر نداشته است.

دکتر کیمخی: اگر بعد از تغییر رژیم غرب به اتیوپی کمک می کرد هرگز این کشور بسوی شوروی نمی رفت.

تیمسار ریاست ساواک: ظاهرا شوروی هم کمک نظامی واقعی به اتیوپی نکرده است.

دکتر کیمخی: شوروی سعی دارد که در وهله اول سومالی را برای خود نگاهدارد اما امیدوار است که در این میان اتیوپی را هم به چنگ آورد از اینرو کمکهای محدودی به او می دهد اما نه در مقیاسی که برای سومالی خطری ایجاد نماید.

تیمسار ریاست ساواک: شوروی سلاحهای جدیدی به یمن جنوبی داده است و در مقابل خواسته که حکومت یمن جنوبی سلاحهای کهنه خود را به اتیوپی بدهد. با کمک و نفوذ عربستان سومالی از دست شوروی خارج خواهد شد. چون شرط کمک سعودی به سومالی جدائی این کشور از شوروی است.

دکتر کیمخی: در دو هفته گذشته حداقل سه کشتی روسی مملو از اسلحه و مهمات در بندر بربرا پهلو گرفتند تا بار خود را به حکومت سومالی تحویل دهند.

تیمسار ریاست ساواک: قرار هم بر این است که فعلاً عربستان سعودی از لحاظ اقتصادی و

عمرانی به سومالی کمک کند و این کشور مانند گذشته تجهیزات نظامی خود را از شوروی دریافت کند تا بعدا با فرصت کافی سلاحهای خود را با سلاحهای غربی عوض کند. سومالی اکنون از نظر مهمات در مضیقه است. از طرفی جنگ سومالی با اتیوپی به نفع عربستان سعودی

است چون با پول عربستان سعودی و اسلحه روسی این کشور با اتیوپی وارد جنگ شده است البته نمی توان صد در صد به سومالی اعتماد کرد.

دکتر کیمخی: یک نفر واسطه پیامی غیرمستقیم از شیخ کمال ادهم برای ما آورده که طی آن شیخ کمال از ما خواسته که کمکهای خود را به سازمان زیرزمینی سومالی که علیه حکومت کنونی

این کشور فعالیت می کند ادامه دهیم چون شیخ کمال اظهار کرده حتی اگر شوروی هم برود رژیم کنونی سومالی باید سرنگون شود.

اصل مسلم این است که فعلاً شوروی هم در اتیوپی و هم در سومالی حضور دارد البته ما می خواهیم که شوروی از هر دو کشور خارج شود ولی هدف آنی ما در حال حاضر خارج کردن شوروی از اتیوپی است.

تیمسار ریاست ساواک: در آن صورت سازش کار ساده تری خواهد بود.

دکتر کیمخی: کاملاً صحیح است. در مورد مطلبی که قبلاً پیرامون ایجاد حکومت فدرال در اتیوپی فرمودید ما کاملاً با آن موافق هستیم.

تیمسار ریاست ساواک: با وضع فعلی راه دیگری نیست. چون این گروهها با یکدیگر تجانس ندارند و اگر حکومت فدرال ایجاد شود اقلیتهای اتیوپی نیز از هویت سیاسی و اجتماعی برخوردار خواهند شد.

دکتر کیمخی: ایران و اسرائیل می توانند در این مورد نقش مؤثری ایفا نمایند. اکنون ما فهمیده ایم که عربستان سعودی و سودان در مورد ایجاد کشور اریتره مستقل دچار تردید شده اند عربستان

سعودی می گوید احتمال دارد که حکومت اریتره یک حکومت دست چپی باشد سودان نیز اظهار عقیده کرده که اریتره مستقل ممکن است مسیحیان جنوب سودان را تحریک کرده و مجددا وادار به جنگ با حکومت مرکزی نماید. طبق اخباری که ما بدست آورده ایم پرزیدنت

نمیری رئیس جمهور سودان در بازدیدی که اخیرا از عربستان سعودی بعمل آورده با امیرفهد

در طائف ملاقات کرده و هر دو شخصیت به این نتیجه رسیدند که اریتره نباید مستقل شود.

هر نوع اطلاعی در این مورد بما بدهید سپاسگزار خواهیم شد. ما می توانیم به منگیستو بگوئیم که

ایجاد حکومت فدرال کار مطلوبی است شما هم می توانید عربستان و مصر را وادار کنید که اریتره را زیر فشار قرار دهند تا با ایجاد حکومت فدرال در اتیوپی موافقت کنند. اگر منگیستو سقوط کند کسی نمی داند چه کسی جای او را خواهد گرفت شاید هم یک مارکسیست سرکار بیاید که بدتر از او باشد. بسیاری از رجال طراز اول اتیوپی منجمله رئیس ستاد ارتش و رئیس سازمان امنیت صد در صد طرفدار غرب هستند.

تیمسار ریاست ساواک: شنیده ام که اتیوپی اخیرا تسهیلات بندری در اختیار شوروی گذاشته است.

دکتر کیمخی: این خبر مورد تائید ما نیست چون همانطوری که می دانید اتیوپی فقط اکنون یک بندر در کنار بحر احمر دارد چون بقیه این مناطق زیر تسلط شورشیان اریتره است. باید در

خاتمه عرض کنم که هنوز می شود اتیوپی را خارج از اردوگاه شوروی حفظ کرد. اگر امریکا

منگیستو را سرنگون کند کار بدی نیست مشروط بر اینکه بعد از او تمام اتیوپی به اردوگاه شوروی ملحق نشود. فرانسه هم می خواهد منگیستو را سرنگون کند چون فرانسویها می خواهند

در جیبوتی باقی بمانند و از طرفی با سومالی همکاری دارند.

(در مورد اتباع اسرائیلی متولد اروپای شرقی که مایل به کار در ایران هستند در اجرای اوامر

مراتب به مدیر کل اداره هشتم اعلام شد تا از حضور تیمسار ریاست ساواک کسب دستور نماید.).(۱)

ژنرال موشه دایان وزیر امور خارجه وقت اسرائیل، طی دیداری که در مرداد سال ۱۳۵۶ از تهران به عمل آورد، طی دیداری با رئیس ساواک سیاست ها و برنامه های اسرائیل در اتیوپی

را مورد بحث قرار داد. موشه دایان تسلط اتیوپی بر بنادر دریای سرخ را به نفع اسرائیل ارزیابی و نسبت به تداوم کمک به منگیستوهایله ماریام تأکید کرد. وزیر امور خارجه رژیم صهیونیستی با اشاره به تقاضای رئیس جمهور وقت اتیوپی از اسرائیل برای آموزش سربازان و نظامیان اتیوپیایی، به نفوذ صیهونیست ها در ارتش آن کشور و برنامه ریزی برای

تحکیم و تثبیت این حضور در آینده تصریح نمود.

گزارش طبقه بندی شده ساواک درباره این مذاکرات بسیار حائز اهمیت است:

ژنرال دایان: اکنون احتمال دارد که منگیستو رهبر کشور اتیوپی به غرب نزدیک شود.

۱- . پیوست گزارش ساواک، مورخ ۳۰/۵/۱۳۵۶، شماره ۸۶۳۵/۱۰۰۰پ، با طبقه بندی سری.

تیمسار ریاست ساواک: در اخبار خواندم که امریکا اطمینانی به منگیستو ندارد.

ژنرال دایان: باید بگویم که امریکا هنوز در آدیس آبابا سفارت دارد و حتی برنامه کمکهای اقتصادی خود را به اتیوپی نیز دنبال می کند. امریکائیها راه را برای خود باز گذاشته اند.

تیمسار ریاست ساواک: اعتماد به منگیستو کار مشکلی است همانطور که اعتماد به قذافی و بلوک شرق مشکل است.

ژنرال دایان: منگیستو مشکلات زیادی در پیش دارد. ممکن است اریتره را از دست بدهد. البته اگر شخص بهتری از او سر کار بیاید طبیعتا امری خشنود کننده است ولی با اجازه شما می خواهم سیاست اسرائیل را در مورد اتیوپی برایتان تشریح کنم. اگر در جنگ کنونی سومالی

برنده شود بحر احمر تبدیل به یک دریای عربی خواهد شد و این کاری است که ما با آن مخالفیم. ما اعتقاد و علاقه داریم که از خلیج فارس تا اسرائیل در مسیر راههای آبی از عربیت این راهها اسمی برده نشود. اگر اتیوپی کماکان بر اوضاع خود مسلط باشد بنادر بحر احمر این کشور برای ما جنبه دوستانه خواهد داشت. همچنین در این صورت هواپیماهای ما نیز خواهند

توانست از فضای اتیوپی استفاده نمایند. به هر صورت تا موقعی که منگیستو حاکم بر اوضاع

اتیوپی است ما تماس خود را با او قطع نخواهیم کرد و کمکهای لازم را نیز به او خواهیم داد. اخیرا وی درخواست کرد که به قسمتی از نیروهای اتیوپی در اسرائیل آموزش بدهیم ما هم قبول کردیم. ما به منگیستو کمک نمی کنیم بلکه به مردم اتیوپی کمک می کنیم که در ۲۰ سال

گذشته برای دفاع از مرزهای خود در حال جنگ بودند. همانطور که ما حاضریم به مصر و مراکش علیه قذافی و شوروی کمک بدهیم به اتیوپی نیز کمک خواهیم کرد تا دریای عربی در

منطقه ایجاد نشود. ما در میان نیروهای مسلح اتیوپی دوستان بانفوذی داریم که همگی در

سطوح بالا بوده و طرفدار غرب می باشند. ما ۱۰ سال پیش هم به ارتش اتیوپی کمک می کردیم

و سربازان و افسران جزئی که امروز آموزش می دهیم ممکن است رهبران فردای ارتش اتیوپی

باشند.

تیمسار ریاست ساواک: یکی از دلایل وضع موجود اتیوپی اینست که در شمال شورشیان اریتره با این کشور در حال جنگ هستند و در جنوب هم قبائلی زندگی می کنند که با سومالی همکاری

دارند. دولت اتیوپی حتی در دوران پادشاهی و بعد از آن مناسبات خوبی با مسلمانها و سایر

اقلیتهای نژادی و مذهبی نداشته است. در این میان عربها از موقعیت استفاده کرده اند و سومالی

هم می خواهد به آرزوی دیرپای خود یعنی بدست آوردن اوگادن جامعه عمل بپوشاند. البته اگر

اتیوپی اریتره را از دست بدهد دیگر دست به دریا نخواهد داشت و این مشکل بزرگی ایجاد

خواهد کرد. البته عربها می خواهند یک کشور عرب دیگر در کنار سواحل بحر احمر ایجاد نمایند اما ایجاد این کشور عربی و اعلان کردن بحر احمر به عنوان یک دریای عربی کار ساده ای نیست. بحر احمر یک دریای بسته نیست و دنیا می خواهد از آن به عنوان یک آبراه

بین المللی استفاده کند. بحر احمر کوتاه ترین راه بین شرق و غرب است. البته عربستان سودای رهبری جهان عرب را در سر می پروراند. ولی نباید فراموش کرد که عربها نیز با یکدیگر اختلافاتی دارند. ممکن است مصر و سوریه در مورد شما با یکدیگر هم صدا باشند ولی نمی خواهند که یکی از دیگری قویتر شود. عربستان به مصر کمک می کند اما در عین حال نمی خواهد مصر خیلی قوی شود. خاطرم هست یک بار به ژنرال ضمیر گفتم شما با یکی از کشورهای عربی سازش کنید آن وقت ببینید نتیجه آن چه می شود. اگر اختلافات اعراب و اسرائیل برطرف شود اعراب هرگز به اتحاد دست نخواهند یافت. [...] در مورد بحر احمر و عربی شدن این دریا باید صریحا بگویم که عربستان سعودی با این کار به هیچ وجه موافق نیست. در مورد اتیوپی باید بگویم که راه حل این مملکت ایجاد یک حکومت ائتلافی فدرال از کلیه گروههای متعارض است. این کار چند حُسن دارد اولاً جلوی خونریزی گرفته می شود. دوم

اینکه جلوی نزدیکی اتیوپی به شوروی سد می شود و سوم اینکه موضوع بحر احمر به عنوان یک دریای عربی و ایجاد یک کشور عربی دیگر در سواحل بحر احمر منتفی خواهد شد.

کیمخی: آیا شما اطمینان دارید که اریتره با شرکت در یک حکومت فدرال موافق است؟

تیمسار ریاست ساواک: ما اخیرا با دو گروه از مخالفان رژیم اتیوپی ملاقات کردیم. من به آنها

گفتم شما در حقیقت سه گروه مختلف هستید. شما مسلمان هستید و گروههای دیگر مسیحی و تازه دو گروه دیگر تمایلات کمونیستی دارند. اگر حکومت اتیوپی هم سقوط کند شما باز هم با یکدیگر اختلاف خواهید داشت. آنها پاسخ دادند که ما تصمیم گرفته ایم چنانچه دولت اتیوپی

سقوط کند نمایندگان هر گروه مشترکا کشور را اداره نمایند. آنها خودشان می دانند که یک گروه نمی تواند به تنهایی کشور را اداره کند.(۱)

۱- . گزارش ساواک، مذاکرات تیمسار ریاست ساواک با ژنرال موشه دایان، ۲۸/۵/۳۶[۱۳۵۶] تهران.

اسرار همکاری موساد، سیا، ساواک و کُردهای عراق

ص: ۳۴۱

عملیات پنهان

از آغاز تأسیس دولت صهیونیستی در سرزمین فلسطین، سیاست برقراری ارتباط با اقلیت های قومی و نژادی و نفوذ در درون آنها، بخشی از برنامه سران و رهبران اسرائیل را در خاورمیانه عربی تا شمال آفریقا تشکیل می داد.

تحریک اقوام و طوایف گوناگون جزئی از توطئه نزاع قومی در جهان اسلام بود که در چارچوب استراتژی پیرامونی اسرائیل قرار داشت.

در کتاب ارتباط خطرناک، در ارزیابی اهداف اسرائیل از نفوذ در میان اقوام و گروه های مختلف و دامن زدن به اختلافات و درگیری های قومی در کشورهای اسلامی آمده است:

بخش عمده افراد قبیله ایدی امین [دیکتاتور اسبق اوگاندا] موسوم به کاکوا در کنار مرزهای جنوبی سودان سکنا داشتند. از اواخر دهه ۱۹۶۰ یک جنبش جدایی طلب به نام «آنیانیا» در این منطقه به تحریک اسرائیلی ها با دولت عرب و مسلمان مستقر در خارطوم می جنگید. به گفته

منابع اسرائیلی، این جریان با هماهنگی سازمان سیا انجام می شد. همانند مورد کُردهای عراق، این نیز یک کاربرد تاکتیکی از استراتژی پیرامونی [اسرائیل] بود که بر اساس آن کشورهای عرب تضعیف می شدند و ثبات خود را از دست می دادند.(۱)

به نوشته نشریه عربی زبان الشروق؛ در پژوهش های انجام شده از سوی اسرائیلی ها آمده است که پس از تأسیس دولت یهود در فلسطین، تماس های اسرائیل برای حمایت از اقلیت های قومی متوقف نشد، چرا که دیوید بن گوریون تمایل شدید به حفظ و توسعه این

۱- . کاکبورن، ص ۱۸۱.

روابط داشت و معتقد بود، کمک به این اقلیت ها برای آزاد شدن از سلطه عرب ها [مسلمانان] به منافع امنیتی و استراتژیک اسرائیل خدمت می کند. جنبش های صهیونیستی و سرویس های وابسته به آن همواره چنین سیاستی را در پیش داشته اند. آژانس یهود تماس های خود را در این ارتباط از دهه ۱۹۳۰ و ۱۹۴۰ در جهان اسلام آغاز کرد. تل آویو

علت اتخاذ چنین موضعی را این گونه توجیه می کند که اقلیت ها در جهان اسلام و عرب با

اسرائیل سرنوشت مشترکی دارند و چاره ای ندارند که برای مقابله با فشار اسلام و عرب ها در کنار دولت یهود قرار گیرند.

بر اساس منابع اسرائیلی، بن گوریون نخست وزیر و وزیر جنگ وقت اسرائیل در سال ۱۹۵۴-۱۹۹۵ با کمک موشه دایان رئیس ستاد کل ارتش، طرحی را برای انجام یک کودتا توسط مارونی های طرفدار اسرائیل در لبنان و حمایت از این طایفه در هر جنگی علیه مسلمانان تهیه کرد.(۱) همین موضع را اسرائیلی ها در قبال کُردهای عراق و بربرها در مغرب عربی و در قبال جنوب سودان در پیش گرفتند. در طرح اسرائیلی ها حتی قبطی های مصر هم گنجانده شده اند؛ در حالی که اسرائیل، به دشواری اجرای چنین طرحی، به دلیل همبستگی جامعه مصر، معترف است.(۲)

۱- . موشه شارت با نام قبلی موشه شرتوک اولین وزیر امور خارجه و دومین نخست وزیر اسرائیل در یادداشت ها و خاطرات خود، عین مذاکرات بن گوریون در ۲۷ فوریه ۱۹۵۴ را به صراحت نوشته است. برای کسب اطلاعات بیشتر در این باره، مراجعه شود به: لیویاروکاچ، تروریسم مقدس اسرائیل، ترجمه مرتضی اسعدی، انتشارات مؤسسه کیهان، صص ۶۸-۶۹.

۲- . الشروق، ۳۱ ژوئیه ۲۰۰۰م/ ۱۰ مرداد ۱۳۷۹،ترجمه ا. زارع زاده، ترجمان سیاسی، بیست و ششم مرداد ماه ۱۳۷۹، شماره ۳۶.

اسرائیلی ها اجرای سناریوی صهیونیستی نفوذ در مناطق کُردنشین عراق و ایجاد ارتباط با سران، رهبران و اشخاص ذی نفوذ کُرد، در قالب «استراتژی پیرامونی» را از همان آغاز به عنوان یک عملیات سرّی و پنهانی به سرویس جاسوسی و اطلاعاتی خود واگذار کردند. آن گونه که از منابع غربی و اسرائیلی برداشت و استنباط می شود، ارتباط اسرائیل با شماری از رهبران کُردهای عراق و میزان نفوذ و حضور جاسوسان و مأموران اطلاعاتی اسرائیل در مناطق کُردنشین عراق، به تدریج چنان شدت، افزایش و عمق پیدا کرد که به سرعت به صورت یکی از سرّی ترین امور در خاورمیانه درآمد. ملامصطفی بارزانی، رهبر حزب دمکرات کردستان (عراق) در ماه سپتامبر ۱۹۶۷ از اسرائیل دیدار کرد و یک خنجر انحنادار

کُردی به [موشه]دایان هدیه کرد. بسیاری بر این باورند که حمله کاملاً ـ برنامه ریزی شده خمپاره ای به پالایشگاه نفت در کرکوک در ماه مارس [۱۹۶۷] کار اسرائیلی ها بوده است. در سال ۱۹۷۱ به محمدحسنین هیکل، روزنامه نگار مصری گفته شد که افسران اسرائیلی در کردستان پیوسته در تماس رادیویی با اسرائیل بوده و درگیر در عملیات جاسوسی در عراق هستند. مطبوعات عراق به طور مرتب از حضور اسرائیلی ها سخن به میان می آوردند.(۱)

بخش عمده روابط اسرائیل با کُردها همواره در هاله ای از اسرار نگهداری شده است:

جزئیات عملیاتی آنچه در کردستان صورت گرفته هنوز هم در اسرائیل پنهان می شود. تحت سانسور قرار می گیرد و احتمالاً برای این کار دلیل خوبی وجود دارد. شاه مسلما هیچ علاقه ای

۱- . یان بلک و بنی موریس، ص ۴۰۴.

به اینکه کُردها واقعا پیروز شوند نداشت و به نظر غیرمحتمل می رسد همدردی اسرائیلی ها هم

از روی خیرخواهی باشد.(۱)

ارتشبد سابق حسین فردوست، در خاطرات خود درباره مسأله کُردها و کردستان می نویسد:

یکی از مهمترین مسائلی که به تناوب از حدود سال ۱۳۴۰ تا سال ۱۳۵۳ مستقیما به امنیت داخلی کشور ارتباط داشت و در نتیجه ساواک درگیر آن بود، مسئله شورش و جنگ های اکراد

عراق با دولت بغداد بود. علت ارتباط این مسئله با مسائل داخلی ایران روشن است.

کُردها قومی آریایی هستند که جمعیت آنها بین ۸ تا ۱۰ میلیون نفر تخمین زده می شود و در کشورهای ترکیه، ایران، عراق، سوریه و جمهوری های ارمنستان و آذربایجان شوروی پراکنده

هستند. [...] در زمان جنگ جهانی اول اکراد خواستار تشکیل یک کشور مستقل کردستان بودند، ولی سیاست انگلیس در منطقه ایجاد این کشور را صلاح ندانست و بعدها نیز غرب تمایلی به

این خواست نشان نداد.

[...] طولانی ترین شورش اکراد علیه دولت مرکزی در عراق بود که تا سال ۱۹۷۵ ارتش این کشور را درگیر خود نمود و تنها با معاهده الجزایر پایان یافت.(۲)

در همان زمان حکومت خودمختار قاضی محمد در مهاباد، گفته می شد که اکراد بارزانی عراق به رهبری ملامصطفی در جنگ با دولت نوری سعید، که از حمایت انگلستان برخوردار بود، شکست خورده و به مهاباد آمده اند. با سقوط حکومت قاضی محمد، ملامصطفی با حدود ۵۰۰ سوار از طریق راه های کوهستانی به سمت قفقاز رفت. [...] ملامصطفی و همراهانش تا زمان دولت عبدالکریم قاسم در شوروی بودند [...]. قاسم فرمان عفو عمومی بارزانی ها را صادر کرد و ملامصطفی و همراهانش به عراق بازگشتند و تا مدتی با دولت بغداد روابط حسنه داشتند. ولی به تدریج این روابط تیره شد و مجددا جنگ اکراد عراق با دولت بغداد آغاز گردید.(۳)

۱- . کاکبورن، ص ۱۶۸.

۲- . درباره قرارداد سال ۱۹۷۵ الجزایر، مراجعه شود به قسمت آخر همین فصل.

۳- . خاطرات ارتشبد سابق حسین فردوست، صص ۵۰۰-۵۰۱.

پیشمرگه ها و ملامصطفی بارزانی

درباره پیدایش و شروع تحرکات در میان کُردهای عراق در دهه پنجاه میلادی، مأمور اطلاعاتی سیا چنین نوشته است:

ظهور ناسیونالیسم کُرد در ایران، در عراق نیز بدون بازتاب نماند. در سال ۱۹۴۳ ملامصطفی با

عده ای از هوادارانش از محل اقامت اجباری خود در سلیمانیه فرار کردند و به موطن خود

بارزان رفتند. کوتاه زمان پس از رسیدن او، درگیری هایش با مقامات محلی آغاز شد. در ماه

اکتبر قوای ملامصطفی- که آن زمان از دویست تن تجاوز نمی کرد- در نبرد با نیروهای پلیس محلی پیروز شد. یک ماه بعد، هنگامی که بر شمار هوادارانش افزوده شده بود، ملامصطفی یک بریگاد ارتش را شکست داد.(۱) ملامصطفی حکومت مستقل خودش را در قلمرو ایلش علم کرده بود و عراقی ها در اوایل اوت ۱۹۴۵ قصد کردند به استحکامات او حمله کنند. رئیس هیأت نظامی بریتانیا، ژنرال رنتون معتقد بود که ارتش عراق هنوز آمادگی همچو حمله ای را ندارد. و وقتی به هشدارهای او مبنی بر اینکه ارتش به همان سرنوشتی دچار می شود که در سال ۱۹۴۳ به سرش آمده است وقعی گذاشته نشد، او مرکز فرماندهی خودش را در خط مقدم در «اربیل» ترک کرد و مشاورانش را نیز از ارتش آماده نبرد شده عراق خارج نمود.(۲)

این موضوع از سوی دیگر نشان می دهد که انگلیسی ها نیز در واقع به مصلحت نمی دیدند که این گروه نسبتا تازه پا به دست قوای ارتش دولت عراق به کلی قلع و قمع شوند.

ملامصطفی در همان دوران برای تحکیم موقعیت خود، در صدد ازدواج با دختر رئیس ایل

۱- . آرچیبالد روزولت، شوق آموختن، ترجمه صهبا سعیدی، مؤسسه اطلاعات، چاپ اول ۱۳۷۱، ص ۳۱۵.

۲- . همان منبع، ص ۳۲۰.

رقیب یعنی زبار برآمد، رهبران این ایل با بارزانی ها سر ناسازگاری داشتند. اما او سرانجام به این هدف نایل آمد.(۱) اما این وصلت برای همیشه نتوانست از موقعیت بارزانی ها دفاع و حمایت کند. زیرا در این مقطع عراقی ها موفق شدند با ترغیب و تهدید و رشوه، مهمترین

رهبران کُرد و از آن جمله پدرزن جدید ملامصطفی و رهبر قبیله زبار- را از صف متحدان ملا جدا کنند[.] در طول دو هفته پایانی ماه سپتامبر رهبران ایلات دیگر نیز به ایل زبار پیوستند و به عنوان نیروهای تهاجمی ارتش عراق، ملامصطفی و حامیانش را از استحکامات کوهستانی شان بیرون راندند.(۲)

اگرچه پیش از جمهوری خودمختار قاضی محمد در مهاباد، تحرکات قومی و ناسیونالیستی کُردی در مناطق کردنشین عراق، ترکیه و... آشکار و مسبوق به سابق بود و حتی مجامع صهیونیستی و قدرت های غربی در تحریک آن نقش قابل توجه داشتند، لیکن بعضی منابع؛ جمهوری مهاباد را الهامبخش جنبش های ناسیونالیستی کُردی در منطقه قلمداد کرده اند.(۳)

به هر روی ملامصطفی را بنیانگذار حزب دمکرات کردستان عراق دانسته اند؛ کسی که نام او با چندین دهه تاریخ و درگیری های منطقه کردستان عراق عجین است. به دلیل این ویژگی،

شاید چندان بی مناسبت نباشد تا به اطلاعات کاملتری از دوران حیات و مبارزات ایشان در

این نوشتار اشاره شود:

ملامصطفی بارزانی پایه گذار حزب دموکرات کردستان عراق و کسی که بیش از چهل سال برای خودمختاری آن خطه مبارزه کرد، در ۱۹۰۲ میلادی [۱۲۸۱]متولد شد. او دوران کودکی و جوانی خود را در دهکده بارزان در مجاورت مرز ایران و ترکیه در داخل عراق سپری کرد. در

جوانی به رمه داری مشغول بود. ملامصطفی سواد و اطلاعات مذهبی خود را در مکتب خانه های دهکده خویش به دست آورد. ۲۹ ساله بود که نخستین طغیان خود را علیه حکومت بغداد آغاز کرد، ولی دستگیر شد و از بارزان و استان سلیمانیه در شمال شرقی به

بغداد تبعید شد. این قیام در ۱۹۳۱ [۱۳۱۰] و به هنگامی رخ داد که انگلیسی ها و ایتالیایی ها تصمیم گرفتند ارامنه و آسوری های اخراجی از ترکیه را در منطقه بارزان اسکان دهند. در آن

۱- . ن. ک. همان منبع، ص ۳۲۰.

۲- . همان منبع، ص ۳۲۱.

۳- . ن.ک: رابرت اُلسن، مسأله کُرد و روابط ایران و ترکیه، ترجمه ابراهیم یونسی، نشر پانیذ، چاپ اول ۱۳۸۰، ص ۴۶.

زمان رهبری این مبارزه بر عهده محمود بارزانی پدر ملامصطفی بود. ملامصطفی در ۱۹۹۴ [۱۳۲۳] از نوری سعید نخست وزیر حکومت سلطنتی عراق خواستار خودمختاری کردستان عراق شد. این خواسته از سوی دولت عراق رد شد و این آغاز یک نبرد سخت و پرتلفات میان قوای ملامصطفی با دولت عراق شد. در این نبرد قسمت اعظم نیروهای ملامصطفی تار و مار شد و وی همراه با ۲۰۰۰ تن از یاران باقی مانده اش با تحمل مشقات فراوان به سوی مرزهای ایران

گریخت. ملامصطفی پس از فرار از عراق، در ایران بیکار ننشست و به یاری تشکیلات سیاسی شورشیان کُرد در استان کردستان ایران پرداخت.

ملامصطفی توسط قاضی سعیدمحمد رهبر شورشیان کردستان ایران مدال شجاعت دریافت کرد و حتی مدتی نیز به فرماندهی قوای وی در ایران منصوب شد. اعزام ارتش حکومت مرکزی ایران

در ۱۹۴۷ [۱۳۲۶]به کردستان و سپس آذربایجان که وضع مشابهی با کردستان داشت، پایان رؤیاهای بارزانی در ایران بود. پس از این حمله، ملامصطفی و افرادش گام به گام و شهر به شهر از برابر قوای دولتی ایران عقب نشستند. اما چون وی مورد تعقیب دولت عراق بود، چاره ای

جز فرار به شوروی سابق از طریق راه های کور و صعب العبور مرزی ندید. ملامصطفی به خاطر حمایتش از جمهوری مهاباد مورد استقبال روس ها قرار گرفت و موفق به دریافت پناهندگی شد. او ۱۱ سال یعنی تا زمان کودتای عبدالکریم قاسم در شوروی سابق و پایتخت های اروپای شرقی بود. با وقوع کودتای ۱۹۵۸ [۱۳۳۷]عراق و بازگشت آرامش به این کشور وی به دعوت

عبدالکریم قاسم از پراگ عازم عراق شد. او ۸۰ روز پس از وقوع کودتا وارد بغداد شد و کاخ نوری سعید از سوی عبدالکریم قاسم در اختیار وی قرار گرفت. بارزانی با وجود استقبالی که از سوی قاسم شد به سرعت عازم کردستان شد و احزاب متفرق کُرد را مجددا تشکل داد و سازماندهی کرد. سپس در سال ۱۹۶۱ [۱۳۴۰]از قاسم خواستار خودمختاری کُردها شد. این خواسته قاسم را به خشم آورد و به ۱۲ سال آرامش در شمال عراق پایان داد. مجددا آتش جنگ با به حرکت درآمدن تانکها و هواپیماهای عبدالکریم قاسم به سوی نواحی کردنشین شعله ور گردید. ملامصطفی در دوران حکومت عبدالسلام عارف، عبدالرحمن عارف و حسن البکر نیز با

تکرار برخوردهای مشابهی کم و بیش مشغول نبرد با دولتهای عراق بود. در این جنگها سپاه

ملامصطفی تجزیه شد. با این حال در دوران حکومت حسن البکر وی توانست با برخورداری از حمایت مالی و نظامی شاه مخلوع ایران تجدید قوا کند و حملات علیه عراق را شدت بخشد.

پیمان ۱۹۷۵ [۱۳۵۴]الجزیره نقطه پایان جنگهای طولانی ملامصطفی بارزانی علیه عراق بود. از آن تاریخ ملامصطفی تا ۱۹۷۹ [۱۳۵۸]در ایران تحت نظر زندگی کرد.(۱) سپس در این سال به دلیل ابتلا به مرض سرطان عازم آمریکا شد و در آنجا در اول مارس ۱۹۷۹ [۱۳۵۸]درگذشت و جسدش پس از انتقال به ایران در اشنویه کردستان(۲) دفن شد.(۳)

فردوست درباره نیروها و واحدهای تحت فرماندهی ملامصطفی نوشته است:

نیروهای ملا از واحدهای پیشمرگه تشکیل می شد و هر واحد تقریبا معادل یک تیپ بود. تعداد پیشمرگه ها حدود ۳۰ هزار نفر بود که هر تیپ پیشمرگه بین ۳ تا ۵ هزار نفر نیرو داشت و

بنابراین حدود ۸ الی ۱۰ واحد پیشمرگه را دربر می گرفت.(۴)

به گفته فردوست، با سلب حمایت محمدرضا از اکراد، ملامصطفی راهی جز پناهنده شدن به ایران نداشت، زیرا اگر مقاومت می کرد از سوی محمدرضا با برخوردهای تند مواجه می شد. این حادثه مسلما بزرگترین ضربه را بر ملا وارد ساخت و نشان داد که طی این سال ها

آمریکایی ها به سود خود با او بازی کرده اند. به ملا و سران کُرد در عظیمیه کرج جا داده شد.

۱- . ملامصطفی و یارانش در عظیمیه کرج تحت نظر بودند.

۲- . از نظر تقسیمات کشوری، اشنویه جزو استان آذربایجان غربی است. ولی در اصطلاح به خاطر کردنشین بودن این منطقه از آن به عنوان اشنویه کردستان یاد می شود.

۳- . احمد ساجدی؛ مشاهیر سیاسی قرن بیستم؛ ویراستار علمی: محمد رجبی؛ مؤسسه فرهنگی و انتشاراتی محراب قلم؛ تهران: ۱۳۷۷؛ صص ۶۶-۶۷.

۴- . خاطرات ارتشبد سابق حسین فردوست، ص ۵۰۲.

ایران حلقه ارتباط

آنچه با تاریخ روابط اسرائیل و کُردهای عراق پیوند ناگسستنی دارد، نقش ایران شاهنشاهی است. این نقش از جنبه ها و زاویه های مختلف اساسی و حائز اهمیت بود:

کُردها در سال ۱۹۶۱ قیام مسلحانه ای را علیه حاکمیت عراق آغاز کردند. آنان نسبت به سایر جنبش های آزادیبخش ملی دنیا موانع بزرگتری در راه خود داشتند، زیرا نه تنها سرزمین آنها

توسط کوهستان احاطه شده بود، بلکه در همسایگی کشورهایی بسر می بردند که خودشان دارای اقلیت کُرد بودند. بنابراین هر گونه موفقیتی برای کُردهای عراق، بلافاصله سبب بروز مسائل ناراحت کننده ای برای دولت های ایران، ترکیه و اتحاد شوروی می شد.

با تمام اینها شاه ایران [محمدرضا پهلوی] آنچنان از تهدید وجود یک عراق مسلح در پشت مرزهای خود هراسناک بود که با اسرائیلی ها موافقت داشت، برپا کردن ناآرامی بین کُردهای

عراق برای رژیم این کشور چنان مشکلاتی ایجاد خواهد کرد که احتمالاً به نفع ایران و اسرائیل

خواهد بود.(۱)

اما اسراری را که حسین فردوست درباره نقش ایران برملا می کند، بسیار مهم و خواندنی است:

[پس] از این مرحله [صدور فرمان عفو عمومی بارزانی ها از سوی عبدالکریم قاسم، بازگشت

ملامصطفی و همراهانش به عراق و برقراری روابط حسنه بین کُردهای عراق و دولت مرکزی بغداد]آمریکا نیز وارد صحنه شد و تلاش کرد با کمک محمدرضا از شورش اکراد عراق به نفع

۱- . کاکبورن، ص ۱۶۷.

سیاست منطقه ای خود [و بلکه اسرائیل] و ایجاد تحولات مناسب در بغداد استفاده کند. در نتیجه محمدرضا به حمایت از ملامصطفی پرداخت و تا مدت ها جبهه بارزانی ها را علیه دولت مرکزی عراق تقویت نمود.

زمانی که قائم مقام ساواک شدم روزی فردی به نام سرتیپ منصورپور نزد من آمد و گفت که از طرف ساواک مأموریت تماس با ملامصطفی را دارد. [...] او ستاد کوچکی را در منطقه تحت تصرف بارزانی ها اداره می کرد و بهترین روابط را با ملامصطفی داشت و در واقع رابط محمدرضا با او به شمار می رفت [...]. در طول دورانی که جنگ ملامصطفی با دولت بغداد ادامه داشت، منصورپور به کردستان عراق می رفت و در ستاد فرماندهی ملامصطفی با او و سایر سران کُرد ملاقات می کرد و پیغام ها و خواسته های بارزانی ها را به تهران منتقل می نمود. [...] منصورپور هر گونه سازوبرگ و تجهیزات مورد لزوم کُردها را از طریق ارتش تأمین می کرد و به آنها می رساند. توسط ساواک یک فرستنده قوی نیز از خارج خریداری شده و در منطقه بارزانی ها نصب شده بود که از آن برای تبلیغات ملا استفاده می شد.(۱)

اشاره ژنرال زامیر (ضمیر) رئیس موساد به ملامصطفی بارزانی رهبر حزب دمکرات

کردستان عراق درباره نقش و جایگاه ایران در روابط آنها با اسرائیل خواندنی است:

من بارها توضیح دادم که شما فقط یک پل دارید و آن ایران است. اگر ایران نباشد برای شما

اسرائیل هم وجود نخواهد داشت.(۲)

ساواک نه فقط حلقه وصل مأموران موساد با بعضی گروه ها و احزاب کُرد عراق بود، بلکه از طریق استخدام جاسوس از میان کُردهای عراقی، اخبار و اطلاعات ذیقیمتی از منطقه جمع آوری و آنها را در اختیار سرویس اطلاعاتی اسرائیل قرار می داد. این گونه اقدامات ساواک در چارچوب طرح کریستال،(۳) پیمان اطلاعات مشترک سرویس اطلاعاتی ایران و اسرائیل بود که نمونه ای از گزارش ساواک در این باره چنین است:

گزارش

به عرض می رساند:

با توجه به اوامر تیمسار ریاست ساواک مبنی بر: بهره ای که از این طرح در مدت این یک سال

۱- . خاطرات ارتشبد سابق حسین فردوست، صص ۵۰۱-۵۰۲.

۲- . گزارش ساواک، مذاکرات ژنرال ضمیر و نصیری رؤسای موساد و ساواک، جمعه مورخ ۲۲/۴/۱۳۵۲.

۳- . ن. ک: عبدالرحمن احمدی.

برده شده چیست؟ و در آینده چه امید و پیشرفتی وجود دارد؟ مراتب زیر را به استحضار می رساند:

۱) در شهریور ماه سال جاری دوستان بلوط مأموری را معرفی نمودند که مترجم خاص و منحصر به فرد وزیر دفاع و رئیس ستاد ارتش عراق است و اسناد و مدارک و قراردادهای نظامی برای ترجمه به عربی و انگلیسی در اختیار وی گذارده می شود و مأمور رونوشتی از آن را در اختیار می گذارد، به علاوه این مأمور با بسیاری از امراء و افسران شاغل و بازنشسته عراق روابط دوستانه دارد و از این نظر نیز منشاء اثر است، تاکنون ۳۳ گزارش از منبع مذکور واصل

گردیده است (برخی از این گزارشات مفصل و در چندین صفحه است) که قسمتی از آنها در زمینه اوضاع سیاسی عمومی عراق و قسمت بیشتر درباره اوضاع نظامی و میزان ورود اسلحه به

عراق و قراردادهای نظامی است.

دو گزارش این مأمور برای سرویس «س» فرستاده شده که آنها را درجه یک - موثق عالی و دقیق ارزیابی کرده اند و متن این ارزیابی و ترجمه آن به پیوست تقدیم گردیده است. پیوست(۱)

۲) در مهر ماه سال جاری منبعی نیز از طرف ساواک به دوستان بلوط معرفی شد تا پس از آنکه

آماده همکاری شد در چارچوب طرح «کریستال» از وی بهره برداری شود.

این منبع در استخبارات بغداد مسئول امور مربوط به اکراد است و وسیله یکی از عوامل نمایندگی بصره معرفی شده است و به اطلاعات و اسناد مربوطه دسترسی دارد و تا روز معرفی

به دوستان مذکور هر چند که در کویت با او ملاقات به عمل آمده و قرار همکاری گذارده شده

بود ولی آمادگی کامل نشان نمی داد، تا امروز نیز با آنکه اطلاعاتی در اختیار گذارده است ولی هنوز موانعی برای بهره برداری کامل از او موجود است، و با آنکه دوربین در اختیار او گذارده شده تاکنون عکسی از اسنادی که در اختیار دارد نفرستاده و قرار است که در آتیه نزدیک به مرکز بیاید و اشکالات موجود در راه بهره برداری کامل از او برطرف گردد.

در هر صورت تاکنون از منبع مذکور که وسیله ساواک معرفی شده ۹۶ گزارش خبری واصل شده که قسمتی از آنها درباره اکراد و ارتباط بین آنها و ایران بوده و قسمتهای دیگر در زمینه اطلاعات مختلفی درباره عراق بوده است. و آن قسمت از این گزارشات که ارتباطی با کشور

شاهنشاهی داشته به دوستان بلوط داده نشده و قسمتهایی که داده شده مفید و خوب تشخیص داده اند.

۳) امید به پیشرفت این طرح در سال آینده نیز موجود است زیرا از هم اکنون تحقیقات و اقدامات لازم درباره استفاده از افراد زیر ادامه دارد:

۱- فؤادیانی که دوستان و امکاناتی در لبنان و کویت دارد. (پیوست شماره ۲)

۲- عبدالقادر عبدالواحد در عراق (پیوست شماره ۳)

۳- امین زکی علی خالوق عراقی و دوستان او (پیوست شماره ۴)

اداره کل دوم[1]

ص: ۳۵۴

۱- . گزارش ساواک، مورخ ۲۹/۱۱/۱۳۴۶، با طبقه بندی سرّی.

آمریکا آتش افروز اصلی

اگر چه نقش ایران در ایجاد، گسترش و تداوم ارتباط اسرائیل با کُردهای عراق اساسی و کلیدی بود، اما این ایالات متحده آمریکا بود که با چراغ سبز و دخالت مستقیم خود، این آتش را شعله ور و حتی تحت نظر داشت. ایالات متحده به منظور متزلزل کردن حکومت مرکزی عراق همواره از این عملیات حمایت می کرد. در اوایل دهه ۱۹۷۰ به نظر می رسید که کُردها با توجه به موفقیت های قابل توجهی که به دست آورده اند، احتمالاً در آستانه رسیدن به نوعی

توافق با عراق هستند. نیکسون و هنری کسینجر [یهودی] طی سفری در سال ۱۹۷۲ به تهران، با شاه ایران به این توافق دست یافتند که کُردها را در حال نبرد نگه دارند. به سیا دستور داده شده مستقیما در جریان دخالت کند. طی سه سال بعد از آن، سیا ۱۶ میلیون دلار در کردستان خرج

کرد (البته شاه هزینه های بسیار بیشتری را می پذیرفت) و هدف آن بود که شورشیان را متقاعد سازد، ایالات متحده به شاه اجازه نخواهد داد آنان را تنها بگذارد و رهایشان کند.

آمریکایی ها این عملیات را مخفی ترین شکل ممکن نگه می داشتند.(۱)

آمریکا، اسرائیل و ایران شاهنشاهی هیچ کدام انگیزه و تمایل برای اعطای خودمختاری به کُردها از سوی عراق نداشتند. از سوی دیگر با سازش میان کُردها و دولت عراق نیز به شدت

مخالف بودند. زیرا وجود این معضل و بن بست، بهترین گزینه موجود برای اسرائیل در مسیر

تعقیب استراتژی پیرامونی آن رژیم در منطقه بود:

یکی از یادداشت های سیا به تاریخ ماه مارس ۱۹۷۴ خاطرنشان می کند: ما [مقامات سازمان سیا

۱- . کاکبورن، صص ۱۶۸-۱۶۹.

]فکر می کنیم که شاه نسبت به تأسیس یک دولت خودمختار کُرد هر چند به صورت ظاهری هم باشد، نظر خوشی ندارد. شاه نیز مانند ما نفع خود را در پدید آمدن یک موقعیت بن بست می داند... که در آن عراق از طریق امتناع کُردها از پذیرش حق خودمختاری اعطایی اش ضعیف

می شود. نه شاه و نه خود ما علاقه ای به حل شدن این مسأله نداریم [...]سازمان اطلاعاتی ما حتی نسبت به معیارهای عملیات پنهانی نیز روشی شریرانه دارد.(۱)

نمونه روش و اقدام شریرانه و توطئه آمیز آمریکا و اسرائیل در این زمینه به دوران سقوط رژیم سلطنتی عراق برمی گردد. یعنی زمان ریاست جمهوری عبدالکریم قاسم؛ هنگامی که

وی به صراحت اعلام کرد، امتیازهایی به کُردها واگذار می کند و آنها را به رسمیت می شناسد.

۱۴ ژوئیه ۱۹۵۸، در ساعت ۲ شب، بخشی از نیروهای نظامی ارتش وارد بغداد شدند و ظرف چند ساعت رژیم سیاه [حکومت سلطنتی]سقوط کرد. آنگاه اولین دولت جمهوری تشکیل شد که در ترکیب آن دو تن از کُردها نیز شرکت داشتند. محمود صالح محمود- وزیر بهداری و مصطفی علی- وزیر دادگستری [...]یکی از سه عضو متشکل در شورای عالی دولت به نام خالد نقش بندی نیز کُرد بود. با شرکت نقش بندی در شورای عالی، دولت عراق آمادگی خود را برای شناسایی حقوق ملی کُردها در جمهوری عراق اعلام داشت. بر اساس فراخوان حزب دمکرات کردستان جنوبی و نیز نیروهای دمکرات کُرد، فعالیت و تلاش افراد دستگاه اداری محلی و

برخی از افسران در مبارزه علیه رژیم جدید خنثی شد. در شهر سلیمانیه، کُردها عناصر مخالف

را از حکومت خلع و خود کنترل اوضاع شهر را به دست گرفتند [...].

طی فرمانی از سوی دولت قاسم، کلیه فعالین سیاسی که در رژیم سابق تحت تعقیب بودند و همچنین شرکت کنندگان در جنبش رهایی بخش سال های ۱۹۴۲ تا ۱۹۴۵ به رهبری مصطفی بارزانی عفو شدند. این فرمان اعتماد و اطمینان مردم کُرد را نسبت به قابلیت و ظرفیت رژیم جدید در حل مسایل ملی مردم کُرد بیشتر کرد. در همین حال، یکی از روزنامه های بغداد به نام «ال جمهوری» متعلق به محافل رسمی دولت جدید نوشت: مردم کُرد به موازات دیگر اهالی کشور در مبارزه به خاطر آزادی و استقلال عراق شرکت جسته اند و می توانند اطمینان داشته باشند که وضعیت آنها همواره در انطباق با وضعیت دیگر اهالی کشور مورد نظر قرار خواهد گرفت.

۱- . همان، ص ۱۶۹.

عبدالکریم قاسم در هفتم اکتبر ۱۹۵۸ با مصطفی بارزانی و دیگر همراهان وی ملاقات کرد.(۱)

روند صلح آمیز مزبور برای سازمان های اطلاعاتی موساد و سیا چندان خوشایند نبود، بلکه کاملاً مغایر برنامه های و انتظارات آنها ارزیابی می شد. بنابراین به طور سریع دست به اقدام زدند:

اقداماتی برای سازماندهی عملیات ضدکُردی و ضددولتی در کردستان جنوبی صورت گرفت. نیروهای راستگرا سعی می کردند بین دولت قاسم و مصطفی بارزانی جوّ عدم اطمینان ایجاد کنند. جاسوسان ترکیه و ایران نیز به نوبه خود به فعالیت های خرابکارانه روی آوردند [...].

یازدهم فوریه ۱۹۵۹ عبدالکریم قاسم و مصطفی بارزانی و احمد بارزانی با هم ملاقات کردند. طی مذاکرات، نمایندگان کُرد از سوی حزب دمکرات کردستان و تمام نیروهای میهن دوست کُرد اعلام داشتند که در صورت ادامه روند سیاسی درست از جانب دولت جمهوری که منافع ملی کُرد را بازتاب می نماید، آنها قاطعانه به حمایت از آن خواهند پرداخت.(۲)

در این میان سرویس های اطلاعاتی آمریکا و اسرائیل و جاسوسان کهنه کار آنها دست به فعالیت های پراکنده ای زدند:

توطئه گران جنایت هولناکی را مرتکب شدند. آنها دست به قلع و قمع بسیاری از دمکرات های کُرد زدند و با اشاعه اطلاعات و خبرهای جعلی حول جدایی طلبی با تمام نیرو به برانگیختن احساسات

ناسیونالیستی راستگرایانه عربی پرداختند. همچنین توطئه گران قاسم را منقسم کننده عراق خواندند و اعلام داشتند که گویا دولت قاسم می خواهد عراق را به دو بخش کُردی و عربی تقسیم کند.

این نقشه توطئه گران نظر مساعد محافل و دولت های غربی را به خود جلب کرد. شورش در زمانی رخ داد که محافل زمامدار آمریکا و ایران فعالیت هایی را در زمینه اتحاد کردستان جنوبی و شرقی حول تخت سلطنت محمدرضا شاه تدارك می دیدند.(۳)

لذا به دنبال قیام مسلحانه کُردها در سال ۱۹۶۱، در ژوئن ۱۹۶۳ درگیری نظامی بین دولت

مرکزی بغداد و کُردها تشدید شد. در نوامبر ۱۹۶۳ عبدالسلام عارف با همکاری برادرش

عبدالرحمن عارف و شماری دیگر از افسران عراقی عبدالکریم قاسم را سرنگون کردند و قدرت را به دست گرفتند.

۱- . م. کاردوخ، جنبش های کُرد از دیرباز تاکنون، Coimex چاپ اول ۱۹۹۳، سوئد، صص ۳۳۴، ۳۳۵.

۲- . همان منبع، ص ۳۳۸.

۳- . همان منبع، صص ۳۳۹-۳۴۰.

پیشینه نفوذ و حضور اسرائیلی ها

درباره پیشینه و سابقه ارتباط صهیونیست ها با کُردهای عراق در منابع غربی اخبار و اطلاعات قابل توجه و بلکه شگفت انگیزی به چشم می خورد.

فعالان سرویس های اطلاعاتی اسرائیل از دورانی که ریوون شیلوا در سال های دهه ۱۹۳۰ اقامتگاه دور افتاده و کوهستانی کُردهای عراق را درنوردید تا درباره آن اطلاعات به دست

آورد، به مسأله کُردها علاقمند شده بودند.(۱) مع الوصف بعضی اشخاص و محافل صهیونیست، یعقوب نیمرودی را عامل اصلی برقراری ارتباط بین کُردهای عراق و محافل صهیونیست دانسته اند که سرانجام به شورش کُردها منجر شده است:

[آریل] شارون یکبار در توصیف [یعقوب] نیمرودی از وی به عنوان معمار اصلی روابطی که اثرات اقتصادی و سیاسی وسیعی داشته و از جمله به برپایی شورش کُردهای عراق منجر شده

است یاد کرد.(۲)

برخی محافل نقش کُردهای یهودی منطقه را در ایجاد و تقویت ارتباط بین دولت صهیونیستی با احزاب و گروه های کُرد، اساسی و مهم ارزیابی کرده اند.

بعضی اسناد تعداد کُردهای یهودی در فلسطین را تا قبل از پیدایش اسرائیل حدود بیست هزار نفر برآورد کرده اند که طی سال های اولیه اعلام موجودیت دولت صهیونیستی، حدود چهل هزار نفر نیز به آنها اضافه شده است:

تعداد کُردهای یهودی قبل از پیدایش دولت اسرائیل در سال ۱۹۴۸، بیست هزار نفر بود؛ در طی

۱- . کاکبورن، ص ۱۶۷.

۲- . همان منبع، صص ۱۶۶-۱۶۷.

سال های ۱۹۵۰ و ۱۹۵۱ حدود چهل هزار یهودی کُرد از مناطق کردستان عراق و ایران به آن سامان مهاجرت کردند. تعداد کُردهای یهودی که اکثر آنها از کردستان عراق به اسرائیل مهاجرت کرده اند در حال حاضر حدود یکصدهزار نفر تخمین زده می شود که سی و پنج هزار نفر در بیت المقدس، پنج هزار نفر در طبریه، هفت هزار نفر در حیفا و بیست هزار نفر در

شهرک های یهودی نشین [در کرانه غربی رود اردن و نوار غزه] و بقیه در مناطق مختلف زندگی می کنند.

کُردهای اسرائیلی مصرند به اینکه انگیزه مهاجرتشان صرفا به دلیل پیروی از اندیشه های صهیونیسم و نه به سبب فرار از ستم های ملی یا مذهبی بوده است؛ زیرا آنان هیچ گاه با تبعیض مذهبی و نژادی در کردستان مواجه نبودند و به همین علت هنوز هم خود را کُرد می دانند و عادت و سنت های محیط کُردی خود را حفظ کرده اند [...] یهودیان کردستان فعالانه در زندگی سیاسی و اجتماعی [جامعه اسرائیلی]شرکت دارند و چندین نماینده مجلس و اعضای برجسته احزاب سیاسی و شهرداری های اسرائیل، کُرد هستند. حبیب شیمونی رئیس کنونی انجمن ملی یهودیان کردستان است که در شهر عقره کردستان متولد شده و به عنوان نماینده پارلمان اسرائیل از حزب کار فعالیت می کند. با این حال ژنرال اسحاق مردخای از فرماندهان ارتش اسرائیل یکی از بارزترین شخصیت های کُرد یهودی به شمار می رود. وی نیز متولد شهر عقره

است و از سیاستمداران کُرد اسرائیلی محسوب می شود.

در آغاز قرن بیستم، تعدادی از یهودیان کردستان به فلسطین مهاجرت کردند، ولی اکثریت آنان

در فاصله بین دهه ۱۹۴۰ و اوایل دهه ۱۹۵۰ و نیز بین سال های ۱۹۷۰ و ۱۹۷۳ مهاجرت کردند.

کُردها به سه هزار یهودی عراق که همچنان در بغداد زندگی می کردند کمک کرده، آنها را از طریق کردستان به ایران فراری دادند که از آنجا به اسرائیل رفتند.

اسرائیل طی سال های ۱۹۶۳ تا ۱۹۷۴ کمک مادی و نظامی از طریق ایران در اختیار شورشیان کُرد عراق قرار می داد.(۱)

طبق مدارک موجود، طی دهه شصت میلادی، حضور و فعالیت جاسوسان اسرائیلی در مناطق کردنشین عراق چشمگیر و قابل توجه بود:

۱- . کامران قره داغی، روزنامه الحیات، ترجمه علی رمزی، چاپ لندن، ۲۷ فوریه ۱۹۹۴، بررسی مطبوعات جهان، شماره ۱۵۱، مورخ اردیبهشت ۱۳۷۲.

دیوید کیمچی (کیمخی) [از مأموران کهنه کار موساد] مسافرتی را به یاد دارد که در سال ۱۹۶۵ به عنوان نخستین مأمور رابط اسرائیلی انجام داده و برای دیدار کُردها در موطنشان به کردستان

رفته است. سال بعد [۱۹۶۶]یکی از وزیران کابینه اسرائیل سوار بر قاطر کوهستان های کردستان را در مدتی طولانی پیمود. این فرستاده که اریح الیاف(۱) نام داشت [...]علاوه بر بازدید این مقامات عالی رتبه، یعقوب نیمرودی در هماهنگی با همتایان خود در ساواک و نیروهای نظامی ایران، مسائل کردستان را تحت نظر داشت. بخش اعظم کمک اسرائیل به این نبرد چریکی به صورت ارائه رهنمودهای نظامی و آموزش نفرات بود.(۲)

حضور و نفوذ مأموران و مستشاران صهیونیست در میان کُردهای عراق به گونه ای بود که آنها با لباس مبدل کُردی در مقام عامل و تصمیم گیر از ناحیه رهبران احزاب کُرد اقدام و عمل می کردند:

در ماه ژوئن سال ۱۹۶۷، درست پیش از آغاز جنگ شش روزه اعراب و اسرائیل، یک هیأت نظامی عراقی، با هدف روبرو ساختن دشمن صهیونیستی با یک جبهه واحد، از کُردها تقاضای

آتش بس نمود. یک چریک کُرد در طرف مقابل این تقاضا را به شدت رد کرد. اما این شخص در

واقع یکی از مستشاران اسرائیلی بود.(۳)

اسرائیلی ها همواره تلاش کرده اند تا حضور و نفوذ خود در میان احزاب سیاسی کردستان عراق را در نهایت پنهانکاری و در هاله ای از اسرار نگه دارند.

جزئیات عملیاتی آنچه در کردستان صورت گرفته هنوز هم در اسرائیل به شدت پنهان می شود، تحت سانسور قرار می گیرد و احتمالاً برای این کار دلایل خوبی وجود دارد.(۴)

یادآوری این نکته ضروری است که سرویس اطلاعاتی اسرائیل و مأموران و جاسوسان موساد در کنار فعالیت های جاسوسی، اطلاعاتی و نظامی در مناطق کردنشین عراق، در غارت

آثار گرانبهای تاریخی آن سامان نیز نقش فراوان داشته اند.

موزه اسرائیل در بیت المقدس نمونه های زیادی از آثار تاریخی کردستان را تحت عنوان آثار تاریخی کُردها در معرض نمایش قرار داده است تا از آثار تاریخی ایرانی ها، عراقی ها و ترک ها

۱- . Aryeh Eliav

۲- . کاکبورن، ص ۱۶۸.

۳- . همان منبع، ص ۱۶۸.

۴- . همان منبع، ص ۱۶۸.

متمایز باشد.(۱)

در یکی از اسناد به جا مانده از دوران پهلوی به برگزاری نمایشگاه آثار تاریخی و هنری مربوط به کُردهای یهودی چنین اشاره شده است:

وزارت امور خارجه – اداره روابط فرهنگی و علمی و فنی

رئیس اداره خاورمیانه وزارت خارجه اینجا در ملاقات روز سی و یکم فروردین ماه جاری گفت هر دو سه سال یک بار موزه ملی اسرائیل واقع در بیت المقدس نمایشگاهی از آثار هنری

و فولکلوریک و لباسهای محلی اقلیت های یهود و یکی از کشورهای جهان را برگزار می کند و منظور از برگزاری این نمایشگاه آنست که ارتباط فرهنگی و قومی آن عده از یهودیانی که به تدریج از آن کشورها به اسرائیل مهاجرت کرده اند با موطن اصلی آنها محفوظ نگه داشته شود و به عنوان نمونه مثال آورد که در خلال هفت هشت سال گذشته دو بار چنین نمایشگاهی از آثار

یهودیان مراکش و الجزیره ای [الجزایری]الاصل در آن موزه تشکیل شد و مورد استقبال و توجه

عمومی قرار گرفت.

نامبرده پس از این مقدمه اظهار داشت که چون عده ای یهودی کُردنژاد کمتر از ایران و بیشتر از

عراق و ترکیه و سوریه به این کشور مهاجرت کرده اند اولیای آن موزه در نظر دارد در طی سال جاری این نمایشگاه را به معرض آثار هنری – موسیقی – لباسهای محلی و فولکلر و نوع زندگی

یهودیان کُردنژاد اختصاص دهند و از این رو در نظر دارند خانم Orah Shwartzکارشناس امور فولکلوریک در آن موزه را در معیت یک عکاس برای چند هفته به ایران اعزام دارند تا با راهنمایی سازمانها و مقامات مربوطه دولت شاهنشاهی نمونه هایی از لباسها و آثار هنری

کُردهای یهودی ایرانی تهیه و از خانه و محیط زیست آنان عکسهایی بردارند و با آثاری از این قبیل که از یهودیان کُردنژاد ترکیه و سوریه و عراق تدارک شده و یا در دست تهیه است ترتیب

برگزاری نمایشگاه مورد نظر را بدهند.

خواهشمند است دستور فرمایند در صورتی که حصول مقصود موزه مذکور به صدور پروانه تحقیق نیازمند می باشد مراتب را تلگرافی اعلام دارند تا نسبت به تکمیل و ارسال فرمهای

مربوطه اقدام شود و در صورتی که نیازی به صدور پروانه تحقیق نیست در باب انجام سایر

تشریفات و تحصیل موافقت سازمانهای مربوطه اقدام مقتضی معمول و نتیجه را اعلام دارند.

۱- . کامران قره داغی، الحیات.

مرتضی مرتضایی(۱)

نـامه ساواک درباره تقاضای موزه ملی اسـرائیل مبنی بر همکاری با عکاس اسـرائیلی اعزامی به ایران نشان از فعالیت گسترده و جدی اسرائیلی ها در جمع آوری هر گونه آثار

تاریخی، هنری و فرهنگی مربوط به کُردهای یهودی در ایران، عراق، ترکیه و سوریه دارد:

درباره تشکیل نمایشگاه در اسرائیل

بدینوسـیله فتوکپی نامه شـماره ۴۱/۱۷-۱۰۹۴/۴ مورخه ۱۷/۲/۳۶ وزارت امور خـارجه به انضـمام دو برگ ضـمائم آن دربـاره تقاضای موزه ملی اسـرائیل مبنی بر برگزاری نمایشـگاهی از آثار هنری و فولکلوریک و لباسهای محلی یهودیان کُردنژاد ایران - عراق - ترکیه و سوریه و اعزام خانم Orah-Shwartzو یک عکاس به ایران به پیوست ایفاد می گردد. خواهشمند است دستور فرمایید هرگونه نظری در مورد تشکیل نمایشگاه مزبور و مسافرت خانم یاد شده به ایران دارند

مراتب را مستقیما به وزارت امور خارجه اعلام دارند.

گیرنده: مدیریت اداره کل هشتم جهت اطلاع و هر گونه اقدام مقتضی.

مدیر کل(۲)

ص: ۳۶۳

۱- . نامه نمایندگان وزارت امورخارجه شاهنشاهی در تل آویو، مورخ ۴/۲/۲۵۳۶[۱۳۵۶]، شماره ۱۵۳/م.

۲- . سند ساواک، مورخ ۲۱/۲/۳۶[۱۳۵۶]، شماره ۵۳۰۷۹/۲۳۲.

به کام اسرائیل

درگیر کردن کشورهای منطقه با یکدیگر، به خصوص ایجاد و تشدید تنش بین ایران و عراق از یک سو و نیز ایجاد جنگ و ستیز بین کُردهای عراقی با دولت آن کشور، بخشی از توطئه اسرائیل با هدف مشغول کردن دولت های منطقه و گسترش و تعمیق اغتشاشات محلی و منطقه ای بود که در نهایت به سود دولت صهیونیستی تمام می شد. به بیان دیگر، صهیونیست ها با تضعیف قوای داخلی کشورهای مسلمان و انحراف افکار عمومی منطقه، به اشکال مختلف در صفوف مسلمانان اخلال می کردند تا مانع اتحاد ضدصهیونیستی آنان شوند.

عزرا دانین از مأموران کهنه کار یهودی سرویس اطلاعاتی اسرائیل در خصوص شگردهای شیطانی اسرائیلی ها چنین اعتراف می کند:

برای من روشن بود کمک هایی را که ما به رزمندگان کُرد در عراق می دادیم، تفسیری جز این نمی توانست داشته باشد که ما از تراژدی کُردها در راه آرمان های خود بهره کشی می کردیم. ولی به هر حال حقیقت آن بود که ما از این راه با مشغول کردن بخش درخور توجهی از ارتش عراق در

رویارویی با مسأله کُردها، مزیت های نظامی به دست می آوریم.(۱)

این عملیات بخشی از سناریوی بزرگتر صهیونیستی، یعنی قسمتی از استراتژی پیرامونی اسرائیل بود. ساموئل کاتز از افسران سابق واحد اطلاعاتی نظامی اسرائیل درباره استراتژی پیرامونی اسرائیل در منطقه کردستان عراق نوشته است:

۱- . یان بلک و بنی موریس، صص ۲۳۴-۲۳۵.

سال ها بود اسرائیل برای رویارویی با یک جنگ تمام عیار با همه ملت های

عرب - از مراکش در غرب تا عربستان سعودی و عراق در شرق - آماده می شد. برای کسب توانایی جهت ایستادگی در این جنگ، اسرائیل استراتژی خاصی پدید آورده بود که می شد آن

را «دفاع از پیرامون» نامید. بر اساس این استراتژی، اسرائیل با دولت ها و ملت های غیرعرب و غیرمسلمان در خاورمیانه اتحادهایی پدید می آورد. به خاطر ترس از یکی شدن نیروی اردن و عراق، تلاش هایی برای فعال کردن کُردها از جنبه نظامی صورت می گرفت [...].

اسرائیل فهمیده بود که حمایت از کُردها فرصت عالی برای تضعیف عراق و ماشین قدرتمند نظامی آن است، از کُردها به طور علنی حمایت می کرد. هم موساد و هم واحد اطلاعاتی نظامی

از مبارزه نظامی آنها پشتیبانی می کردند. ارتباط با کُردها اطلاعات ذیقیمت و دست اولی را در مورد ارتش عراق در اختیار اسرائیل قرار می داد. ملاقات هایی پنهانی بین کُردها و افسران

ارتش اسرائیل صورت می گرفت. از جمله افسرانی که به ملاقات کُردها رفتند، سروان آریک رجب(۱) از افسران واحد نخبه تجسس و سرتیپ رحیم (رفاویم) «قندی» ذهبی(۲) (زیوی) معاون فرمانده شاخه عملیاتی را می توان نام برد. واحد اطلاعات نظامی قادر بود از طریق شبکه

موساد در کردستان تصویری به هنگام از ارتش عراق به دست آورد. این اطلاعات شامل آرایش

جنگی عراق و نمودار سازمانی آن تا حد دسته، تعداد هواپیماهای جنگی قابل پرواز، و حتی

نام اکثر خلبانان نظامی آن می شد.(۳)

در جنگ چهارم اعراب و اسرائیل معروف به جنگ رمضان در سال ۱۹۷۳م/ ۱۳۵۲ش، وقتی جاسوسان اسرائیلی حضور و ورود ارتش عراق برای مساعدت به نیروهای سوری و مصر علیه اسرائیل را جدی ارزیابی کردند، فورا دست به کار شدند، جبهه جدیدی را در منطقه کردستان علیه دولت عراق به وجود آورند تا عراقی ها قادر به حضور در چند جبهه به طور همزمان، به خصوص جبهه ضد صهیونیستی نباشند.

ژنرال ضمیر رئیس موساد در این خصوص چنین می گوید:(۴)

۲۵ مهر ماه/ ۵۲ [۱۹۷۳]

۱- . Arik Regev

۲- . Rechavem Ghandl Zeevi

۳- . ساموئل کاتز، صص ۳۳۳-۳۳۴.

۴- . نامه ژنرال ضمیر، رئیس وقت موساد به نصیری رئیس ساواک، ۲۵/۷/۱۳۵۲.

تیمسار نصیری عزیز مایلم بدین وسیله جنابعالی را در جریان وقایع جنگ بگذارم. در جبهه شمالی ارتش سوریه مشغول تجدید سازمان خود به خاطر دفاع از دمشق می باشد. سوریه مسئولیت منطقه جنگی را به عهده نیروهای عراقی گذارده که قبلاً با نیروهای ما برخورد پیدا کرده و به نحو شدیدی شکست خورده اند و به دلایل حیثیتی عراقیها هنوز مشغول اعزام نیروهای بیشتر به سوریه بوده و این نیروها را در جبهه سوریه به جنگ واداشته اند.

همانطور که اطلاع دارید ملک حسین در مقابل فشارهای وارده مقاومت نکرده و یک تیپ زرهی به سوریه اعزام نموده که اکنون در قسمت مقابل جناح جنوبی ارتفاعات جولان مستقر

شده است.

این تیپ تحت فرماندهی لشگر عراقی در منطقه می باشد. نیروهای ما مشغول تقویت خود در خاک سوریه بوده و به طرف شمال و شرق پیشرفت می کنند.

جنگ اصلی در جبهه سینا هنوز شروع نشده است و ما درباره آن خوش بین هستیم. مصریها تلفات و خسارات زیادی متحمل شده اند. شورویها کماکان به تلاشهای عظیم خود در جهت تأمین مجدد سلاحهای مختلف به مصر و سوریه از طریق هوا و دریا ادامه می دهند. شورویها

اینطور استنباط می کنند که هر گونه موفقیت اعراب در این جنگ به عنوان موفقیت شوروی منظور خواهد شد و از اینرو شدیدا تلاش می کنند تا از این جنگ به منظور توسعه منافع خود در سراسر منطقه بهره برداری نمایند.

ایالات متحده آمریکا از مقاصد شوروی آگاه است و ما در مقابل فعالیتهای آمریکا برای جلوگیری از تحقق نیات شوروی و همچنین حمایت بیدریغی که آمریکا از ما به عمل می آورد

بی اندازه سپاسگزاریم.

گذشته از تأمین ساز و برگ نظامی به منظور احیاء کارآیی رزمی ارتشهای مصر و سوریه شورویها همچنین به کشورهای عربی فشار می آورند تا بیش از پیش خود را در جنگ کنونی درگیر نمایند. در این زمینه مایلم توجه جنابعالی را به اطلاعاتی که در مورد عربستان سعودی دریافت کرده ایم جلب نمایم. سعودیها که قبلاً به سوریه نیرو فرستاده بودند در نظر دارند

نیروهای بیشتری شامل موشکهای ضدهوایی از نوع «هاک» به سوریه بفرستند. سعودیها ممکن است از ایران درخواست کنند که در مورد حمل و نقل هوایی این موشکها به سوریه به آنها

کمک نماید. احتمال دارد عربستان سعودی این نکته را درک نکند که درگیری آنها به طور

غیرمستقیم به منافع شوروی کمک می کند.

امیدوارم در صورتی که عربستان سعودی از شما درخواست کمک کند جنابعالی اهمیت استراتژیکی و واقعی این درخواست را استنباط بفرمایید.

در مورد اوضاع کردستان من عقیده خود را به ملامصطفی اطلاع دادم و توجه او را به این نکته

جلب کردم که بخش بزرگی از ارتش عراق به سوریه فرستاده شده و این موضوع فرصت خوبی را به دست کُردها می دهد.

روز گذشته ما اطلاعاتی دریافت کردیم مبنی بر اینکه واحدهای نظامی عراق مستقر در مناطق کردنشین تضعیف گردیده و قسمتی از این واحدها به سوریه اعزام گردیده است. تردید نیست

که این تحول فرصتی عالی در اختیار کُردها به منظور شروع عملیات شدید می گذارد.

خواهشمند است تشکرات قلبی مرا به خاطر کوششهایی که در راه تأمین اطلاعات بسیار مهم پیرامون وقایع جاری مبذول داشته اید بپذیرید.

دوستدار- ژنرال ضمیر

دکتر افرایم سنیه(۱) ژنرال کهنه کار صهیونیست در کتاب اسرائیل پس از ۲۰۰۰، درباره منفعت اسرائیل از کمک رسانی به کُردهای عراق و تحریک و تجهیز آنها علیه حکومت آن کشور و حتی نقش افسران نظامی و اطلاعاتی اسرائیلی در مناطق جنگی مزبور می نویسد:

در دهه های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ افسران ارتش اسرائیل به رزمندگان ملامصطفی بارزانی در جنگ با ارتش عراق کمک می کردند. همچنین راهنمایی های اسرائیل به کُردها در میادین جنگ در شمال

عراق مثمرثمر بوده و خود اکراد به این امر اذعان دارند. در آن دوران اسرائیلی ها به خوبی دریافتند که از طریق کمک به اکراد عراق، اسرائیل در سال های آتی از یک دوست و همپیمان

خوب برخوردار خواهد شد.(۲)

اشاره به این نکته خالی از فایده نیست که در آن دوران استراتژی رژیم صهیونیستی، نه تلاش برای استقرار حکومت خودمختار برای مناطق کردنشین عراق، بلکه توطئه ای در

۱- . افرایم سنیه در سال ۱۹۴۴ در تل آویو به دنیا آمد. ابتدا به ارتش پیوست و سپس در دانشگاه تل آویو به تحصیل پزشکی

پرداخت. در ژوئیه ۱۹۵۸ به عنوان پزشک در ارتش اسرائیل، به درجه سرتیپی رسید و سپس به اداره امور شهری کرانه باختری رود اردن منصوب شد. سنیه در سال ۱۹۹۲ از سوی حزب کارگر به عضویت کِنِست پارلمان اسرائیل درآمد.

۲- . افرایم سنیه، اسرائیل پس از ۲۰۰۰، ترجمه عبدالکریم جادری، ناشر دانشکده فرماندهی و ستاد سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، چاپ اول ۱۳۸۱، صص ۱۲۴-۱۲۵.

جهت ایجاد و گسترش تشنج و اغتشاش در منطقه، چون آتش زیر خاکستر بود. اما آنچه امروز اسرائیلی ها خود را حامی و پشتیبان آن قلمداد می کنند، لزوم ایجاد کشور مستقل کُرد در جهت استراتژی منطقه ای اسرائیل است. افرایم سنیه صهیونیست در این خصوص چنین می نویسد:

در زمان نگارش این کتاب [اسرائیل پس از ۲۰۰۰] تلاش های جدی [از سوی محافل اسرائیلی] به منظور رفع کدورت بین بارزانی و طالبانی در جریان بود، چه اکراد تنها با اتحاد می توانند [...] اهداف خود را پیش ببرند. شکی ندارم که خاورمیانه پس از سال ۲۰۰۰ شاهد به وجود آمدن کشور مستقل یا حکومت خودمختار کُرد خواهد بود. چنانچه روابط پیشین یهودیان کردستان با

همسایگانشان و نیز پشتیبانی گذشته ی اسرائیل از کُردهای عراق را مد نظر قرار دهیم، می توان

چنین فرض کرد که کشور مستقل (یا خودمختار) کُرد، دوست اسرائیل خواهد بود و بر ما لازم

است در صورت درخواست کُردها، آنان را جهت تسریع در ایجاد کشور مستقل خود کمک کنیم.(۱)

آنچه امروز، یعنی پس از سقوط صدام و حزب بعث عراق، در مناطق کردنشین آن کشور بسیار مشکوک و سؤال برانگیز است، تلاش پنهان و آشکار همه جانبه صهیونیست ها در راستای استراتژی پیرامونی صهیونیسم در آن سامان است.

۱- . همان منبع، ص ۱۲۵.

عملیات مشترک

در راستای سیاست مشترکی که آمریکا و اسرائیل در منطقه پیش گرفته بودند، ساواک و موساد نیز اقدامات و عملیات مشترک خود را در میان کُردهای عراق و علیه حکومت مرکزی بغداد، برنامه ریزی و به معرض اجرا گذاشتند.

توافق های به عمل آمده میان کُردها و حکومت عبدالکریم قاسم و به خصوص بازگشت

ملامصطفی به عراق به هیچ وجه سازگار با سیاست شاه و اسرائیل نبود. تیمور بختیار رئیس ساواک طی مذاکراتی با ایسرهارل رئیس وقت موساد، با یادآوری اهداف و منافع مشترک ایران و اسرائیل، نگرانی خود را از شرایط به وجود آمده جدید به صراحت اعلام می کرد:

ما صرفنظر از اطلاعات مکتسبه با چشم خود از اسکله های آبادان و خرمشهر شاهد عبور کشتیهای روسی که اسلحه و افراد مسلح به عراق وارد می کنند هستیم. بارزانیها وقتی از راه ایران به شوروی رفتند در حدود ۲۵۰ تا ۲۷۰ نفر بودند ولی کُردهایی که با کشتی روسی به

عراق بازگشتند در حدود ۸۵۰ نفر بودند صرفنظر از این نکات که دال بر توسعه نفوذ کمونیسم

در عراق است باید توجه داشت که ممکن است در آینده قاسم به عنوان حفظ صلح درخواست ورود ارتش شوروی را به عراق بکند و این زمزمه ایست که از هم اکنون به گوش می رسد و چنین استدلال می شود همانطور که دولت لبنان از آمریکا تقاضای ورود سربازان آن کشور را

نمود قاسم نیز حق دارد از شوروی چنین درخواستی را بکند.

اگر چه امروز هنوز قاسم و کمونیستها کاملاً در عراق مسلط نیستند و شاید ما و دول غربی امکاناتی در آن کشور داشته باشیم ولی در آینده نزدیکی دیگر چنین امکاناتی برای ما وجود

نخواهد داشت. اگر تصور شود که امکان دارد با گذشت زمان قاسم را به سوی خود جلب کنیم

خیال خامی در سر پروریده ایم و در حقیقت به منافع ملتهای خود خیانت کرده ایم. این طرز فکر

برای کسی که خانه اش دور از کانون آتش است امکان دارد ولی برای ما به هیچ وجه بخشودنی

نیست.(۱)

بعضی منابع غربی درباره این همکاری مشترک چنین نوشته اند:

سازمان های نهانی ایران و اسرائیل به همکاری نزدیک با هم پرداختند. بنابه گفته گزارشی از سی.آی.ای که در سال ۱۹۷۶ نوشته شده [...]: موساد برای سال ها دست اندرکار عملیات مشترک با ساواک شد. موساد به فعالیت های ساواک کمک کرده و از کُردهای عراق پشتیبانی کرد.(۲)

بختیار رئیس وقت ساواک دستیابی کُردها به قدرت و پایگاه در منطقه را در شرایط جدید اتحاد اکراد با دولت عراق، تهدید و خطر برای ایران ارزیابی می کرد. او برای مقابله با وضعیت و روند جدید، مشی بهره گیری و تحریک طوایف و اقوام مختلف را در دستور پیشنهادهای خود قرار داد:

ما به عراق نزدیک هستیم و اطلاعات ما درباره آن کشور تقریبا دقیق است. در چند روز اخیر

زمزمه تشکیل جمهوریهای فدرال عرب و کُرد در عراق به گوش می رسد که در آن ملامصطفی رهبر جمهوری کُرد و عبدالکریم قاسم رهبر جمهوری عرب خواهد بود. این امر کاملاًـ موافق با آرزوی شوروی است که مایل است عراق را به جمهوریهای کوچک تقسیم کند تا بعدا اتحاد جماهیر شوروی بزرگتری بوجود آورد. در این صورت باید به مخاطراتی که نصیب ایران و ترکیه می شود توجه کرد. اگر کُردها پایگاهی در خاورمیانه پیدا کنند مسئله دشواری را بوجود می آورند و ما مطمئن نیستیم که دول بزرگ غربی از چنین دولتی پشتیبانی نخواهند کرد. اگر چنین فرضی بوقوع بپیوندد صرفنظر از مخاطراتی که نصیب ایران و ترکیه می شود باید از خود سئوال کرد روش

شوروی نسبت به مصر و بالعکس چه خواهد بود.

[...] عواملی هستند که قادر به دخالت در داخل عراق می باشند. این عوامل عبارتند از: کُردها- طایفه شمار- قبایل جنوبی عراق - نفوذ ایران در میان شیعیان عراق، نفوذ ترکها در میان اقلیت ترک کرکوک و موصل و همچنین نفوذ و پرستیژ ملک حسین در عراق.(۳)

ص: ۳۷۲

۱- . گزارش ساواک از دیدار رؤسای سرویس های اطلاعاتی ایران و اسرائیل تیمور بختیار و هارل؛ مورخ: ۹/۲/۳۸.

۲- . یان بلک و بنی موریس، ص ۲۳۳.

۳- . گزارش ساواک از دیدار رؤسای ساواک و موساد تیمور بختیار و ایسر هارل مورخ ۹/۲/۱۳۳۸.

در یکی از اسناد ساواک، یادداشتی درباره محور مباحث قابل طرح در ملاقات بین رؤسای سرویس اطلاعاتی ایران و اسرائیل به چشم می خورد. در این یادداشت که ظاهرا از سوی مقامات ساواک و حول محور مطالبات و تقاضاهای اکراد عراقی تهیه و تدوین شده، به مواردی از کمک های اسرائیل به کُردهای عراق از کانال ایران، اشاره شده است. از سوی دیگر

این سند به خوبی روشن می سازد که اسرائیلی ها صرف نظر از ارسال تجهیزات نظامی برای کُردهای عراق، با وساطت ساواک، شماری از آنها را برای آموزش نظامی به مراکز آموزش نظامی اسرائیل اعزام می کردند.

در یادداشت مورد نظر، با عنوان مواردی که قرار است با ژنرال زامیر (ضمیر) مذاکره شود چنین می خوانیم:

مواردی که قرار است با ژنرال زمیر مذاکره شود

۱- اکراد درخواست کمک مالی بیشتری از اسرائیل دارند. اظهار می دارند در گذشته که درگیر

جنگ بودیم بیشتر از سایرین به ما کمک می کردند. اکنون احتیاج بیشتری داریم تا بتوانیم

تشکیلات خود را توسعه داده خود را در مقابل دولت عراق قوی سازیم.

۲- از لحاظ کمک اسلحه تهاجمی ترتیبی داده شود که از هم اکنون پیش بینی لازم بشود، ۲۲ نفر

که در اسرائیل تعلیمات زرهی دیده اند اکنون بدون تمرین مانده اند پیشنهاد می نمایند تانکهای مورد نظر از اسرائیل به ایران حمل گردد تا افراد ما به تمرینات خود در ایران ادامه دهند ضمنا انتقال تانکها به ایران این حسن را دارد که در مواقع ضروری با سرعت در دسترس خواهد بود.

۳- درباره فروش توتون وعده شده بود از طرف اسرائیل اقداماتی بشود. مثل اینکه تاکنون به

نتیجه نرسیده است.

اسرائیلی ها ضمن اینکه سعی می کردند حضور و نفوذ خود در میان کُردهای عراق را در هاله ای از اسرار و پنهان کاری نگه دارند، در رسانه های صهیونیستی، ایران را تنها کشوری

معرفی می کردند که در امور کُردها دخالت می کند. این قبیل تبلیغات، همزمان اهداف چندی

را نشان می گرفت. رسانه های اسرائیلی با افشای اسرار اطلاعاتی همکاری ایران و کُردها،

شکاف و اختلاف بین دولت مرکزی بغداد و بلکه بعضی دیگر از دولت های کشورهای اسلامی و عربی را با ایران تشدید می کردند. از جنبه سیاسی و روانی ایران در مقابل عمل

انجام شده قرار می دادند و از آن به عنوان پاشنه آشیل، در موارد مقتضی مورد بهره برداری

قرار می دادند. به علاوه افشای این قبیل اطلاعات، پوششی برای تبرئه رژیم صهیونیستی و

دخالت همه جانبه آن در امور عراق و کُردهای منطقه بود. نمونه تبلیغات رسانه های صهیونیستی در بخشی از مقاله نشریه اسرائیلی «اورشلیم پست» خواندنی است:

کُردها و حزب دموکرات آنها متهم به تبانی با ایران دشمن دیرینه عراق شده اند. گفته می شود که

کُردها از نیروهای ایران و سرویسهای اطلاعات تعلیمات و نیز اسلحه دریافت داشته اند البته

کُردها این اتهام را رد می کنند اما مسلم است که از خارج به آنها کمک می شود و مشکل می توان باور کرد که غیر از ایران کشور دیگری در این کار دخالت داشته باشد.(۱)

رسانه های صهیونیستی در حالی به چنین تبلیغاتی مشغول بودند که سیل مهمات نظامی از سوی سرویس اطلاعاتی اسرائیل از کانال ارتباطی ساواک، در اختیار احزاب کُرد عراقی

قرار می گرفت. در این باره مذاکرات ژنرال زامیر رئیس موساد با نصیری رئیس ساواک در آذر ماه ۱۳۵۲ خواندنی است:

تیمسار ریاست ساواک: می خواهم در مورد کردستان صحبت کنیم.

با توجه به اینکه اخیرا دارند در مرز کردستان عناصر ارتشی را تقویت می کنند و فاصله کوتاهی

به تمام شدن مدت قرارداد قبلی نمانده و اخطاری که روسها به اکراد داده اند ما باید او را از لحاظ مالی و نظامی بیشتر از گذشته تقویت نماییم. چیزهایی که در درجه اول به آن احتیاج

است دفاع هوایی و زمینی است. مسعود و محمود لیستی از احتیاجات خود را در اختیار ما گذارده اند که ما آن لیست را به شما می دهیم آنچه را که شما می توانید تأمین کنید کمکی است که چیزهای دیگر را ما تهیه نماییم. اگر از موشکهایی که به وسیله دو نفر حمل می شود به دست آورده باشید برای آنها مفید خواهد بود.

ژنرال ضمیر: آنچه که مسلم است کُردها نمی توانند ما را مأیوس کنند چون توقعی از آنها نداریم. بخصوص که از فرصتهای خوبی چشم پوشی کرده اند. مثل زمان جنگ که عراق وارد جنگ با ما شد.

تیمسار ریاست ساواک: ما نباید از یک مرد کوه نشین توقع غیرعادی داشته باشیم. بخصوص در آن موقعیت که تمام اعراب را با خود دشمن می ساخت.

ژنرال ضمیر: ما در اختیار شما هستیم. مشکل ما مشکل حمل و نقل است در ضمن وزن بعضی

۱- . اورشلیم پست، ۱۲ آوریل ۱۹۷۳.

از این تجهیزات زیاد است. شما می توانید ترتیب حمل را بدهید. در ضمن اجازه بدهید من بروم برآورد کنم. یا ما تجهیزات مورد لزوم را جدا کنیم یا شما افرادی را بفرستید تا ترتیب این کار را بدهند. ضدزره و ضدهوایی دوشکا خیلی داریم. توپهای ضدهوایی ۵/۱۴ با مهمات در هر صورت من این کار را برای شما می کنم. اگر موافقت بفرمایید دو نفر بالای تپه را بخواهیم و یک نفر در سفارت بگذاریم که مرتبا برود و تماس بگیرد.

تیمسار ریاست ساواک: راجع به حمل و یا کار برای جدا کردن تجهیزات به شما اطلاع خواهم داد راجع به گماشتن یکی از آن دو نفر در سفارت حرفی نیست این چیزی بود که خود شما می خواستید.

ژنرال ضمیر: چقدر خوشحال خواهیم شد اگر تیمسار تشریف بیاورند تا شخصا از قسمتهای افریقایی که در اختیار ماست دیدن نمایند.(۱)

اسرائیلی ها با ارسال انواع سلاح های جنگی، از موشک های ضدتانک و ضدهوایی گرفته تا تجهیزات گوناگون ویژه مناطق کوهستانی برای کُردهای عراق و بهره گیری از همه امکانات و توانایی ساواک، به شدت سعی در تداوم و تشدید درگیری های نظامی بین اکراد از

یک سو و دولت عراق از سوی دیگر داشتند.

مذاکرات معاون سرویس اسرائیل با رئیس ساواک در این خصوص قابل تأمل است:

ملاقات با آقای ادمونی (معاون سرویس اسرائیل)

آقای ادمونی: افسری که به منطقه اعزام داشتیم نسبت به روحیه اکراد اعلام خطر نموده است. مطمئنا تیمسار از وضع نظامی منطقه اطلاع کامل دارند. عراقیها سیصد تانک در ناحیه رواندوز

متمرکز کرده اند. و وضع اکراد به این ترتیب بحرانی به نظر می رسد. پریروز ژنرال ضمیر در مورد درخواست تیمسار نصیری با وزیر دفاع و رئیس ارتش و نخست وزیر ملاقات و گفتگو کردند و به این نتیجه رسیدند که نمی توان از تجهیزات امریکایی در منطقه استفاده نمود.

ما تعداد زیادی موشکهای ضدتانک و ضدهوایی روسی در اختیار داریم که ارتش به دلیل خطر جبهه سوریه آنها را در اختیار ما قرار نمی دهد که برای اکراد بفرستیم. با اصرار زیاد ژنرال ضمیر توانسته است تعداد ۳۰ موشک ضدتانک و ۱۵ موشک ضدهوایی برای اکراد از ارتش بگیرد.

۱- . گزارش حوزه ریاست ساواک درباره مذاکرات نصیری رئیس ساواک با ژنرال ضمیر رئیس موساد در مورخ ۲۸ آذر ۱۳۵۲، شماره سند ۱۹۱، مورخ ۶/۱۰/۱۳۵۲.

البته ما با امریکائیها تماس گرفته ایم که اگر آنها به جای موشکهای روسی موشکهای آمریکایی

ضدتانک TOW و موشکهای ضدزره RED EYE در اختیار ما بگذارند تا ما بتوانیم سلاحهای روسی مذکور را در اختیار اکراد قرار دهیم. در ضمن امریکاییها امکان دارد به کُندی این کار را انجام دهند اگر شما خود بتوانید این تعویض را انجام دهید ما به فوریت آماده می باشیم. در ضمن باید متذکر شوم که ژنرال ضمیر برای گرفتن تعداد یاد شده بالا (موشکهای روسی) بسیار زحمت کشیده اند.

تیمسار ریاست ساواک: اول باید از ژنرال ضمیر در مورد همکاری ایشان تشکر نمایم ولی ارتش شما نباید فراموش کند که اگر کار اکراد تمام شود دیگر برای عراق بهانه ای وجود

نخواهد داشت که از فرستادن ارتش خود به جبهه سوریه خودداری نماید بخصوص با تجهیزات جدیدی که عراق در حال حاضر دارد. من تصور می کنم با این تعداد موشک آنها بتوانند در وهله اول روحیه خدمه تانکهای عراقی را که فعلاً به دلیل نبودن مانع جسور می باشند ضعیف نماید و اگر بتوانیم جنگ را تا شروع باران در منطقه ادامه دهیم خواهیم توانست اکراد

را برای جنگ در سال آینده آماده نماییم. در مورد تعویض موشک باید از حضور مبارک اعلیحضرت همایون شاهنشاه آریامهر کسب تکلیف نمایم و بعد از تماس با افراد ارتش به شما

جواب خواهم داد.

آقای ادمونی: آیا به نظر تیمسار عراقیها تصمیم دارند در عرض این دو ماه کار را یکسره نمایند؟

تیمسار ریاست ساواک: صدام تا اول سپتامبر را قول داده است. اما من از اکراد خواسته ام که با جنگهای گریلایی به پشت جبهه عراقیها خسارات ممکنه وارد نمایند و تانکهای آنها را از

نزدیک مورد حمله قرار دهند و یا حداقل از رسیدن مواد سوختی به تانکها جلوگیری کنند.

البته نظر به اینکه آموزش موشکهای ضدتانک در محل امکان پذیر نمی باشد پیشنهاد می کنم کارآموزان به اسرائیل اعزام گردند.

همکاری ساواک با دستگاه اطلاعاتی اسرائیل به گونه ای هماهنگ و همسو بود که عملاً نشان می دهد دو رژیم، پهلوی و اسرائیل برخوردار از علایق، ایده ها، طرح ها و منافع مشترک

سیاسی، اقتصادی و اطلاعاتی بودند و به علاوه استراتژی واحدی را در منطقه تعقیب می کردند.

همکاری، هماهنگی و ارتباط دو سرویس با خانواده بارزانی ها در منطقه کردستان عراق،

تأمین برخی نیازمندی های نظامی کُردهای عراق از سوی آمریکا با هماهنگی ساواک و سرویس اسرائیل، اجرای طرح حفاظت و حراست از امنیت خانواده بارزانی، تقویت تسلیحاتی کُردها به خصوص در بخش دفاع ضدهوایی از سوی رژیم صهیونیستی و آموزش کُردها در اسرائیل در زمینه صنایع تانک و حضور مستمر نماینده اطلاعاتی اسرائیل در میان

کُردهای عراقی، تنها بخشی از واقعیت هاست که تماما با هماهنگی ساواک اجرا و عملی می شد. تشویق و تحریک کُردها برای به آتش کشیدن مناطق نفتی کرکوک آن هم با موافقت ساواک و حتی اجرای طرح تهاجم به تأسیسات نفتی کرکوک از طریق یک مأمور و جاسوس اسرائیلی به نام سامی با آگاهی قبلی ساواک، نشانگر سرسپردگی کامل این سازمان در قبال سرویس جاسوسی و اطلاعاتی اسرائیل و همسویی و همراهی ایران شاهنشاهی با رژیم صهیونیستی در تعقیب استراتژی پیرامونی صهیونیسم در منطقه است.

ساواک نه تنها اخبار جابجایی نظامی و لجستیکی ارتش عراق را به اسرائیلی ها تقدیم می کرد، بلکه از همه طرح های اسرائیل در زمینه مقابله با گروه های مبارز فلسطین در کشورهای اسلامی، به ویژه در لبنان حمایت به عمل می آورد و از اقدامات اسرائیل به طور

جدی پشتیبانی اطلاعاتی می کرد. به علاوه ساواک از ایده اسرائیلی ها برای استقرار یک پایگاه اطلاعاتی در لبنان به منظور سرکوب و انهدام گروه های مبارز فلسطینی جانبداری سیاسی و

اطلاعاتی می کرد، و حتی به طور مرموزانه سعی می نمود تا از طریق اعمال نفوذ در مقامات

لبنانی آنها را به سرکوب فلسطینی ها تشویق و وادار کند. ساواک در حالی به نیابت از اسرائیل

دست به چنین اقداماتی می زد که دستاوردهای این قبیل عملیات جز منافع رژیم صهیونیستی

را تأمین نمی کرد.

متن مذاکرات رئیس سرویس اطلاعاتی اسرائیل با نصیری رئیس ساواک دارای نکات بسیار مهم و قابل توجه است:

متن مذاکرات تیمسار ریاست ساواک با ژنرال ضمیر رئیس سرویس اسرائیل (دوشنبه ۱۸/۴/۵۲)

حاضران در جلسه:

۱- تیمسار ریاست ساواک

۲- رئیس سرویس اسرائیل

۳- تیمسار قائم مقام ریاست ساواک

۴- مدیر کل اداره دوم

۵- آقای علی محیط

۶- خانم پریچهره عبادی فرشچی

ژنرال ضمیر: نخست وزیر اسرائیل بهترین سلامهای خود را از طریق اینجانب برای تیمسار فرستاده اند. در جریان ملاقاتی که اخیرا نماینده ما آقای کارون با ملامصطفی بارزانی داشت رهبر کُردها از اینجانب دعوت کرد تا با وی ملاقات کنم. البته او همیشه از همه چیز گله دارد و ناراضی است به خصوص اخیرا از آمریکاییها گله می کند. البته من شخصا پیرامون روابط کُردها

با آمریکاییها اطلاعات زیادی ندارم البته می دانم که آمریکاییها به کُردها جواب داده اند اما نمی دانم که این جواب و کمک احتمالی آنها در چه زمینه ای و به چه اندازه ای است. ملامصطفی تقاضای مقادیری اسلحه و مهمات کرده که فهرست آن را بعدا در اختیار جنابعالی خواهم گذاشت. موضوع دیگر مربوط به سیستم دفاعی ملاـ می باشد، چون تنها خطری که ملا را تهدید

می کند حمله ناگهانی ارتش عراق از راه هوا می باشد. به علاوه اخیرا ارتش عراق تعدادی

هلیکوپتر الووت از فرانسه خریداری کرده که مجهز به موشک می باشد. همانطور که قبلاًـ موافقت فرمودید ما قدرت دفاع ضدهوایی کُردها را از طریق تحویل توپهای ۳۰ میلیمتری تقویت کردیم اما با وجود این کُردها خود را مصون نمی دانند.

موضوع دیگری که ملا می خواهد راجع به آن با من مذاکره کند مربوط به اقدامات دولت عراق مبنی بر کوچ دادن کُردها از منطقه کرکوک و اسکان اعراب به جای آنها می باشد. ضمنا مایلم به اطلاـع برسانم که آقای هلمز(۱) از طریق رئیس نمایندگی سیاسی ما در تهران از مسافرت من به ایران مطلع شده و درخواست کرده که طی این مسافرت با ایشان ملاقات کنم. با توجه به اینکه

آمریکاییها از کُردها خواسته اند که موضوع مناسبات فیمابین را به هیچ کس اطلاع ندهند

بنابراین فکر می کنم که حقایق مربوط به این کار را فقط از دهان آقای هلمز خواهیم شنید. آنچه که کُردها اخیرا درخواست کرده اند عبارتست از: ۱۰۰ قبضه مسلسل سبک برن ساخت انگلستان - ۵۰ قبضه مسلسل ضدهوایی از نوع دوشکا- نیم میلیون مهمات ۳۰۳- یک ربع میلیون

مهمات لازم برای سلاحهای دوشکا- ۲۵۰ خمپاره انداز- مهمات بازوکا- پنج دستگاه موتور برای توپهای ۳۰ میلیمتری.

۱- . ریچارد هلمز رئیس وقت سازمان CIA

به نظر ما تا پایان تابستان جاری خطری کُردها را تهدید نخواهد کرد، تنها خطر موجود مربوط

به احتمال یک حمله ناگهانی به مقر ملامصطفی بارزانی می باشد.

در مورد کوچ دادن اکراد از منطقه کرکوک نظرات کُردها را خواهم خواست اگر شما توافق بفرمایید و کُردها خودشان بخواهند ما کمک خواهیم کرد که آنها به تأسیسات نفتی کرکوک آتش بگشایند و برای این منظور ما می توانیم ۸۰ تا ۱۲۰ راکت که شبیه راکتهای کاتیوشا می باشند

آماده نماییم. بُرد این راکتها ده کیلومتر می باشد. به نظر من تنها راه متقاعد کردن دولت عراق مبنی بر انصراف از کوچ دادن کُردها حمله به تأسیسات نفتی کرکوک به وسیله کُردها می باشد.

البته به عمل آوردن چنین پیشنهادی به کُردها منوط به موافقت قبلی جنابعالی است. طبیعی

است که تحویل این راکتها به کُردها منوط به این می شود که ما قبلاً مطمئن شویم که کُردها حمله مورد نظر را انجام خواهند داد چون ما نمی خواهیم که کُردها فقط این راکتها را در کوهستان

انبار نمایند. در ملاقات آقای کارون با کُردها به وی گفته بودند که عراقیها از طریق فشار نظامی سکنه کردنشین را به طرف کوهها می رانند و از اینرو کُردها اظهار عقیده کرده بودند که شروع جنگ احترازناپذیر است.

تیمسار ریاست ساواک: قبلاً از من در مورد مقاله روزنامه واشنگتن پست سئوال کردید. من در این مورد با دکتر محمود و مسعود صحبت کرده ام آنها اظهار داشته اند که واشنگتن پست مطالبی را که آنان با خبرنگار مربوطه اظهار کرده بودند چاپ نکرده و از خود مطالبی را به چاپ

رسانده است به علاوه آنها هرگز در مصاحبه خود اسمی از اسرائیل نبرده اند چون اگر چنین

کاری را انجام می دادند کلیه کشورهای عربی علیه آنها اعتراض می کردند و در مورد آمریکا

گفته بودند که اگر دولت آمریکا به آنها کمک کند کمک مذکور را خواهند پذیرفت. من از کُردها

سوال کردم که چرا مطالب این مقاله را تکذیب نمی کنید اظهار داشتند که آمریکاییها ادامه این بحث را مصلحت نمی دانند و به علاوه عین این مطالب را من از دهان آقای کالاهان نماینده سرویس آمریکا در ایران شنیدم در مورد مهمات که صحبت کردید ما تصمیم داریم مقداری فشنگ کالیشنکف [کلاشینکف] برای کُردها خریداری کنیم که اگر شما موجود داشته باشید البته از شما خواهیم خرید.

ژنرال ضمیر: در مورد این فشنگ ها تحقیقات لازم را انجام داده و نتیجه را به اطلاعتان خواهم رسانید.

تیمسار ریاست ساواک: هنگامی که برای خرید این فشنگ ها با ارتشبد طوفانیان(۱) صحبت کردم ایشان اظهار داشت که این فشنگ ها را از اسرائیل هم می توان تهیه کرد. البته ما این مهمات را در ایران ذخیره می کنیم و هر موقع که جنگ شروع شد آنها را به اکراد تحویل می دهیم. ضمنا

ملامصطفی بارزانی استدعا کرده که قبل از تشریف فرمایی ذات اقدس ملوکانه به آمریکا به حضور معظم له شرفیاب شود تا تقاضای کمکهای لازم را شخصا به شرفعرض برساند تا از طریق معظم له به آمریکاییها توصیه گردد. ما اطلاعاتی بدست آورده ایم که به موجب آن دولت عراق تعداد تقریبی

۱۰۰۰ قاطر برای جنگهای کوهستانی علیه کُردها از هندوستان خریداری کرده است طبیعی است که این قاطرها فقط به منظور جنگ کُردها خریداری شده چون برای جنوب عراق فقط احتیاج به شتر

است نه قاطر. ضمنا اطلاع پیدا کردیم که ارتش عراق در شمال آن کشور چند مانور انجام داده و طی آن مناطق بخصوصی را بمباران کرده و تعدادی چترباز نیز پیاده کرده است نتیجه این بمباران

هوایی از نقطه نظر مانور نظامی خوب بوده است. اینها نشانه هایی است مبنی بر اینکه دولت عراق خیال دارد دست به یک حمله غافلگیر کننده بزند. ضمنا ما هم از موضوع خرید هلیکوپترهای

الووت که قادر به حمل تعداد زیادی از نفرات می باشد مطلع هستیم. اطلاع پیدا کرده ایم که شوروی پیرامون استفاده از گازهای سمی به افراد ارتش عراق تعلیم می دهد و به همین دلیل کُردها از ما تقاضای ماسکهای ضدگاز کرده اند. در ملاقات دبیر اول و دبیر دوم سفارت شوروی در عراق با کُردها مسعود به آنها گفته که شما مشغول تعلیم عراقیها در زمینه استفاده از گازهای سمی هستید دبیر

۱- . حسن طوفانیان، فرزند مهدی، در سال ۱۲۹۱ در تهران متولد شد. او در سال ۱۳۱۲ به استخدام ارتش درآمد و در دوران سلطنت محمدرضا پهلوی، مهم ترین مشاغل وی چنین بود: فرمانده آموزشگاه خلبانی، رئیس دایره ۲ طرحهای استراتژیک اداره سوم ارتش، معاون هوایی اداره سوم ارتش، مدیر عامل سازمان صنایع نظامی، آجودان مخصوص شاه، رئیس اداره خرید و سفارشات خارجی صنایع نظامی و جانشین وزیر جنگ. ارتشبد حسن طوفانیان به عنوان مسؤول خریدهای نظامی ایران در سال های ۱۳۵۰ و در دوران رونق اقتصاد نفتی شهرت جهانی یافت و مطبوعات غرب گزارشات متعددی درباره معاملات تسلیحاتی ایران و کمیسیون های طوفانیان درج کردند. از جمله مطبوعات آلمان غربی گزارش دادند که طوفانیان در یک معامله تسلیحاتی با کمپانی های این کشور، مبلغ ۳ میلیون مارک کمیسیون دریافت داشته است. ارتشبد طوفانیان در جریان پیروزی انقلاب توسط مردم دستگیر شد، ولی با حمایت مسؤولین دولت موقت مهدی بازرگان به همراه اسناد خریدهای کلان نظامی ایران فرار داده شد. در این باره در خاطرات فردوست توضیح داده شده است. علیرغم این تمهیدات، با تسخیر لانه جاسوسی آمریکا توسط دانشجویان مسلمان پیرو خط امام اسناد متعددی درباره معاملات طوفانیان، از جمله با رژیم

صهیونیستی اسرائیل، به دست آمد که در اسناد لانه جاسوسی مندرج است. ظهور و سقوط سلطنت پهلوی، جلد دوم، ص ۴۶۹.

اول سفارت شوروی موضوع را تکذیب کرده اما مسعود نام استادان و محل آموزش را در اختیار دبیر اول سفارت شوروی می گذارد که شدیدا موجب تعجب دیپلمات روسی می شود. به علاوه عراقیها در منطقه کرکوک به غیر از اعراب افراد آسوری و ارمنی را نیز جانشین اکراد می کنند در مورد حمله به تأسیسات نفتی کرکوک باید بگویم که تاکنون این عمل سابقه نداشته حتی دو

کشوری که در حال جنگ بوده اند به دلیل استفاده بعدی خود از منابع نفتی دست به چنین کاری

نزدند البته ملا[،] حاشیه مناطق نفتی را بمباران کرده است. بمباران مناطق نفتی کرکوک باید مورد بررسی بیشتری قرار گیرد در ضمن چون کرکوک تنها جائیست که نفت آن در عراق ملی اعلام شده بنابراین ممکن است این کار اثرات سیاسی بدی دربر داشته باشد شاید بهتر باشد که سایر مناطق نفتی عراق مورد حمله قرار گیرد این مطلب را بررسی می کنیم و بعدا با شما

صحبت خواهیم کرد. اکراد از ما تقاضای تانک کرده اند و بخصوص اشاره به قول شما نمودند و در این مورد باید از شما سئوال کنم که آیا موضوع قول دادن شما صحیح است؟

ژنرال ضمیر: ما در بین خودمان توافق کردیم که آنها چند تانک از عراقیها بگیرند زیرا در غیر این صورت ایران در مظان اتهام قرار می گیرد.

تیمسار ریاست ساواک: من هم به آنها گفتم که چهار تانک از ارتش عراق به زور بگیرند ما هم چهار تانک دیگر به آنها می دهیم که جلب توجه نکند ادریس گفت ما عواملی را آماده کرده ایم که تانک بیاورند ولی اگر حالا این کار انجام شود تمام افراد کُرد را از ارتش بیرون می کنند و ما در مضیقه عجیبی قرار خواهیم گرفت.

چندی قبل هم یک خلبان عراقی با یک هواپیمای باجر قصد پناهنده شدن به ایران را داشت که به وسیله شکاریهای عراقی مجبور به مراجعت شد و بلافاصله اعدام گردید.

ژنرال ضمیر: در مورد استفاده گازهای سمی ما از یک هیئت علمی خواستیم که این مطلب را بررسی کنند گزارشی که از این بررسی به ما داده شد نشان می داد که استفاده از گازهای سمی بسیار امکان ضعیفی داشته و البته ممکن است ما اشتباه کرده باشیم. آموزش نظامی روسها همیشه

استاندارد است و در مورد گاز آموزش ضدگاز داده می شود نه آموزش استعمال گاز و وقتی در

کشورهای همجوار ما مثل مصر و سوریه آموزش می دادند ما هم نگران شدیم ولی اینطور نبود.

فکر می کنم در سال ۶۹ یا ۷۰ [۱۹۷۰-۱۳۴۹] موافقت فرمودید که کُردها تأسیسات نفتی کرکوک را بمباران کنند فرمانده این عملیات شخصی به نام سامی بود که بعد هم به لندن رفت و تمام

مطالب را بدون بردن اسم ما در روزنامه دیلی تایمز به چاپ رسانید. در اثر آتش کُردها قسمتی

از تأسیسات نفتی نیز آتش گرفت.

تیمسار ریاست ساواک: این واقعه در زمان جنگ بین کُردها و عراقی ها اتفاق افتاد و البته اگر

جنگ شروع شود شاید ایجاب کند که نظیر آن تکرار شود.

ژنرال ضمیر: البته من در این مورد اصرار نخواهم کرد و فقط اگر خودشان هم مایل باشند موضوع را پیشنهاد خواهیم کرد و در مراجعت نتیجه را به اطلاعتان خواهم رسانید. تیمی که آنها برای آموزش تانک به اسرائیل فرستاده بودند بسیار تیم خوبی بود و فکر می کنم فرستادن تانک

برای آنها اشتباه بزرگی است و باید در زمان جنگ و غیرمترقبه این تانکها را به آنها داد که بتوانند وضع جنگ را عوض کنند در ضمن اکراد از لحاظ نگهداری و تعمیر این تانکها ضعیف

هستند [...].

تیمسار ریاست ساواک: نظر شما راجع به وقایع اخیر عراق چیست؟

ژنرال ضمیر: قصابی. اطلاعات شما در این زمینه مسلما از ما بیشتر است.

تیمسار ریاست ساواک: صدام را که رهبر کودتا بوده هنوز بر سر کار می بینم.

ژنرال ضمیر: ولی مسئله ای که تعجب ما را برانگیخت قربانی شدن کزاز است.

تیمسار ریاست ساواک: صدام برای رفع اتهام او را از بین برده است.

ژنرال ضمیر: پسران ملا گفتند که دوباره به جان ملا سوءقصد شده است و من گفتم ما به یک [به یک] نوع مبارزه معتقدیم که به کسی که می خواهد پدر شما کشته شود حمله کنید این شخص کیست؟ گفتند صدام من اضافه نمودم برای کشتن صدام به یک سلاح مخصوص احتیاج داریم و هیچ چیز در دنیا غیرممکن نیست و ما این سلاح را به شما خواهیم داد اما آنها هنوز جوابی

نداده اند.

تیمسار ریاست ساواک: در بحثی با محمود و مسعود به این نتیجه رسیدیم که نامه تسلیتی بارزانی برای البکر بفرستد و شخصی که این نامه را به البکر می دهد شفاهی به البکر بگوید که اکراد برای نجات او از دسیسه های صدام آماده هر نوع کمک می باشند.

[...]

تیمسار ریاست ساواک: کُردها از ما خواسته اند که در مورد وعده خرید توتون که به آنها داده بودید با شما تماس بگیریم.

ص: ۳۸۲

ژنرال ضمیر: ما با چه وضعی می توانیم این نوع توتون را که با انواع ترک و اسرائیل و ایران

مغایرت دارد در بازار عرضه کنیم دو کارمند متخصص کشاورزی به منطقه اکراد اعزام نمودیم و گزارشی هم داده اند که هنوز من آن را مطالعه نکرده ام.

تیمسار ریاست ساواک: می خواستم سئوالی در مورد مطلب چاپ شده در اورشلیم پست که حاوی مناسبات ایران و کُردها بوده است سئوال کنم.

ژنرال ضمیر: یکی از جنبه های ضعف اسرائیل همین مسئله است البته من این خبر را بررسی خواهم کرد.

[...(۱)]

پس از جلسه مورخ ۱۸ تیر ۱۳۵۲، رئیس سرویس اطلاعاتی اسرائیل دو بار با ملامصطفی بارزانی ملاقات کرد. ژنرال ضمیر در روز ۲۲/۴/۵۲، طی نشستی با همتای ایرانی خود، دستاوردهای این دیدارها را مورد بحث و مذاکره قرار داد:

ملاقات تیمسار ریاست ساواک با ژنرال ضمیر رئیس سرویس اسرائیل (جمعه ۲۲/۴/۵۲)

حاضران در جلسه:

۱- تیمسار ارتشبد نصیری

۲- ژنرال ضمیر

۳- آقای علی محیط

ژنرال ضمیر: من دو بار ملامصطفی را ملاقات کردم ابتدا در شب اول و بعد در شب دوم از چند منطقه کردنشین و همچنین دره رواندوز دیدن کردم. در دهات بین راه همه جا نوسازی می کردند و وضع زندگی عادی بود و کسی از جنگ صحبت نمی کرد. البته پیشمرگ ها همه جا هستند. از تاریخ سوءقصد به ملا همه جا کنترل حفاظتی زیاد شده است. مهمانان تابستانی در منطقه زیاد بودند. یک هتل کوچک نزدیک حاجی عمران برای مهمانان ساخته اند ملامصطفی مثل گذشته از مشکلات اقتصادی زیاد صحبت نمی کرد. در بازدید از رواندوز ادریس هم با من بود

و او نقشه اشغال این منطقه را به من گفت. مشکل اصلی آنها دفاع ضدهوایی است در کنار تمام

چادرها توپهای ضدهوایی به چشم می خورد. آنها به تعداد بیشتری از توپهای ۳۰ میلیمتری

احتیاج دارند. احتمالاً بین ۶ تا ۱۰ توپ دیگر از این نوع به آنها تحویل خواهیم داد.

۱- . گزارش ساواک درباره متن مذاکرات رؤسای سرویسهای اطلاعاتی ایران و اسرائیل؛ مورخ ۱۸/۴/۵۲.

بزرگترین نگرانی ملا این است که کردستان هدف شوروی شده است. اصرار روسها برای اینکه ملا از شوروی بازدید کند از طرف وی به عنوان یک تهدید تلقی شده است و می گوید با این

ترتیب ما به حمایت خارجی احتیاج داریم من برای او مشروحا درباره همه چیز صحبت کردم و او در خاتمه گفت اگر شما در ارزیابی های خود اشتباه کرده باشید چه خواهد شد. ظاهرا

آمریکایی ها آنها را تهدید کرده اند که اگر پیرامون کمک آمریکا و میزان آن حرفی بزنند این کمک متوقف خواهد شد. البته ما (سرویس اسرائیل) در جریان کمکهای آمریکا نیستیم و فقط

کلیاتی از آن را می دانیم من به ملا گفتم که ایران برای آمریکا از نظر استراتژیکی اهمیت

فوق العاده دارد و منطقه شما هم از نظر استراتژیکی برای ایران مهم است پس اگر ایران از آمریکا بخواهد که از شما حمایت کند آمریکا حتما این کار را خواهد کرد. من مطمئنم که

ملامصطفی در جریان شرفیابی خود به حضور شاهنشاه آریامهر این مطالب را عنوان خواهد کرد. ملا می خواهد که شاهنشاه ایران به عنوان قیم و صاحب اختیار کُردها در آمریکا صحبت

بفرمایند. البته من بوی [به وی]توضیح دادم که با وضعیت فعلی[،] آمریکا خود را متعهد

نخواهد کرد و او هم نباید توقعی داشته باشد. او گفت که ما نمی خواهیم آمریکا بطور آشکار

تعهدی در مورد ما بکند فقط در حضور شاهنشاه ایران[،]آمریکا به ما قول بدهد که اگر شوروی به کردستان حمله کرد آمریکا از ما دفاع خواهد کرد.

روز اول بعد از شام ملا شخصا اظهار تمایل کرد که از اسرائیل دیدن نماید البته موضوع بیماری

او در کار نیست بلکه او خیال می کند که من نماینده واقعی کشورم نیستم و او می خواهد با مقامات بالاتر اسرائیل صحبت کند و خیال می کند که اسرائیل موضوع ارتباط کُردها و آمریکا را به نحوی که کُردها می خواهند حل و فصل خواهد کرد. البته او بر این عقیده است که فقط

شاهنشاه ایران می تواند حمایت آمریکا از کُردها را جلب بفرماید ولی بر این عقیده است که حمایت اسرائیل نیز مؤثر خواهد بود.

در حال حاضر ملا ارتباط خود را به کلی با بعث قطع کرده است و می گوید در آینده نیز با بعث ارتباط نخواهد داشت. دلیل صحت ادعای ملا در این مورد تصمیم وی مبنی به بازدید از اسرائیل است چون همانطور که می دانید رفتن ملا به اسرائیل با توجه به روابط وی با عراق کار خطرناکی است. البته موضوع بازدید وی از اسرائیل منحصرا نظر شخصی خودش است و ما از

او دعوت نکرده بودیم. من به او گفتم در مورد روابط کُردها با آمریکا من با نخست وزیر اسرائیل

صحبت خواهم کرد و وقتی که به اسرائیل آمدید نخست وزیر به شما توضیحات لازم را خواهد داد.

حال ملا خوب بود. ادریس- مسعود و دکتر محمود را دیدم همه راضی بودند و نسبت به ایران و اسرائیل ابراز حق شناسی می کردند.

ملا به عربها اعتقاد ندارد او از من سئوال کرد در صورت اعلام استقلال کردستان نظر شما یعنی

نظر ایران - اسرائیل و آمریکا چه خواهد بود؟ گفتم من فقط می توانم نظر اسرائیل را بگویم و در این صورت ما با شما روابط نزدیکی خواهیم داشت ولی البته شرط اصلی نظر ایران است. تصور می کنم نقشه ای در فکرش بود که نمی خواست بطور آشکار توضیح دهد. حتی ادریس و مسعود هم از موضوع بی اطلاع بودند و اظهار تعجب می کردند.

تیمسار ارتشبد نصیری: من می دانم فکر او چه بوده و این موضوع ارتباط به اوامر شاهنشاه آریامهر دارد که چندین سال من در اجرای آن کوشش کرده ام و امروز شما بطور مبهم متوجه آن شدید. تصمیم ما این بود که بین ملا و سایر کشورهای عربی روابط برقرار کنیم اما اعراب در این مورد دلسردی نشان دادند چون اصولاً اعراب نمی خواهند با مردم غیرعرب تماس بگیرند.

سعودی ها حاضر به این کار نبودند حتی پاکستان که یک کشور غیرعرب است گفت با انجام این

کار ما دوستان عرب خود را از دست خواهیم داد. در جریان بحران اخیر روابط کویت و عراق

ما به کویت گفتیم که بهترین موقعیت برای تماس با کُردها همین وقت است ما به کویتی ها گفتیم که وجود کُردها مثل خاری در چشم دولت عراق است و باید شما این خار را بزرگتر کنید. ولی

با تمام این حرفها جواب دولت کویت نامساعد بود. بعد با لبنانیها تماس گرفتیم. همانطور که گفتم عربها از تماس با مردم غیرعرب اکراه دارند. با تمام حمایتی که ما از کویت در جریان

بحران اخیر کردیم دولت کویت به حرف ما گوش نداد. عربستان سعودی البته دوست ماست. اما وقتی می گوییم بیایید در خلیج فارس همکاری کنید اقدامی نمی کنند و این مایه تأسف است. اما ما مأیوس نیستیم و باز هم کوشش خواهیم کرد چون بالاخره دسته بندی و نفاق بین عربها

قطعی است و برخی از آنها به ما نزدیک خواهند شد. فکر کردم لبنان با بقیه کشورهای عربی

تفاوت دارد و از این رو سعی کردیم بین آن کشور و کُردها تماس برقرار کنیم و برای این کار کامیل شمعون را انتخاب کردیم چون کامیل شمعون عرب نیست و با رئیس جمهور کنونی لبنان دوست است قرار است بعد از عزیمت شاهنشاه آریامهر به آمریکا موضوع ارتباط کامیل شمعون

بـا کُردها را عملی کنیم. لبنان از عراق ناراحت است و دولت لبنان می دانـد که عراق پولهایی در لبنان خرج کرده است از این رو فکر می کنم که لبنانیها حاضر به همکاری در این مورد باشند.

وقـتی دبیر اول و دبیر دوم سـفارت شوروی در بغـداد بـا ملاـ ملاقـات کردنـد از او دعوت کردنـد و حتی اصـرار کردنـد که از شوروی دیدن نماید ملا در جواب گفت من پیر شده ام شما به درد ما

نمی خورید من هم به درد شـما نمی خورم. روسـها گفتند پس اجازه بده پسرانت از شوروی دیدن کنند ملا گفت من فقط دو پسـر دارم یکی از آنها را می خواستیـد از بین ببریـد و از احوالات او خبری نـدارم بنابراین فقط یک پسـر دیگر برایم می ماند. موضوع سازش آمریکا و شوروی را

خود شورویها به ملا گفته انـد و اضافه کرده انـد که شوروی و آمریکا درباره تمام مشـکلات دنیا با یکـدیگر سازش کرده اند ملا جواب می دهد پس چطور آنها در مورد کُردها تصمیم نگرفته اند؟

در مورد کمک، ما به آنها کمک می دهیم و از هر جا که بتوانیم ساز و برگ نظامی ساخت شوروی پیـدا کنیم می خریم و به آنها می دهیم مقداری اسلحه روسی از اردن برای آنها خریداری

کردیم. به آمریکاییهـا فشـار آورده ایم تـا کمـک کننـد البته اگر جنـگ شـروع شود به آنها همه چیز خواهیم داد. کُردها از ما سپاسـگزاری کردنـد آنها می گوینـد در گذشـته برای جلب حمایت کشورهای خارجی ما مسـتقیما نماینده می فرسـتادیم ولی حتی دربـان سـفارتخانه هـای خـارجی نماینـدگان مـا را نمی پذیرفتنـد مـا به آمریکا رفتیم با انگلیس تماس گرفتیم اما کمکی نکردند ولی از زمانی که شما به نمایندگی از طرف ما اقدام کرده اید صاحب همه چیز شده ایم. ما به آنها توضیح داده ایم که کشورهای دنیا محظوراتی دارند ولی ما تمام راهها را برای شما باز خواهیم

کرد. آنها می خواستند که تظلمات دولت عراق را به گوش مردم دنیا از طریق سازمان ملل متحد

برسانند ما آنها را راهنمایی کردیم که بهتر است از طریق کشورهای اسکاندیناوی اقدام کنند.

چنـدی قبل ملامصـطفی از من خواست که به شـرفعرض ذات اقدس ملوکانه برسانم که اجازه فرمایند کردسـتان عراق ضـمیمه ایران شود. شاهنشاه مقرر فرمودند به او جواب بدهید که دنیای

ما دنیای توسعه طلبی نیست شما کوشش کنید حقوق ملی خود را بگیرید ما هم در این راه از

شمـا حمـایت خواهیم کرد. در مورد احتمـال حمله شوروی ملامصـطفی به مـا هم چیزهایی گفته ما به او گفتیم که شوروی به شما حمله نخواهد کرد البته اگر جنگ شروع شود ممکن است شوروی

از عراق حمایت کند که البته این هم مشکوک به نظر می رسد چون شوروی به عراق اعتماد ندارد.

ژنرال ضمیر: کُردها از آمریکا چه توقعاتی دارند؟

تیمسار ارتشبد نصیری: پول، اسلحه و مهمات به اضافه حمایت سیاسی آمریکا همانطور که شوروی از عراق حمایت می کند. ما هم به آنها گفته ایم که آمریکاییها محظوراتی داخلی و

خارجی دارند اما ما از شما حمایت خواهیم کرد.

ژنرال ضمیر: من بارها توضیح داده ام که شما فقط یک پل دارید و آن ایران است اگر ایران نباشد برای شما اسرائیل هم وجود نخواهد داشت.

تیمسار ارتشبد نصیری: ما به ملامصطفی گفتیم که آمریکا نمی تواند او را بطور سیاسی و رسمی بپذیرد و توضیح دادیم که باید بداند در گذشته چه بوده و الان چه هست.

ژنرال ضمیر: من به او گفتم باید در مورد مسائل صبور باشد.

تیمسار ارتشبد نصیری: ما اقدام به اخذ کمک جهت کُردها کردیم و تصمیم داریم سلاحها و مهمات دریافتی را در ایران انبار کنیم و در صورت بروز جنگ بتدریج به کُردها تحویل دهیم ما هم به احتیاج مالی ملا اعتقاد داریم چون عراق پولی به او نمی دهد سرباز کُرد فقط ۵ دینار

حقوق می گیرد و این خیلی کم است انشاءاله با مسافرت شاهنشاه آریامهر به آمریکا کمک مالی

بیشتری در اختیار او خواهیم گذاشت.

ژنرال ضمیر: در مورد پیشنهاد مربوط به گشودن آتش علیه تأسیسات نفت کرکوک ملا گفت این کار فعلاً مصلحت نیست. او درباره کوچ دادن کُردها و جایگزین کردن عربها به جای آنها

صحبت کرد من گفتم برای جلوگیری از این کار باید تأسیسات نفتی کرکوک را آتش بزنید. ملا

جواب دادکه برای این کار آماده خواهیم شد اما در حال حاضر آن را عملی نخواهیم کرد. من

هم به او گفتم که ما در اسرائیل جنبه های عملی کار را بررسی خواهیم کرد و به شما اطلاع

خواهیم داد. شما در مورد کشورهای اسکاندیناوی مطالبی فرمودید. ملا گفت چرا به دنیا نمی گویید که عراق با ما چه کرده است. جواب دادم چرا خودتان نمی گویید شما با آلمان و کشورهای اسکاندیناوی رابطه دارید. البته موضوع این است که تنها کسی که می تواند این کار را برای آنها انجام دهد دکتر محمود است و او هم خیلی گرفتاریهای دیگر دارد. مثلاً اگر بلافاصله بعد از کودتای عراق یک نفر در تلویزیونهای آمریکا یا انگلیس راجع به اوضاع عراق صحبت می کرد خیلی مؤثر بود ولی کُردها این کار را نکردند.

تیمسار ارتشبد نصیری: اکنون شخصیت و پرستیژ ملا در داخل عراق خیلی با گذشته فرق کرده و

ص: ۳۸۷

بالاتر رفته است شاید موفقیت ما در مورد کُردها یکی از دلایلش این باشد که من افتخار داشتم

مدتی نسبتا طولانی مجری اوامر شاهنشاه در مورد کُردها و کمک به آنها باشم. در مورد کودتای

عراق ملا چه عقیده ای داشت؟

ژنرال ضمیر: ملا می گفت که همه کارها زیر سر صدام حسین است که با البکر مخالفت می کند او

ضمنا اضافه کرد متهمانی که دو روز قبل رسما خبر اعدام آنها از طریق دولت عراق منتشر شد یک هفته قبل اعدام شده بودند. در حال حاضر حفاظت از ملا خیلی بهتر شده.

تیمسار ارتشبد نصیری: ما کوشش کرده ایم که اعراب را به حقانیت کُردها متوجه سازیم دنیا باید بفهمد که عراقیها در مورد کُردها اشتباه کرده اند حتی ما به ملا گفتیم که او نماینده ای نزد قذافی بفرستد. جواب داد که قذافی آدم سرسختی است اما ما گفتیم که اگر او سرسخت است پول هم دارد.

ژنرال ضمیر: ملامصطفی برای انجام کارهایش فقط از وجود ده نفر استفاده می کند من به او گفتم که باید کارهایش را تقسیم کند و به آنهایی که اعتماد دارد استقلال عمل بدهد وسائل را با مشورت قبلی و بطور مشترک اداره نماید. ما این موضوع را تعقیب خواهیم کرد تا بعد از ملا

یک کمیته کارش را انجام دهد.

تیمسار ارتشبد نصیری: این از فرمایشات شاهنشاه آریامهر است که اکنون به نتیجه هم رسیده است کمیته مورد نظر اکنون تشکیل شده و مشغول کار است و طبق اطلاع ۸۰ درصد کارهای آن

را ملا تأیید می کند.(۱)

گزارش دیگر ساواک در خصوص ملاقات و مذاکرات ژنرال خفی (هوفی) رئیس وقت موساد با رئیس ساواک خواندنی و قابل توجه است.

در این نشست طرفین درباره همکاری ایران و اسرائیل در کردستان عراق به بحث و تبادل نظر پرداختند؛ از جمله مباحث مطروحه در این مذاکرات عبارت بود از: نقش انگلستان و شوروی در پیدایش جنبش استقلال طلبانه کُرد؛ میزان تلاش دولت شاهنشاهی ایران در ایجاد اختلاف بین کُردها و دولت عراق و نیز اقدام در جهت ایجاد و تشدید تفرقه و درگیری

بین آنها؛ جانبداری تاکتیکی ایران شاهنشاهی از کُردهای عراق؛ کمک های تسلیحاتی

۱- . گزارش ساواک درباره ملاقات ریاست ساواک با ژنرال ضـمیر رئیس سرویس اسرائیل، مورخ جمعه ۲۲/۴/۱۳۵۲، با طبقه بندی به کلی سرّی.

اسرائیل به کُردهای عراق؛ و نیز همکاری ها و فعالیت مشترک حکومت پهلوی و اسرائیل در ارسال تجهیزات نظامی برای کُردها و نیز آموزش اکراد از سوی آنها:

ملاقات ژنرال خفی با تیمسار ریاست ساواک

شرکت کنندگان: تیمسار قائم مقام ساواک – مدیریت کل اداره دوم – مدیریت کل اداره هفتم آقای محیط– خانم عبادی

تیمسار ریاست ساواک: دیدار از منطقه چطور بود؟ متأسفیم که مقداری را با لندرور رفته اید.

ژنرال خفی: برای من بازدید جالبی بود. باید در این مورد از شما تشکر کنم. همانطور که می دانید من تا چندی قبل در ارتش بودم و همیشه با این نوع وسائل مسافرت می کرده ایم.

تیمسار ریاست ساواک: می خواستم اول از روحیه بارزانی سئوال کنم.

ژنرال خفی: من اگر چه قبلاً با مسئله اکراد آشنایی داشته ام ولی تاکنون شخصا با اکراد ملاقات نکرده بودم. بنابراین با توجه به این که شما در مورد اکراد از من بیشتر می دانید ممکن است

نتیجه گیری من زیاد صحیح نباشد. من تصور می کنم که رهبری جوان کُرد مثل دکتر محمود واقعا دلیل و برهانی برای ادامه جنگ پیدا نمی کند. ملا احساس می کند که ملت خود را گمراه کرده

است زیرا ملتش شدیدا در رنج هستند. اولین مسئله مشکل پناهندگان است و نیز کمبود مواد غذایی در شمال بارزان. ملا تصور می کند راه حل تشکیل یک دولت تبعیدی است که قبلاً راجع

به آن با شما صحبت کرده و می خواهد که این دولت از حمایت ایران و امریکا برخوردار باشد.

ملا گفت می تواند نظر بعضی از اعراب را در سهیم شدن این دولت جلب کند. این دولت در حقیقت جانشینی برای دولت بغداد خواهد شد. من نمی دانم حقیقتا این رؤیا به حقیقت مبدل

خواهد شد یا نه. تا آنجا که موضوع مربوط به ما است هر چه که اکراد تصمیم بگیرند و از

حمایت شما برخوردار باشد ما نیز حمایت خواهیم کرد. به نظر من ملا- از نظر جسمانی و روحی در وضع خوبی قرار دارد. دکتر محمود فکر می کند ملا از نظر جسمی وضع خوبی دارد ولی نه از نظر فکر و روحی. رهبری جوان اکراد کمی دستپاچه است و نمی داند چه راهی را در پیش بگیرد. فکر می کنم توانایی تغییر اوضاع نظامی را نداشته باشند و تقاضای حمایت بیشتر

دارند. به علت حمایت ایران[،] کُردها موفق شده اند جلوی عراقیها را بگیرند. کُردها از این وحشت دارند که جنگ در زمستان هم ادامه پیدا کند و تنها مسئله ای که آنها را ناراحت می کند

حملات هوایی است. ما نزدیکیهای صبح به کلاله رفتیم. دیدیم مردم به هوا نگاه می کنند و دنبال

ص: ۳۸۹

هواپیما می گردنـد و به علت زمسـتان مردم در دهات متمرکز خواهنـد شد و بدین وسـیله هدفهای آسـیب پذیری برای بمباران هواپیماهـا خواهنـد بود. آنهـا مطمئن نیسـتند بتواننـد مناطق از دست رفته را بـدست بیاورنـد. این اثرات این بازدیـد بر روی من است.

تیمسار ریاست ساواک: وضـعیت اکراد را بایـد از سالها قبل و پیـدایش این جنبش بررسـی کنیم یعنی از زمان پادشاهی فیصل. جنبش اسـتقلال کُرد در اکراد بوسـیله انگلیسـیها بوجود آمـد و این سـیاست قـدیمی انگلسـتان بود که یک دولت مسـتقل کُرد بوجود بیـاورد که در نتیجه همکـاری ایران - ترکیه و عراق موجب شـد که حتی بارزانی و همکارانش از داخل خاک ایران به شوروی

فرار کنند و همچنین انگلیسیها این تحریکات را در کردستان ایران انجام دادند و با سرکوبی

دولت مواجه شدند و قاضی محمد رهبر آنها اعدام شد.

کُردهـایی که به شوروی رفته بودنـد بعـد از تغییر سیسـتم در زمـان عبـدالکریم قـاسم به عراق مراجعت کردنـد و در آن زمـان موافقـتی بیـن اکراد و دولـت وقت بوجـود نیامـد. بـارزانی و دوسـتانش از بغـداد به شـمال عراق رفتنـد مـدتی که این اکراد در شوروی زندگی می کردند شوروی به جای

انگلیس دنباله رو استقلال اکراد شد. حتی پولی را که در اختیار ملا در شوروی گذارده بودند تا سالهای قبل به او پرداخت می کردند. در تغییر رژیم بعثی عراق دولت شوروی سعی کرد اکراد

را به این رژیم نزدیک کند و حتی سـفیر قبلی شوروی می گفت که چرا ما به اکراد کم کمک می کنیم. در ابتدای کار البکر، یک موافقتنامه بین بارزانی و آنها امضاء شد. این در اثر فشار شوروی بر هر دو طرف بود. البته فکر می کردند بعد از چند سال بارزانی می میرد و یا ترور می شود. چند مرتبه هم این کار را انجام دادند یک بار او و پسرش با شانس زیادی نجات یافتند.

دولت شوروی وقتی به اندازه کافی در بعث نفوذ کرد خواست اینها را به هم نزدیک کند.

دولت ایران مواظب این اوضاع بود و با نزدیکی اکراد به رژیم بغداد تمام کشور عراق یک کشور کمونیستی می شد. ما سـعی کردیم او را دور کنیم. دولت عراق هم در این مدت خودش را

از نظر سـلاح آماده کرد و بالاخره توانستیم از نزدیکی اکراد به دولت عراق جلوگیری کنیم و در نتیجه دولت شوروی ناراحت شد و کمک مالی خود را به اکراد قطع کرد. مسـتشاران زیادی برای آموزش جنگهای گریلائی و جنگهای کوهستانی به عراق فرستاد. سلاحهای سبک برای حمل در کوهستان به آنها داد. وقتی دولت شوروی از سازش اکراد با دولت عراق ناامید شد

آنها را تهدید کرد و علنا اظهار کرد که اگر جنگ شروع شود از بغداد حمایت خواهد کرد.

ما از ملا خواستیم که عراقیها در مقابل درخواستهای متعددشان برای نزدیکی، اجرا نکردن مواد

موافقتنامه قبلی را متذکر شود. بار دیگر مواردی نوشته شد و برای ملا فرستاده بودند که دو ماده آن مخالف خودمختاری قبلی بود که واحدهای مرزبانی در اختیار ملا بود و مبالغی هم به او

پرداخت می شد که این بار با این موارد از بین می رفت و جنگ شروع شد.

در خودمختاری قبل موصل هم جزو منطقه اکراد بود و باید دولت بابت نفت پولی هم به اکراد می داد و دولت عراق هم چاه را بست که منفعتی نداشته باشد که پولی بپردازد و بعد شروع به تخلیه مناطق کردنشین از اکراد و جانشین کردن آنها با اعراب نمود و یک علت دیگر برای

شروع جنگ بوجود آمد. هشت ماه است که جنگ شروع شده و استنباط می شود که این جنگ کاملاً با جنگ قبلی فرق دارد. وجود مستشاران شوروی کاملاً به چشم می خورد تکنیک را عوض کرده اند و قدرت نظامی آن صد برابر شده ولی نفرات همانها هستند. تنها نقطه ضعف عراق در مورد نفرات است.

ژنرال خفی: من طی جنگ گذشته در جبهه سوریه با عراقیها جنگ کرده ام.

تیمسار ریاست ساواک: به تلفات و ضایعات اهمیت داده نمی شود. خط اول جبهه حق عقب نشینی ندارد. وقتی یک نقطه سوق الجیشی را بدست بیاورند بلافاصله شبانه مناطق استحفاظی محکمی درست می کنند که اکراد با آنها بارها مصادف شده اند و نتوانسته اند کاری

انجام دهند. هواپیماها در مسافات بالا بمبهای تأخیری چند ساعتی می ریزند و می روند با تمام این موارد باید قبول کنیم که خوب مقاومت کرده اند. از هر جهت کمک به اینها را ما جایز

می دانیم زیرا اولاً از نژاد آریایی هستند دوم اینکه دولت بعث عراق برای خاورمیانه خطرناک

است. شما خودتان یک مقام عالیرتبه ارتشی هستید و می دانید کمک به اکراد در این وضعیت

یک ریسک است زیرا مقررات بین المللی را در مورد سلاح می دانید. برنامه های دیگری هم

داریم. هدف ما فلج کردن ارتش بعث عراق است. نه تنها برای ما بلکه این دولت برای خاورمیانه خطرناک است. هر چند دولتهای دوست عربی قول داده اند که اینها به مرور از شوروی دور خواهند شد ولی ما هنوز عملاً علامتی ندیده ایم. دولت عراق به دول عرب می گوید از مستشاران شوروی در زمینه های کشاورزی و غیر [غیره] استفاده می کنیم. ولی آنها حتی آموزش بمبهای گازی به افراد عراقی می دهند. اکراد به این ترتیب احتیاج به کمک دارند.

سلاحهایی دارند که مهماتش در دنیای غرب مشکل پیدا می شود مثل گلوله توپ ۲۵ تنی.

ژنرال خفی: متشکرم که مرا در مورد اوضاع توجیه فرمودید. برای من بسیار مفید بود. می خواهم در چند مورد اظهار نظر کنم. به یاد میاآورم [می آورم] در سال ۴۸ که عراقیها هم در جنگ با اسرائیل درگیر بودند سربازان را برای نگهداشتن در جبهه با زنجیر می بستند. اکراد عقیده دارند اینها اجساد سربازانشان را با هلیکوپتر به دریاچه می ریزند. قبل از اینکه کشورم را ترک کنم اطلاعاتی در مورد کنفرانس رباط بدست آوردم. مسئله اصلی موضوع فلسطین بود. وزیر خارجه عراق همکارانش را در مورد مرز ایران توجیه کرده و اظهار نموده نه تنها فلسطین مرز اعراب و اسرائیل است بلکه مرز ایران هم مرز دیگری است و از کشورهای عرب خواست در مورد جنگ مرزی با ایران از عراق حمایت سیاسی کنند.

تیمسار ریاست ساواک: تا آنجا که من خبر دارم وزیر خارجه فوت شده و در صورتجلسه هم نامی از ایران برده نشده است.

ژنرال خفی: البته عوض کردن سلاح روسی که به اکراد داده ایم مشکل است.

تیمسار ریاست ساواک: باید در زمستان انجام بدهیم و هر چه در قدرت داریم انجام دهیم.

ژنرال خفی: مهمات روسی و گلوله های ۲۵ تنی ما تمام شده است بنابراین باید با سلاحهای غرب عوض بشوند.

تیمسار ریاست ساواک: حداقل یک توپخانه شامل ۶ توپ است ولی شما دو توپ برای آنها فرستاده اید.

ژنرال خفی: ما این سلاحها را از واحدهای ذخیره در ارتش می گیریم و می فرستیم. امیدوارم در مراجعت بتوانم چهار توپ دیگر برای منطقه بگیریم.

البته با جانشینی سلاح امریکایی با سلاحهای فرانسوی که ما داریم و آنها را به اکراد خواهیم

داد امیدواریم به زودی گلوله ای ۲۵ پوندی گرفته برای اکراد بفرستیم.

تیمسار ریاست ساواک: من شاهد مبارزه کمک به اکراد بین ارتش و دستگاه امنیتی شما بوده ام. شما فکر جنگ آینده خود بوده اید که در نتیجه می خواستید از سلاحهای ذخیره ای کم نشود.

حالا شما پشت میز امنیتی هستید و می بینید که این نه تنها ذخیره شما را کم نمی کند بلکه یک جبهه عرب را از شما کم می کند.

درست است که نفر شما با نفر عراق قابل مقایسه نیست ولی اگر عراق آزاد باشد تعداد نفرات آن تولید اشکال خواهد کرد. در اول صحبتهای خود گفتم منظور خرد کردن ارتش عراق است

زیرا با پیروزی بر اکراد به سوریه مسلط خواهد شد و آن وقت خطر بیشتری برای خاورمیانه وجود دارد.

ژنرال خفی: من فکر نمی کنم عراقیها در آینده لشگر زرهی خود را به جنگ به اسرائیل بفرستند. ولی در هر حال ما با دشمن مشترک می جنگیم. حداکثر سعی من برای تعویض سلاح آنها انجام

خواهد شد و ما از آمریکائیها تقاضای کمک مالی و سلاحهای جانشین کرده ایم.

تیمسار ریاست ساواک: شما فرمودید که از سلاحهای ذخیره تان استفاده می کردید ولی ما از وسائل مورد استفاده روز نه وسائل رزرو استفاده کردیم.

ژنرال خفی: کمک شما هم سخاوتمندانه بوده و هم شجاعانه، من موضوع اکراد را که نخست وزیر هم خیلی به آن علاقمند است قبل از آمدن، با او درمیان گذاشتم. تصور می کنم

وزیر دفاع هم از حقایق موضوع مطلع است اگر چه جنگ در زمستان هم ادامه پیدا خواهد کرد

ولی برای آموزش اکراد باید از زمستان استفاده کنیم.

نمی دانم می شود منطقه ای را نزدیک مرز برای کمپ آموزشی در نظر بگیریم؟

تیمسار ریاست ساواک: اکیپ های ۱۰۰ نفری می آیند و در کمپ آموزشی که ما در اردوگاه پسوه داریم و ارتش آن را بوجود آورده آموزش می بینند.

ژنرال خفی: آیا لزومی دارد که ما برنامه آموزشی بگذاریم و استادانی هم بفرستیم.

تیمسار ریاست ساواک: البته اشکالی ندارد.

ژنرال خفی: به علت بُعد مسافت و جلوگیری ترکیه از عبور فضایی ما پیشنهاد می کنیم در نزدیکی مرز مناطقی جهت ارسال کمکهای تجهیزاتی بوجود بیاوریم چون مسیر پرواز بسیار طولانی است.

تیمسار ریاست ساواک: این پیشنهاد من بوده و کاملاً با شما موافقم. ما انبار کوچکی در مراغه

داشته ایم ولی این بار مقدار زیادی سلاح باید برایشان جمع آوری نماییم.

ژنرال خفی: در زمینه ضدتانک در موقعیت خوبی هستند.

سام ۷ یک موشک بُرد کوتاه است و نباید در بُرد بیشتر از آن استفاده کرد.

تا رسیدن سلاحهای در راه استدعا می کنیم شما مقداری گلوله های خمپاره ۱۲۰ به آنها بدهید.

ژنرال خفی: منظور من از گلوله ۱۲۰ میلیمتری خمپاره هایی است که ما و شـما به آنها داده ایم. این یک کمک قاطع و فوری است و از نقطه نظر روحی هم مؤثر است.

ص: ۳۹۳

همانطور که عرض کردم در آینده نزدیک تعویض سلاحها صورت خواهد گرفت.

باید به عرض برسانم گلوله ۲۵ پوندی برای توپ را باید از ارتش افریقای جنوبی که آن را تولید می کند تهیه کنیم. به ما قول داده اند که بدهند.

تیمسار ریاست ساواک: از گلوله های خمپاره ای ۱۲۰ میلیمتری ۵۰۰ تا فرستاده ایم. ۵۰۰ تای دیگر هم تقاضا کرده ایم که بفرستیم.

ژنرال خفی: برنامه آموزشی را ما تهیه می کنیم و برای شما می فرستیم. بعد از تصویب جنابعالی معلمین را برای آموزش می فرستیم.(۱)

۱- . سند ساواک، بدون شماره و تاریخ. ژنرال اسحاق هوفی خوفی در سال ۱۹۷۳ به ریاست موساد منصوب شد و در سال ۱۹۷۵ نیز قرارداد الجزایر میان محمدرضاشاه و صدام امضا گردید. بنابراین، مذاکرات مزبور در بین سال های مذکور صورت گرفته است.

تسلیح و تعلیم کُردها

بخش عمده همکاری و فعالیت مشترک موساد و ساواک در میان کُردهای عراق، موضوع کمک های سرشار تسلیحاتی و نیز آموزش نظامی کُردهاست.

اسرائیلی ها اگر چه بخش عمده کمک های نظامی را از طریق ایران برای کُردها ارسال می کردند، اما این بدان معنی نبود که تمامی این فعالیت ها را با کسب مجوز از ساواک و با واسطه آنها انجام می دادند. آن گونه که از اسناد ساواک معلوم می شود، اسرائیلی ها در پاره ای مواقع بدون اطلاع و هماهنگی با ساواک خود مستقیما اقدام به این کار می کردند. در بخش

آموزش نیروهای کُرد عراقی نیز در بسیاری موارد، مأموران اطلاعاتی موساد بدون اطلاع ساواک کُردها را تحت آموزش نظامی و اطلاعاتی قرار می دادند. البته اسرائیلی ها در این

زمینه به دو شکل اقدام می کردند. اسرائیلی ها با گزینش بعضی از کادرها و نیروهای کُرد، آنها را به فلسطین اعزام می کردند و در مراکز اطلاعاتی و نظامی اسرائیلی تحت تعلیمات نظامی و اطلاعاتی قرار می دادند. به علاوه مأموران اطلاعاتی موساد خود نیز با حضور در مناطق

کردنشین، به آموزش نظامی و اطلاعاتی کادرهای کُرد اقدام و مبادرت می کردند.

برای نمونه، رئیس موساد در مذاکرات مورخ ۱۸ تیر ماه ۱۳۵۲ با رئیس ساواک، درباره آموزش گروه های کُرد در فلسطین اشغالی، می افزاید:

تیمی که آنها [کُردها] برای آموزش تانک به اسرائیل فرستاده بودند، تیم بسیار خوبی بود.

نامبرده در نشست اطلاعاتی دیگر با رئیس ساواک از او می خواهد که منطقه ای نزدیک مرز ایران و عراق به عنوان کمپ آموزشی در اختیار آنها قرار گیرد:

ژنرال خفی: من موضوع اکراد را که نخست وزیر هم خیلی به آن علاقمند است، قبل از آمدن با

او درمیان گذاشتم. تصور می کنم وزیر دفاع هم از حقایق موضوع مطلع است. اگر چه جنگ [بین کُردها و دولت عراق] در زمستان هم ادامه پیدا خواهد کرد ولی برای آموزش کُردها باید از زمستان شروع کنیم. نمی دانم می شود منطقه ای را نزدیک مرز برای کمپ آموزشی در نظر بگیریم؟

تیمسار ریاست ساواک: اکیپ های ۱۰۰ نفری می آیند و در کمپ آموزشی که ما در اردوگاه پسوه داریم و ارتش آن را بوجود آورده آموزش می بینند.

ژنرال خفی: آیا لزومی دارد که ما برنامه آموزشی بگذاریم و استادانی هم بفرستیم؟

تیمسار ریاست ساواک: البته اشکالی ندارد.

اگر چه طبق پاره ای اسناد، سابقه حضور و ورود مأموران اسرائیلی در میان کُردهای عراقی به دهه ۱۹۳۰ برمی گردد، اما برخی منابع غربی درباره آغاز آموزش نظامی و اطلاعاتی

کُردهای عراقی از سوی مأموران صهیونیست نوشته اند:

شیمون پرز که در مقام معاونت وزارت دفاع باقی مانده بود، به طور نهانی با کومران علی بدیرخان، رهبر پیر کُرد که از دهه های ۱۹۴۰ و ۱۹۵۰ برای اسرائیلی ها جاسوسی می کرد، دیدار به عمل آورد. نخستین دوره آموزشی افسران پیشمرگ کُرد- با نام رمز «مرواد» (قالی) در اوت ۱۹۶۵

[۱۳۴۴]آغاز و به مدت سه ماه ادامه یافت. در تابستان بعد، لوی اشکول و امیت از اریه «لیووا»

ثلیاف، معاون پرتلاش وزارت امور صنایع و توسعه، از حزب کار خواستند که به منطقه کردستان رفته و با ملامصطفی بارزانی دیدار کند. در آغاز کار حیم لواکف، عرب شناس کهنه کار پالماه [گروه تروریستی پالماخ]، مسئول کمک اسرائیل به این برنامه بود، و یکی از نخستین کمک های غیرنظامی، ایجاد یک بیمارستان صحرایی بود. خود اشکول در ژوئن ۱۹۶۶ [۱۳۴۵]و نیز آبااِبان وزیر خارجه، در پایان همان سال از تهران دیدار کردند. گزارش شد زمانی که بارزانی حمله بزرگ عراقی ها را در ژوئن ۱۹۶۶ درهم شکست از کمک اسرائیل برخوردار بود.(۱)

در یکی از اسناد ساواک، متن نامه رئیس نمایندگی اسرائیل در خصوص عزیمت یکی از مستشاران اسرائیلی به تهران به چشم می خورد. در این نامه ضمن معرفی مستشار اسرائیلی به ساواک، تصریح و تأکید گردیده که فرد یاد شده بنا به درخواست رئیس ساواک و در ارتباط

با موضوع کُردها به ایران اعزام شده است:

سازمان اطلاعات و امنیت اسرائیل جهت آقای ژوزف لوینتس دارنده گذرنامه عادی اسرائیلی

۱- . یان بلک و بنی موریس، ص ۲۳۴.

۵۵۹۴۶۲ درخواست صدور روادید کرده است. طبق اظهار سازمان اطلاعات و امنیت اسرائیل قرار است آقای ژوزف جهت انجام اوامر تیمسار ریاست ساواک مربوط به اکراد در ۱۰/۲/۵۳ به تهران عزیمت نماید. خواهشمند است دستور فرمایید سریعا نظر مرکز را ابلاغ فرمایند تا طبق آن عمل گردد.

رئیس نمایندگی اسرائیل(۱)

اما درباره کمک های تسلیحاتی برای کُردهای عراقی، نمونه گزارش ساواک در خصوص مهمات مورد نیاز درخواستی از سوی کُردها چنین است:

اظهارات آقای بهار در مورد مهمات درخواستی دوستان شمال

موشکهای فرانسوی ۱۰کک - ۱۱کک ضد تانک

۱۲ عدد توپ ضدهوایی ۳۰ میلیمتری

۴۰۰۰ مهمات دارد

۵۰ دوشکا و مهماتش

۳۰۰۰ مهمات برای خمپاره انداز ۱۲۰

۱۰۰۰ مین ضدتانک

۱۰۰۰ گلوله برای بازوکای مدل ۵/۳

مهمات انگلیسی برای ۳۰۳ تفنگهای برنگ گان و تفنگهای معمولی مهمات ۶۲/۷

توپهایی که مثل هوتزر عمل می کند ۱۲۲ میلیمتری با مهمات

یک تن وسائل طبی و بهداشتی (که ممکن است از سفارشات قبل از جنگ خودمان باشد) و وسائل براندازی و مخرب

جمعا ۳۰۰۰ تن می شوند که ۲۵۰ تن آن آماده برای حمل می باشد.

راجع به تاریخ احتمالی کنفرانس تیمسار فرمودند اواسط فروردین ۵۳.(۲)

موضوع ارسال تجهیزات موشکی از سوی اسرائیل برای کُردهای عراق از فرازهای برجسته همکاری موساد و ساواک در تسلیح اکراد و پشتیبانی همه جانبه نظامی از آنها برای

جنگ علیه دولت و حاکمیت عراق است. نامه ناهوم ادمونی معاون وقت موساد به رئیس

ص: ۳۹۷

۱- . سند ساواک، مورخ اردیبهشت ۱۳۵۲.

۲- . سند ساواک، مورخ ۱۶/۱۰/۱۳۵۲.

ساواک که از سوی نمایندگی آن سرویس، مستقر در تهران، با نام رمز بهار به ساواک ارایه شده، حاوی اطلاعات صریح و روشنی در این باره است:

موضوع موشک برای امام(۱)

۱- بنا به تقاضای شما من پیغام شفاهی را که روز یکشنبه ۲۶ اوت وسیله آقای ادمونی به اطلاع آن عالیجناب رسید خلاصه کرده ام.

الف - وضعیت نظامی امام ما را به این نتیجه رساند که تجهیز کردن امام به صلاحهای [سلاح های]مدرن ضدتانک و ضدهوایی حائز اهمیت می باشد.

ب - موشکهای ضدتانک «ساگر» و موشکهای ضدهوایی «استرلا» که ساخت شوروی هستند در واحدهای ارتش اسرائیل مورد استفاده قرار می گیرند (این موشکها در خلال جنگ به غنیمت گرفته شده اند).

ما فکر می کنیم که تدارک موشکهای (ساگر و استرلا) ممکن است افراد امام را قادر سازند که

تعدادی از تانکها و هواپیماهایی را که در ارتفاع کم پرواز می کنند منهدم سازند و بدین وسیله حمله عراقیها را حداقل تا پایان فصل زمستان متوقف نمایند.

ت - ما فکر کردیم که ایران به علت محدودیتهای سیاسی نمی تواند موشکهای ساخت امریکا در اختیار امام بگذارد.

ث - با وجودی که موشکهای استرلا ـ و ساگر در ارتش اسرائیل در واحدهای رزمی که به حالت آماده بسر می برند مورد استفاده می باشد، ما از ارتش اسرائیل ۱۵ موشک استرلا و سی موشک ساگر دریافت نمودیم که مستقیما از واحدهای ما اخذ و به امام تحویل خواهد شد. ما

آماده ایم که افراد امام را برای به کار بردن این موشکها آموزش دهیم.

ج - بدیهی است که برای گرفتن نتیجه در ایجاد وقفه در حمله عراقیها این موضوع حائز کمال اهمیت است که امام با تعداد خیلی بیشتری از ۱۵ موشک استرلا و سی موشک ساگر تجهیز شود. متأسفانه به علت شرایط موجود در منطقه ما قادر نیستیم که موشکهای بیشتری را از بین واحدهای خود بدون دریافت موشکهای ساخت امریکا برای جایگزین کردن آنان خارج نماییم.

چ - جایگزین موشک ساگر موشک «تو» و جایگزین موشک استرلا موشک «چشم قرمز»

۱- . ظاهرا نام رمز برای ملامصطفی بارزانی است.

می باشد.

SAGER STRELLA TOW THE EYE

ح – ما با آمریکایی ها تماس گرفته و آنها را در جریان کامل وضعیت گذارده ایم. اگر امریکاییها

موافقت نمایند که جایگزین موشکهای مذکور را در اختیار ما بگذارند ما قادر خواهیم بود که امام را با تعداد زیادی موشکهای روسی (استرلا و ساگر) که از واحدهای خود خواهیم گرفت

تجهیز نماییم.

خ – پیشنهاداتی که وسیله آقای ادمونی ارائه شده به شرح زیر است.

که آن عالیجناب امکان اینکه موشکهای «تو» و «چشم قرمز» را به عنوان جایگزین موشکهای روسی که به وسیله ما در اختیار امام گذارده خواهد شد. (بیشتر و بالاتر از ۱۵ استرلا و ۳۰ ساگر) بررسی نمایند.

اگر شما آماده باشید که موشکهای جایگزین را در اختیار ما بگذارید ما قادر خواهیم شد که امام را با صدها موشک ساخت شوروی تجهیز نماییم. همچنین خاطرنشان شد که اگر ما تعداد کافی موشک از آمریکاییان دریافت نماییم دیگر احتیاجی به موشکهای ایران نخواهد

بود.

۲– از جوابی که از گرین دریافت داشته ایم (وسیله بهار) چنین درک کردیم که شما آماده اید به عنوان جایگزین موشکهایی که ما برای امام ارسال خواهیم نمود موشک «تو» در اختیار ما بگذارید و همچنین متوجه شدیم که دارای موشکهای «چشم قرمز» نمی باشید.

۳– همزمان با این موضوع ما جواب آمریکا را دریافت کرده ایم مبنی بر اینکه ایالات متحده

آمریکا بطور کلی حاضر است جایگزین موشکها را در اختیار ما بگذارد ولی فعلاً به تعداد

محدود.

۴– ما آماده ایم که امام را با هر اسلحه ای که جایگزین آن را دریافت نماییم تجهیز کنیم.

۵– ما هم اکنون مشغول آماده کردن تعدادی موشک استرلا و یک مربی هستیم که آنان را در اسرع وقت به منطقه خواهیم فرستاد.

۶– آموزش موشک ساگر باید در اسرائیل صورت گیرد و ما ترتیباتی داده ایم که این دوره در ظرف چند روز شروع شود.

۷- از آنجایی که ما مجبوریم تمام عملیات تدارک و آموزش را طرحریزی نماییم بسیار ممنون خواهیم شد اگر آن عالیجناب بر اساس این نامه بتوانند به ما پاسخ بدهند که آیا از طریق ایران نیز موشکهایی به عنوان جایگزین ساگر در اختیار گذارده خواهد شد. یعنی اگر شما آماده باشید

ص:۳۹۹

که برای موشکهای اضافی «ساگر» که بلافاصله وسیله ما برای امام ارسال خواهد شد موشکهای

«تو» به عنوان جایگزین در اختیار ما بگذارید. البته این تعداد بیشتر و بالاتر از تعداد موشکهایی است که وسیله آمریکاییها در اختیار ما گذارده خواهد شد.(۱)

گزارشی را که سرویس اطلاعاتی اسرائیل از طریق رابط خود با ساواک، برای ارتشبد نصیری (رئیس ساواک) ارسال کرده، عمدتا درباره چگونگی تجهیز کُردهای عراقی به سلاح های جنگی و پشتیبانی و تقویت نظامی آنها در مقابل حکومت عراق از سوی اسرائیل است.

نکته قابل توجه که در این گزارش به صراحت به آن اشاره شده، هماهنگی اسرائیل با ایالات متحده آمریکا در این باره است. در ادامه گزارش مزبور، لیست انواع سلاح های جنگی

مورد نیاز برای کُردهای عراقی ضمیمه شده است. این لیست از سوی سرویس اطلاعاتی اسرائیل و با همکاری ساواک تهیه و به وزیر امور خارجه آمریکا تسلیم شده است:

تیمسار ارتشبد نصیری

درباره: اسلحه برای امام

عالیجناب

۱- گزارش مربوط به تماس ما با وزیر امور خارجه ایالات متحده آمریکا به پیوست تقدیم می گردد.

۲- به نظر ما وزیر امور خارجه امریکا ضمن بازدید خود از ایران موضوع را با اعلیحضرت شاهنشاه آریامهر مورد بحث قرار خواهند داد.

۳- خوشحال خواهم شد که هر گونه اطلاعات تکمیلی در این مورد را شفاها به عرض برسانم.

با تقدیم احترام - بهار(۲)

تاریخ: ۷ آبان ماه ۵۳

در یادداشت دستنویس حاشیه سند چنین آمده است:

این گزارش را رابط اسرائیل در غیاب تیمسار ریاست ساواک و قبل از سفر وزیر خارجه آمریکا به ایران بنا به تصویب قبلی تیمسار ریاست ساواک از طریق ساواک به شرفعرض پیشگاه مبارک

ملوکانه رساند. تیمسار ریاست ساواک بعدا در تاریخ ۱۸/۱/۵۴ ضمن اینکه گزارش مربوطه را

۱- . متن ترجمه نامه ادمونی معاون سرویس اطلاعات اسرائیل، مورخ ۲۹ آگوست ۱۹۷۴م/ ۱۳۵۳، شماره ۶۹۶، با طبقه بندی سرّی، از بهار، به نصیری.

۲- . سند ساواک، مورخ ۸ آبان ماه ۱۳۵۳، شماره ۴۷۴

به اینجانب دادند امر به ترجمه آن فرمودند که ترجمه به عرض رسید و اوامری فرمودند.

۲۴/۱/۵۴

انتظار می رود با آغاز زمستان از شدت جنگ در کردستان کاسته شود. از این موقعیت برای تقویت نیروهای کُرد می توان استفاده نمود بطوری که آنها در صورت بروز جنگهای گسترده ای

که قرار است در اوایل بهار ۱۳۵۴ آغاز گردد آماده باشند.

سفارش می کنم جزئیات مربوط به طرح تجهیزات – ملزومات و آموزش و غیره هر چه زودتر بین ما مورد بحث واقع شود.

نکته مهمی را که باید در نظر داشت اینست که چند نوع از سلاحهای مشخص ساخت روسیه را که ما آماده می کردیم رو به اتمام است. ذخائر سایر سلاحهایی که در حال حاضر در دست کُردها است به سرعت در حال تمام شدن است. باید منابعی برای جبران سلاحهای اساسی پیدا

نمود. همچنین سلاحهایی را که نمی توان مهمات برای آنها پیدا کرد باید با سلاحهایی عوض

نمود که بتوان برای آنها بر اساس روش جاری ملزومات مهمات تهیه نمود.

یک منبع احتمالی برای تهیه سلاحهای یدکی، نیروهای دفاعی اسرائیل می باشد که حاضر خواهد بود از ذخایر خود سلاحهای لازم را تحویل دهد به شرط آنکه ایالات متحده آمریکا

قبول نماید آنها را جبران نماید. انواع مشخصی از سلاحها را نیز می توان توسط واسطه های

اسلحه از بازارهای جهانی تهیه کرد.

ما از وزیر امور خارجه امریکا تقاضا نموده ایم که موضوع تعویض سلاحهای امریکائی را با آن

قسمت از سلاحها و مهماتی که ساخت امریکا نیست و نیروی دفاعی اسرائیل حاضر است از محل انبارهای خود به کُردها تحویل دهد مورد مطالعه قرار دهد. علاوه بر این ما از وزیر امور خارجه امریکا تقاضا نموده ایم که موضوع کمک پولی به خرید سلاحهایی را که می توان از

بازار خریداری نمود مورد بررسی قرار دهد.

فهرست تجهیزاتی که به نظر ما باید در طول مدت زمستان در دسترس کُردها گذاشت به وزیر امور خارجه امریکا تسلیم شده است.

به نظر ما وزیر امور خارجه ایالات متحده در دیدار آینده خود از ایران موضوع را با اعلیحضرت شاهنشاه آریامهر در میان

خواهد گذاشت.

رونوشت فهرستی که به وزیر امور خارجه ایالات متحده تسلیم شده به پیوست تقدیم می گردد.

ص:۴۰۱

اسلحه برای کردستان

۱- فهرست سلاحها، مهمات و تجهیزات جایگزین سلاحهای شوروی در کردستان به قرار زیر است.

۲- اینگونه سلاحها باید در اروپا یا در اسرائیل و در صورت امکان از مازاد و قسمتی بطور

مستقیم از کارخانجات تولید کننده خریداری شود. قیمتها بر همین اساس محاسبه شده اند.

۳- از آنجا که هنوز به درستی معلوم نیست کلیه این اقلام در دسترس باشد این فهرست بر اساس شرایط موجود در بازار تغییرپذیر است.

۴- چند قلم از این سلاحها را که خریداری آنها در بازار مشکل است می توان از نیروی دفاعی

اسرائیل خواست که در مقابل سلاحهای مشابه ساخت آمریکا معاوضه نماید.

۵- توپخانه

نوع سلاحتعداد

قیمت هرواحد

به دلار

جمعالفتوپ ۱۵۵ میلیمتری کششی۱۸۱۵۰۰۰۲۷۰۰۰۰ بمهمات ۱۵۵ میلیمتری۲۰۰۰۰۲۳۰۴۶۰۰۰۰۰ پتوپ ۱۰۵ میلیمتری کششی۱۲۱۰۰۰۰۱۲۰۰۰۰ تمهمات ۱۰۵ میلیمتری۱۲۰۰۰۵۰۶۰۰۰۰۰ ثخمپارانداز ۱۶۰ میلیمتری۶۲۵۰۰۰۱۵۰۰۰۰جمهمات ۱۶۰ میلیمتری۶۰۰۰۲۰۰۱۲۰۰۰۰۰چخمپاره انداز ۱۲۰ میلیمتری۲۴۷۰۰۰۱۶۸۰۰۰ حمهمات ۱۲۰ میلیمتری۲۴۰۰۰۸۰۹۰۲۸۰۰۰۱۹۲۰۰۰۰

ص: ۴۰۲

خلوازم یدکی ۱۰۶۲۰۰رلوازم نگهداری ۳۵۴۰۰

۶- سلاحهای ضدتانک

نوع سلاحتعداد قیمت هرواحدبه دلارجمعالفتوپ بدون عقب نشینی ۱۰۶ میلیمتری ۵۰۹۰۰۰۴۵۰۰۰بمهمات ۱۰۶ میلیمتری ۲۵۰۰ ۱۵۰۳۷۵۰۰۰پبازوکا ۵۰۰۶۰۰۳۰۰۰۰تمهمات بازوکا ۲۵۰۰۰ ۷۰۱۷۵۰۰۰۰

ثراکت ضدتانک اس اس - ۱۱۵۰۰۳۵۰۰۴۶۲۵۰۰۰۱۷۵۰۰۰۰ جلوازم یدکی ۱۱۲۵۰۰چلوازم نگهداری ۳۷۵۰۰۱۵۰۰۰۰

۷- سلاحهای ضدهوایی

نوع سلاحتعداد

قیمت هرواحد

به دلار

جمع

الفمهمات توپهای ضدهوایی ۳۰ میلیمتری ۲۵۰۰۰۰۲۰۵۰۰۰۰۰۰بتوپهای ۲۰ میلیمتری ضدهوایی ۵۰۴۰۰۰۲۰۰۰۰پمهمات توپهای ۲۰ میلیمتری ۵۰۰۰۰۰۸۹۲۰۰۰۰۰۴۰۰۰۰۰تلوازم یدکی ۳۰۰۰۰ثوسائل نگهداری۴۰۰۰۰۱۰۰۰۰۸- تجهیزات رادیویی

نوع سلاحتعداد

قیمت هر واحدبه دلارجمع الفسیستم PRC-۷۷۵۰۱۲۰۰۶۰۰۰۰بلوازم یدکی و باطری ۱۲۰۰۰پوسائل ۷۸۰۰۰۶۰۰۰

ص: ۴۰۳

۹- وسائل نقلیه

نوع سلاحتعدادقیمت هر واحد به دلار

جمعالفکـــــامیون ســـــبک برای مهمـــــات حمل ۱۲۱۲۰۰۰۱۴۴۰۰۰بجیـــــپ برای توپهــــای بــــــدون عقب نشینی ۱۲۶۰۰۰۲۱۶۰۰۰۷۲۰۰۰پ۳۲۴۰۰

۱۰- مین و نارنجک(۱)

نوع سلاحتعدادقیمت هر واحد به دلار

جمـع الفمیـــن ضـــدتانک ۱۰۰۰۰۳۰۳۰۰۰۰۰بمیـن ضـدنفر ۱۰۰۰۰۵۵۰۰۰۰پنارنجـک دفـاعی ۵۰۰۰۰۷۳۵۰۰۰۰تنارنحک تهاجمی ۵۰۰۰۰۵۲۵۰۰۰۰جمع کل ۲۴۴۶۱۰۰۰ دلار

ژنرال (زامیر) ضمیر رئیس موساد، در سال ۱۳۵۳، طی نامه ای به نصیری رئیس ساواک، ضمن اشاره به درگیری قریب الوقوع بین کُردهـا و دولت عراق، به طور تلویحی از موقعیت ملامصطفی بـارزانی اظهار نگرانی کرد. نامبرده با یادآوری کمک های نظامی ارسالی اسرائیل برای کُردها به منظور تقویت و پشتیبانی از آنان در جنگ با دولت عراق، درخواست کرد که

ایران عهده دار کمک های اقتصادی ویژه به بارزانی شود:

جناب تیمسار نصیری۱۶ مارس ۱۹۷۴

من از تصمیم یک جانبه دولت عراق که ناقض موافقت نامه مارس ۱۹۷۰ [۱۳۴۹]است اطلاع پیدا

ص: ۴۰۴

۱- . سند ساواک، ۱۹ مهرماه ۱۳۵۳.

کردم. از گزارشهایی که به وسیله نمایندگان خود دریافت کرده ام چنین به نظر می رسد که ملامصطفی بارزانی تصمیم گرفته به مبارزه خود در راه حقوق ملت کُرد و به منظور مخالفت با سیاستهای دولت عراق ادامه دهد. این تحول بحران بین کُردها و دولت عراق را تشدید نموده و برخوردهایی بین آنها بوقوع پیوسته است. باید تیره تر شدن اوضاع را که منجر به تجدید جنگ گردد به عنوان یک احتمال در نظر داشت. به نظر ما ملامصطفی بارزانی احتیاج فوری به کمکهای اقتصادی و نظامی

دارد. ما تلاش ویژه ای را در این زمینه شروع کرده و هر چه زودتر یک یا دو هواپیما حامل مهمات و یا تجهیزات ضروری تر با توجه به نیازمندیهای فوری اعزام خواهیم داشت. من می دانم که نگرانی اصلی ژنرال بارزانی ناشی از فشار سنگین اقتصادی می گردد که به دلیل زیاد شدن هجوم پناهندگان

به اراضی تحت کنترل وی هر لحظه بیش از گذشته می شود این موضوع می تواند به عنوان عامل

مهمی در توانایی بارزانی و پیروانش برای ادامه مبارزه محسوب شود. با توجه به موقعیت ما در زمان حاضر مشکل است کمک اقتصادی مهمی به بارزانی به عمل بیاوریم و من راهی ندارم جز اینکه از جنابعالی خواهش کنم که این کار را خود به عهده بگیرید البته اطمینان دارم که جنابعالی به خوبی از موقعیت ما در زمان حاضر آگاه هستید. امیدوارم هنگامی که اواخر این ماه با هم ملاقات می کنیم بتوانیم بطور مشروح پیرامون مسئله کُرد و نیازمندیهای آنها برای آینده نزدیک مذاکره نماییم.اجازه بدهید خدمت جنابعالی و سرکار خانم نصیری گرمترین تبریکات نوروزی خود و همسرم را تقدیم نمایم.دوستدار- ژنرال ضمیر(۱)

بر اساس یادداشت دستنویس حاشیه این سند، پاسخ رئیس ساواک که به صورت تلگرام در تاریخ ۲۵/۱۲/۱۳۵۳ برای رئیس سرویس اسرائیل ارسال شده، به شرح ذیل است:

مشکلات اقتصادی و مالی برای بارزانی بیش از آن حدیست که اشاره فرموده اید. ما آنچه از دستمان برمی آید کوتاهی نخواهیم کرد، ولی جوابگوی احتیاجات آنها نیست. تصور می کنم با تهیه و تمرکزی که ارتش عراق در شمال می دهد در خاتمه پانزده روز مهلت دولت عراق درگیری سخت

شروع شود و باید کمک های نظامی قبل از آن روز به منطقه برسد. لذا خواهشمند است مقدار

کمکی که باقیمانده زودتر ارسال دارید موجب امتنان و تشکر است. با عرض تشکر از تبریکات

نوروزی آن تیمسار و بانو سپاس خود و خانم را متقابلاً معروض می دارم.[محل امضای رئیس ساواک(۲)]

۱- . سند ساواک، نامه ژنرال ضمیر زامیر رئیس موساد به نصیری رئیس ساواک، ۱۶ مارس ۱۹۷۴.

۲- . همان سند، یادداشت دستنویس نصیری رئیس ساواک برای ژنرال زامیر ضمیر رئیس موساد.

پس از قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر

امضـای پیمـان موسـوم به «قرارداد الجزایر» بین دو دولت ایران و عراق در سـال ۱۹۷۵، شـرایط و وضعیت جدیدی را در تعامل ایران و اسرائیل با کُردهای عراق به وجود آورد. وضعیت جدید، اگر چه محدودیت هایی را برای فعالیت اسرائیلی ها در منطقه به دنبال داشت، اما در مجموع مغایر با آنچه که در استراتژی پیرامونی اسرائیل تعقیب می شد، نبود.

به نوشـته بعضی منابع غربی در اوایل سال ۱۹۷۵ عراقی ها پیشـنهاد ایران را برای توقف پشتیبانی از کُردها در قبال سازشـی در شط العرب [اروندرود]پذیرفتند. شورش کُردها با فروپاشـی روبه رو شد و درخواست اضطراری بارزانی از کسینجر [وزیر امور خارجه وقت

آمریکا] نادیده انگاشـته شد. ویلیام کلبی رئیس [سازمان جاسوسـی]سـی.آی.ای در این باره وزیر خارجه را مورد پرسش قرار داد و رک و راست به وی گفته شـد که عملیات سازمان نهانی کار تبلیغی نیست. راز پشتیبانی اسـرائیل از کُردها، به هر انـدازه که آشکار شده بود همچنان

مسأله ای بسیار حساس قلمداد می شد.(۱)

در شـرایط و موقعیت جدید، اسـرائیلی ها به شدت در تلاش بودند تا برای مقامات ایرانی اهمیت و ضـرورت تداوم همکاری با اسرائیل را در حمایت و پشتیبانی از کُردهای عراق بیش

از پیش توجیه کننـد. نامه ژنرال هوفی رئیس وقت موساد به نصـیری رئیس ساواک در این باره خوانـدنی و قابل توجه است. او در این نامه با بزرگنمایی خطر شوروی در منطقه، ضرورت

حمایت از کُردها را یادآوری می کند و در پایان به طور تلویحی هشدار می دهد که چنانچه در

۱- . یان بلک و بنی موریس، صص ۴۰۶-۴۰۷.

این باره مطابق خواست و تمایل اسرائیل عمل نشود، ممکن است رسانه های اسرائیلی درباره

همکاری دولت ایران با احزاب کُرد عراقی در سال های پیش از این، افشاگری کنند:

استحضار تیمسار ریاست معظم ساواک

ترجمه و عین نامه واصله از رئیس سرویس اسرائیل (جمعا در ۴ برگ) به عنوان تیمسار ریاست معظم ساواک که در تاریخ ۲۹/۱۲/۵۳ از رابط سرویس مذکور در مرکز دریافت گردیده به پیوست تقدیم می گردد.

حوزه تیمسار ریاست ساواک

تیمسار نصیری عزیز

از شنیدن خبر بیماری شما متأسف گردیدم و امیدوارم زمانی که این نامه به شما می رسد سلامتی خود را بدست آورده و فعالیت خود را مجددا شروع نموده باشید. ما از نزدیک آثار

توافق ایران و عراق را در کادر جهانی بطور کلی و در محدوده خاورمیانه بطور دقیق دنبال

می نماییم. احتیاجی به ذکر این مسئله نیست که به نظر ما این قرارداد مانند کلیه قراردادهای

صلح که به مخاصمات بین کشورها به وسیله مذاکرات مستقیم خاتمه می دهد اقدام مثبتی محسوب می گردد و ما امیدواریم کشورهای عربی که با ما مرز مشترک دارند از این مورد سرمشق گیرند و با انجام مذاکرات مستقیم با ما موافقت نمایند. در حال حاضر باید مراقبت

بسیار دقیقتری در مورد میزان وفاداری عملی عراق نسبت به تعهداتش و دست کشیدن از دشمنی و پیروی از خطوط همکاری و صلح صورت گیرد.

در موافقتنامه ای که تنظیم گردیده قسمتی مربوط به اکراد می شود که ما سالها در مورد آنان با یکدیگر همکاری می کردیم. ما عقیده داریم که به دنبال قطع کمک به جنبش مقاومت ملابارزانی و همچنین عدم امکان رسانیدن مواد و ملزومات آنان به علت بسته شدن مرز ایران توانایی جنگی اکراد به سرعت خاتمه خواهد یافت و طولی نخواهد کشید که مقامات عراقی خواهند توانست پیروزی خود را اعلام نمایند.

بدون احتساب مفهوم پیروزی رژیم عراق (حتی اگر فقط یک پیروزی نسبی باشد) ما از آن می ترسیم که اتحاد شوروی که در حال تحکیم موضع گیری خود در منطقه می باشد و از هیچ کوششی در راه تقویت قوای نظامی عراق مضایقه نمی نماید، قادر گردد از پیروزی عراق بر

اکراد برای پیشبرد مقاصدش در منطقه بهره برداری نماید.

ما اخیرا شاهد مقاصد شوروی در این جهت بوده ایم. آنها کوشش می کنند سوریه را وادار کنند

که موانعی بر سر راه کوششهایی که وزیر امور خارجه امریکا دکتر کیسینجر برای پیشرفت صلح

بین اسرائیل و مصر می نماید ایجاد کنند.

بازدید اخیر هیئت پارلمانی شوروی از اردن و مسافرتهای «وینوگرادوف» به اردن و سایر

کشورهای عرب شاهدی بر مقاصد شوروی می باشد.

اگر موفقیت عراق به شورویها نسبت داده شود، این عامل مشوق همکاری عراق و شوروی در زمینه سیاسی و نفوذ شوروی در خلیج فارس به شمار می رود.

فکر می کنم که این موضوع احتیاج به کوششهای جمع آوری بیشتری درباره اهداف شوروی و عراق و همچنین فعالیتهای براندازی آنان دارد. چون در نتیجه بسته شدن مرز ایران و عراق چند شبکه مهم جمع آوری از بین رفته است، من پیشنهاد می کنم که لزوم طراحی کوششهای جمع آوری را به زودی و تحت شرایط جدید مورد مذاکره قرار دهیم. از آنجایی که مأمورین ما کردستان را ترک کرده اند ما اطلاعات قابل قبول و جدیدی از اوضاع منطقه در دست نداریم. ما گزارشات ناقصی از جنگ و موقعیت، اهداف و طرحهای رهبران اکراد دریافت کرده ایم. ما عقیده داریم که آتش بس دقیقا رعایت نمی شود و در بعضی از نقاط عراقیها دست به حملاتی

زده اند. بنابر اطلاعاتی که ما در اختیار داریم اکراد در مقابل حملات عراقیها پایداری می کنند و لطمات سنگینی به آنها می زنند با وجود این، علیرغم پیروزیهای منطقه ای کُردها و با آگاهی از سطح موجودی مهمات آنان، مایلم اعتقاد راسخ خود را به اینکه شما از اقدامات عراق برای

قتل زنان و کودکان و قتل عام ملت کُرد جلوگیری خواهید کرد ابراز دارم.

در خاتمه مایلم به این نکته اشاره نمایم که من از حساسیت شدید مردم اسرائیل نسبت به وضع

جامعه کُرد که حتی در مطبوعات داخلی ما منعکس گردیده است آگاه می باشم. نشریات مذکور

در غالب موارد از مطبوعات خارجی نقل قول می نمایند و به کلماتی که در مقاله ذکر می گردد

توجه نمی نمایند، حتی اگر از مساعدت دولت ایران نسبت به جامعه کُرد در سالهای پریشانی

آن ملت نیز آگاه باشند.

آرزو می کنم و امیدوارم که شما، تیمسار نصیری، این حساسیت را با تفاهم نسبت به توضیحاتی که بیان نمودم قبول فرمایید.

دوستدار همیشگی شما

ص: ۴۰۹

ژنرال خوفی(۱)

آیا قرارداد الجزایر رویکرد جدیدی بر خلاف استراتژی مشترک پیشین آمریکا و صهیونیسم در منطقه بود؟ ارتشبد سابق حسین فردوست در این خصوص نوشته است:

به هر حال، سال ها این نبرد اکراد بارزانی ادامه داشت و دولت عراق هیچ امیدی به پیروزی

نداشت [...] منصورپور معتقد بود [...] دولت بغداد بالاخره مجبور به پذیرش خواست و حقوق اکراد است. در چنین شرایطی ناگهان آمریکا وارد عمل شد و به محمدرضا دستور انعقاد قرارداد ۱۹۷۵ با عراق داده شد. قرارداد فوق با وساطت بومدین در الجزایر میان محمدرضا و صدام به امضاء رسید و محمدرضا پذیرفت که در مقابل تعدادی ارتفاعات در باختران و قطعی شدن مرز آبی اروندرود حمایت خود را از بارزانی ها سلب کند. به اعتقاد من این قرارداد فقط به سود عراق بود و مانند این بود که محمدرضا ۱۰۰۰ دلار بدهد و ۵ دلار بگیرد. چرا آمریکا تا سال ۱۹۷۵ محمدرضا را به حمایت از اکراد تشویق کرد و دولت مرکزی بغداد را تضعیف نمود و در این سال خواستار پایان شورش بارزانی ها و تثبیت دولت بغداد شد؟! توضیح خواهم داد که

این مسئله فقط به خاطر صدام بود و اکنون که مهره مورد نظر آمریکا، یعنی صدام در جای مناسب قرار داشت، لازم بود که وی به عنوان ناجی ارتش عراق از جنگ فرسایشی با اکراد وارد میدان شود.(۲)

چرا آمریکا در سال ۱۹۷۵ خواهان پایان شورش کُردهای عراق شد و محمدرضا را برای انعقاد

قرارداد ۱۹۷۵ تشویق کرد؟ چرا انعقاد این قرارداد مصادف با زمانی بود که صدام در نقش نفر اول و قدرت فائقه عراق ظاهر می شد؟ چرا و به توصیه که محمدرضا پذیرفت که به جای البکر، رئیس جمهور، با صدام قرارداد مهم فوق را امضاء کند؟ پاسخ به همه این پرسش ها روشن است: تا زمانی که هنوز صدام - مهره مورد نظر آمریکا- قدرت کافی نداشت، محمدرضا عملیات اکراد عراقی را علیه دولت بغداد تقویت می کرد. فعالیت اکراد بارزانی یک خطر جدی بالفعل

برای دولت مرکزی عراق به شمار می رفت و بیش از ۱۰ سال حداقل ۳۱ ارتش عراق را به خود

جلب نمود. در این میان ارتش عراق تلفات انسانی و تسلیحاتی زیاد دارد.(۳)

ویلیام شوکراس درباره نقش فریبکارانه، تاکتیکی و خیانتبار آمریکا، اسرائیل و حکومت

ص: ۴۱۰

۱- . سند ساواک، مورخ ۲۹/۱۲/۱۳۵۳.

۲- . خاطرات ارتشبد سابق حسین فردوست، ص ۵۰۳.

۳- . همان منبع، ص ۵۵۶.

پهلوی در خصوص مسأله کُردهای عراق در زمان قبل و بعد از قرارداد ۱۹۷۵ ایران و عراق تصریح کرده است که شاه از سازمان سیا تقاضای کمک نمود تا بتواند کُردهای عراقی را در

قیام دیرینه شان علیه عراق مساعدت و پشتیبانی کند.(۱) شوکراس در این باره می افزاید:

به سازمان سیا دستور داده شد کُردها را مسلح کند. نماینده سیا در ایران اعتراض کرد و پیش بینی فاجعه ای را نمود. در واقع سیاست جدید برای کُردها فاجعه آمیز بود. زیرا پس از آنکه شاه از آنان برای نیل به مقاصدش بهره برداری نمود، آنان را به حال خودش رها کرد.(۲)

این منبع با استناد به مدارک دیگر در این باره اضافه می کند:

تصمیم نیکسون و کسینجر دایر بر اینکه سازمان سیا مقادیر زیادی اسلحه به کُردها برساند مورد مخالفت سفیر آمریکا و نماینده مقیم سیا در تهران قرار گرفت. در واشنگتن کمیته ۴۰ نفره گروه ناظر بر عملیات پنهان هیچ فرصتی نیافت که درباره این سیاست بحث و آن را تأکید کند. فقط

پس از آنکه جان کانالی به ایران اعزام شد تا شاه را از اینکه طرح در دست اقدام است مطمئن سازد، یک صفحه پلی کپی شده شامل خلاصه طرح برای امضا به اعضای کمیته داده شد.

کاخ سفید و شاه مایل نبودند کُردها به خودمختاری که برای آن می جنگیدند دست یابند. هر دو

می خواستند مادام که شاه برای منافع ایران [و در واقع اسرائیل]لازم می دانست، از کُردها به عنوان وسیله فشار و درگیر شدن سربازان عراقی استفاده کنند. کُردها این موضوع را نفهمیدند.

رهبرشان مصطفی بارزانی اغلب به مأموران سیا می گفت که به شاه اعتماد ندارد ولی کاملاً به ایالات متحده معتقد است. اگر به هدفش نایل می شد حاضر بود پنجاه و یکمین ایالت آمریکا

بشود.

در مارس ۱۹۷۵ شاه به توافقی با عراقی ها نایل شد. کمک به کُردها را قطع کرد و در حالی که عراق دست به حمله گسترده ای به کُردها زده بود مرزهایش را بست. بارزانی تلگرام های نومیدانه ای برای نمایندگی سیا در تهران فرستاد و تقاضای کمک کرد. نمایندگی سیا این

تلگرام ها را به واشنگتن فرستاد و نگرانی خودش را درباره اوضاع منطقه متذکر گردید. نیز

بارزانی به کسینجر نوشت: نهضت و ملت ما در برابر سکوت همگان به طرز باور نکردنی در شرف نابودی است. عالیجناب، ما احساس می کنیم که ایالات متحده مسئولیت اخلاقی و

۱- . ن.ك: ويليام شوكراس، آخرين سفر شاه، ترجمه عبدالرضا هوشنگ مهدوی، نشر البرز، تهران چاپ هشتم، ۱۳۷۱، ص ۲۰۲.

۲- . همان منبع، ص ۲۰۵.

سیاسی در قبال ملت ما دارد که خودش را به سیاست کشور شما متعهد ساخته است. از سوی نمایندگی سیا در تهران تقاضای دیگری ارسال شد ولی هیچ پاسخی از واشنگتن نرسید. حمله

عراقی ها نهضت بارزانی را خرد و نابود ساخت. دویست هزار پناهنده کُرد به ایران گریختند.

ایران به زور چهل هزار کُرد را به عراق برگرداند. از قول کسینجر می گفتند: عملیات پنهانی را نباید با کار مبلغین مذهبی اشتباه کرد.(۱)

به نوشته کاکبورن درباره قرارداد ایران و عراق و موقعیت جدید منطقه کردستان عراق:

شاه ایران در ماه مارس ۱۹۷۵ با صدام حسین معامله ای کرد و مرزهای ایران را فورا به روی کُردها بست. با وجود خاطرات رومانتیکی که [دیوید]کیمچی، الیاف و نیمرودی درباره کُردها

نوشته اند، این قوم خیلی سریع دوستان اسرائیلی خود را از دست داد (ظاهرا هدیه عروسی

رهبر کُردها به نانسی کسینجر که یک گردنبند ساخته شده از طلا و مروارید بود، هنری را به وجد نیاورد...)(۲)

علی رغم بعضی پنهان کاری ها از سوی محافل سیاسی و اطلاعاتی اسرائیل، اسناد و مدارک و شواهد موجود حکایت از آن دارند که موساد پس از قرارداد سال ۱۹۷۵ نیز به شکل

مرموزانه و اسرارآمیزی همچنان برنامه های خود را چون گذشته در مناطق کردنشین عراق دنبال می کرد. در عین حال، اسرائیلی ها به شدت سعی و تلاش داشتند تا در این مسیر از سوی ایران نیز مانع و مشکلی وجود نداشته باشد و ساواک همچون گذشته با آنها همراه و همکار

باشد. گزارش طبقه بندی ساواک در این خصوص چنین می گوید:

منظور: استحضار تیمسار ریاست ساواک و صدور اوامر.

پیشینه: برابر اظهار نظر نماینده سرویس زیتون در مذاکرات دوجانبه آتی که قرار است در تهران تشکیل گردد سرویس زیتون در نظر دارد سه مورد مشروحه زیر را مطرح نماید.

۱– استفاده مجدد از شبکه اطلاعاتی شمال.

۲– همکاری در زمینه نفوذ در اعراب از طریق اروپا.

۳– استقرار مجدد نماینده دوستان زیتون در جنوب.

بررسی، نظریه و پیشنهاد:

۱- . شوکراس، ص ۲۰۵-۲۰۶؛ به نقل از گزارش کمیسیون پایک در مقاله ای به قلم روزنامه نگار مشهور آمریکایی، ویلیام سافایر، در شماره های ۱۲ فوریه ۱۹۷۶ و ۱۹ دسامبر ۱۹۷۷، نیویورک تایمز.

۲- . کاکبورن، ص ۱۶۹.

شبکه اطلاعاتی شمال

از سال ۱۳۴۶ شبکه هایی در شمال عراق جهت کسب اخبار داخلی عراق توسط عناصر بارزانی در سازمانهای لشگری و کشوری عراق تشکیل و زیر نظر یکی از فرزندان بارزانی (مسعود)

شروع به بهره برداری نموده بود که ضمن تماس نمایندگان مرکز و دوستان زیتون قرار شد با تأمین قسمتی از هزینه های این شبکه و تکمیل آن اطلاعات مکتسبه از شبکه تکثیر و در اختیار

مرکز دوستان زیتون گذارده شود (که از سال گذشته یک نسخه در اختیار سرویس الف گذارده

می شد).

ضمن اینکه اخیرا به علت توافق ایران و عراق فعالیت این شبکه ها نیز متوقف گردیده است. تجدید و برقراری ارتباط با مأموران مستلزم یک سلسله فعالیت هایی در داخل و خارج عراق و همچنین برآوردن توقعات بیش از حد اکراد خواهد بود زیرا فعلاً کلیه سوابق منهدم و فعالیتهای

کلی متوقف می باشد و معلوم نیست به وسعت گذشته بتوان شبکه ایجاد نمود که مانند گذشته

قابل بهره برداری باشد. ضمنا نادیده نباید گرفت که علاقمندی دوستان زیتون به تجدید فعالیت

این شبکه اصولاً ناشی از عدم رضایت آنان از سازش ایران و عراق می باشد و احیای این شبکه

چه از طریق کشورهای اروپایی و همجوار عراق و چه از طریق ایران وسیله دوستان زیتون بالاخره به حساب ایران گذارده می شود و اثرات سویی در روابط بین ایران و عراق خواهد

داشت لذا در شرایط کنونی بهتر است در این زمینه اقدام نشود.(۱)

آن گونه که اسناد گواهی می دهند، ساواک علی رغم قرارداد سال ۱۹۷۵، به خواست موساد مبنی بر تداوم همکاری پنهان و اطلاعاتی در مناطق کردستان عراق پاسخ مثبت داد و به مثابه آلت دست اسرائیل در این حوزه عمل کرد. بخشی از مذاکرات ژنرال هوفی رئیس موساد با رئیس ساواک مبنی بر ضرورت تداوم همکاری اطلاعاتی چنین است:

ژنرال خوفی: [...] در مورد کسب اطلاعات از آن کشور [عراق] تا قبل از خاتمه جنگ اکراد با ارتش عراق به راحتی می توانستیم عمل کنیم؛ ولی پس از پایان جنگ استفاده از پوشش اکراد

برای ما کمتر شده [...]پس از پایان جنگ اکراد بطور مستقیم به ما گفته شد استخدام و یا هرگونه تماس با اکراد از نظر شاهنشاه و دولت ایران به مصلحت نیست بدین جهت ما قطع رابطه با

مأمورین خود نمودیم. در اروپا فعالیت ما محدود است خیلی به سختی می توان با آنها تماس

۱-. گزارش ساواک، مورخ ۲۰/۲/۱۳۵۴.

گرفت، در حال حاضر خیلی مشکل است که با اکراد تماس حاصل کرده و آنها را خریداری نمود زیرا یک نفر افسر مراقب آنها است. در گذشته پناهندگان اکراد گروه گروه به سفارتخانه ها

می رفتند، بعد اطلاع حاصل شد بعضی از آنها به سفارت عراق بعضی هم به سفارت اسرائیل می رفتند و بدین جهت ضمن تماس با سفارت عراق اطلاعاتی در اختیار می گذاشتند. و در اروپا هم همینطور عمل می کردند. آیا تیمسار مصلحت می دانند که این چنین امکاناتی در اینجا بوجود آوریم و آیا مشکلاتی پیش می آید. نظر تیمسار در مورد تماس با اکراد اروپا چیست؟

تیمسار ریاست: دوستان ما می خواهند می توانند نیازمندیهایشان را بدهند، ما بر علیه عراق محدودیت نظامی داریم این آن را نمی رساند که محدودیت اطلاعاتی داشته باشیم شما می توانید با اکراد اروپا تماس حاصل کرده اقدامات مؤثر و لازم را انجام دهید، ما از هر گونه کمکی که باشد استقبال خواهیم کرد.(۱)

اسناد به جا مانده از ساواک حکایت از آن دارند که سیاست ساواک و حتی نظر رئیس وقت آن پس از قرارداد سال ۱۹۷۵ ایران و عراق، مبنی بر عدم موافقت در راه اندازی مجدد شبکه

اطلاعاتی شمال، مطابق آنچه اسرائیلی ها می خواستند، بود. اما همان دست های مرموزی که

ساواک و موساد را به هم پیوند می زد، وضعیت را به گونه ای تغییر داد تا مطالبات اسرائیلی ها تأمین شود. بر این اساس رؤسای ساواک فورا ناگزیر به تغییر موضع شدند و موافقت خود را

با فعالیت مجدد شبکه اطلاعاتی شمال، مطابق خواست موساد، اعلام کردند. سند اداره کل دوم ساواک در این باره بسیار مهم و حائز اهمیت است:

جهت استحضار تیمسار ریاست معظم ساواک و صدور اوامر عالی.

پیشینه: قبلاً سرویس زیتون پیشنهاد کرده بود که از شبکه های اطلاعاتی شمال مجددا بطور مشترک استفاده گردد که مراتب طی گزارشی به عرض تیمسار ریاست معظم ساواک رسید پی نوشت فرمودند شبکه اطلاعاتی شمال دیگر معنایی ندارد (پیوست الف).

متعاقبا تیمسار ارتشبد ریاست معظم ساواک در تاریخ ۳۴/۷/۵۴ مقرر فرمودند که در مورد استفاده از عوامل شبکه های اطلاعاتی شمال با دوستان زیتون همکاری شود.

۱- . گزارش ساواک درباره مذاکرات ژنرال خوفی و رئیس ساواک، تهران، ششم آبان ۱۳۵۷. لازم به یادآوری است که در این زمان، ناصر مقدم رئیس ساواک بود.

بررسی و نظریه:

همانطوری که استحضار دارند عوامل شبکه های اطلاعاتی شمال راسا از طریق مسعود بارزانی

استخدام و همکاری آنان جلب و فقط از اسناد و اخبار واصله فتوکپی یا رونوشت در اختیار ساواک وسیله سرویس زیتون قرار می دادند و چندین مرتبه از مسعود بارزانی خواسته شد که بیوگرافی این مأمورین را در اختیار بگذارد ولی نامبرده به دلائل حفاظتی هیچ گونه اطلاعی از مشخصات این منابع در اختیار نگذاشت و هزینه اداره این منابع نیز از طریق دوستان زیتون در شمال تأمین می گردید و چه بسا دوستان زیتون از مشخصات این منابع اطلاع داشتند و شکیب عقراوی نیز در جریان همکاری این منابع بوده است با عطف توجه به مراتب فوق چنانچه مقرر است مجددا از این شبکه ها بطور مشترک استفاده گردد لازمست که از طریق مسعود و شکیب عقراوی اقدام گردد و بالطبع مصطفی بارزانی نیز به نحوی در جریان قرار گیرد و چه بسا که عراقی ها هم از جریان امر مطلع شده و مسائل دیگری بوجود آید معهذا به هر نحو که مقرر

است اوامر عالی را ابلاغ تا اقدام گردد. ضمنا دوستان زیتون در نظر دارند که موضوع استفاده

مجدد از عوامل شبکه های اطلاعاتی شمال و نحوه ارتباط با آنان را در مذاکرات سه جانبه در اسرائیل مطرح نمایند.

اداره کل دوم[1]

یادآوری این مهم بی فایده نیست که علی رغم تلاش اسرائیل در جهت کسب رضایت و موافقت ساواک مبنی بر حضور مأموران و جاسوسان موساد در مناطق کُردنشین عراق و نیز مساعدت و همکاری ساواک در این زمینه، واقعیت این است که سرویس اطلاعاتی و جاسوسی رژیم صهیونیستی، همواره بدون اطلاع مقامات این سازمان، با جذب و استخدام جاسوس از میان یهودیان محلی ایرانی به عملیات جاسوسی در راستای برنامه ها و اهداف خود مبادرت می کرد. بازداشت و افشای فعالیت های جاسوسی دو نفر یهودی ایرانی برای موساد، تنها یک نمونه آشکار در سابقه تاریخی فعالیت موساد در این باره است:

ریاست اداره دوم

درباره: دو نفر کلیمی به نام های سیروس فرزند براخاص شهرت امیدی و رحمت اله فرزند مهدی شهرت ذبیحی

ص: ۴۱۵

۱- . سند ساواک، مورخ ۵/۸/۱۳۵۴، طبقه بندی سرّی.

بـا ایفـاد عین نامه شـماره ۶۸۶/ح –۲/۳/۳۷ سـاواک کردسـتان و عین نامه شـماره ۷۸۴۰/۱۷۸/۱ص ۳۷–۱۲/۳/۳۷ سـتاد بزرگ ارتشـتاران و دو برگ نامه آقای مراد اریه(۱) نماینـده مجلس[،] نظر به اینکه اتهام دو نفر نامبرده بالا جاسوس می باشـد علیهذا خواهشمند است دستور فرمایند با توجه به پی نوشت تیمسار معاونت دوم سازمان که در ذیل نامه ستاد بزرگ ارتشتاران مرقوم فرموده اند، فوری اقدامات مقتضی معمول و نتیجه را نیز به این اداره اعلام فرمایند.

[امضا] رئیس اداره – صمدیانپور(۲)

لازم به یادآوری است، موساد، بدون هماهنگی ساواک، یهودیان مهاجر عراقی مقیم تهران را جذب و به اسـتخدام درمی آورد و پس از آنهـا در جهت اهـداف اطلاعـاتی خود، به ویژه کشورهـای عربی، از جمله عراق بهره برداری می کرد. نامه اداره کل هشتم ساواک به

رئیس آن تشکیلات در این باره اطلاعات قابل توجهی دارد:

به: تیمسار ارتشبد ریاست ساواک

از: اداره کل هشتم موضوع: فعالیت های اطلاعاتی سرویس زیتون در ایران

محترما به استحضار می رساند:

نمایندگی اسـرائیل در ایران دارای ۲۵ دیپلمات و ۲۰ نفر کارمند محلی که تماما کلیمی و اقوامشان در اسـرائیل می باشـند و یا خود مدتی در اسـرائیل بوده می باشد که از این تعداد ۱۱ نفر افسـر اطلاعاتی هستند که سه نفر از آنان در وابستگی نظامی می باشند. بقیه اعضا و نمایندگی

اسرائیل از آموزشهای لازم برخوردار بوده و در مسیر اهداف سرویس فعالیت هایی دارند که

قرائنی موجود است لیکن دلایل مستحکمی وجود ندارد. سرویس اطلاعاتی اسرائیل با توجه به

تسـهیلات موجود علاوه براینکه در طرح کریسـتال و منطقه شورش فعالیت های وسـیعی دارد، بـدون اطلاع ساواک مبادرت به اقدامات یک جانبه ای می نمایند که ذیلاً نمونه هایی از این

فعالیت ها به استحضار می رسد:

۱– سرویس زیتون از بین کلیمیان عراقی که به مرور به ایران مهاجرت و به تابعیت دولت

شاهنشاهی

۱- . مراد آقاجان اریه از سران و ثروتمندان یهود ایران بود که با خاندان سلطنتی، نمایندگان مجلس و سناتورها و دولتمردان کشوری و لشکری ارتباط بسیار نزدیک داشت. نامبرده در دوره های چهاردهم تا بیستم (جز دوره شانزدهم)، جمعا شش دوره، سمت نمایندگی یهودی های ایران در مجلس شورای ملی را عهده دار بود. به علاوه، مراد اریه در آن دوران رئیس انجمن مرکزی کلیمیان ایران نیز بود.

۲- . نامه ساواک، مورخ ۱۷/۳/۱۳۳۷، شماره ۷۲۲۶/۳۷.

درآمده و دارای مشاغلی در بازار از قبیل صرافی و تبدیل ارز و شرکتهای صادراتی و وارداتی می باشند مبادرت به استخدام منابعی نموده که این افراد با توجه به حرفه و شغل مناسب و پوششی که دارند ضمن کسب اطلاعاتی پیرامون مسائل سیاسی روز وظایفی از قبیل نشان کردن افراد واجد شرایط و آماده نمودن آنها جهت همکاری با سرویس اطلاعاتی اسرائیل

را به عهده دارند و بعضا از وجود عده ای دیگر نیز با توجه به حرفه بازرگانی به عنوان آدرس واسطه برای تماس با مأمورین خود در کشورهای عربی استفاده می نمایند.

عده ای از این کلیمیان که به کار صرافی اشتغال دارند سرویس زیتون را از نظر مالی پشتیبانی نموده و همه ماهه مقدار زیادی دینار عراقی و کویتی و ریال عربستان سعودی و سایر ارزهای

خارجی برای سرویس تهیه و در اختیار قرار می دهند.(۱)

نمونه بسیار جذاب و خواندنی دیگر در این زمینه، ویکتور مناحیم جاسوس یهودی

عراقی الاصل است که به عنوان مأمور موساد در ایران و عراق شبکه جاسوسی دایر کرده بود و به فعالیت های اطلاعاتی و جاسوسی مبادرت می ورزید:

به: تیمسار مدیریت کل اداره هشتم

از: اداره دوم عملیات ۸۲۱

موضوع: ویکتور (فیکتور) مناحیم

محترما به استحضار عالی می رساند:

نامبرده فوق طی تقاضای پیوست درخواست نموده چون احتیاج به معالجه دارد لسه پاسه برای وی به منظور مسافرت به اسرائیل صادر گردد.

سابقه:

مشارالیه از پناهندگان عراقی است که دارای سوابق به شرح زیر می باشد:

الف – نامبرده اولین بار با گذرنامه عراقی در تاریخ ۳۰/۱۰/۲۵۱۴ [۱۳۳۴]از طریق مهرآباد به ایران وارد و تحت عنوان انجام امور بازرگانی و تجارت پروانه اقامت تحصیل و چندین بار با اخذ روادید خروج از کشور خارج و مجددا به ایران مراجعت می نماید. آخرین بار در تاریخ

۷/۱/۲۵۲۲ [۱۳۴۲]از کشور خارج و در ۱۸/۸/۲۵۲۴ [۱۳۴۴] بطور غیرمجاز از طریق مرز خرمشهر به ایران وارد و دفترچه

اقـامت مهـاجرین و پناهنـدگان برایش صـادر می شود و بعـد از پناهنـده شـدن به ایران چنـدین بـار بالسه پاسه به منظور دیـدن اقوامش به اسرائیل مسافرت نموده است.

ص: ۴۱۷

۱- . گزارش ساواک، مورخ ۶/۱۲/۱۳۵۲، طبقه بندی سرّی.

ب – در تاریخ ۳۰/۴/۲۵۲۷ [۱۳۴۷] اداره کل دوم طی اطلاعیه ای اعلام داشت دو شبکه جاسوسی در عراق (بصره) کشف گردید که افراد دستگیر شده ۲۳ نفر بوده اند و اسناد بدست

آمده از آنان فیلم های ارتشی، نقشه های نظامی، فیلم های کداک و رمز بوده است رئیس این

شبکه ویکتور عذرا مناحیم مقیم ایران می باشد و برادرش ناجی مناحیم اموال قاچاق و اطلاعات را به وسیله زنان به ایران می فرستاده است و نامه های حاوی مرموزات به وسیله زنی به نام فاطمه جعفر و مردی به نام یعقوب یوسف جاسم در جعبه حلوایی که مخصوص این کار درست شده بود ارسال می شده است و یکی از مأمورین این شبکه در عراق که اطلاعات مربوط به پایگاههای

زمینی و نقشه های نظامی را در اختیار قرار می داده به ۲۵ سال زندان محکوم گردیده است.

متعاقب کشف این شبکه شخصی به نام فجرعبداله که تماس اطلاعاتی با مرزهای ایران و عراق داشته دستگیر و پس از دستگیری این شخص خانه ای در خیابان ۱۴ رمعان در کوی افسران در عراق که پوشش آرایشگاه زنانه داشته کشف می شود که از این منزل مقادیر زیادی وسایل مورد نیاز جاسوسی بدست می آید.

ج – در تاریخ ۱۷/۱۰/۲۵۲۷ [۱۳۴۷] نماینده دوستان زیتون طی نامه ای اعلام می دارد که آقای زمیری اسرافیلی نامه ای از برادرش در بغداد دریافت داشته است برادر او در این نامه از آقای زمیری تقاضا کرده که به آقای ویکتور مناحیم بگوید زمامداران و مقامات عراقی خیلی مایلند با وی تماس بگیرند و او را به بغداد بیاورند تا در داوری چهل نفر یهودی عراقی حضور داشته

باشد. در این نامه همچنین تأکید شده است که دو دسته از سازمان امنیت عراق برای ربودن

آقای مناحیم به ایران اعزام شده اند. نامه موصوف به انضمام خلاصه ای از سوابق ویکتور مناحیم

به عرض تیمسار مدیریت کل می رسد و در تاریخ ۲۰/۱۰/۲۵۲۸ [۱۳۴۸] با وی مصاحبه می شود. نتیجه مصاحبه بدین شرح بوده است: نامبرده در مصاحبه اظهار می دارد در بصره به

شغل فروشندگی لوازم کشاورزی اشتغال داشته یک روز از طرف سازمان امنیت عراق وی را احضار و در مورد نامه هایی که برادرش برای وی ارسال می نموده توضیح می خواهند که وی

عین نامه ها را ترجمه می کند و پس از چند روز بازداشت مقامات عراقی در اطراف سوابق او

تحقیق می نمایند و چون هیچ گونه سابقه ای از وی بدست نمی آید آزاد می شود و پس از آزادی

مدتی تفکر می نماید و نتیجه می گیرد که ماندن در عراق بی فایده است زیرا بار دیگر ممکن

است خلاصی نداشته باشد و در مصاحبه اضافه می نماید که چند ماه قبل از خانمی به نام اوت

ص: ۴۱۸

که دوستش می باشد و مهاجر عراقی مقیم اسرائیل است نامه ای دریافت داشته که در آن نامه خانم اوت تقاضا کرده بود که اجازه بدهد که آدرسش را در ایران برای یکی از دوستان عراقی برادرش که مقیم آلمان است بفرستد و تأکید کرده بود که این دوست برادرش خبر مهمی را می خواهد به من بدهد که در جواب نوشتم موضوع را مسکوت بگذارد و در این باره چیزی ننویسد و دیگر از موضوع خبری ندارد.

ه- در تاریخ ۱۲/۸/۲۵۳۰ [۱۳۵۰] رابط سرویس زیتون طی تقاضایی عنوان نموده بود که در نظر دارند برای تماس با یهودیان مقیم عراق و گریزاندن این افراد از عراق به خارج از وجود

شخصی به نام فردریک رومنس که چکسلواکی الاصل می باشد و دارای گذرنامه عراقی است استفاده نمایند. قبل از این تقاضا و بعد از آن نتیجه حاصل از کنترل تلفن دوستان زیتون حاکی بود که رابط سرویس زیتون با فردریک رومنس و ویکتور مناحیم تلفنی قرار ملاقات تعیین نموده است و چون آقای فردریک رومنس با اداره ۸۱۰ همکاری داشت از طریق اداره ۸۱۰ تحقیق شد که نتیجه تحقیقات و شنودهای تلفنی موصوف مشخص ساخت که احتمالاً فردریک رومنس

توسط ویکتور مناحیم شناسایی و به سرویس زیتون معرفی شده است.

د- ویکتور مناحیم با نذیرفنصه سردبیر مجله الاخاء رابطه دارد و به منزل او رفت و آمد می نماید کیفیت ارتباطات او با نذیرفنصه به موضوع مشخص نیست.

ز- با ورود به تابعیت برادر سوژه (ناجی مناحیم) بدوا مخالفت شده است لیکن بعدا در سال ۲۵۱۷ [۱۳۳۷] با ضمانت یکی از نمایندگان مجلس شورای ملی به نام سلطان محمد شیخ الاسلامی

(سلطانی) با ورود به تابعیت مشارالیه موافقت شده است.

خ - سوژه در تاریخ ۳/۲/۳۶ [۱۳۵۶] تقاضای ورود به تابعیت دولت شاهنشاهی را نمود که سوابق وی به عرض رسید و با تقاضای ورود به تابعیت وی مخالفت شد.

نظریه:مندرجات گزارش فوق مؤید ارتباط و همکاری نامبرده با سرویس زیتون می باشد با عرض مراتب فوق صدور هرگونه امری در مورد تقاضای مشارالیه مبنی بر صدور لسه پاسه به منظور

معالجه موکول به نظر عالیست. مراتب جهت استحضار و صدور هر گونه امری از لحاظ عالی گذشت.(۱)

۱- . سند ساواک، مورخ ۲۴/۷/۳۶[۱۳۵۶]، از مدیریت کل اداره هشتم به اداره دوم عملیات ۸۲۱، طبقه بندی خیلی محرمانه.

محدوده استراتژیک اسرائیل

اشاره

ص: ۴۲۱

جغرافیای پیرامونی

(۱)

به گواهی اسناد، اطلاعات و منابع مختلف سیاسی و تاریخی، تمام سرزمین های واقع در اطراف فلسطین و ساکنان آنها، براساس تئوری صهیونیستی، هر یک، به گونه ای، با مقوله موجودیت، امنیت، و تداوم بقای اسرائیل مرتبط هستند.

اسرائیلی ها در توجیه «استراتژی صهیونیستی» و «دکترین پیرامونی» به طور پنهان و بعضا آشکار، مقوله دیگری به نام امنیت روانی را نیز به مطالبات خود افزوده اند:

اینها مسأله روانی یهودیان را مطرح کرده اند و گفتند چون یهودی ها در طول قرن های متمادی زیر فشار بودند، از لحاظ روانی دچار نگرانی اند و به امنیت روانی احتیاج دارند. صهیونیست ها در مذاکرات با سران کشورهای غربی و بعدها در گفت وگوهای خود با کشورهای اسلامی و عربی، مسأله امنیت روانی را مطرح کردند. و گفتند ما به امنیت روانی

۱- در همین کتاب، فصل اجلاس اطلاعاتی سه جانبه گزارش ها و قطعنامه ها، اخبار، اطلاعات و گزارش های مستند و بسیار حائز اهمیت و قابل توجه درباره شماری از کشورها و مناطق مختلف آسیایی و آفریقایی آمده است. بر مبنای تئوری صهیونیستی، این کشورها و مناطق که در محدوده استراتژیک اسرائیل واقع شده اند و یا مشمول استراتژی پیرامونی این رژیم قرار دارند، عبارتند از: لبنان، اردن، سوریه، ترکیه، عراق، ایران، کویت، پاکستان، افغانستان، عربستان، امارات متحده عربی، عمان، یمن، بحرین، مصر، سودان، اتیوپی، اریتره، جیبوتی، سومالی، لیبی، تونس، الجزایر، مراکش و... . دیدگاه ها و نقطه نظرهای مقامات بلندپایه موساد و ساواک، مندرج در اسناد و گزارش های مورد نظر، درباره اوضاع و تحولات داخلی، ارتباطات و سیاست خارجی و مواضع سیاسی این کشورها، نشانگر آن است که، سرویس های اطلاعاتی و جاسوسی اسرائیل، از رهگذر پیمان اطلاعاتی سه جانبه و دوجانبه و نیز از طریق مأموران و جاسوسان مستقل خود، رویدادهای داخلی این کشورها و مناطق را به شدت و به طور جدی تحت نظر و مراقبت اطلاعاتی قرار داده بودند و حتی در بسیاری از این مناطق، جاسوسان، مزدوران و مأموران اطلاعاتی آنها فعال بودند.

احتیـاج داریم. این امنیت روانی یعنی چه؟ هیـچ معنای مشـخص و هیـچ پایانی نـدارد. هر اقـدامی بخواهـد انجام بگیرد، اگر به سودشان نباشـد، به بهانه امنیت روانی، می تواننـد آن را خنثی کننـد. بسـیاری را در دنیا قانع کردنـد که به امنیت روانی احتیاج دارنـد و بایـد امنیت روانی آنها تأمین بشود. برآوردن نیاز اسـرائیل در مورد امنیت روانی، مشـکل تر است از چشم پوشـیدن از سرزمین.

شما وقتی سـرزمین را از دست می دهیـد، می دانیـد چه چیزی را از دست دادیـد؛ اما وقتی می خواهیـد خواسـته اسـرائیل را در مورد امنیت روانی برآورده کنیـد نمی دانیـد تا کجا بایـد تسـلیم شویـد و تا کجا باید امتیاز بدهید. این امتیازدهی پایانی ندارد؛ مرتب باید امتیاز داد.(۱)

این مطالبـات و خواسـته هـای اسـرائیل، تاکنون به گونه های مختلف طرح شـده است. برخی این تلاش ها را این گونه ارزیابی کرده اند، که اسرائیل و جامعه صهیونیستی در سرزمین

فلسطین، در منطقه خاورمیانه در انزوا قرار دارد. بر مبنای این فرضیه، صهیونیست ها برای

خروج از انزوا، ناگزیر به عملی ساختن طرح صهیونیستی موسوم به دکترین حاشیه ای یا

استراتژی پیرامونی بوده اند. بعضـی دیگر جامعه اسـرائیلی موجود در سـرزمین فلسـطین را اقلیت تحت محاصره کشورها و ملت هـای اسـلامی ارزیـابی کرده و تکـاپوی نظـامی، سیاسـی و اطلاعاتی صـهیونیستی در منطقه خاورمیانه تا آفریقا را از این زاویه مورد ارزیابی قرار

داده اند. نظریه سوم، مبتنی بر این فرض است که اسرائیل به عنوان یک دولت نوبنیاد و غریبه

در میـان دریای مسـلمانان سـعی دارد از میان بعضـی اقوام، طوایف و ملت های ساکن در حوزه های جغرافیایی یاد شـده، برای خود دوسـتان و هم پیمانانی پیدا کند. نظریه چهارم بر این فرضیه استوار است که اسرائیلی ها خواهان صلح و سازش با شماری از کشورها و ملت های جغرافیای مورد نظر بوده و تلاش آنها در مسیر سیاست پیرامونی بر این پایه استوار است.

علی ایحال، جامعه صـهیونیستی و رهبران و سـران اسـرائیل طی چنـد دهه گذشـته، بر اساس اهـداف و منویات پنهان و آشـکار خود، مسأله ای به نام محدوده استراتژیک اسرائیل را همواره تکرار کرده و توجیهات فراوان برای دست اندازی، نفوذ و حضور خود در این محدوده ارایه

کرده اند.

افرایم سنیه، از تئوریسین های سیاسی و استراتژیست های اسرائیلی در این خصوص نوشته است:

۱- . سخنان آیت اللّه خامنه ای در تاریخ پنجشنبه ۱۱ بهمن ۱۳۸۰.

محدوده استراتژیک اسرائیل بسیار وسیع تر شده است. این محدوده دیگر به دشمنان همجوار سنتی، یعنی سوریه، لبنان، اردن و مصر محدود نمی شود؛ باید توجه داشت که هر چه در این

محدوده می گذرد می تواند امنیت ما را به مخاطره اندازد. هر کشوری که می تواند در تهاجم به اسرائیل شرکت کند یا کشورهای خط مقدم را از توان موشکی برخوردار سازد یا از آنها در

برابر حملات موشکی اسرائیل محافظت نماید، در محدوده استراتژیک اسرائیل قرار می گیرد.(۱)

از دیدگاه استراتژیست های اسرائیلی، حتی اگر کشورهای همسایه اسرائیل با آن رژیم صلح و سازش کنند و موجودیت آن را بشناسند، باز هم تعادل استراتژیک میان اسرائیل و کشورهای پیرامون آن برقرار نخواهد شد. مگر زمانی که این تعادل به نفع جامعه اسرائیلی

تغییر کند. این تعادل چگونه تغییر خواهد کرد؟ پاسخ سرّی اسرائیل چنین است:

۱- گسترش اراضی تحت تصرف اسرائیلی ها تا هر کجا که مصالح آنها اقتضا کند! ۲- افزایش جمعیت یهودی اراضی اشغالی مورد نظر. ۳- افزایش توان نظامی و اتمی اسرائیل. ۴- کاهش جمعیت کشورهای اسلامی. ۵- خلع سلاح مسلمانان و جلوگیری از دستیابی کشورهای مسلمان منطقه به سلاح های استراتژیک به ویژه هسته ای. ۶- تبدیل کشورهای اسلامی به بازار مصرف

کالاهای غربی و جلوگیری از هر گونه پیشرفت های علمی، صنعتی و فن آوری های تکنولوژیکی در میان این کشورها و... .

براین اساس، هر کدام از این موازنه ها به هم خورد، تعادل استراتژیکی میان اسرائیل و کشورهای اسلامی پیرامون آن به ضرر اسرائیل به هم خورده است!

بر مبنای چنین فرضیه و تحلیلی، جامعه اسرائیلی برای خود حقوقی بدون حد و مرز قایل است:

همسایگان دور و نزدیک ما، اعراب یا مسلمانان هستند و خواهند بود و تاریخ خاورمیانه به ما نشان می دهد که در این منطقه مسامحه با اقلیت ها و تعهد به حفظ موجودیت آنها بی معنی

است. وضعیت مسیحیان در لبنان بهترین شاهد این مدعاست. حتی در صورت دستیابی به صلح واقعی و برقراری مناسبات صمیمانه فیمابین و اجرای طرح های مشترک اقتصادی، اختلافات نژادی میان اسرائیل و دیگر کشورها کماکان باقی خواهد ماند. به نفع ماست که هویت خود را حفظ کنیم و اجازه ندهیم، محو و فنا شود؛ زیرا چنانکه می دانیم، اسرائیل تنها جایی در دنیاست

۱- . افرایم سنیه، اسرائیل پس از ۲۰۰۰، ص ۱۷.

که در آن یهود حاکمیت دارد. بنابراین هیچگاه نباید از یاد ببریم که در محیط عربی - اسلامی، هر چند که ممکن است طی سال های طولانی اعتراض علیه وجود دولت اسرائیل فروکش کند، اما باز هم امکان دارد که رویه از سر گرفته شود.(۱)

استراتژیست های اسرائیلی با چنین استدلال ها و تحلیل ها، در صدد اثبات چه چیزی هستند؟ ماحصل کلام آنها چیست؟ پیامی را که از این طریق به کشورهای مسلمان و حتی خود جامعه صهیونیستی ارسال می کنند در تعقیب کدام نتیجه هستند؟

افرایم سنیه این استراتژیست اسرائیلی فرضیه های خود را بیشتر تبین می کند:

هنگامی که... نگاهی تیزبینانه به اطراف خود بیفکنیم درخواهیم یافت که چقدر تفاوت های اساسی، بین اسرائیل و محیط اطرافش وجود دارد. اسرائیل ۵/۵ میلیون نفر جمعیت دارد که

کمتر از ۵ میلیون نفر آنان یهودی اند در حالی که جمعیت چهار کشور مصر، سوریه، اردن و لبنان ۷۹ میلیون نفر و شمار فلسطینیان ساکن در کرانه باختری و نوار غزه ۲ میلیون نفر می باشد. با احتساب جمعیت لیبی، تونس، الجزایر، مراکش، عراق و ایران، جمعیت اعراب و مسلمانان ساکن در این محدوده به ۲۶۰ میلیون نفر می رسد.(۲)

این نویسنده صهیونیست، پس از اشاره به فرضیه امنیت روانی، محدوده استراتژیک و عدم تعادل استراتژیک بین اسرائیل و کشورهای پیرامونی، به لحاظ ژئوپولیتیکی و جمعیتی،

در ادامه می افزاید:

نابرابری [دیگر]، بین اسرائیل و همسایگانش به وسعت جغرافیایی مربوط می شود. با نگاهی سریع به نقشه منطقه، ملاحظه می کنیم که مساحت اسرائیل ۱۱٪ مساحت سوریه و ۲٪ مساحت مصر می باشد. آنچه خطر ناشی از مساحت اندک اسرائیل را تشدید می کند، تمرکز جمعیت آن،

به ویژه یهودیان - در امتداد دشت ساحلی از «عکا» تا «عسقلان» یا همان گونه که عادت کرده ایم

بگوییم از «خضیره» تا «غدیره» است. این تمرکز جمعیت باعث می شود اسرائیل بیش از هر کشور دیگری آسیب پذیر و در معرض ضرر و زیان باشد، زیرا دشت ساحلی نه تنها بخش اعظم جمعیت را در خود جای داده است، بلکه کلیه مراکز اقتصادی، فناوری، علمی و آموزشی

یهود در این ناحیه واقع شده است و روشن است که در چنین شرایطی دفع حملات دشمن، به

۱- . افرایم سنیه، ص ۱۹.

۲- . همان منبع، ص ۲۰.

ویژه دشمن که از سلاح های کشتار جمعی استفاده کند، دشوار می باشد.(۱)

برای به هم زدن این وضعیت به نفع رژیم صهیونیستی، یکی از سران و رهبران اسرائیل ایده خاورمیانه جدید را ارایه می دهد. شماری از تئوریسین ها و استراتژیست های کهنه کار

صهیونیست در مراکز مطالعاتی و دانشگاهی برای استقرار سیطره صهیونیسم در منطقه و به هم زدن موازنه جمعیتی و جغرافیایی به نفع اسرائیلی ها و از بین بردن همگونی، وحدت و

هویت اسلامی و عربی کشورهای منطقه، و به بیانی دیگر تغییر جغرافیای خاورمیانه، توطئه هایی را تدارک دیده اند که نمونه آشکار آن، نوشته شیمون پرز نخست وزیر اسبق رژیم صهیونیسم است.(۲)

استراتژی نهایی و نهانی «خاورمیانه جدید» شیمون پرز اسرائیلی و مکنونات پنهان افرایم سنیه صهیونیست همان فرضیه ده ها سال پیش بن گوریون تحت عنوان دکترین حاشیه ای است؛ که آبا اِبان، یکی از رهبران و سیاستمداران کهنه کار اسرائیلی در کتاب خود به صراحت در این باره نوشت:

در این حقیقت شک و تردید نیست که این منطقه به طور مطلق متعلق به قوم یهود می باشد.(۳)

اسرائیلی ها در مسیر اجرا و عملی ساختن استراتژی خود در منطقه، نقش و مأموریت اساسی و کلیدی را به عهده سرویس اطلاعاتی و جاسوسی خود، موسوم به موساد گذاشتند. این سازمان سرّی و اطلاعاتی از همان آغاز تعقیب استراتژی پیرامونی را در دستور برنامه و فعالیت خود قرار داد. برقراری ارتباط با سرویس اطلاعاتی ایران دوره سلطنت پهلوی، موسوم به ساواک و نیز سرویس اطلاعاتی ترکیه و بعدها اتیوپی، بخشی از این تلاش ها بود

که محور اصلی آن عمدتا موساد بود.

پیمان اطلاعاتی دوجانبه موساد و ساواک، موسوم به طرح «کریستال» یا «بلور»، قرارداد

اطلاعاتی سه جانبه موساد، ساواک و سازمان اطلاعاتی ترکیه، با نام «نیزه سه سر» و نیز پروتکل همکاری اطلاعاتی سه جانبه ساواک و موساد با سرویس اطلاعاتی اتیوپی، با نام رمز «عقاب» تماما از این زاویه قابل ارزیابی است. کشورهای اسلامی منطقه، به عنوان هدف اصلی این

پیمان ها، نشانه گیری شده بودند. این نشانه گیری ها نیز دقیقا منطبق و متکی بر برنامه ای بود که

۱- . همان منبع، ص ۲۰.

۲- . برای کسب اطلاعات بیشتر در این باره مراجعه شود به: شیمون پرز.

۳- . آبا اِبان، ص ۲۹۳.

اسرائیلی ها تحت عنوان استراتژی حاشیه ای یا دکترین پیرامونی، از طریق موساد آن را تعقیب می کردند. در کتاب جنگ های نهانی اسرائیل در این باره چنین می خوانیم:

ایسر هارل، رئیس موساد سهم مهمی را در این استراتژی نوآورانه، یعنی توسعه و پیشبرد نقش اسرائیل در دیپلماسی نهانی داشت.(۱)

این ایده اگر چه به نام دیوید بن گوریون اولین نخست وزیر اسرائیل ثبت شده است؛ اما ایسر هارل، از رؤسای پیشین موساد آن را از نوآوری ها و ابتکارات خود قلمداد کرده است؛ همان گونه که بعضی نویسندگان اسرائیلی و غربی، ریوون شیلوا اولین رئیس موساد را مبتکر و بانی اصلی این نظریه قلمداد کرده اند:

ایسر هارل که رک بودن متمایل به بی حیایی خصوصیت بارز اوست، ارائه ایده اتحاد با پیرامون را متعلق به خود می داند، اما برخی از دیگر منابع اسرائیلی، اصل این فکر را از آن ریوون شیلوای قدرتمند می دانند.(۲)

و همه این ها نشان از قدمت ایده مورد نظر دارد. در این دکترین، ایران جایگاه بسیار مهمی برای اسرائیل و سرویس اطلاعاتی آن، یعنی موساد داشت:

ایران که از این نظر گوهر تابناک این دیهیم به شمار می آمد، در آنچه دکترین حاشیه ای نامیده

شد و برای مدت دو دهه تا زمان سرنگونی شاه در سال ۱۹۷۹ در چنین وضعیتی جای می گرفت.(۳)

۱- . یان بلک و بنی موریس، ص ۲۳۲.

۲- . اندرو و لسلی کاکبورن، ص ۱۵۹.

۳- . یان بلک و بنی موریس، ص ۲۳۲.

لبنان

(۱)

لبنان کشوری در جنوب غربی آسیا بر ساحل شرقی دریای مدیترانه واقع شده است. از شمال و شرق به سوریه و از جنوب به فلسطین و از غرب به مدیترانه محدود است. این سرزمین تا جنگ جهانی اول تحت فرمانروایی امپراتوری عثمانی قرار داشت. در پایان جنگ نیروهای متفقین لبنان را اشغال کردند و آن را تحت اداره نظامی فرانسه قرار دادند. در سال ۱۹۲۳، جامعه ملل سوریه و لبنان را (مطابق آنچه در قرارداد محرمانه انگلیس و فرانسه تحت

عنوان سایکس - پیکو در سال ۱۹۱۶ منعقد شده بود) رسما تحت قیمومت فرانسه قرار داد. تحت حکومت فرانسه، آرزوهای مردم لبنان تحقق نیافت و آرامش از این جمهوری رخت بربست... عاقبت در سال ۱۹۴۳ فرانسوی ها با برگزاری انتخاب آزاد موافقت کردند و ملی گراها در انتخابات پیروزی یافتند و رهبر آنان بشاره الخوری به ریاست جمهوری انتخاب

۱- . در همین کتاب، فصل اجلاس اطلاعاتی سه جانبه (گزارش ها و قطعنامه ها)، اخبار، اطلاعات و گزارش های مستند و بسیار حائز اهمیت و قابل توجه درباره شماری از کشورها و مناطق مختلف آسیایی و آفریقایی آمده است. بر مبنای تئوری صهیونیستی، این کشورها و مناطق که در محدوده استراتژیک اسرائیل واقع شده اند و یا مشمول استراتژی پیرامونی این رژیم قرار دارند، عبارتند از: لبنان، اردن، سوریه، ترکیه، عراق، ایران، کویت، پاکستان، افغانستان، عربستان، امارات متحده عربی، عمان، یمن، بحرین، مصر، سودان، اتیوپی، اریتره، جیبوتی، سومالی، لیبی، تونس، الجزایر، مراکش و... . دیدگاه ها و نقطه نظرهای مقامات بلندپایه موساد و ساواک، مندرج در اسناد و گزارش های مورد نظر، درباره اوضاع و تحولات داخلی، ارتباطات و سیاست خارجی و مواضع سیاسی این کشورها، نشانگر آن است که، سرویس های اطلاعاتی و جاسوسی اسرائیل، از رهگذر پیمان اطلاعاتی سه جانبه و دوجانبه و نیز از طریق مأموران و جاسوسان مستقل خود، رویدادهای داخلی این کشورها و مناطق را به شدت و به طور جدی تحت نظر و مراقبت اطلاعاتی قرار داده بودند و حتی در بسیاری از این مناطق، جاسوسان، مزدوران و مأموران اطلاعاتی آنها فعال بودند.

شـد... پس از بحران دیگری در سال ۱۹۴۵، توافق شـد که نیروهای فرانسه و بریتانیا لبنان را تخلیه کننـد. این امر در سال ۱۹۴۶ انجام یافت و لبنان کاملاً مستقل شد. در سال ۱۹۴۵ لبنان

عضو اتحادیه عرب شد و به جامعه ملل پیوست.(۱) پس از اشغال بخش عمده اراضی فلسطین از سوی صهیونیست ها و اخراج و آوارگی صدها هزار مسلمان آن سرزمین، هزاران فلسطینی به سرزمین لبنان سرازیر شدند و در آن سرزمین اسکان یافتند. در سال ۱۹۶۸ رژیم

صهیونیستی فرودگاه بیروت را بمباران کرد. در سال ۱۹۶۹ نیز اسرائیلی ها لبنان را هدف

بمباران خود قرار دادند و این کشور را دچار بحران کردند. در سال ۱۹۸۲ مجددا این سرزمین

هـدف تجاوز اسـرائیل قرار گرفت و صـهیونیست هـا بـا هماهنگی فالانژیست ها و مسـیحیان مارونی تا پشت دیوارهای بیروت پیشروی کردند.

لبنان به عنوان یک کشور هم مرز و همسایه فلسطین از جمله مناطقی است که در استراتژی پیرامونی، جایگاه ویژه دارد.

این کشور همواره به عنوان هـدف خط مقـدم در دکترین اسـرائیل نشانه گیری شده است. در کتاب جنگ های نهانی اسـرائیل درباره لبنان آمده است:

علاقه اسرائیل به اتحاد با مسیحیان لبنان، از دهه ۱۹۵۰، بخش کانونی تئوری دکترین حاشیه ای

را تشـکیل می داده است. جنگ داخلی شـرایطی را فراهم آورد که دست کم این تئوری در عمل پیاده شود. موساد و تا اندازه کمتری هم، شعبه اطلاعات ارتش [اسرائیل]، کانال های ارتباطی برای ایجاد این اتحاد را دارا بودند.(۲)

دیوید کیمخی (کیمچی) معاون وقت سـرویس اطلاعاتی اسرائیل (موساد) در دیداری با رئیس ساواک (نصیری)، در آبان سال ۱۳۵۵، ضـمن اشاره به برنامه ها و اهداف اسـرائیل در لبنان و ضرورت ایجاد جنگ داخلی در آن کشور، تا آنجا پیش می رود که موضوع حـذف امـام موسـی صـدر از صـحنه لبنـان مطرح و حتی طرح جایگزین را نیز به رئیس ساواک ارایه می کنـد. این گفت وگو نشان می دهد که لبنان از جنبه های مختلف سیاسی و ژئوپولیتیکی برای اسرائیل

دارای اهمیت فراوان و استراتژیـک بـوده است. از سوی دیگر حـاکی از ترس مقامـات صـهیونیستی نسبت به گسـترش اصول، ارزش ها و فرهنگ ناب اسلامی در آن سرزمین است.

۱- . غلامحسین مصاحب، دایره المعارف فارسی، ج دوم، بخش اول، شرکت سهامی کتاب های جیبی، چاپ سوم، ۱۳۸۱، ص ۲۴۸۴.

۲-. یان بلک و بنی موریس، ص ۴۴۵.

تا جایی که آنها امام موسی صدر را به عنوان یک خطر جدی در مسیر استراتژی خود ارزیابی کرده و در صدد حذف آن مرد بزرگ برمی آیند. نکته دیگری را که این سند آشکار می سازد،

تبانی و توطئه مشترک ساواک و موساد در ماجرای امام موسی صدر است که به طور جدی نیازمند بررسی و تحلیل دوباره است:

آقای کیمخی: [...] در مورد لبنان باید به عرض برسانم که فعالیتهای مهمی داشتیم. به نفع دست راستیها وارد عملیات شدیم و امروز این ارتباطات بسیار قوی هستند. دو هفته قبل من در منزل پیر جمایل بودم و هر دو موافق این برنامه بودیم و در ضمن شرط کردیم که اگر قرار است جنگی شروع بشود نباید بین مسلمانان و مسیحیان باشد بلکه بین چپی های افراطی و دست راستیها باید جنگ بشود. [...] در این زمینه مایلیم که همکاریهای مؤثری داشته باشیم. لااقل از نظر اطلاعاتی می توانیم همکاری نماییم.

پیشنهاد کوچکی دارم. موسی صدر کارش تمام است و امروزه شیعیان لبنان رهبر ندارند و برای شما فرصت مناسبی است که موسی صدر جدیدی را انتخاب کنید و به لبنان بفرستید. البته این

شخص باید در مرحله اول به شما وفادار باشد. گرچه سوریها در داخل لبنان صلح موقتی بوجود آورده اند ولی این پایان جنگ نیست. دست راستیها به هیچ وجه حضور فلسطینی ها را

در هیچ زمانی تحمل نخواهند کرد. و منتظر فرصت هستند که جنگ را دوباره شروع کنند بنابراین ما معتقدیم که تماسهایمان را با گروههای دست راستی ادامه بدهیم. منظور ما فقط پیر جمایل و کامیل شمعون نیست بلکه ایجاد یک نیروی دست راستی قوی در داخل لبنان است.

تیمسار ریاست ساواک: متأسفانه عوامل ما فعلاً بسیار ضعیف شده و ما سفارت را در آنجا جمع کرده ایم.

آقای کیمخی: آیا به مصلحت است که به شیعیان جنوب لبنان کمک کنیم و شما مایلید که در این کمکها سهیم باشید.

تیمسار ریاست ساواک: حتما.

آقای کیمخی: تلاشهای ما در بهبود زندگی شیعیان جنوب لبنان مؤثر خواهد بود. فکر می کنید ایجاد جبهه ای از میانه روهای معتدل کار مصلحت آمیزی باشد؟

تیمسار ریاست ساواک: باید بوجود بیاید در غیر این صورت تجزیه می شود.

آقای کیمخی: ما تا آنجا که بتوانیم تلاش می کنیم امیدواریم همکاری شما را هم در بعضی

زمینه ها جلب نماییم. ما حتی در مورد همکاریمان با [بعضی اعضای جامعه]شیعیان لبنان و در داخل لبنان به آمریکاییها چیزی نگفته ایم.(۱)

اسرائیلی ها با توسل به ترفندها و بهانه های مختلف همواره در صدد یافتن جای پایی در لبنان از جمله نفوذ در میان جامعه شیعیان آن کشور بودند و برای تعقیب این مقصود افرادی

را نشان کرده بودند. ساواک به عنوان بازوی اطلاعاتی سلطنت پهلوی نیز، از هیچ گونه مساعدتی به آنها دریغ نمی کرد. متن مذاکرات رئیس موساد با رئیس ساواک در خصوص همکاری سرویس اطلاعاتی رژیم پهلوی با موساد به منظور تحقق برنامه ها و اهداف اسرائیل خواندنی است:

ژنرال ضمیر: ما همیشه می خواستیم با سازمان امنیت لبنان به طور جدی صحبت کنیم ولی تاکنون نتوانسته ایم و باید به عرض برسانم تا این لحظه لبنان از تروریستهای فلسطینی - ترک - ایرانی - ژاپنی و حتی اندونزی پذیرایی می کند دولت ما می داند لبنان نقطه حساسی است و مانند یک

بچه باید از آن حمایت شود ما در عملیات خود سعی می کنیم حداقل فشار بر دولت لبنان وارد

شود دولت لبنان اگر جدی در مورد کمک صحبت کند ما به هر نوع کمک حاضریم چه از طریق شما و چه از طریق دیگر، ما آشکار گفته ایم که اگر سوریه به لبنان حمله کند ما به سوریه حمله خواهیم کرد.

تیمسار ریاست ساواک: کشور لبنان یک کشور تاجری است که نمی تواند منافع تجارتی خود را زیر پا بگذارد. در حال حاضر علاوه بر سوریه، عراق نیز در لبنان پول خرج می کند. نخست وزیر قبلی جدا تصمیم داشت که فلسطینی ها را شدیدا محدود نموده و خارجیان را از

کمپ های فلسطین خارج نماید. ولی متأسفانه دوام نیاورد و استعفا داد. و دولت فعلی هم

معلوم نیست به چه صورتی درخواهد آمد.

در موقعیت مناسب در زمانی که احساس کنیم آنها آمادگی دارند، پیشنهادات شما را با آنها درمیان خواهیم گذاشت.(۲)

شیمون شیفر مفسر رادیو رژیم صهیونیستی و از کارشناسان مشهور اسرائیلی در کتاب خود، پس از اشاره به سفر مخفیانه آریل شارون وزیر جنگ اسرائیل در سال ۱۹۸۲ به لبنان و

۱- . گزارش ساواک، متن مذاکرات ریاست ساواک با دیوید کیمخی معاون جدید سرویس اسرائیل، ۱۹/۸/۲۵۳۵[۱۳۵۵].

۲- . سند ساواک، متن مذاکرات ژنرال ضمیر [زامیر] با ریاست ساواک، دوشنبه ۱۸/۴/۱۳۵۲.

استقبال بشیر جمیل رئیس جمهور وقت آن کشور از میهمانان این مسافرت سرّی، از اسرار جنگ و تجاوز اسرائیل به خاک لبنان و کشتار هزاران لبنانی و قتل عام معروف صبرا و شتیلا به دست فالانژیست ها و همیاری اسرائیلی ها در سال ۱۹۸۲ پرده برمی دارد. شیمون شیفر اسرائیلی، این تجاوز وحشیانه و ددمنشانه اسرائیل را نه با هدف تبلیغاتی صهیونیستی مبتنی بر «امنیت الجلیل» بلکه در مسیر استراتژی اسرائیل بزرگ ارزیابی می کند. او سندی را به نقل از رافائل ایتان رئیس ستاد مشترک ارتش اسرائیل نقل می کند که چگونه این موضوع را برای نظامیان و سربازان مهاجم اسرائیلی فاش و تشریح کرده است.(۱)

دیوید هِرست با رد هرگونه بهانه بنی اسرائیلی، به عنوان دلایل حمله و تجاوز اسرائیل به لبنان، معتقد است که اسرائیلی ها از مدت ها قبل بر مبنای دکترین حاشیه ای خود، در این باره برنامه ریزی کرده بودند. به نوشته او؛ مسأله اساسی این بود که بگین چگونه و چه وقت دست به جنگ خواهد زد... تهاجم اسرائیل به لبنان، وقتی بالاخره به وقوع پیوست، اصلاً اقدام

غیرمنتظره ای به نظر نیامد. ابعاد آن نیز چندان تعجب برانگیز نبود... هدف آن بر اساس ایجاد نظم جغرافیایی سیاسی جدید در پیرامون مرزهای دور اسرائیل قرار داشت. اسرائیل در صدد

بود تا لبنان را به عنوان یک کشور مسیحی یا کشوری که تحت سلطه مسیحیان که آماده صلح

با اسرائیل باشد، بازسازی کند.(۲)

این نویسنده با اشاره به مندرجات نشریه «کیوونیم»(۳) ارگان سازمان جهانی صهیونیسم درباره استراتژی اسرائیل، اقدام و عملیات تهاجمی رژیم صهیونیستی به سرزمین لبنان را

بخشی از استراتژی پیرامونی صهیونیسم در کوتاه مدت، ارزیابی کرده و تصریح می کند که براساس آنچه ارگان سازمان جهانی صهیونیسم تأکید و اصرار دارد؛ اهداف درازمدت اسرائیل باید تمام منطقه خاورمیانه را دربر بگیرد.(۴)

۱- . ن. ک: شیمون شیفر.

۲- . دیوید هرست، صص ۴۷۰-۴۷۱.

۳- . Kivunim

۴- . همان منبع، ص ۴۷۲.

عراق

عراق به عنوان یک کشور بزرگ اسلامی و سرزمین تاریخی برخوردار از تمدن، فرهنگ و موقعیت خاص ژئوپولیتیکی در منطقه خاورمیانه، از دیرباز مورد طمع قدرت های جهانخوار بوده است. با توجه به موارد مزبور، نزدیکی جغرافیایی عراق به سرزمین فلسطین،

ویژگی دیگری به این کشور بخشیده است. بر این اساس کشور عراق در استراتژی پیرامونی صهیونیسم جایگاه ویژه ای داشته است. ارتشبد حسین فردوست درباره اهمیت و جایگاه عراق و اهداف قدرت های جهانی در این کشور نوشته است:

سرزمین عراق در جنگ جهانی اول توسط انگلیسی ها اشغال شد. انگلیسی ها به دلیل موقعیت ژئوپولیتیک عراق در منطقه و همچنین به خاطر ذخایر عظیم نفتی آن ترتیباتی دادند

تا تسلط خود را محکم کنند و لذا فیصل - پسر حسین شریف مکه - را به سلطنت عراق نشاندند و برادر او به نام عبداللّه را شاه اردن کردند. ملک عبداللّه پدربزرگ ملک حسین، شاه فعلی اردن، است. بدین ترتیب، انگلیسی ها قصد داشتند که بخش مهمی از دنیای عرب (عراق، اردن، سوریه) را به وسیله خانواده هاشمی حجاز اداره کنند و در بخش دیگر (سرزمین حجاز) خانواده سعودی، که رقیب خانواده هاشمی بود، را به قدرت رسانند. این همان سیاست معروف انگلیسی «تقسیم کن و حکومت کن» است. پس از جنگ جهانی دوم نفوذ انگلیسی ها در عراق محکم بود، تا بالاخره با همکاری آمریکا در سال ۱۳۳۳ پیمان بغداد را تشکیل دادند

و به نوعی برای عراق در منطقه مرکزیت قائل شدند. در این زمان شاه عراق، ملک فیصل دوم

بود، ولی در واقع کشور توسط نخست وزیر او به نام نوری سعید اداره می شد که عامل درجه

اول انگلیسی ها بود. ملک فیصل را چند بار در کاخ محمدرضا دیدیم. بسیار جوان بود [...].

ص: ۴۳۵

خود فیصل بسیار مؤدب و مظلوم بود و همه کاره دربار ولیعهد به نام عبدالاله بود، که احتمالاً

پسرعموی او بود. عبدالاله حدود ۱۰ سال از فیصل بزرگتر بود و روابط بسیار نزدیک با انگلیسی ها داشت و در واقع مأمور آنها در دربار محسوب می شد [...].

در این زمان روحیات ضدانگلیسی در عراق بسیار رشد کرد و بخصوص افسران عراقی تحت تأثیر کودتای ژنرال نجیب و سرهنگ عبدالناصر و ناسیونالیسم عربی ناصر قرار گرفتند و روس ها نیز این ناسیونالیسم را به شدت تشویق نمودند. بدین ترتیب در سال ۱۳۳۷ کودتای سرتیپ عبدالکریم قاسم صورت گرفت و رژیم سلطنتی در عراق سقوط کرد [...].(۱)

به هر حال در سال ۱۳۳۷، به علت ناآرامی هایی که در مرز عراق و سوریه بود، ستاد ارتش عراق یک تیپ به فرماندهی سرتیپ قاسم و معاونت سرهنگ عبدالسلام عارف را به این منطقه اعزام می دارد. تیپ کمی از بغداد خارج می شود و شب توقف می نماید و قاسم و عارف طرح

حمله به بغداد و کودتا را آغاز می کنند. ساعت ۵/۳ صبح تیپ به جای حرکت به سمت سوریه، به بغداد مراجعت می کند. قاسم با تیم انتخابی خود به طرف کاخ می رود و عارف با تیم مربوطه به سمت رادیو. قاسم عبدالاله (ولیعهد)، فیصل (شاه) و کلیه اعضاء خانواده سلطنتی را، پس از خلع سلاح گارد، در سینه دیوار تیرباران می کند و پس از مدتی نوری سعید را، که فرار کرده و در غاری مخفی شده بود، دستگیر و او را نیز تیرباران می کند. اجساد همگی به گاری بسته شده و در خیابانهای بغداد نمایش داده می شود. کودتای عراق در آن زمان بزرگترین حادثه منطقه تلقی می شد و هم غرب و هم محمدرضا را به وحشت انداخت و از آن زمان تیرگی روابط رژیم محمدرضا و جمهوری عراق آغاز شد که تا سال ۱۹۷۵ ادامه یافت.

کودتای قاسم پیشرفت مواضع شوروی در منطقه تلقی می شد و توسعه فعالیت کمونیست ها در عراق ثبات منطقه به نفع غرب را به خطر می انداخت. لذا، آمریکا و انگلیس

به تقویت رژیم محمدرضا و رژیم اردن دست زدند ولی همزمان نیز تلاش هایی صورت گرفت تا با نفوذ در ارتش عراق به تدریج نیروهای متمایل به شوروی و یا ناسیونالیست ها

پس زده شوند. بدین ترتیب، قدم به قدم راه برای صعود صدام حسین هموار شد. قاسم پس از

حدود ۴ سال حکومت [در سال ۱۳۴۰]توسط عبدالسلام عارف برکنار و کشته شد و بدین

۱- . از اکتبر ۱۹۲۰ تا اواسط سال ۱۹۵۸، طی ۳۸ سال، ۵۸ کابینه در عراق تعویض شد. درباره اسامی وزیران، نخست وزیران و دولتمداران عراقی در این مقطع تاریخی، مراجعه شود به: ناصرالدین نشاشیبی، در خاورمیانه چه گذشت، ترجمه دکتر محمدحسین روحانی، انتشارات توس، چاپ سوم ۱۳۶۷، صص ۳۹۷ تا ۴۲۴.

ترتیب حزب بعث عراق به قدرت رسید. این قدم اول به سود آمریکا تلقی می شد و پس از چندی عارف [در سال ۱۳۴۵] در سانحه هوایی کشته شد و برادرش سپهبد عبدالرحمن عارف، رئیس جمهور شد و بالاخره [در سال ۱۳۴۷]حسن البکر، عبدالرحمن عارف را بدون مقاومت

از کشور خارج کرد و عازم انگلستان نمود و قدرت را به دست گرفت. اعزام عارف به انگلستان این فرضیه را مطرح می کند که وی از آغاز مهره انگلیسی ها بوده است. در این زمان صدام حسین دبیر شورای انقلاب و معاون رئیس جمهور شد. این نشانگر آن بود که ارتش عراق صدام را برای ریاست جمهوری قبول نداشت و باید فرد خوشنامی به قدرت می رسید و لذا سرتیپ حسن البکر، که مورد قبول ارتش بود، برای این نقش انتخاب شد. ولی به تدریج

صدام نقش فائقه را در حکومت عراق به دست گرفت و خیلی زود روشن شد که همه کاره عراق اوست. در اینکه طرح دیکتاتوری صدام - مهره مورد نظر آمریکا- از مدتها پیش برنامه ریزی شد و قدم به قدم اجرا گردید، تردید ندارم. در زمانی که هنوز البکر رئیس جمهور

بود، صدام با قدرت کامل ناگهان در مراسم افتتاح دوره دانشگاه جنگ بغداد با لباس ارتشبدی - یعنی بالاترین درجه نظامی - ظاهر شد. صدام فردی غیرنظامی بود و این عمل عجیب او سبب شد که تعدادی از افسران حاضر به عنوان اعتراض مراسم را ترک کنند. [...].

در سال ۱۹۷۵ آمریکا تصمیم گرفت که به فعالیت شورشیان کُرد عراق پایان دهد(۱) و لذا با وساطت بومدین قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر بین محمدرضا و صدام (دبیر شورای انقلاب عراق) منعقد شد. این قرارداد بیش از همه به سود صدام بود و درخواست آمریکا نیز همین بود وگرنه دلیلی نداشت که به جای حسن البکر، صدام قرارداد را امضاء کند. قرارداد ۱۹۷۵ موجب شد که ۹۰ هزار کُرد طرفدار بارزانی به ایران خواسته شوند و پس از سال ها جنگ با کُردها پایان یابد و ارتش عراق را از صدام ممنون کند. بنابراین، صدام در نقش ناجی ارتش عراق در الجزایر ظاهر شد. قرارداد الجزایر هیچ شبهه ای در آمریکایی بودن صدام باقی نمی گذارد. [...].

نقش آمریکایی صدام در مسئله اتحاد سوریه و عراق نیز ظاهر شد. گفته می شود که البکر

ص: ۴۳۷

۱- . هنری کسینجر پس از امضای قرارداد الجزایر، در ۱۰ مارس ۱۹۷۵ طی نامه ای به محمدرضا پهلوی مراتب قدردانی خود را از این حرف شنوی شاه ایران به اطلاع او رساند. کسینجر در این نامه افزود: سیاست ما همچنان و مثل همیشه پشتیبانی از ایران به عنوان دوست نزدیک و وفادار و ثابت قدم ایالات متحده آمریکا می باشد. ن.ک: یادداشتهای عَلَم، نوشته اسداللّه عَلَم، جلد چهارم، کتاب سرا، چاپ اول، ۱۳۸۰، ص ۴۷۸.

موافق اتحاد دو کشور است و لـذا حافظ اسد به بغداد رفت. روشن است که اتحاد سوریه و عراق به سود شوروی تمام می شـد و آمریکـا و انگلیس مخالف آن بودنـد. رئیس ۶-MIسفـارت انگلیس در تهران صـراحتا به من می گفت که دولت انگلسـتان خواستار عراقی مستقل و بدون اتحاد با سوریه است. در نتیجه صدام به دستور آمریکا، ظرف ۲۴ ساعت این طرح را به هم زد

و حافظ اسد را محترمانه به فرودگاه برد و به خانه اش فرسـتاد. او سپس حسن البکر را تحت عنوان ضعف مزاج در خانه بستری کرد و شبانه ۲۱ نفر از مقامات عالی عراق، از جمله جناح

بعثی هوادار سوریه، را تیرباران نمود و خود را رئیس جمهور اعلام کرد [۱۳۵۷].(۱)

حـدود سه دهه فعـالیت مستمر و مرموز سـرویس هـای اطلاعـاتی اسـرائیل علیه عراق، به ویژه در مناطق کُردنشـین آن کشور و تحریک برخی گروه ها و احزاب کُرد و ایجاد درگیری ها

و جنگ های خونین در آن منطقه، تماما نشان از موقعیت ژئوپولیتیکی عراق در استراتژی پیرامونی اسرائیل دارد.(۲)

رئیس وقت سـاواک طی ملاقاتی با ایسـر هارل رئیس وقت موساد، در سال ۱۳۳۸، با یادآوری منافع مشترک اسـرائیل و ایران، تلاش ها و اقدامات شوروی و جمال عبدالناصر را

برای بسط نفوذ خود در عراق مورد بررسی قرار داده و پیروزی احتمالی هر یک از آن دو را

در کشور عراق، تهدیـدی برای منـافع دو رژیم صـهیونیستی و پهلوی ارزیـابی کرده است. تیمور بختیـار رئیس سـاواک پس از تحلیـل وضـعیت داخلی و سـیاست خـارجی حـاکم بر عراق، به راه های پیشـگیری از بروز هر گونه حادثه جدیـد مغایر با منافع اسرائیل و ایران شاهنشاهی

در عراق، چنین اشاره کرده است:

نظریه رئیس سازمان اطلاعات و امنیت کشور درباره وضع سیاسی خاورمیانه

پس از تشـکر از آقای هارل و دولت اسـرائیل اشاره شد که هر دو کشور ایران و اسـرائیل دارای منافعی مشترک در برابر وضـع سیاسی خاورمیانه می باشند. سپس وضع سیاسی خاورمیانه به شرح زیر تشریح شد.

مخـاطراتی که مـا بـا آن مواجه هسـتیم از صورت اخلالـگری خـارج و جنبه تهدیـد به خود گرفته است. روسـیه شوروی دارای هدفهای استراتژیکی است که برای پیشروی به سوی آن از وسایل

۱- . خاطرات ارتشبد سابق حسین فردوست، صص ۵۵۴ تا ۵۵۷.

۲- . در این باره مراجعه شود به بخش «عملیات پنهان» موساد، سیا، ساواک و کُردهای عراقی در همین کتاب.

مختلف مانند ناسیونالیسم عرب - کمونیسم و رخنه صلح آمیز استفاده می کند و هر وقت دولتی مانع این پیشروی شود با تهدید شوروی روبرو می گردد.

اگر چه ما واقفیم که شوروی در پی تهدیدات خود وارد جنگ نخواهد شد و آنها را بدون اهمیت تلقی کرده و به او جوابگویی می کنیم اما این کشور به طور غیرمستقیم وارد منطقه دیگری از خاورمیانه شده و ممکن است عملیات اصلی خود را علیه ایران از آنجا آغاز نماید.

البته هر دوی ما متفق القول هستیم که باید از تجاوز غیرمستقیم شوروی جلوگیری کرد ولی به این منظور باید به هر قیمت شده راه حلی عملی بیابیم و پس از توافق درباره آن کوشش کنیم

متفقین دیگر خود را (مانند ترکیه - آمریکا و انگلستان) نیز با خود همراه سازیم. بدیهی است اگر راه حل ما منطقی باشد آسانتر می توانیم دوستان خود را قانع کنیم. مسئله مهم پیدا کردن این راه حل است وگرنه همگی از خطرات موجود واقف و از وضع کشورهای عرب عرب آگاهیم.

با وجود این به جاست نظر سریعی به دو کشور عرب که امروز در دو قطب مخالف یکدیگر قرار گرفته اند یعنی عراق و جمهوری متحده عرب بیفکنیم.

الف - تشریح اجمالی وضع مصر

کسی که پای شوروی را به خاورمیانه باز کرد ناصر بود. او بود که وضع ثابت این منطقه را به هم زد و ناسیونالیسم عرب را آلت پیشرفت شوروی قرار داد. اخلالگری در کشورهای عربی به وسیله مصر شروع شد و او بود که زمینه انقلاب عراق را فراهم کرد (اگر چه تاکنون خود از آن استفاده ای نبرده است). اگر امروز ناصر و قاسم با یکدیگر اختلاف دارند این امر را نباید دال بر اختلاف ناصر با کمونیسم دانست. حقیقت امر این است که قاسم سدی در برابر آرزوهای جاه طلبانه ناصر شده است و ناصر برای از بین بردن او به حربه مخالفت با کمونیسم متوسل گشته است. وگرنه روابط مصر و روسیه هم اکنون نیز رضایت بخش بوده و بر طبق اطلاعات دقیقی که

ما در دست داریم خروشچف در نامه خود به ناصر از او پشتیبانی کرده و وی را دلگرم ساخته است. روزی که قاسم سرکوب و ناصر در عراق موفق شود بدون شک دیگر صحبتی از جدال با کمونیسم در میان نخواهد بود.

ب - تشریح اجمالی وضع عراق

عراق با سرعت به سوی کمونیسم می رود. اطلاعات موثقی که در دسترس ما است حاکی از

نیرومندی روزافزون کمونیستها و تقویت کادر اداری آنها است و علت اساسی این امر ورود پیاپی کمونیستهای فراری ایرانی به عراق است.

(برای ما که در طول چهارده قرن گذشته دائما با عراق ارتباط داشته ایم همیشه شاهد بوده ایم که الهام بخشنده هر نهضت سیاسی عربی ایرانیها بوده اند و از اینجا است که این بار نیز ما نگران هستیم وگرنه از نهضتی که در آن فقط اعراب دخالت داشته باشند بیمی نداریم).

کمونیسم مانند سرطانی است که وقتی در یک نقطه نفوذ کرد به توسعه خود ادامه می دهد و قطع یک شاخه آن باعث توسعه سریعتر آن می شود. هم اکنون در عراق علائم ظهور یک انقلاب کمونیستی را می توان مشاهده کرد. مثلاً چند روز پیش در بصره افسری بازنشسته شد و در میان سربازان شایع گردید که علت بازنشسته شدن او عضویت وی در حزب بعث بوده است. بلافاصله سربازان به افسر مزبور حمله ور شده و او را تکه تکه کردند.

عناصری که کمونیست نیستند و فعلاً با دولت عراق همکاری می نمایند یکی پس از دیگری خود را از کار به کنار می کشند زیرا کمونیستها مایلند کسانی در رأس کار بمانند که صددرصد از مرام آنها پیروی نمایند.

ما صرفنظر از اطلاعات مکتسبه با چشم خود از اسکله های آبادان و خرمشهر شاهد عبور کشتیهای روسی که اسلحه و افراد مسلح به عراق وارد می کنند هستیم. بارزانیها وقتی از راه ایران به شوروی رفتند در حدود ۲۵۰ تا ۲۷۰ نفر بودند ولی کُردهایی که با کشتی روسی به

عراق بازگشتند در حدود ۸۵۰ نفر بودند صرف نظر از این نکات که دال بر توسعه نفوذ کمونیسم

در عراق است باید توجه داشت که ممکن است در آینده قاسم به عنوان حفظ صلح درخواست ورود ارتش شوروی را به عراق بکند و این زمزمه ایست که از هم اکنون به گوش می رسد و چنین استدلال می شود همانطور که دولت لبنان از آمریکا تقاضای ورود سربازان آن کشور را

نمود قاسم نیز حق دارد از شوروی چنین درخواستی را بکند.

اگر چه امروز هنوز قاسم و کمونیستها کاملاً در عراق مسلط نیستند و شاید ما و دول غربی امکاناتی در آن کشور داشته باشیم ولی در آینده نزدیکی دیگر چنین امکاناتی برای ما وجود

نخواهد داشت. اگر تصور شود که امکان دارد با گذشت زمان قاسم را به سوی خود جلب کنیم خیال خامی در سر پروریده ایم و در حقیقت به منافع ملتهای خود خیانت کرده ایم. این طرز فکر برای کسی که خانه اش دور از کانون آتش است امکان دارد ولی برای ما به هیچ وجه بخشودنی

نیست. فراموش نکنیم که فعلاً۔ سیاست شوروی در عراق اعمال می شود و به فرض اینکه بدبین نبوده و قاسم را کمونیسم ندانیم و وفادار به سیاست جهان آزاد تصور کنیم به هر حال وی قادر به انجام عملی مخالف سیاست شوروی در شرایط فعلی نیست و نمی توان قبول کرد که قاسم قادر باشد به طور محرمانه و با کمک یکی دو مشاور وضع موجود را تغییر دهد.

حال اگر بخواهیم در خوشبینی خود باقی باشیم و عراق را رها کنیم تا آزادانه به سوی آینده

خود پیش رود دورنمای چنین آینده ای چه خواهد بود؟ در این صورت سه حالت ممکن است رخ دهد:

۱- عراق کمونیست می شود.

۲- ناسیونالیسم عرب پیروز می شود.

۳- عبدالکریم هم کمونیستها و هم طرفداران ناصر را از بین می برد.

اگر احتمال وقوع هر یک از این سه شق را بسنجیم باید اذعان داشت امکان بروز شق سوم بینهایت ضعیف است و شاید از یک درصد تجاوز نکند. بدیهی است که ما نمی توانیم مبنای سیاست خود را بر احتمال بسیار ضعیفی قرار دهیم.

بنابراین یکی از دو حالت دیگر صورت حقیقت به خود خواهد گرفت یعنی اگر عراق کمونیست نشود ناصریست خواهد شد.

شاید یکی از این دو حالت برای کشورهای ما خطری نزدیکتر و دیگری خطری دورتر محسوب شود ولی به هر حال هر دو خطرناک هستند.

حال باید دید در برابر وقوع چنین احتمالاتی وضع آینده عراق چگونه خواهد بود و مثلاً اگر

عراق کمونیست شود چه وضعی پیش می آید آیا ناصر از بین می رود و یا خود را آماده فعالیتهای دیگری در نقاطی دیگر می کند و همچنان عامل پیشرفت مقاصد شوروی می شود؟

ما به عراق نزدیک هستیم و اطلاعات ما درباره آن کشور تقریبا دقیق است. در چند روز اخیر

زمزمه تشکیل جمهوریهای فدرال عرب و کُرد در عراق به گوش می رسد که در آن ملامصطفی رهبر جمهوری کُرد و عبدالکریم قاسم رهبر جمهوری عرب خواهد بود. این امر کاملاً۔ موافق با آرزوی شوروی است که مایل است عراق را به جمهوریهای کوچک تقسیم کند تا بعدا اتحاد جماهیر شوروی بزرگتری بوجود آورد.

در این صورت باید به مخاطراتی که نصیب ایران و ترکیه می شود توجه کرد. اگر کُردها پایگاهی

در خاورمیانه پیدا کنند مسئله دشواری را بوجود می آورند و ما مطمئن نیستیم که دول بزرگ

غربی از چنین دولتی پشتیبانی نخواهند کرد. اگر چنین فرضی به وقوع بپیوندد صرف نظر از

مخاطراتی که نصیب ایران و ترکیه می شود باید از خود سئوال کرد روش شوروی نسبت به مصر

و بالعکس چه خواهد بود.

وقتی روسها به مطلوب خود برسند و مصر را در برابر عمل انجام شده قرار دهند شوروی از نو کوشش خواهد کرد و احتمالاً موفق خواهد شد مصر را برای اخلالگری و عوامفریبی در سایر

کشورهای عرب و برهم زدن اساس دولت اسرائیل تحریک نماید.

بدین صورت دورنمای آینده بسیار وحشتناک است. با وجود کمونیسم و یا ناصریسم در عراق خطر به همان شدت سابق می باشد بخصوص که امیدی به مستقل بودن قاسم نمی توان داشت و نباید سیاست خود را بر چنین آرزویی مبتنی سازیم.

راه حل وضع فعلی عراق

دست به روی دست گذاردن و شاهد تحول وقایع بودن کار خطرناکی است و بنابراین باید به هر قیمتی شده در جستجوی راه حلی باشیم. این راه حل باید چنان باشد که نه کمونیسم و نه

ناصریسم را قبول کنیم. اگر ما بتوانیم با اعمال سیاست صحیحی هر دو خطر را از عراق دور

سازیم قدم مفیدی برای حفظ آرامش خاورمیانه برداشته ایم. بخصوص نباید فراموش کرد که اگر

کمونیسم در عراق از بین برود امکان کمک غرب به ناصر کمتر خواهد شد. اگر امروز آمریکاییها مایل به نزدیکی به ناصر هستند علت آن پیدایش کمونیسم در عراق است. حال باید دید چه عواملی برای ایجاد یک نهضت ضدکمونیسم و ضدناصریسم وجود دارد چنین عواملی در داخل عراق یافت می شوند ولی اولاً- کافی نیستند ثانیا فردا دیگر وجود خارجی نخواهند داشت. و اما در خارج عواملی هستند که قادر به دخالت در داخل عراق می باشند. این عوامل

عبارتند از: کُردها- طایفه شمار، قبایل جنوبی عراق - نفوذ ایران در میان شیعیان عراق نفوذ ترکها در میان اقلیت ترک کرکوک و موصل و همچنین نفوذ و پرستیژ ملک حسین در عراق.

هیچیک از این عوامل به تنهایی قادر به تغییر وضع فعلی نیستند و اگر بخواهیم عمل مثبتی انجام

دهیم باید باید دو نکته زیر را رعایت کنیم:

اولاً عملیات داخلی و خارجی باید با یکدیگر توأم شوند.

ثانیا آینده حکومت و زمامداران عراق که باید نه کمونیسم باشند و نه طرفتار ناصر مورد مطالعه

ص: ۴۴۲

قرار گیرد به نظر ما کسی که می تواند در این میان رل فعالی را بازی کند ملک حسین است.

در صورتی که نظریات مذکور مورد توافق کلی شما باشد می توان جزئیات امر را به وسیله کمیته های خاصی تهیه نمود. این تنها راه حلی است که به نظر ما می رسد و در غیر این صورت

فقط باید به انتظار معجزه ای بود. اگر ما در این مورد موافقت کنیم می توان بعدا بعضی مطالب را با ملک حسین روشن ساخت. مثلاً- شرط کمک به وی ممکن است صلح با اسرائیل باشد تا اسلحه شورویها برای نگه داشتن وضع تشنج آمیز خاورمیانه از دست آنها خارج شود. همچنین شاید

بتوان مسائل دیگری را نیز با او حل کرد.

در پایان پیشنهاد شد در صورتی که امری فوری ایجاب کرد در عرض چهل و پنج روز آینده که مصادف با مسافرت اعلیحضرت همایونی است ملاقاتی در تهران ترتیب داده شود و پس از مدت مذکور رئیس سازمان اطلاعات و امنیت کشور برای گرفتن نتیجه قطعی از این مذاکرات حاضر به مسافرت به خارج است. به هر حال توصیه شد هر دو سازمان مرتبا با وسایل مخابراتی موجود با یکدیگر در این مورد تماس گیرند.(۱)

ایسر هارل رئیس وقت موساد، طی گفت وگویی با مقامات ساواک در سال ۱۳۳۹ش، دیدگاه های خود را درباره عراق چنین بیان می کند:

نظریه آقای هارل درباره وضع سیاسی خاورمیانه

سئوال اول: چه سیاستی را باید نسبت به عراق اتخاذ کرد؟

جواب: علت اصلی موفقیت فعلی کمونیستها در عراق این است که عبدالکریم قاسم به منظور مقابله با ناصر و حفظ موقعیت خود ناچار است به کمونیستها متکی شود. بالنتیجه هر نوع تحریک و یا فعالیت تخریبی که عبدالناصر در داخل عراق می نماید کمکی به توسعه نفوذ کمونیستها است که از این جریانات استفاده می نمایند.

بنابراین تنها روش عاقلانه ای که می توانیم اتخاذ کنیم این است که چون نمی توانیم عملیات تخریبی ناصر را در عراق متوقف کنیم باید حداکثر کمک معنوی را در ظاهر به قاسم بنماییم. بدین ترتیب در صورتی که قاسم کمونیست باشد بهانه ای به او داده نمی شود تا نفوذ کمونیستها را بیش از پیش توسعه دهد و عناصر ضدکمونیست را سرکوبی نماید. و اما در صورتی که قاسم کمونیست نباشد این کمک معنوی وظیفه قطعی ما است.

۱- . سند ساواک، نظریات رئیس ساواک درباره وضع سیاسی خاورمیانه، مورخ ۹/۲/۱۳۳۸.

سئوال دوم: صرف نظر از کمک معنوی به قاسم آیا صلاح نیست عناصر ضدکمونیست عراقی که در حال حاضر در تمام طبقات به تعداد زیاد وجود دارند تشویق و تقویت نمود؟

جواب: هر عملی به منظور متشکل ساختن و تحریک عناصر ضدکمونیستی عراق ممکن است آنها را به مخاطره انداخته و سبب سرکوبی آنها شود. به علاوه در این صورت فرصت بیشتری

نصیب کمونیستها خواهد شد تا نفوذ خود را توسعه دهند. در شرایط فعلی تنها روش صحیح عناصر ضدکمونیست عراقی کوشش در حفظ بقای خویش است این عناصر با نگهداری موجودیت خود ممکن است در وضع مساعدتری بتواند اقدامات مفیدی نمایند. بنابراین نه تنها

باید از تحریک آنها خودداری نمود بلکه از لحاظ تاکتیکی روش این دستجات باید تظاهر به

همکاری و پشتیبانی از دولت عبدالکریم قاسم باشد. هر نوع سیاست دیگری که بر خلاف روش فوق الذکر در پیش گرفته شود خطرات عمده ای دربر خواهد داشت.(۱)

ص: ۴۴۴

۱- . سند ساواک، نظریه رئیس سرویس اطلاعاتی اسرائیل درباره وضع سیاسی خاورمیانه، مورخ ۹/۲/۱۳۳۹، طبقه بندی به کلی سرّی.

طرح سلطنت ملک حسین در عراق

سرویس اطلاعـاتی رژیم صـهیونیستی بـا جلب موافقت سـاواک طرحی را در راسـتای استراتژی پیرامونی صـهیونیسم در منطقه خاورمیانه تهیه و تدارک دیده بود که براساس آن

سرزمین عراق تحت حاکمیت ملک حسـین پادشاه اردن قرار می گرفت و از این طریق مرزهای امن اسـرائیل کاملاً تضمین می شد. این طرح که به بهانه مبارزه و مقابله با کمونیست و

ناصـریسم در کشورهای عربی و اسلامی، به خصوص عراق، تهیه شده بود نیازمند جلب موافقت آمریکا، انگلستان و ترکیه بود که اسرائیلی ها به طور جدی سعی در دستیابی به آن

هـدف داشـتند. رژیم صـهیونیستی در آن زمـان یکی از سه گزینه پیروزی کمـونیسم، پیروزی ناصـریسم و موفقیت عبـدالکریم قـاسم را در عراق فراروی خود می دیـد. امـا پس از رایزنی بـا رئیس وقت سـاواک، گزینه چهـارم را که همـان عملیـات پنهان تفویض رهبری نهضت مخالفـان رژیم وقت عراق به ملـک حسـین پادشـاه اردن بود، برگزیـد و با کمال اشتیاق در دسـتور کار خود قرار داد.

سخنان ایسر هارل رئیس وقت سرویس اطلاعاتی اسرائیل در پاسخ به رئیس وقت سازمان (ساواک) در این باره چنین است:

اظهارات آقای هارل در جواب رئیس سازمان اطلاعات و امنیت کشور

من به طور کلی با تمام نظریات شما موافقم و قبول دارم که کمونیسم و ناصریسم به یک اندازه

خطرناکند. اظهارات امروز صبح من مفهوم این را نداشت که ما خطر کمونیسم را از ناصریسم

کمتر دانیم و اگر گفتم که بـا کمـک کردن به ناصـر نمی توان عراق را نجات داد قصـدم این نبود که نبایـد فکری برای عراق کمونیست فردا کرد.

ص: ۴۴۵

در صورتی که راه حلی پیدا شود تا عراق در آنِ واحد از کمونیسم و ناصریسم نجات یابد مطمئن باشید ما با تمام قوا در راه پیروزی این هدف کوشش خواهیم کرد.

مطالبی که درباره مصر گفتید مورد موافقت کامل من است و نیازی به تکرار آن ندارم. همچنین با نظر شما درباره عراق موافقم و شکی نیست که وضع عراق رو به وخامت می رود. قرائن متعددی موجود است که از تقویت حزب کمونیست آن کشور حکایت می کند. من به هیچ وجه با کسانی که در غرب تصور می کنند با تقویت و پشتیبانی از ناصر می توان عراق را نجات داد موافق نیستم. تنها نتیجه کمک غرب به عراق توسعه عملیات تخریبی ناصر در آن کشور و تسریع بسط نفوذ کمونیستها خواهد بود.

موضوعی را که مایلم روشن سازم این است که به کمونیستهای عراق نباید کمک کرد و عمل ناصر در حال حاضر کمک به آنها است و ادامه چنین عملیاتی جز کمک به پیروزی کمونیستها نتیجه دیگری نخواهد داد.

من در تشریح وضع خاورمیانه فقط سه راه حل را پیش بینی کرده بودم که عبارت بودند پیروزی

کمونیسم و یا پیروزی ناصریسم و یا پیروزی قاسم و استقلال وی. امروز عصر شما با پیشنهاد خود امکان چهارمی را در میان گذاشتید که من در نظر نگرفته بودم و با آن کاملاً موافقم. چیزی که هست اگر این راه چهارم وجود نداشت باز هم من شق سوم را ترجیح می دهم.

و اما در مورد راه حل پیشنهادی شما مایلم خطرات و فواید آن را تشریح کنم. خطرات این راه حل عبارتند از:

۱- به محض تشکل عناصر ضدکمونیست عراق ممکن است ناصر و قاسم از این موضوع اطلاع پیدا نمایند وقتی قاسم مطلع شد بدون شک از شوروی درخواست کمک بیشتری را خواهد کرد. و یا اینکه خود شورویها به وی پیشنهاد کمک می نمایند و به هر حال خطر شوروی در عراق

افزایش خواهد یافت.

۲- به محض اینکه قاسم از تشکل مخالفین خود آگاه شود آنها را تهدید نموده و سعی می کند پراکنده سازد و شاید در این راه موفق شود.

۳- چنانچه قاسم احساس خطری کند ممکن است از شوروی کمک طلبد. در این صورت اگر شوروی نیروی کمکی فرستاد باید دید آمریکا چه روشی را اتخاذ خواهد نمود. اگر آمریکا از

اعزام نیرو خودداری کند تمام این طرح مقرون به شکست است.

برای توجیه مطلب جنگ سوئز را به خاطر آوریم. عملیات سوئز به آسانی با موفقیت روبرو شد و نزدیک بود ناصر را واژگون سازد. ولی عاملی که مانع موفقیت شد عدم جلب قبلی موافقت آمریکا بود که پس از شروع عملیات سوئز تبدیل به مخالفت قاطعی گردید.(۱) به همین ترتیب نیز در مورد طرح پیشنهادی شما اگر از آمریکا مطمئن نباشیم نمی توان امید موفقیت داشت و اگر دخالت آمریکا خطر بروز جنگ بین المللی را ایجاد کند شاید آمریکا حاضر به اتخاذ چنین

تصمیمی نباشد.

در مورد استفاده از ملک حسین به منظور رهبری نهضت مخالف رژیم فعلی عراق باید اذعان داشت این فکر برای من تازگی دارد و به نظر من بسیار مهم می رسد. ولی چون از نظریات دولت خود در این باره آگاه نیستم عجالتا به توضیح نظر شخصی اکتفا می کنم و بعدا نظر دولتم را به اطلاع شما خواهم رسانید.

استفاده از ملک حسین فکر بسیار خوبی است ولی با سابقه ای که از روابط بین اردن و اسرائیل دارم مطمئنم دولت من فقط تحت شرایط خاص و با توافق قبلی حاضر به پشتیبانی از ملک حسین خواهد بود. در ضمن یک مسئله مهم حقوقی نیز به میان می آید زیرا اگر وی پادشاه عراق شود ارتش این کشور می تواند در مرز اسرائیل مستقر گردد در حالی که عراق برخلاف

تمام کشورهای دیگر عرب با اسرائیل قرارداد متارکه جنگ را امضاء نکرده است. بنابراین در این مورد ملک حسین باید به ما اطمینانهایی بدهد. چنانچه ملک حسین مایل باشد ما همانطور که قبلاً نیز گفتم حاضریم به او کمک کنیم و مرز مشترک بین دو کشور را تضمین نماییم تا او ارتش خود را برای مقاصد ضروری تر به نقاط دیگر کشور منتقل سازد. شکی نیست که خود این امر

برای ملک حسین کمک بزرگی است.

البته احتیاجی به تذکر این نیست که شما نیز به سهم خود شرایط مورد علاقه خود را به او ارائه

خواهید داد. (مثلاً شرایط مربوط به خلیج فارس و مسائل دیگر که من نمی توانم دقیقا درباره آن گفتگو کنم). خلاصه اینکه به نظر من اجرای طرح شما منوط به پنج شرط زیر است:

۱- تمام عوامل ضدکمونیستی عراق مورد مطالعه قرار گرفته و وسائل اتحاد آنها فراهم شود. در

این باره تنها به حرف نمی توان اکتفا کرد بلکه باید در عمل صحت گفتار خویش را نشان داد.

۱- . مخالفت آمریکا در این رابطه جنبه تاکتیکی داشت؛ زیرا آمریکایی ها در اصول و استراتژی با رژیم صهیونیستی برای تهاجم به مصر در سال ۱۹۵۶ مخالفتی نداشتند.

۲- هر اقدامی که می شود باید کاملاً پنهانی و سری باشد. کوچکترین لغزشی در این مورد سبب سرکوبی عوامل ضدکمونیسم خواهد شد (مانند شورش شواف). در آغاز کار باید بیشتر عوامل شرکت کننده از حقیقت امر مطلع نباشد و تا آخرین لحظات به آنها توضیح دقیقی داده نشود

زیرا در غیر این صورت حیات عوامل ضدکمونیست در خطر خواهد بود.

۳- باید آمریکا موافقت خود را با این طرح اعلام کرده و وعده دهد که هر عمل احتمالی شوروی را خنثی نماید. در غیر این صورت چنین اقدامی خطرناک خواهد بود.

۴- چنین اقدامی باید تحت لوای یک نفر عرب باشد و انتخاب ملک حسین بدین منظور کاملاً بجا است. ولی پشتیبانی از او منوط به وعده هاییست که وی درباره رژیم آینده عراق و روابط آن با ایران و ترکیه و اسرائیل خواهد داد.

۵- اجرای این طرح باید با موافقت ترکها و انگلیسیها انجام گیرد زیرا این دو کشور به تغییر

وضع موجود عراق علاقمند هستند و بدون پشتیبانی صمیمانه آنها نمی توانیم عمل مثبتی انجام

دهیم.

پنج شرط مذکور در فوق برای اجرای طرح پیشنهادی شما لازم و مورد موافقت دولت من خواهد بود.(۱)

رئیس ساواک، ضمن ارایه اخبار و اطلاعات مربوط به تماس ها و گفت وگوهای ایران با دولت مرکزی عراق به رئیس موساد، نسبت به آینده حکومت عبدالکریم قاسمابراز تردید می کند. او از اینکه قاسم نتواند خود را در برابر موج کمونیسم و ناصریسم در منطقه مستقل نگه دارد، اظهار نگرانی کرده و با موضع موافق موساد با طرح توطئه آمیز ساواک مبنی بر وارد کردن ملک حسین پادشاه اردن به ماجرای عراق، ابراز رضایت می کند. رئیس ساواک با تأکید بر فعال کردن ترکیه و جلب موافقت آمریکا و انگلیس در این باره، در حفظ اسرار این عملیات توطئه آمیز اصرار می کند.

پاسخ رئیس سازمان اطلاعات و امنیت کشور به آقای هارل و دنباله مذاکرات[:]

همانطور که قبلاً نیز اشاره کردم امکان اینکه قاسم بتواند در برابر کمونیسم و ناصریسم مستقل بماند بسیار کم است حتی اگر وی چنین فکری را نیز داشته باشد کمونیستها به او اجازه اجرای

این نقشه را نخواهند داد و در صورت لزوم با از بین بردن او ممکن است مانع موفقیت وی

شوند. در تماسهایی که ما با قاسم داشتیم همیشه صحبت درباره دوستی و حفظ روابط حسنه

۱-. گزارش ساواک، مورخ ۹/۲/۱۳۳۸، ساعت ۲۳، طبقه بندی به کلی سرّی.

بود ولی این امر هرگز از مرحله حرف تجاوز نکرد و بنابراین وی یا حسن نیت دارد و یا قصد اغفال. اگر حسن نیت داشته باشد در هر صورت قدرت اجرای آن را ندارد و نمی تواند کشور را اداره کند. بررسی شخصیت قاسم نشان می دهد که وی مردی که بتواند با مانورهای ماهرانه عراق را از چنگال کمونیسم و ناصریسم نجات دهد نیست. به همین دلیل نیز من امیدی به مستقل شدن قاسم ندارم.

درباره مطالبی که شما راجع به جلب موافقت آمریکائیها و ترکها و انگلیسیها گفتید کاملاً موافقم.

هارل سؤال کرد منظور توافق بین دو کشور خودمان است یا با ملک حسین و چه موقع با

آمریکائیها موضع را در میان می گذاریم. که جواب داده شد قبلاً بین خودمان موافقت می کنیم و بعدا آمریکاییها را با اصول آن آشنا می سازیم. حق تقدمی نمی توان قائل شد البته موضوع

آمریکاییها جنبه حیاتی دارد. بدیهی است اگر ترکها هم کمک کنند زودتر می توان موافقت آنها را گرفت. نکته مهم این است که برای اجرای این طرح باید عامل اختفا و سرعت را در نظر

گرفت به طوری که در [از] جنگ داخلی در کشور عراق جلوگیری شود.

رئیس سازمان اطلاعات و امنیت کشور اظهار داشت با شرایط پنجگانه آقای هارل که عموما صحیح و منطقی است موافقت دارد و در ضمن تأکید کرد که قبل از کمک به ملک حسین تضمین کافی درباره صلح رژیم آینده عراق با دولت اسرائیل شرط اصلی همکاری خواهد بود.

طرفین موافقت کردند که برای آغاز اجرای طرح باید بررسی دقیقی درباره شخصیتهای عراقی که مخالف رژیم فعلی و ضدکمونیست هستند مطالعه دقیقی بشود و کسانی را که دو سرویس می شناسند متقابلاً به اطلاع یکدیگر برسانند.

رئیس سازمان اطلاعات و امنیت کشور اظهار داشت که باید ترکها را که قبلاً موافق با سیاست نرمش نسبت به عبدالکریم قاسم بوده اند با طرح اخیر خود موافق سازیم و در این باره ایران اقدام خواهد کرد.

در هر حال ایران به دلائل متعدد، از هر کشور دیگری نسبت به وضع عراق علاقمندتر است. در هر صورت جلب موافقت ترکها قدم اولیه جلب نظر آمریکاییها خواهد بود. و اما آمریکاییها در صورتی با این طرح موافقت خواهند کرد که اولاً موفقیت آن به ایشان ثابت شود و ثانیا نظر ما درباره حکومت آینده روشن باشد آقای هارل اظهار داشتند که آمریکاییها بدون نظر اسرائیل در خاورمیانه اقدامی نخواهند کرد و یادآور شدند که چون اسرائیل با نقشه نوری سعید به منظور

الحاق اردن به عراق مخالف بود آمریکاییها نیز اظهار مخالفت کردند.

در پایان طرفین موافقت کردند که کمیته های مربوط به بررسی طرح پیشنهادی در تهران تشکیل

شوند. تماس مداوم با دستگاه امنیتی داشته (کسب اطلاع و خبر از خود آنان به طور رسمی) و به طور کلی فعالیت خارج از دفتر را زیاد نموده مقرر فرمایند یک نفر کارمند تعیین و اعزام

گردد.

محل کار نمایندگی تاکنون در منزل شخصی بوده و اخیرا نمایندگی معایب این امر را گزارش نموده که مورد تأیید می باشد، مقرر گردید با وزارت امور خارجه مذاکره شود که دفتر نمایندگی

با دفتر نماینده وزارت خارجه در یک جا متمرکز باشد (در بعضی از نمایندگی ها مانند بیروت و عمان نیز سابقه دارد) و به نسبت، اجاره یک اتاق نمایندگی از طرف ساواک داده شود. این

موضوع مورد موافقت جناب آقای میرفندرسکی واقع گردید و قرار شد که در محل بررسی گردیده و گزارش شود که پس از عزیمت و بررسی در محل به عرض خواهد رسید.

موکول به امر عالی است(۱)

قدرت یابی صدام تحت نظارت موساد

جایگاه عراق در استراتژی پیرامونی اسرائیل، از یک سو و پیمان همکاری ساواک و موساد از سوی دیگر، ایجاب می کرد، طرف ایرانی از طریق نفوذ در کلیه دوایر و مراکز متعلق

به عراق، چه در داخل و یا خارج آن کشور، هرگونه اخبار و اطلاعاتی مورد نیاز اسرائیل را جمع آوری و در اختیار مأموران موساد قرار دهد. خبر مربوط به واگذاری دومین زیردریایی از طرف دولت انگلستان به اسرائیل، نمونه اطلاعاتی است که نمایندگی ساواک در پاکستان از طریق نفوذ در سفارت عراق در آن کشور، به دست آورده و سپس در اختیار اسرائیلی ها قرار

داده است:

به پیوست یک قطعه عکس نامه مورخ ۱۶ آذر ۴۶ مدیر اطلاعات نظامی عراق به وابسته نظامی عراق در کراچی در مورد واگذاری دومین زیردریایی از طرف دولت انگلستان به اسرائیل و یک

برگ ترجمه آن که وسیله یکی از مأموران نمایندگی ساواک در پاکستان تهیه گردیده است جهت

استحضار تقدیم می گردد.

۱- . گزارش ساواک، مورخ ۹/۲/۱۳۳۸، ساعت ۲۴، طبقه بندی به کلی سرّی.

اهم مطالب آن به شرح ذیل از لحاظ مبارک می گذرد:

روزنامه الفولکس بلات سخنگوی حزب الشعب در شماره ۲۰ آذر ۱۹۶۷ خود نوشته است که انگلستان دومین زیردریایی را تحویل دولت اسرائیل داده است که ظرفیت این زیردریایی بالغ

بر ۱۵۰۰ تن می باشد و از نظر اندازه ظرفیت همان زیردریایی را دارد که شوروی به مصر داده

است.(۱)

ترجمه اصل سند به خوبی نشانگر حساسیت های ضداسرائیلی در میان برخی کشورهای عربی و اسلامی از یک سو و سرسپردگی و مزدوری سلطنت پهلوی در قبال اسرائیل، از سوی دیگر است:

جمهوری عراق

ریاست ستاد ارتش

اداره کل ستاد

شماره – ش ۱/۲۳/۹/۱۱۸۲۶

تاریخ – ۷/ دسامبر ۱۹۶۷

به – وابسته نظامی (کراچی)

موضوع – دومین زیردریایی انگلیسی برای اسرائیل

اطلاع حاصل کردیم که روزنامه الفولکس بلات سخنگوی حزب الشعب که اکنون حزب مزبور حکومت را در دست دارد در شماره مورخ ۱۱/۱۱/۱۹۶۷ خود چنین نوشته که انگلستان دومین زیردریایی را تحویل اسرائیل داده و ظرفیت هر یک از آنها بالغ بر ۱۵۰۰ تن می باشد و از نظر اندازه ظرفیت همان زیردریایی را دارد که اتحاد شوروی به مصر تحویل نموده. روزنامه می گوید که اولین زیردریایی بعد از جنگ ژوئن ۱۹۶۷ به اسرائیل تحویل داده شد.

خواهشمند است مصرا درباره صحت این خبر تحقیق نموده تا معلوم شود این زیردریایی ها و مشخصات مورد بحث آنها چیست و نتیجه را به ما اعلام دارید.

امضاء

سرهنگ ستاد

۱- . سند ساواک، مورخ ۲۲/۱۱/۱۳۴۶، شماره ۱۹۱۰۳/ [ناخوانا]۲، طبقه بندی به کلی سرّی.

مدیر اطلاعات نظامی

رونوشت به اداره ششم

خواهشمند است با وابستگان نظامی عرب و غیره تماس گرفته و در اطراف موضوع مورد بحث بالاـ تحقیق و نتیجه را اعلام دارند.

گزارش دیگر ساواک در سال ۱۳۵۳، درباره اوضاع داخلی عراق و سیاست خارجی حزب بعث، روابط دولت مرکزی بغداد با شوروی و جهان عرب، مسأله روابط فلسطینی ها و دولت عراق و...، همگی نشان دهنده حساسیت بسیار بالای ساواک و اسرائیل درباره اوضاع داخلی

و حوادث مربوط به کشور عراق است:

عراق

۱- اوضاع داخلی

ظرف یک سال گذشته رژیم بعثی عراق همچنان مواجه با افزایش نارضایی های عمومی - فعالیت گروههای مخالف و نابسامانیهای اقتصادی بود.

تشکیل هشتمین کنگره حزب بعث (از ۱۸ الی ۲۲/۱۰/۱۳۵۲) و به دنبال آن انتخاب اعضاء کمیته کشوری که اکثر آنان از یاران صدام حسین تکریتی (معاون شورای انقلاب عراق) بودند، موقعیت وی را در کادر حاکمه بعث بیش از پیش تقویت نموده و با کنار گذاردن عناصر مخالف وی نظیر سپهبد صالح مهدی عماش از پست معاون ریاست جمهوری به سمت سفیر در شوروی[.] صدام حسین تکریتی به عنوان عامل تعیین کننده سیاست داخلی و خارجی عراق مشخص شد.

طی این مدت بروز مجدد بحران کُرد و ناکامی رژیم از حل آن در صحنه های نظامی و سیاسی نه

تنها وجهه بعث حاکم را در اذهان عمومی در پایین ترین سطح خود قرار داد بلکه خود منجر به بروز اختلاف نظراتی گردید که نتیجه آن انجام پاره ای تغییرات در مشاغل نظامی و سیاسی از جمله احضار سرلشکر طه شکرچی فرمانده نیروهای عملیات عراق از شمال و نیز احضار استاندار سلیمانیه بوده است.

افزایش فعالیت گروههای مخالف از جمله ناسیونالیستهای عرب - روحانیون و عناصر دست راستی نظیر حزب فاطمی (شیعیان عراق) و جمعیت اخوان المسلمین موجب شد که دولت شدت عمل بیشتری از خود نشان داده و عده ای از مخالفین را دستگیر و تحت شکنجه

قرار دهد. در ارتش نیز زمزمه های مخالف افزایش یافت و بعث که بیشترین کوشش خود را معطوف

جلوگیری از هرگونه نغمه مخالف در صفوف نظامیان می نماید دست به بازداشتهای متعددی زد که یک مورد آن بازداشت متجاوز از ۱۵۰ نفر از افسران ارتش از جمله سرلشگر رشاد حمادی (فرمانده سابق نیروهای عراقی در اردن) در اوائل فروردین ۱۳۵۳ بوده است.

در شهریور ماه ۱۳۵۳ نیز عده دیگری از افسران دستگیر و یا از مشاغل خود برکنار گردیدند که

از جمله آنان برکناری سرتیپ داود الجنابی از سمت فرماندهی گارد جمهوری و دانشکده افسری می باشد.

علیرغم شدت عمل دولت مخالفین با انجام اقدامات خرابکاری - انتشار اعلامیه های مخالفت آمیز و نیز اقدامات تروریستی کوشش کردند موجودیت خود را به اثبات برسانند. خرابکاری در بانک رافدین بغداد- کار گذاردن مواد منفجره در دفاتر پلیس - باشگاه افسران

بغداد در شهریور ۱۳۵۳ نمونه هایی از این اقدامات بوده که در حال حاضر نیز کم و بیش ادامه

دارد.

به موازات شدت عمل دولت در قبال مخالفین و ایجاد هر چه بیشتر رژیم پلیسی مقامات بعثی در صدد برآمدند با انجام پاره ای اقدامات تحبیبی از افکار عمومی نموده باشند و متعاقب

افزایش درآمدهای حاصله از نفت مقامات عراق اقدام به افزایش حقوق و مزایای کارمندان نظامی و غیرنظامی نموده و ضمن تقلیل مالیاتها و عوارض اقداماتی در زمینه آموزش رایگان به عمل آوردند. لکن این اقدامات آثار عمده ای در کاهش نارضایی عمومی و نتیجتا در تخفیف

تشنجات اجتماعی - سیاسی و اقتصادی عراق نداشته است.

۲- سیاست خارجی

الف - روابط با شوروی

روابط عراق با کشورهای کمونیستی و در رأس آن شوروی طی یک سال گذشته همچنان حسنه و مبتنی بر همکاریهای همه جانبه و گسترده در زمینه های مختلف نظامی - اقتصادی - فنی و غیره بود.

طی این مدت گرچه اختلاف نظراتی در بعضی از مسائل منجمله مسائل بین الاعراب بین طرفین حاصل شد لکن این اختلاف نظرات آثار عمده ای در روابط طرفین بر جای نگذاشته است.

امضـاء دو فقره قرارداد فنی در زمینه ارتباطـات و تلکس – انعقـاد یک قرارداد همکاری فرهنگی در ۲۴/۱/۱۳۵۳ و نیز مسافرت شخصیتهای سیاسی و نظامی شوروی به عراق و بالعکس که از

جمله آن مسـافرت وزیر دفاع شوروی به عراق در اوایل فروردین ماه ۱۳۵۳– مسافرت معاون اتحادیه انجمنهای دوستی شوروی به عراق و نیز مسافرت وزیر امور خارجه عراق به شوروی نشانه هایی از نزدیکی فیمابین می باشد.

در حال حاضر کماکان این همکاریها ادامه داشته و طرفین از یک تفاهم سیاسی در منطقه برخوردار هستند.

ب – روابط با کشورهای عربی

ظرف مدت مورد بررسـی عراق در میان کشورهای عربی همچنان در یک انزوای سیاسی قرار داشت شرکت نیروهای عراق در جنگ اکتبر [۱۹۷۳ م / ۱۳۵۲ ش] اعراب و اسرائیل نه تنها

اخلاء موجود در روابط عراق با دیگر کشورهای عربی درگیر در جنگ را برطرف ننمود بلکه به

علت اتخاذ یک سیاست افراطی در مقابله با اسرائیل و مخالفت از پذیرش هر گونه راه حلهای

صلح طلبانه و پذیرش این راه حلها از طرف کشورهایی نظیر سوریه و مصر فاصله های موجود

میان عراق با این کشورها را بیشتر کرد.

ترس عراق از تشدیـد انزوای سیاسـی در جهان عرب سـبب شد که علیرغم اختلاف نظرات موجود میان عراق و مصـر گامهایی در جهت نزدیکی دو کشور مصر و عراق برداشته شود.

از جمله یک مقاوله نامه اقتصادی و صـنعتی بین عراق و مصـر پس از مسافرت وزیر صـنایع مصر به عراق به امضاء رسید که بر مبنای آن مصر از این پس در اجرای برخی از طرحهای عراق به

آن کشور کمـک خواهـد نمود و مشـاوراتی در مورد ایجـاد صـنایع مشترک بین طرفین به عمـل خواهـد آمـد. دولت عراق نیز متعهد به تأمین کمبود نفت مصر گردیده است.

در روابط عراق با سوریه نیز علیرغم اختلافات موجود متعاقب مسافرت محرمانه حافظ اسد به

بغداد (در بهمن ماه ۱۳۵۲) بهبود حاصل گردید و عراق تعهد نمود وامی به مبلغ ۵۰ میلیون دلار جهت کمک به اقتصاد سوریه پرداخت کند. شـرکت اخیر عراق در کنفرانس سـران عرب در رباط ظاهرا نشانه تعدیلی در سیاست افراطی آن کشور نسبت به مسائل مبتلا به جهان عرب بوده لکن

همکاری عراق با سازمانهای افراطی فلسطین و انتشار اعلامیه متعاقب مسافرت یک هیئت فلسطینی متشکل از جبهه های افراطی

(در ۱۸اکتبر ۷۴) که در آن هر گونه راه حلهای صلح جویانه

تخطئه

شده نشانه ثبات واقعی بعث بوده و شاید دلیل عمده شرکت عراق علیرغم ادامه سیاست

افراطی در کنفرانس رباط ایجاد تعدیلی در فشار انزوای سیاسی آن کشور در جهان عرب بوده

است.(۱)

پس از امضای قرارداد معروف الجزایر در سال ۱۹۷۵ بین محمدرضا پهلوی و صدام، ایگال آلون(۲) وزیر امور خارجه وقت اسرائیل طی ملاقاتی با محمدرضا در این باره به گفت وگو می پردازد و نظر او را در این باره جویا می شود:

آقای ایگال آلون: از اعلیحضرت در مورد عراقیها و اعتماد به آنها صحبت کردم. فرمودند توافق ما مهم است ولی من هرگز به بعث اعتماد ندارم.

عرض کردم عبری ها می گویند احترام بگذار و بهش سوءظن داشته باش.(۳)

پس از امضای قرارداد الجزایر، ایران شاهنشاهی در حوزه همکاری با اسرائیل به منظور تحریک و تسلیح کُردهای عراق علیه دولت مرکزی بغداد، دچار محدودیت می شود. اما هوفی رئیس وقت موساد طی ملاقاتی با مقدم رئیس وقت ساواک، سعی دارد با تبیین خطر عراق برای ایران و اسرائیل، ضرورت همکاری علیه این کشور را به همتای ایرانی خود تفهیم

کند!

ژنرال خوفی: دلیلی نمی بینم که در این مورد [دشمنان مشترک]موضوعی را مطرح کنم. مایلم بگویم روابط ما با شما چه در حال حاضر و چه در گذشته خیلی خوب می باشد در همسایگی شما کشور عراق قرار دارد ما توجه بیشتری به این کشور می کنیم زیرا با سایر کشورهای عربی

۱- . سند ساواک، مورخ ۲۱/۸/۱۳۵۳، طبقه بندی سرّی.
۲- . ایگال آلون در سال ۱۹۱۸ در کَفَرتابور مهاجرنشینی در الجلیل در خانواده ای کشاورز از مهاجران یهود، متولد شد. وی از اعضای مؤثر سازمان تروریستی پالماخ بود و در سال ۱۹۴۵ رهبر این سازمان شد. آلون از شاخص ترین رهبران نظامی در ارتش اسرائیل شد. او در سال ۱۹۴۸ فرمانده تیپ بود و در سال ۱۹۵۵ نماینده کِنِست شد. در سال ۱۹۶۰ در دولت بن گوریون وزیر کار بود. و بعدها مشاور ارشد نظامی لوی اشکول نخست وزیر شد. در سال ۱۹۶۸ معاون نخست وزیر و وزیر مهاجرت و جذب نیرو و در سال ۱۹۶۹ وزیر فرهنگ و آموزش بود. پس از جنگ ۱۹۷۳ در دولت اسحاق رابین به سمت وزیر امور خارجه منصوب شد. در سال ۱۹۸۰ در اوج رقابت با شیمون پرز برای به دست گیری رهبری حزب کارگر درگذشت. وی مبتکر طرحی درباره تعیین تکلیف سرزمین های اشغالی کرانه غربی رود اردن از سوی حزب کارگر بود که به «طرح آلون» معروف است. (ن.ک: شریده).

۳- . سند ساواک، مورخ ۱۱/۱۰/۱۳۵۴، ملاقات دوجانبه ریاست ساواک نصیری با ایگال آلون وزیر امور خارجه اسرائیل.

فرق فاحشی دارد و برای ما تا دیگران خیلی خطرناک است.

تیمسار ریاست: اطمینان دارم که ما از طرف عراق در تهدید بوده ایم، آنچه در حال حاضر در

ظاهر نمایان است با اصل فرق دارد. از نقطه نظر سیاسی برای ما فرق نکرده و آنچه در گذشته از طرف کشور عراق تهدید می شدیم الان هم این خطر پابرجاست.

ژنرال خوفی: می دانید در گذشته مصر از نقطه نظر نظامی دشمن ما بود. در این جنگ ها عراق دو یا سه بار علیه ما شرکت کرد. آن موقع سوریه که روابط بدی با عراق داشت بدون شرکت عراق

وارد نبرد علیه ما می شد حالا که این دو کشور (سوریه – عراق) که با هم متحد شده اند برای ما خیلی خطرناک شده است. با وجود آنکه هنوز احتمال هیچ نوع جنگی از طرف این دو کشور علیه ما نمی رود ولی این دفعه اگر جنگی آغاز بشود فکر می کنم عراق پنج لشکر علیه ما وارد نبرد بکند که از این نظر می توان گفت خطر عراق برای ما بزرگ است. در مورد کسب اطلاعات

از آن کشور تا قبل از خاتمه جنگ اکراد با ارتش عراق به راحتی می توانستیم عمل کنیم و پس از پایان جنگ استفاده از پوشش اکراد برای ما کمتر شده از نقطه نظر اخطار قبلی یعنی (پیش آگاهی) خیلی ضعیف هستیم.

تیمسار ریاست: بلی همانطور است. عراق از طرف ما نگرانی ندارد مدتها قبل درگیر مرزهای ایران بود الان آن درگیری برطرف شده او می تواند به راحتی علیه شما نیرو بفرستد. بخصوص

از اینکه روابط خود را با سوریه حسنه کرده البته این به وضوح روشن است که برقراری روابط

حسنه اخیر بین این دو کشور برای شما خیلی خطرناک خواهد بود. البته به طوری که گفتید در حال حاضر این یک نوع خطر بالقوه ای برای اسرائیل محسوب می شود. با وجود آنکه اتحاد سوریه و عراق خطری علیه شما است ولی احتمال حمله آن دو خیلی ضعیف است.(۱)

مقامات ساواک و بالاتر از همه آنها، شخص محمدرضا پهلوی به عنوان شاه و بالاترین مرجع تصمیم گیری ایران، در مکانیسم اجرایی استراتژی صهیونیستی، به منزله ابزاری بود که اسرائیلی ها با ترفندها و توجیهات مختلف از آن بهره برداری می کردند.

درخواست رئیس سرویس اطلاعاتی اسرائیل از رئیس ساواک، به منظور واسطه قرار دادن محمدرضا شاه در جلوگیری از فروش اورانیوم از سوی فرانسوی ها به عراق،

۱- . سند ساواک، متن مذاکرات تیمسار ریاست ساواک با ژنرال خوفی [هوفی] رئیس سرویس اطلاعاتی اسرائیل، تهران،

ششم آبان ماه ۱۳۵۷.

خواندنی است:

مفتخرا به شرف عرض پیشگاه مبارک ملوکانه می رساند

ژنرال خوفی رئیس سرویس اسرائیل طی ملاقات روز پنجشنبه ۲۴/۴/۳۵[۱۳۵۵] با جان نثار اظهار داشت که فرانسه و عراق قراردادی به منظور تحویل راکتورهای اتمی از ناحیه فرانسه به عراق

منعقد کرده اند. نوع و چگونگی این راکتورها طوری است که اورانیوم غنی شده را فرانسویها

باید قبلاً تهیه کرده و در اختیار عراق بگذارند و همانطور که استحضار دارید از این نوع

اورانیوم می توان به سادگی برای تولید سلاحهای هسته ای استفاده کرد.

رئیس سرویس اسرائیل استدعا کرد که ساواک ضمن تماس با سرویس فرانسه مخاطرات مربوط به این کار را به فرانسویها خاطرنشان سازد.

مراتب از شرف عرض پیشگاه مبارک ملوکانه می گذرد تا به هر نحو که اراده سنیه ملوکانه قرار گیرد عمل شود.جان نثار- ارتشبد نصیری(۱)

ص: ۴۵۷

۱- . سند ساواک، نامه رئیس ساواک به محمدرضا پهلوی، تیر ماه ۱۳۵۵.

مصر

مصر به عنوان یک کشور بزرگ اسلامی و عربی در جهان اسلام و عرب، همواره از سوی صهیونیست ها به عنوان هدف اصلی نشانه گیری شده است. صهیونیست ها حتی قبل از تشکیل اسرائیل، به شدت این سرزمین را مورد توجه قرار می دادند. آنها در خلال جنگ جهانی اول، در حدود سال ۱۹۱۵، نماینده ای را با مسؤولیت متقاعد ساختن سلطان حسین کامل، حاکم وقت مصر و نخست وزیر او حسین رشدی پاشا جهت پذیرش مهاجران یهودی و اسکان آنها در مصر به آن کشور اعزام کردند. تا جایی که سلطان حسین کامل و نخست وزیر او موافقت خود را با این مسأله اعلام کردند و سپس دستورهایی جهت ایجاد چند اردوگاه برای

یهودیان مهاجر در منطقه «القباری» اسکندریه صادر شد.(۱)

یهودی های مصر با توصیه و تحریک ولادیمیر ژابوتینسکی یکی از رهبران افراطی صهیونیسم و تحت فرمان موسی قطاوی رئیس طایفه یهودی های آن کشور، پس از هماهنگی با فرمانده کل نیروهای نظامی انگلیس، چندین گردان نظامی تشکیل دادند و به لشکر ژنرال آلنبی یهودی که آماده پیشروی به سرزمین فلسطین و شام و جنگ علیه قوای امپراتوری عثمانی بود، پیوستند.(۲)

به لحاظ جغرافیایی؛ مصر با سه کشور لیبی در غرب، سودان در جنوب و فلسطین اشغالی در شمال شرقی، مرز مشترک دارد و از طرف شمال به دریای مدیترانه و شرق به دریای سرخ

ص: ۴۵۹

۱- . محمدحسنین هیکل، گفت وگوهای سرّی میان اعراب و اسرائیل، ترجمه عبدالصاحب سعیدی، انتشارات همشهری، بهار ۱۳۷۸، ص ۱۴۳.

۲- . همان منبع، ص ۱۴۴.

(احمر) منتهی می شود. در شمال مصر، دریای مدیترانه قرار دارد، که طول مرز ساحلی این کشور با دریای مزبور در حدود ۹۵۵ کیلومتر است. در طرف شرق این کشور، دریای احمر قرار دارد. مصر ۱۹۴۱ کیلومتر مرز ساحلی با این دریا دارد. در شمال شرقی، این کشور در

حدود ۲۶۵ کیلومتر با فلسطین اشغالی مرز مشترک دارد. در غرب، طول مرزهای مشترک مصر با لیبی، در حدود ۱۱۱۵ کیلومتر است و در جنوب، این کشور با سودان ۱۲۵۰ کیلومتر مرز مشترک دارد.

شمال (دریای مدیترانه) ۹۵۵ کیلومتر

جنوب (سودان) ۱۲۵۰ کیلومتر

شرق (دریای سرخ) ۱۹۴۱ کیلومتر

غرب (لیبی) ۱۱۱۵ کیلومتر

شمال شرق (فلسطین اشغالی) ۲۶۵ کیلومتر(۱)

پس از جنگ جهانی اول، انگلستان مصر را تحت الحمایه خود قرار داد و حسین کامل را به عنوان خدیو مصر برگزید. در سال ۱۹۲۳ این کشور براساس یک قانون اساسی به صورت مشروطه پارلمانی به پادشاهی فؤاد اول درآمد. تحت الحمایگی مصر تا زمان انعقاد پیمانی در سال ۱۹۳۶ ادامه یافت که براساس آن مصر و انگلستان دو کشور متحد شناخته شدند و قرار شد نیروهای انگلیسی از مصر خارج شوند. پس از فؤاد پسرش فاروق جانشین او شد. در جنگ جهانی دوم، انگلستان مطابق پیمانی که در سال ۱۹۳۶ منعقد شده بود، دفاع از مصر را به عهده گرفت. پس از جنگ مصریان خواستار تجدید نظر در پیمان ۱۹۳۶ شدند. مصر که سخت مخالف طرح تقسیم فلسطین در سازمان ملل در سال ۱۹۴۷ بود، سرانجام به اتحادیه عرب پیوست و در سال ۱۹۴۸ پس از اعلان تأسیس اسرائیل، این کشور همراه با برخی دیگر از کشورهای عربی وارد جنگ با رژیم صهیونیستی شد.

در سال ۱۹۵۲، نظامیان مصری به سرپرستی ژنرال محمد نجیب با یک کودتا قدرت را در دست گرفتند. فاروق به نفع پسر خردسالش احمد فؤاد دوم از سلطنت کناره گرفت.

در سال ۱۹۵۳ نظام سلطنتی مصر منقرض شد و حکومت جمهوری در این کشور برقرار

۱- . مختار حسینی، برآورد استراتژیک مصر، جلد اول، مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین المللی معاصر، چاپ اول ۱۳۸۰، ص ۳۳۱.

گردید. نجیب به ریاست جمهوری رسید. در فوریه ۱۹۵۴ نجیب از ریاست جمهوری استعفا کرد و تمام قدرت در نوامبر ۱۹۵۴ به دست جمال عبدالناصر افتاد. مردی که طرح و اندیشه برکناری ملک فاروق را از او می دانند. با قانون اساسی جدید، ناصر برای مدت شش سال به ریاست جمهوری آن کشور انتخاب شد. جمال عبدالناصر در سال ۱۹۵۶ کانال سوئز را ملی اعلام کرد. اسرائیل به بهانه از دست دادن منافع خود، با همکاری دو کشور فرانسه و انگلستان

به طور مشترک در اکتبر سال ۱۹۵۶ به مصر یورش نظامی بردند و از هوا و دریا و زمین این

کشور را هدف بمباران های خود قرار دادند.

گفتنی است که طبق اسناد موجود، رژیم صهیونیستی از چند سال قبل از این، مترصد بهانه ای برای حمله نظامی به کشور مصر بود.

در ژوئن سال ۱۹۶۷ رژیم صهیونیستی از طریق هوا و زمین کشور مصر را هدف تهاجم نظامی قرار داد. در این جنگ اسرائیلی ها با برخورداری از کمک کشورهای غربی، به ویژه

آمریکا توانستند نوار غزه، صحرای سینا، کرانه غربی رود اردن و بلندی های جولان متعلق به سوریه را اشغال کنند. در سپتامبر سال ۱۷۰ ناصر دار فانی را وداع گفت و انورسادات جای وی را گرفت و با اخراج کارشناسان شوروی از مصر، روابط این کشور با شوروی به سردی گرایید.

در ماه رمضان سال ۱۹۷۳ مصادف با عید کیپور یهودی ها در ماه اکتبر، مصری ها برای جبران خسارات گذشته با همکاری سوریه به مقصود بازپس گیری اراضی خود، از راه کانال سوئز و بلندی های جولان به سمت اسرائیل پیشروی کردند که در ۲۲ اکتبر ۱۹۷۳ آتش بس برقرار شد.

در سال ۱۹۷۷ همه کوشش سادات بر این بود که صحرای سینا را از اسرائیل بازپس گیرد. مناخیم بگین نخست وزیر وقت اسرائیل از انورسادات دعوت کرد که برای مذاکره درباره صلح به فلسطین اشغالی برود. این دعوت از سوی سادات پذیرفته شد. سادات در نوامبر

۱۹۷۷ به فلسطین اشغالی رفت و در کِنِست (پارلمان اسرائیل) سخنرانی کرد. علی رغم استقبال کشورهای غربی و بعضی ممالک عربی از این اقدام سادات، اکثر کشورهای عربی و اسلامی این اقدام سادات را مورد سرزنش قرار دادند و بعضی نیز روابط دیپلماتیک و سیاسی

خود را با مصر قطع کردند. سرانجام پس از چند دور مذاکرات غیررسمی بین سادات و سران

رژیم صهیونیستی، طرفین در سپتامبر ۱۹۷۸، در اقامتگاه تابستانی کمپ دیوید، به دعوت کارتر رئیس جمهور وقت ایالات متحده، متعهد شدند معاهده صلحی را امضاء کنند، که به موجب آن شبه جزیره سینا طی دو تا سه سال به مصر بازگردانده شود و نیز اسرائیل به طور

مشروط یک خودمختاری کامل اداری طی ۵ سال به ساکنان فلسطینی کرانه غربی رود اردن و نوار غزه بدهد و بالاخره در مارس ۱۹۷۹ در واشنگتن پیمان اصلی صلح امضا شود. براساس این پیمان، موضوع عادی شدن روابط بین مصر و اسرائیل، زمانبندی عقب نشینی رژیم صهیونیستی از سینا و برقراری روابط سیاسی میان دو طرف به امضای طرفین رسید.(۱)

یهودی ها در مصر

آن گونه که اسناد تاریخی حکایت می کنند، موقعیت ویژه مصر در جهان اسلام و عرب موجب شده بود تا یهودی ها در صدد بسط و تشدید نفوذ و حضور خود در آن سرزمین برآیند. به طوری که در خلال دو جنگ اول و دوم جهانی آنها به بخش عمده ای از اهداف خود

نایل آمدند و قدرت قابل توجهی در آن کشور به دست آوردند.

در زمان سلطنت ملک فؤاد، خاخام ناحوم افندی رئیس مجلس طایفه یهودی ها در مصر به شدت مورد لطف و توجه شاه قرار داشت. این خاخام یهودی بعدها نماینده مجلس سنای مصر شد. در این دوران یوسف قطاوی پاشا» که در اصل یهودی بود در بیشتر کابینه های مصر، سمت وزیر دارایی را برعهده داشت.

به تدریج یهودی های دیگری، به مجلس سنا و شورای مصر راه یافتند. که از آن جمله می توان به رنییه قطاوی بیک» و دی بچوتوبیگ اشاره کرد. در این زمان همسر یهودی وزیر دارایی مصر (یوسف قطاوی پاشا) سرپرست خدمتکاران ملکه نازلی» بود. یکی از یهودی های جنوب آفریقا به نام اوزوالد وینی شرکت تبلیغاتی شرقی را تأسیس کرد وی مجموعه ای از روزنامه های انگلیسی و فرانسوی زبان را منتشر می کرد. اما این نشریات با محتوا و جهت گیری های یهودی عجین بودند. از جمله این نشریات، جبشیان میل، جبشیان گازیت و بورس جیبسیان بود. شرکت تبلیغاتی شرقی، به طور کامل بر بازار مطبوعات نوپای مصر سایه افکند. علاوه بر موارد مذکور، یهودی ها در کاخ سلطنتی مصر نیز نفوذ بسیار پیدا کردند. تا

۱- . ن. ک: غلامحسین مصاحب، جلد دوم، بخش دوم، ص ۲۷۹۰-۲۷۹۱.

جایی که افشای دوستی یک زن یهودی به نام سوارس» با ملک فؤاد، موجب افشاگری علیه دربار و شاه شد.(۱)

یهودی ها با کسب موقعیت ممتاز در مصر، سبب شدند تا برخی یهودی های فرانسوی، ایتالیایی و یا اسپانیایی وارد بازار معاملات و سرمایه گذاری مصر شوند. آنها حتی در مراکز دولتی نیز نفوذ پیدا کردند.

به این ترتیب نسبت یهودی هایی که در شرکت های صنعتی و مالی مصر، مشاغل اداری پیدا کردند به ۳۹ درصد رسید. این رقم با توجه به جمعیت یهودی در مصر آن زمان، به نسبت

کل جمعیت مصر رقمی بیش از صد برابر را نشان می دهد.

خانواده های یهودی چون اشکوریل و موصیری با نفوذ مالی خود در تأسیس بانک مرکزی مشارکت کردند. تعدادی از شرکت های زراعی از جمله وادی کوم امبو، شرکت اراضی دریاچه و شرکت شیخ فضل اللّه نیز با سرمایه یهودی ها اداره می شدند.

یهودی های مصر با نفوذ بسیار و تأثیر عمیق اقتصادی، توانستند شماری از سیاستمداران مصری را که بیشتر آنها با محافل اقتصادی در ارتباط بودند، دور خود جمع کنند، که از میان

آنها می توان به اسماعیل صدقی پاشا وزیر اقتصاد و دارایی اشاره کرد که حتی چند بار نخست وزیر کشور مصر شده بود. آنها حتی در عرصه موسیقی و هنر در مصر نیز راه یافتند.(۲)

در سال های بعد از جنگ جهانی دوم، فعالیت صهیونیست ها در مصر به اوج خود رسید. خانواده های بزرگ یهود، دست به ایجاد اردوگاه هایی برای یهودی های کوچ کرده از مناطق

جنگ زده اروپا، زدند. همان گونه که در جنگ جهانی اول نیز اتفاق افتاده بود؛ این اردوگاه ها

تنها به اسکان موقت یهودی ها محدود نشد، بلکه به تدریج به محل و مراکز آموزش زبان عبری و تاریخ یهود و حتی آموزش های نظامی تبدیل گردید.

سازماندهی یهودی ها در گردان های نظامی با پیوستن گروه های یهودی اروپایی به آنها، بار دیگر از سر گرفته شد. گردان های سپاه یهود از سوی یهودی های مصری تشکیل شد و منطقه «برج اعراب» در صحرای غربی (لیبی) به عنوان پایگاه آنها مورد استفاده و بهره برداری

قرار گرفت.(۳)

۱- . حسنین هیکل، صص ۱۴۳-۱۴۴.

۲- . همان منبع، ص ۱۴۷.

۳- . همان منبع، ص ۱۴۸.

در سال ۱۹۴۳، در خلال جنگ جهانی دوم، سازمان صهیونیست ها تحت نام جدید اتحادیه کل صهیونیست ها فعالیت خود را در مصر از سر گرفت. سرکردگان گروه ها و دسته های تروریستی صهیونیستی، هاگانا و ایرگون، از جمله دیوید بن گوریون و اسحاق بن زوی که بعدها رؤسای دولت اسرائیل شدند، در جلسات این اتحادیه حضور می یافتند و سخنرانی می کردند. آباایبان یکی از برجسته ترین سخنگویان ارتش بریتانیا در قاهره، که بعدها وزیر امور خارجه اسرائیل شد، در صحنه فعالیت های صهیونیست های مصر ظاهر می شد.

نفوذ و حضور یهودی ها در مصر، در زمان ملک فاروق همچنان افزایش می یافت. او نیز چون پدرش فؤاد، معشوقه ای یهودی به نام ایرن کونللی داشت. جنبش کمونیستی مصر کاملاً تحت تأثیر و در اختیار یهودی های(۱) مصر بود.(۲)

به این ترتیب یهودیان با تمایلات صهیونیستی و غیرصهیونیستی، جهت تأثیر گذاشتن بر جامعه مصر و نفوذ در آن، موقعیت های مهمی را به دست آوردند. آنها در حیات فرهنگی و مطبوعاتی مصر سهم بسزایی پیدا کرده بودند. برای مثال، خانواده موصیری نشریه ای به نام «مجله اسرائیل» را به سه زبان عربی، فرانسوی و عبری همزمان منتشر می کردند. شماری از

روزنامه نگاران یهودی، عضو اتحادیه روزنامه نگاران مصر بودند.

بالاترین و مهمترین شخصیت یهودی روزنامه الاهرام (بعد از مدیر مسؤول)، حییم ارگمان مدیر قسمت آگهی بود. ایلی بولینی یهودی نیز چهره برجسته روزنامه «المصری» بود.

در زمان تأسیس روزنامه «اخبار الیوم» در سال ۱۹۴۳، خبرنگار این روزنامه در لندن جان کیمچی (کیمخی) عموزاده دیوید کیمچی، (کسی که بعدها به سمت معاون موساد و قائم مقام وزارت امور خارجه اسرائیل منصوب شد)(۳) بود.

به هر روی پس از سقوط نظام سلطنتی مصر و روی کار آمدن دولت جمهوری، از سال ۱۹۵۳ به بعد، موقعیت یهودی در این کشور دگرگون شد.

در ژوئن ۱۹۵۴، شماری از جاسوسان موساد و سرویس اطلاعات ارتش اسرائیل، به

۱- . درباره نقش یهودی ها در پیدایش احزاب و جنبش های کمونیستی و نیز انقلاب اکتبر شوروی در سال ۱۹۱۷، مراجعه شود به: محمدتقی تقی پور، توطئه جهانی، جلد اول، مرکز چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی، چاپ اول ۱۳۶۷، فصل پنجم، صص ۱۹۷ تا ۲۲۳.

۲- . حسنین هیکل، ص ۱۴۹.

۳- . همان منبع، ص ۱۵۰.

خرابکاری در بعضی تأسیسات و مراکز مهم مصری دست زدند. زکریا محی الدین وزیر کشور مصر در ۵ اکتبر ۱۹۵۴ دستگیری جاسوسان را اعلام کرد. محاکمه جاسوسان (که ۱۳ نفر بودند) در ۱۱ دسامبر در دادگاه نظامی قاهره آغاز شد. یکی از جاسوسان در زندان خودکشی

کرد. محاکمه در ژانویه ۱۹۵۵ پایان یافت و در ۲۷ ژانویه حکم اعدام دو تن از جاسوسان صادر شد. دو رهبر فراری گروه یعنی ابراهیم دار که نام دیگرش جان دارلینگ بود و ابراهیم سیدنورگ(۱) که آوری ال آد(۲) و پُل فرانک(۳) هم نامیده می شد، غیابا محکوم به اعدام شدند. شش تن از جاسوسان به زندان محکوم و دو نفر دیگر تبرئه شدند. در ۳۱ ژانویه دکتر مارزوک(۴) و آزار(۵) در زندانی در قاره به دار آویخته شدند.(۶)

گفتنی است که این حادثه بحرانی در داخل دولت اسرائیل بوجود آورد و موجب درگیری میان موشه شارت نخست وزیر، سرهنگ بنیامین گیبلی رئیس اداره اطلاعات ارتش و لاون وزیر دفاع شد.(۷) این ماجرای جاسوسی سرانجام موجب ایجاد تغییراتی در سطوح بالای دولتی اسرائیل شد. لاون وزیر دفاع از کار برکنار شد و بن گوریون مجددا به وزارت دفاع

بازگشت. هم چنین، در پایان همان سال موشه شارت نخست وزیر اسرائیل نیز که از سال ۱۹۵۳، به این مقام دست یافته بود، برکنار شد و دیوید بن گوریون مقام نخست وزیری را هم مجددا تصاحب کرد. سران و رهبران صهیونیسم به تلافی ماجرای لاون و به علاوه اغراض دیگری که مربوط به اهداف توسعه طلبانه رژیم صهیونیستی بود، در این دوران طرح حمله به

مصر را تدارک دیدند تا اینکه در سال ۱۹۵۶، ملی شدن کانال سوئز از سوی جمال عبدالناصر

را بهانه خوبی یافتند و با تبانی مشترک فرانسه و انگلستان، تهاجم نظامی سه جانبه به آن کشور را آغاز کردند.

پس از قرارداد کمپ دیوید بین مصر و اسرائیل، روابط حسنه بین طرفین برقرار شد. به

۱- . Seidenwerg

۲- . Avri El- Ad

۳- . Paul Frank

۴- . Marzouk

۵- . Azar

۶- . استیون گرین، جانبداری، ترجمه سهیل روحانی، چاپ و نشر بنیاد، چاپ اول، ۱۳۶۸، ص ۱۲۲.

۷- . این ماجرای جاسوسی در تاریخ فعالیت های سرویس های اطلاعاتی ودر عرصه رسانه های جهانی به نام ماجرای «لاون» برگرفته از نام وزیر دفاع وقت اسرائیل معروف شد. در زمان ماجرای لاون، شیمون پرز مدیر کل وزارت دفاع و موشه دایان رئیس ستاد ارتش بودند.

رغم برخی اختلافات سیاسی و مرزی، از زمان انعقاد قرارداد صلح بین انورسادات رئیس جمهور مصر و مناخیم بگین نخست وزیر وقت اسرائیل، در سال ۱۹۷۸ و ۱۹۷۹، دولت مصر و اسرائیل رابطه اقتصادی برقرار کردند که مهمترین آنها در زمینه نفت و گاز بود. بر اساس

پیمان مذکور، مصر سالیانه ۲۰۰ میلیون دلار نفت خام تحویل اسرائیل می دهد. هم چنین دو

طرف در احداث پالایشگاهی در اسکندریه مشارکت دارند، که هزینه احداث آن ۲/۱ میلیارد دلار و ظرفیت آن ۱۰۰ هزار بشکه در روز است.

همکاری دیگر در خصوص احداث یک خط لوله گاز است. مصر در سال ۱۹۹۶ برای مقابله با طرح خط لوله گاز قطر به اسرائیل، احداث این خط لوله را پیشنهاد داد. علاوه بر این موارد، دو طرف پیشنهادهایی برای همکاری در زمینه های کشاورزی، ارتباط شبکه های برق، اجرای پروژه های مشترک صیادی، حفاظت محیط زیست و گردشگری ارایه داده اند.(۱)

ص: ۴۶۶

۱- . مختار حسینی، ص ۳۱۰.

جایگاه مصر در استراتژی پیرامونی

برقراری روابط سیاسی بین مصر و رژیم اسرائیل، بستر مناسبی برای فعالیت جاسوسان موساد، در پوشش نمایندگی های سیاسی در این کشور اسلامی بود. در ماه ژوئن سال ۱۹۸۴، اوت سال ۱۹۸۵ و مارس سال ۱۹۸۶، تعدادی از دیپلمات ها، کادرهای سیاسی و افسران اطلاعاتی اسرائیلی در قاهره مورد حمله قرار گرفتند و عده ای از آنها به هلاکت رسیدند. از زمان امضای موافقت نامه کمپ دیوید تا کنون پانزده شبکه جاسوسی اسرائیل در مصر کشف شده است.(۱)

در دکترین حاشیه ای اسرائیل کشور مصر با توجه به ویژگی های گوناگون فرهنگی، سیاسی، جغرافیایی و جمعیتی، جایگاه ویژه و بلکه منحصر به فردی داشته است. آن دسته از

اسناد ساواک، مربوط به روابط اطلاعاتی اسرائیل با ایران و نیز ترکیه، به خوبی نشانگر اهداف و مطامع اسرائیلی ها در مصر و به علاوه جایگاه و اهمیت این کشور در استراتژی پیرامونی

رژیم صهیونیستی است.

ایسر هارل رئیس موساد، طی گفت وگویی با مقامات ساواک، در سال ۱۳۳۹، مواضع رژیم صهیونیستی را در قبال ارتباط ناصر با شوروی و کمک های احتمالی غرب به رئیس جمهور مصر، و نیز نگرانی دولت های وابسته و مزدور آفریقایی و عربی نسبت به جمال عبدالناصر، چنین اعلام می کند:

سئوال: از قرار معلوم ناصر مایل به ایجاد یک جبهه ضدکمونیستی است. در این مورد ما چه

۱- . ن. ک: مختار حسینی، ص ۳۲۱.

روشی باید اتخاذ کنیم؟

ایسرهارل: قبل از هر چیز باید دید کمونیسم چیست.

ناصر در حالی که مدعی مبارزه با کمونیسم است روابط خود را با شوروی همچنان حفظ نموده است. علت تبلیغات ناصر علیه کمونیستها این است که تا کنون وی تنها عامل سیاست شوروی در خاورمیانه بود. ولی اکنون رقیبی برای او در عراق پیدا شده است.

اگر غرب بخواهد به ناصر کمک کند و او را در ادامه سیاست توسعه طلبی خویش آزاد بگذارد به این نتیجه خواهیم رسید که در قسمت شمالی خاورمیانه کشور عراق عامل اجرای منویات شوروی بوده و در قسمت جنوبی خاورمیانه و افریقای شمالی و مرکزی ناصر آزادانه به سرکوبی تمام دوستان غرب خواهد پرداخت و کشورهای طرفدار غرب مانند لبنان - اردن و یا

کشورهای بی طرف مانند عربستان سعودی یکی پس از دیگری از بین خواهند رفت.

یکی دیگر از نتایج کمک به ناصر تسریع در پیشرفت کمونیسم خواهد بود.

اگر چه ما از محتویات نامه اخیر خروشچف به ناصر اطلاعی نداریم ولی بعید نیست که خروشچف به او تقسیم مناطق نفوذ را پیشنهاد کرده باشد. به هر حال اگر اکنون غرب ناصر را در سیاست توسعه طلبی خود آزاد گذارد ولی پس از مدتی بخواهد مانع اقدام تجاوزآمیز ناصر در یک نقطه گردد وی فورا و مجددا به شوروی متوسل خواهد شد.

هم اکنون کشورهای افریقایی از سیاست ناصر بیمناک هستند. مثلاً اکثریت مردم سومالی ایتالیا که قرار است به زودی مستقل شوند مخالف ناصر هستند ولی اگر وی آزاد باشد ممکن است این کشور را به سوی خود جذب کند. همچنین نکرومه نخست وزیر غنا از روش عبدالناصر بی اندازه ناراحت بوده و به هیچ وجه به مبارزه ضدکمونیستی او معتقد نیست بورقیبه رئیس جمهور تونس

نیز که یک میهن پرست حقیقی و از دوستان صمیمی غرب است کوچکترین اعتمادی به ناصر ندارد.

خلاصه اینکه کمک غرب به ناصر منجر به فاجعه بزرگی خواهد شد.(۱)

ایسر هارل با اشاره به مواضع هماهنگ و مشترک آمریکا و انگلستان علیه جمال عبدالناصر، لزوم همراهی کشورهای دست نشانده با مواضع آمریکا، اسرائیل و انگلیس علیه مصر را گوشزد و خواستار اتحاد بعضی کشورهای اسلامی علیه جمال عبدالناصر رئیس جمهور

۱- . سند ساواک، نظریات آقای ایسر هارل درباره وضع سیاسی خاورمیانه، ۹/۲/۱۳۳۹، طبقه بندی به کلی سرّی.

مصر و همراهی با سیاست اسرائیل است:

سئوال: سیاست آمریکا و انگلستان درباره عبدالناصر چیست و تا چه اندازه می توان آن را تحت تأثیر قرار داد؟

ایسر هارل: درباره انگلستان می توانم با اطمینان بگویم که دستگاه دولتی هیچگاه اشتباهی درباره عبدالناصر نمی نماید و از این لحاظ نباید ناراحت بود. و اما در آمریکا وضع کمی متفاوت است. دالس وزیر امور خارجه سابق مثل ما فکر می کرد و تصور می کنم جانشین او هرتر نیز با عقیده ما موافق باشد. ولی ممکن است بعضی عناصر در اداره خاورمیانه وزارت خارجه آمریکا غیر از

این فکر نموده و با تفویض آزادی عمل به عبدالناصر موافق باشند. در ضمن ممکن است افکار عمومی نیز از چنین عقیده ای پشتیبانی نماید. زیرا آمریکاییها خیلی احساساتی بوده و به قدری مسئله مبارزه با کمونیسم آنها را خیره کرده است که هر کس سخنان ضدکمونیستی بر زبان براند

مورد قبول آنها قرار می گیرد.

ولی اگر به مصاحبه اخیر مطبوعاتی آیزنهاور مراجعه شود می بینیم او نیز مثل ما فکر می کند و گفته است آمریکا حاضر است به عبدالکریم قاسم کمک نماید و با هر نوع دخالت بیگانه (منظور عبدالناصر است) در امور داخلی عراق مخالف است.

از آنجایی که منظور عبدالناصر توسعه طلبی و دست اندازی به کشورهای دوستدار غرب مانند لبنان - اردن - سودان و اسرائیل است بدیهی است آمریکاییها هیچ وقت با چنین سیاستی همراهی نخواهند کرد.

چنانچه کشورهای آزاد منطقه و بخصوص ایران - ترکیه - اردن و اسرائیل روش ثابت و مشخص اتخاذ نمایند نظر آنها برای آمریکاییها اهمیت زیادی دارد. ترکها در مخالفت خود با عبدالناصر هرگز تردیدی نداشته اند. ولی بعضی اوقات از ایران زمزمه های مختلفی به گوش آمریکاییها رسیده و آنها را مشکوک می نماید در حالی که اگر این چند کشور سیاست متحد و متفقی داشته

باشند به طور قطع حداکثر تأثیر را روی سیاست آمریکا خواهند داشت.(۱)

مذاکرات ناهوم ادمونی معاون وقت سرویس اطلاعاتی اسرائیل با نصیری رئیس ساواک، در سال ۱۳۵۰، نشان از اهمیت مصر برای رژیم صهیونیستی دارد. در این گفت و گو، ادمونی به طور تلویحی به برقراری روابط بین آمریکا و سادات رئیس جمهور وقت مصر اشاره کرده

۱- . سند ساواک، نظریات آقای ایسر هارل درباره وضع سیاسی خاورمیانه، ۹/۲/۱۳۳۹، طبقه بندی به کلی سرّی.

و درباره سفر سادات به مسکو و آمادگی اسرائیل برای مذاکره مستقیم با مصری ها، با رئیس

ساواک مشورت می کند و حتی سعی در تخلیه اطلاعاتی او دارد:

آقای ادمونی: در مورد شروع جنگ علیه اسرائیل سادات اظهار داشته که به دلیل بروز مناقشات مسلحانه بین هند و پاکستان موقتا از حمله به نیروهای اسرائیلی صرف نظر کرده است. در مورد آب و هوا صحبت می کردیم بد نیست به نطق سادات در مورد مه نیز یاد کنم.

ریاست ساواک: البته منظور مه سیاسی است نه مه طبیعی.

آقای ادمونی: منظور همان مه طبیعی است. در ژوئیه سال ۶۷ [۱۹۶۷] نیروی هوایی مصر مصمم به حمله به ستون اسرائیلی مستقر در کانال سوئز بود اما متأسفانه وجود مه بر فراز کانال سوئز این حمله انجام نگردید. این عین کلماتی است که انورسادات در نطق خود به آن اشاره کرد.

البته گفته می شود که شوروی هم اخیرا نمی خواسته در دو جبهه یعنی جبهه هند و پاکستان و جبهه اعراب و اسرائیل درگیر شود.

ریاست ساواک: اخبار خوشی دریافت کرده ایم مبنی بر اینکه حل و فصل اختلافات با قبول حضور اسرائیل در شرق سوئز امکان پذیر خواهد بود.

آقای ادمونی: ما امیدواریم که کانال سوئز مجددا باز شود. البته تا سال قبل اوضاع خوب نبود. در سال جاری اگر چه سادات در نطق های خود می گفته که روابط مصر با آمریکا قطع می باشد ولی محافل مطلع آمریکا به ما گفته اند که اینطور نیست. طبیعی است که روسها نمی خواهند

به طور مستقیم با آمریکا درگیر شوند.

ریاست ساواک: اشکال مذاکرات مستقیم چیست در حالی که مصریها در سازمان ملل متحد با شما زیر یک سقف می نشینند امتناع آنها از مذاکرات مستقیم باید جنبه کهنه پرستی داشته باشد.

آقای ادمونی: البته می دانید که ما همیشه خواستار مذاکرات مستقیم بوده ایم.

راستی شما از سفر سادات به شوروی چه می دانید؟

ریاست ساواک: اکنون وزیر دارایی ما جهت مذاکرات اقتصادی و مالی در مسکو است و تا قبل از مراجعت او نمی توانیم چیزی راجع به سفر سادات بگوییم.

آقای ادمونی: در سفر قبلی سادات به مسکو شوروی او را به منظور کسب نتایج سیاسی زیر فشار گذاشت شورویها همچنین از

سادات خواستند که از نفوذ خود به منظور وارد کردن سودان

به اردوگاه کمونیزم و همچنین تغییر رویه قذافی که فردی ضدکمونیست می باشد استفاده کند.

شوروی تعدادی از تجهیزات الکترونیکی خود را به اضافه پاره ای سلاحهای دیگر از مصر خارج کرده و گویا اینها را به هند فرستاده است.

ریاست ساواک: از عراق هم برای هند اسلحه برده اند.(۱)

پس از جنگ چهارم اعراب و اسرائیل در اکتبر سال ۱۹۷۳، معروف به جنگ رمضان (یا یوم کیپور)، ژنرال زوی زامیر (ضمیر) رئیس موساد با رئیس ساواک دیدار می کند و اطلاعاتی در این باره ارایه می دهد. زوی زامیر با اشاره به خسارات وارده به طرفین درگیر، به خصوص

مصر و سوریه، به غنایم روسی به دست آمده از طرف های سوری و مصر گزارش می دهد. اما هیچ اشاره ای به نقش آمریکا در این جنگ نمی کند. آمریکا علی رغم پشتیبانی اطلاعاتی،

نظامی و مالی(۲) رژیم صهیونیستی در این جنگ به شورای امنیت متوسل شد. شکست پی در پی چهار روزه اسرائیل (در آغاز جنگ)، نیکسون را متقاعد کرد که واشنگتن باید (به طور علنی و رسمی) پا درمیانی کند و به نحوی موجبات رهایی اسرائیل را فراهم آورد و لذا به

کیسینجر (یهودی، وزیر امور خارجه وقت ایالات متحده) دستور داد تا اقدامات منطقی و معقول موجود را به کار گیرد. نیکسون همه موانعی را که در آمریکا بر سر راه کمک به اسرائیل بود برداشته و پافشاری می کرد هر چیزی را که ضروریست به اسرائیل ارسال شود. او ده جت

فانتوم اضافی نیز به اسرائیل ارسال کرد. میزان کمک رسانی هوایی آمریکا به اسرائیل در این جنگ به مراتب وسیعتر از میزان کمک رسانی آنان در جنگ سال ۱۹۴۸-۴۹... بود. در دهم اکتبر، گلدامایر [نخست وزیر وقت اسرائیل]از نیکسون به خاطر کمک های آمریکا تشکر کرد.(۳) به هر روی کمک های همه جانبه آمریکا و پشتیبانی بی چون و چرای ایالات متحده از اسرائیل، به حدی بود که رژیم صهیونیستی را که در روزهای آغاز جنگ در آستانه سقوط قرار گرفته بود، از فروپاشی و شکست حتمی نجات داد. اما صهیونیست ها همواره سعی در پنهان نگه داشتن اسرار کمک ها و نقش آمریکا در این جنگ داشته اند. به طوری که رئیس موساد در مذاکرات خود با همتای ایرانی اش هیچ ذکری از این قضایا به میان نمی آورد:

۱- . سند ساواک، مذاکرات ریاست ساواک نصیری با آقای ادمونی معاون سرویس اسرائیل، سه شنبه ۱۹ بهمن ماه ۱۳۵۰.
۲- . در هفدهم اکتبر، نیکسون رئیس جمهوری وقت آمریکا از کنگره درخواست کرد کمک ۲/۲ میلیارد دلاری به اسرائیل بدهد.
۳- . ریچی اُون دیل، ریشه های جنگ های اعراب و اسرائیل، ترجمه ارسطو آذری، انتشارات امیرکبیر، چاپ اول ۱۳۷۶، ص ۳۲۴.

مذاکرات دوجانبه تیمسار ریاست ساواک با ژنرال ضمیر [زامیر]۲۸آذر/۵۲[۱۳۵۲]

شرکت کنندگان: تیمسار ارتشبد نصیری

تیمسار سرلشگر معتضد

مدیر کل اداره هفتم تیمسار کاوه

آقای امانی

آقای محیط

خانم عبادی فرشچی

تعارفات

ژنرال ضمیر: همانطور که می دانید اخیرا جنگی به وقوع پیوسته، من می خواهم از یکی دو هفته قبل از آن توضیح خود را شروع نمایم. از نظر سیاسی ما منتظر چنین جنگی نبودیم (به خاطر

موقعیت دوستی امریکا و شوروی) در مورد نظامی کاملاً روشن بود که مصریها تمرکز قوا می کنند و وقتی جنگ شروع شد از نظر تمرکز تانک در منطقه ما یک بر ۹ بودیم. گسترش نیروها

به این طریق بود. پنج لشگر پیاده – دو لشگر زرهی – دو تیپ مستقل یک لشگر موتوریزه. در

مرحله بعد مربوط به عبور لشگرهای پیاده نظام مصری از کانال سوئز است که به وسیله تیپ های زرهی حمایت می شدند و با وجود افزایش نیروی تانک از طرف نسبت آنها یک به سه

و نیم بود. هدف مصریها این بود که از کانال بگذرند نیروهایشان را متمرکز کنند و جنبه سیاسی مسئله را پیش بکشند. نیروهای اسرائیلی آنها را در ۱۰ کیلومتری کانال متوقف نمودند. جنگ

شدید در منطقه سوریه بود در این قسمت، در زمانی که ما سوریه را متوقف کردیم دو لشگر

زرهی [را]مصریها از کانال عبور دادند و نبرد اساسی در این موقع بود که مصریها ۲۵۰ و ما فقط ۱۰ تانک از دست دادیم و درسی که فرا گرفتیم این بود که وقتی به نیروهای زرهی حمله

کنیم خسارت زیادی نمی بینیم ولی در حمله به نیروی زمینی خسارت بیشتری متحمل می شویم در این مرحله از جنگ بود که شوروی شروع به زمزمه آتش بس نمود.

در ۱۸ اکتبر [۱۹۷۳] ما حمله نموده و با تمرکز قوای زیاد از کانال عبور نمودیم در این موقع ۸۰۰ تانک [را]مصریها از دست دادند و ما نیز ۳۰۰ تانک از دست دادیم. این منطقه بسیار جالب و دیدنی است. تا روز ۲۱ اکتبر ما در آن طرف کانال پیشرفت نمودیم و در ۲۱ و ۲۲ آتش بس را قبول کرده و در ۲۳ مصریها این آتش بس را منقضی نموده و به نفع ما شد چون

ارتباط لشگر سوم را قطع نمودیم. در این موقعیت هر دو طرف درک کردند که در جنگ آینده پیروزی غیرممکن است.

در مورد کارایی جنگی مصر باید به طور کلی عرض کنم وقتی با نقشه قبلی شروع کنند خوب می جنگند. ما بسیار متعجب شدیم وقتی دیدیم که آنها تا چه حد با سلاحهای پیچیده و گران

مجهز می باشند. و تا چه مقدار زیادی مورد استفاده قرار می دهند برای هر هدفی هزاران عدد موشک رها می کردند.

مصریها معتقدند به هیچ وجه نباید عقب نشینی کنند حق هم دارند در عقب نشینی نیروی خود را از دست می دهند. و در روحیه افراد هم تأثیر می گذارد. نکته دیگر اینکه مصریها اگر در حال حرکت باشند و به آنها حمله شود توازن خود را از دست می دهند. در غرب کانال هم ما از

همین موضوع استفاده کردیم.

در این جنگ مصر ۲۵۰۰ تانک داشت. یک تیپ الجزایر آنجا بود که هنوز هم هست ۳۰۰ نفر خلبان کره شمالی، سربازان و ۴۰ [جنگنده] میراژ لیبی - سربازان مراکش - سودان - هواپیماهای هانتر عراقی، اینها نیروهایی بودند که به طور قاطع بر علیه ما در جنگ شرکت نمودند. ما فقط ۱۰۰ کیلومتر با قاهره فاصله داریم. هر روز که بگذرد به نفع مصر است، چون خطوط خود را

تقویت می کند. البته این نظر تا قبل از کنفرانس ژنو است بعد از آن ما حتما عقب نشینی خواهیم کرد.

تیمسار قائم مقام: مانور تانکها در منطقه نمکزارها چطور بود.

ژنرال ضمیر: در این منطقه جنگی نشد و یکی از واحدهای ما آنجا مستقر است. در منطقه جولان نسبت نیروهایمان دوازده به یک بود. در روز اول کار سوریها خوب بود. در ۱۸ اکتبر ما موفق

شدیم سوریها را متوقف کنیم در این منطقه ۳۰۰ تانک ما علیه ۱۰۰۰ تانک سوری مبارزه می کرد. در شمال نیروی هوایی رل بزرگی در جلوگیری از پیشروی سوریه انجام داد. اردنی ها با اکراه وارد جنگ شدند عراقی ها با مسرت خاطر وارد جنگ شدند و از نظر جنگی در سطح بدی بودند. در ۱۲ اکتبر وقتی از خواب بیدار شدند ۵۰ تا ۶۰ تانک آنها در محاصره بود. عراقیها ۱۳۰ تانک از دست دادند و ۳۷۰ تانکشان مراجعت کرده، در شمال ما به جایی رسیدیم که چند

بار دمشق را هدف توپخانه قرار دادیم.

تیمسار قائم مقام: به نظر شما چرا سوریها در کنفرانس شرکت نمی کنند؟

ژنرال ضمیر: دلیلی جز اینکه سوری هستند وجود ندارد.

تیمسار قائم مقام: چرا لیست اسرا را نمی دهند؟

ژنرال ضمیر: این را کارت برنده برای خود می دانند. چون همه چیز را در جنگ از دست داده اند و اصرار ما برای گرفتن اسرا باعث شده که آنها نقطه ضعفی از ما بگیرند و از نظر من این

حساسیت غلط بوده است. نکاتی وجود دارد که باید به عرض برسانم:

بعد از جنگ شوروی ۱۳۰۰ تا ۱۴۰۰ تانک در اختیار مصر و سوریه گذارده است - ۱۴۰ هواپیما- ۲۰ تا ۳۰ سکوی موشکهای ضدهوایی - ۸۵۰ تانک به سوریه داده است - ۱۰۰۰ هواپیما [احتمالاً ۱۰۰ صحیح است] به مصر. ما هم به دلیل جلوگیری از این کمکها فرودگاههای سوریه را بمباران کردیم که چند هواپیمای شوروی روی زمین خسارت دید. اسرائیلی ها اصولاً مازوخیسم هستند و به همین دلیل روزنامه های اسرائیلی که در نوشتن آزاد هستند هیچ کس را در داخل اسرائیل از انتقاد در امان نگذارده اند.

اینکه اسرائیل را از لحاظ بحران انرژی ملامت می کنند عادلانه نیست فکر می کنم دنیای غرب با

بحران رهبری مواجه است و اثری که شوروی در این موقعیت به جا می گذارد بسیار زیاد است.

تیمسار ریاست ساواک: از تجهیزات روسی در این جنگ چه بدست آوردید و نوعش چیست؟

ژنرال ضمیر: تا آنجا که به یاد دارم کلیه انواع تانکها- زره پوش (نفربر) زره پوشهایی که بر روی سقف آن موشک کار گذارده اند. انواع پلها، موشکهای سام ۲ و سام ۳- ما سام ۶ را به طور کامل پیدا نکردیم ولی عناصر متشکله آن را پیدا نمودیم. تمام انواع موشکهای چشم سرخ را به طور

کامل و موشکهای ضدتانک در حدود ۲۰۰ تانک را ما علیه خود اعراب به کار بردیم.

تیمسار کاوه: خبری داشتیم که سوریها تعدادی از تانکهایی را که دریافت کرده بودند به اردن دادند.

ژنرال ضمیر: اردن در حدود ۲۰ تانک خود را به علت تشابه با تانکهای ما به وسیله عراقی ها از دست داد و شاید تعدادی از تانکهایی را که در مرحله اول ما در منطقه جولان به جا گذاردیم

سوریه به اردن داده باشد. ما تمام تجهیزاتی را که بدست آوردیم در نزدیکی تل آویو در منطقه رافن جمع آوری نموده ایم که اگر تیمسار تشریف بیاورند همه آنها را ملاحظه خواهند نمود.(۱)

۱- . گزارش محیط از حوزه تیمسار ریاست ساواک به مدیریت کل اداره هفتم، مورخ ۶/۱۰/۵۲، شماره ۱۹۱، طبقه بندی سرّی، تارخ مذاکره ۲۸ آذر ۱۳۵۲.

واسطه گری محمدرضا پهلوی در سازش مصر و اسرائیل

پس از جنگ چهارم اعراب و اسرائیل، معروف به جنگ رمضان (و به گفته اسرائیلی ها، یوم کیپور) رژیم صهیونیستی به شدت نسبت به برقراری ارتباط با انورسادات رئیس جمهور مصر، احساس نیاز می کرد. صهیونیست ها در این مقطع تاریخی، محور موساد- تهران را به شدت فعال کردند. زوی زامیر رئیس موساد، از سوی نخست وزیر اسرائیل، مأموریت یافت تا با ترغیب ساواک، ایران شاهنشاهی و در رأس آن محمدرضا پهلوی را وادار کند، به عنوان واسطه و میانجی به برقراری تفاهم بین اسرائیل و مصر تلاش و اقدام کند. زوی زامیر در ملاقات با رئیس ساواک (نصیری)، پس از اشاره به توافق های سیاسی ایران و رژیم صهیونیستی و ابراز نگرانی از مواضع و موقعیت شوروی در جهان عرب تقاضا می کند تا ایران برای ملاقات بین اسرائیلی ها و مصری ها وساطت کرده و شخص محمدرضاشاه به عنوان دوست نزدیک و واقعی اسرائیل، پیام آن رژیم را به انورسادات رئیس جمهور مصر ابلاغ کند.

ملاقات دو جانبه تیمسار ریاست ساواک با ژنرال ضمیر

ژنرال ضمیر: باعث افتخار من است که آقای نخست وزیر مرا برای این مأموریت انتخاب کرده اند شاید علت آن همکاریهای موفقیت آمیز گذشته ما بوده است که همه در نهایت حفاظت

انجام گردیده است.

توضیح مختصری راجع به اوضاع سیاسی عرض خواهم نمود و بعد به مسائل اقتصادی خواهیم پرداخت. چون در گذشته در موارد سیاسی همیشه به توافق رسیده ایم لذا به گذشته رجوع نخواهم نمود.

چند کلمه راجع به قدرتهای بزرگ - به خوبی می دانیم که شوروی همیشه از جنبشهای مختلف به نفع خود استفاده می کند- اختلافات و بحرانها را در بین ملتها و داخل ملت ها توسعه می دهد تا در آینده خود توسعه پیدا کند. در مورد صلح موقتی که امریکا از آن حمایت می کند- شوروی

طرفدار آن نیست. ما متأسفیم که گرچه جهان آزاد در مقابل شوروی ایستادگی می کند ولی نفوذی در سیاست آن ندارد- حتی نمونه هایی در دست است که جهان غرب به کمونیسم و نفوذ

آن کمک کرده است (سیاست گندم). ما در مورد صلح موقت با امریکاییها موافقت کردیم ولی

روش آنها روش مستدلی در منطقه نیست. ما فکر می کنیم سرنوشت ملتهای این منطقه در دست

خود این ملتها می باشد. بدون شک جنگ خاورمیانه یک وسیله نفوذی برای شوروی در منطقه بوده است. ما همیشه در این فکر بوده ایم که آیا طرحی وجود دارد که حافظ منافع اسرائیل باشد و در عین حال جلوی نفوذ شوروی را هم بگیرد. ملاقات بین اسرائیل و مصر دلگرمی خوبی بود. از نقطه نظر استراتژیکی ما همیشه خواسته ایم از آن قسمت از سیاست مصر که با جنبشهای

افراطی عرب هماهنگی ندارد جانبداری نموده و پیروی نیز بنماییم. از نظر توسعه روابط بین دو ملت موفقیتهای زیادی حاصل شده است. لیکن مصریها حضور شوروی را در منطقه یک امر ثابت می دانند اثر جنبشهای افراطی عرب هنوز هم بر روی سیاست کنونی مصر وجود دارد. برای هر دوی عرایضی که نمودم دلایلی دارم که خود تیمسار هم می دانند.

ما و امریکاییها هر دو در مورد نفوذ شوروی در مصر و سیاست مصر در قبال شوروی یک عقیده مشترک داریم - ولی علیرغم این حقایق متوجه تغییراتی که در مصر به وقوع پیوسته

هستیم و امیدواریم به توافقی نیز برسیم - در راه رسیدن به این توافق با روش مصریها موافقت

نمودیم. زمانی در اسرائیل توافق با مذاکره غیرمستقیم وضعی بحرانی داشت زیرا هنوز هم در اسرائیل افرادی هستند که معتقدند نمی شود در کنار کشوری که وجود ما را نفی می کند زندگی کرد.

مذاکره مستقیم در گذشته از شرایط ما بود. حالا ما توافق کرده ایم که مذاکرات - صلح از طریق

امریکا انجام گردد. ولی وقتی خطی را در جبهه ترک می کنیم باید بدانیم چه بر سر آن خواهد

آمد و یا ما در عوض چه امتیاز سیاسی کسب نموده ایم. البته ما از محدودیتهای سادات نیز اطلاع داریم.

اجازه بدهید استنباط خودمان را از بازدیدی که برژنف در آتیه از مصر به عمل خواهد آورد بیان کنیم. اگر ما قبل از رفتن برژنف به مصر در مورد عقب نشینی در منطقه موافقت کنیم این کار نتیجه عکس خواهد داد. ما می خواهیم در این فاصله مرحله دوم مذاکرات صلح را انجام دهیم و آن

را به مرحله اجرا برسانیم.

می خواهم یک جنبه بسیار سرّی را به عرض برسانم - امریکاییها نمی خواهند برژنف قهرمان صلح

در منطقه باشد- در ضمن من فکر می کنم امریکاییها هنوز به سادات سوءظن دارند- نباید فراموش کرد تنها کارگردان این نمایش در مصر سادات است. گرچه سادات مرد حرافیست ولی باهوش و زیرک نیز می باشد. او می خواهد از حسن نیت امریکا تا آنجا که امکان دارد استفاده

نماید و وقتی منافعش ایجاب نکند تغییر وضعیت داده از نفوذ شوروی استفاده خواهد کرد.

ولی برخلاف تمام اینها ما آماده هستیم از طریق امریکاییها در مورد مرحله دوم صلح وارد مذاکره شویم. باید به عرضتان برسانم با توجه به رویه سادات مرحله دوم یک مرحله نظامی است نه سیاسی.

شایعاتی مبنی بر اینکه در سفر فهمی به شوروی قرارداد نظامی مهمی فیمابین امضاء گردیده وجود دارد- اگر چنین چیزی صحت داشته باشد و ما برای دفاع آماده نشده باشیم به خود و

دوستانمان خیانت کرده ایم.

نخست وزیر ما امیدوار است که از طریق شما آمادگی اسرائیل را برای دادن اراضی بیشتری از شرف عرض همایونی بگذراند مشروط بر اینکه این یک قدم جدی به سوی صلح باشد.

ما از شما خواهش می کنیم ترتیب ملاقات یک مصری و یک اسرائیلی یا یک هیئت مصری را با یک هیئت اسرائیلی در هر کجا و در هر سطحی که مایل هستید بدهید تا ما در حضور شما قول

زمینهای بیشتری را به آنها بدهیم زیرا برای ما فقط شخص اعلیحضرت مهم هستند و بس فقط

می خواهیم ایشان حرف ما را قبول کنند- چون معظم له را دوست واقعی خود می دانیم نه هیچ

کس دیگر را.

پیامی داریم که امیدواریم از طریق شما به مصریها برسد. این پیام مربوط به بازدید برژنف از مصر می باشد. می خواهیم مصریها بدانند که بعد از این بازدید راه صلح بسته نخواهد شد- گرچه امیدواریم مذاکره قبل از این مسافرت صورت گیرد. ما می خواهیم به جز جنگ راه حلهای دیگری برای صلح باشد و ایران ضامن این راه حلها از جانب ما و از جانب آنها بشود.

تیمسار ریاست: چرا شما این کار را با امریکا انجام نمی دهید؟

ژنرال ضمیر: جواب منفی است.

اگر چه امریکا و اسرائیل در موارد استراتژیکی با هم موافقند در مورد تاکتیک اختلافاتی دارند،

در چهارچوب بحرانهای جهانی اسرائیل برای سیاست امریکا وسیله خوبی است. ما از منبعی دریافتیم امریکاییها بعد از جنگ اکتبر بدون اطلاع ما با مصریها صحبت کرده قول عقب نشینی

داده اند البته این برای برطرف شدن تحریم نفتی صورت گرفته بوده است.

من شخصا معتقدم که امریکاییها و مصریها هر دو نمی خواستند جنگ خاتمه یابد مصریها نظرشان جمع کردن اعراب به زیر یک پرچم به رهبری خود بود و امریکاییها خواهان حل صریح تحریم نفتی حتی به قیمت یک جنگ کلی از طرف ما در

کشورهای نفت خیز منطقه

ص: ۴۷۷

بوده اند.

ارزیابی دیگری را عرض می کنم که مایلیم مصریها نیز بدانند.

دولت کنونی اسرائیل هیچ گونه تعهدی در مقابل گذشته ندارد- لذا روش آزادانه و مستقلی برای

حرکت به سوی صلح دارد و تردیدی در این مورد ندارد.

اطلاع دارید اخیرا در اسرائیل جناح مخالف فشار می آورد که یک دولت ملی روی کار بیاید. یعنی تمام احزاب در تشکیل دولت شرکت داشته باشند.

البته من باید عرض کنم چنین دولتی فقط به درد جنگ می خورد. زیرا تنها چنین دولتی است که ملت را برای دادن قربانی آماده می کند. آقای رابین توانسته تاکنون جلوی این کار را بگیرد. ولی با این حال افرادی مثل ژنرال یاریو که طرفدار تشکیل دولت ملی است در کابینه وجود دارند. اگر دستگاه اطلاعاتی مصر خوب کار کند باید تا کنون این موضوع را درک کرده باشند. جناح طرفدار ژنرال دایان تشکیل دولت ملی را لازم می دانند.

در مورد مصر گفتیم که ما چطور فکر می کنیم – آیا دوستان ما می توانند کمکی به ما بکنند.

تیمسار ریاست: من عرایض شما را به شرف عرض مبارک ملوکانه خواهم رساند.(۱)

تیمسار نصیری رئیس ساواک، سفارش و درخواست اسرائیلی ها را به اطلاع محمدرضا پهلوی می رساند و پس از آن در تاریخ ۹/۱۰/۱۳۵۳، نتیجه را به رئیس موساد چنین گزارش می دهد:

ملاقات دوجانبه تیمسار ریاست ساواک با ژنرال ضمیر

تیمسار ریاست ساواک: در شرفیابی امروز عین گزارشات را به عرض رسانیدم. در مورد کمک مالی فرمودند با مسئول مربوطه صحبت می کنم. موضوع دیگر که شاید موضوع اصلی باشد مربوط به مصر است که فرمودند نقشه ای تهیه شود که خطوط بیشتر را که اعلام نموده اید آماده هستید عقب نشینی کنید نشان دهد.

ژنرال ضمیر: به من اجازه داده شده است که به عرض برسانم اگر مصریها صحبت جنگ و خصومت نکنند، بیشتر عقب خواهیم نشست.

تیمسار ریاست ساواک: اعلیحضرت نقشه را برای این می خواهند که دقیقا خط معلوم شود.

ژنرال ضمیر: بسیار خوب به نخست وزیر خودمان اطلاع می دهم و ما سعی خواهیم کرد روی

۱- . گزارش ساواک، متن مذاکرات دوجانبه تیمسار ریاست ساواک با ژنرال ضمیر زامیر، ۸/۱۰/۱۳۵۳.

نقشه خط را تعیین کرده و به شما نشان بدهیم.

شایـد اعلیحضـرت فکر کرده انـد که مـا می خواهیم ایشان میانجی باشـند ولی اینطور نیست. ما می خواهیم در حضور ایران به آنها قول بدهیم زیرا می خواهیم ایران به عنوان یک دوست موقعیت ما را درک کند.

اگر مصـریها موضوع جنگ را منتفی بداننـد و در نتیجه سـفر برژنف مصـریها سـلاحهای زیادتری دریافت ننمایند ما هم حرفی نداریم و آماده دور شدن از خطوط فعلی خواهیم شد. اگر شاهنشاه مصلحت می دانند به مصریها بفرمایند اسرائیل آماده حل و فصل است.

تیمسار [!] آیا شما می فرمایید من در تهران بمانم تا از نتیجه مذاکرات شما با مسئولین امر در موارد اقتصادی آگاه شوم.

تیمسار ریاست ساواک: شـما برگشـته و زودتر ترتیب نقشه را بدهیـد چون اعلیحضـرت در هفته آینـده عازم می باشـند و شـما بیشتر از ۵ یا ۶ روز وقت ندارید.

در موارد اقتصادی من از هر طریقی که شما بفرمایید نتیجه را اطلاع خواهم داد.

ژنرال ضـمیر: من فردا صـبح مراجعت می کنم. از همه چیز متشـکرم بخصوص از همکـاری شـما و از طریق آقای سـفیر در این موارد با شما تماس خواهم گرفت.(۱)

ژنرال زامیر رئیس موساد، طبق نظر محمـدرضا و نصـیری، فوری از دولت متبوع خود تقاضای ارایه اطلاعات تکمیلی می کنـد. نخست وزیر اسرائیل نیز در یک یادداشت محرمانه،

خصوصـی و شخصـی، نه به عنوان نخست وزیر، شـرایط رژیم صـهیونیستی را به اطلاع شاه ایران می رسانـد تا او در سـفر آتی خود به مصـر (بهمن ۱۳۵۳)، به نیـابت و نماینـدگی از اسـرائیلی هـا با انورسادات رئیس جمهور مصـر گفت وگو و زمینه ها را برای تفاهم و سازش طرفین فراهم آورد. نکته جالب توجه دیگر اینکه اسرائیلی ها با گستاخی تمام، در این نامه

ضمن اعلام مطالبات خود، از محمـدرضا پهلوی خواسـته اند تا پس از ملاقات با سادات و بازگشت از مسافرت مصـر، نتیجه را به آنها گزارش کند. به بیان دیگر، شخص اول ایران شاهنشاهی، در این ماجرا در نقش یک میانجی و سفیر و فرستاده اسرائیلی تنزل مقام می دهد.

این موضوع اسرار روابط سیاسی و اطلاعاتی ایران و اسرائیل را بیش از پیش تبیین می کند:

به شرف عرض پیشگاه مبارک ملوکانه می رساند:

۱- . گزارش ساواک، متن مذاکرات تیمسار ریاست ساواک با ژنرال ضمیر زامیر، ۹/۱۰/۱۳۵۳.

در ساعت ۲۳ روز ۱۵/۱۰/۵۳ طبق قرار قبلی و پیرو مذاکراتی که قبلاً با ژنرال ضمیر صورت گرفته بود چاکر مجددا با نامبرده ملاقات و طی این جلسه مطالب مشروحه زیر وسیله ژنرال

ضمیر عنوان شد:

۱- نخست وزیر(۱)، یک پیام خصوصی کتبی به عنوان شاهنشاه ایران تقدیم داشته که به علت کمی وقت نتوانسته پیرامون آن با اعضاء دولت اسرائیل مذاکره نماید. اما هر گاه اوضاع به طور

دلخواه پیش برود اشکالی در متقاعد کردن کابینه اسرائیل موجود نخواهد بود.

۲- از غرب به شرق دو مانع استراتژیکی وجود دارد که اولین آنها یعنی کانال سوئز طی جنگ اکتبر

گذشته به تصرف مصر درآمد. مانع دوم ارتفاعاتی است که بعد از کانال سوئز (در جهت شرق

قرار دارد و در حقیقت آخرین و تنها مانع استراتژیکی تا ابتدای مرزهای اسرائیل محسوب

می گردد و هر گاه یک نیروی مهاجم موفق شود از این مانع دوم عبور نماید حرکت این نیرو در سراسر صحرای سینا بدون هیچ گونه مشکلی امکان پذیر خواهد بود.

۳- بنابر اعلام قبلی ما به «کیسینجر» نامبرده به مصریها اعلام کرده که ما حاضریم بین ۳۰ تا ۵۰ کیلومتر از خطوط فعلی عقب نشینی نماییم اما فقط برای اطلاع شاهنشاه ایران اعلام می کنیم در صورتی

که مصر خواهان صلح واقعی باشد و شاهنشاه ایران بعد از بازدید از مصر پیرامون این موضوع

متقاعد شده باشند ما حاضریم حتی از مانع دوم نیز بیشتر عقب نشینی نماییم. البته استدعای ما اینست که شاهنشاه این موضوع را در قاهره مطرح نفرمایند چون اگر مصریها به این نیت ما پی ببرند مذاکره از طریق وزیر خارجه امریکا بر مبنای پیشنهادات کنونی ما (عقب نشینی ۳۰ تا ۵۰ کیلومتر از خطوط فعلی که انتهای آن در غرب ارتفاعات استراتژیکی قرار خواهد داشت) با شکست مواجه خواهد شد.

۴- منظور اصلی اینست که شاهنشاه ایران از اهمیت موانع استراتژیکی صحرای سینا بویژه مانع دوم اطلاعات کافی در اختیار داشته باشند تا هر گاه سادات جزییات اوضاع را مطرح نماید معظم له در جریان موقع ما قرار داشته باشند.

۵- ما و امریکا مشترکا بر این عقیده ایم که مصر هنوز آمادگی انجام مذاکرات برای نیل به صلح واقعی را ندارند.

۶- نخست وزیر ما بسیار سپاسگزار خواهد بود هر گاه شاهنشاه ایران بعد از مراجعت از مسافرت

۱- . در این زمان اسحاق رابین نخست وزیر اسرائیل بود.

مصر نظرات معظم له را درباره این بازدید به اطلاع وی برسانند و نخست وزیر ما نیز به نوبه

آخرین تحولات منطقه را به شرف عرض مبارک شاهنشاه ایران خواهد رساند.

مراتب از شرف عرض پیشگاه مبارک ملوکانه می گذرد.

سازمان اطلاعات و امنیت کشور(۱)

اسرائیلی ها در روابط سیاسی و اطلاعاتی خود با ایران شاهنشاهی به چیزی جز مطامع و اهداف خود نمی اندیشیدند. در مقاطعی که منافع آنها ایجاب می کرد از شاه ایران به عنوان یک فرستاده بهره برداری می کردند و در مقاطعی دیگر کلیه امکانات ساواک و مقامات آن را بسیج

می کردند تا در جهت رهایی و آزادی جاسوسان و مأموران اطلاعاتی آنها اقدام کنند. مقامات

ایرانی، از شخص محمدرضا تا رئیس ساواک، در چارچوب روابط اطلاعاتی و دیپلماسی پنهان با صهیونیست ها، آمادگی خود را برای همه گونه خوش خدمتی و مزدوری برای اسرائیل با جان و دل اعلام می کردند. سند نمونه ساواک در این باره مربوط به تلاش مقامات

این سازمان در آزادسازی یکی از جاسوسان اسرائیلی از زندان مصر است. در این نامه نمایندگی موساد در تهران با نام رمز «بهار» از رئیس ساواک تشکر می کند:

عالیجناب تیمسار ارتشبد نعمت اللّه نصیری

عالیجناب،

از طرف سرویس خود، خوشحالم به استحضار آن عالیجناب برسانم که BARUCH MIZRAHI]باروخ میزراحی[در نتیجه تبادل زندانیان از زندان مصر آزاد شده و به کشورش مراجعت نموده است.

در این موقعیت شادی انگیز به مناسبت پیوستن MIZRAHI به خانواده اش، برای ما کلماتی یافت نمی شود که بتوانیم از آن عالیجناب برای مساعدتهای محبت آمیزشان در خلال زندانی

بودن میزرای در یمن و مصر تشکر نماییم.

ارادتمند بهار(۲)

محمدرضا پس از انجام مأموریت، ضمن ابلاغ پیام اسرائیلی ها به رئیس جمهور مصر، پاسخ انورسادات را نیز دریافت کرده و پس از بازگشت به تهران، به اطلاع طرف اسرائیلی

۱- . سند ساواک، مورخ ۱۵/۱۰/۱۳۵۳.

۲- . سند ساواک، اسفند ۱۳۵۲، مارس ۱۹۷۴.

می رساند. مقامات اسرائیلی (اسحاق رابین – نخست وزیر وقت) نیز ضمن تشکر از اقدام و تلاش محمدرضا، آمادگی دولت خود را برای شروع مذاکرات مستقیم اعلام می کند:

به عنوان اعلیحضرت همایون شاهنشاه آریامهر

۱- همانطور که امروز در عرایضم به حضور شاهنشاه آریامهر ذکر کردم تصور می کنم تنها راه به سوی یک دوران جدید در خاورمیانه ایجاد روابط بین مصر و اسرائیل می باشد.

۲- من با کمال خوشحالی از آمادگی مصر برای تماسهای مستقیم بین مصر و اسرائیل استقبال می کنم.

۳- من آماده مذاکره با مصر هستم و در این مورد تصور می کنم که به خاطر اقدام واقعی مصر در جهت صلح قسمتی از صحرای سینا به مصر برگردانده خواهد شد.

۴- جزییات موارد مورد مذاکره مورد لزوم نیست اما اسرائیل از هرگونه امکان برای مذاکره مستقیم با مصر استقبال می کند. اسرائیل برای چنین تماسهای مستقیمی آماده است که در هر زمان و هر

مکانی که برای مصر مناسب باشد اقدام نماید.

۵- من از اینکه اعلیحضرت همایون شاهنشاه پیام پرزیدنت سادات را ابلاغ فرمودند سپاسگزاری می کنم. امیدوارم با برخورداری از رهبری عالیه شاهنشاه تماسهای مورد نظر بین اسرائیل و مصر برقرار گردد.

۶- بسیار خوشحال خواهم شد هر گاه کلیه اقدامات از طریق اعلیحضرت همایون شاهنشاه به عمل

آید تا چنین تماسهایی بین مصر و اسرائیل برقرار گردد.

۷- من در انتظار پاسخ به جواب مثبت خود به این پیام می باشم.

۸- ما به وضوح کامل بین امکان آمادگی مصر برای مذاکره جداگانه با اسرائیل بدون شرکت سایر

کشورهای عربی و موضوع مذاکرات مستقیم فرق می گذاریم. این حقیقت که مصر آماده مذاکره

به طور جداگانه می باشد از طریق آقای کیسینجر به ما اطلاع داده شده بود. اما این نکته متضمن آن نیست که مصر آماده انجام مذاکرات مستقیم با اسرائیل می باشد.(۱)

پا درمیانی آمریکا برای برقراری تماس بین مصر و اسرائیل در زمان سادات، و تمایل وافر اسرائیلی ها برای مذاکره با طرف مصری، موضوع گفت وگوی ژنرال هوفی با رئیس ساواک است:

۱- . سند ساواک، بدون شماره و تاریخ، این نامه ظاهرا از سوی اسحاق رابین نخست وزیر وقت اسرائیل در سال ۱۹۷۴م/ ۱۳۵۳ پس از سفر بهمن ماه محمدرضا به مصر نوشته شده است.

ژنرال خفی [هوفی]: از نتیجه ملاقات ۷ نوامبر با کیسینجر اطلاعی ندارم چون در آن زمان من در تهران بوده ام.

من تصور می کنم گرچه در ابتدای کار گشایشی شده ولی هنوز هم سعی می شود با مصر تماسی بوجود بیاید.

مصریها این بار تصمیم دارند یک قرارداد نظامی با ما برای تنظیم روابط نظامی در آینده داشته باشند.

مصریها می خواهند ما را در این قرارداد وادار کنند خطوط مقدم جبهه در سینا را ترک کنیم و این مناطق را به مصر تحویل بدهیم.

در مقابل این قرارداد آنها در نظر دارند به نحو قبل جبران کنند.

قبلاً مصریها موافقت کردند باب المندب را به روی کشتیهای اسرائیل باز کنند این بار هم اجازه

بدهند کالاهای تجارتی ما با کشتیهای کشورهای دیگر از کانال سوئز عبور نماید. در ضمن این قرارداد سیاسی نیست. ما حاضریم این کار را بکنیم ولی می خواهیم این قرارداد در ضمن یک

قرارداد سیاسی باشد.

در مذاکرات نظامی افراد نظامی فقط شرکت می کنند.

آنها می خواهند در این مذاکرات چیزی بگیرند بدون از دست دادن چیز دیگر. هدف ما صلح است. در هر صورت معتقدیم مذاکرات همیشه کمک به وضع نه جنگ و نه صلح می کند. دولت ما تصمیم دارد با مصریها مذاکره کند.(۱)

وساطت ساواک و دربار شاهنشاهی ایران بین مصر و اسرائیل و مساعدت همه جانبه اطلاعاتی و سیاسی ایران به رژیم صهیونیستی در این باره به خوبی نشان می دهد که ساواک

مطابق آنچه اسرائیلی ها تمایل نشان می دادند و یا وقتی منافع طرف صهیونیستی اقتضا می کرد، در این زمینه فعال می شد.

آقای کیمخی: [...] ما برای هر نوع اقدام و عملیاتی بر علیه قذافی آمادگی داریم حتی اگر مصریها بخواهند.

ما مایلیم به هر طریق که مصر تعیین کند با پرزیدنت سادات تماس بگیریم.

۱- . سند ساواک، مذاکرات ژنرال هوفی با رئیس ساواک. یادآوری می شود که پس از برکناری زوی زامیر از ریاست موساد در سال ۱۹۷۳، اسحاق هوفی به این سمت منصوب شد.

تیمسار ریاست ساواک: آزمایش می کنیم.

آقای کیمخی: ما از عملیات قاهره که با شما انجام داده ایم خوشحالیم.

تیمسار ریاست ساواک: آن شخص زندانی است.(۱)

آقای کیمخی: به ما گفته بودند می خواهد بازنشسته شود.

تیمسار ریاست ساواک: این شخص که کارمند وزارت [امور] خارجه بود برای چند کشور دیگر نیز کار می کرده است.

آقای کیمخی: پرزیدنت سادات مرد معتدلی است ولی عمر ریاست ایشان ابدی نیست و ما باید برای امنیت کشورمان از داخل مصر خبر داشته باشیم.

تیمسار ریاست ساواک: به جز وزیر دفاع هیچ کدام شخصیت لازم را ندارند.

در ارتش محبوب است و آلودگیهایی که سایر سیاستمداران دارند او ندارد.(۲)

اسرائیلی ها به انواع حیله متوسل می شدند تا رژیم شاهنشاهی را ترغیب به وساطت بین اسرائیل و مصر کنند.

ژنرال موشه دایان وزیر دفاع زمان جنگ ۱۹۷۳ و وزیر امور خارجه وقت اسرائیل در سال ۱۳۵۶، طی سفری به ایران و ملاقات با محمدرضا پهلوی در این باره فعال می شود. او پس از گفت وگو با محمدرضاشاه، از نصیری رئیس ساواک نیز می خواهد که در این زمینه اسرائیل را یاری کنند. اظهارات موشه دایان به خوبی نقش ایران شاهنشاهی را در پیشبرد اهداف اسرائیلی ها در منطقه آشکار می کند:

بعد از شرفیابی به حضور شاهنشاه آریامهر ژنرال دایان مطالب زیر را اظهار داشت:

ما اطمینان داریم که اگر با مصر تماس بگیریم با این کشور به تفاهم خواهیم رسید همانطور که در نتیجه تماس با اردن اکنون با این کشور تفاهم داریم. چون در اخبار خوانده بودم که پرزیدنت سادات برای تعطیلات به ایران می آید از اینرو در شرفیابی به حضور شاهنشاه از معظم له در این مورد سئوال کردم که فرمودند قرار نیست سادات به ایران مسافرتی بکند. من هم دیگر موضوع ملاقات خودمان با سادات را مطرح نکردم. اما اکنون از جنابعالی خواهش می کنم چنانچه

۱- . ظاهرا منظور یکی از کارمندان وزارت امور خارجه است که در مصر به اتهام جاسوسی و طی عملیات مشترک ساواک و موساد دستگیر شده بود.

۲- . گزارش ساواک، متن مذاکرات [دیوید] کیمخی [کیمچی] معاون سرویس اطلاعاتی اسرائیل با تیمسار ریاست ساواک،

۱۹/۸/۲۵۳۵[۱۳۵۵].

مصلحت می دانید این مطلب را پیگیری کنید تا اگر مصریها مایل باشند ملاقاتی با آنها در ایران

داشته باشیم. البته ما توقع نداریم که در این ملاقات با مصر پیمان صلح منعقد سازیم بلکه فقط منظور این است که به یک تفاهم پنهانی دست پیدا کنیم.(۱)

سرانجام دیپلماسی پنهان اسرائیل و آمریکا و نیز وساطت و میانجیگری محمدرضا پهلوی

و ساواک، در عرصه روابط مصر و رژیم صهیونیستی تحولاتی را سبب شد.

در ماه مه ۱۹۷۷م/ اردیبهشت ۱۳۵۶، مناخیم بگین از حزب لیکود به نخست وزیری

اسرائیل رسید.

تلاش های سرّی در قالب دیپلماسی پنهان برای ایجاد تفاهم و سازش بین مصر و اسرائیل روز به روز فزونی گرفت و سرانجام انورسادات رئیس جمهور مصر در نوامبر سال ۱۹۷۷م/ اواخر آبان ۱۳۵۶ش، سفر تاریخی خود را به بیت المقدس به مرحله اجرا درآورد. سادات سوار بر یک هواپیمای بوئینگ ۷۰۷ با اسم رمز مصر ۰۱، بعد از یک پرواز کوتاه در پایگاه هوایی ابوسویر(۲) در فرودگاه بن گوریون که فاصله کمی با تل آویو دارد به زمین نشست... نقطه اوج این دیدار در کِنِست (پارلمان اسرائیل) بود. بعدازظهر روز ورود سادات به اسرائیل، او پشت تریبون کِنِست و زیر تصویر بزرگی از تئودور هرتصل بنیانگذار اولین کنگره جهانی صهیونیسم قرار گرفت. پیش از او اسحاق شامیر رهبر سابق گروه تروریستی اشترن به معرفی سادات پرداخت و هنگام نطق سادات در یک سوی او نشست و مناخیم بگین در سوی دیگر

او. به این ترتیب جاده صلح بین مصر و اسرائیل در کمپ دیوید آمریکا هموار شد. نقطه اوج این قضایا در استراحتگاه تابستانی رئیس جمهور کارتر در سال ۱۹۸۷ به وقوع پیوست و مرحله تکمیلی و نهایی آن در مارس سال ۱۹۷۹/ اوایل فروردین ۱۳۵۸، در باغچه خصوصی کاخ سفید و با حضور جیمی کارتر رئیس جمهور آمریکا، انورسادات رئیس جمهور مصر و مناخیم بگین نخست وزیر اسرائیل عملی شد و پیمان تاریخی صلح به امضای طرفین رسید و رئیس جمهور آمریکا به عنوان شاهد زیر این پیمان را امضاء کرد.(۳)

این حادثه بخشی از تاکتیک رژیم صهیونیستی در مسیر استراتژی پیرامونی اسرائیل بود که دستگاه سلطنت پهلوی، از شخص محمدرضاشاه تا ساواک، نقش بسیار مهمی در اجرا و

۱- . سند ساواک، مذاکرات ریاست ساواک با ژنرال موشه دایان، ۲۸/۵/۳۶[۱۲۵۶].

۲- . Abu Swier

۳- . ن. ک: دیوید هرست، صص ۴۰۶ و ۴۰۷، ۴۱۸، ۴۲۲ و ۴۲۳.

تحقق آن به عهده داشتند. به هر روی پس از سفر سادات به فلسطین اشغالی، ژنرال هوفی رئیس موساد، از فرط خوشحالی، طی نامه ای به رئیس وقت ساواک، ضمن ارایه این خبر، خواستار تداوم همکاری های اطلاعاتی بین دو سرویس ساواک و موساد شد:

به عنوان تیمسار ارتشبد نعمت اله نصیری آجودان اعلیحضرت همایون شاهنشاه آریامهر

تاریخ ششم آذر ماه / ۲۵۳۶[۱۳۵۶]

تیمسار نصیری عزیز، در حالی این نامه را می نویسم که فقط مدت کوتاهی از دیدار پرزیدنت سادات از اسرائیل گذشته است. جنابعالی در اولین تماس با مصر که با موافقتنامه جداسازی نیروها شروع شد ناظر بوده و خود شرکت داشتید. ما درباره نیاز به مذاکرات مستقیم بین اسرائیل و مصر خیلی حرف زدیم. هنگامی که روی صفحه تلویزیون تحقق این آرزو را مشاهده نمودید می توانم خوشحالی شما را نزد خود مجسم نمایم. این یک ملاقات تاریخی بود بین رهبر شجاع

مصر که رشد سیاسی و درک این مطلب را نشان داد که تنها راه صلح مذاکرات مستقیم است و

نخست وزیر اسرائیل و مردم اسرائیل که با احترام و احساسات شایان از این اقدام تاریخی استقبال کردند. با وجود اینکه از موانعی که هنوز در سر راه ما وجود دارد چیزی کاسته نشده ولی ما این اقدام را در منازعه دو ملت نقطه عطف تاریخی می دانیم و به همین علت از آن استقبال می نماییم.

در هر حال، از عکس العملهای سازمان آزادیبخش فلسطین، کشورهای تندرو عربی از جمله سوریه،

عراق و لیبی نگران هستیم. اتحاد شوروی به این منظور از اینگونه عکس العملها پشتیبانی می نماید که نه تنها با استفاده از آنها اقدامات در جهت صلح را به مخاطره اندازد بلکه ضمنا رژیم رهبر مصر پرزیدنت سادات را نیز سرنگون نماید.ما با دقت حوادث جهان عرب را دنبال می نماییم حوادثی که بدون تردید بر روی سرزمینهای ما اثر خواهد گذاشت. ما علاقمند هستیم که با کمک جمع آوری و مبادله اطلاعات به طور کلی و بخصوص درباره عراق، سوریه و سازمان آزادیبخش فلسطین با شما مذاکرات منظم و بی پرده ای را انجام دهیم.دوستدار- امضاء خوفی(۱)

ص: ۴۸۶

۱- . سند ساواک، نامه هوفی رئیس موساد به نصیری، مورخ ۶/۹/۱۳۵۶.

عربستان

اهمیت تاریخی، فرهنگی، اقتصادی و مهمتر از همه راهبردی منطقه خلیج فارس موجب شده تا این حوزه جغرافیایی، حداقل از زمان تأسیس رژیم صهیونیستی، همواره در معرض طمع اسرائیل قرار داشته باشد. اسرائیلی ها در پنجاه، شصت سال گذشته به اَشکال مختلف، برای عادی سازی روابط با کشورهای واقع در این منطقه، گام هایی برداشته اند و در بعضی عرصه ها به موفقیت هایی دست یافته اند.

اسرائیلی ها در تحلیل های سیاسی و اطلاعاتی خود معتقد و مدعی اند که کشورهای واقع در منطقه خلیج فارس، جغرافیای پیرامونی اسرائیل را تشکیل می دهند، بنابراین در محدوده

استراتژیک اسرائیل قرار دارند.

عربستان سعودی در منطقه مورد نظر، در خط مقدم استراتژی اسرائیل قرار دارد. این کشور با داشتن ۲۶۰ میلیارد بشکه ذخیره نفت خام به عنوان بزرگترین تولید کننده نفت، یکی

از کلیدهای اصلی اقتصاد جهانی ارزیابی شده است.

با توجه به اهمیت مورد اشاره، صهیونیست ها در سال ۱۹۷۵ طرحی را برای اشغال مناطق نفتی کشورهای اطراف خلیج فارس، به ویژه از مسقط تا کویت به آمریکایی ها پیشنهاد داده اند. از دیدگاه مراکز سیاستگذاری و برنامه ریزی صهیونیست ها، به مناطق نفتی این حوزه جغرافیایی باید به عنوان اهداف نظامی نگریست.

تلاش گسترده و فزاینده شرکت ها و کارتل های بزرگ نفتی، بانکی، تولیدی و صنعتی یهودی، طی چند دهه اخیر، برای تسخیر کامل بازار معاملات کشورهای منطقه خلیج فارس

ص: ۴۸۷

را باید از این زاویه ارزیابی و تحلیل کرد.(۱)

صهیونیست ها برای تحقق اهـداف خود در این مناطق، حتی دست به جعل افسانه هایی زده اند و به تاریخ پردازی متوسل شده اند. به گفته یکی از اندیشمندان جهان اسلام، یکی از مراکز پژوهشی و مطالعاتی صهیونیستی اسرائیل ادعا کرده است که:

مسأله برون راندن یهودی های بنی قریظه، بنی قینقاع و بنی النضـیر از خیبر [مدینه] و سرزمین خیبر، نباید همینطور رها شود. لذا این مراکز صهیونیستی، یعنی «شلواح» و به خصوص «یافی» نقشه هایی

را آماده کرده اند که باغ های یهودی های مدینه منوره و یهودی های خیبر یا تشـکیلات قبیله ای که در آغاز اسـلام داشتند را نشان می دهد. آنان هدفشان این است که در صورت برقراری روابط با

عربستان سـعودی [یـا در زمـان و شـرایطی که مصالـح صـهیونیستی اقتضـا کنـد]، مطالبـات خود را برای بـازپس گیری حقوق یهودیان شبه جزیره العرب (عربستان) آغاز کنند.(۲)

اینهـا تمامـا نشـان از برنـامه هـای پنهـان اسـرائیل برای منطقه خلیـج فارس دارد، که تاکنون، تحت عنوان دکترین حاشیه ای یا استراتژی پیرامونی آن را توجیه و تفسیر کرده اند. بر پایه این ذهنیات و طرح ها، اسرائیلی ها از دیرباز در صدد برقراری ارتباط با عربسـتان و پیدا کردن راه نفوذ در آن سـرزمین بوده اند. اسـناد به جا مانده از ساواک، تنها، زوایا و گوشه هایی از این اسرار را بازگو می کنند. پیشـنهاد طرح تشـکیل کمیسـیون چهارگانه متشـکل از اسرائیل، ایران، عربستان و مصر از سوی رئیس وقت موساد به رئیس ساواک را باید از این زاویه مورد بررسی و ارزیابی قرار داد:

ژنرال خوفی: یکی از منافع مشترک ما با مصـری ها مبارزه علیه کمونیزم بوده که در این مورد با مصری ها به توافق رسیده ایم. امیـدواریم یک روزی بتوانیم قرارداد سه جانبه ای بین ایران – مصـر و اسـرائیل و یا یک قرارداد چهارجانبه بین ایران – مصـر– اسرائیل – عربستان سعودی منعقد نماییم.

ص:۴۸۸

۱– . ن. ک: لیتون مک کارتنی، دوسـتان بلنـدپایه، ترجمه محسن اشـرفی، انتشارات اطلاعات، چاپ اول ۱۳۶۸، صص ۲۴۵ تا ۲۵۳.

۲– . دکتر عبداللّه نفیسـی دبیر کل کنگره مردمی مبارزه با عادی سازی روابط با رژیم صـهیونیستی در مصاحبه با احمد منصور مجری شبکه تلویزیونی الجزیره. این مصاحبه در تاریخ ۳۱/۱/۲۰۰۱ با عنوان «الختراق الاسرائیل لدول الخلیج و الجزیره العربیه» از آن شـبکه پخش شـده است. لازم به یادآوری است، دکتر عبـداللّه نفیسـی متولـد ۱۹۴۵ کویت، در سـال ۱۹۶۷ از دانشگاه آمریکایی بیروت با مـدرک کارشناسـی در علوم سیاسـی فارغ التحصـیل شـده، پس از آن در سال ۱۹۷۲ از دانشـکده چرچیل دانشـگاه کمبریـج انگلیس، مدرک دکترای خود را اخذ کرده است. وی تاکنون در دانشـگاه های مختلف انگلسـتان، آمریکا، امارات، چین و مسکو به تـدریس پرداخته است. گزیـده تحولات جهان، ماهنامه تخصصـی تحلیلی – خبری، سال اول، شـماره

۱۳، مرداد ۱۳۸۰، تهیه و ترجمه رضا خانیان، صص ۸۹، ۹۵، ۹۶.

تیمسار ریاست: ما مدت ها درگیر کمونیست ها بودیم فکر می کنم عربستان بتواند یک روشی علیه کمونیست ها اقامه کند. وقتی که یک روزی آگاه بشود که تهدیدی علیه او است که البته خیلی زود است اما وقتی آب زیر گوشش رسید آن موقع چشمهایش باز می شود.

ژنرال خوفی: حالا که راجع به عربستان صحبت پیش آمد بد نیست بدانیم که قبلاً گفته می شد اگر ملک خالد برود فهد جای او را می گیرد ولی الان صحبت در مورد جانشینی سلطان فیصل وزیر دفاع دور می زند که آدم خیلی باهوش [است] و تحصیلات عالی دارد.

تیمسار ریاست: در این مورد خبری نداریم. خبر خیلی تازه است. چند سال پیش مشکل ما عربستان بود چون در منطقه رقیبش محسوب می شدیم. ولی وقتی نیروی دریایی ایران تقویت شد خیلی ناراحت شدند البته عرب ها با ایرانیها خوب نیستند ما را عجم می نامند. از ابتدای

پیدایش مذهب اسلام بین ایران و عرب ها اختلاف بوده و خواهد بود.

ژنرال خوفی: ما هم در واقع در این امر سهیم هستیم.

تیمسار ریاست: مصری ها خودشان را عرب نمی دانند چون نژادشان غبطی [قبطی]هست و از قرار معلوم تمام شعارهای اعراب و ناصریسم را از انظار مردم برداشته اند. بدین جهت اینها خون گرم تر

از اعراب هستند.(۱)

اسرائیلی ها برای دست اندازی در سرزمین های مورد نظر، همواره دنبال بهانه تراشی، تاریخ پردازی و جعل دلیل و سند بوده اند. اظهارات زوی زامیر رئیس وقت موساد به رئیس

ساواک درباره عربستان خواندنی است:

ژنرال ضمیر: [...] اطلاع حاصل نمودیم که عربستان سعودی در منطقه خلیج عقبه پایگاه تروریستی ایجاد کرده است و با توسل به پول[،] صلح با تروریستها را خریداری نموده اند البته دادن پول به تروریستها یک موضوع است و دادن پایگاه به تروریستها موضوع دیگری است. منطقه خلیج عقبه(۲) برای ما اهمیت حیاتی دارد. تیمسار ریاست ساواک: اگر اطلاعات دقیقی بدهید ما هم در این مورد تحقیق خواهیم کرد.(۳)

۱- . سند ساواک، متن مذاکرات تیمسار ریاست ساواک با ژنرال خوفی [هوفی] رئیس سرویس اطلاعاتی اسرائیل، تهران ششم آبان ماه ۱۳۵۷.

۲- . واقع در دریای سرخ و محل تلاقی مرز عربستان سعودی، اردن، مصر و فلسطین.

۳- . سند ساواک، متن مذاکرات ژنرال ضمیر [زوی زامیر] و تیمسار ریاست ساواک [نصیری]، دوشنبه ۱۸/۴/۱۳۵۲.

اردن

کشور اردن در جنوب غربی آسیا، از شمال به سوریه و جبل دروز (بلندی های جولان) از شمال شرقی به عراق، از شرق و جنوب به عربستان و از غرب به فلسطین محدود است. تنها راه آن به دریا از بندر عقبه واقع در خلیج عقبه است.

از قرن ۱۶ تا سال ۱۹۱۸ تحت قلمرو امپراتوری عثمانی بود. پس از جنگ جهانی اول، در سال ۱۹۲۰ جزیی از سوریه شد. پیش از آنکه به صورت فعلی درآید، جزیی از فلسطین تحت قیمومت انگلستان بود. در سال ۱۹۲۳ به صورت امیرنشین نیمه مستقل زیر فرمان عبداللّه بن حسین هاشمی معروف به ملک عبداللّه درآمد. در موافقتنامه ۱۹۲۸، تفوق و حق داشتن پادگان برای آن کشور شناخته شد. در سال ۱۹۴۶ قیمومیت پایان یافت و استقلال اردن اعلام شد. پس از اشغال فلسطین و اعلام تأسیس اسرائیل، اردن به اتفاق اعضای دیگر اتحادیه عرب وارد جنگ با اسرائیل شدند. پس از ترک مخاصمه (۱۹۴۹) بیشتر اراضی فلسطین تحت اشغال اسرائیل قرار گرفت.

در سال ۱۹۵۱-۵۲، پس از ترور ملک عبداللّه پادشاه اردن از سوی یک جوان فلسطینی، طلال در اردن پادشاهی کرد. او به بهانه اختلال مشاعر از پادشاهی برکنار شد و پدرش ملک حسین به جایش بر تخت سلطنت نشست در سال ۱۹۷۵ قرارداد اردن با انگلستان لغو و لژیون عرب منحل شد.(۱)

اردن به دلیل همجواری با فلسطین، همواره تحت تأثیر اوضاع داخلی آن سرزمین بوده است. اردن در ردیف آن تعداد از کشورهایی است که به ادعای اسرائیل در خط مقدم محدوده

۱- . ن. ک: غلامحسین مصاحب، جلد اول، چاپ سوم ۱۳۸۱، ص ۹۱.

استراتژیک اسرائیل قرار دارد. بر اساس اسناد و اطلاعات منتشر شده از سوی محافل اسرائیلی، آنها همواره با رهبران اردن، از جمله ملک عبداللّه اول و ملک حسین روابط سرّی داشته اند. منابع غربی، سابقه ارتباط پادشاهان سابق اردن از جمله ملک عبداللّه اول را با اسرائیلی ها، سال ها قبل از تأسیس اسرائیل اعلام کرده و نوشته اند؛ موشه ساسون گفته است که

پدرش در سال ۱۹۳۶ (۱۳۱۵) یعنی دوازده سال پیش از تأسیس دولت اسرائیل به دیدن [ملک]عبداللّه پدربزرگ شاه حسین رفته بود. ساسونِ پسر، سفرهای مخفیانه خود به کاخ پادشاهی را در سال ۱۹۵۱ (۱۳۳۰ش) آغاز کرد. او در تاریکی هوا از طریق گشودن حصاری که در آن زمان اورشلیم را تقسیم می کرد، از مرز اردن گذشت. راننده ای با یک اتومبیل

دسوتوی قهوه ای رنگ با نشان تاج سلطنتی انتظار او را می کشید. ... در عمان در آن زمان که دهکده ای آرام به شمار می رفت، عبداللّه که لباس های سفیدی بر تن داشت به استقبال ساسون آمد. به نوشته این منابع، ملک حسین پادشاه سابق اردن نیز از زمانی که به تخت سلطنت نشت با مقامات اسرائیلی در ارتباط بود.(۱) اردن هم اکنون جزء معدود کشورهای عربی است که با اسرائیل روابط دیپلماتیک دارد و مأموران موساد در آن سرزمین حضور دارند. اقدام به ترور

خالدمشعل یکی از رهبران جنبش فلسطینی حماس، از سوی مأموران سرویس اطلاعاتی اسرائیل، چند سال پیش، این واقعیت را برای جهانیان بیش از پیش آشکار ساخت. از آنجا که

حدود نیمی از جمعیت اردن فلسطینی الاصل هستند، این سرزمین، همواره تحت نظر اطلاعاتی، سرویس های مخفی رژیم صهیونیستی قرار دارد. اما از سوی دیگر، آنها به دلیل

شناخت کامل از موقعیت، روابط و جایگاه پادشاهان اردن، در دوره های مختلف، هیچ گاه از

ناحیه آنها دچار دغدغه نبوده و احساس خطر نداشته اند. مع الوصف، این آسودگی خاطر از

سوی صهیونیست ها، به معنی نادیده گرفتن تحولات داخلی و اوضاع جاری آن سرزمین نبوده است.

اسناد ساواک به خوبی نشانگر آن است که اسرائیلی ها به دلیل همجواری سرزمین فلسطین و اردن، اوضاع داخلی آن کشور را با حساسیت بالا، تحت نظر و بررسی داشته و دارند. دیدگاه ایسر هارل رئیس وقت موساد نمونه گویایی در اثبات این واقعیت است:

۱- . لورا بلومن فلد، دی سایت ترجمه پریسا رضایی، چاپ آلمان، ۵ اوت ۱۹۹۴؛ بررسی مطبوعات جهان، ۴۰/۸/۱۳۷۳، شماره ۱۵۹.

سئوال: چه اطلاعاتی در باره مسافرت اخیر ملک حسین به آمریکا دارید؟

هارل: موفقیت اصلی ملک حسین یک پیروزی معنوی بود و او خود را به صورت سیاستمداری باهوش و عاقل نشان داده و این امر برای آمریکاییها (چه سیاستمداران و چه توده مردم)

غیرمنتظره بود. آمریکاییها قبلاً باطنا به وضع اردن خوشبین نبودند و فکر می کردند ممکن است این کشور را وجه المصالحه نزدیکی با ناصر قرار دهند. موفقیت بزرگ ملک حسین تغییر این طرز فکر و طرفدار ساختن مقامات آمریکایی به اردن بود. و چون وی تقاضای هیچگونه کمک مادی

نکرد پیروزی بیشتری بدست آورد.

اکنون آمریکاییها یک نوع امیدواری کلی نسبت به وضع اردن داشته و پی برده اند که وجود این کشور از یک طرف سدّی در مقابل عبدالناصر تشکیل داده و از طرف دیگر در صورتی که عراق کمونیست شود اردن کشورهای آزاد خاورمیانه و حتی خلیج فارس را در مقابل عراق حراست خواهد کرد.

ما اسرائیلیها در مدت اقامت ملک حسین در آمریکا به طور غیرمحسوسی منتهای کمک معنوی را به او نموده و سعی کردیم با تمام وسایل افکار عمومی را به سوی او جلب نماییم.

به عقیده من در این موقع که ملک حسین به ایران می آید شاید ایران بتواند وسیله تماس محرمانه بین اسرائیل و اردن گردد و به این ترتیب ما می توانیم توسط ایران کمک بسیار مؤثری به بقای اردن بنماییم. اسرائیل می تواند کمکهای زیر را به اردن بکند:

۱- در حالی که دائما علیه شخص ملک حسین و استقلال اردن توطئه می شود ما می توانیم با تمام وسائلی که در دست داریم او را به موقع مطلع نموده و به این ترتیب وسیله حفظ جان پادشاه و استقلال کشور را فراهم سازیم. بخصوص که ما از فعالیتهای مخفی در میان مهاجرین فلسطینی مقیم اردن اطلاعات دقیقی داریم که دانستن آن برای ملک حسین مفید است.

۲- در زمانی که ناصر ارتش خود را به قصد حمله به اردن تمرکز داده بود اسرائیل با اعلام بسیج و تذکر اینکه در صورت چنین تهاجمی ساکت نخواهد نشست عبدالناصر را از قصد خود منصرف ساخت. این مسئله به خوبی نشان می دهد که اسرائیل عامل مؤثری برای خنثی کردن مقاصد تجاوزآمیز عبدالناصر به اردن است.

۳- اسرائیل با تعهد به اینکه هرگز به خاک اردن تجاوز نخواهد کرد به این کشور فرصت می دهد تا ارتش خود را از مرزهای ما فرا خوانده و در نقاط حساس داخلی کشور مستقر سازد تا بدین

وسیله بتواند بهتر در مقابل هر نوع شورشی ایستادگی کند و یا اینکه مرزهای مشترک خود را با

سوریه و عراق حفظ نماید.

ضمنا ما حاضریم با عقد یک قرارداد به کلی سرّی مرز اردن و اسرائیل را تضمین کنیم.

۴- در آینده دورتری ما می توانیم به اردن اجازه استفاده آزاد از بندر حیفا را بدهیم تا وی نیازی به ترانزیت از راه سوریه نداشته باشد. خلاصه اینکه اسرائیل حاضر است هر گونه کمکی را به

اردن بنماید. چنانچه برای مقامات ایرانی ممکن باشد پیام مرا به ملک حسین برسانند فکر می کنم برای وی مفید باشد.(۱)

برخی اسناد و منابع، به طور تلویحی حکایت از آن دارند که اسرائیلی ها، به ویژه موساد در فاجعه کشتار فلسطینی ها در اردن، موسوم به سپتامبر سیاه، نقش اساسی، اما پنهان داشته است. به طوری که نوشته اند:

در تابستان سال ۱۹۷۰ در عمان، پایتخت اردن، میان فدائیان فلسطین و واحدهای ارتش اردن درگیری مسلحانه ای روی داد. رهبران برخی کشورهای عرب و از جمله ناصر [رئیس جمهور مصر] به ملک حسین و فلسطینیان کمک کردند تا به توافق برسند، ولی وضع در پایتخت اردن همچنان متشنج بود. در آغاز سپتامبر، اتحادیه سراسری دانشجویان فلسطین یک کنفرانس بین المللی درباره مسأله فلسطین در عمان تشکیل داد. پا به پای شخصیت های اجتماعی گرانقدری که به نیت کمک به فلسطینیان به عمان آمده بودند، شخصیت های مشکوکی نیز آمدند. اینها که گذرنامه های بلژیکی، فرانسوی و آمریکایی داشتند و خود را دوست اعراب

قلمداد می کردند، در واقع برای تضعیف جنبش فلسطین و تحریک رهبران آن علیه جمهوری متحده عرب آمده بودند. آنها آشکارا به ناصر و مقامات اردنی حمله کردند. خیابان های عمان در آن روزها به گونه ای درآمد که انگار میان سربازان اردنی و چریک های فلسطینی تقسیم شده بود [...].

] به تدریج] جنگ خونین میان فدائیان فلسطینی و نیروهای دولتی اردن در عمان وارد مرحله تازه ای شد [...] در ۱۶ سپتامبر [۱۹۷۰]ملک حسین و فلسطینی ها قراردادی را امضا کردند، ولی چند ساعت بعد جنگ دوباره آغاز شد. جنگ داخلی در اردن ممکن بود [و می رفت که]

دخالت ایالات متحده آمریکا یا اسرائیل را پیش بکشد. روز ۲۱ سپتامبر در واشنگتن مسأله

۱- . سند ساواک، نظریات آقای ایسر هارل درباره وضع سیاسی خاورمیانه، ۹/۲/۱۳۳۹.

دخالت آمریکا در قضیه بررسی شد. در این هنگام ناصر به برژنف دبیر کل حزب کمونیست شوروی نامه ای نوشت. در پی آن شوروی بیانیه ای صادر کرد و در مورد دخالت کشورهای امپریالیست در مسأله [درگیری فلسطینی ها و اردنی ها]هشدار داد.(۱)

در آن زمان می بایست کنفرانس سران عرب در قاهره کار خود را آغاز کند، توپخانه اردن در مدت اقامت پادشاهان و رؤسای جمهوری عرب در قاهره، پایگاه های فلسطینی و اردوگاه های پناهندگان در قلب عمان را می کوبید. بر اساس اطلاعات فلسطینیان، در این بمباران حدود ۲۰ هزار فلسطینی جان باختند. عاقبت نمایندگان حاضر در قاهره مقرر کردند که هیأتی به عمان برود و طرفین را مجبور به قبول آتش بس سازد. بالاخره در ۲۶ سپتامبر قرارداد آتش بس امضا شد و ملک حسین و یاسر عرفات به پایتخت مصر دعوت شدند. به این ترتیب جمال عبدالناصر رئیس جمهور

فقید مصر نقش میانجی را به عهده گرفت و در صدد برآمد تا میان آن دو آشتی برقرار سازد. علی رغم لجاجت و سرسختی از ناحیه پادشاه اردن و یاسر عرفات؛ ناصر ناچار شد از همه نفوذ خود استفاده کند تا مذاکرات به نتیجه برسد. [...]. در ۲۷ سپتامبر جلسه پایانی کنفرانس تشکیل شد. ملک حسین و تعدادی از مردان او در یک طرف نشستند و عرفات در طرف دیگر. هر دو می کوشیدند بر اعصاب خود مسلط باشند، در عین حال اسلحه را از خود دور نمی کردند.

[حسنین] هیکل در خاطراتش می نویسد که به ملک فیصل، پادشاه عربستان سعودی به شوخی پیشنهاد شد که اسلحه آنها را بگیرد، ولی او برآشفت و گفت: جز ناصر کسی نمی تواند این کار را بکند. پس از دو ساعت بحث سرانجام طرح توافق ریخته شد [...] کنفرانس بالاخره پایان یافت و توافق میان ملک حسین و یاسر عرفات با دخالت و وساطت جمال عبدالناصر حاصل شد.(۲)

۱- . آگاریچف، زندگی سیاسی ناصر، ترجمه محمد جواهرکلام، شرکت نشر و پخش ویس، چاپ اول، ۱۳۶۸، صص ۲۵۶-۲۵۷.

۲- . همان منبع، صص ۲۵۶-۲۵۷. یادآوری می شود که یک روز بعد از توافق میان ملک حسین پادشاه اردن و یاسر عرفات، یعنی در ۲۸ سپتامبر سال ۱۹۷۰ جمال عبدالناصر رئیس جمهور مصر به طور ناگهانی و به طرز مشکوک درگذشت.

سوریه

پس از جنگ جهانی اول، کنگره ای متشکل از نمایندگان قسمت اعظم سرزمین سوریه، فیصل پسر شریف حسین فرمانده لژیون عرب در جنگ علیه امپراتوری عثمانی را به پادشاهی سوریه انتخاب کردند. اما متفقین سوریه و لبنان امروزی را تحت قیمومیت فرانسه قرار دادند. سیاست فرانسه و حضور فرانسوی ها در سوریه موجب بروز درگیری های خونینی شد. در سال ۱۹۲۶ لبنان کشوری جداگانه شد و پس از مذاکرات طولانی توافق هایی برای تأسیس سوریه خودمختار به عمل آمد.

در جنگ جهانی دوم، در سال ۱۹۴۱، بریتانیا و فرانسه سوریه را اشغال کردند و در سپتامبر سال ۱۹۴۱ تأسیس جمهوری مستقل سوریه اعلام و شیخ تاج الدین حسنی رئیس جمهور شد. استقلال تقریبا کامل سوریه از دوره ریاست جمهوری شکری القوتلی آغاز شد.

سوریه در سال ۱۹۴۵ به عضویت سازمان ملل درآمد.(۱)

در آغاز سال ۱۹۴۶ دولت های لبنان و سوریه از شورای امنیت سازمان ملل متحد خواستند که قطعنامه ای صادر کند و برون رفتن بی درنگ نیروهای بیگانه از خاک این دو کشور را خواستار شد.

اتحاد شوروی از خواسته های سوریه و لبنان پشتیبانی کرد ولی انگلیس و فرانسه، با همراهی ایالات متحد و با همه وسایل، کوشیدند که از حل مسالمت آمیز این مسأله در شورای امنیت پیشگیری کنند.

ص: ۴۹۷

۱- . ن. ک: غلامحسین مصاحب، جلد اول، ص ۱۳۷۰.

بـا همه اینهـا فرانسه و انگلیس در فضـای جوشـش مبـارزات ضداسـتعماری مردمی و فشـار افکـار عمومی، در ماه مارس ۱۹۴۶ ناچـار شدنـد، خروج نیروهـای خـود را از این دو کشور بپذیرنـد. این کـار برای مردم سوریه و لبنـان که برگه نوینی در تـاریخ زندگی شان گشوده شده

بود، پیروزی بزرگی به شـمار آمـد. در ۱۷ آوریل ۱۹۴۶ آخرین سـرباز بیگـانه از خاک سوریه بیرون شـد و از این روست که سوریه سالگرد این روز خجسته تاریخی را به عنوان روز جشن استقلال میهنی، همواره گرامی می دارد.(۱)

در اول فوریه ۱۹۵۸، سوریه و مصـر جمهوری متحد عرب را تأسـیس کردند. در مارس ۱۹۶۳ افسران طرفدار جمال عبدالناصر طی اقدامی حکومت را به دست گرفتند.(۲)

سرزمین امروزی سوریه از سمت شمال به ترکیه، از سمت شرق به عراق، جنوب به اردن و جنوب شرقی به فلسطین، از غرب به دریای مدیترانه و لبنان محدود است.

اسـرائیل در جنگ ژوئن سال ۱۹۶۷، بخشـی از اراضـی سوریه، تحت عنوان بلنـدی های جولان را به اشـغال خود درآورد. این بلندی ها همچنان در اشغال اسرائیل قرار دارد و تاکنون

ده ها شهرک صهیونیست نشین در این منطقه برپا شده است.

مسـأله جولـن یکی از مسایـل عمـده و کلیـدی در منـاقشه بین سوریه و اسـرائیل است. اسـرائیل سوریه را در محـدوده اهـداف استراتژیک خود ارزیابی کرده و از سال ۱۹۴۸ تاکنون،

همواره در حال مناقشه با سوری ها بوده است که از مهمترین آنها می توان به جنگ سال ۱۹۶۷

و ۱۹۷۳ اشاره کرد.

سرویس اطلاعاتی اسـرائیل، موسوم به موساد طی دوران همکاری با ساواک، پیوسـته سوریه را به عنوان یک کشور هـدف مد نظر داشت. موسـاد بـا همکـاری ساواک از طریق اسـتخدام جاسوس و مزدور، همواره در حال جاسوسـی در این سـرزمین بوده است.(۳)

نمونه مذاکرات ژنرال هوفی، رئیس وقت موساد با رئیس ساواک درباره سوریه قابل توجه است.

۱- . د.ر. فوبلیکوف سرویراسـتا؛ س.ی. کیکتیف؛ م.س. لازاروف؛ ی.ا. لیبیدیف؛ ک.ن. نیچکین؛ ف.ب. رومیانتسیف؛ ع.ف. سلطانوف؛ تاریخ معاصر کشورهای عربی، ترجمه دکتر محمدحسین روحانی، انتشارات توس، چاپ دوم ۱۳۶۷.

۲- . غلامحسین مصاحب، جلد اول، ص ۱۳۷۰.

۳- . برای کسب اطلاعـات بیشـتر در این بـاره، مراجعه شود به: عبـدالرحمان احمـدی، سـاواک و دسـتگاه اطلاعـاتی اسـرائیل، مؤسسه مطالعات و پژوهش های سیاسی، چاپ اول ۱۳۸۱.

رئیس موساد، سوریه را مهمترین تهدید در منطقه علیه اهداف اسرائیل قلمداد کرده، و با اشاره به موقعیت نظامی این کشور، از شاه ایران می خواهد که با اتخاذ تاکتیک های مناسب در تعدیل موضع و سیاست حافظ اسد رئیس جمهور وقت آن کشور اقدام کند.

خوفی: علیرغم روشی که مصریها در پیش گرفته اند، مهمترین تهدید در منطقه از طریق سوریها است. بعد از عراقیها در بین دشمنان ما سوریها از همه افراطی تر هستند.

تیمسار ریاست ساواک: باید دید مشکل سوریها چیست. پول ندارند. احتیاج دارند و به همین دلیل هم شاهنشاه تصمیم گرفتند آنها را از لحاظ مالی تقویت کنند که از نزدیکی آنها با شوروی جلوگیری نمایند. اسد به سبب احتیاجات و اختلافات داخلی که دارد از سادات محتاط تر به نظر می آید.

سادات هم در اوایل اختلافات داخلی داشت که با کمک سعودی موفق شد.

ژنرال خفی: تا این روز روسها کمک نظامی زیادی به سوریه کرده اند و نیروی هوایی سوریه از مصر قویتر است. تعداد تانکهای سوریه با تانکهای مصر یکسان است ولی نوع تانکهای سوریه

بهتر است.

تیمسار فرازیان: خبری رسیده که حافظ اسد متن مذاکراتش را با کیسینجر به صورتی که واقعیت داشته به کابینه اش نگفته است و یکی از محارمش این موضوع را در خارج عنوان نموده است و تولید ناراحتی کرده است.

ژنرال خفی: سوق دادن سوریه به اعتدال که تصمیم اعلیحضرت است بسیار عاقلانه است و امیدوارم ما هم بهره مند شویم.

ما نگران این تحویل [تحول] در کشورهای عربی هستیم که این کشورها در پی دست یابی به سلاح اتمی هستند. تا این تاریخ حتی می دانیم راکتور اتمی هم در جهان عرب وجود ندارد

ولی آنها سعی خود را می کنند. فکر می کنم یکی از همکاران شما- پاکستان و یا هند در توسعه

سلاحهای هسته ای به اعراب کمک کند. به نظر ما تصمیم کلی گرفته اند که این سلاح را تولید

کنند.

تیمسار ریاست ساواک: صحبت آن بسیار آسان است ولی این قدرت مالی و افراد فنی لازم دارد که آنها فاقد دومی می باشند. اما شاهنشاه در تلاش غیراتمی کردن خاورمیانه هستند و فکر

می کنم این مورد قبول قدرت غرب و شرق باشد. و شامل عربها هم خواهد بود.(۱)

رژیم صهیونیستی با هماهنگی و همکاری بی چون و چرای ساواک، از نیروهای نظامی ایران که به عنوان ناظر آتش بس بین اسرائیل و سوریه (پس از جنگ ۱۹۶۷) در بلندی جولان

مستقر بودند، بهره برداری اطلاعاتی می کرد. در این ارتباط، صهیونیست ها نیازهای اطلاعاتی خود را از طریق موساد به ساواک منتقل می کردند و ساواک نیز به ارتش برای پی گیری این مقصود دستورات لازم را صادر می کرد.

در یکی از گزارش های به جا مانده از آن زمان، حوزه ریاست ساواک، طی نامه ای به رئیس این سازمان چنین نوشته است:

درباره: نیازمندی های اطلاعاتی سرویس اسرائیل

منظور استحضار تیمسار ریاست معظم ساواک و صدور اوامر

پیرو مذاکرات دوجانبه با رئیس سرویس اسرائیل اینک سرویس مذکور علائم و نشانه های نقل و انتقالات نظامی در ارتفاعات جولان را تسلیم داشته که اصل و ترجمه آن به پیوست از عرض

می گذرد.

حوزه تیمسار ریاست ساواک(۲)

رئیس ساواک طی یادداشتی، در حاشیه همان نامه می افزاید:

بدون ذکر منبع از لحاظ آموزش شرحی به ارتش نوشته شود و علائم و نشانه هایی که یک ارتش در مرز [...] قبل از تجاوز انجام می دهد، به شرح پیوست ایفاد و اکنون که واحدهای نظامی ایران در مرز اسرائیل و سوریه متمرکز است بهترین موقع برای آموزش این واحد است.

در صورتی که ارتش مصلحت می داند به آن واحد اعزامی دستور مراقبت موارد پیوست را بدهد که یک تمرینی باشد و البته ممکن است موارد دیگری لازم باشد که ارتش بهتر آگاه

است.(۳)

سند پیوست این گزارش ساواک به شرح ذیل است:

۱- . سند ساواک، مذاکرات ژنرال هوفی رئیس موساد با رئیس ساواک، بدون شماره و تاریخ. ظاهرا زمان مذاکرات پس از

جنگ سال ۱۹۷۳ و گرایش سادات به سمت صلح و سازش با اسرائیل بود که رئیس موساد از ناحیه مصری ها ابراز آرامش خاطر کرده است.

۲- . سند ساواک، مورخ ۳۰/۸/۱۳۵۴.

۳- . همان سند و تاریخ.

درباره: سوریه/ عناصر اصلی خبر مربوط به نشانه های اولیه خطر

۱- به دنبال مذاکرات بین دو سرویس و گفتگوهای دیروز بدین وسیله لیست نکات مربوط به آگاهی اولیه عناصر اصلی خبر را به پیوست تقدیم می دارد تا به وسیله شما به واحدهای مربوطه

داده شود.

۲- با توجه به اوضاع و احوال کنونی بسیار مهم است که خطوط ارتباطی جهت ارسال اطلاعات مربوطه کوتاه و بدون واسطه باشند و بسیار متشکر خواهیم شد که از روی لطف شخصا به تمام

مراحل توجه داشته باشند.

نامه نصیری رئیس ساواک به ریاست ستاد بزرگ ارتشتاران درباره تدارکات و پیش بینی های یک ارتش فرضی، چنین است:

تدارکات و پیش بینی های یک ارتش فرضی

یک نسخه فهرست علائم و نشانه هایی که حاکی از تدارکات و پیش بینی های یک ارتش فرضی در منطقه مرزی قبل از تجاوز به خاک همسایه می باشد به شرح پیوست ایفاد می گردد.

با توجه به اینکه واحدهایی از ارتش شاهنشاهی به منظور نظارت بر آتش بس بین سوریه و اسرائیل در بلندیهای جولان متمرکز گردیده اند و این فرصت بهترین موقعیت برای تمرین می باشد خواهشمند است دستور فرمایند موارد پیوست را به منظور مراقبت در اختیار واحدهای یاد شده قرار دهند تا از این طریق واحدهای مستقر در جولان بتوانند در این موارد

تمرینهای لازم را به عمل آورده و ضمنا بهره برداریهای لازم را نیز کسب نموده گزارش دهند.

احتمالاً موارد دیگری هم ممکنست وجود داشته باشد که باید به آن اضافه شود.

خواهشمند است دستور فرمایند نتیجه امر را جهت آگاهی این سازمان اعلام نمایند.

رئیس سازمان اطلاعات و امنیت کشور- ارتشبد نصیری(۱)

۱- . سند ساواک، مورخ ۱۹/۹/۱۳۵۴، شماره ۲۶۸۶/۱۰۰۰پ، طبقه بندی سرّی.

عمان

سلطان شـنین عمان در جنوب شـرقی شبه جزیره عربستان در کنار دریای عمان قرار دارد. بندر و شهر عمده اش مسقط پایتخت آن است. از آنجا که اسرائیلی ها این سرزمین را نیز جزو

محدوده استراتژیک خود قلمداد کرده اند، لذا این منطقه از تیررس عملیات جاسوسی آنها به

دور نبوده است. ژنرال زوی زامیر رئیس موسـاد در مـذاکره با رئیس ساواک در سال ۱۳۵۲، درباره مأموران و جاسوسان رژیم صهیونیستی در عمان چنین گفته است:

ژنرال ضـمیر: [...] هفته قبل دو مشاور انگلیسـی سـلطان قابوس پیش ما آمدنـد و ما هم در قبال خواسـته آنها یک خط ارتباطی برای تحقیق سوابق افراد برقرار نمودیم در ضـمن دو مـأمور فلسـطینی خودمان را در عمان نفوذ داده ایم که آنها اطلاعاتشان را در اختیار ما می گذارنـد و نمی داننـد که ما این اطلاعات را بعدا در اختیار سـلطان قابوس قرار می دهیم. اطلاع حاصل کردیم که یک گروه الفتح از لبنان به عراق آمده اند هدف این افراد این است که به کشتیهای نفت کش

(هر کشتی نفتی) حمله کنند و تصور می کنند که با غرق شدن یک نفتکش تنگه هرمز بسته خواهد شد.

تیمسار ریاست ساواک: تنگه هرمز شط العرب نیست که با غرق یک کشتی بسته شود.

ژنرال ضمیر: این طرز فکر عربهاست و در پس تمام این طرحها شخص قذافی قرار دارد.

منظور ما از کمک به قابوس کمک به خودمان نیز می باشد. (منظور اطلاع از وضع کشتیهای نفتکش اسرائیل است).(۱)

ص: ۵۰۳

۱- . سند ساواک، متن مذاکرات ریاست ساواک با ژنرال ضمیر زامیر رئیس سرویس اسرائیل، دوشنبه ۱۸/۴/۱۳۵۲.

یمن

کشور یمن واقع در جنوب و جنوب غربی عربستان، از ناحیه جنوب و جنوب شرقی به خلیج عدن، از غرب به دریای سرخ و از شمال شرقی به عمان محدود است.

اسرائیلی ها این سرزمین را نیز جزو قلمرو دکترین حاشیه ای خود قلمداد کرده و رویدادهای داخل آن را همواره تحت نظر داشته اند. اسناد و گزارش های ساواک، مذاکرات رؤسای موساد با مقامات سرویس اطلاعاتی دولت شاهنشاهی ایران، نشان دهنده حساسیت اسرائیل درباره این سرزمین است.

مذاکرات کیمخی معاون موساد با رئیس ساواک در سال ۱۳۵۵، درباره اوضاع تحولات داخلی یمن نمونه ای در این زمینه است:

آقای کیمخی: [...] هفته گذشته کنگره حزب کمونیست و حزب حاکم عدن انجام شد و به نفع عبدالفتاح اسماعیل تمام شد و این نشانه دور شدن عدن از عربستان و نزدیکی به شوروی است.

تیمسار ریاست ساواک: ربیع علی رئیس جمهور عدن می گفت که عبدالفتاح هیچ قدرتی ندارد و نگرانی از طرف او لزومی ندارد.

سفارت سعودی در عدن باز می شود و این وسیله ای برای بدست آوردن اطلاعات خواهد بود. سعودی هم گفته است در صورتی حاضر به کمک است که از کمک شوروی چشم پوشی بشود. این برنامه در جریان است و در هر مرحله ای که سعودی اطمینان پیدا کند، به جای شوروی

کمک خواهد کرد. اطلاعات شما در مقایسه با اطلاعاتی که من دیروز داشتم کاملاً مغایرت دارد. تا یکی دو هفته دیگر اطلاع دقیقتری خواهیم داشت.(۱)

۱- . سند ساواک، متن مذاکرات ریاست ساواک با کیمخی معاون جدید سرویس اسرائیل، **۱۹/۸/۲۵۳۵**[۱۳۵۵].

لیبی

کشور لیبی واقع در شمال آفریقا، از سمت جنوب به جمهوری چاد و نیجر، از شمال به دریای مدیترانه، از شرق به مصر، از جنوب شرقی به سودان، از غرب و شمال غربی به تونس

و الجزایر محدود و پایتخت آن طرابلس است.

صهیونیست ها از ابتدای تأسیس رژیم صهیونیستی، این کشور را جزو حوزه جغرافیایی کشورهای پیرامونی اعلام کرده و اوضاع داخلی و تحولات سیاسی آن کشور را با حساسیت تحت نظارت قرار داده اند. در چارچوب روابط اطلاعاتی ایران شاهنشاهی و اسرائیل، ساواک و موساد همکاری جدی در کسب اخبار و اطلاعات محرمانه و سرّی مربوط به لیبی داشته اند. نمونه اسناد ساواک در این باره گفت وگوی ناهوم ادمونی معاون وقت سرویس

اطلاعاتی اسرائیل با نصیری رئیس ساواک است.

در این سند طرف اسرائیلی و ایرانی، برخی مواضع و عملکرد قذافی را با دیده مثبت ارزیابی کرده و گفته اند:

ریاست ساواک: [...] در مورد قذافی باید بگویم که او در مورد کمونیزم و عربیت تعصب دارد آیا به عقیده شما قذافی به حکومت خود ادامه خواهد داد؟

آقای ادمونی: به عقیده من موقعیت قذافی استحکامی ندارد.

ریاست ساواک: معاون او اهمیت بیشتری دارد و مردی فهمیده است که البته درست است که قذافی خشک فکر می کند اما باید از رویه ضدشوروی او استقبال کرد.

آقای ادمونی: اما قذافی از افراطیون عرب حمایت می کند و این رویه ای خطرناک است.

ریاست ساواک: البته تا آنجا که مربوط به رویه ضدکمونیستی او است می توان او را عنصری

ص: ۵۰۷

مفید دانست.(۱)

سند نمونه دیگر مربوط به سال ۱۳۵۴ است که مذاکرات ایگال آلون وزیر امور خارجه

اسرائیل با رئیس ساواک را نشان می دهد:

[تیمسار ریاست ساواک]: جلود بسیار عصبانی و با کدورت خداحافظی کرد و رفت. من منتظر گزارش از بغداد هستم.

آقای ایگال آلون: شاید مقداری اندیشه احمقانه با خود آورده بوده است.

تیمسار ریاست ساواک: آموزگار می گوید وقتی در لیبی [در] طیاره نشست جلود به داخل

هواپیما آمد و وقتی با کارلوس برخورد کرد مثل دو برادر همدیگر را بغل کردند و مانند دو دوست صمیمی صحبت کردند.(۲)

اسناد و مذاکرات سرّی مورد اشاره نشان از همکاری اطلاعاتی ساواک و موساد درباره لیبی از یک سو و حساسیت بالای اسرائیلی ها در قبال تحولات و اوضاع داخلی این کشور از

سوی دیگر است.

ص: ۵۰۸

۱- . سند ساواک، مذاکرات ریاست ساواک با آقای ادمونی معاون سرویس اسرائیل، سه شنبه ۱۹ بهمن ۱۳۵۰.

۲- . سند ساواک، ملاقات دوجانبه تیمسار ریاست ساواک با ایگال آلون وزیر امور خارجه اسرائیل، ۱۱/۱۰/۱۳۵۴.

فلسطینی ها

همکاری اطلاعاتی ساواک و موساد علیه مبارزان، مجاهـدان و نیز گروه ها و سازمان های مبارزه فلسـطینی، کلیـدی و محوری بود. اسرائیلی ها به عنوان اشغالگران سرزمین فلسطین، همواره از فلسطینی ها به عنوان دشمنان قسم خورده خود یاد کرده اند.

از آنجـا که آرمـان اصـلی مبـارزان و مجاهـدان و گروه هـای مبـارز فلسـطین حول محور آزادسـازی فلسـطین و بـازپس گیری سرزمین های اشـغالی از چنگال مهاجمان صـهیونیست قرار داشت؛ لذا سـرویس های اطلاعاتی اسرائیل، در تمامی نقاط جهان، آنها را تحت تعقیب و نظارت اطلاعاتی

قرار می دادنـد. اسـرائیلی هـا در این زمینه بخش قابـل توجهی از اهـداف خود را از طریق همکـاری با ساواک و بهره گیری از امکانات، پوشش و مأموران این سازمان، تأمین می کردند.(۱)

مذاکرات ژنرال هوفی با رئیس ساواک درباره برخی اشخاص و گروه های فلسطینی در این باره خواندنی است:

ژنرال خفی: موضوع دوم اوضاع منطقه خود ما است.

تصور می کنم دو تحول از کنفرانس رباط ناشی شده که روی قرارداد صلح که قبلاً بوده اثر خواهد گذاشت. یک پیشنهاد که به تصویب رسید این بود که هیچ مذاکراتی برای صلح صورت نمی گیرد مگر به وسیله تمام نمایندگان کنفرانس و نمایندگان فلسطین تصویب شود. ما فهمیدیم

سوریها این کار را با قصد قبلی انجام داده اند. سوریها همیشه می ترسیدند و هنوز هم می ترسند

که مصر و اسرائیل راهی برای صلح بین خود بیابند. بنابراین سوریها طرح جدید را برای

۱- . برای کسب اطلاعـات بیشتر در این بـاره مراجعه شود به: عبـدالرحمن احمـدی، و نیز؛ فصـل اجلاس اطلاعـاتی سه جـانبه گزارش ها و قطعنامه ها در همین کتاب.

جلوگیری از تماس مصر با ما عنوان کردند و از مسئله فلسطین نه به عنوان هدف بلکه به عنوان وسیله برای رسیدن به هدف استفاده کردند. این تصمیم به دو نتیجه منتج شد: اول اینکه ملک حسین را کنار گذاشتند. دوم اینکه می دانستند که ما جبهه آزادیبخش فلسطین را به عنوان نماینده فلسطین قبول نخواهیم کرد. ما با فلسطینیها مذاکره نمی کنیم این سازمان تروریستی

است و آشکارا اعلام انهدام دولت اسرائیل را می کند و می گوید می خواهیم یک دولت غیرمذهبی بوجود آوریم.

تیمسار ریاست ساواک: این حرفهای قبلی است. شاید حالا دیگر نگویند. اگر به موجودیت رسمی خود علاقمند باشند باید رویه شان را عوض کنند.

ژنرال خوفی: باید بین یاسر عرفات و سایرین فرق گذاشت.

تیمسار ریاست ساواک: هنوز تاکتیک خود را عوض نکرده اند.

یاسر عرفات هم بدون اینکه نماینده تمام فلسطینیها باشد مورد قبول کشورهای عربی و سازمان ملل گردیده است. بنابراین به وسیله حبش و یا سایرین ممکن است ترور شود و گروههای مخالف او ممکن است برای تولید ناراحتی برای یاسر عرفات در اروپا دست به خرابکاری و ترور بزنند.(۱)

سند نمونه دیگر درباره همکاری ساواک و موساد برای مقابله با گروه های فلسطینی، مربوط به سال ۱۳۵۲، چنین است:

مدیر کل اداره دوم: اطلاع پیدا کرده ایم که دولت عراق برای ورود وسائل دریایی به منظور خرابکاری برای سازمانهای فلسطینی معافیت گمرکی قائل گردیده است و مسلما این وسائل برای خرابکاری در خلیج است.

ژنرال ضمیر: باید در این مورد صبور باشیم زیرا در بعضی موارد مأموران بررسی ما اطلاع می دهند که اینها می خواهند دست به اقدامی بزنند ما چند ماه منتظر آن اقدام می مانیم خبری نمی شود و آنها بعد از مدت انتظار ما دست به عمل مزبور می زنند و این باعث شکست ما می گردد بنابراین باید در موارد خرابکاری صبور باشیم ما تمام پایگاههای آنها را در لبنان از بین می بریم چه از طریق هوا و چه از طریق زمین.

تیمسار ریاست ساواک: لبنانیها خودشان از فلسطینی ها ناراحتند و قدرت نظامی فلسطینی ها را

۱- . مذاکرات ژنرال خوفی هوفی رئیس سرویس اطلاعاتی اسرائیل با ریاست ساواک.

بیش از خودشان می دانند.

ژنرال ضمیر: آنها اگر بخواهند می توانند فلسطینی ها را از بین ببرند و هر چه زودتر از بین ببرند بهتر است.

تیمسار ریاست ساواک: دولت قبلی این تصمیم را داشت ولی سقوط کرد.(۱)

اسرائیلی ها از ابتدای اشغال سرزمین فلسطین، در تبلیغات خود، مردم فلسطین را بخشی از مردم اردن و اردن را بخشی از سرزمین فلسطین قلمداد کرده اند. صهیونیست ها از دید

خود، برای حل این قضیه به اقدامات سیاسی و دیپلماتیک فراوان متوسل شده اند.

از سوی دیگر، سند ساواک نشان می دهد که اسرائیلی ها در کشتار مردم فلسطین در سپتامبر سال ۱۹۷۰ در اردن و فاجعه معروف به سپتامبر سیاه، نقش فعالی در همکاری با سلطنت اردن داشته اند.(۲) ایگال آلون وزیر امور خارجه وقت رژیم صهیونیستی در بهمن ماه سال ۱۳۵۴ طی ملاقاتی با محمدرضا پهلوی، دیدگاه خود را در این باره چنین اعلام کرده بود:

ملاقات دوجانبه تیمسار ریاست ساواک با آقای ایگال آلون وزیر امور خارجه اسرائیل (۱۱/۱۰/۵۴)

آقای ایگال آلون: مایلم گزارش ملاقاتهایی را که با شاهنشاه - نخست وزیر و آقای وزیر امور خارجه انجام داده ام به عرض برسانم. در مورد قرارداد با مصر رضایتمان را اعلام کردم و همچنین اندوه خودمان را در مورد سوریه اظهار داشتم. در مورد تفویض اراضی آمادگی خودمان را اعلام

داشتم مشروط بر اینکه مرزهای قابل دفاع در اختیار اسرائیل گذارده شود. بخصوص با توجه به اوضاع قرن بیستم معنی مرزهای قابل دفاع را برای نخست وزیر تشریح کردم.

در مورد تشکیل یک کشور فلسطینی در ساحل رود اردن به عرض رساندم که این کار چقدر خطرناک است. مشکل فلسطین وجود دارد و این مشکل باید در چهارچوب اردن حل شود چون اردن بخشی از فلسطین است و مردم فلسطین بخشی از مردم اردن هستند. یک دولت فلسطینی دستگاه سلطنت را در اردن به خطر خواهد انداخت و اگر هم چنین دولتی در خارج تشکیل شود یک دولت چپ گرا خواهد بود و دیدن تکنیسینها و کارشناسان شوروی در حومه اورشلیم یک کابوس است.

ما آماده مذاکره با هر یک از همسایگان عرب خود بدون شرط قبلی هستیم این مذاکرات

۱- . سند ساواک، متن مذاکرات ژنرال ضمیر زامیر با ریاست ساواک، دوشنبه ۱۸/۴/۱۳۵۴.

۲- . ن.ک: همین کتاب، فصل محدوده استراتژیک اسرائیل، بخش اردن.

می توانـد بر مبنـای قطعنامه ۲۴۲ سازمـان ملـل متحـد باشـد. مـا مخـالف این هسـتیم که شورای امنیت به صورت کنفرانس ژنو دربیاید. عرض کردم آمریکاییها و یا ما باید از کنفرانس ژنو دعوت

کنیم. فرمودند بسیار خوب است روسها در موقعیت بدی قرار خواهند گرفت.

در مورد مسئله فلسطین شاهنشاه اظهار نگرانی کردند و گفتند اگر واقعا مشکل آنها حل نشود

این مشکلات ادامه خواهد یافت و نگران بودند که عامل فعال فلسطینی نه تنها در اردن بلکه در عربستان سعودی هم زمام امور را در دست بگیرد.

من عرض کردم این گفته در مورد فلسطـینی ها کاملاً درست است. در سال ۷۰ [۱۹۷۰] ما به بقا و نجات سلطنت اردن کمک کردیم از آن موقع به بعـد مرزهـا بـا اردن آرامترین مرزها شـده است. از ایشان اسـتدعا کردم که اردن را تشویق کننـد که با ما صحبت کنند و موافقت نامه ای در مورد پس گرفتن ساحل غربی اردن بنویسـیم. در مورد PLO] سازمان آزادیبخش فلسطین [بعد از گوش کردن به حرفهای من اعلیحضرت گفتند من نمی گویم چه بکنید ولی بدانید اگر در مورد این

مشکل پیشرفتی حاصل نشود در موارد دیگر نیز پیشرفتی حاصل نخواهد شد.

اعلیحضرت فرمودند آیا امکان دارد ملک حسین را متقاعد کنید؟

عرض کردم شاید خوب باشد شاهنشاه با ملک حسـین و سادات و دیگر کشورهای عربی صحبت نمایند و آنها را متقاعد کنند که با ما مذاکره کنند.

ایشان نفرمودند که آیا صحبتی خواهند کرد یا خیر و من هم اصرار نکردم.

عرض کردم مـا آمـاده ایم مقـدار زیـادی از اراضـی را بـدهیم بخصـوص بخشـی که سـاکنین عرب دارد. اردن پیشـنهاد ایجـاد فدراسـیون ساحـل غربی و ساحـل شـرقی را کرده است که به نظر ما این مشـکل را حل می کنـد. و به نفع ایران و اسـرائیل هم هست. امیدواریم ایران اجازه ندهد که PLO در تهران دفتری باز کند چون بخشی از سازمانهای فلسطینی است.

تیمسار ریاست ساواک: آنها چریک تربیت می کنند و به کشور ما می فرستند باید اول تکلیفشان را با ما معلوم کنند. شما باید ترکها را متقاعد کنید که مبادا این کار را بکنند چون خبر داریم که آنها دارند بررسی می کنند.(۱)

ایگال آلون، در سال ۱۳۵۴، اگر چه آمادگی اسرائیل را برای مذاکره با کشورهای همسایه

فلسطین بر مبنای قطعنامه ۲۴۲ شورای امنیت و مهمتر از همه، بازپس دادن اراضی اشغالی

۱- . سند ساواک، ملاقات دوجانبه ایگال آلون وزیر امور خارجه اسرائیل با تیمسار ریاست ساواک، ۱۳۵۴/۱۰/۱۱.

کرانه غربی رود اردن از سوی رژیم صـهیونیستی اعلام می کند؛ اما واقعیت آن است که اسرائیل، پس از جنگ ۱۹۶۷ تاکنون، همواره از اجرای قطعنامه مزبور جلوگیری کرده و حتی

تا سال ۱۳۵۴ ده ها شهرک صهیونیست نشین در کرانه غربی رود اردن ساخته و هزاران یهودی

مهـاجر از اطراف و اکنـاف جهـان را در آن سامان اسـکان داده بود. همه اینها نشان از آن دارد که طرف اسـرائیلی، همواره در صـدد فریب افکـار عمومی و حـتی دوسـتان خود (مقامـات رژیم پهلوی) بوده و برای رسـیدن به این مقصود، همیشه از حیله و فریبکاری سود جسته است. برای اثبات این ادعا می توان به موضع رسمی رژیم صهیونیستی، آن هم کمتر از دو سال پس

از اظهارات ایگال آلون در برابر مقامات دربار ایران و رئیس ساواک در تهران، درباره کرانه غربی رود اردن، مراجعه کرد.

کمتر از دو سـال پس از ادعـای دروغین ایگـال آلون وزیر خارجه وقت اسـرائیل در مقابل محمـدرضا پهلوی و رئیس ساواک، مبنی بر آمـادگی اسـرائیل برای بـازپس دادن کرانه غربی رود اردن؛ موشه دایان وزیر خارجه وقت اسـرائیل در سال ۱۳۵۶، در این باره خطاب به رئیس ساواک چنین گفت:

تیمسار ریاست ساواک:] ...] خبری از اسـرائیل داشـتم مبنی بر اینکه تصمیم دولت اسرائیل در مورد غرب رود اردن در پارلمان اسرائیل با مخالفتهایی مواجه شده است.

ژنرال دایان: سـیاست دولت اسـرائیل همزیستی با اردن و عربهای کناره غربی رود اردن می باشد ولی باید صریحا بگوییم که به هیـچ وجه صـحبتی از سازمـان آزادیبخش فلسـطین در میـان نیست اما ما حاضـریم با خود فلسـطینی های کرانه غربی همزیستی داشته باشیم نه با سازمان آزادیبخش فلسطین.

اجازه بدهید صـریحا عرض کنم که حتی اگر دوسـتانی مانند امریکا و ایران نیز از ما بخواهند که با ایجاد یک کشور فلسـطینی در غرب رود اردن موافقت کنیم باز هم چنین کاری نخواهیم کرد.

تیمسار ریاست ساواک: نظر شما در مورد رفراندم محلی در کرانه غربی چیست؟

ژنرال دایان: رفراندم در کرانه غربی رود اردن مورد موافقت ما نیست چون بدون شک سازمان آزادی بخش فلسطین مردم این منطقه را تحت فشار قرار خواهد داد که به رهبران آن سازمان رأی بدهند.(۱)

۱- . سند ساواک، مذاکرات تیمسار ریاست ساواک با ژنرال موشه دایان، ۲۸/۵/۳۶[۱۳۵۶].

پاکستان

کشور پاکستان واقع در جنوب آسیا، از غرب به ایران، از جنوب به اقیانوس هند و دریای عمان، از شمال به افغانستان، از شرق به هند و از شمال شرقی به چین محدود است. با توجه به این موقعیت جغرافیایی، اسرائیلی ها، این کشور را نیز در محدوده استراتژیک خود قلمداد

کرده و شامل کشورها و مناطقی دانسته اند که استراتژی پیرامونی اسرائیل آنها را دربر

می گیرد.

پاکستان از دیگر کشورهایی بود که اسرائیلی ها همواره سعی در ایجاد ارتباط با آن داشته اند. ساواک و شخص محمدرضا پهلوی، همان گونه که درباره مصر ذکر شد، به درخواست اسرائیل در زمینه برقراری روابط بین اسرائیل و پاکستان عملیات پنهان انجام می دادند.

درخواست ژنرال هوفی رئیس وقت موساد از نصیری رئیس ساواک در این باره قابل تأمل است. ساواک طی نامه ای به شخص محمدرضا در این زمینه کسب تکلیف کرده است:

مفتخرا به شرف عرض پیشگاه مبارک ملوکانه می رساند،

ژنرال خفی رئیس سرویس اسرائیل در ملاقات روز پنجشنبه ۲۴/۴/۳۵ [۲۵۳۵=۱۳۵۵] با جان نثار استدعا کرد که ساواک ضمن تماس با سرویس اطلاعاتی پاکستان ترتیبی بدهد که دو

سرویس اسرائیل و پاکستان تماسهای مستقیمی در زمینه مبارزه با تروریزم بین المللی با یکدیگر داشته باشند.

مراتب از شرف عرض پیشگاه مبارک ملوکانه می گذرد تا به هر نحو که ارائه سنیه ملوکانه قرار گیرد عمل شود.

جان نثار- ارتشبد نصیری(۱)

پس از گذشت قریب ده روز از ارسال نامه، در حاشیه آن، به نقل از محمدرضا، چنین پاسخ داده می شود:

مقرر فرمودند هر وقت امکان تماس مستقیم معظم له با مقامات پاکستانی فراهم شد موضوع یادآوری شود تا مطرح فرمایند (۴/۵/۳۵).(۲)

یکی از اقدامات اسرائیل برای رسیدن به مقاصد خود در پاکستان، تلاش برای برقراری ارتباط بین سرویس اطلاعاتی آن کشور و موساد بود در این زمینه، مقامات موساد، جز ایران

به سرویس اطلاعاتی ترکیه نیز متوسل شدند.(۳) سند ساواک در این خصوص چنین حکایت می کند:

گزارشتاریخ ۱۰/۲/۳۶[۱۳۵۶]

منظور: استحضار تیمسار ریاست ساواک و صدور اوامر مقتضی

رابط سرویس اسرائیل در آنکارا (آقای دان یادین) چند روز قبل مطالب زیر را با اینجانب مطرح و اظهار نموده که به طور خیلی خصوصی با اینجانب صحبت می کند و مطالبی که عنوان می کند

نظر شخصی خود وی می باشد. لیکن با توجه به اهمیت موضوع و اعتقاد به این امر که مطلب

عنوان شده نمی تواند نظر شخصی وی باشد مراتب به شرح زیر جهت استحضار و صدور اوامر مقتضی از عرض می گذرد:

رابط اظهار نمود سیاست فعلی دولت اسرائیل رسیدن به توافق و صلح با اعراب است و با عادی شدن روابط با این کشورها اسرائیل مایل است با همه کشورهای منطقه روابط عادی داشته باشد. به همین جهت با توجه به این سیاست کلی و در نظر داشتن این حقیقت که میان

اسرائیل - ترکیه و ایران روابط همه جانبه وجود دارد این فکر برای من (منظور رابط سرویس

اسرائیل) پیش آمده است که شروع اقداماتی برای زمینه سازی آینده جهت عادی کردن روابط با پاکستان به عمل آید و به نظر می رسد که اولین مرحله این کار برقراری تماس میان سرویسهای

اطلاعاتی دو کشور می باشد.

رابط سرویس اسرائیل پس از عنوان کردن مطالب فوق از اینجانب تقاضا نمود که با استفاده از

۱- . سند ساواک، مورخ ۲۴/۴/۳۵[۱۳۵۵].

۲- . همان سند.

۳- . رژیم صهیونیستی در سال های اخیر نیز از کانال ترکیه دست به اقدام های مشابه زده است.

آشنایی نماینده سرویس پاکستان در ترکیه در این مورد با وی مذاکره و نظر سرویس پاکستان را در این زمینه کسب و احتمال تحقق این امر را ارزیابی نمایم تا در صورت امکان ارتباط میان

سرویسهای پاکستان و اسرائیل از این طریق شروع شود.

به رابط گفته شد چرا سرویس اسرائیل این امر را به طور رسمی عنوان نمی کند. رابط اظهار نمود

این فکر و ابتکار شخصی وی می باشد.

نظریه:

۱- به نظر می رسد رابط این موضوع را با اطمینان از اینکه از طریق نمایندگی به عرض خواهد رسید عنوان نموده است.

۲- بعید است رابط سرویس اسرائیل بدون اطلاع و دستور سرویس این مطالب را مطرح کرده باشد.

۳- احتمال دارد سرویس اسرائیل قصد دارد به طور غیرمستقیم از کمک ساواک در این زمینه استفاده

کند تا قبل از اقدام مستقیم میزان آمادگی مقامات پاکستانی را برآورد نمایند.

به منظور به دست آوردن فرصت برای به عرض رساندن موضوع جهت صدور اوامر عالی، در پاسخ رابط مزبور گفته شد که نماینده سرویس پاکستان در آنکارا (آقای احمد خالد نماینده ملی

پاکستان در دفتر ضداخلالگری سنتو) تازه وارد ترکیه شده و هنوز با وی کاملاً آشنا نیستم در فرصت مناسب نظر وی استفسار خواهد شد.

نمایندگی ترکیه – عیسی غمامی ۱۰/۲/۲۵۳۶[۱۳۵۶(۱)]

در یادداشت حاشیه سند، به نقل از رئیس وقت ساواک چنین نوشته شده است:

از عرض گذشت فرمودند با وضع فعلی پاکستان اقدامی ندارد.(۲)

۱- . سند ساواک، ۱۰/۲/۳۶[۱۳۵۶]، طبقه بندی سرّی.

۲- . همان سند.

چین

اسرائیلی ها در مناسبات اطلاعاتی خود با ایران شاهنشاهی و حتی سرویس های اطلاعاتی غربی، چون آمریکا و انگلستان، به دلایلی، کشور چین را نیز در محدوده استراتژیک رژیم صهیونیستی قرار می دادند. این در حالی بود که رژیم صهیونیستی از ابتدای

تأسیس تاکنون، به ویژه در برهه های مختلف تاریخی، سعی در ایجاد رابطه با دولت چین داشته و در برخی مقاطع زمانی به موفقیت هایی دست یافته است. این روابط حتی در زمینه های نظامی بعضا چشمگیر بوده است. با این حال در حوزه همکاری اطلاعاتی موساد با

ساواک، چین نیز از قلمرو این همکاری ها جدا و خارج نبود. بلکه مقامات و مأموران ذی ربط

موساد به شدت در جستجوی اخبار و اطلاعات سرّی مربوط به چینی ها بوده اند. مذاکرات دیوید کیمخی (کیمچی) معاون وقت موساد با رئیس ساواک (نصیری) درباره چین خواندنی

است:

آقای کیمخی: شما شخصی هستید که گذشته پرتجربه ای دارید می خواستم در دو مورد از نظر شما کمک بگیرم.

تیمسار ریاست ساواک: من چیزی جز آنچه شاهنشاه به من آموخته اند نمی دانم.

آقای کیمخی: مشکلی که ما را نگران کرده مسئله چین است. ما می خواهیم مناسبات آرام و مخفی با چین داشته باشیم. تا موقعی که مائو زنده بود این امر غیرممکن بود ولی اکنون که مائو مرده است زمان مناسبی برای این کار می باشد.

تهران مرکز مهمی برای فعالیت به وسیله سفارت چین است.

امکان دارد ما از طریق شما با سفارت چین در تهران تماس بگیریم. اگر چینی ها مایل باشند

می توانیم اطلاعات ذیقیمتی از داخل شوروی بدهیم و همچنین اطلاعاتی در مورد مسائل اقتصادی.

تیمسار ریاست ساواک: چرا اطلاعات را به ما نمی دهید؟

آقای ماهان: در لیست همکاریهای ما نبوده است. ما در مورد فعالیت شوروی در کشورهای عربی همکاری داریم.

تیمسار ریاست ساواک: در لیست جدید گنجانیده خواهد شد.

ما با چینی ها تماس نداریم و با احتیاط با آنها رفتار می کنیم. تا شش ماه آینده وضع حکومتی

چین مشکوک است.(۱)

ص: ۵۲۰

۱- . سند ساواک، متن مذاکرات تیمسار ریاست ساواک با آقای کیمخی معاون سرویس جدید اسرائیل ۱۹/۸/۲۵۳۵[۱۳۵۵].

سنگاپور

سنگاپور جزیره کوچکی واقع در جنوب شرقی آسیاست، که زمانی، یکی از بزرگترین بنادر شرق و بزرگترین پایگاه دریایی بریتانیا در منطقه بود.

اسرائیلی ها در مسیر اهداف خود در منطقه، در این جزیره نیز حضور و نفوذ پیدا کرده، و بزرگترین مرکز و پایگاه اطلاعاتی و جاسوسی منطقه ای موساد در آسیای شرقی را در آنجا

دایر و ارتباط نزدیکی با سرویس اطلاعاتی سنگاپور برقرار کرده بودند.

براساس گزارش های ساواک، سرویس اطلاعاتی سنگاپور به منظور ایجاد سپر حفاظتی برای میهمانان خارجی عالی مرتبه خود، از موساد کمک می گرفت. درخواست سرویس اطلاعاتی سنگاپور از موساد برای حفاظت از محمدرضا پهلوی در هنگام سفر و حضور در سنگاپور نمونه ای از این روابط و نشانگر میزان حضور موساد در منطقه مزبور است:

به عرض می رساند:

رابط سرویس اسرائیل در مرکز طی ملاقاتی در تاریخ ۱۷/۶/۵۳ اطلاع داد که سرویس اطلاعاتی و امنیتی سنگاپور از سرویس اسرائیل در مورد حفاظت سفر اعلیحضرت همایون شاهنشاه آریامهر به سنگاپور تقاضای کمک نموده است. نامبرده خاطرنشان ساخت که سرویس اسرائیل دارای تسهیلات و امکانات قابل توجهی در سنگاپور بوده و روابط مستحکمی با سرویس امنیتی آن کشور داشته و دارای نماینده مقیم نیز می باشد. ضمنا برقراری تماس بیسیم بین تهران و سنگاپور از طریق تل آویو به سهولت امکان پذیر می باشد.

رابط سرویس اسرائیل با توجه به مراتب بالا آمادگی سرویس متبوعه را برای هرگونه همکاری و برقراری تماس مستقیم بین ساواک و سرویس سنگاپور اعلام داشته و درخواست نمود به وی

اطلاع داده شود که در مورد بالا با چه قسمتی می تواند تماس بگیرد.

مراتب به عرض رسید مقرر فرمودند به رابط سرویس اسرائیل اطلاع داده شود که تماس مستقیم با سرویس سنگاپور لزومی ندارد لکن مفید است که سرویس اسرائیل اطلاعات خود را درباره

اسامی و مشخصات و سوابق افراد مظنون، خرابکار و فلسطینیهای منطقه مورد نظر در اختیار

سرویس سنگاپور قرار دهد. ضمنا هر گونه مطلبی در زمینه فوق باید از طریق ریاست اداره

پیمانها به عرض برسد.

در اجرای اوامر مراتب عینا (در ساعت ۳۰/۱۲-۱۷/۶/۵۳) به رابط اعلام گردید.

مولوی جو ۱۸/۶/۵۳(۱)

مأموران و نمایندگان اسرائیلی مستقر در ایران، علی رغم تعیین قواعد و ضوابط مشخص در چارچوب همکاری با دستگاه سیاسی، دیپلماسی و نیز اطلاعاتی ایران شاهنشاهی، مع الوصف برای تأمین اهداف خود، عملاً همه مقررات را زیر پا می گذاشتند. تلاش سفیر اسرائیل در تهران برای ملاقات با سردبیر یک نشریه هندی در یکی از هتل های تهران نمونه ای از این قبیل شیوه های رفتاری صهیونیست ها بود.

آقای شام لال سردبیر کل تایمزاف ایندیا در مسافرتی که به منطقه خاورمیانه نموده بود بین راه مدت شش روز در ایران در هتل تهران انترناسیونال اقامت داشته است.

در روز چهارشنبه ۶/۹/۴۷ که همزمان با توقف نامبرده در ایران بوده دو بار آقای عزری(۲) به محل اقامت وی تلفن و چون مشارالیه در محل نبوده به تلفنچی اظهار می دارد برای آقای شام لال یادداشت بگذارید که سفیر اسرائیل در تهران می خواهد با ایشان تماس بگیرد.

نظریه بخش:

۱- . سند ساواک، مورخ ۱۸/۶/۱۳۵۳، طبقه بندی سرّی.

۲- . ربی مه یر عزری یا مئیر عزری، فرزند صیون، متولد اصفهان، با خانواده اش به فلسطین اشغالی رفت و به عنوان تبعه اسرائیل در وزارت امور خارجه رژیم صهیونیستی مشغول به کار شد. عزری مدتی نیز کارمند اداره تبلیغات و گوینده فارسی رادیو اسرائیل بود و بعدها مجددا به ایران آمد و رابطه خود را با سازمان ها و کانون های یهودی داخل کشور برقرار کرد. او حتی با بعضی محافل مطبوعاتی مثل مؤسسه کیهان و اطلاعات و مسؤولان آنها ارتباط صمیمی پیدا کرد. عزری سال ها در

سفارت اسرائیل در تهران به عنوان نماینده سیاسی و سفیر فعالیت داشت و در عین حال شماری از گروه ها و مؤسسات یهودی تحت نفوذ و نظر او فعالیت می کردند. فعالیت عزری در ایران صرفا به امور سیاسی و سفارت محدود نبود، بلکه او از طریق شبکه های تحت کنترل خود، در کنار اهداف سیاسی، مطامع اطلاعاتی، اقتصادی و فرهنگی خاصی را در این کشور دنبال می کرد. (سازمان های یهودی و صهیونیستی در ایران، ص ۱۰۳) گفتنی است، مسؤولیت عزری به عنوان نماینده سیاسی اسرائیل در ایران در اوایل سال ۱۳۵۲ش، به اتمام رسیده بود.

آقای عزری نماینده اقتصادی دولت اسرائیل در تهران است و با توجه به اینکه کشور شاهنشاهی در اسرائیل سفیر ندارد اظهارات نامبرده به یک روزنامه نگار زبردست هندی که در نظر داشت از کشورهای مصر، سوریه، لبنان بازدید نماید مقرون به صلاح نبوده است.(۱)

۱- . سند ساواک، مورخ ۲۰/۹/۴۷، شماره ۸۰۲۵۶/۳۲۵.

دکترین فراپیرامونی موساد در آفریقا

اشاره

ص: ۵۲۵

سابقه و گستره حضور اسرائیلی ها در آفریقا

براساس استراتژی توسعه طلبانه رژیم صهیونیستی، دکترین حاشیه ای یا سیاست پیرامونی رهبران و سران اسرائیل، محدود به چند سرزمین یا کشور حاشیه یا پیرامون فلسطین نیست. بلکه آن گونه که راهبرد صهیونیستی اقتضا می کند، این کشورها و مناطق ممکن است در شمال، شرق، جنوب و غرب آسیا، یا در هر کجای آفریقا واقع شده باشند. در قاموس صهیونیسم، این شرایط و موقعیت رژیم صهیونیستی است که مرزها و محدوده های این استراتژی را تعیین و ترسیم می کند. براین اساس، دیدگاه ایسر هارل سرجاسوس کهنه کار

موساد درباره دخالت اسرائیل در امور آفریقا خواندنی است:

اروپائیان آفریقا را ترک کرده بودند و راه برای ورود هر کس دیگری باز بود. از بین سفیدپوستان کس دیگری جز ما نمی توانست به آنجا برود. ما به این دلیل می توانستیم این کار را بکنیم که آنها به نیات ما به عنوان اهدافی امپریالیستی سوءظن نداشتند. ما تنها کسانی بودیم که در آنجا جای پا و سر پلی داشتیم.(۱)

به نوشته منابع غربی؛ گستردگی علاقه اسرائیل را به آفریقا در اواسط دهه ۱۹۶۰، می توان به خوبی از خلال سوابقی که بازمانده یکی از افسران بانفوذ اسرائیلی به نام اسرائیل لیور(۲) دریافت. لیور در سال ۱۹۶۵ و ۱۹۶۶ مسافرت هایی به این خطه تازه یافته اسرائیل داشت. او به عنوان منشی امور نظامی لوی اشکول نخست وزیر وقت اسرائیل، به همراه اوراهام تامیر(۳)

۱- . کاکبورن، ص ۱۷۴.

۲- . Israel Lior

۳- . Avraham Tamir

ژنرال ارتش اسرائیل، مأمور بررسی چگونگی این روابط نزدیکتر با ارتش های قاره سیاه بود. آن گونه که لیور بعدها آشکار ساخت: کمک نظامی و غیرنظامی اسرائیل به دولت های آفریقایی در آن هنگام به حداکثر خود رسیده بود. تقریبا در همه کشورها اسرائیلی هایی

بودند که در سیستم های نظامی و غیرنظامی [به ویژه اطلاعاتی] به آنها یاری می کردند.(۱)

در این سال ها یوری (اوری) لوبرانی(۲) سفیر اسرائیل در اوگاندا بود و با ایدی (عیدی) امین رئیس وقت ستاد ارتش آن کشور (که بعدها رئیس جمهور شد) ارتباط نزدیک پیدا کرده بود. به گونه ای که پس از حضور فرستادگان نظامی اسرائیل به اسامی، اسرائیل لیور، اوراهام تامیر، لوبرانی سفیر اسرائیل و بارلو(۳) سرپرست هیأت نظامی، قبل از ملاقات جمعی با ایدی امین، به آنها گفته بود که این شخص «آدم ما» یعنی مأمور یا مزدور اسرائیل است. و به نوشته منابع

غربی، از قول سفیر اسرائیل؛ اگر هم هنوز «آدم ما» به شمار نمی رفت، بعدا به عامل اسرائیل

تبدیل شد.(۴)

یک سال پس از این سفر، مجددا اسرائیل لیور همراه با لوی اشکول نخست وزیر وقت اسرائیل، به تعدادی از کشورهای آفریقایی مسافرت کرد. در این سال، ایدی امین رئیس ستاد ارتش اوگاندا بود و از هیأت بلندپایه اسرائیلی استقبال رسمی به عمل آورد. هیأت اسرائیلی

به سرپرستی لوی اشکول، سپس به سنگال و بعد ساحل عاج و نیز زئیر(۵) رفتند. هیأت

اسرائیلی در زئیر در مراسم نظامی و رژه که برای جشن استقلال این کشور برپا شده بود شرکت کردند.

پس از دیدار مقامات اسرائیلی با رئیس جمهور ژنرال جوزف موبوتو و مسؤولان زئیر، روابط طرفین مستحکم تر شد. البته پیش از این، در تاریخ ۱۹۶۳ جوزف کازاوُبو جانشین پاتریس لومومبا، به اسرائیل سفر کرده بود. و در همین سال کارشناسان اسرائیلی برای آموزش گروهی جهت نگهبانی از کاخ رئیس جمهور زئیر به آن کشور اعزام شدند و دویست و پنجاه

۱- . همان منبع، ص ۱۷۶.

۲- . Uri Lubrani

۳- . Bar Lev

۴- . همان منبع، ص ۱۷۶.

۵- . پیش از این به کنگو معروف و شناخته شده بود.

نظامی از آنجا برای فراگیری تعلیمات نظامی و بلکه اطلاعاتی به اسرائیل اعزام شدند که ژنرال جوزف موبوتو فرمانده وقت ارتش (و رئیس جمهور بعدی) نیز این عده را همراهی می کرد. موبوتو در این سال ها با یکی از مأموران موساد به نام مایر (مه یر) میوهاس(۱) ارتباط بسیار نزدیکی برقرار کرده بود.(۲)

به نوشته منابع غربی، دوستی میوهاس جاسوس اسرائیلی با موبوتو به مدت سی و پنج سال حفظ شد. در سال ۱۹۶۴ موبوتو با کمک سازمان جاسوسی و اطلاعاتی آمریکا، موسوم به سیا، قدرت را در زئیر به دست گرفت و نام خود را به موبوتوسسه سکو(۳) تغییر داد. او در این دوران به یکی از پولدارترین افراد جهان تبدیل شد و ثروت دوست اسرائیلی او یعنی مایر میوهاس جاسوس موساد نیز همراه وی افزایش پیدا کرد و در دهه ۱۹۸۰ او دائما قدرتمندتر می شد. و به قول یکی از مفسران اسرائیلی، مطمئنا میوهاس به عنوان یکی از مؤثرترین فرستادگان پنهان اسرائیل در خاطره ها خواهد ماند.(۴)

۱- . Meir Meyouhas

۲- . ن. ك: همان منبع، ص ۱۷۸.

۳- . Sese Seko

۴- . همان منبع، ص ۱۷۹. درباره موضوع میوهاس، ن. ك: استوارت استیون.

اوگاندا

اسرائیلی ها در دهه ۱۹۶۰، به دلیل ارتباط با بعضی افراد مزدور و سرسپرده، چون ایدی (عیدی) امین، موقعیت بسیار مناسبی در کشور اوگاندا به دست آورده بودند.

اوری لوبرانی سفیر وقت اسرائیل، با این شخص در زمانی که معاون رئیس ستاد ارتش و سپس رئیس ستاد و بعدها رئیس جمهور شد، ارتباط بسیار نزدیک و دوستانه ای داشت. تا جایی که آنها از امین به عنوان «آدم ما» یا مأمور ما یاد می کردند. البته منابع غربی سابقه مزدوری و سرسپردگی افرادی چون امین را به قبل از حضور اسرائیل می دانند. به نوشته آنها: تنها اسرائیل نبود که ایدی امین را مأمور ما می دانست. انگلیسی ها نیز که امین را در گروه نظامی تفنگداران آفریقا از درجه گروهبان دومی ارتقاء داده بودند، او را هر چند کمی ناقص

از نظر عقل، اما شدیدا وفادار به انگلستان ارزیابی کرده بودند.(۱)

همسویی و همکاری سرویس اطلاعاتی انگلستان و اسرائیل به ویژه نقش باروخ بارلو

وابسته نظامی اسرائیل، در جریان کودتای سال ۱۹۷۱ توسط ایدی امین، موفقیت بزرگی در جهت استراتژی اسرائیل در منطقه بود. با این کودتا ایدی امین رئیس جمهور شد و آن تعداد از شرکت هایی را که اوبوته رئیس جمهور قبلی اوگاندا ملی کرده بود به غربی ها برگرداند و درباره افزایش حضور نیروهای اسرائیلی در کشورش نظر مساعد و موافق داد و به این سبب موجب خشنودی مقامات لندن، واشنگتن و تل آویو شد.(۲)

به اعتراف منابع غربی، ایدی امین در دوران حکومت خود از سال ۱۹۷۱ تا ۱۹۷۷ حدود

ص: ۵۳۱

۱- . همان منبع، ص ۱۸۰.

۲- . همان منبع، صص ۱۸۱-۱۸۲.

سیصد هزار نفر از مردم عادی و نظامی را قتل عام کرد و به طوری که نوشته اند، علاوه بر نقاط

ضعف متعددی که داشت عادت کرده بود تکه ای از جگر قربانیان خود را نیز بخورد.(۱) مع الوصف آمریکا، انگلستان و به خصوص اسرائیل مشتاقانه و با حرارت از وی حمایت و پشتیبانی می کردند.

رویداد تاریخی فرودگاه انتبه

در دورانی که ایدی امین دیکتاتور مورد حمایت آمریکا، انگلستان و اسرائیل در اوگاندا حکومت می کرد، حادثه معروف فرودگاه انتبه در آن کشور به وقوع پیوست. در سال ۱۹۷۶، یک گروه مبارز فلسطینی، یک هواپیمای فرانسوی را که شمار زیادی از مسافران آن یهودی بودند، در فرودگاه انتبه در خارج از کامپالا پایتخت اوگاندا به گروگان گرفت. اسرائیلی ها

جهت آزاد کردن گروگان ها برای مأموران خود، مجوز انجام عملیات نظامی در اوگاندا صادر

کردند. شیمون پرز وزیر وقت دفاع اسرائیل به سراغ باروخ بارلو، یوسف سائن(۲) رئیس هیأت نظامی و نیروی هوایی اسرائیل در اوگاندا و نیز موشه بدیچی(۳) که خلبان شخصی ایدی امین بود، رفت.(۴) عملیات اسرائیلی ها علیه گروه فلسطینی که هواپیما و مسافران آن را، گروگان داشتند، سرانجام به موفقیت رسید و با کشته شدن شماری از مسافران و نیز هواپیمارباپان،

بقیه مسافران نجات یافتند. نکته بسیار قابل توجه اینکه، در این عملیات، نه فقط سازمان

جاسوسی آمریکا و سرویس اطلاعاتی خارجی انگلستان با موساد همکاری و همراهی تنگاتنگی داشتند که ساواک نیز به نفع اسرائیل ایفای نقش می کرد.

یک منبع غربی در این خصوص چنین می گوید:

اما موفقیت یک عامل انگلیسی به نام بروس مَکِنزی که مشاور نزدیک جومو کنیاتا رئیس جمهور کنیا بود، دست کمی از موفقیت در فرودگاه انتبه نداشت. اساس موفقیت این عملیات بر این استوار بود که هواپیماها قادر باشند در کشور کنیا سوخت گیری کنند، و مَکِنزی توانست اجازه لازم را برای این کار بگیرد. او در آن هنگام در گیرودار یک معامله پرمنفعت

ص: ۵۳۲

۱- . همان منبع، ص ۱۸۲.

۲- . Yosef Soen

۳- . Bedichi

۴- . همان منبع، ص ۱۸۳.

ابزار مخابراتی نظامی با ایدی امین (رئیس جمهور اوگاندا) بود. یک نویسنده انگلیسی مسائل اطلاعاتی به نام چاپمن پینچر گزارش می کند که مقامات ارشدی را از موساد، سیا و حتی ساواک در خانه مَکِنزی دیده و با آنها گفت وگو کرده است. حداقل از دیدگاه اسرائیلی ها، مثالی بهتر از این مورد را نمی توان درباره سودمندی روابط پنهانی ارائه داد.(۱) روابطی که در نهایت به نفع اسرائیلی ها و در خدمت اهداف استراتژیک رژیم صهیونیستی در آفریقا بود.

در اسناد به جا مانده از ساواک در رابطه با هماهنگی و همکاری موساد و مقامات ساواک درباره مسأله گروگان های هواپیمای فرودگاه انتبه در اوگاندا، اطلاعات بسیار مهم و خواندنی

وجود دارد. ژنرال هوفی (خوفی) رئیس وقت موساد، طی نامه ای به نصیری رئیس ساواک در این باره او را در جریان ماوقع قرار می دهد:

در تاریخ ۱۳/۴/۳۵ [۱۳۵۵] ساعت ۴۵/۸ صبح تلگرام مشروحه زیر از طرف ژنرال خفی رئیس سرویس اسرائیل به عنوان تیمسار ریاست ساواک واصل شد:

این تلگرام را در حالی برای جنابعالی می فرستم که ما مشغول تکمیل کردن عملیات نجات هوایی می باشیم که طی این عملیات ما موفق شدیم کلیه گروگانهایی که در فرودگاه انتبه

نگهداری می شدند آزاد نماییم. طی این عملیات ما تلفات فوق العاده کمی داشتیم. طی هفته

گذشته ما واقعه غم انگیز فرودگاه انتبه را تعقیب می کردیم و اطلاعات موثق که به دست ما

می رسید حاکی از این بود که بدون تردید تروریستهای جبهه خلق برای آزادی فلسطین با ژنرال

عیدی امین همدست شده بودند و نیز عیدی امین به طور کامل شریک این اقدام وحشیانه گردیده بود. بعد از شروع مذاکرات برای آزادی گروگانها این نکته برای ما روشن شد که هیچگونه

اطمینانی برای بازگشت گروگانها به وطنشان به طور سالم وجود ندارد. سوابق جبهه خلق برای

آزادی فلسطین و عیدی امین و نیز این حقیقت آشکار که ما با مجموعه ای از گروههای تروریستی از آلمان - ژاپن - فلسطینیها و بسیاری کشورهای دیگر مبارزه می کردیم برای ما راه دیگری را باقی نگذاشت این تروریستها کمک و حمایت کامل از ناحیه لیبی- عدن- سومالی و عراق دریافت می نمایند. من اطمینان دارم که با انجام این اقدامات ما کمک مهمی به حفظ و حراست جامعه به طور کلی به عمل آورده و ضربه سختی به تروریزم بین الملل و حامی آنان

وارد ساخته ایم.

۱- . همان منبع، صص ۱۸۳-۱۸۴.

با تقدیم گرمترین سلامها

خفی(۱)

هوفی رئیس موساد، در حالی ایدی امین رئیس جمهور دیکتاتور وقت اوگاندا را عامل و مقصر حادثه قلمداد می کند، که او با کمک اسرائیلی ها کودتا کرده و قدرت را در اوگاندا به دست گرفته بود. و مأموران اسرائیلی در مذاکرات سرّی درون سازمانی خود، از ایدی امین به عنوان «آدم ما» یاد می کردند که پیش از این، در همین مبحث ذکر شد.

در تاریخ ۱۵ تیر سال ۱۳۵۵، رابط سرویس اطلاعاتی اسرائیل درباره حادثه فرودگاه انتبه با رئیس ساواک مذاکره کرد و ایدی امین را همکار فلسطینی ها در این عملیات اعلام کرد. گزارش رابط سرویس اسرائیل از برخی جنبه ها قابل تأمل است:

رابط سرویس اسرائیل: تصمیم مربوط به عملیات نجات هوایی در اوگاندا زمانی اتخاذ شد که نیروی هوایی اسرائیل به دولت اسرائیل اطلاع داد که اوگاندا از نقطه نظر مسافت در بُرد

عملیات هواپیماهای اسرائیلی قرار دارد. به علاوه ما اطمینان حاصل کرده بودیم که عیدی امین با تروریستها همکاری نزدیکی داشته است. حتی عیدی امین در فرودگاه منتظر ورود هواپیمای تروریستها بوده است. مواد منفجره ای که تروریستها به صورت کمربند به ساختمان فرودگاه انتبه قرار داده بودند وسیله عیدی امین تأمین گردیده بود. در چنین وضعی خود عیدی امین اعلام کرد که چون به دلائل انسانی نمی خواهد که هواپیماربایان از این مواد منفجره علیه گروگانها استفاده نمایند با آنها وارد مذاکره شده است در حالی که حقیقت این است که مواد منفجره را خودش

در اختیار تروریستها گذاشته بود. عملیات نجات هوایی اخیر بهترین نمونه همکاری سازمان

اطلاعاتی و ارتش بشمار می رود. البته قبل از شروع عملیات ما از گروگانهایی که آزاد شده و به پاریس رفته بودند اطلاعات کافی در مورد وضع تروریستها و گروگانها و نیز فرودگاه انتبه دریافت کرده بودیم. عملیات وسیله سه هواپیمای هرکولس انجام گرفت البته در نتیجه کمکهای ذیقیمت دولت فرانسه ما معتقد شده بودیم که دولت اوگاندا با هواپیماربایان همکاری می نماید

و حتی هنگامی که هواپیماربایان می خوابیدند سربازان اوگاندایی از گروگانها مواظبت می کردند. بر خلاف تصور خیلی ها هواپیمای بوئینگ ۷۰۷ در فرودگاه انتبه به زمین ننشست و این هواپیما که حامل پزشک دارو و پرستار بود به فاصله کمی بعد از خاتمه عملیات در

۱- . سند ساواک، مورخ ۱۳/۴/۳۵[۱۳۵۵].

فرودگاه نایروبی به زمین نشست. هواپیمای هرکولس اول دو دقیقه دیرتر از برنامه در فرودگاه انتبه به زمین نشست. بلافاصله در بزرگ این هواپیما باز شد و خودروی مخصوصی که قبلاً برای این عملیات آماده شده بود از هواپیما خارج شد و گروه اول کماندوهای اسرائیلی بلافاصله به طرف ساختمان فرودگاه که گروگانها در آنجا نگهداری می شدند حرکت کرد. ما

می ترسیدیم که مبادا به طرف این خودرو از طرف تروریستها یا سربازان اوگاندایی تیراندازی

شود چون در این صورت تمام نقشه بهم می خورد. گروه اول که به این ترتیب وارد ساختمان

فرودگاه شده بود بلافاصله کلیه تروریستها را معدوم نمود. فرمانده گروه به گروگانها اخطار کرد که روی زمین دراز بکشند اما سه نفر از گروگانها که ترسیده بودند به قصد فرار از جا بلند شدند و در نتیجه در جریان تیراندازی بین کماندوها و تروریستها کشته شدند. در این موقع هواپیماهای دوم و سوم نیز روی باند فرودگاه انتبه فرود آمده بودند. و یک سرهنگ اسرائیلی که فرمانده گروه دوم بود حین حرکت در محوطه فرودگاه مورد اصابت گلوله واقع و کشته شد. گروههای بعدی با سربازان اوگاندایی که در این موقع به طرف کماندوها تیراندازی می کردند

وارد جنگ شدند. البته باید بگویم که کمربند انفجاری ساختمان فرودگاه در بدو عملیات خنثی

شده بود. ضمنا تروریستها مقداری نارنجک هم که به احتمال قوی خودشان در داخل هواپیما

ساخته بودند در کنار خود داشتند اما موفق به انفجار آن نشدند. بیش از ۲۰۰ سرباز اوگاندایی

در فرودگاه حاضر بودند که اکثریت آنها به داخل جنگلهای اطراف فرار کردند و جمعا ۲۰ سرباز اوگاندایی در جریان عملیات به اضافه تروریستها کشته شدند. در این مرحله گروگانها-

زخمی شدگان و کشته شدگان (منظور اجساد گروگانها و اسرائیلی ها است) سریعا به داخل هواپیماها حمل شدند. در مرحله نهایی عملیات هواپیماهای میگ - ۲۱ و ۱۷- نیروی هوایی اوگاندا که در فرودگاه پارک شده بودند معدوم گردیدند. این کار به دو دلیل انجام گرفت. اول اینکه هواپیماهای مذکور نتوانند هواپیماهای اسرائیلی را تعقیب کنند اگر چه پرواز هواپیماهای

میگ به هنگام شب از فرودگاهی مانند انتبه غیرممکن به نظر می رسد. دوم اینکه شش ماه قبل

اوگاندا سر و صدای زیادی علیه کنیا به راه انداخته بود و این کار طبیعتا باعث خشنودی دولت کنیا می گردید. البته اوگاندا خودش خلبان ندارد و خلبانان اوگاندایی را که ما در گذشته آموزش داده بودیم چون متعلق به قبیله مخالف عیدی امین بودند همگی به دست امین کشته شدند. در نتیجه خلبانان فعلی اوگاندا همگی فلسطینی هستند از این رو ما احتمال می دادیم که ممکن

است یکی از این فلسطینی ها روزی یکی از این هواپیماهای میگ را علیه هواپیماهای تجارتی العال که پروازهای منظمی به نایروبی دارند به کار ببرد. کنیا قبلاً از این عملیات به هیچ وجه اطلاعی نداشت و فقط مسئله اجازه ورود هواپیماهای ما به فرودگاه نایروبی بود که می دانستیم

دولت کنیا با آن موافقت خواهد کرد. روز گذشته جرج حبش اعلام کرده بود که از فرانسه - کنیا و اسرائیل که مسئول عملیات اوگاندا هستند انتقام خواهد گرفت البته فرانسه در این مورد مواجه با اشکال نیست اما کنیا آسیب پذیر است. مطلبی که می خواهم بگویم این است که تروریستها به گفته یکی از گروگانها سیگار عراقی می کشیدند و سیگار عراقی البته اگر تازه نباشد قابل کشیدن نخواهد بود.

تیمسار نصیری: البته عراق همه چیز از ساز و برگ جنگی گرفته تا سیگار در اختیار فلسطینی ها می گذارد. می خواستم سئوال کنم آیا قبل از ترک فرودگاه انتبه مأمورین اسرائیلی مدارکی را که تروریستها احتمالاً همراه خود داشتند با خود برده اند.

رابط سرویس اسرائیل: البته این کار انجام شده است و کلیه گذرنامه های تروریستها و سایر مدارک موجود نزد آنها اکنون در اختیار اسرائیل است و با توجه به همین مدارک بود که ما

توانستیم هویت واقعی تروریستها را کشف کنیم.

البته آنچه که عرض کردم اطلاعات پراکنده ای بود که به دست اینجانب رسیده بود چون هنوز با توجه به مراسم تشییع جنازه سرهنگ مقتول اسرائیلی از کماندوهای اعزامی بهره کشی کامل به عمل نیامده است. البته اطلاعات تکمیلی به وسیله مقامات عالیه اسرائیل حضورا به شرف عرض شاهنشاه ایران خواهد رسید.(۱)

موساد اطلاعات خواندنی دیگری در تاریخ ۱۶/۴/۱۳۵۵ به ساواک ارایه داده است:

ساعت ۲۳/۳ (به وقت اسرائیل) تعدادی هواپیمای حمل و نقل هرکولس نیروی هوابر اسرائیل در فرودگاه جدید انتبه به زمین نشست بعد از تقریبا ۸ دقیقه این گروه به تأسیسات فرودگاه قدیمی جایی که گروگانها زندانی شده بودند رسیده و آنها را از اسارت نجات دادند.

۲۵ دقیقه بعد گروگانها قبل از همه سوار شده و اولین هواپیما ۲۰ دقیقه بعد و به دنبال آن بعد از مدت کوتاهی سایر هواپیماها از زمین بلند شدند و یک خانم پیر که قبلاً اجازه یافته بود به بیمارستان برود در کامپالا باقی ماند در بازگشت هواپیماها برای بنزین گیری و دریافت کمکهای

۱- . سند ساواک، ملاقات تیمسار ریاست ساواک با رابط سرویس اسرائیل، روز ۱۵/۴/۲۵۳۵[۱۳۵۵].

پزشکی در نایروبی توقف نمودند تعدادی از مجروحین به خاطر جراحاتشان مجبور شدند در نایروبی بمانند. اولین هواپیما در ساعت ۷/۴ به اسرائیل مراجعت نمود.

چهار تروریستی که هواپیمای ارفرانس را ربوده بودند در انتبه با ۶ الی ۷ نفری که به آنها اضافه گردیدند تقویت شدند.

نیروهای اوگاندایی ضمن همکاری با آنها از گروگانها محافظت می کردند.

در حدود ۲۰ سرباز اوگاندایی ضمن عملیات کشته شدند.

مجروحین و صدمات اسرائیلی ها به قرار زیر است:

چهار کشته (سه شخصی یک نفر افسر)

۸ زخمی (که حال ۳ یا ۴ نفر از آنها وخیم است)

۷ میگ (۱۷ و ۲۱) در فرودگاه انتبه در حال سوخته شدن دیده شد.(۱)

اطلاعات تکمیلی اسرائیلی ها درباره فلسطینی ها و افراد شرکت کننده در حادثه فرودگاه انتبه به شرح زیر است:

اسامی تروریستهایی که طی عملیات نیروهای دفاعی اسرائیل در اوگاندا مربوط به هواپیماربایی یک فروند هواپیمای ارفرانس کشته شده اند به قرار زیر است:

الف – الحاج فیض جابر یکی از رهبران سابق جبهه خلق برای آزادی فلسطین وابسته به گروه حبش. این شخص در طراحی عملیات تروریستی در اروپا و سایر نقاط شرکت داشته و اخیرا در مصر اقامت داشته است.

ب – عبدالرازق عبداللطیف (نام رمز ابوداردان) عضو ارشد جبهه خلق برای آزادی فلسطین

وابسته به گروه حبش. شغل مهمی در قسمت فعالیتهای تروریستی خارجی گروه ودیع حداد داشته است. در قاچاق اسلحه و مواد منفجره به خارج شرکت داشته و از گذرنامه سیاسی جمهوری دمکراتیک خلق یمن استفاده می کرده است.

پ – گیل الارگا (یا یائیل الارجا) در آلبوم تروریستی با شماره ۹-۳۷. مشخص گردیده است. یکی از اعضای ارشد جبهه خلق برای آزادی فلسطین وابسته به گروه حبش و مسئول عملیات در امریکای جنوبی زیردست قیصر کبه در اداره روابط خارجی جبهه خلق برای آزادی فلسطین کار می کرده است. گذشته از فعالیتهای سیاسی و تبلیغاتی به ودیع حداد در طراحی عملیات

۱– . سند ساواک، تاریخ گزارش ۱۶/۴/۲۵۲۵/۱۳۵۵]/ ۷/۷/۱۹۷۶م.

تروریستی کمک می کرده است.

ت – ابوعلی تاکنون شناسایی نگردیده است.

ث – ابوخالد تاکنون شناسایی نگردیده است.

ج – یکی از اتباع آلمان که نام رمزش به عربی محمد بوده است. احتمالاً شباهت به ویلفرید بوسه که یک آنارشیست آلمانی است و قبلاً با حوادث مربوط به مقربل و کارلوس ارتباط داشته دارد. بعد از فاش شدن شبکه مربوطه در پاریس در تاریخ ۱۵ تیر ماه ۲۵۳۴ [۱۳۵۴] این شخص وسیله سرویسهای امنیتی فرانسه بازداشت و از فرانسه به داخل خاک آلمان اخراج گردید. در آلمان

مورد بازجویی قرار گرفته و سپس با وجه الضمان آزاد و از آن تاریخ ناپدید بوده است.

چ – یک تبعه زن کشور آلمان که نام رمز عربی او حلیمه بوده است. او یک آنارشیست وابسته به قسمت عملیات خارجی گروه ودیع حداد بوده که مأموریتهایی را برای این سازمان در خارج انجام داده. نام واقعی او شناسایی نگردید.

ص: ۵۳۸

جیبوتی

کشور کوچک جیبوتی در دهانه جنوبی تنگه باب المندب، از طرف غرب و جنوب غربی به اتیوپی از شمال و شمال غربی به اریتره، شرق و شمال شرقی به تنگه باب المند و دریای

سرخ، از جنوب شرقی به سومالی محدود است.

جیبوتی در ششم تیر ماه ۱۳۵۶ / ۲۷ ژوئن ۱۹۷۷، پس از ۱۱۵ سال حکومت استعمار فرانسه به عنوان چهل و نهمین کشور آفریقا استقلال یافت. این اعلام استقلال تأثیر زیادی بر منافع حیاتی اسرائیل در منطقه داشت.(۱) به نوشته منابع اسرائیلی، جیبوتی تحت حکومت فرانسه، عامل موازنه ای برای تأمین کشتیرانی در باب المندب، یعنی دروازه اسرائیل به یمن جنوبی بود. و از آنجا که کشور جدید، الحاق خود را به جامعه عرب اعلام کرد و زبان رسمی

خود را عربی اعلام نمود، کشتیرانی اسرائیل در باب المندب به خطر افتاد.(۲)

به هر روی رژیم صهیونیستی، این کشور بسیار کوچک را به عنوان یک منطقه استراتژیک در مسیر استراتژی پیرامونی خود ارزیابی کرده است. براین اساس اسرائیلی ها،

همواره، تحولات مربوط به جیبوتی را تحت نظارت و بررسی قرار داده اند.

اسناد ساواک نشان می دهد که حتی قبل از اعلام استقلال جیبوتی، رژیم صهیونیستی در آن سرزمین نفوذ سیاسی و اطلاعاتی قابل توجه داشت. ساواک طی گزارشی به محمدرضا پهلوی، تقاضای ناهوم ادمونی معاون وقت موساد از ایران را درباره جیبوتی چنین اعلام

ص: ۵۳۹

۱- . علی اکبر ولایتی، ص ۹۶.

۲- . همان منبع، ص ۹۶، به نقل از: گزارش شماره ۶۶۰ مورخ ۷/۴/۱۳۵۶ از مرتضایی [نمایندگی ایران در اسرائیل]به وزارت امور خارجه، سرمقاله [روزنامه اسرائیلی] داوار مورخ ۲۷/۶/۱۹۷۷، تل آویو.

می کند:

گزارش

به شرف عرض پیشگاه مبارک ملوکانه می رساند:

آقای ناخوم ادمونی معاون سرویس اسرائیل در روز ۲۰/۱۱/۵۴ طی ملاقاتی با جان نثار اظهار داشت:

دولت فرانسه اعلام کرده که سال آینده به جیبوتی استقلال خواهد داد. علی عارف نخست وزیر جیبوتی که ضد شوروی و طرفدار غرب است از حمایت فرانسه برخوردار بوده و مایل است تماسهای خود را با کشورهای منطقه توسعه دهد و از اسرائیل نیز درخواست کمکهای آموزشی

در زمینه تربیت پاسداران مسلح حفاظت شخصیتها علی الخصوص خود علی عارف را به عمل آورده است.

به نظر علی عارف مهمترین کشوری که جیبوتی باید با آن در حال حاضر ارتباط خصوصی برقرار کند ایران می باشد و از این رو استدعا کرده که به وی اجازه داده شود از ایران دیدن نماید. این اقدام نخست وزیر جیبوتی در جهت توسعه مناسبات خارجی خود بیشتر به منظور مقابله با تهدید سومالی است که هم اکنون از طریق جبهه آزادی بخش ساحل جیبوتی

(LIBERATION FRONT FOR THE COAST OF DJIBOUTI)

دست به اقدامات نظامی - براندازی علیه جیبوتی زده است. ضمنا به عرض می رساند که ملاقات علی عارف با معاون سرویس امنیت اسرائیل در پاریس و بدون اطلاع سرویس فرانسه انجام پذیرفته است.

مراتب با توجه به طرح عملیاتی شنود پنهانی که قرار است بین فرانسه - ایران و هندوستان در منطقه اقیانوس هند و خلیج فارس اجرا شود و متضمن استقرار دستگاههای شنود و سودیابی در هندوستان - جیبوتی و ایران می باشد از شرف عرض پیشگاه مبارک ذات اقدس شهریاری می گذرد تا در صورتی که استدعای نخست وزیر جیبوتی مبنی بر بازدید از ایران مورد تصویب

قرار گیرد در این مورد اقدام لازم معمول گردد. منوط به اراده سنیه ملوکانه است.

سازمان اطلاعات و امنیت کشور

اسناد موجود نشان می دهد که اسرائیلی ها از نفوذ و ارتباط ایران با جیبوتی، در مسیر استراتژی پیرامونی بهره برداری می کردند. بر این اساس مقامات رژیم صهیونیستی در

شرایط مقتضی، با ارایه اخبار، اطلاعات و حاصل تحقیقات و بررسی های خود به مقامات ساواک، از موقعیت ایران به نفع اسرائیل و مطامع صهیونیسم در منطقه استفاده می کردند.

ساواک نیز در این باره از هیچ خوش خدمتی به صهیونیست ها کوتاهی و خودداری نمی کرد. در یکی از اسناد، به گزارش ارسالی اسرائیلی ها درباره اوضاع داخلی و روابط خارجی جیبوتی، چنین آمده است:

مدیر کل اداره دوم

موضوع: اوضاع جیبوتی

بدین وسیله اصل و ترجمه گزارش دوستان زیتون [موساد] در ده صفحه درباره اوضاع داخلی جیبوتی و روابط خارجی آن که از عرض تیمسار ریاست ساواک گذشته است و معظم له پی نوشت فرموده اند که یک نسخه به ادارات کل دوم و هفتم ارسال شود به پیوست ایفاد می گردد.

حوزه تیمسار ریاست ساواک - محیط(۱)

و اما گزارش بسیار قابل توجه و خواندنی سرویس اطلاعاتی رژیم صهیونیستی که درباره وضعیت داخلی و روابط خارجی جیبوتی، پس از استقلال این کشور، تهیه شده است:

درباره: روابط خارجی جیبوتی

۱- منبعی اظهار نظر می نماید که فرانسه به خاطر فشار کشورهای عربی مخصوصا لیبی، یمن جنوبی، سوریه، کویت و الجزایر مجبور شد جیبوتی را رها نماید. مصر به خاطر ضعف سیاسی

آشکارا با سیاست کشورهای افراطی عرب مخالفت نمی ورزد لذا جرئت نمی کند تمایل باطنی خود را مبنی بر استقلال جیبوتی اعلام دارد. عربستان سعودی سیاست روشنی را در این مورد

اتخاذ ننموده است. تنها تماس بین نخست وزیر جیبوتی و عربستان سعودی بازدید پنهانی فرستاده عربستان سعودی برای تقاضای پشتیبانی جیبوتی از علی میراه یکی از افراد قبیله آفار بوده است که علیه اتیوپی ها مبارزه کردند. عربستان سعودی آماده خواهد بود که در ازاء

حمایت از علی میراه که مسلمان بوده و مورد پشتیبانی آن دولت است به جیبوتی کمکهای مالی پیشنهاد نماید. نخست وزیر جیبوتی این پیشنهاد را رد نمود زیرا نمی خواست که با اتیوپی ها

مبارزه نماید.

۱- . سند ساواک، مورخ ۱۵/۴/۳۵[۱۳۵۵]، شماره ۳۷۷۸/۱۰۰۰پ، طبقه بندی سرّی.

۲- در مورد اتیوپی، منبع عقیده دارد که آنها میل ندارند به خاطر جیبوتی با سومالی بجنگند آنها به خود اعتماد ندارند و درگیری آنها در اریتره مانع از آن می شود که در برابر سومالی سخت

بایستند. منبع اطلاع داد که اتیوپی سرگرم تقویت ارتش خود می باشد. اتیوپی هنوز اعتقاد دارد که ایستگاه و خط راه آهن جیبوتی اهمیت حیاتی در اقتصاد آن کشور دارد.

۳- بنابر عقیده نخست وزیر جیبوتی طرفداران واقعی وی اتیوپی و ایالات متحده امریکا هستند.

اتیوپی قول داده است که ۳۰۰۰ نفر از مردان جیبوتی را آموزش دهد ولی این وعده به کندی

پیشرفت می کند. در حال حاضر یک گروه ۱۵۰ نفری را فقط به مدت ۲۰ روز تحت تعلیم قرار داده اند. نامبرده ضمنا معتقد است که یک جیبوتی مستقل به سود امریکا است. با این حال

صرف نظر از چند تماس با اعضاء سفارت امریکا، وی با ایالات متحده تماسی نداشته است.

۴- سومالی - منبع معتقد است که سومالیها احساس قدرت می کنند زیرا از پشتیبانی کامل شورویها

برخوردارند. طبق اطلاع منبع در حال حاضر ۵۰ نفر خارجی (روسی یا کوبایی) سرگرم تعلیم

نیروهای چریکی در اردوگاهی در منطقه «باراما» (BARAMA)می باشند. لیبی ها نیز در همان اردوگاه فعالیت دارند ولی فقط امور آموزشی با آنها است حال آنکه شورویها و کوبائیها امور تعلیماتی و عملی را بر عهده دارند. آنها در باراما BARAMAزندگی می کنند و صبحها وارد اردوگاه شده پس از خاتمه دروس آنجا را ترک می نمایند و هیچ گونه تماسی با کارآموزان در خارج از محیط آموزشی ندارند.

۵- منبع معتقد است که فرانسه در اثر فشار اعراب کاملاً در سیاست خود در مورد جیبوتی عقب نشینی کرده است. همانطور که می دانیم فرانسه برای کسب پشتیبانی اعراب در مورد حضور نیروهای نظامی فرانسه در جیبوتی مستقل مبادرت به انجام یک سلسله مذاکرات با کشورهای عرب نمود. این مذاکرات نتیجه معکوسی دربر داشت و منجر به خروج فرانسه از جیبوتی شد. عدم هماهنگی الجزایر و لیبی را با سومالی می توان یک ژست آشتی جویانه تلقی

کرد.

روابط جیبوتی با فرانسه

۱- فرانسه علی عارف را تحت فشار قرار داده تا استعفا دهد. این امر به عقیده فرانسویها یک راه حل موقتی برای بحث و مذاکره با تمام عوامل مربوط در جیبوتی است. تاکنون فرانسویها راه

دیگری برای این مشکل پیدا نکرده اند و گفته می شود که در درجه اول تسلیم فشارهای الجزایر و بعد لیبی شده اند.

۲- علی عارف از عقاید گولیست ها پیروی می کند و پشتیبانی در میان مقامات حزب گولیست ها دارد. دوبره یکی از دوستان وی است ضمنا از پشتیبانی شابان دلماز و کوو دومورویل برخوردار است. تمام این افراد به وی توصیه می کنند که با استعفای خود تسلیم حکومت فرانسه نشود. قرار است علی عارف به زودی در اجلاسیه گولیست ها شرکت کرده و مسئله آینده کشورش را در آنجا مطرح نماید.

۳- شیراک نخست وزیر فرانسه ترجیح می دهد تماس مشکل جیبوتی را در اختیار ریاست جمهوری قرار دهد زیرا این مسئله به صورت یک مشکل داخلی درآمده و هیچ گونه راه گریزی از آن متصور نیست. بدین ترتیب شیراک می خواهد تصمیم در مورد آینده جیبوتی را در انحصار قدرت رئیس جمهوری قلمداد نماید.

۴- مذاکرات میزگردی که قرار بود در پاریس برگزار شود موکول به بعد گردید زیرا مخالفین سرسخت علی عارف به شرطی در مذاکرات شرکت خواهند کرد که او از مقام خود استعفا دهد. علی عارف برای استعفا آمادگی ندارد و دولت فرانسه قادر نیست او را وادار به این کار نماید زیرا هنوز از پشتیبانی ۲۰ نفر از اعضاء پارلمان برخوردار است و ظاهرا تعداد مخالفین او در آینده نزدیک تغییری نخواهد کرد.

۵- گویا عارف حتی امکان اعلام یک استقلال یک جانبه را مورد بررسی قرار داد ولی از این کار منصرف شد زیرا با تمام این احوال او اصولاً یک طرفدار فرانسه است اگر چه اختلافاتی با

دولت فعلی فرانسه دارد ولی شکی نیست که وی احساساتی موافق با فرانسه دارد.

۶- جانب دیگر این مشکل مسئله اتیوپی است اظهار نظر می شود که این کشور ظرف مدت چند ماه

آینده قوی تر شده و با ثبات بیشتری قادر خواهد بود که به طور مؤثرتری در برابر سومالی

خودنمایی نماید.

۷- یکی از مشکلات اساسی که بعد از حصول استقلال عارف با آن مواجه خواهد شد ظاهر شدن عملیات خصمانه بین قبائل آفار و ایسا است و احتمال دخالت نیروهای فرانسوی در منطقه در این عملیات نیز خیلی بعید به نظر می رسد.

۸- ادامه موازنه قدرتها مطلوب است زیرا به طور کلی این امر موجب خواهد شد فرانسویها مجبور

شوند نیروهای خود را در منطقه نگاه دارند و در نتیجه جلوی دخالت نیروهای سومالی را خواهند گرفت.

اوضاع داخلی جیبوتی

منبع: با دسترسی رضایت بخش با محافل سیاسی جیبوتی

۱- پشتیبانی از عارف در میان اعضاء مجلس در این اواخر کم شده است و به همین نسبت بر پشتیبانی از مخالفین افزوده شده است به طوری که اعضاء چهل نفری به دو گروه مساوی طرفدار دولت و مخالف دولت تقسیم گردیده اند این مسئله موجب شد که در تاریخ ۲۵ مه ۱۹۷۶ علی عارف و رهبران گروه مخالف برای مشاوره به پاریس دعوت شوند و برکناری عارف از پست نخست وزیری ممکن است یکی از نتایج احتمالی این دیدار باشد.

۲- در میان اعضاء کنونی مجلس ۱۷ نفر از قبیله آفار و ۳ نفر از قبیله ایسا از عارف پشتیبانی می نمایند

حال آنکه مخالفین مرکب اند از ۱۲ نفر از قبیله ایسا ۳ نفر از قبیله آفار و ۴ نفر فرانسوی و یک نفر عرب.

(نظریه ستاد بررسی: اطلاعات ما حاکی است که طرفداران عارف یک نفر بیشتر است).

۳- مشخصات گروه سیاسی به قرار زیر است:

الف) اتحاد ملی برای استقلال (UNI) این حزب متعلق به عارف است. رهبر آن عبداله کمین

معاون مجلس است. اعضاء حزب به طور کلی از قبیله آفار ترکیب یافته این حزب با همکاری فرانسه و اتیوپی برای استقلال فعالیت می نماید و دخالت های سومالی را مردود می شناسد.

ب) اتحاد افریقایی خلق برای استقلال (LPAI) حزب مخالفی است که رهبران آن عبارتند از حسن گولت و احمد دینی کسی که عارف را رها کرد تا به مخالفین او بپیوندد. این حزب به طور کلی از افراد قبیله ایسا ترکیب یافته است و در تحت حمایت سومالی برای کسب استقلال فعالیت می نماید. حزب پول و اسلحه از سومالی دریافت می دارد و هنگام بازدید اخیر هیئت

اعزامی سازمان اتحادیه افریقایی از جیبوتی (OAU) موفق شد تظاهراتی با شرکت نزدیک به چهل هزار نفر ترتیب دهد.

پ) حزب تقریبا کوچکی نیز از جوانان افراطی آفار تشکیل شده است که تمایلات چپی دارند و رهبری آن با حسن دالج است که شخصی است باهوش و زیرک.

۴- به نظر می رسد در صورتی که عارف مجبور به استعفا شود عبداله کمین جای او را خواهد گرفت

سایر نامزدهای احتمالی برای نخست وزیری عبارتند از برکت گوراد از حزب اتحاد خلق افریقا برای استقلال (LPAI) و احمد یوسف از حزب اتحاد ملی برای استقلال (UNI).

۵- در تمـام ایـن قلمرو به طـور کلی آفارهـا اکـثریت دارنـد ولی در شـهر ایسـا برتری دارنـد. بسـیاری از افراد در میـان ایسـاها شناسـنامه ندارنـد و در نتیجه قانونا نمی تواننـد رأی بدهنـد از طرف دیگر آفارها چادرنشـین هسـتند و بسـیاری از آنها با اینکه کارت شناسایی جیبوتی را با خود دارند در «اوگادن» زندگی می کنند.(۱)

۱- . گزارش سـرویس اطلاعـاتی اسـرائیل دربـاره اوضـاع داخلی و روابـط خارجی جیبوتی، مورخ ۷ و ۸ ژوئن ۱۹۷۶، شماره ۱۶۳۱، پیوست همان سند.

سومالی

سومـالی از دیگر کشورهای آفریقایی است که به دلیل موقعیت خاص استراتژیکی در کنار دریای احمر، در استراتژی پیرامونی اسرائیل جایگاه ویژه ای داشته است.

سومالی در شـمال آفریقا، همه ساحل آفریقایی خلیج عدن و پهنه ای را در کنار اقیانوس هند فرا گرفته است. از غرب به کنیا و اتیوپی، از شـمال غربی به جیبوتی، شـمال به خلیج عدن و شـرق به اقیانوس هند محدود و شـهر معروف موگادیشو پایتخت آن است.

بـا سـقوط امپراتوری هـایله سلاسـی و روی کـار آمـدن دولت چپ گرای هـایله ماریام، سومالی با این کشور در حال جنگ و درگیری بود. در این دوران، آمریکا و کشورهای تابع و همسو با ایالات متحده، مثل ایران و عربستان از دولت سومالی حمایت می کردند. دولت سومالی نیز

علی رغم همگرایی با آمریکا و همپیمانان ایالات متحده، نوعی مشی ضد اسرائیلی را دنبال

می کرد. اسـرائیلی هـا نیز برای از دست نـدادن نفوذ، پایگـاه هـا و موقعیت خود در اتیوپی، در این درگیری هـا، به شـدت علیه سومالی و به نفع اتیوپی موضع گیری می کردند. رژیم صهیونیستی

در آن دوران برای فروپاشـی حکومت داخلی سومالی از هیچ تلاش و کوششی فروگذار نمی کرد. این در حالی بود که موساد بسـیاری از طرح ها و برنامه ها و حتی مقاصـد خود را در این زمینه با دوست و همپیمان خود، یعنی ساواک و ایران شاهنشاهی که به اصـطلاح حـامی سومـالی بود، درمیـان می گـذاشت. سـاواک و موسـاد درباره اوضاع سومالی با هم مبادله اطلاعات می کردند. مع الوصف از سوی حکومت پهلوی و ساواک هیچ گونه مخالفتی با موضع و سیاست اسرائیلی ها در خصوص سومالی ابراز نمی شد. تحلیل گران و آگاهان سیاسی اسرار این مشی دوگانه ایران را ناشی از حضور و نفوذ همه جانبه اسرائیلی ها در

دستگاه حاکمه شاهنشاهی ایران ارزیابی می کردند.

رژیم صهیونیستی نه فقط اقدامات و عملیات خرابکاری علیه سومالی را به طور مستقیم طراحی و هدایت می کرد بلکه ساواک را نسبت به تصمیم و برنامه خود آگاه می ساخت. کیمخی معاون موساد در یکی از مذاکرات خود با رئیس ساواک به طور صریح، به پایگاه های اسرائیل در داخل اتیوپی و کنیا اشاره می کند. این پایگاه ها به منظور انجام عملیات سرّی

چریکی علیه دولت مرکزی سومالی از سوی موساد ایجاد شده بودند. اسرائیلی ها، همچنین از طریق عوامل خود در داخل سومالی نوعی عملیات روانی علیه دولت مرکزی آن کشور را طراحی، سازماندهی و هدایت می کردند:

کیمخی: ما در صدد هستیم مستقیما بر علیه سومالی وارد عمل بشویم. دو هفته دیگر آموزش در مورد گروههای خرابکاری در سومالی را شروع خواهیم کرد. رهبران و فرماندهان را در اسرائیل آموزش می دهیم و سربازان را در اتیوپی آموزش خواهیم داد. دو هفته قبل از اتیوپی

دیدن کردم و با رهبر نظامی آنجا ملاقات نمودم. او کاملاً به خطرات ناشی از طریق سومالی که از ناحیه روسها است آگاهی دارد و موافقت کرده پایگاههایی در داخل مملکت آنها بر علیه

سومالی ایجاد کنیم. از کنیا هم دیدن کردم. آنها هم آماده بودند که پایگاههایی به ما بدهند.

ما می خواهیم پایگاهی را نزدیک سومالی مستقر کنیم که بتوانند عمل کنند. هدف ما انجام یک

سری عملیات چریکی برای ضعف دولت مرکزی است. در ضمن در شمال شرقی کنیا نیز به همین منظور و هدف پایگاهی ایجاد خواهیم کرد و از جنوب سومالی عملیات را شروع خواهیم

نمود. از لحاظ اطلاعاتی از مسائل داخل سومالی استفاده خواهیم کرد.

تعداد زیادی بروشور آماده کرده ایم که به داخل سومالی نفوذ خواهیم داد و می خواهیم جنگهای روانی را شروع کنیم. در غیر این صورت ما شدیدا به خطر خواهیم افتاد.(۱)

کمیخی از رئیس ساواک می خواهد تا از نفوذ و روابط ایران با کنیا به نفع موساد بهره برداری شود و حتی رژیم پهلوی، با اسرائیل در عملیات و اقدامات خرابکارانه علیه

دولت مرکزی سومالی همکاری کند.

کیمخی: پیشنهاد می کنیم شما هم هیئتی را به کنیا بفرستید تا نحوه عمل بر علیه سومالی را مورد

۱- . گزارش ســاواک، متــن مــذاکرات تیمســار ریــاست ســاواک بــا کیمخی معــاون جدیــد ســرویس اســرائیل، مــورخ ۱۹/۸/۲۵۳۵[۱۳۵۵].

بررسی قرار دهند [...].

تیمسار ریاست ساواک: در مورد مسئله سومالی، ما هم از اتیوپی راضی نیستیم چون رژیم ثابتی ندارد ولی کنیا یک کشور نیرومند و طرفدار غرب است که می داند چه می خواهد و دنبال چیست. ما مایلیم که با کنیا همکاری داشته باشیم.

کیمخی: دولت کنیا مایل است یکی از رهبران طراز اول خود را به نام آقای اوجون جوکه ظاهرا دادستان کل کنیا است ولی در باطن قویترین مرد آن کشور بعد از رئیس جمهوری می باشد به

همراهی بروس مکنزی برای تقدیم پیامی از طرف جومو کنیاتا به حضور اعلیحضرت همایون شاهنشاه آریامهر اعزام دارد و ضمنا نامبردگان با مقامات ساواک نیز ملاقات کنند. و در مورد مسائل شرق افریقا و اقیانوس هند با شما همکاری نمایند.

ما خوشحال می شویم اگر شما با ما در کنیا بر علیه سومالی همکاری کنید. مسئله کمک اقتصادی

نیست. در صورتی که موافقت می فرمایید اجازه بدهید ترتیب مسافرت غیررسمی این اشخاص را به تهران بدهیم.(۱)

ساواک، علی رغم روابط خوب سیاسی بین ایران و سومالی، مطابق خواست و نظر طرف اسرائیلی، اقدام می کرد. این سرویس اطلاعاتی، با استفاده از روابط مورد اشاره، اخبار و اطلاعات محرمانه را از داخل سومالی جمع آوری می کرد و در اختیار کشورهای دوست، قرار می داد و به علاوه طبق پیمان قبلی، نسخه ای از این گزارش های اطلاعاتی را برای موساد ارسال می کرد:

در اجرای اوامر صادره قبلی از طرف تیمسار ریاست ساواک در تاریخ ۹/۱۱/۲۵۳۴ [۱۳۵۴] گزارش فرستادگان ساواک به کشور سومالی در اختیار سرویسهای آمریکا و همچنین انگلستان - مصر- سعودی و فرانسه قرار داده شد.

در اجرای اوامر صادره که طی شماره فوق ابلاغ گردید یک نسخه از آن گزارش به سرویس اسرائیل ارسال گردید.

مدیر کل اداره هفتم - کاوه(۲)

ص: ۵۴۹

۱- . گزارش ساواک، متن مذاکرات ریاست ساواک با آقای کیمخی معاون جدید سرویس اسرائیل، مورخ ۱۹/۸/۲۵۳۵[۱۳۵۵].

۲- . سند ساواک، مورخ ۲/۳/۳۵ [۱۳۵۵]؛ شماره ۷۹-۱۷/۷۲۴، طبقه بندی سرّی.

کنیا

کنیـا از کشورهـای شـرق آفریقـا، از سـمت شـرق به اقیانوس هنـد، از شـمال به اتیوپی و سودان، از غرب به اوگانـدا و دریاچه ویکتوریا و از جنوب به تانزانیا محدود و مرکز آن

نایروبی است. این کشور در ۱۲ دسامبر ۱۹۶۳ استقلال یافت و در ۱۶ دسامبر، یعنی چهار روز

بعد، در سازمان ملل پذیرفته و در سال ۱۹۶۴ جمهوری شد.

همـان طـور که اسـناد محرمـانه و اطلاعـاتی بخش اتیـوپی و سومـالی حکـایت می کردنـد، این کشـور نیز جایگـاه ممتـازی در استراتژی پیرامونی اسرائیل داشته است. صرف نظر از همه نفوذ

و حضور اسرائیلی ها در آن کشور، موساد نیز پایگاه های جاسوسی و اطلاعاتی مستقلی در آن

کشور ایجاد کرده بود. به علاوه مقامات و مأموران سـرویس اطلاعاتی رژیم صـهیونیستی از روابط سیاسی ایران با کنیا نیز سود می جسـتند. فراتر از همه اینهـا، مطـابق برنـامه موسـاد و بر مبنـای پیمـان اطلاعاتی این سـرویس با ساواک، مقامات و مسؤولان سرویس جاسوسی و اطلاعاتی رژیم پهلوی نیز موظف بودند از حضور و نفوذ خود در کنیا در مسیر مطامع اسرائیل عمل کنند. نصیری رئیس ساواک طی نامه ای به محمدرضا، در این باره نوشته است:

مفتخرا به شرف عرض پیشگاه مبارک ملوکانه می رساند

پیرو مذاکرات جان نثار با رئیس سـرویس اسـرائیل روز ۲۴/۴/۳۵ [۱۳۵۵]، در مورد کنیا اینک رابط سـرویس اسرائیل از طرف مقامات متبوعه اش اسـتدعا دارد که ساواک نماینـده ای را به مدت یک هفته به کشور مذکور اعزام نماید تا ضـمن ملاقات با ریاست جمهوری و مقامات برجسته آن کشور نوعی ارزیابی اطلاعاتی پیرامون اوضاع کنیا به عمل آورده شود.

رابط سرویس اسرائیل خاطرنشان ساخت که جومو کنیاتا رئیس جمهوری کنیا همواره از ملاقات

با سفرای کشورها در نایروبی احتراز جسته و بیشتر علاقمند است که با نمایندگان ویژه سرویسهای اطلاعاتی ملاقات و مذاکره نماید.

مراتب از شرف عرض پیشگاه مبارک ملوکانه می گذرد تا به هر نحو که اراده سنیه ملوکانه قرار گیرد عمل شود.

جان نثار- ارتشبد نصیری(۱)

صرف نظر از کشورهایی که درباره آنها بحث شد، اسرائیلی ها در دوره های مختلف، در کشورهای دیگر افریقایی، از غنا، لیبریا تا آفریقای جنوبی و... نیز حضور و نفوذ اطلاعاتی

داشته اند.

ص: ۵۵۲

۱- . سند ساواک، تیر ماه ۳۵[۱۳۵۵].

آمریکای لاتین

فزون خواهی و ماهیت توسعه طلبانه رژیم صهیونیستی موجب شده، تا مقامات سرویس اطلاعاتی موساد نه فقط جغرافیایی به پهنه آسیا تا آفریقا، بلکه حتی آمریکای لاتین را نیز در محدوده استراتژیک اسرائیل ارزیابی کنند.

مأموران سیاسی و اطلاعاتی اسرائیل، همزمان با شروع فعالیت های خود در کشورهای آسیایی و آفریقایی؛ آمریکای لاتین را نیز از یاد نبردند. فعالیت، حضور و نفوذ اسرائیلی ها در حوزه های مختلف، به ویژه در بخش نظامی و اطلاعاتی، در آمریکای لاتین، اگر چه از دهه

۱۹۵۰ شروع شد، اما در دهه ۱۹۶۰ به اوج خود رسید. به طوری که نوشته اند: اسرائیل از طریق

آموزش افسران بلندپایه دوازده کشور آمریکای لاتین، تماس های ارزشمندی برای تجارب آینده خویش پدید آورد. استفاده از منابع مالی ایالات متحده جهت آماده کردن زمینه فروش

مقادیر قابل توجهی سلاح و توسعه همکاری نظامی، روش خلاق در استفاده از این منابع بود.

طی حداقل ۱۶۰ دیدار که بین سال های ۱۹۶۴ و ۱۹۷۱ [بین مقامات طرفین]صورت گرفت، ژنرال های آمریکای لاتین راه پایگاه های نظامی اسرائیل را در پیش گرفتند. برخی از این

ژنرال ها عاقبت به ریاست دولت و کشور خود دست یافتند. آلفردو اووانـدو کاندیا از بولیوی، خیل لاـگرود گارسیا از گواتمالاـ و خواَو باتیستا فیگورید و از برزیل، همگی وقتی یونیفرم به تن داشتند، دیداری از اسرائیل کرده بودند. طبیعتا نظامیان اسرائیلی با استفاده از فرصت،

سفرهای متقابلی به آمریکای لاتین انجام می دادند.(۱) روابط اسرائیلی ها در این حوزه به

۱- . کاکبورن، ص ۳۴۱.

تدریج به جایی رسید که آمریکای لاتین به بازار اصلی تسلیحات اسرائیل تبدیل شد.

جز کشورهـای مورد اشـاره، اسـرائیل از هنـدوراس، تـا نیکـاراگوا، السـالوادور، آرژانتین، کاسـتاریکا، پانامـا، کلمبیا، اکوادور، برزیـل، شـیلی، پرو و... نیز در دوره هـایی حضـور و نفوذ اطلاعـاتی داشـته و یـا دارد. روابـط رژیم صـهیونیستی بـا بسـیاری از کشورهای آمریکای لاتین

محدود به حوزه های نظامی و اطلاعاتی نبوده، بلکه معاملات سرشار اقتصادی نیز بخشی از

این روابط را تشکیل داده است.

ضمایم

اشاره

ص: ۵۵۵

ضمیمه یک

«پروژه گل» یا بمب اتم

در این گزارش، رئیس ساواک، اظهارات لوبرانی رئیس نمایندگی (سفیر) اسرائیل در ایران را به محمدرضا پهلوی اطلاع داده است.

لوبرانی در این ملاقات با اشاره به تماس های پنهانی اسرائیل با ملک حسین پادشاه اردن،

ضرورت تلاش برای بقای سلطنت ملک حسین، همکاری اقتصادی ایران و اسرائیل تحت نمایندگی ساواک، طرح همکاری برای تولید هواپیمای خاص و پیشنهاد تولید سلاح های اسرائیلی در ایران را ارایه می دهد. او با اشاره به حضور یهودیان سازمان ناسا در اسرائیل،

آمادگی رژیم صهیونیستی را برای همکاری های اتمی با ایران، اعلام می کند؛ دانشجویان ایرانی برای فراگیری فیزیک هسته ای به جای اروپا و آمریکا به اسرائیل اعزام شوند.

لوبرانی همچنین تأکید می کند که در صورت ابراز تمایل از سوی ایران، اسرائیل برای این کشور سلاح اتمی تولید کند و ایران را به سلاح های هسته ای و اتمی مجهز کند:

گزارش

به شرف عرض پیشگاه مبارک ملوکانه می رساند

پیرو مذاکرات با آقای اسحق رابین نخست وزیر اسرائیل و عریضه ای که از طرف نامبرده در مورد پیشنهاد ریاست جمهوری مصر برای مذاکره جداگانه با اسرائیل به پیشگاه ذات اقدس شهریاری معروض گردید اوامر مجدد ملوکانه به شرح زیر:

«همانطوری که قبلاً گفته شد مصر بدون نظر سوریه و سایر کشورهای عربی از طریق آمریکا یا سازمان ملل حاضر به مذاکره در مورد اعاده قسمتی از سینا شده است. شاهنشاه مجددا تأکید

ص: ۵۵۷

فرمودند که از این موقعیت باید استفاده گردد به نحوی که پای شوروی مجددا در مصر باز نشود.»

به آقای لوبرانی رئیس نمایندگی اسرائیل در ایران (در جلسه ای با حضور نماینده سرویس اطلاعاتی اسرائیل) ابلاغ گردید که به نخست وزیر کشور متبوعه اش اعلام نماید. آقای لوبرانی در پاسخ مطالبی به شرح زیر اظهار داشت که از شرف عرض پیشگاه مبارک ملوکانه می گذرد (آقای لوبرانی اظهار داشت که این مطالب بعد از مذاکرات خصوصی نامبرده با نخست وزیر اسرائیل ابراز می گردد):

۱- دولت اسرائیل تحت هر گونه شرایط آماده مذاکره با مصر می باشد.

۲- هر فرمولی که به منظور حل و فصل مشکل فلسطین ارائه شود در صورت تحقق به کار ملک حسین خاتمه خواهد داد و اصولاً از نظر سیاسی و اقتصادی ایجاد هر گونه دولت فلسطینی بدون تعرض به حاکمیت اردن امکان پذیر نخواهد بود.

۳- در حال حاضر ملک حسین و طرفداران او منحصرا یک اقلیت را در کشور اردن تشکیل می دهند و معلوم نیست با تشکیل دولت فلسطین وضع او به کجا منجر شد.

۴- کلیه اقدامات ملک حسین قبلاً در جریان تماسهای دائمی که با ما دارد هماهنگ می شود.

۵- با توجه به اینکه ما استنباط کرده ایم شاهنشاه ایران هرگز منافع ملک حسین را فراموش نخواهند

فرمود باید بگوییم هر گاه ایران پشتیبان تشکیل دولت فلسطین باشد این در حکم کنار گذاردن

ملک حسین خواهد بود.

۶- همانطور که استحضار دارید در حال حاضر اکثریت مردم فلسطین در قلمرو اسرائیل زندگی می کنند و از این رو در کنترل ما هستند ما بیش از هر کشور عرب در قلمرو خودمان فلسطینی

داریم.

۷- کلیه اقدامات اسرائیل در ساحل غربی رود اردن به منظور بقای سلطنت ملک حسین انجام گردیده

است. ما به دوام رژیم ملک حسین کمال علاقه را داریم.

۸- به نظر من همکاری ایران و اسرائیل در زمینه های اقتصادی می تواند پیرامون مسائل مربوط به کشاورزی - پتروشیمی - مالی و تسلیحاتی جامه عمل بپوشد.

۹- اعزام گروه اقتصادی اسرائیل به ایران بعد از تعیین تاریخ بازدید این گروه و نیز تعیین گروه متقابل ایرانی از طریق تیمسار ارتشبد نصیری (که به فرمان شاهنشاه آریامهر مسئولیت این امر را به عهده

دارند) امکان پذیر خواهد بود.

۱- پیشنهاد می کنم که از طرف ساواک یک نفر رابط و مسئول امور اداری در هیئت مدیره همکاری

اقتصادی دو کشور گنجانیده شود تا هماهنگیهای لازم را با ساواک که مسئول اجرای این طرح

است انجام دهد.

۱۱- زمینه های همکاری دو کشور دقیقا به وسیله گروههای اقتصادی دو طرف تعیین خواهد گردید.

۱۲- اگر ما مشخصات هواپیمای بخصوصی را که در اسرائیل تولید می کنیم در اختیار شما گذاشته ایم

منظور فروش این نوع هواپیما به ایران مطرح نیست. منظور اینست که اگر شما هم برای نیازمندیهای خودتان به این نوع هواپیما احتیاج داشته باشید می توانیم در تولید آن با شما هر نوع همکاری لازم را به عمل آوریم.

۱۳- ما به خوبی می دانیم که شما به لحاظ محظورات سیاسی نمی توانید از ما هواپیما- موشک یا

تانک بخرید اما اگر بخواهید در داخل ایران این قبیل سلاحها را تولید کنید ما با تکنیک پیشرفته خود به شما کلیه کمکهای لازم را خواهیم کرد. اکنون در اسرائیل یهودیانی هستند که مستقیما از سازمان «ناسا» به اسرائیل آمده و به استخدام دولت درآمده اند.

۱۴- ما آماده همکاری اتمی در هر زمینه ای با ایران هستیم. چندی پیش نخست وزیر ایران مرا (آقای لوبرانی را) احضار کردند و درخواست همکاری در زمینه های اتمی را نمودند. من بعد از کسب اجازه از دولت متبوعه ام با شخصی به نام آقای دکتر اعتماد که نخست وزیر ایران تعیین کرده بودند ملاقات کردم و قول همه نوع مساعدت را دادم اما دیگر خبری نشد. شما برای ایجاد

کارخانه های برق اتمی و سوخت اورانیوم این کارخانه ها منحصرا متکی به کشورهای غربی هستید. ما در این زمینه تجربه عملی داریم و این تجربه را در اختیار شما قرار می دهیم.

۱۵- دانشجویانی که ایران برای فرا گرفتن فیزیک هسته ای به اروپا و امریکا می فرستد بعد از پایان تحصیل به صورت عناصر چپ افراطی به ایران مراجعت می کنند اما اگر ایران دانشجو به اسرائیل بفرستد ما قول می دهیم که از همه نظر مراقبتهای لازم را در مورد این دانشجویان

معمول داریم تا انحرافات سیاسی پیدا نکنند.

۱۶- حتی اگر ایران بخواهد ما می توانیم سلاح اتمی هم برای شما تولید کنیم. جدا کردن اورانیوم ۲۳۵ از ۲۳۸ برای تولید سلاح هسته ای کار بسیار ساده ای در اسرائیل محسوب می شود. چون

ساختن سلاحهای اتمی از این مرحله به بعد (یعنی جدا کردن اورانیوم ۲۳۵ از ۲۳۸) کار مهمی

نخواهد بود.(۱)

در خاتمه به شرف عرض پیشگاه مبارک ذات اقدس شهریاری می رساند که برابر اطلاع واصله از رابط سرویس اطلاعاتی اسرائیل در ایران، از طرف نخست وزیر اسرائیل، ژنرال ضمیر [زامیر] رئیس سابق سرویس اطلاعاتی اسرائیل به عنوان سرپرست طرح های مربوط به همکاری در زمینه های اقتصادی و نظامی با ایران تعیین و معرفی گردیده است.

مراتب از شرف عرض پیشگاه مبارک ملوکانه می گذرد.

از شرف عرض شاهنشاه آریامهر گذشت فرمودند من فعلاً در مورد مصر صحبت کردم که قبل از آمدن بروژنیت به قاهره مرحله جداسازی مورد نظر اجرا شود.

سازمان اطلاعات و امنیت کشور(۲)

ص: ۵۶۰

۱- . آن گونه که منابع غربی نوشته اند؛ در بهار سال ۱۹۷۷م/ ۱۳۵۶ش، شیمون پرز که در آن هنگام وزیر دفاع اسرائیل بود، توافقنامه ای را امضا کرد که در زمینه همکاری ایران با برنامه موشک بالستیک اتمی اسرائیل، موسوم به پروژه گل بود. ایران هزینه این همکاری را به صورت یک میلیارد دلار نفت خام می پرداخت و یک فرودگاه و سایت پرتاپ برای آزمایش دوربُرد موشکی و همچنین محلی برای سوار کردن موشک در اختیار اسرائیل می گذاشت. شاه ایران امید داشت که در مقابل این بخشش از ثمرات پیشرفت و توسعه تسلیحاتی اسرائیل برخوردار شود. هنگامی که انقلاب ایران پروژه گل و سایر اجزای جهانی را که [یعقوب]نیمرودی را میلیونر کرده بود درهم شکست و از بین برد، وی از این شکایت می کرد که ۶ میلیون دلار از کف داده است: کاکبورن، ص ۱۷۱.

۲- . سند ساواک، بدون شماره و تاریخ؛ این سند مربوط به دوران نخست وزیری اسحاق رابین در اسرائیل ژوئیه ۱۹۷۴م/ ۱۳۵۳ش، تا ژوئیه ۱۹۷۷م/ ۱۳۵۶ است.

ضمیمه دو

نهضت اسلامی مردم ایران

این سند متن گفت وگوی مقدم رئیس ساواک با هوفی (خوفی) رئیس موساد در تاریخ ششم آبان ۱۳۵۷ است.

در این گفت وگو، با اشاره به دوستی نزدیک ایران پهلوی و رژیم صهیونیستی، مقدم رئیس ساواک به نقش بسیار مهم موساد در آموزش مأموران ساواک تصریح و طرح استخدام مأموران بازنشسته موساد از سوی ساواک را به ژنرال هوفی پیشنهاد می کند. در این مذاکرات،

رئیس موساد از همتای ایرانی خود درباره حوادث مربوط به انقلاب اسلامی و قیام مردم مسلمان ایران سؤال کرده، نگرانی رژیم صهیونیستی را درباره رویدادهای داخلی ایران اعلام

می کند؛ اما رئیس ساواک از ارایه پاسخ صریح و روشن طفره می رود و پس از اشاره به خطر

شوروی، قیام مردم ایران را یک حرکت کمونیستی مورد حمایت شوروی قلمداد می کند.

در ادامه گفت وگو، طرف اسرائیلی از به خطر افتادن جان ۱۲۰۰ مأمور اسرائیلی در ایران اظهار نگرانی کرده و از ساواک درخواست کمک می کند. رئیس ساواک ضمن پاسخ مثبت به همتای اسرائیلی، مدعی می شود که خطری برای اسرائیلی ها در ایران وجود ندارد (!) اما

رئیس موساد مجددا با رد ادعای مقدم، به گونه ای دیگر نظر و موضع خود را تکرار می کند.

نکته قابل توجه دیگر در این مذاکره، اشاره رئیس موساد به دیدگاه آمریکایی ها درباره قیام ملت مسلمان ایران است. ژنرال هوفی ادعا می کند که طی تماسی با رئیس سیا، درباره رویدادهای داخلی ایران ابراز نگرانی کرده؛ لیکن مقامات سازمان سیا در پاسخ گفته اند که مسأله ای بسیار کوچک است و جای هیچ نگرانی نیست. در خاتمه این گفت وگو، رئیس

ص: ۵۶۱

موساد مجسمه ای را به همتای ایرانی خود هدیه می کند:

متن مذاکرات تیمسار ریاست ساواک با ژنرال خوفی رئیس اطلاعاتی اسرائیل (تهران ششم آبان ماه ۱۳۵۷- شعبان)

تعارفات...

تیمسار ریاست: همه شما بهترین شخصیت های نظامی و سیاسی هستید. این تعریف از آن شما نیست. دوستان زیادی این حرف را به ما گفته اند.

ژنرال خوفی: از محبت های تیمسار متشکرم.

تیمسار ریاست: از فرصت استفاده کرده از افرادی که سرویس شما اینجا می فرستد تشکر می کنم واقعا کلیه دوستانی که اینجا فرستاده اید همه شان با ما همکاری صمیمانه داشته اند.

ژنرال خوفی: بلی ما سعی می کنیم افرادی که نمایندگیها را به عهده می گیرند افراد مناسب و واجد شرایط باشند و در انتخاب آنها کوشش فراوان می نماییم. کشور شما نزدیکترین کشور

[به]ما است و این امر را همیشه در نظر داریم.

تیمسار ریاست: از همکاری و دوستی شما نهایت متشکریم و این محبت شما است که بهترین افراد را برای ما برمی گزینید.

ژنرال خوفی: فکر می کنم افرادی که شما به کشور ما می فرستید بهترین افراد باشند و اینها با ما همیشه همکاری نزدیک و صمیمانه داشته و دارند.

تیمسار ریاست: گزارش دادند که تسهیلاتی برای آن شخص فراهم کرده اید. من نهایت تشکر را از اینکه از لحاظ آموزشی ما را توجیه می کنید دارم. و از آنجایی که آشنایی کافی به منطقه دارید ما را در جریان امر قرار می دهید.

ژنرال خوفی: ما به آموزش توجه فراوان داریم.

تیمسار ریاست: گر تاریخچه ساواک بررسی شود ملاحظه می کنیم دوستان ما نقش بسیار مهمی در بوجود آوردن افراد ورزیده و ماهر در ساواک داشته[اند]بدین جهت مجددا از سرویس شما تشکر می کنم.

ژنرال خوفی: متشکرم. بلی ما توجه خاصی به واحد آموزشی داریم. این واحد را توسعه داده ایم ما سعی می کنیم افرادی تدریس بکنند که در صحنه عمل بوده اند. این واحد تحت نظر خود من

می باشد.

تیمسار ریاست: ضمن تشکر آیا امکان این است که بعضی از افراد شما که متخصصین فنی هستند و بازنشسته شده اند ما بتوانیم آنها را استخدام کنیم. یعنی اینجا بیایند و ما از تدریس آنها استفاده نماییم.

ژنرال خوفی: فکر می کنم لازم نباشد از میان افراد بازنشسته استفاده بکنیم. زیرا وقتی آنها سرویس را ترک کرده و بازنشسته می شوند به کلی دور از هر گونه فعالیت اطلاعاتی بوده و

اطلاعاتشان در واقع کهنه می شود. اگر تیمسار فکر می کنند به افرادی نیازمندند ما می توانیم

برای مدت معینی اشخاصی که در حال خدمت در سرویس هستند به اینجا بفرستیم.

تیمسار ریاست: ممکن است در حال حاضر بعضی از کارمندان شما که کار آزاد گرفته اند بخواهند در قسمت فنی مشغول به کار بشوند خیلی خوشحال می شویم که اینجا بیایند و به ما از لحاظ فنی کمک کنند.

ژنرال خوفی: چند نوع فنی.

تیمسار ریاست: همه نوع فنی اعم از الکترونیک و غیره.

از این نوع کمک های فنی به طور مشترک هم ما و هم ارتش نیازمندیم افراد شما تخصص بیشتری دارند و می توان بهره برداری بیشتری در رشته های مختلف کرد. با وجود آنکه ما در حال حاضر با عراق روابط حسنه داریم این دلیل بر آن نمی شود که تلاش زیادی برای به دست آوردن اطلاعات بیشتری از آن کشور ننماییم ما سعی می کنیم به هر نحوی که شده اطلاعاتی با دستگاههای مخابراتی از عراق کسب کنیم.

ژنرال خوفی: منظور تیمسار شنود است؟

تیمسار ریاست: بلی، شنود است. شنود از تمام دستگاههای مخابراتی بین کشورها.

ژنرال خوفی: ما بایستی در این مورد با ژنرال گازیت تماس حاصل کنیم چون این به سرویس ما محول نشده است.

تیمسار ریاست: وقتی در ارتش بودم از ژنرال گازیت دعوت به عمل آوردم که اینجا آمدند بازدید کردند.

ژنرال خوفی: بلی به طوری که گفتم در این مورد (شنود) نمی توانم قول بدهم. سعی خواهیم کرد در اولین فرصت با ژنرال گازیت تماس حاصل کرده تیمسار را در جریان امر قرار دهم.

تیمسار ریاست: همانطور که گفتم ما و دوستان ما هدف و منافع مشترک داریم [هستیم] هر چقدر

تخصص کارمندان ما در کار محوله بهتر بشود بازده بیشتر خواهد بود و بیشتر خواهیم توانست از آن بهره مند شویم. روابط ما با شما دوستان خارج از آنکه در ظاهر امر است بیشتر از آن است و روابط آنقدر عمیق است که حد ندارد [...].

ژنرال خوفی: [...] ممکن است بفرمایند چه نوع کمکی مورد نیاز می باشد؟

تیمسار ریاست: در مقدمه صحبت هایم از کمکهای آموزشی سرویس شما تشکر کردم. شما دوستان در مورد آموزش به ما کمک های مؤثری کرده اید. هدف از این آموزش بهره کار است.

ما هر گونه اطلاعاتی که در مورد کشور عراق به دست آوریم در اختیار دوستان قرار خواهیم

داد.

ژنرال خوفی: هر گونه کمک که مورد نیاز باشد که بتوانیم انجام دهیم با خوشحالی انجام خواهیم داد منتها آنگونه از کمکهای آموزشی که در اختیار سرویس ما نیست من به طوری که قبلاً هم به اطلاع تیمسار رساندم با ژنرال گازیت تماس خواهم گرفت و از او خواهم خواست تا یک نفر افسر برای شما بفرستد تا شخص مذکور از نزدیک احتیاجات و نیازمندیهای شما را دقیقا بررسی کرده اقدامات لازم را انجام بدهد.

تا به حال هیچ وقت از اوضاع ایران بحثی پیش نکشیده ام. فکر می کنم از لحاظ منطقه با شما در یک قطب هستیم. الان با در نظر گرفتن وضع کنونی ایران خیلی متشکر خواهم شد چنانچه تیمسار اطلاعاتی از بروز حوادثاتی که در ایران رخ می دهد ما را در جریان قرار بدهند زیرا ما از وضع منطقه ناراحت هستیم و مایلیم بدانیم که چه اتفاقی در کشور ایران رخ می دهد. در این مورد کشورهای اروپایی مرتبا به ما مراجعت کرده از وضع ایران پرسش می کنند.

تیمسار ریاست: ژنرال واقف هستند ما مرز طولانی مشترک با شوروی ها داریم. از قدیم ها منطقه خاورمیانه هدف های استراتژیکی بزرگی برای شورویها محسوب می شده و شوروی ها برای دست یابی به آبهای گرم - دریای آزاد و اقیانوس هند از هیچ کوشش فروگذار نکرده اند در حال

حاضر هم دو هدف دارد و برای رسیدن به آنها فشارشان را افزایش داده اند. ما اطلاعات دقیقی

از ذخایر نفتی شوروی در دست نداریم و یقینا با توجه به مصرف زیاد در شوروی روزی این

ذخایر تمام خواهد شد. برای مقابله شورویها توجه خود را به ذخایر نفتی خاورمیانه کرده و بالطبع در آینده وقتی منابع نفتی اش به اتمام برسد از این منابع استفاده خواهد کرد. و جز این هم هدفی ندارد.

از طرف دیگر دست یابی به منابع دیگر خاورمیانه موجب شده که از اروپای شرقی حمایت و پشتیبانی نمایند که این باعث شده چرخ صنعتی اروپا و موتور نظامی ناتو را متوقف بکند.

هدف دیگرش اقیانوس هند است که ملاحظه می کنید نزدیکترین راه دست یابی به این منطقه شرق ایران است که آنها چه از نظر نظامی و چه از نقطه نظر سیاسی اقداماتی انجام می دهند،

اینها همه اش نمایانگر تهدید از سوی شوروی ها است. وقایع اخیر ایران گرچه به ظاهر یک نوع مسائل داخلی و مذهبی به حساب می آید ولی در حقیقت بوجود آورنده این اغتشاشات کمونیستها هستند. آنچه که امروز در مملکت ما انجام گرفته و امواج بوجود آورده یکی از تلاش کمونیستها است. در گذشته با این گونه عملیات به راحتی می توانستیم مبارزه کنیم و می کردیم

ولی این بار مشکل شده است زیرا این دفعه مذهبی ها داخل شده اند، از طرفی توسعه اینگونه

فعالیتها را می توان تغییر روش کشور ما در بوجود آوردن فضای باز سیاسی و دموکراسی نامید

که کشور ایران خواستار آن است. این مسئله آزادی کامل به کمونیستها داده و آنها از فرصتی که به دست آمده بهره برداری می کنند. در هر حال اگر ما بتوانیم کمونیستها را با [از]مذهبیون جدا کنیم به راحتی خواهیم توانست آنها را سر جایشان بنشانیم از آنجایی که اکثر مردم کشور ما طرفدار مذهب هستند [اگر] نتوانیم این دو یعنی مذهبیون و کمونیستها را از هم جدا کنیم با مشکلات بسیاری مواجه خواهیم شد. ما تلاش می کنیم این دو گروه را از هم جدا کنیم، درباره

مذهبیون بد نیست بگویم که دو دسته وجود دارد. یک دسته مخالف با کمونیست ها دسته دیگر

مذهبیون تندرو هستند که موافق با ائتلاف با کمونیست ها هستند معترفند چنانچه روزی بر سر کار بیایند یعنی در سر قدرت باشند می توانند کمونیستها را درهم شکسته نابودشان کنند ولی من غیر این را فکر می کنم. این خلاصه ای از اوضاع کشور ما.

ژنرال خوفی: ما البته نگران اوضاع هستیم. همانطور که اطلاع دارید در اینگونه مواقع همیشه خارجی ها بخصوص اسرائیلی ها مورد هدف دشمن قرار می گیرند. تیمسار اطلاع دارند که تعداد ۱۲۰۰ نفر اسرائیلی در ایران بسر می برند که قسمت اعظم آنها در تهران و معدودی هم در قسمت های دور افتاده دیگر هستند. نخست وزیر به سرویس ما دستور داده اطلاعات دقیقی از

وضع آن دسته اسرائیلیها که در ایران هستند برایشان تهیه کنیم بدین جهت آقای ناوت که قبلاً در اینجا در سمت رئیس نمایندگی بوده و آشنایی کامل به منطقه دارد و زبان فارسی هم بلد

است همراه این سفر با من آمده است. در وضع کنونی تماس گرفتن با اسرائیلیها برای ما مشکل

است آیا می توانیم در این مورد از شما کمک بخواهیم؟

تیمسار ریاست: تهدیدی متوجه اسرائیلی ها نیست. در حال حاضر تهدیدی که وجود دارد صرفا متوجه دولت است. هم کمونیست ها و هم مذهبیون تندرو فعالیتهای خود را علیه رژیم و دولت انجام می دهند و در این چند ماهه اخیر خبری که مبنی بر تهدیدی متوجه اسرائیلیها بشود نشنیده ام. به هر حال هر چه که مایل باشید و هر نوع کمکی که بخواهید انجام می دهیم.

ژنرال خوفی: خیلی متشکرم. فکر می کنم تهدید متوجه بعضی اسرائیلی ها باشد. البته این وضع این را می رساند که به این فکر بیفتیم در حال حاضر خطری به آن صورت نیست فقط یک یا دو

خانواده اسرائیلی که در نقاط دوردست زندگی می کنند ممکن است مورد تهدید واقع بشوند استدعای من از تیمسار این است که اگر در آینده خطری متوجه اسرائیلی ها بشود و مورد تهدید

واقع بشوند ما را در جریان امر بگذارید.

تیمسار ریاست: یک مسئله مهمی که برای ما مشکل ایجاد کرده به نظرم دوستان غربی ما هستند که شناسایی زیادی روی تهدید کمونیست ها در این منطقه ندارند و این یک نوع نگرانی برای ما است. قبلاً وقتی راجع به افغانستان صحبت می کردیم حرف ما را قبول نمی کردند بعد دیدیم چه حادثه ای در افغانستان روی داد.

ژنرال خوفی: دو ماه پیش به واشنگتن رفتم با سیا تماس گرفتم که وضع ایران برای ما نگران کننده است. در پاسخ گفتند که چیز کوچکی است و زیاد مهم نبوده و جای هیچ گونه نگرانی

نیست. در موقع بازگشتن درست مقارن با تغییر کابینه در ایران بود که با معاون عملیات سیا خداحافظی می کردم، گفت که در مورد اوضاع ایران الان باید کمی نگران باشیم.

تیمسار ریاست: ما فکر می کنیم دید ایالات متحده آمریکا از نظر سیاسی تصوراتی است که روی کشورشان دارند. بحث شان دموکراسی است همان فرمول دموکراسی را در کشورشان پیاده کرده اند. حال اینکه قرن ها خصوصیت خاص پیدا کرده اند با یک فرمول در یک کشور

دیگری نمی توان دموکراسی را عینا پیاده کرد.

ملت هایی نظیر ایران که قرن ها تحت سیستم های معینی جلو رفته اند بخواهند ۱۸۰ درجه برگردند مسلما انفجاری رخ خواهد داد و مشکلاتی فراهم خواهد آورد. حالت مردم ما مانند

ماشین است که با سرعت زیادی در مسیری پیش می رود می خواهد با همان سرعت برگردد مسلما در این موقع اتفاقی رخ خواهد داد. مردم این مناطق هنوز مفهوم آزادی را نمی دانند و

نظیر سایر ممالک نیستند که آزادی را قبول کرده روی آن عمل بکنند.

ژنرال خوفی: فکر کنم قوانین حقوق بشر در این مورد بی تأثیر نیست.

تیمسار ریاست: البته حقوق بشر در این گونه موارد فشاری داشته است.

ژنرال خوفی: اولاً ـ از طرف مردم کشورتـان، ثانیـا از طرف خود ما و ثالثا برای اسـتقلال دنیا امیـدواریـم این مشـکلات به زودی حل و فصل شود.

تیمسار ریاست: شما این مشکلات را از بین بردید ما مردم و منافع مردم را در نظر می گیریم. البته تهدیدی که علیه ما می شود متناسب نیست. [...]

ژنرال خوفی: در واقع باید طبق دستوری که تیمسار صادر کرده اند هدیه ای ندهم. اما این هدیه

کوچکی است که می دهم. مجسـمه اولین جاسوسـی که ما معتقدیم حضـرت موسی به مصـر فرسـتاده بود که ببیند مردم مصر چگونه افرادی هستند و خود مصر چگونه کشوری است. اینجا

کشور خوبی است. کشور عسل و شیرینی برای اینکه نشان بدهـد که کشور حاصـلخیزی نیز است با خودش یک خوشه انگور برده بود.

تیمسار ریاست: آنچه برایم ارزش دارد دیدار شما است در هر حال تشکر می کنم.

ژنرال خوفی: خیلی کوچک آوردم تا به دستورات تیمسار عمل کرده باشم.

تیمسار ریاست: همانطور که گفتم خیلی خوشحال شدم که تشریف آوردید و هدیه شما واقعا باارزش است.

ژنرال خوفی: از نظر ما امیدواریم این همکاری بیش از پیش ادامه پیدا کند هر موقعی اگر کاری

است یا هر نوع کمکی که باشد نمی دانم بتوانم انجام بدهم یا نه در هر صورت در انجام آن

کوشا خواهم بود.(۱)

۱- . سـند سـاواک، متن مـذاکرات تیمسـار ریـاست ساواک مقـدم با ژنرال خوفی (هوفی) رئیس سـرویس اطلاعاتی اسـرائیل، تهران، ششم آبان ۱۳۵۷.

ضمیمه سه

مواضع مشترک شاه ایران و اسرائیل

این سند، متن گفت وگوی ایگال آلون وزیر امور خارجه اسرائیل با نصیری رئیس ساواک

در تاریخ ۱۱/۱۰/۱۳۵۴ است.

در این گفت وگو، ایگال آلون، محور مذاکرات خود با محمدرضا پهلوی را برای رئیس ساواک بازگو می کند.

نخست وزیر اسرائیل با اشاره به نگرانی های مشترک شاه ایران و اسرائیل درباره مسایل منطقه، از جمله درگیری احتمالی هند و پاکستان، مسأله حزب بعث، سوریه و نیز توسعه نفوذ

شوروی، یادآور شده که چگونه به محمدرضا پهلوی توصیه کرده تا برای ارایه گزارش درباره دیدگاه های مشترک دوستان آمریکا (شاه و اسرائیل)، به ایالات متحده سفر کند.

ایگال آلون اعلام استقلال بحرین را گشاده دستی شاه ایران قلمداد کرده و محمدرضا را برای این اقدام و نیز به دلیل دخالت در مسأله ظفار (عمان) مورد تحسین قرار داده است.

وزیر امور خارجه اسرائیل با اشاره به همکاری های دوجانبه ایران و اسرائیل در زمینه اقتصادی، فنی، انرژی اتمی و نفت، یادآور شده که از محمدرضا شاه، اعطای یک سری امتیازات سیاسی را برای نمایندگان رژیم صهیونیستی مستقر در تهران تقاضا کرده است:

ملاقات دوجانبه تیمسار ریاست ساواک با ایگال آلون وزیر امور خارجه اسرائیل

درباره: گفت وگوی نخست وزیر اسرائیل با محمدرضا شاه

اعلیحضرت به نکاتی اشاره فرمودند که باعث نگرانی خاطرشان بود.

آتیه پاکستان: فرمودند اگر هند[،] پاکستان را به هم بزنند و تجزیه کند روسها را به اقیانوس هند

ص: ۵۶۹

نزدیک خواهد کرد. در این مورد با نظر شاهنشاه موافق هستیم اگر چه پاکستان با ما خیلی دوست نیست.

ایشان در مورد احزاب بعث نگران هستند. در این زمینه ما شدیدا با هم توافق داشتیم. خیلی خوشحال شدم دیدم که شاهنشاه تصویرهای فریبنده در مورد سوریه پیدا نکرده اند. و هر سه

مقام با من موافقت کردند که فکر سوریه بزرگ وجود دارد و این فکر مغایر با منافع ایران و اسرائیل است.

شخصیتهایی که با آنها ملاقات کردم بخصوص اعلیحضرت و نخست وزیر در مورد ضعف غرب در قبال توسعه نفوذ شوروی اظهار نگرانی می کردند و در مورد خطراتی که از این ناحیه

متوجه ما می شود کاملاً توافق داشتیم. و به این نتیجه رسیدیم که باید به امریکایی ها دلگرمی بدهیم که خودشان را از این حالت غیرمطلوب بیرون بکشند. من پیشنهاد کردم اعلیحضرت بعد

از انتخابات امریکا بلافاصله به امریکا بروند و اینها بدانند که دوستان واقعی امریکا در منطقه راجع به امریکا چطور فکر می کنند.

و همچنین توافق کردیم که آقای کیسینجر وضع را می فهمد ولی کنگره از او حمایت نمی کند و باید تلاش بیشتری بشود تا افکار عمومی امریکا و کنگره دست به دست هم بدهند تا امریکا

نقش فعالتری را در جهان بازی کند.

اعلیحضرت نگرانی خودشان را بیان کردند و فرمودند که در نتیجه کاهش فروش نفت درآمد ایران ۴ تا ۵ میلیارد دلار کم می شود. چون شرکتهای بین المللی نفتی از ایران نفت کمتری می خرند و این ممکن است در سیاست ایران به دلیل کمبود پول در ماوراء خلیج فارس اثر بگذارد.

من شاهنشاه را به خاطر گرفتن جزایر در گلوگاه و دخالت در عمان و گشاده دستی بحرین تحسین کردم.

ایشان فرمودند آنچه من کردم به خاطر سیاست داخلی ما بود (این قسمت را داخل ایران می دانستند) و ایران این نقش مهم را می تواند در اقیانوس هند، در افریقا و در هند بازی کند.

به پاکستان کمک می کنیم سرپا باقی بماند ولی اگر شرکتهای نفتی غربی ترجیح بدهند از دیگر

جاها نفت بخرند ما از منافع نفتی خود محروم خواهیم بود و اگر قرار باشد بین عمران و آبادی مملکت و رفاه مردم ایران از یک طرف و دخالت در اطراف تصمیم بگیریم رفاه مردم ایران را

ترجیح خواهیم داد و پولی در جاهای دیگر خرج نخواهیم کرد.

در مورد همکاریهای دوجانبه چند پیشنهاد داشتم که مطرح کردم.

۱- ما باید به همکاریهای اقتصادی - کشاورزی - انرژی اتمی و مسائل مربوط به دانشگاهها و شاید مسائل تکنولوژی و دیگر همکاریهایمان سازمان مرتبی بدهیم. فکر می کنم بهتر است اول یک

هیئت در سطح پایین تشکیل شود و راههای همکاری را پیشنهاد کند اگر این کمیته احتیاج به

کمیته بالاتری داشت آن وقت در سطح بالا یک کمیته تشکیل شود شاید لازم باشد دو وزیر خارجه هیئتهایی را تعیین کنند.

اعلیحضرت در مورد تشکیل این کمیته موافقت فرمودند. همچنین آقای هویدا و آقای وزیر

خارجه. به نظر من اعلیحضرت فوق العاده علاقمند به همکاری تکنیکی بودند و فرمودند هر

کاری که به نفع مملکتشان باشد انجام خواهند داد. در مورد طرح مشترک خط لوله از ایلات به مدیترانه عرض کردم که این کمپانی سال قبل ضرر کرده است و باید دو کشور کاری کنند که

ضرر این کمپانی جبران شود. اول اینکه بانک آلمانی به او وام بدهد و ایران و اسرائیل ضامن این کمپانی شوند. دوم اینکه برای افزایش فروش به مشتریان اروپایی اعتبار ۶ ماهه بدهیم نه سه ماهه. البته کارشناسان ما نمی دانند که من با اعلیحضرت ملاقات کرده ام ولی در چنین شرایطی

فروش نفت را به میزان قابل توجهی بالا خواهند برد و قادر به رقابت با کشورهای تولید کننده

نفت عرب خواهند بود. به عرض رساندم کشورهای عربی برای بالا بردن فروش نفت راههایی اجراء می کنند که با سیاست کلی اوپک مغایر است.

اعلیحضرت فرمودند تا آنجا که خودمان پول نقد ندهیم و فقط ضامن بشویم اشکالی ندارد. در مورد شرایط فروش نفت من می خواهم به مقررات اوپک وفادار بمانم. اگر شما فرمول و یا راهی پیدا کنید که عربها فروش نفت را مغایر با مقررات اوپک ندانند ما موافقیم.

به اعلیحضرت و وزیر خارجه گفتم وضع بچه های ما باید در تهران بهتر بشود. من مزایای کامل سیاسی نمی خواهم ولی نمی خواستم میزبانهای خود را در موقعیت بد بگذارم. من این کار را به عهده شما می گذارم شما تنها کسی هستید که من به شما می گویم در موقعیت کنونی می شود به ما هم مزیت سیاسی بدهید. به نظر من این موقع ایران را در جهان عرب تقویت می کند و به ما قدرت و توانایی می دهد که همکاریهایمان را توسعه بدهیم و این اقدام صلح را به ما نزدیک می کند.(۱)

۱- . سند ساواک، ملاقات تیمسار ریاست ساواک با ایگال آلون وزیر امور خارجه اسرائیل، ۱۱/۱۰/۱۳۵۴.

ضمیمه چهار

محمدرضا شاه؛ واسطه و میانجی اسرائیل

این سند، متن مذاکرات اسحاق رابین، نخست وزیر وقت اسرائیل با نصیری رئیس ساواک،

در تهران است.

در این مذاکره، نخست وزیر اسرائیل محور گفت وگوهای خود با محمدرضا پهلوی را

درباره اوضاع داخلی و روابط خارجی بعضی کشورهای عربی، از جمله مصر، سوریه، اردن، عربستان سعودی و نیز ماجرای گروگان های اسرائیلی در فرودگاه انتبه در اوگاندا به اطلاع

رئیس ساواک می رساند و از مواضع شاه ایران در مخالفت با تشکیل یک کشور فلسطینی ابراز

رضایت و خوشحالی می کند:

ملاقات تیمسار ریاست ساواک با آقای اسحق رابین (جمعه ۲۵/۴/۳۵[۱۳۵۵])

آقای اسحق رابین: در شرفیابی به حضور اعلیحضرت سعی نمودم تحولات سال گذشته را تشریح نمایم.

در مورد توافق با مصر به عرض رساندم:

- مصر به حالت جنگ خاتمه داد بخصوص به خاطر خودش. نفوذ شوروی در مصر و شکاف بین مصر و دنیای چپ و عرب که آن موقع سوریه بود عمیق تر شد. این توافق در چهارچوب امور جهانی یک مشکل بوجود آورد، مصر منزوی شد و بعد خوشبختانه موضوع لبنان پیش آمد و مصریها برای انتقام گرفتن از سوریه استفاده کرده از فلسطینی ها حمایت کردند.

شاهنشاه فرمودند وقتی پرزیدنت سادات اینجا بود از من خواست به عراق فشار بیاوریم که به سوریه فشار بیاورد تا از اسد انتقام بگیریم. شاهنشاه به سادات می فرمایند شما چه کسی را در

سوریه بهتر از اسد می شناسید.

موقعیت فعلی سادات اینست. او از فلسطینی ها دفاع می کند که موقعیتش را به نام رهبر جهان عرب حفظ کند.

در مورد گسترش نیروهای سوریه در لبنان به عرض رساندم شاهنشاه اندازه ارتش عراق و سوریه را چطور محاسبه می کنند؟ سوریها ۵ لشکر و عراق ۹ لشکر در اختیار دارند. از نظر

تانک سوریه تعداد بیشتری در اختیار دارد.

به شرف عرض رساندم سوریه یک لشکر را از مرز اسرائیل خارج کرده و به مرز عراق آورده است.

سوریه خودش را با فلسطینی ها روبرو می بیند و از طرف دیگر با عراق و لیبی روبرو است.

مصر باید به عواطف خودش فائق آید و از حمایت فلسطینی ها دست بردارد. سوریه در موقعیت بدی قرار گرفته است.

شاهنشاه باید از نفوذ خود استفاده کرده و سوریه و مصر را به طرف اعتدال سوق بدهند و اردن هم به اینها بپیوندد.

شاهنشاه فرمودند ملک حسین یکشنبه آینده به تهران می آید فرمودند فلسطینیها نمی توانند یک کشور داشته باشند چون دولت آنها دولت فرانکشتین خواهد بود. مشکل فلسطینی ها را باید با بستگی آنان به اردن حل نمود.

در مورد کمک به کنیا شاهنشاه فرمودند به سفیر خودشان دستور داده اند همچنین فرمودند ایشان توانسته اند سادات را قانع کنند که سوریه را تحت فشار نگذارد.

شاهنشاه فرمودند سادات تحت تأثیر مانور نظامی که در ایران بوده قرار گرفته اند بخصوص موشکهای ضدتانک و اشعه لیزر.

شاهنشاه فرمودند که کیسینجر اوایل ماه اوت از ایران بازدید خواهد کرد. به نظر شاهنشاه و به نظر من فرصتهایی برای نزدیکی اسرائیل به بعضی کشورهای عربی موجود است.

در مورد واقعه اوگاندا عرض کردم هواپیماهای هرکولس عملیات اوگاندا را انجام داده اند و پرواز اول را اصلاً نفهمیدند. در شلوغی هواپیماهای دیگر نشستند. عملیات مرحله اول که

شروع شد کسی خبر نداشت تا حمله به ساختمان گروگانها. بقیه هواپیماها ماشینهای زره پوش

پیاده کردند و منطقه را در اختیار گرفتند. در طبقه بالا چند سرباز اوگاندایی و در طبقه پایین

فلسطینی ها و گروگانها و چند سرباز بودند.

در مورد گروه ودیع حداد صحبت کردیم. فرمودند لیبی – الجزایر– سومالی در این برنامه دست داشتند.

در مورد الجزایر فرمودند سفیر الجزایر کاسترو را ملاقات کرده است. کاسترو در مسکو با چند تروریست ملاقات کرده است. فرمودند کمونیستها می خواهند از طریق الجزایر و حمایت از پولیزاریو [پولیساریو] دو بندر در منطقه به دست بیاورند و از این طریق در منطقه نفوذ کامل نمایند.

شاهنشاه سئوال فرمودند آیا روسها در پس تمام این ترورها نیستند؟

عرض کردم بله هستند.

فرمودند سعودیها زید رفاعی را دوست ندارند و می گویند فلسطینی است و فرمودند از رفتار کمونیستها سر درنمی آورند.

شاهنشاه در مورد فلسطین سه بار فرمودند دولت فرانکشتین.

در مورد توافقشان با کمپانی بل برای ساختن هلیکوپتر مطالبی فرمودند.(۱)

۱- . سند ساواک، ملاقات تیمسار ریاست ساواک با آقای اسحق رابین نخست وزیر اسرائیل، جمعه ۲۵/۴/۳۵[۱۳۵۵].

ضمیمه پنج

اعتراض موساد به قطعنامه ضدنژادپرستی و رأی ایران

ژنرال نصیری عزیز

از اینکه اطلاع حاصل کردم جنابعالی در کنفرانس سه جانبه آینده به تل آویو خواهید آمد بسیار

خوشحال شدم. از ملاقات گذشته ما تاکنون وقایع زیادی اتفاق افتاده است که منتظرم در تل آویو به عنوان میهماندار از جنابعالی پذیرایی نموده و مباحثات پرثمری را با جنابعالی داشته باشم.

من هنگامی این نامه را برای جنابعالی می نویسم که چند روزی بیش نیست که سومین کمیته مجمع

عمومی سازمان ملل متحد طرح قطعنامه ای را به تصویب رسانیده است که در آن از صهیونیزم به عنوان یک جنبش نژادپرست و تجاوزکار یاد شده است.

چنانچه این طرح به وسیله مجمع عمومی به تصویب برسد مطالعه و بررسی آن همیشه موجب تأسف خواهد بود.(۱) این قطعنامه نه تنها به منزله کاغذ باطله دیگری در سبد کاغذ باطله های تاریخ

ص: ۵۷۷

۱- . این قطعنامه در سال ۱۳۵۴ش/ ۱۹۷۵م، به شماره ۳۳۷۹ در مجمع عمومی سازمان ملل متحد به تصویب رسید و در آن، صهیونیسم با شدیدترین لحن به عنوان خطری برای صلح و امنیت جهان محکوم شد. این قطعنامه تمامی کشورها را به مقابله با ایدئولوژی نژادپرستانه و امپریالیستی دعوت نموده و تأکید کرده است که صهیونیسم شکلی از نژادپرستی و تبعیض نژادی است. لازم به یادآوری است که به دلیل نفوذ صهیونیست ها در مجامع بین المللی و قدرت های جهانی، سرانجام با توافق و تبانی آمریکا، انگلستان، اسرائیل، شوروی و دبیر کل وقت سازمان ملل متحد خاوریر پرز دکوئیار ۱۷ سال بعد، روز دوشنبه ۲۵ آذر ۱۳۷۰ش (۱۶ دسامبر ۱۹۹۱)، قطعنامه ۳۳۷۹، در مجمع عمومی سازمان ملل با ۱۱۱ رأی موافق، ۲۵ رأی مخالف و ۱۳ رأی ممتنع لغو گردید. لغو قطعنامه ۳۳۷۹ موجی از اعتراض را در جهان اسلام برانگیخت. برای کسب اطلاعات بیشتر در این باره مراجعه شود به: کتاب پژوهه صهیونیست، مؤسسه فرهنگی پژوهشی ضیاءاندیشه، چاپ اول ۱۳۷۶، مقاله قصه قوم برگزیده، نوشته محمدتقی تقی پور، صص ۳۱۲ تا ۳۱۵.

خواهد افتاد بلکه همانطور که آقای آلون وزیر امور خارجه گفت این نشانه میزان تنزل اخلاقیاتی است که جامعه جهانی امروز به سختی می تواند آن را تحمل کند.

صهیونیزم اساس معنوی و روحی جنبش آزادانه ما بوده است. طی هزاران سال یهودیها آموخته اند که چگونه به سرزمین صهیون در اورشلیم بازگردند و با دست کسانی که این حق را تکذیب نموده اند

تاکنون میلیونها نفر به دیار نیستی و مرگ روانه شده اند.

انکار نمودن صهیونیزم به منزله انکار موجودیت اسرائیل به عنوان یک کشور است زیرا بدون صهیونیزم این کشور فلسفه وجودی خود را از دست خواهد داد.

هنگامی که اطلاع حاصل کردم نماینده کشور شما به این طرح رأی مثبت داده است متأسف شدم و اطمینان دارم که جنابعالی از میزان این تأسف آگاه هستید.

این اقدام اخیر سازمان ملل متحد موجب گردید تا نگرانی شدیدی در این کشور بوجود آید و تاکنون خیلی به ندرت خشم و احساسات عمومی بدینسان برانگیخته شده بود.

من بر خود واجب دانستم که نه تنها جنابعالی را با احساس شخصی خودم در این مورد آشنا سازم

بلکه به طور کلی از رنجش معنوی ملت خودمان به هنگام مورد توجه قرار دادن این اقدام اخیر شما آگاه سازم.

به امید اینکه هر چه زودتر جنابعالی را در تل آویو ملاقات نمایم.

دوستدار- ژنرال خفی(۱)

ص: ۵۷۸

۱- . سند ساواک، مورخ ۵ آبان ۱۳۵۴. ظاهرا نامه ژنرال هوفی خوفی رئیس موساد به نصیری رئیس ساواک در همین تاریخ ارسال شده است.

ضمیمه شش

همکاری اقتصادی و فنی

این سند متن گفت و گوی زوی زامیر (ضمیر) رئیس موساد با نصیری رئیس ساواک در تهران است. در این ملاقات که احتمالاً قبل از جنگ چهارم اعراب و اسرائیل در اکتبر سال

۱۹۷۳م/ مهر ۱۳۵۲ش، صورت گرفته، رئیس موساد از نصیری درخواست می کند تا محمدرضا پهلوی برای جبران کسری بودجه رژیم صهیونیستی به آنها وام اعطا کند و یا معادل آن نفت در اختیار اسرائیل قرار دهد. طرف اسرائیلی همچنین پیشنهاد تأسیس کارخانه های کود شیمیایی در ایران و طرح فروش واحدهای بزرگ برای شیرین کردن آب دریا، به همتای ایرانی خود ارایه می کند:

در مورد همکاری اقتصادی

ژنرال ضمیر: هدف ما از همکاری اقتصادی که شاهنشاه شما را برای این منظور تعیین فرموده اند اینست که ما استراتژی مشترکی با ایران داشته باشیم - گرچه گامها ممکنست طریقی جدا داشته

باشند.

می خواهم به عرض برسانم حداکثر تلاش خود را برای دوری از جنگ به عمل می آوریم. ولی اگر به وقوع بپیوندد ما باید کمونیزم بین الملل را شکست بدهیم و هم جناح چپ افراطی جهان

عرب را. حس می کنیم که این دو جنبش را منابع کمونیستی هدایت می کنند. به وضوح واقفیم که همکاری با ایران باید به طریقی انجام گیرد که به سیاست خارجی آن لطمه ای وارد نشود. سه نوع همکاری را پیشنهاد می کنیم:

۱- گزارش مختصری را خدمتتان تقدیم می کنم که ثابت می کند اسرائیل با کسر بودجه ای مواجه

است که نمی شود با آن کاری کرد. این کسر بودجه اثر مستقیم روی موقعیت استراتژیکی اسرائیل دارد. و اسرائیل تقاضا دارد که شاهنشاه اسرائیل را یاری دهند و به صورت اعطاء وام به ما کمک نمایند. تا بدین وسیله موقعیت استراتژیکی ما در منطقه مستحکم گردد. البته منظور ما اسلحه نیست ولی ما باید جاده بسازیم سیستم پناهگاههای خودمان را بهبود بخشیم و برای

مقابله با یک جنگ احتمالی آماده شویم. ما احتیاج به نفت داریم. این کمک می توانـد از طریق نفت باشد. در شرایط کنونی این وام به هستی اسرائیل بستگی دارد.

۲- طبق اطلاع جمع آوری شده به وسیله ما پروژه هایی که می تواند برای هر دو کشور مفید باشد به شرح زیر است:

الف - تأسیس کارخانجات کود شیمیایی. مواد خام این کارخانه که در اسرائیل وجود دارد و ایران

به آن احتیاج دارد فسفات و پتاسیم است و ایران آمونیاک دارد که اسرائیل به آن احتیاج دارد. محصول این کارخانه در تمام دنیا مورد لزوم است. جزئیات را کارشناسان مورد بررسی قرار

خواهند داد.

ب - شیرین کردن آب دریا.

در حال حاضر ایران واحدهای کوچک را بدین منظور از اسرائیل خریداری می کند خوشبختانه واحد عظیمی در دست تهیه می باشد که ما به هر طریقی که شما بفرمایید چه در

مورد تحقیقات مشترک - تولید مشترک - توسعه این طرح - و یا ساختن واحدی مشابه آن برای

شما آماده می باشیم.

من در موارد دیگر صحبت نمی کنم چون شما وضع علمی اسرائیل را کاملاً می شناسید.

۳- همکاری در زمینه امور نظامی.

دشمنان ما همیشه از سلاحهای روسی استفاده می کنند- ملت ما می خواست ما برتری خودمان را در مورد سلاح ثابت کنیم و ما این کار را کرده ایم هواپیما و موشک که در مورد آنها قبلاً صحبت شده است از این نوع می باشد. امیدواریم که هرگز برای شما جنگی پیش نیاید ولی اگر

اتفاق بیافتد شما با سازوبرگ روسی مواجه خواهید شد. و ما در این مورد تجربیات زیادی

داریم. وقتی راجع به برتری صحبت می کنیم به نفع ماست که ایران قوی باشد و جلوی جنگ را

بگیرد. من در ایران خواهم ماند تا جواب مساعدی با خود به کشورم ببرم. ما در اختیار شما

هستیم در مورد هر پروژه که تصمیم بگیرید متخصصین مربوطه به تهران خواهند آمد و به تمام

ص: ۵۸۰

سؤالات شما جواب خواهند داد.

نخست وزیر ما از اطلاعات اعلیحضرت در مورد سازوبرگ نظامی در حیرت بودند و می گفتند که اعلیحضرت CEP هواپیماهای مختلف را هم می دانستند و من درمانده شده بودم و از تمام افراد مسئول خواسته است که در شرفیابی بعدی او را بیشتر توجیه کنند.

تیمسار ریاست: تنها سازوبرگ نظامی نیست معظم له در تمام موارد اطلاعات وسیع دارند بنابراین توجیه در تمام زمینه ها لازم است. در هر صورت تمام مطالب را به عرض می رسانم و نتیجه را اطلاع خواهم داد.

ژنرال ضمیر: امیدوارم که با جواب مساعد به کشورم بازگردم.(۱)

ص: ۵۸۱

۱- . سند ساواک، بدون تاریخ. ین ملاقات ظاهرا قبل از آغاز جنگ رمضان یا جنگ اکتبر سال ۱۹۷۳م/ ۱۳۵۲ش، در تهران صورت گرفته است. تأکید و اصرار رئیس موساد، نشان از نوعی نگرانی و اضطراب طرف اسرائیلی دارد.

ضمیمه هفت

گزارشی درباره موقعیت نمایندگی اسرائیل در ایران

در این گزارش، ساواک به چگونگی کنترل تلفنی کارمندان و مأموران نمایندگی رژیم صهیونیستی مستقر در تهران، با ذکر جزئیات آنها اشاره کرده است:

هدف: نمایندگی اسرائیل

الف - کنترل تلفن:

کلیه مواردی که در مورد کنترل تلفن در شش ماهه اول سال ۱۳۵۱ پیش بینی شده بود به مرحله اجرا

درآمده و نتایج حاصله به عرض رسیده و سرنخهای به دست آمده تا مرحله قابل اجرا پی گیری شده است.

ب - تهیه منابع و همکاران مناسب در هدف

آنچه در مورد منابع و همکاران در شش ماهه اول پیش بینی شده بود به مرحله اجرا درآمده و همکاری راننده سرویس در شش ماه گذشته عملی شده است این منبع در حال حاضر دوران آزمایش را می گذراند عده ای از تماسهای اعضاء نمایندگی اسرائیل مخبرین جراید و روزنامه نگاران می باشند که همکاری آنها قبلاً به وسیله اداره ۸۱۰ جلب گردیده و از طریق رهبران عملیات مربوطه در اداره ۸۱۰ توجیه شده اند تا تماسهای خود را با مقامات اسرائیلی گزارش نمایند.

محمد توکلی خبرنگار:

جلب همکاری نامبرده در طرح شش ماهه اول سال ۵۱ پیش بینی شده بود که به مرحله اجرا درآمده

است.

حسین رجبی مدیر کل وزارت آموزش و پرورش

ص: ۵۸۳

آقای حسـین رجبی مدیر کل وزارت آموزش و پرورش در صورتی که تماسی با مقامات اسرائیلی داشته باشد به عرض تیمسار مدیریت کل خواهد رسانید.

مهرانگیز آقایی پور:

نامبرده کلیمی و یکی از کارمندان نمایندگی اسرائیل است که در روابط صمیمانه ای با اعضاء وابستگی نظامی اسرائیل دارد نسبت به جمع آوری اطلاعـاتی پیرامون نامبرده از طریق شـنود و منابع اقـدام گردیـده امکان جلب همکاری وی تحت بررسـی است.

پ - پی گیری سرنخها و ادامه شناسایی اعضاء هدف:

سرنخهـای حاصـله از طریق کنترل تلفن پی گیری و نتیجه به عرض رسـیده است، اطلاعـات عملیـاتی در مورد اعضاء هـدف به مرور جمع آوری شده و شناسایی عده ای از اعضاء خارجی و ایرانی هدف

بویژه شناسایی چند افسر اطلاعاتی انجام شده.

گرجی لیوی پور و صالح چتیایات:

اقدامات پیش بینی شده مبنی بر کنترل تلفن و سانسور مکاتبات نامبردگان فوق که در شش ماهه گذشته پیش بینی شده بود به مرحله اجرا درآمده و نتایج حاصله به عرض رسیده است.

مسعود عالیخانی:

مـذاکرات و تماسـهای نـامبرده و خواهرش مینو عالیخـانی بـا اعضـاء سـرویس زیتون گزارش شـده است کنترل تلفن وی مورد موافقت قرار نگرفت.

اقداماتی که در نظر است در شش ماه آینده انجام شود:

الف - کنترل تلفن

۱- تلفن مورد استفاده اعضاء سرویس زیتون کمافی السابق تحت کنترل قرار خواهد گرفت و نتایج

حاصله به عرض خواهد رسید سرنخ های به دست آمده پی گیری شده و عملیات تا مرحله قابل اجرا ادامه خواهد یافت.

۲- نسبت به کنترل سایر تلفن های هدف اقدام خواهد شد مذاکرات مستقیما وسیله رهبر عملیات

استنتاج و مورد بهره برداری قرار خواهـد گرفت و علاوه بر بهره برداری از مـذاکرات نسبت به شـناسایی و تکمیـل بیوگرافی اعضاء هدف اعم از ایرانی و خارجی به منظور بهره برداریهای آینده اقدام خواهد شد.

۳- در شش ماه آینده علاوه بر کنترل تلفن های هدف تلفن منازل افسران اطلاعاتی طراز اول هدف

ص: ۵۸۴

به طور نوبه ای به شرح زیر تحت کنترل قرار خواهد گرفت تا نحوه وقوع فالعیت های خارجی از سرویس اداری آنها مشخص گردد.

۱- تلفن منزل حیم گور از تاریخ ۱۰/۷/۵۱ الی ۱۰/۸/۵۱

۲- تلفن منزل اسحق بارزیلای از تاریخ ۱۰/۸/۵۱ الی ۱۰/۹/۵۱

۳- تلفن منزل بارگیورا از تاریخ ۱۰/۹/۵۱ الی ۱۰/۱۰/۵۱

۴- تلفن منزل موسی ماخیل از تاریخ ۱۰/۱۰/۵۱ الی ۱۰/۱۱/۵۱

۵- تلفن منزل بارزیلای از تاریخ ۱۰/۱۱/۵۱ الی ۱۰/۱۲/۵۱

توضیح: چنانچه ضمن کنترل تلفن منازل اعضاء سرویس قرائنی به دست آمد که یکی از آنان فعالیت هایی در خارج از سرویس اداری دارد نسبت به ادامه کنترل تلفن وی و تهیه طرح مراقبتی لازم در مورد مشارالیه اقدام خواهد شد.

ب – شناسایی صندوق های پستی هدف که به عنوان آدرس واسطه مورد استفاده قرار می گیرد.

تعدادی از صندوق های پستی هدف که به عنوان آدرس واسطه مورد استفاده قرار می گیرد شناسایی شده است نسبت به شناسایی سایر صندوقهای پستی هدف از طریق منبع جدید و سایر منابع اقدام می گردد پس از حصول نتیجه مراتب به عرض خواهد رسید تا ضمن کسب دستور از سلسله مراتب عملیاتی نسبت به سانسور مکاتبات آن طی طرحی اقدام شود.

ج – تهیه منابع در هتلهایی که به نفع سرویس فعالیت دارند:

صاحبان و اداره کنندگان تعدادی از هتلهای درجه ۲ و ۳ که اغلب توریست های عرب در آنها اقامت می نمایند کلیمی می باشند که این افراد ضمن در اختیار گذاردن اطلاعاتی پیرامون

مسافرین عرب گذرنامه های آنان را به منظور عکسبرداری در اختیار سرویس قرار می دهند. از جمله هتل کینگز- هتل دیاموند- هتل زیبا- هتل کمودور و هتل سینا.

صاحبان و کارکنان تعدادی از این هتل ها شناسایی شده اند نسبت به تکمیل شناسایی و شناسایی تعدادی دیگر اقدام می گردد و جلب همکاری عوامل مناسبی مورد توجه قرار خواهد گرفت.

توضیح: هم اکنون بخش اماکن ادارات ۸۱۰ و ۸۲۰ منابعی در بعضی از این هتلها دارند که بعضا در مواقع اضطراری ادارات مذکور بهره برداریهای لازم را می نمایند لیکن چون این هتل ها وضع خاصی دارند لذا در صورت تصویب سلسله مراتب عملیاتی همکاران مربوطه در این هتل ها در اختیار این بخش قرار گرفته و نسبت به انجام خواسته های ادارات ۸۱۰ و ۸۲۰ در مواقع اضطراری از طریق این

بخش اقدام شود. مضافا به اینکه همکاران فعلی مناسب برای فعالیت مورد نظر این بخش نمی باشند و

لازم است ضمن ادامه ارتباط با آنها افراد واجد شرایط دیگری در این هتل ها در نظر گرفته شوند و به مرور ضمن کسب اطلاعاتی در مورد سایر بیگانگان بویژه کشورهای کمونیستی و اعراب به نحو

غیرمحسوس اطلاعاتی پیرامون هدفهای این دایره از آنان کسب پس از اینکه تا حدودی وفاداری و اعتماد آنان مورد تأیید قرار گرفت در صورت مقتضی درباره هدفهای خاص این بخش توجیه گردند

(در صورت موافقت سلسله مراتب عملیاتی توضیحاتی در این باره شفاها به عرض خواهد رسید).

د- گسترش و توسعه منابع در هدف:

۱- محمد یزدی راننده وابستگی نظامی اسرائیل

نامبرده مسلمان و متأهل است وی علاوه بر اینکه در وابستگی نظامی کار می کند بعضا مورد استفاده اعضاء سرویس قرار می گیرد و تا حدودی مورد اعتماد آنان است تحقیقات بیشتر پیرامون وی ادامه دارد پس از حصول نتیجه بر مبنای اخبار به دست آمده امکان جلب

همکاری وی بررسی و نتیجه به عرض خواهد رسید.

۲- مهرانگیز آقایی پور

تحقیقاتی در مورد نامبرده که کلیمی بوده و روابط صمیمانه ای با اعضاء وابستگی نظامی دارد انجام شده است. جلب همکاری وی تحت بررسی است طرح لازم در این مورد به عرض خواهد رسید.

تحقیقات به منظور نشان کردن سایر افراد واجد شرایط در هدف انجام خواهد شد افراد مناسب به منظور توسعه و گسترش منابع در هدف نشان خواهد شد.

ه - مراقبت از عملیات سرویس زیتون علیه سفارت مصر:

اطلاعات واصله از منابع فنی بهمن و بهمن ۳ و صدف حاکی بود که سرویس زیتون ضمن یک سلسله عملیات تعرضی نسبت به تهیه کروکی داخلی وابستگی نظامی و سفارت مصر اقدام نموده و قصد شناسایی و ارزیابی کارمندان سفارت مصر از جمله محمد خلیل حسابدار سفارت و احتمالاً همکار جدید او سلیمان عبدالباسط را دارند این اقدامات به وسیله دو نفر از همکاران شناخته شده آنان فرید مارودی و گرجی لیوی پور انجام می شد که هنوز هم ادامه دارد. ضمنا سرویس زیتون در نظر داشت با مساعدت نامبردگان فوق سفارت فعلی مصر را به وسیله عوامل

خود خریداری و محل مناسبی که احتمالاً متعلق به یکی دیگر از همکاران سرویس می باشد به

سفارت واگذار نماید که در صورت انجام این عمل امکان داشت سرویس زیتون در محل جدید سفارت مبادرت به عملیات فنی نموده باشد. لیکن این عملیات در حال حاضر به علت انصراف مقامات مصری از فروش سفارت انجام نشده است.

مراقبت از عملیات تعرض سرویس زیتون از طریق منابع دایره ادامه دارد و موضوع تحت پی گیری است.

و- مراقبت از عوامل شناخته شده سرویس زیتون

۱- گرجی لیوی پور

در شش ماه آینده نسبت به ادامه کنترل تلفن و سانسور نامه های نامبرده اقدام می گردد همچنین جلب همکاری یکی از کارکنان وی مورد توجه و بررسی قرار خواهد گرفت. ضمنا بر مبنای اخبار به دست آمده امکان ورود مخفی و عکسبرداری از اسناد و مدارک مشارالیه در محل کارش مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

۲- صالح چیتایات

سانسور مکاتبات و کنترل تلفن های محل کار و سکونت مشارالیه به طور نوبه ای ادامه خواهد یافت کارکنان مشارالیه شناسایی خواهند شد در صورت لزوم بهره برداری از وجود کارمندان

وی مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

۳- یعقوب نیمرودی

مشارالیه قبلاً- وابسته نظامی نمایندگی اسرائیل در ایران بود که به اسرائیل مراجعت و پس از مدتی مجددا به ایران آمده و شرکتی به نام I.C.E تأسیس نموده است نسبت به شناسایی این شرکت و کارکنان آن اقدام شده است در صورت امکان مدتی تلفن نامبرده تحت کنترل قرار خواهد گرفت تا چنانچه فعالیتهایی مشاهده شد نسبت به مراقبت از شرکت مذکور اقدام شود.

۴- شرکت مخابراتی موتورلا

طبق اطلاع یکی از افسران اطلاعاتی اسرائیل که سابقا در ساواک استاد بوده در این شرکت مشغول به کار است. اقدامات لازم به منظور شناسایی شرکت فوق و افسر اطلاعاتی مورد نظر که روبرت نام دارد انجام شده پس از حصول نتیجه مراتب به عرض خواهد رسید و بر مبنای تحقیقات انجام شده و اخبار به دست آمده زیر نظر سلسله مراتب عملیاتی اقدامات

مقتضی به عمل خواهد آمد.

ز- پست مراقبت ثابت:

اقداماتی به منظور استفاده از پست مراقبت ثابت برای کنترل ترددهای نمایندگی اسرائیل به عمل آمده و پرونده بخصوصی در این مورد تهیه شده چون اشکالاتی در این باره وجود داشت

مورد تصویب قرار نگرفت مجددا گزارشی در این خصوص به عرض خواهد رسید و امکان استفاده از پست مراقبت ثابت مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

ح - شمس الدین مفتی

در مورد شمس الدین مُفتی (امیر) که نماینده ملامصطفی می باشد و روابط مستمری با اعضاء سرویس زیتون دارد تیمسار مدیریت کل اوامری صادر فرمودند که در اجرای اوامر اقدام می گردد و تلفن نامبرده کنترل و تماسهای وی شناسایی خواهد شد تا چنانچه فعالیت هایی

خارج از حدود وظایف داشت مشخص و اقدامات مقتضی به عمل آید.(۱)

اسامی بعضی مقامات و مأموران موساد، نماینده سرویس اطلاعاتی ترکیه و

وابسته نظامی ایران در اسرائیل

۱- آقای دکتر کیمخی قائم مقام سازمان اطلاعات

۲- آقای بارئوریان معاون آقای کیمخی

۳- آقای داوید بارگیورا رئیس اداره ارتباط با سرویسهای خارجی

۴- آقای موشه شاتز معاون اداره ارتباط با سرویسهای خارجی

۵- آقای ابراهام بارزیلای رئیس اداره جمع آوری

۶- سرهنگ شموئیل دورون رابط ارتش و سازمان امنیت

۷- خانم گیلا کارمند اداره جمع آوری

۸- خانم ایزابلا کارمند اداره اطلاعات

۹- آقای روچوغلو نماینده سرویس ترکیه در اسرائیل

۱۰- سرهنگ محبی وابسته نظامی ارتش شاهنشاهی در اسرائیل

۱- . گزارش ساواک، ۱۳۵۱، طبقه بندی سرّی.

ضمیمه هشت

سفر یک گروه اطلاعاتی – نظامی از ایران به اسرائیل

در تاریخ ۲۰/۴/۴۵[۱۳۴۵] تیمسار سپهبد کمال در معیت سرتیپ طبرسی سرهنگ فرزام و سرهنگ دوم محمدی به مدت ۱۰ روز برای تشکیل کنفرانس درباره امور مربوط به اداره دوم ارتش به «تل اویو» وارد گردیدند و در این مدت طبق برنامه تنظیمی جلسات مربوطه تشکیل و بازدیدهای رسمی از

نخست وزیر که ضمنا وزیر دفاع ملی نیز می باشد (بازدید تیمسار کمال به عنوان وزیر دفاع بوده است) و سرلشگر رابین رئیس ستاد ارتش و چند شخصیت نظامی دیگر به عمل آمد.

سه میهمانی رسمی انجام شد که اولی از طرف رئیس اداره دوم ارتش سرتیپ یاریو و در یکی از

هتلهای درجه اول برپا گردید و نیز میهمانی شامی در منزل ژنرال آمیت رئیس سرویس و دیگری در منزل ژنرال یاریو انجام گردید که نمایندگی در هر سه دعوت داشت و آقای صدریه نیز به عنوان نماینده ایران دعوت گردیده بود.

در میهمانی منزل رئیس اداره دوم ارتش، ژنرال یاریو نطق مشروحی دایر بر روابط قدیمی بین دو کشور و نیز دوستی و صمیمیت فی مابین در حال حاضر و پیشرفتهای سریع ایران و انجام صحیح و کامل تبادل اطلاعات بین دستگاههای اطلاعاتی ایراد و جام خود را برای پایداری دوستی بین دو کشور نوشیدند.

تیمسار سپهبد کمال نیز متقابلاً طی سخنرانی کوتاهی اشاره به روابط قدیمی دو کشور نموده و فرمودند که کوروش کبیر یک شخصیت جهانی بوده و همه مرهون این شاهنشاه بزرگ می باشند و از خدمات ذی قیمت شاهنشاه آریامهر در خدمت به کشور ایران و اینکه وضع فعلی دو کشور تحت

توجهات معظم له می باشد، ایراد، و جام خود را به سلامتی شاهنشاه آریامهر برداشته که کلیه مدعوین نیز

ص: ۵۸۹

جام خود را نوشیدند. در شب آخر، میهمانی شامی در منزل نمایندگی ترتیب داده شد و در چهارشنبه

۲۹/۴/۴۵ به مرکز مراجعت نمودند.

مراتب جهت اطلاع به عرض رسید.(۱)

ص: ۵۹۰

۱- . سند ساواک، مورخ ۲/۵/۱۳۴۵، شماره ۴۰۰، از: وفا [نمایندگی ساواک در اسرائیل] به: مرکز [ساواک - تهران].

ضمیمه نه

معرفی نماینده جدید موساد در تهران

به مدیریت کل اداره دوم

از: تیمسار ریاست ساواک (اداره پیمان ها)

درباره معرفی جانشین آقای بهار

نظر به اینکه مدت مأموریت آقای بهار در ایران پایان یافته است سـرویس مطبوعه وی [موساد]آقای روبن مرهاو را به جانشینی نامبرده معرفی نموده است که بدین وسیله معرفی می گردد.

حوزه تیمسار ریاست ساواک(۱)

به: مدیریت کل اداره دوم

از: حوزه تیمسار ریاست ساواک (اداره پیمان ها)

پیرو ۲۱۲۰/۱۰۰۲-۱۸/۶/۵۴پ

نام مستعاری که جهت نامبرده پیروی فوق استفاده خواهد شد ماهان می باشد.

حوزه تیمسار ریاست ساواک – محیط(۲)

ص: ۵۹۱

۱- . سند ساواک، ۱۸/۶/۱۳۵۴، شماره ۲۱۲۰/۱۰۰۲پ.

۲- . سند ساواک، ۱۸/۶/۱۳۵۴، شماره ۲۱۲۱/۱۰۰۲پ.

ضمیمه ده

نامه رئیس قبلی موساد به رئیس ساواک

ژنرال نصیری عزیز

حال که به کشور خود مراجعت کرده ام. بایستی از پذیرایی گرم شما در دو بازدیدی که از ایران

نمودم تشکر نمایم، همچنین از روش جالب توجهی که در مورد کلیه مسائل اتخاذ نمودید سپاسگزارم.

اکنون که ما نخستین مرحله از ایجاد زمینه جدیدی برای همکاری بین دو کشور خود را تکمیل کرده ایم، مایلم خاطرنشان سازم که انجام این مأموریت، علیرغم مسئولیت سنگینی که دربر داشت باعث مسرت خاص من گردید. هنگامی که دریافتم شما مسئولیت اداره این طرح را به عهده گرفته اید بیش از حد احساس رضایت و خوشحالی نمودم زیرا با فردی مواجه بودم که صادقانه می توانستم با ایشان

اشتراک عقیده داشته باشم و ایمان داشتم که ایشان تا آنجا که مقدور باشد در زمینه موفقیت این طرح کوشش می نمایند. این ایام از روزهای تاریخی کشور من محسوب می شود و من از اینکه می توانم در این روزهای حساس بدین طریق اقدام مثبتی انجام دهم احساس سربلندی و غرور می نمایم.

صمیمیت و تفاهم شما مانند همیشه در حد اعلا قرار داشت. شما دارای فعالیت زیاد و مستمری می باشید و من امیدوارم که به اتفاق خانواده خود در شمال از استراحت کامل برخوردار شده و به سلامت به تهران مراجعت نموده باشید. همراه با بهترین آرزوها و گرمترین سلامها برای شما که با کمکهای صمیمانه خود موجب شدید اقامت من در کشور شما پرثمر و نتیجه بخش باشد. دوستدار

ز- زمیر(۱)

ص: ۵۹۳

۱- . سند ساواک، ۱۲ ژانویه ۱۹۷۵م/ دی ماه ۱۳۵۴. لازم به یادآوری است که زوی زامیر در سال ۱۹۷۳م/ ۱۳۵۲ از ریاست موساد کنار رفت و ژنرال هوفی خوفی جانشین او شد.

ضمیمه یازده

نامه نمایندگی ساواک مستقر در اسرائیل

درباره: میهمانی شام در نمایندگی اسرائیل

در تاریخ ۱۶/۱۲/۳۵[۱۳۵۵] به مناسبت ویلای جدید خریداری شده برای نمایندگی میهمانی شامی با شرکت آقای دکتر کیمخی قائم مقام سازمان اطلاعات اسرائیل و تعدادی از اعضای سرویس ترتیب داده شد که تا پاسی از نیمه شب ادامه یافت.

در این میهمانی کلیه میهمانانی که طبق فهرست اسامی پیوست دعوت شده بودند با بانوانشان شرکت کردند.

آقای کیمخی پس از بازدید از منزل اقدام سرویس ایران را در خرید خانه یک اقدام اساسی و به موقع خواند و از موقعیت محلی و ساختمان ویلا تعریف کرد. در این میهمانی ضمن صحبت سئوالاتی به شرح زیر مطرح شد:

۱- از آقای کیمخی سئوال شد شنیده شده که قرار است سفیر اسرائیل در ترکیه به جای سفیر کنونی اسرائیل در تهران منصوب شود آیا صحیح است (نامه شماره ۴۳۵۴۵/۲۳۲-۱۲/۱۲/۳۵). وی جواب داد بلی این تصمیم گرفته شده و این تغییرات در تابستان عملی خواهد شد. تغییرات

مزبور طبق مقررات وزارت خارجه اسرائیل است و سفیر کنونی اسرائیل در تهران(۱) اکنون نزدیک چهار سال است که در آن سمت خدمت می کند.

۲- از اوضاع جنوب لبنان و اینکه گفته می شود تیراندازیهایی از خاک اسرائیل به سوی فلسطینیهای

۱- . اوری لوبرانی

ساکن جنوب لبنان صورت می گیرد از آقای کیمخی سئوال شد، جواب داد مرزهای اسرائیل و لبنان اکنون ساکت است ولی برخوردهایی میان فلسطینیها و اهالی مسیحی و شیعیان ساکن دهکده های جنوبی لبنان صورت می گیرد و طبیعی است که اسرائیل به خاطر آنکه فلسطینیها را از مرز خود دور و سرگرم نگه دارد به مسیحیان و حتی شیعیان جنوب لبنان گذشته از کمکهای

بهداشتی کمک تسلیحاتی می کند و به آنها اسلحه و مهمات تحویل می دهد و در مورد نوع این

سلاحها اضافه کرد که حتی سلاحهای سنگین به آنها داده شده است و اینکه در جراید گفته شده از ناحیه اسرائیل به فلسطینیهای جنوب لبنان شلیک گردیده این اسلحه اسرائیل است که به

دست مسیحیان و شیعیان شلیک می شود.

۳- در این مذاکرات این نامدار تلویحا از وضع ارتباط با سرویس و اینکه مرتب رابط های تعیین شده تغییر می کنند و نمی توان فهمید چه کسی مسئول ارتباط و ترتیب دادن ملاقاتها است گله کرد که آقای کیمخی پاسخ داد اغلب افراد به سربازی دوره ای اعزام می شوند و به شوخی اضافه کرد که همه دستگاه سرویس اسرائیل به منزله عامل ارتباط با شما هستند. (پس از خاتمه میهمانی

نماینده ترکیه که در میهمانی حضور داشت از وضع ارتباط خود با سرویس اسرائیل گله داشت

و معتقد بود که اغلب سئوالات بدون جواب می ماند و شخص مسئولی وجود ندارد که جواب صریح به تلفنهای او بدهد).

۴- در مورد کسب اجازه رسمی برای دایر کردن بی سیم سئوال شد. آقای بارگیورا جواب داد در این باره با مقامات مسئول مذاکرات و کسب مجوز نموده است لکن از لحاظ امور فنی و عدم تداخل امواج لازم است قبل از نصب بی سیم مشخصات فنی بی سیم به مقامات فنی مسئول داده شود تا مورد بررسی قرار گیرد و در این باره ممکن است این مشخصات به رابط ما در

تهران داده و از آن طریق اقدام شود. (نامه شماره ۵۱۹۵/۲۰۴-۲۵/۱۰/۳۵).

۵- در پایان میهمانی آقای کیمخی برای آینده نزدیک از اینجانب و بانو در منزلش دعوت کرد که با اظهار خوشوقتی موافقت شد.(۱)

۱- . گزارش ساواک؛ مورخ ۲۲/۱۲/۳۵[۱۳۵۵]؛ شماره ۲۷۱۴.

ضمیمه دوازده

تشکر موساد از ساواک به دلیل حراست از اداره آژانس یهود

۱۵ خرداد ماه ۲۵۳۶[۱۳۵۶]

ترجمه نامه واصله از ژنرال خوفی رئیس سرویس اطلاعاتی اسرائیل

تیمسار عزیز

با نهایت ستایش و خوشوقتی اخبار مربوط به حمله ناموفق تروریستی علیه اداره آژانس یهود در تهران را که با شجاعت فراوان و کفایت فوق العاده خنثی گردیده دریافت کردم.

خواهشمندم صمیمانه ترین تبریکات مرا بدین مناسبت بپذیرید. شادباش ها و تبریکات قلبی من همچنین شامل حال کسانی می شود که در این عملیات درخشان شرکت کرده اند و از صمیم قلب آرزومندم کارمندانی که حین انجام وظیفه در جریان این عملیات زخمی شدند سریعا بهبود یابند.

دوستدار- ژنرال خوفی(۱)

ص: ۵۹۷

۱- . سند ساواک، ۱۵ خرداد ۲۵۳۶[۱۳۵۶].

ضمیمه سیزده

تشکر و دعای رئیس موساد!

از ژنرال خوفی رئیس اطلاعاتی اسرائیل

به تیمسار سپهبد ناصر مقدم ریاست ساواک ۵ نوامبر ۱۹۷۸

تیمسار مقدم عزیز:

در بازگشت از تهران مایلم تشکرات خود را به مناسبت میهمان نوازی باشکوهی که به بهترین نحو سنتی در تمام طول اقامتم در کشور شما نسبت به اینجانب معمول گردید، ابراز دارم.

این اولین ملاقات شخصی ما بود و من آن را فقط به عنوان مقدمه ای قلمداد می کنم. امیدوارم در آینده فرصت میهمانداری از شما را در اسرائیل داشته باشم. خوشحال خواهم بود که از شما

تیمسار عزیز و همکارانتان در کشورمان به عنوان میهمانان خود استقبال نمایم.

من و کلیه دوستان ایرانی در اسرائیل و در سراسر جهان دعا می کنیم که بحران کنونی(۱) که هم اکنون کشور شما را فرا گرفته به زودی برطرف شود.

بار دیگر مایلم از مهمان نوازیهای شما تشکر کنم. لطفا تشکرات شخص مرا به کلیه افرادی که

سهمی در پذیرایی عالی از اینجانب ایفا کرده اند ابراز فرمایید.

دوستدار- ژنرال خوفی(۲)

ص: ۵۹۹

۱- . مقصود قیام مردم مسلمان ایران است که در آن زمان اواسط آبان ۱۳۵۷، به تدریج اوج می گرفت.

۲- . سند ساواک، ۲۳/۸/۱۳۵۷. لازم به یادآوری است که نصیری رئیس ساواک در تیر ماه ۱۳۵۷ از سمت خود برکنار شد و ناصر مقدم به جای او به ریاست ساواک منصوب شد.

ضمیمه چهارده

رایزنی رئیس موساد در تهران

هوفی رئیس سرویس اطلاعاتی و جاسوسی اسرائیل در آبان ماه سال ۱۳۵۷ در اوج مبارزات مردم مسلمان ایران برای رایزنی اطلاعاتی با ساواک در چگونگی سرکوب نهضت اسلامی وارد ایران شد.

گزارش

منظور: استحضار تیمسار ریاست ساواک و صدور اوامر

رابط سرویس اسرائیل روز شنبه ۲۲/۷/۵۷ اطلاع داد که ژنرال خفی (رئیس سرویس) روز جمعه ۵ آبان ماه ۵۷ در راه مراجعت از خاور دور به اسرائیل وارد تهران شده و تا یکشنبه ۷ آبان ماه در تهران اقامت خواهد داشت.

رابط اضافه کرد که به همین منظور آقای بارگیورای که از مقامات سرویس اسرائیل می باشد روز ۲۵ مهر ماه ۵۷ برای یک اقامت سه روزه و پیش بینی مسافرت رئیس سرویس متبوعه خود وارد

تهران خواهد شد. رئیس سرویس اسرائیل درخواست نموده که با تیمسار ریاست ساواک ملاقات و مذاکره نماید.

مراتب از عرض می گذرد تا در صورت تصویب موضوع به تشریفات ساواک اعلام شود.

اداره همکاریها(۱)

ص: ۶۰۱

۱- . سند ساواک، ۲۳/۷/۱۳۵۷.

کتابنامه

۱.

آخرین سفر شاه، ویلیام شوکراس، ترجمه عبدالرضا هوشنگ مهدوی، تهران، نشر البرز، چاپ هشتم ۱۳۷۱.

۲.

اتاق های گاز (در جنگ جهانی دوم)؛ واقعیت یا افسانه؟ روبر فوریسون، تهران، مؤسسه

فرهنگی پژوهشی ضیاءاندیشه، چاپ اول ۱۳۸۱.

۳.

ارتباط خطرناک، اندروولسلی کاکبورن، ترجمه محسن اشرفی، مؤسسه اطلاعات، چاپ اول ۱۳۷۱.

۴.

ارتباط صهیونیستی، آلفرد. م. لیلیانتال، ترجمه سیدابوالقاسم حسینی (ژرفا)، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ اول ۱۳۷۹.

۵.

اریتره، داود کریملو، تهران، مؤسسه چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، ۱۳۷۳.

۶.

استراتژی اسرائیل، دکتر غازی اسماعیل ربابعه، مترجم: محمدرضا فاطمی، نشر سفیر، چاپ اول ۱۳۶۸.

۷.

استراتژی صهیونیسم در منطقه عربی، مؤسسه «الارض» ویژه مطالعات فلسطینی، تهران، انتشارات بین الملل اسلامی، چاپ اول ۱۳۶۳.

۸.

اسرائیل پس از ۲۰۰۰، افرایم سنیه، عبدالکریم جادری، تهران، دوره عالی جنگ، چاپ اول ۱۳۸۱.

۹.

اسـرائیل و سـلاح های هسـته ای، آونر کوهن، ترجمه رضا سعیدمحمدی، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، چاپ اول ۱۳۸۱.

۱۰. اسناد لانه جاسوسی «شماره ۱۱»، دانشجویان مسلمان پیرو خط امام.

ص: ۶۰۳

۱۱. اسناد لانه جاسوسی «شماره ۳۶»، دانشجویان مسلمان پیرو خط امام.

۱۲. افسانه قتل عام یهود، زین العابدین صدیق (ابومحی الدین)، تهران، نشر هلال، چاپ اول ۱۳۷۲.

۱۳. السلام مَع المُحتلین؛ واقعیه أم انتحار!؟، محمدتقی تقی پور، ترجمه عبدالکریم محمود، تهران، منظمه الاعلام الاسلامی، ۱۹۹۳م/ ۱۴۱۴ه .

۱۴. ایالات متحده و اسرائیل، دیوید شون بام، ترجمه محمدرضا ملکی، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، چاپ اول ۱۳۸۱.

۱۵. ایران و تحولات فلسطین، علی اکبر ولایتی، تهران، مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، چاپ اول ۱۳۸۰.

۱۶. برآورد استراتژیک اسرائیل، اسماعیل عبداللهی و مهدی زیبایی، مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین المللی ابرار معاصر تهران، چاپ اول ۱۳۸۱.

۱۷. برآورد استراتژیک مصر، گردآوری: مختار حسینی، جلد اول، تهران، مؤسسه مطالعات و تحقیقات بین المللی ابرار معاصر، چاپ اول ۱۳۸۰.

۱۸. برخورد فرهنگ ها، برنارد لوئیس، ترجمه بهمن دخت اویسی، تهران، نشر فرزان با

همکاری مرکز گفت وگوی تمدن ها، چاپ اول ۱۳۸۰.

۱۹. بنیادگرایی صهیونیستی یهود، گیدیون آران، ترجمه احمد تدین، تهران، نشر هرمس، چاپ اول ۱۳۷۸.

۲۰. پاسخ به تاریخ، محمدرضا پهلوی، ترجمه حسین ابوترابیان، تهران، ناشر: مترجم، چاپ اول ۱۳۷۱.

۲۱. پرونده اسرائیل و صهیونیسم سیاسی، روژه گارودی، ترجمه نسرین حکمی، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۴.

۲۲. پژوهه صهیونیت، [کتاب اول]، مؤسسه فرهنگی پژوهشی ضیاءاندیشه، چاپ اول ۱۳۷۶.

۲۳. پژوهه صهیونیت (کتاب دوم)، تهران، مرکز مطالعات فلسطین، چاپ اول ۱۳۸۱.

۲۴. پنهانکاری و دمکراسی، استانسفیلد ترنر (رئیس سازمان سیا در زمان کارتر)، ترجمه دکتر حسین ابوترابیان، مؤسسه اطلاعات، چاپ چهارم ۱۳۷۰.

۲۵. تاریخ معاصر کشورهای عربی، د.ر. فوبلیکوف (سرویراستار)؛ س.ی. کیکتیف؛ م.س. لازاروف؛ ی.ا. لیبیدیف؛ ک.ن. نیچکین، ف.ب. رومیانتسیف؛ ع.ف. سلطانوف؛ ترجمه دکتر محمدحسین روحانی، انتشارات توس، چاپ دوم ۱۳۶۷.

۲۶. تاریخ یهود- مذهب یهود؛ بار سنگین سه هزاره، اسرائیل شاهاک، ترجمه دکتر مجید شریف، تهران، انتشارات چاپخش، چاپ اول ۱۳۷۶.

۲۷. ترکیه، صابر قاسمی، مؤسسه چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، تهران، چاپ اول ۱۳۷۴.

۲۸. تروریسم مقدس اسرائیل، لیویارو کاچ، ترجمه مرتضی اسعدی، تهران، مؤسسه کیهان، چاپ دوم ۱۳۷۵.

۲۹. تفنگ و شاخه زیتون، دیوید هرست، ترجمه رحیم قاسمیان، تهران، چاپ و نشر بنیاد، چاپ اول ۱۳۷۰.

۳۰. توپ برفی، شیمون شیفر، ترجمه محمود شمس، تهران، مؤسسه خدمات فرهنگی رسا، چاپ اول ۱۳۶۸.

۳۱. توطئه جهانی، محمدتقی تقی پور، جلد اول، مرکز چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی، چاپ اول ۱۳۶۷.

۳۲. جاسوسان خط آتش، ساموئل کاتز، ترجمه محسن اشرفی، تهران، مؤسسه اطلاعات، چاپ اول ۱۳۷۵.

۳۳. جانبداری (روابط امریکا و اسرائیل)، استیون گرین، ترجمه سهیل روحانی، تهران،

چاپ و نشر بنیاد، چاپ اول ۱۳۶۸.

۳۴. جغرافیای سیاسی خاورمیانه و شمال آفریقا، آلاسدایر درایسدل و جرالد اچ. بلیک، ترجمه دُرّه میرحیدر، تهران، مؤسسه چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، چاپ چهارم ۱۳۷۴.

۳۵. جنبش های کُرد از دیرباز تاکنون، م. کاردوخ، ناشر: COIMEX ، سوئد، چاپ اول ۱۹۹۳.

۳۶. جنگهای نهانی اسرائیل «تاریخ ناگفته دستگاه جاسوسی اسرائیل»، یان بلک و بنی موریس، ترجمه جمشید زنگنه، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ اول ۱۳۷۲.

۳۷. خاطرات دو سفیر، ویلیام سولیوان و سرآنتونی پارسونز، ترجمه محمود طلوعی، تهران، انتشارات عِلم، چاپ اول ۱۳۷۲.

۳۸. خاطرات فاطمه پاکروان «همسر سرلشکر حسن پاکروان: افسر ارتش، رئیس ساواک،

وزیر اطلاعات و سفیر»، ترجمه اسماعیل سلامی، تهران، نشر مهراندیش، چاپ اول ۱۳۷۸.

۳۹. خاورمیانه جدید، شیمون پرز، ترجمه عربی: محمد حلمی عبدالحافظ، مترجم فارسی: عدنان قارونی تهران، مرکز مطالعات و پژوهش های راهبردی آسیا، چاپ اول ۱۳۷۶.

۴۰. خاورمیانه «دو هزار سال تاریخ از ظهور مسیحیت تا امروز»، برنارد لوئیس، ترجمه

حسن کامشاد، نشر نی، تهران، چاپ اول ۱۳۸۱.

۴۱. خطا و خیانت در لبنان، جرج بال، ترجمه حسین ابوترابیان، تهران، مؤسسه اطلاعات، چاپ اول ۱۳۶۵.

۴۲. خطوط برجسته تفکر استراتژیک نوین اسرائیل، افرایم اینبار، ترجمه میرسعید مهاجرانی، فصلنامه سیاست دفاعی، پژوهشکده علوم دفاعی دانشگاه امام حسین(ع)، شماره ۲، بهار ۱۳۷۶.

۴۳. دانشنامه فلسطین، مجید صفاتاج، جلد اول، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ اول ۱۳۸۰.

۴۴. دایره المعارف فارسی، غلامحسین مصاحب، جلد اول، تهران، شرکت سهامی کتابهای جیبی، چاپ سوم ۱۳۸۱.

۴۵. دایره المعارف فارسی، غلامحسین مصاحب، جلد دوم، بخش اول، تهران، شرکت سهامی کتابهای جیبی، چاپ سوم ۱۳۸۱.

۴۶. دایره المعارف فارسی، غلامحسین مصاحب، جلد دوم، بخش دوم، تهران، شرکت سهامی کتابهای جیبی، چاپ سوم ۱۳۸۱.

۴۷. در خاورمیانه چه گذشت، ناصرالدین نشاشیبی، ترجمه محمدحسین روحانی، انتشارات توس، چاپ سوم ۱۳۶۷.

۴۸. دوستان بلندپایه، لیتون مک کارتنی، ترجمه محسن اشرفی، مؤسسه اطلاعات، چاپ اول ۱۳۶۸.

۴۹. راه نیرنگ، ویکتور استروفسکی، ترجمه محسن اشرفی، تهران، مؤسسه اطلاعات، چاپ پنجم ۱۳۷۶.

۵۰. رهبران اسرائیل، محمد شریده، ترجمه و پژوهش بیژن اسدی - مسعود رحیمی، تهران،

انتشارات کویر، چاپ اول ۱۳۷۸.

۵۱. ریشه هـای جنـگ های اعراب و اسـراییل، ریچی اون دیل، ترجمه ارسـطو آذری، تهران، مؤسـسه انتشارات امیرکبیر، چاپ اول ۱۳۷۶.

۵۲. زندگی سیاسی ناصر، آگاریچف، ترجمه محمد جواهرکلام، شرکت نشر و پخش ویس، چاپ اول ۱۳۶۸.

۵۳. سازمانهای یهودی و صهیونیستی در ایران، مؤسسه مطالعات و پژوهش های سیاسی، چاپ اول، ۱۳۸۱.

۵۴. ساختارهای صهیونیستی، صبری جریس - احمد خلیفه، ترجمه قبس زعفرانی، تهران،

دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، چاپ اول ۱۳۸۱.

۵۵. سـاواک و دسـتگاه اطلاعات اسـرائیل، عبـدالرحمان احمـدی، تهران، مؤسـسه مطالعات و پژوهش های سیاسـی، چاپ اول ۱۳۸۱.

۵۶. ساواک و نقش آن در تحولات داخلی رژیم شاه، تقی نجاری راد، تهران، انتشارات

مرکز اسناد انقلاب اسلامی، چاپ اول ۱۳۷۸.

۵۷. سپهبد تیمور بختیار (به روایت اسناد ساواک)، جلد اول، مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، چاپ اول ۱۳۷۸.

۵۸. سپهبد تیمور بختیار (به روایت اسناد ساواک)، جلد دوم، مرکز بررسی اسناد تاریخی

وزارت اطلاعات، چاپ اول ۱۳۷۸.

۵۹. سپهبد تیمور بختیار (به روایت اسناد ساواک)، جلد سوم، مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، چاپ اول ۱۳۷۸.

۶۰. سلسله پهلوی و نیروهای مذهبی به روایت تاریخ کمبریج، ترجمه عباس مخبر، تهران، طرح نو، چاپ دوم، ۱۳۷۲.

۶۱. سیاست خارجی آمریکا و شاه، مارک. ج. گازیوروسکی، ترجمه فریدون فاطمی، تهران،

نشر مرکز، چاپ اول ۱۳۷۱.

۶۲. سیاست خارجی ایران در دوران پهلوی، عبدالرضا هوشنگ مهدوی، تهران، نشر پیکان، چاپ چهارم ۱۳۷۷.

۶۳. شکست شاهانه، ماروین زونیس، ترجمه عباس مخبر، تهران، طرح نو، چاپ اول ۱۳۷۰.

۶۴. شناسایی و شکار جاسوس، پیتر رایت، ترجمه محسن اشرفی، تهران، مؤسسه

اطلاعات، چاپ هفتم ۱۳۷۲.

۶۵. شوق آموختن، آرچیبالد روزولت، ترجمه صهبا سعیدی، تهران، مؤسسه اطلاعات، چاپ اول ۱۳۷۱.

۶۶. ظهور و سقوط سلطنت پهلوی، جلد اول (خاطرات ارتشبد سابق حسین فردوست)، تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهش های سیاسی، چاپ سوم ۱۳۷۰.

۶۷. ظهور و سقوط سلطنت پهلوی، جلد دوم (جستارهایی از تاریخ معاصر ایران)، تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهش های سیاسی، چاپ سوم ۱۳۷۰.

۶۸. فرصت را از دست ندهید، ریچارد نیکسون، ترجمه محمود حدادی، تهران، مؤسسه اطلاعات، چاپ اول ۱۳۷۱.

۶۹. قوم من (تاریخ بنی اسرائیل)، آبا اِبان، چاپخانه بانک ملی ایران، ۱۳۵۲.

۷۰. گفت وگوهای سرّی میان اعراب و اسرائیل، محمدحسنین هیکل، تهران، انتشارات

همشهری، چاپ اول ۱۳۷۸.

۷۱. مثلث سرنوشت ساز، نوام چامسکی، ترجمه عزت اللّه شهیدا، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، چاپ اول ۱۳۶۹.

۷۲. مسأله کُرد و روابط ایران و ترکیه، رابرت اُلسن، ترجمه ابراهیم یونسی، تهران، نشر پانیذ، چاپ اول ۱۳۸۰.

۷۳. مشاهیر سیاسی قرن بیستم، احمد ساجدی، ویراستار علمی: محمد رجبی، تهران، انتشارات محراب قلم، ۱۳۷۷.

۷۴. مشت آهنین، لنی برنر، ترجمه دکتر حسین ابوترابیان، مؤسسه اطلاعات، چاپ سوم ۱۳۷۴.

۷۵. مصاحبه با شاه، مارگارت لاینگ، ترجمه اردشیر روشنگر، تهران، نشر البرز، چاپ دوم

.۱۳۷۱

۷۶. نخبه جاسوسان اسرائیل، استوارت استیون، ترجمه م. دانشمند، تهران، نشر پاژنگ، ۱۳۷۱.

۷۷. نقش یهود و قدرتهای بین المللی در خلع سلطان عبدالحمید از سلطنت، ترجمه

حجت اللّه جودکی و احمد درویش، تهران، مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، چاپ اول ۱۳۸۰.

۷۸. یادداشت های عَلَم (خاطرات اسداللّه عَلَم)، ویرایش از علینقی عالیخانی، جلد چهارم، شرکت کتابسرا، چاپ اول ۱۳۸۰.

۷۹. یهود بین الملل، هنری فورد، ترجمه علی آرش، تهران، مؤسسه فرهنگی پژوهشی ضیاء اندیشه، چاپ اول ۱۳۸۲.

ص: ۶۰۹

فهرست اعلام

اشاره

ص: ۶۱۱

آ – ال–ف

ص: ۶۱۳

ب

ص: ۶۱۶

____

پ

ذ

ر

____

ز

ژ

س

ش

____

ص

ض

ط

ع

غ

ف

ک

گ

ل

م

ن

____

و

ه

ی

نقشه

ص: ۶۳۱

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِی الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ .ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



قائمیه
مرکز تحقیقات رایانه ای
اصفهان
برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹